

# اشنایی با مسائل مختلف خانواده

## مجموعه چند کتاب درباره خانواده





## مقدمه

سپاس بیکران خداوند حکیم و صلوات فراوان بر سرور انبیاء حضرت  
محمد مصطفی و اهل بیت طاهرینش

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ  
مَوَدَّةً وَرَحْمَةً ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

(روم ایه 21)

و از نشانه های [قدرت و ربوبیت] او این است که برای شما از جنس  
خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و در میان شما  
دوستی و مهربانی قرار داد؛ یقیناً در این [کار شگفت انگیز] نشانه هایی  
است برای مردمی که می اندیشند،  
خانواده مرکز همه فعالیت های بشر است. همه وزارتخانه ها و سازمان ها و  
تشکیلات در هر کشوری برای خدمت به خانواده تلاش می کنند.  
خانواده ها دارای مسائل مختلفی هستند که چنانچه افراد خانواده از این  
مسائل آگاهی داشته باشند کمتر دچار آسیب می شوند.

یکی از مسائل خانواده وظایف اعضای خانواده است. زن و شوهر و فرزندان هر کدام وظایفی دارند اگر انجام دهند خانواده از آسیب ها دور می گردد.

همچنین یکی از مسائل خانواده اخلاق در خانواده است. پدر و مادر و فرزندان اگر خوش اخلاق باشند خانواده آرامش دارد والا هر روز بگو مگو و دعوا است....

در این کتاب مجموعه چند کتاب که درباره خانواده تالیف شده را جمع اوری کردیم تا گام بزرگی در شنایی مخاطبان با مسائل خانواده برداریم انشاءالله.

تابستان 1404. کرمانشاه

## خانواده

### ایرانی اسلامی

- 1- خانواده و تربیت فرزندان
- 2- خانواده و برخورد با مشکلات
- 3- خانواده و معنویات
- 4- خانواده و شادی
- 5- خانواده و عزاداری
- 6- خانواده و بهداشت
- 7- خانواده و صلّه ارحام
- 8- خانواده و اقتصاد
- 9- خانواده و علم و دانش
- 10- خانواده و محبت
- 11- خانواده و دیدار دوستان
- 12- خانواده و کارهای خیر (عیادت مریض - کمک به نیازمندان)

## 1- خانواده و تربیت فرزندان

رسول گرامی خدا ص مکرراً در رابطه با تربیت فرزندان توصیه کرده‌اند و والدین را به توجه و انجام صحیح مسئولیت‌هایشان تشویق نموده‌اند، حضرت فرمودند: «وَالرَّجُلُ فِي أَهْلِهِ رَاعٍ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، وَالْمَرْأَةُ فِي بَيْتِ زَوْجِهَا رَاعِيَةٌ وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْ رَعِيَّتِهَا...».

«مرد سرپرستی و اداره زن و فرزند را بعهده دارد و زن نیز در خانه شوهرش سرپرست و مسئول امور فرزندان می‌باشد و در رابطه با آنان خدایتعالی در روز قیامت از او سؤال خواهد کرد».

«أدبوا أولادكم وأحسنوا أدبهم».

«فرزندان خود را تربیت کنید و آنان را با اخلاق نیکو شایسته، آراسته سازید».

«مروا أولادكم بامتنال الأوامر، واجتناب النواهي، فذلك وقاية لهم من النار».

«به فرزندان خود امر کنید که دستورات خدا را اطاعت کنند و از آنچه خدا بر حذر می‌دارد دوری نمایند که این راه محفوظ ماندن آنان از آتش عذاب الهی است».

**والدین کودک را با خود به مساجد و مجالس اهل بیت ع و دیگر مجالس مذهبی ببرند. و او را به نماز سفارش کنند.**

کودکانی که در زیارتگاهها و مراسم موالید و عزاداری اهل بیت (ع) و مساجد حضور می‌یابند، از برکات این مجالس مستفیض خواهند شد و علاقه به اهل بیت (ع) در وجود آنها ریشه پیدا می‌کند و گاه آثار مثبت مهمی در زندگی آنها بجا می‌گذارد.

بردن کودک به مساجد و مجالس جشن مذهبی و عزاداری و شنیدن صدای قرآن با صوت دلنشین، و دیدن اقامه نماز بزرگ ترها و مشاهده زمزمه‌های عاشقانه انسان‌ها در تلطیف روح کودکان مؤثر است.

«حضرت زهرا (س) برای اینکه فرزندانش در شبهای احیاء خوابشان نبرد، روز قبل آنها را می‌خواباندند و همچنین موقع احیاء اگر فرزندی خوابش می‌برد، آب به صورتش می‌زدند. تا از فیض شب قدری بهره‌نمانند.)

(امام باقر (ع) بعد از نماز صبح نمی‌گذاشتند نوجوانان بخوابند بلکه اگر قرآن بلد بودند می‌فرمودند قرآن بخوانند و هر که بلد نبود می‌فرمودند ذکر بگویند. و این تا طلوع آفتاب ادامه داشت)

امام صادق (ع) درباره شیوه تربیتی که خودشان بر آن عمل می‌کردند و سیره خاندان ایشان بود، می‌فرماید: انا نامر صبیاننا بالصلاه و الصیام ما اطاقوا اذا كانوا أبناء سبع سنین؛ ما هنگامی که کودکانمان هفت ساله می‌شوند به اندازه ای که طاقت دارند آنان را به انجام نماز و روزه فرمان می‌دهیم.

پیامبر (ص) می‌فرماید: اگر موی اولادکم و احسنوا آدابهم یغفر لکم؛ فرزندان خود را گرامی بدارید و خوب تربیتشان کنید تا گناهان شما آمرزیده شود. (مکارم الاخلاق، ص ۲۲۲)

رسول اکرم (ص) می‌فرماید: ایشان در این باره می‌گویند: ادبوا اولادکم علی ثلاث خصال: حب نبیکم و حب اهل بیته و قراءه القرآن؛ فرزندان خود را به کسب سه خصلت تربیت کنید: دوستی پیامبرتان و دوستی خاندانش و قرائت قرآن. (غررالحکم، حدیث ۸۸۴۴ و نیز کنز العمال، ج ۱۶، ص ۶۵۴، حدیث ۹۰۴۵۴)

پیامبر اکرم ص فرمودند:

«مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلَاةِ وَهُمْ أَبْنَاءُ سَبْعِ سِنِينَ، وَاضْرِبُوهُمْ عَلَيْهَا، وَهُمْ أَبْنَاءُ عَشْرِ، وَفَرِّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ».

«وقتی بچه‌هایتان به سن هفت سالگی رسیدند آن‌ها را به نماز خواندن امر کنید و چنانچه به ده سالگی رسیدند و نماز نخواندند و امر شما را اطاعت نکردند، آنان را تنبیه کنید! از ده سالگی به بعد جای خواب بچه‌هایتان را از هم جدا کنید.

## فرزند را با القاب خوب صدا بزیم

برای پدر و مادر و هیچکس دیگر جایز نیست که فرزند را با القاب زشت صدا کند، القابی مانند: تنبل، بی عرضه، بی دست و پا، نادان، بی عقل و مانند آن، زیرا خدای تعالی می‌فرماید:

﴿وَلَا تَنَابَرُوا بِالْأَلْقَابِ﴾ [الحجرات: 11].

«و به یکدیگر القاب زشت ندهید».

زیرا القاب زشت اثر بزرگی در انحراف شخصیت روحی و اجتماعی فرزند خواهند داشت و او را عقده ای و ناراضی از خانواده بار خواهد آورد.

«چه بسیارند پدران و مادرانی که اگر فرزندشان حتی یک بار از سنن و قوانین اخلاقی تخطی کند او را بدنام کرده و در مقابل جمع به او توهین می‌کنند.

اگر یک بار دورغ گفت، او را دروغگو صدا می‌زنند، اگر یک بار خواهر یا برادر کوچکترش را کتک زد، او را شرور لقب می‌دهند، اگر یک بار سیب خواهرش را به زور بگیرد، او را زورگو می‌نامند و اگر قلم برادرش را از جیبش بردارد، دزد نامیده می‌شود و اگر از او بخواهیم برایمان یک لیوان آب بیاورد و اطاعت نکند در مقابل دیدگان خواهر و برادرش و یا سایرین به تنبلی متهم می‌شود».

یکی دیگر از نمونه‌های تحقیر و اهانت به کودکان صدا زدن آنان با کلمات ناشایست و عبارات زشت در جمع خانواده و یا دوستان است. گاهی والدین پا را از این هم فراتر گذاشت و در مقابل دوستان کودک یا حتی افراد بیگانه به فرزند خویش توهین می‌کنند. بدون تردید اینگونه برخوردها با کودک باعث می‌شود که احساس کند. موجودی بی‌ارزش و حقیر است که دیگران برایش اعتباری قائل نیستند، با این احساس به تدریج عقده‌های



روانی در درون او شکل می‌گیرد که خود عامل ایجاد تنفر، حقد و کینه نسبت به سایرین می‌شود بنابراین در آینده، انسانی خواهد بود که از مردم می‌گریزد و از زیر بار مسئولیت‌ها و وظایف خود شانه خالی می‌کند.

از اینجاست که متوجه می‌شویم بعضی از والدین، مربیان و معلمان چه جنایت بزرگی در حق فرزندان‌شان مرتکب می‌شوند و با دست خویش با این گونه رفتارهای خشن و بی‌رحمانه و تحقیرهای نابجا، آنان را به جانب حیاتی آکنده از خطا و انحراف سوق می‌دهند.

ما چگونه می‌توانیم از فرزندانمان انتظار اطاعت، نیکی و احترام به بزرگتر و تعادل روحی و ثبات اخلاقی داشته باشیم در حالی که از همان کودکی با دست خود بذر عقده‌های روانی و سرپیچی و تمرد را در وجودشان می‌کاریم!

**- اگر فرزند دختر است، اهمیت حجاب و عفاف را در مناسبت‌های مختلف به او گوشزد نماید و نگذارد که با لباس نامناسب در کوچه و خیابان ظاهر شود. یا با نامحرمان دوستی کند.**

خدایتعالی در سوره احزاب می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ٥٩﴾ [الأحزاب: 59].

«ای پیامبر، به زنان و دخترانت و سایر زنان مسلمان بگو که جامه‌ای گشاد بپوشند (تا محاسن و زیبایی‌هایشان را بپوشاند) و این مناسب‌ترین راه است که آنان را از زنان مشرک تمیز دهند و آزار ننمایند و خداوند محققاً بخشایشگر و مهربان است».

و در سوره نور می‌فرماید:

﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُضْنَ مِنْ أَبْصَرِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى خُبُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ﴾ [النور: 30-32].

«ای محمد!» بگو که مردان مؤمن چشم‌هایشان را از نگاه به نامحرم باز دارند و اعضای تناسلی خود را از زنا و فعل حرام حفظ کنند که به تقوی و طهارت نزدیک‌تر است. به تحقیق خداوند بر هر آنچه که می‌کنند آگاه است و به زنان مؤمن بگو که چشم خود را از نگاه حرام باز دارند و اعضای تناسلی خود را از فعل حرام حفظ کنند و زینت‌های خود را ظاهر نکنند، مگر آنچه ظاهر می‌شود و مقنعه‌های خود را بر گریبان خود اندازند، و زینت‌های خود را آشکار نسازند، مگر برای شوهرانشان و پدرانشان و...».

رسول خدا ص فرمود: «صنفان من أهل النار لم أرهما: قوم معهم سياط كأذناب البقر يضربون بها الناس، ونساء كاسيات عاريات، مائلات، مميلات، ورؤوسهن كأشمة البخت المائلة، لا يدخلن الجنة ولا يجدن ريحها، وإن ريحها ليوجد من مسيرة خمسمائة عام».

«دو گروه در قیامت اهل آتشند که حالا وجود ندارند اما در آینده خواهند بود، گروه اول: قدرتمندان ظالمی هستند که شلاق‌هایی مانند دم گاو در دست دارند، (کنایه از ابزار و اسلحه ظالمین برای ارباب و شکنجه مردم) که با آن مردم را می‌زنند و گروه دوم: زنانی که لباس بر تن دارند اما از فرط تنگی و شفافیت لباس، عریان هستند، با ناز و کرشمه راه می‌روند و چشم و قلب مردم را بسوی خود جذب می‌کنند و موهایشان را مانند کوهان شتر بر روی سر جمع کرده و بالا می‌آورند، این دو گروه به بهشت وارد نمی‌شوند و حتی بوی آن هم به مشامشان نمی‌رسد، بهشتی که بوی آن را از فاصله 500 سال می‌توان احساس کرد».

خدایتعالی خطاب به زن مسلمان می‌گوید:

﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾ [الأحزاب: 33].

«در منزل‌هایتان بمانید! (بغیر از ضرورت خارج نشوید) و مانند جاهلیت پیش از اسلام خود را آشکار نسازید».

و در آیه دیگری می‌فرماید:

﴿وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَلُّوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ﴾ [الأحزاب: 53].

«و اگر از آنان (اشاره به همسران پیامبر) متاعی در خواست نمودید از پشت پرده‌ای باشد که این عمل برای قلب شما و آنان پاکیزه‌تر است».

پیامبر خدا ص فرمود: «لا یخلون رجل وامرأة إلا کان الشیطان ثالثهما». «هر زن و مردی با هم خلوت کنند، شیطان نیز حتماً همراه آند و خواهد بود».

رسول خدا ص فرمودند: «إیاکم والدخول علی النساء، فقال رجل: یا رسول الله! أفرایت الحموی (ای قریب الزوج)؟ قال: الحموی الموت». «از داخل شدن به مکانی که زنی تنها در آن است بپرهیزید». پرسیدیم: ای رسول خدا، آیا نزدیکان شوهر می‌توانند وارد شوند؟ پیامبر ص فرمود: «قوم و خویش نزدیک شوهر مرگ است» (مقصود آنحضرت ص این بوده است که این ممنوعیت برای نزدیکان شوهر بسیار شدیدتر است).

از «ابن عباس» روایت شده است که رسول اکرم ص فرمودند: «لا یخلون أحدکم بامرأة إلا مع ذی محرم». «هیچکدام از شما نباید با زنی خلوت کند مگر آنکه محرم زن همراه او باشد».

«ابوسعید» می‌گوید: رسول خدا ص فرمود که از نشستن در راه‌ها بپرهیزید! گفتیم ای رسول خدا ص ما در راه با یکدیگر برخورد می‌کنیم و به ضرورت با یکدیگر سخن می‌گوئیم پس ناچاراً در جایی برای مدتی با هم توقف کرده و جمع می‌شویم. فرمود: پس اگر در راهی جمع شدید حق راه را ادا کنید! گفتیم حق راه چیست؟ ای رسول خدا ص، فرمود: «به نامحرم نگاه نکنید! به کسی آزار نرسانید! سلام را جواب بگوئید! امر به معروف و نهی از منکر نمائید».

بدیهی است که اگر تمامی انسان‌ها از پیرو جوان، زن و مرد، کوچک و بزرگ، حاکم و محکوم و... این مبانی ارزشمند و جاودان را برگزینند و براساس آن زندگی کنند و از هر آنچه کرامت و فضیلت انسانی را لکه‌دار می‌کند، بپرهیزند و برهنگی و اختلاط زن و مرد را کنار بگذارند، در فاصله‌ای نه چندان زیاد جوامع بشری به گلستانی از فضایل اخلاقی تبدیل خواهد شد و انسان سرگشته امروزی در سایه آن با اطمینان و آرامش روحی به حیات خویش ادامه می‌دهد و برای خواهد رفت که نتیجه‌اش سعادت جاودانی است، چنین جامعه‌ای برنامه

و دستورالعمل خدای خود را در زندگی خویش اجرا کرده است و حقیقتاً چرا این راه تا به این حد پر ثمر و ارزشمند است؟

جواب روشن است، زیرا طریقی است که خالق انسان برایش ترسیم کرده است مسلماً بهترین راه نیز خواهد بود. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ [الأنعام: 153].

«این راه راست من است از آن پیروی کنید و به راه‌های دیگر نروید که متفرق خواهید شد، (و از راه من دور نشوید) اینچنین پروردگارتان به شما سفارش کرد، شاید که پرهیزگار شوید».

اسلام روی پاکدامنی و عفاف خانواده مخصوصاً زنان و دختران تاکید زیادی دارد. زیرا عفاف باعث استحکام خانواده و ناپاکی باعث ازهم پاشیدگی خانواده خواهد شد. رعایت روابط محرم و نامحرم و رعایت پوشش درمقابل بیگانه اثرات مثبتی در خانواده ایجاد می‌کند.

حجاب دختر تا اندازه زیادی به حجاب مادر و طرز فکر و تقید مادر به حجاب بر می‌گردد. چه بسا مادرانی که خود حجابی دارند ولی از کودکی دختران خود را همچون عروسک! زینت و آرایش نموده و باخود در کوی و برزن و مجالس عروسی و مهمانی‌ها به نمایش می‌گذارند اما نمی‌دانند که چگونه دختر خود را از راه عفت و حیا دور کرده و او را به انحرافات سوق می‌دهند.

**- برای آموزش قرآن به فرزندش برنامه ریزی کند.**

یکی از حقوق فرزند بر والدین این است که به قرآن یاد دهند... پدر و مادر باید در مورد تعلیم قرآن به فرزندش همواره تأکید و جدیت داشته باشند همانطور که در مورد لباس و غذای کودکش توجه دارد.

«یکی از مؤمنین می گفت که وقتی ما بچه بودیم در روستا زندگی می کردیم، پدرمان ملاّی را از شهر آورد و خرج مسکن و غذا و حقوقش را به عهده گرفت تا او در چندماه بما قرآن بیاموزد. و او هم این کار را انجام داد و ما دو برادر قرآن را در کودکی فرا گرفتیم»

امام حسین و معلم قرآن فرزندش

## **در ایام نوجوانی نظارت کامل بر معاشرت فرزندش داشته باشد.**

«فرمانده نیروی انتظامی: 75 درصد انحرافات نوجوانان در بین راه مدرسه تا خانه رخ می دهد.»

از عوامل اساسی دیگر که منجر به انحراف فرزند می شود، دوستان بد و همراهان فاسد است. خصوصاً زمانی که فرد از لحاظ ذهنی رشد مناسبی ندارد و از جهت عقیدتی ضعف داشته و سست اخلاق باشد، خیلی سریع تحت تاثیر رفیق بد قرار می گیرد و بزودی از این دوستان فاجر و فاسق، اخلاق منحط و عادات زشت و ناپسند را کسب می کند و همراه آنان به سرعت براه شقاوت و بدبختی گام می نهد، تا اینکه جرم و خلاف کاری جزو طبیعت او می شود و تبهکاری برای او به عادتی تبدیل می شود که پس از این مرحله باز گرداندن او براه راست و نجات از باتلاق بدبختی و انحرافی که هر لحظه بیشتر در آن فرو می رود و از مسیر منحرفی که وارد آن شده است، بسیار مشکل می شود.

یکی از نکات مهم در تعالیم تربیتی که باید والدین و مربیان به آن توجه نمایند، دوستان و رفقای نزدیک بچه های آنهاست، بخصوص در سن نوجوانی این موضوع اهمیت بیشتری پیدا می کند.

باید رفت و آمدهای آنان تحت نظارت و بررسی والدین باشد و بدانند که به کجا می روند و به چه کارهایی مشغولند و آنها را راهنمایی کنند تا دوستان شایسته ای انتخاب کنند که آداب مطلوب و اخلاق ارزشمند و عادات پسندیده را از آنان کسب کنند و آنان را بر حذر دارند تا با همنشینان ناشایست و رفیقان بد، نشست و برخاست نکنند تا در دام گمراهی و انحراف گرفتار نشوند.

در اینجا رهنمودهای دین مبین اسلام در رابطه با منع فرزندان از معاشرت با دوستان بد و رفقای ناباب تقدیم حضور خوانندگان عزیز می گردد.

خدایتعالی در باب دوستی با افراد ناهل می فرماید:

﴿وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَلَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا ۚ ۲۷ يُؤَيَّلُ لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا ۚ ۲۸ لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي ۚ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا ۚ﴾ [الفرقان: 28-30].

«روزی که شخص ظالم انگشت حسرت بدهان می گیرد و می گوید: ای کاش! همراه رسول خدا بودم و فلانی را بعنوان دوست و همراه انتخاب نمی کردم، او باعث شد بعد از آنکه طریق هدایت را یافتم، گمراه شوم و از راه راست منحرف گردم و براستی که شیطان انسان را بسیار پست و حقیر می کند.»  
و همچنان می فرماید:

﴿قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطَّغَيْتُهُ وَلَكِنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ۚ ۲۷﴾ [ق: 27].

«(در قیامت)، قرین انسان گمراه (موجودی که قرین شخصت اوست) می گوید: پروردگارا من او را به طغیان وادار نکردم، بلکه خودش در گمراهی دوری بود.»  
و در سوره زخرف می فرماید:

﴿الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ ۚ ۶۷﴾ [الزخرف: 67].

«دوستان و یاران صمیمی، آنروز (روز قیامت) دشمن یکدیگرند، مگر انسان های متقی (که دوستی آنها برای خدا بوده است).»

و رسول اکرم ص می فرماید: «الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ، فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ مِنْ يُخَالِلُ».

«هر انسانی پیرو دین دوست نزدیک خود است، پس هر یک از شما خوب ببانداش که با چه کسی صمیمی است.»

- «ابن سینا» در سفارش های خود راجع به تربیت فرزند می گوید: «کودک باید در مکتبه (محل آموزش) همراه کودکانی باشد که اخلاقی نیکو و عاداتی پسندیده دارند، زیرا کودک از دوستان هم سن و سالش بیشتر تأثیر می پذیرد و بهتر یاد می گیرد و نسبت به آنان مانوس تر است.»

متأسفانه جوانانی هستند که بوسیله سی دی ای فاسد و مجالس و دوستان فاسد، به فساد اخلاق مبتلا شده و در کمین نوجوانان معصوم و بی اطلاع هستند تا آنان را شکار کنند. لذا به مادران و پدران باید هشدار داد که تا زمانی که نوجوان به رشد عقلی بالایی نرسیده نظارت کامل و صددرد بر معاشرت فرزندانشان اعم از دختر و پسر نموده و لحظه‌ای از آنان غافل نباشند. حاضر نشوند شبی به بهنه دوست و رفیق در خارج از خانه بمانند و یا با دوستان به مسافرت بروند و خلاصه دور از دید والدین دلسوز خود باشند. همانطور که باغبان مدتها زحمت می‌کشد تا گل‌هایش به ثمر برسند والدین باید از راحتی خود چشم‌پوشند و مواظب روحيات فرزندانشان باشند.

حضرت مجتبی علیه السلام نیز در تربیت فرزندان خویش به نقش حساس دوست و همبازی برای کودک عنایت ویژه‌ای مبذول می‌داشت و به فرزندش می‌فرمود: «يَا بُنَيَّ لَا تُؤَاخِ أَحَدًا حَتَّى تَعْرِفَ مَوَارِدَهُ وَمَصَادِرَهُ، فَإِذَا اسْتَنْبَطْتَ الْخَبْرَةَ، وَرَضِيتَ الْعِشْرَةَ، فَأَخِهِ عَلَى إِقَالَةِ الْعِشْرَةِ، وَالْمُؤَاسَاةِ فِي الْعُسْرَةِ؛ (11) فرزندم! با هیچ‌کس دوستی مکن، مگر اینکه از رفت و آمد [و ویژگی‌های روحی، اخلاقی و رفتاری] او آگاه شوی. هنگامی که دقیقاً بررسی و تحقیق کردی و رضایت به معاشرت با او دادی، آن‌گاه با او براساس چشم‌پوشی از لغزش‌ها «و یاری کردن در سختی‌ها برادری و دوستی کن»

همچنین آن حضرت در بخشی از سخنانش که به جنادة بن امیه، در آخرین روزهای زندگی با برکت خویش بیان کرد، به نشانه‌ها و علائم دوست خوب و شایسته اشاره می‌کند و می‌فرماید: «وَ إِذَا نَازَ عَنكَ إِلَى صُحْبَةِ الرَّجَالِ حَاجَةً، فَاصْحَبْ مَنْ إِذَا صَحِبْتَهُ زَانِكًا، وَإِذَا خَدَمْتَهُ صَانِكًا، وَ إِذَا أَرَدْتَ مِنْهُ مَعُونَةً أَعَانِكَ، وَ إِنْ قُلْتَ صَدَقَ قَوْلُكَ، وَ إِنْ صَلُتَ شَدَّ صَوْلُكَ، وَ إِنْ مَدَدْتَ يَدَكَ بِفَضْلِ مَدَّهَا، وَ إِنْ بَدَتْ عَنْكَ ثَلَمَةٌ سَدَّهَا، وَ إِنْ رَأَى مِنْكَ حَسَنَةً عَدَّهَا، وَ إِنْ سَأَلْتَهُ أَعْطَاكَ، وَ إِنْ سَكَتَ عَنْهُ ابْتَدَأَكَ، وَ إِنْ نَزَلَتْ بِكَ إِحْدَى الْمُلَمَّاتِ وَاسَاكَ، مَنْ لَا يَأْتِيكَ مِنْهُ الْبَوَائِقُ، وَ لَا يَخْتَلِفُ عَلَيْكَ مِنْهُ الطَّرَائِقُ، وَ لَا يَخْذُلُكَ عِنْدَ الْحَقَائِقِ وَ إِنْ تَنَازَعَ عُنْمًا مُنْقَسِمًا أَثْرَكَ؛ (12) اگر نیاز پیدا کردی که با کسی مصاحبت [و دوستی] کنی، با کسی مصاحبت کن که وقتی همراهیش می‌کنی، زینت تو باشد و هنگامی که به او خدمت می‌کنی، از تو صیانت و پاسداری کند. زمانی که از او کمک خواستی تو را یاری کند. و اگر سخن گفتی، قول تو را راست و درست شمارد و اگر با او ارتباط داشتی، احترام و هیبت تو را بیش‌تر نگه دارد و چنانچه دستت را برای [کسب] فضلی دراز کردی، همراهی کند و اگر آسیبی برایت بروز کرد، جبران‌ش کند و در صورتی که از تو نیکی ببیند، به حسابش آورد و اگر از او چیزی بخواهی، بدهد و چنانچه با او سخن نگفتی، او ابتدای به

سخن کند و اگر امر ناراحت کننده‌ای بر تو وارد شد، همراهی کند. از ناحیه او مشکل و سختی به تو نرسد. راههای او بر تو مختلف نباشد [و با تو یک رنگ و صاف باشد]. و در امور حق تو را تنها نگذارد و اگر در تقسیم کردن اختلاف کردید، تو را بر خود مقدم کند.»

تحف العقول عن آل الرسول، حسن بن شعبه حرانی، نشر جامعه مدرسین، 1404 ق، (11).  
ص 233.

بحار الانوار، الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج 44، ص 140 و مستدرک (12).  
الوسائل، ج 8، ص 211.

- پدری که فرزندش را به مدارس بیگانه و دانشگاههای مسیحی می‌فرستد تا از فکر آنان تغذیه شود و آموزش‌ها و رهنمودهای ضروری را از مبلغان مسیحی دریافت کند، بدون تردید گمراهی و لغزش در وجودش نقش می‌بندد و تار و پود شخصیتش بتدریج با کفر و بی‌دینی آمیخته می‌شود و در درونش احساس تنفر و بیزاری از اسلام نضج می‌گیرد و نسبت به دین اسلام عداوت و کینه پیدا خواهد کرد.
- پدری که رهبری و راهنمایی فرزندش را به مربی یا استادی ملحد و شرور وا می‌گذارد که اصول عقیده کفر را در ذهن او جای داده و بذر گمراهی را در اعماق قلبش بکارد، مسلماً فرزندش به انسانی تبدیل خواهد شد که عقیده او بر مبنای اندیشه الحادی و افکار مادی و ضددینی شکل گرفته است.
- پدری که فرزندش را آزاد می‌گذارد تا هر چه از کتاب‌های مادی و ضد دینی که می‌خواهد بخواند و خرده‌گیری‌ها و اتهامات بی‌اساس مبلغین اهل کتاب و کشورهای استعمارگر را مطالعه کند، بدیهی است که بزودی فرزندش نسبت به عقیده و دین خود شک کرده و گذشتگان خود را به تمسخر می‌گیرد و عملاً به ابزاری برای مبارزه بر علیه اسلام تبدیل می‌شود.
- پدری که فرزندش را افسار گسیخته و به حال خویش رها می‌کند تا با دوستان بد و گمراه رفاقت و مصاحبت کند و تفکرات گمراه کننده و اندیشه‌های وارداتی را در ذهن خود جای دهد، بدون شک بزودی تمامی ارزش‌های دینی و مبانی فطری ادیان و احکام را به باد تمسخر می‌گیرد.
- پدری که به فرزندش مجال می‌دهد تا به جانب احزاب الحادی و کافر تمایل پیدا کند و به دسته‌های ضد دینی بپیوندد و در گروههایی وارد شود که از جهت عقیدتی و فکری و تاریخی هیچ ارتباطی با اسلام



ندارند، مسلماً فرزند خویش را با دست خود به جانب عقاید گمراه سوق می‌دهد و چنین انسانی بر مبنای کفر والحاد پیش خواهد رفت و وسیله‌ای برای جنگ علیه مقدسات و ادیان بدل می‌شود. بقول شاعر:

ولیس النبت ینبت فی جنان      کمثل النبت ینبت فی الفلاة  
و هل یرجى لأطفال کمال      إذا ارتضعوا ثدى الناقصات

«گیاهی که در باغی با صفا می‌روید با آنکه در برهوت رشد کرده است، یکسان نیست. آیا از بچه‌هایی که از پستان زنان نالایق و پست شیر می‌خوردند، می‌توان انتظار کمال و بزرگی داشت».

شایسته است که معلمین و مربیان و بویژه والدین، این مسؤولیت‌های خطیر را در پرورش ایمانی و آموزش مبادی اسلام دریافته و ابعاد این امر واجب را بخوبی درک کنند تا تمامی کسانی که وظیفه تربیت را بعهده دارند، این مهم را که همانا پرورش فرزند براساس تربیت کامل ایمانی است بنحو احسن انجام دهند.

در جستجوی برای ریشه‌یابی عوامل فساد و انحطاط اخلاقی به این نتیجه خواهیم رسید که غفلت و بی‌توجهی و عدم اهتمام به راهنمایی و تربیت فرزندان از عوامل بسیار مهم است.

● پدری که فرزندش را رها می‌کند تا با دوستان بد معاشرت کند، بدون آنکه از او در مورد رفقاییش سؤال کند یا نظارتی بر او داشته باشد، بدون تردید بزودی از اخلاق سوءهمنشینان متأثر می‌شود و لغزش پیدا می‌کند.

● پدری که به فرزندانش اجازه می‌دهد فیلم‌های سکسی و جنایی را ببینند که حتی افراد بزرگسال را نیز مجذوب خود می‌کند با دست خویش دانسته یا ندانسته فرزندانش را از دره‌ای هولناک پایین می‌اندازد که سرانجامی جز نابودی ندارد.

● پدری که بچه‌هایش را به حال خود وا می‌گذارد تا تصاویر تحریک‌کننده و برنامه‌های مبتذل و آهنگ‌ها و رقص‌های مستهجن را با خیالی آسوده ببینند و گوش کنند، بدون تردید موجب فساد اخلاقی و بی‌بندوباری فرزندان خود شده است و شخصیت آنان را از معانی و خصایل انسانی و غیرت و آداب ارجمند اسلامی تهی خواهد کرد.

● پدری که به فرزندانش اجازه می‌دهد مجلات مملو از تصاویر و داستان‌های شهوت‌انگیز خریداری کنند، بدون تردید بزودی بسوی فحشا و اعمال منافی عفت کشیده می‌شوند و به جای آموزش علم، روش دوستی‌های کذایی و نحوه ارتباط جنسی را یاد می‌گیرند.

- پدری که در رابطه با حجاب زن و افراد خانواده‌اش بی تفاوت است و کاری به برهنگی و خودآرایی آنان ندارد و از هم‌نشینان و دوستان آن‌ها غافل است و راه را برای آنان باز گذاشته است تا با ظاهری منحرف کننده و عریان از منزل خارج شوند، بدون شک آنان را برای زندگی پر از گناه و منکر آماده می‌کند و بزودی آنان را در دام انحراف اخلاقی و فساد و فحشا گرفتار می‌بیند و چه بسا که نهایتاً سبب آبروریزی شوند و عفت و شرف خویش را لکه دار کنند و آنوقت است که پشیمانی سودی ندارد. شاعر در این باره می‌گوید:

**أتبکی علی لبنی وأنت قتلتها      لقد ذهبت لبنی فما أنت صانع؟**

«آیا برای لبنی گریه می‌کنی در حالیکه عامل اصلی مرگ او خودت بودی لبنی رفت و دیگر کاری از تو بر نمی‌آید».

- پدری که به وضعیت درسی فرزندانش هیچ توجهی ندارد و بر امر پیشرفت درسی آنان نظارت نمی‌کند، فرزندانش اگر در طریق انحراف باشند خود را آزاد و مجاز می‌دانند تا هر تصویر عریان یا مجله مبتذل را خریداری کنند و هر نام‌های که می‌خواهند برای معشوقه خویش بنویسند و بدین ترتیب بتدریج به جانب فساد و بی‌بند و باری گام بر می‌دارند بدون آنکه مانع و رادع دینی یا درونی داشته باشند، در این شرایط است که باز گرداندن آنان و اصلاح و درمان آن‌ها بسیار مشکل خواهد بود.

### • تربیت به وسیله نصیحت

- یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تربیت ایمانی و رشد اخلاقی، روانی و اجتماعی کودک، تربیت به وسیله نصیحت و موعظه است، زیرا نصیحت اثر قابل توجهی در روشن‌بینی فرزند نسبت به حقایق امور دارد. موعظه نیکو و شایسته، فرد را به جانب امور عالی و بلند مرتبه معنوی، و فهم و درک عمیق مبانی اسلامی سوق می‌دهد. بنابراین تعجبی ندارد اگر بدانیم قرآن کریم در مواضع متعددی از این روش استفاده کرده است و روان آدمیان را مخاطب قرار داده و در آیات متعددی تکرار نموده است.
- در این جا نمونه‌هایی از نصایح و مواظ مکرر قرآنی - که بیانگر سودمندی تذکر به این شیوه است - را بیان می‌کنیم.
- خدای تعالی در سوره «لقمان» می‌فرماید:

• ﴿وَإِذْ قَالَ لُقْمَنُ لَابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَبْنِي لَا تَشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ١٣ وَوصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَلَدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهَنًا عَلَى وَهْنٍ وَفَصَّلَهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ أَشْكُرْ لِي وَلِوَلَدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ ١٤ وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبْهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفٌ ١٥ وَيُنَبِّئُ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِنْتَقَالِ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمُوتِ أَوْ فِي الْآرَضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ١٦ وَيُنَبِّئُ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَامْرُءًا بِالْمَعْرُوفِ وَانْتَهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ١٧﴾ [لقمان: 12-17].

• «و یاد کن آن دم را که «لقمان» به فرزند خود گفت - در حالی که او را پند می داد - ای پسرکم به خدا شرک نیاور که شرک ستمی بزرگ است و انسان را نسبت به والدینش سفارش کردیم، مادرش به ناتوانی بر ناتوانی او را حمل نمود و از شیر بریدنش در دو سالگی بود که برای منو و والدینت سپاس به جای آور، سرانجام و بازگشت به سوی من است و اگر بکوشند تا چیزی را که نمی دانی شریک من گردانی پس اطاعت شان مکن و در این دنیا به نیکی همدم شان باش و راه کسی را که به سوی من بازگشته است پیروی کن، پس بازگشت شما به سوی من است، پس شما را از آنچه کرده اید باخبر می سازم. ای پسرک من! اگر عمل (رفتار و کردار بندگان) هم وزن دانه خردلی در سنگی یا در آسمان ها و یا در زمین باشد، خداوند آن را بیاورد، (به حساب می آورد) زیرا خداوند دقیق و آگاه است. ای پسرک من نماز را به پای دار و به معروف امر کن و از منکر نهی نما و بر مصایب خود صبور باش که این، از امور واجب است».

• در سوره «سبا» انبیای الهی - علیهم السلام - از جانب خدای تعالی می گویند:

• ﴿قُلْ إِنَّمَا أَعْظُمُ بُوْدَةً أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفَرْدِي ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ٤٦ قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ٤٧ قُلْ إِنْ رَبِّي يَقْذِفُ بِالْحَقِّ عِلْمَ الْغُيُوبِ ٤٨ قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبْدِي الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ ٤٩﴾ [سبا: 46-49].

• «بگو همانا من شما را به یک امر پند می دهم که دو دو و یک یک برای خدا برخیزید، آن گاه ببانددشید که در صاحب شما (مقصود رسول گرامی خداست) جنون نیست، او فقط برای شما بیم دهنده ای است که پیش از وقوع عذاب شدید، به شما خبر می دهد. بگو من از شما هیچ پاداشی [برای ادای رسالت] نمی خواهم، اجر من فقط با خداست و او به هر چیزی گواه است. بگو به راستی خدای تعالی حق را با

حجت و برهان استوار، آشکار می‌سازد، او دانای غیب‌هاست، بگو حق آمد و باطل باز نیاید و یارای بازگشتش نیست»

• در سوره «هود» نیز درباره حضرت «نوح» این چنین آمده است:

• ﴿قَالُوا يٰ نُوحُ قَدْ جَدَلْنَا فَاكْثَرْتَ جِدْلَنَا فَاْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا اِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ ۝۳۲ قَالَ اِنَّمَا يٰۤاَتِيْكُمْ بِهِ اللّٰهُ اِنْ شَاءَ وَمَا اَنْتُمْ بِمُعْجِزِيْنَ ۝۳۳ وَلَا يَنْفَعُكُمْ نَصْحِيْ اِنْ اَرَدْتُ اَنْ اَنْصَحَ لَكُمْ اِنْ كَانَ اللّٰهُ يُرِيْدُ اَنْ يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ وَاِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ ۝۳۴﴾ [هود: 32-34].

• «گفتند: ای نوح! با ما مجادله کردی و جدال و برخورد ما را بسیار نمودی، پس آنچه که به ما وعده داده‌ای بیاور! اگر راست می‌گویی. «نوح» فرمود: خدای تعالی هر وقت بخواهد آن را (عذاب را) می‌آورد و شما نمی‌توانید مانع او گردید و اگر خداوند بخواهد شما را گمراه کند، نصیحت من به شما نفعی نمی‌رساند، اوست پروردگار شما و به سوی او برگشت داده می‌شوید».

• هم‌چنین در سوره «اعراف» درباره حضرت «هود» آمده است:

• ﴿وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودٌ ۖ قَالَ يٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ ۖ أَفَلَا تَتَّقُونَ ۝۶۵ قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرُّكَ فِي سَفَاهَةٍ ۖ وَإِنَّا لَنَبْغِ بِكَ مِنَ الْكَذِبِ ۖ قَالَ يٰقَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ ۖ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ۝۶۷ أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ ۝۶۸﴾ [الاعراف: 65-68].

• «و به سوی قوم عاد، برادرشان «هود» را فرستادیم. گفت: ای قوم من، خداوند را عبادت کنید، برای شما غیر از الله پروردگار دیگری ملجأ و مقصد و فرمان‌روا و فریادرس دیگری نیست. گروهی که از قوم او که کافر بودند، گفتند: ما حقیقتاً در تو سفاهت می‌بینم و به راستی تو را از دروغ‌گویان می‌دانیم. «هود» گفت: ای قوم من، من سفیه نیستم بلکه پیامبری از جانب خداوند می‌باشم، پیام‌های پروردگارم را به شما می‌رسانم و برای شما پند گوینده‌ای امینم...».

• چنان‌که می‌بینیم قرآن کریم روش‌های متنوعی در دعوت به جانب خداوند یا تذکر او و موعظه و نصیحت دارد. شیوه‌ای که بر زبان انبیا جریان یافت و طریقی که زبان داعیان و پیروان آنان دوباره برای انسان‌ها تکرار می‌کنند.

• بدون تردید هنگامی که نصیحت و پند، با نیتی خالصانه صورت بگیرد و روحی پاک، قلبی باز و عقلی حکیم و اندیشمند، مستمع آن باشد، نافذتر است و سریع‌تر اجابت می‌شود.

• قرآن کریم این حقیقت را در آیات متعددی تأکید می‌نماید و سودمندی تذکر و نافذ بودن کلمات هدایت‌گر و نصیحت ارزشمند را بیان می‌دارد.

• ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ ۝۳۷﴾ [ق: 37].

• «محققاً در آن‌چه که بیان گردید، عبرتی است برای آن‌که دلی دارد و با حضور قلب گوش فرا دهد».

• ﴿وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ ۝۵۵﴾ [الذاریات: 55].

• «و تذکر بده زیرا تذکر و پند برای مؤمنان سودمند واقع می‌شود».

• ﴿وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَكِّي ۳ أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرُ ۴﴾ [عبس: 3-4].

• «و چه می‌دانی؟ شاید او طالب پاک شدن است یا می‌خواهد پند گیرد که به او نفعی رساند».

• ﴿تَبَصَّرَ ۝ وَذِكْرَىٰ لِكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ ۸﴾ [ق: 8].

• «تا مایه بصیرت و تذکری گردد برای هر بنده‌ای که به حق رو کند».

• ﴿ذَلِكَ ذِكْرَىٰ لِلذَّكِّرِينَ ۱۴﴾ [هود: 114].

• «این تذکری است برای پندگیرندگان».

• ﴿ذَلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾ [الطلاق: 2].

• «و به وسیله این (آن‌چه برای شما بیان کردیم) پند می‌گیرد کسی که به خداوند و روز قیامت ایمان دارد».

• تعداد آیاتی که شیوه پند و نصیحت را در دعوت اسلامی مورد استفاده قرار می‌دهد بسیار زیاد است.

طریقی که به اصلاح فرد و راهیابی و هدایت گروه‌های مختلف انسانی منجر می‌شود. کسی که فقط قرآن

را ورق بزند پدیده «طریقه پند» را به شکل ملموسی در بسیاری از آیات قرآن مجید می‌بیند. گاهی با

یادآوری تقوی و پرهیز الهی و یا توجه به تذکر یا موعظه و تشویق به نصیحت یا تشویق به پیروی از راه

راست و یا به کار بردن روش تهدید، پند و نصیحت الهی را با اسلوب متنوع و مفاهیم مختلف بیان

می‌کند تا هر انسان صاحب بصیرتی دریابد که در تربیت روان انسان‌ها از دیدگاه قرآن، پند و اندرز نقش

بسیار مهمی دارد که موجب گرایش به حق و استجاب دعوت می‌شود.

• و قبلاً نیز گفتیم که اگر روحی پاک، قلبی باز، و عقلی دقیق و دوراندیش با این مواظظ ارزشمند برخورد

کند آن‌ها را با تمامی وجود می‌پذیرد.

- اثر مهم پند و اندرز، و پذیرش قلبی آن‌که تا حال مطرح شد مربوط به افراد بزرگسال بود، به طریق اولی چون کودک فطرت و قلبی پاک دارد و هنوز به نجاست گناه و سایر مفساد جاهلی و انواع و مراتب مختلف خلاف و تبهکاری، آلوده نشده است، بدون تردید پند و اندرز در او اثر بسیار بهتری خواهد گذاشت و با قدرت بیشتری او را جذب خواهد کرد.

● بر حذر داشتن از سرگرمی‌های حرام

- دین اسلام بر مبنای شریعت بلند مرتبه و اصول حکیمانه‌اش بعضی از انواع سرگرمی و مشغولیت‌ها را حرام اعلام کرده است زیرا در نهایت بر اخلاق و افراد و اقتصاد جامعه و کرامت امت اسلامی و موجودیت حاکمیت و روابط ارزشمند خانوادگی اثر سوء برجای می‌گذارند.
- در اینجا تعدادی از این محرمات را خدمت خواننده گرامی بیان می‌دارم، امید آنکه خود الگو شوند سپس جوانان و فرزندان خویش را از آن بر حذر دارند، مقصد ما رضایت الهی است پس از او یاری می‌طلبیم و موفقیت خویش را از او در خواست می‌کنیم.

## ● ۱- قماربازی

قمار عبارت است از بازی بین دو نفر یا دو گروه یا چند نفر که موجب سود یک طرف و زیان طرف مقابل است به صورتی که برد و باخت بر مبنای اتفاق و شانس باشد.

دلیل تحریم قمار گفته خداوند متعال است که می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلُمُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ ٩٠ إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ ۖ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ ۝ ٩١﴾ [المائدة: 90-91].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید در حقیقت شراب و قمار و انصاب و ازلام پلید و از جمله اعمال شیطانی هستند از آن دوری کنید شاید رستگار شوید. بدرستی که شیطان می‌خواهد بوسیله شراب و قمار بین شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از خداوند و نماز باز دارد آیا باز هم به این اعمال پایان نمی‌دهید»

(انصاب بتهای سنگی بود که از کنار آنها قربانی می‌کردند و ازلام تیرها و اوراق بخت آزمایی و غیب گویی بود).<sup>۱</sup>

## حکمت تحریم قمار

- قمار موجب می‌شود که آدمی به جای اتکاء به کار و کوشش زندگی خود را مبتنی بر تصادف و شانس نماید و به جای دسترنج بازوی خود و ریختن عرق جبین و ارزش قائل شدن برای وسایل مشروع کار، به آرزو و خیالات پناه برد.
  - قمار اساس و بنیاد خانواده‌ها را متلاشی می‌کند جیب‌های پر را خالی می‌کند، خانواده‌های ثروتمند را فقیر و افراد محترم را پست و بی‌آبرو می‌نماید و چه بسیارند.
  - سرگذشت عزیزان ذلیل شده و اغنیاء فقیر شده به سبب قمار به افلاس و فلاکت رسیدند.
  - چون قمار مال باد آورده و باطل است موجب ایجاد کینه و دشمنی بین دو طرف بازی کننده می‌شود.
  - قمار آدمی را از ذکر خداوند و نماز باز می‌دارد و طرفین بازی را به سوی بدترین رذائل اخلاقی سوق می‌دهد و موجب زشت‌ترین عادات می‌گردد.
- بیهقی روایت می‌کند که پیامبر اکرم (ص) به گروهی بر خورد کرد که مشغول بازی

تخته نرد بودند فرمود (قلب آنان سرگرم امری بیهوده دست‌هایشان مشغول عملی بی‌ارزش است و زبان‌شان سخنان نامربوط جاری می‌سازد).

- قمار مشغولیت گناهکارانه‌ای است که نیرو و وقت آدمی را تلف می‌کند و فرد را دچار تنبلی و سستی می‌نماید و موجبات عقب‌ماندگی اجتماعی در زمینه تولید و فعالیت اقتصادی است.
- قمار آدمی را به جانب بزهکاری و ارتکاب انواع جرایم اخلاقی سوق می‌دهد زیرا فرد مال باخته و مفلس برای بدست آوردن پول و انجام قمار به هر طریقی دست می‌یازد هر چند از طریق سرقت و عصب اموال دیگران باشد یا به وسیله رشوه اختلاس حاصل گردد.
- قمار موجب اضطراب و نگرانی فکری و انواع بیماریهای روانی است عامل ایجاد کینه و دشمنی است که غالباً به ارتکاب جرائم یا خودکشی و جنون می‌انجامد.

---

<sup>۱</sup> - توضیح از مترجم است

و همان طور است که استاد قرضای می فرماید آنانکه به این پول باد آورده عشق می ورزند، بعید نیست که به خاطر آن، دین و آبرو و وطن خود را نیز بفروشد.

و از جمله بازیهای حرام، اوراق و بلیطهای بخت آزمایی است زیرا بلیطهای بخت آزمایی مبتنی بر شانس و تصادف است این ویژگی، آن را به نوعی قمار بدل می سازد و جائز نیست که در ارتباط با آن سهل انگاری و تسامح شود و مجاز اعلام گردد هر چند به اسم جمعیت های خیریه و یا سایر اهداف انسانی باشد زیرا قمار که در بین اعراب جاهل قبل از اسلام متداول بود در نهایت به جهت انجام امور خیریه و نیکوکاری اجتماعی توجیه می کردند و گاهی نیز برندگان قمار تمامی مبلغ برده شده را در جهت امور فوق الذکر مصرف می کردند، این اقدامات تا حدی به برگه های اعانه امروزی شبیه است که برای امور خیریه و انسانی مصرف می گردد. اما باید آگاه باشیم که از نظر اسلام شعار «هدف وسیله را توجیه می کند» از جمله عقاید مخرب و ویرانگری است که یهود آن را ابداع کرده است که از آن پلی بسازد تا به مقاصد خویش نائل گردد در صورتی که اسلام در راه رسیدن به اهداف انسانی و ارجمند فقط مسیر مشروع و ابزار مطلوب را جایز می داند. اما رسیدن به مقصد را از طریق چنانچه از طریق پاک و درست تحقق نیابد و مبتنی بر عواطف خیرخواهانه و نیک منشانه نباشند فاقد ارزشند.

از جمله انواع قمار شرط بندی بر سر انواع بازی ها مانند، شطرنج کبوتر (کبوتر بازی) یا فوتبال و غیره است به این صورت که دو طرف مقابل هم یا سایر شرکت کنندگان مبلغی را در میان گذاشته برداشت آن یا از دست رفتن آن را مشروط به سر انجام بازی می کنند در واقع به نوعی به پوکی دست می یابند که هیچ تلاشی برای آن نکرده اند

## ● ۲- گوش دادن به موسیقی و ترانه

- از جمله موارد حرام استماع موسیقی همراه ترانه است هر چند مضمون آن قابل قبول باشد. همچنین است ترانه یا آهنگی که غریزه جنسی را تحریک کند یا در وصف زن معینی گفته شود یا اینکه به مفاهیم ضد دینی و گمراه کننده دعوت نماید و امثال این ها.



- در روایتی از «ابن عساکر» در کتاب تاریخش آمده است که «انس بن مالک» گفت: هر کس در پای ترانه آوازه خوانی بنشیند در قیامت گوش‌هایش را از سرب مذاب پر می‌کنند.
- همچنین در روایتی از «ترمذی» به نقل از حضرت علی ع آمده است: آنگاه که امت من مرتکب پانزده عمل ناشایست شوند، بلا بر آنان نازل خواهد شد این اعمال که شامل موارد زیر است:
- وقتی که اموال، [در میان عده‌ای معدود] دست به دست شود و امانت، غنیمت به شمار آید و زکات [دادن] ضرر محسوب شود و مرد از زنش اطاعت می‌کند و با مادرش قطع رابطه می‌کند، به دوستش نیکی می‌کند و به پدرش جفا روا می‌دارد صدای مردمان در مساجد بلند می‌شود افراد فاسق قبایل بر آنان ریاست می‌کنند و پست‌ترین افراد جامعه رهبر جامعه می‌شوند و به افراد، [بدی و] شرشان احترام می‌گذارند شراب نوشیده می‌شود، لباس‌های حریر بر تن پوشیده می‌شود و آوازه‌خوانی و آلات موسیقی رواج می‌یابد و نسل جدید امت پیشینیان را لعنت کند پس در این شرایط باید منتظر طوفانی سرخ‌رنگ یا خواری یا تغییر قیافه [و مسخ شدن] باشند.

**پیامبر ص** فرمود: پروردگارا مرا به عنوان رحمت و برکت جهانیان فرستاد و امر نمود که تارو فلوت و شراب و بت‌ها را نابود سازم.

سینماها و تئاترهای شبانه و کافه‌ها و کاباره‌های کذایی نیز حرام است به دلایل ذیل:

- 1- یکی از مقاصد اصلی شریعت اسلامی حفظ نسب و آبرو و نوامیس مردم است در حالیکه این نمایش‌ها و این چنین فیلم‌ها بی‌نهایتی جز به هدر دادن شرف و حیثیت مردم را در پی ندارند پس ورود به چنین اماکنی و دیدن چنین برنامه‌هایی موجب خشم خدا و پیامبر او خواهد بود و فرد را به گناه آلوده می‌سازد.
- 2- بر مبنای روایت «مالک» از نبی اکرم  $\text{p}$  که فرمود در اسلام «ضرر رساندن و ضرر دیدن» جایز نیست و چون از طرفی این چنین برنامه‌هایی موجب انحراف اخلاقی و تحریک شهوانی و ترغیب به جانب زنا خواهند شد بنابراین بر اساس امتثال امر پیامبر خدا  $\text{p}$  در جهت حفظ اخلاق فرد و جامعه و ریشه‌کنی فساد و بی‌بند و باری رفت و آمد به این مکانها حرام است.
- 3- برنامه‌های تلویزیون و سینما و تئاتر آمیخته با موسیقی‌های محرک سازهای حرام و رقص‌های وحشیانه و عریان است که این خود موجب تحریم آن‌ها خواهد بود.

4- اما هر چند اسلام از جانبی انواعی از سرگرمی‌ها را به دلیل ضرر جسمی و روحی و اثرات نامطلوب اجتماعی تحریم کرده است از جانب دیگر تعداد دیگری از سرگرمی‌های را مباح نموده است تا با آسودگی و نشاط بیشتر به انجام مسئولیت اجتماعی خود مبادرت نموده و بتدریج بتواند خود را برای جهاد در راه خدا مهیا سازند.

5- حضرت علی ع می‌گوید: قلب‌ها مانند جسم‌ها خسته می‌شوند پس راه‌هایی بیابید که به روشی حکیمانه به قلوب خود استراحت و نشاط ببخشید و همچنین می‌گوید:

6- هر لحظه سعی کنید تا به قلوب خود نیرو و نشاط ببخشید، زیرا آنچه به اکراه به قلب خود تحمیل می‌کنید موجب کوری آن می‌شود.

7- پس اشکالی ندارد که مسلمان بازی کند تفریح نماید و شوخی کند، به شرط آنکه آن را به عادت تبدیل نکند و صبح و شب خود را با آن پر نکند و در جایی که جای جدی بودن است شوخی نکند و در هنگام کار و انجام وظیفه سهل انگار نباشد و چه زیباست ضرب المثلی که می‌گوید در وقت مناسب به سرگرمی‌هایی که شرع اسلام آن‌ها را حلال اعلام نموده است پردازید بهمان مقداری که به غذا نمک می‌ریزید.

8- بازیها و مسابقاتی که شرع اسلام آن‌ها را حلال اعلام نموده است.

## ۹- (أ) مسابقه دو

10- یاران پیامبران مسابقه دو ترتیب می‌دادند و پیامبر اکرم p ایشان را به انجام آن ترغیب می‌کرد.

11-

## ۱۲- (ب) کشتی

13- «ابوداود» روایت می‌کند که نبی اکرم p با یکی از پهلوانان عرب به نام «رکانه» کشتی گرفت و بر سربک گوسفند شرط بندی کردند، پیامبر p بر او غلبه کرد و پشتش را به خاک رساند گفت یک بار دیگر کشتی بگیریم باز هم پیامبر خدا p پیروز شد و بار سوم نیز برد با حضرت رسول p بود. «رکانه» گفت: به خانواده‌ام چه بگویم؟ یکی از گوسفندانم را گرگ خورد و یکی فرار کرد برای سومی چه بگویم؟ پیامبر

خدا p فرمود ما جمع نشده ایم که تو را بر زمین بزنیم و موجب ضرر تو باشیم، گوسفندان را بردار و برو!

#### ۱۴- (ج) تیراندازی

- 15- از جمله سرگرمی های مشروع تیراندازی و مسابقه با وسایل و سلاح های جنگی است.
- 16- قبلاً در ارتباط با ترغیب پیامبر خدا در مورد مسابقه تیراندازی بحث کرده ایم. اما باید به این نکته توجه داشته باشیم که حضرت رسول اکرم p یاران را نهی می کرد که حیوانات یا سایر جانداران را به عنوان هدف تیراندازی خود انتخاب کنند، این اقدام رسمی جاهلی بود.
- 17-

#### ۱۸- (د) مسابقه با نیزه (پرتاب نیزه)

- 19- رسول خدا p به حبشی ها اجازه داد که در حیاط مسجد با هم بازی کنند و نمایش دهند. و این وسعت نظر و بزرگواری از جانب پیامبر خدا که چنین اعمالی را در مسجد شریف اجازه داد. جمع کردن حکیمانه بین دنیا و دین است و بین عبادت و جهاد که این حرکات بیهوده نیست بلکه ورزش است که مقدمه جهاد و آمادگی نظامی است.

#### ۲۰- (ه) مسابقات اسب دوانی

- 21- این موضوع به تفصیل در ارتباط با بحث ورزش و تربیت، مطرح گردیده است در این صورت نیاز می توانید به آن مراجعه نمایید. اساس مباح بودن این مسابقات روایتی است از «طبرانی» که پیامبر خدا p فرمود هر چه که در آن ذکر خدا نباشد بیهوده است مگر چهار مورد، راه رفتن بین دو هدف (تیراندازی) تربیت اسب و شوخی و بازی با اهل خانواده و یادگیری شنا.

#### (و) شکار

از جمله سرگرمی های سودمند و مباح که دین اسلام آن را جایز شمرده است شکار دریا و خشکی است، زیرا خدایتعالی فرموده است:

﴿أَجَلٌ لَّكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِلسَّيَارَةِ وَحُرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرُمًا﴾ [المائدة: 96].

«شکار یا صید دریا برای شما حلال شد و اغذیه دریایی برای سرنشینان کشتی و وسایل نقلیه بحری حلال است و تا زمانی که در احرام هستید، شکار خشکی بر شما حرام است».

### وسایل و ابزار شکار نیز دو نوع است

(أ) وسایل ایجاد کننده جراحت مانند شمشیر و تیز و نیزه چنانکه در این آیه کریمه آمده است.  
﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِيَبْلُوَنَّكُمْ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ فَمَن أَعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ ٩٤﴾ [المائدة: 94].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید مسلماً خداوند شما را با (تحریم) برخی از حیوانات مورد شکار (مانند حیوانات و طیور وحشی بری) که دست و نیزه‌هایتان به آن‌ها می‌رسد (به آسانی در دسترس قرار می‌گیرند) مورد آزمایش قرار می‌دهد».

(ب) حیوان شکاری که قابل تعلیم است مانند سگ یا گربه سانان وحشی، یا عقاب و پرندگان شکاری دیگر: خدایتعالی می‌فرماید:

﴿قُلْ أَجَلٌ لَّكُمْ الطَّيِّبُ وَمَا عَلَّمْتُم مِّنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ﴾ [المائدة: 4].

«بگو بر شما چیزهای پاکیزه حلال شده است (و نیز شکاری که) حیوانات شکاری صید می‌کنند و شما بدانها آموخته‌اید، از آنچه خدا به شما آموخته است».

### احکام عمومی راجع به شکار

1- هدف شکارچی خوردن یا سود باشد نه چیز دیگر: «نسائی و ابن حبان» از حضرت رسول p روایت می‌کنند که گفت: هرکس گنجشکی را بیهوده شکار کند در روز قیامت از او شکایت می‌کند که خدایا! فلانی مرا بیهوده و بدون هیچ منفعتی شکار کرده است.

2- شکارچی نباید در حالت احرام حج یا عمره باشد براساس آیه مذکور در بحث شروط وسایل شکار.

شکار باید با ابزار برنده و سریع الاثر باشد، نه وسایل کند و زجر دهنده

3- شرط چهارم آن است که شکارچی نام خدا را بر وسیله شکار هنگام شکار یا فرستادن حیوان شکارچی

بر زبان آورد زیرا می‌فرماید:

﴿وَأَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ﴾ [المائدة: 4].

«نام خدا را بر آن یاد کنید».

4-

### (ز) مسابقه شطرنج

در ارتباط با شطرنج، صحابی و تابعین و فقها دو نظریه متفاوت ابراز داشته‌اند:

### برحذر داشتن فرزند از مفاسد اخلاقی

1- پدیده دروغ

2- پدیده دزدی

3- بد دهانی و کلمات رکیک

4- بی‌بند و باری و فساد اخلاقی

و در ارتباط با مسئولیت جسمی موارد ذیل را تذکر دادیم.

1- سیگار کشیدن

2- عادات پنهانی جنسی خود تحریکی

3- مشروبات و مواد مخدر

4- زنا و لواط

همه صاحب نظران تربیت و اخلاق اتفاق نظر دارند که موارد فوق الذکر از مخرب‌ترین عوامل در فساد

اخلاقی و بی‌بند و باری است.

اگر مربی در جهت برحذر داشتن و نصیحت و راهنمایی فرزند به وجه نیکو اقدام نکند بزودی و بدون

تردید به نازل‌ترین مراتب و تاریک‌ترین مراحل سقوط خواهد کرد. و در این شرایط هیچ اصلاح‌گری نخواهد

توانست آنان را به مسیر حق بازگرداند و به راه راست هدایت کند، این افراد به خطرناک‌ترین عوامل ضد امنیت اجتماعی مبدل می‌شوند و عامل نابودی جامعه هستند که مردم را با جرمهای گوناگون و اخلاق پست به ستوه می‌آورند.

پس لازم است بار دیگر به آن مباحث مراجعه کنی تا مسئولیت‌های حساس خود را در جنبه‌های مختلف تربیتی به خوبی دریابی تا با مروری بر عوارض و زیان‌های غیر قابل اجتناب دروغ، دزدی، بددهانی و بی‌بند و باری، کشیدن سیگار، عادات جنسی منحرف مشروبات و مخدرها و زنا و لواط با آگاهی و انگیزش بیشتر در کنترل فرزند خود تلاش نمایید

و بهتر است برای اثبات ضررهای موارد فوق الذکر به گفته پزشکان و متخصصین مربوطه استدلال نمایید و گاهی با گفتگو و زمانی بوسیله مجلات علمی و کتاب‌های تخصصی یا نشریات هشدار دهنده به این کار اقدام کنید.

در صورتی که در شرایط مناسب و به صورت متناوب اما مداوم به چنین اقداماتی مبادرت نمایید بدون تردید فرزندان شما بزودی از این مفاسد اخلاقی دوری کرده و حتی فراتر از آن به حدی از فهم و درک می‌رسند که دیگران را نیز برحذر می‌دارد.

## **-به فرزندان محبت کند تا گول محبت‌های ظاهری دیگران را نخورند. ولی در محبت زیاده روی نکند!**

از جمله این شیوه‌های رابطه‌ساز و محبت آفرین که باید از سوی مربی رعایت شوند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

\* مربی همواره با گشاده‌رویی و لبخند با فرزند برخورد کند؛ چنانچه ترمذی از ابوذر روایت می‌کند که پیامبر P فرموده‌اند: «تبسمک فی وجه اخیک صدقه»

«لبخند زدن تو به روی برادرت، صدقه‌ای به حساب می‌آید».

\* تشویق فرزند با دادن جایزه و هدیه به هنگام سرزدن کاری نیک و پسندیده از وی و یا به هنگام کسب موفقیت درسی، چرا که بنابه روایت طبرانی در کتاب «الاوسط» عایشه رضی الله عنها به صورت مرفوع از پیامبر  $\rho$  نقل می‌کند که فرمودند: «تهادوا تحابوا»: «به همدیگر هدیه بدهید تا [از این طریق] همدیگر را دوست بدارید».

\* ابراز محبت و شفقت نسبت به فرزند و متوجه ساختن وی به این نکته که وی در نظر مربی دارای ارزش و احترام و مورد توجه و اهتمام اوست، چنانکه بیهقی در حدیثی مرفوع از انس  $\rho$  روایت می‌کند که پیامبر  $\rho$  فرمود: «من لا يهتم بأمر المسلمين فليس منهم» «کسی که دغدغه رسیدگی به امور مسلمانان را نداشته نسبت به مشکلات آن‌ها بی‌تفاوت باشد، از مسلمانان به حساب نمی‌آید».

\* برخورد محبت‌آمیز و صمیمانه با فرزند؛ زیرا بنابه روایت پیامبر  $\rho$  فرموده‌اند: «أكمل المؤمنين إيمانا أحسنهم خلقا وألطفهم بأهله» «دیندارترین و باایمان‌ترین مسلمانان، فردی است که خوش اخلاق بوده با خانواده خود نرم‌خوتر باشد».

\* چنانچه فرزند برای انجام کارهای مثبت از مربی کمک خواست، از حمایت و یاری وی دریغ نرزد؛ چرا که ابوشیخ از پیامبر  $\rho$  روایت می‌کند که: «رحم الله والدا أعان ولده على بره»: «رحمت خداوند بر پدری که فرزندش را در کارهای نیک و مثبت یاری کند».

\* برخورد به اصطلاح خودمانی با فرزند داشتن و با وی «قاطی شدن» و رفتار کودکانه در پیش گرفتن و پرهیز از تکلف و حشمت فروشی؛ نمونه این برخورد در سیره پیامبر  $\rho$  را طبرانی از جابر چنین نقل می‌کند: بر پیامبر  $\rho$  وارد شدم در حالیکه حسن و حسین را روی پشتش نشانده بود و بر روی چهار دست و پا می‌رفت و می‌گفت: «شترتان بهترین شتر و شما نیز بهترین بار هستید»

پیامبر اسلام  $\rho$  مربی نخست و الگوی شایسته برای تمامی انسان‌ها (در بهره‌گیری علمی از این ابزارهای کار آمد در میان یاران و افراد فامیل و فرزندان) و نمونه درخشان و والا بود.....

در روایت است که پیامبر هر روز صبح بر سر فرزندان و نوادگان شان دست نوازش می کشیدند. (بحار الانوار، ج ۴۱۰، ص ۹۹، ح ۵۷)

پیامبر ص «احبوا الصبیان و ارحمهم و اذا وعدتموهم شیئا فوفوا لهم فانهم لایدرون الا انکم ترزقونهم؛ کودکان را دوست بدارید و به آنان مهربانی کنید و هرگاه به آنها وعده دادید وفا کنید؛ زیرا آنها شما را روزی دهنده خود می دانند. (کافی، ج ۶، ص ۹۴، حدیث ۳)

: «اقرع پسر حابس تمیمی» در خدمت رسول خدا ص بود آن حضرت «حسن بن علی ب» را بوسیدند. «اقرع» گفت: من ده بچه دارم و تا به حال هیچکدام از آنها را نبوسیده ام. پیامبر به جانب او نظری افکند و گفت: «من لایرحم لایرحم». «کسی که با بندگان خدا مهربان نباشد، خداوند با او مهربان نخواهد بود».

«رسول خدا (ص): کسیکه فرزندش را ببوسد یک حسنه دارد و اگر او را خوشحال کند، روز قیامت خدا او را خوشحال می کند و کسیکه به فرزندش قرآن بیاموزد، روز قیامت پدر و مادر کودک را ندا نموده و دو حله بهشتی از نور، بر تن آنان می نمایند که از نورش صورت اهل محشر روشن می شود.»

«رسول خدا (ص): فرزند صالح گلی از گلهای بهشت است.»

«رسول خدا (ص): کسیکه خدا به او دختری بدهد و او را اذیت نکند و او را کوچک نشمارد و فرزندان پسر را بر او ترجیح ندهد، خدا بخاطر همین دختر، او را به بهشت می برد.»



«رسول خدا(ص): خداوند دوست دارد که آنچنان بین فرزندان با عدالت رفتار نمائید که حتی 'در بوسیدن آنها نیز مساوات باشد.»

«امام ششم(ع): همانا خداوند بر بنده‌ای که علاقه زیاد به فرزندش دارد، رحم می‌کند.»

«پیامبر(ص): بچه‌ها را دوست بدارید و بر آنها ترحم داشته باشید.»

**«امام هفتم(ع): خدا در چیزی همانند غضب برای کودکان و زنان غضب نمی‌کند.»**

در بررسی روی 105 پسر و دختر جوان که خلاف بزرگی را انجام داده بودند، متوجه شدند که تقریباً 91 درصد جوانان مجرم از اختلالات عاطفی شدید رنج می‌برند. یعنی هم از حیث عاطفی مورد بی‌مهری قرار گرفته بودند و هم احساس ناامنی و حقارت داشتند!

### **برخورد نامناسب والدین با فرزند**

یکی دیگر از عواملی که در انحراف فرزندان مؤثر است و در مورد این تاثیر اکثر صاحب‌نظران امور تربیتی و پرورشی اتفاق نظر دارند، رفتار بد با کودک است.

در شرایطی که کودک یا نوجوان از جانب والدین یا مربی با یک رفتار خشن روبرو می‌شود و دائماً سرزنش می‌گردد و مکرراً از آنان کتک می‌خورد، یا اینکه هدف تحقیر و تمسخر آنان واقع می‌شود، بزودی در مقابل این رفتارهای ناشایست و فرومایه عکس‌العمل نشان خواهد داد که اثر آن در اخلاق کودک یا نوجوان بروز می‌کند، به گونه‌ای که دائماً خود را در محاصره تحقیر و توبیخ و کتک می‌بیند.

این فرزند مظلوم یا خودکشی می‌کند و یا در مقابل والدین خواهد ایستاد و با آنان جدال خواهد کرد یا اینکه خانه را ترک می‌کند و خود را از رنجی که میکشد و رفتار آزار دهنده‌ای که تحمل می‌کند، رها می‌نماید.

تعجبی ندارد که چنین انسانی فردا به یک فرد مجرم و تبه‌کار تبدیل شود و به جای تکامل در مسیر صحیح، در مسیر کجروی و انحراف و بی‌بندوباری رشد کند.

دین با عظمت اسلام با دستورات و قوانین جاودانه‌اش به تمامی آنانکه مسئولیت تربیت را بعهده دارند، خصوصاً پدران و مادران امر می‌کند که خود را به زینت اخلاق متعالی آراسته سازند و با فرزندان به مهربانی و محبت رفتار کنند تا شخصیتی مستقل داشته باشند و بتوانند بر پای خویش بایستند و احساس کنند که افرادی شایسته و قابل تقدیرند و از دیدگاه والدین بزرگ و محترم هستند.

با نظری به آیات قرانی و احادیث نبوی، توجیهات و رهنمودهای ارزشمند اسلامی را در باب برخورد مهر آمیز با فرزندان می‌بینیم.

خدای مهربان در این باره می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَنِ وَإِيتَايِ ذِي الْقُرْبَىٰ﴾ [النحل: 90]. «پروردگار به عدالت و اخلاق نیک و همیاری و مساعدت نزدیکان امر می‌کند».

﴿وَالْكُظُمِينَ الْعَظِيمَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ [آل عمران: 134].  
«و بندگان که خشم خویش را فرو می‌برند و نسبت به مردم گذشت دارند و براستی خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد.  
و می‌فرماید:

﴿وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾ [البقرة: 83].

«با مردم به نیکویی سخن بگوئید.

و همچنین پیامبر بزرگوار ص را مورد خطاب قرار داده، می‌فرماید:

﴿وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ [آل عمران: 159].

«اگر تندخو و سنگدل بودی، همراهان و یارانت از اطراف تو پراکنده می‌شدند».

و «بخاری» از رسول خدا ص روایت کرده است که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الرِّفْقَ فِي الْأَمْرِ كُلِّهِ». «خدای مهربان نرمی و مدارا را در همه امور دوست دارد».

از آن حضرت ص روایت شده که فرمود: «إِنْ أَرَادَ اللَّهُ تَعَالَى بِأَهْلِ بَيْتٍ خَيْرًا أَدْخَلَ عَلَيْهِمُ الرِّفْقَ، وَإِنْ الرِّفْقَ لَوْ كَانَ خَلْقًا لَمَا رَأَى النَّاسُ خَلْقًا أَحْسَنَ مِنْهُ، وَإِنْ الْعَنْفَ لَوْ كَانَ خَلْقًا لَمَا رَأَى النَّاسَ خَلْقًا أَقْبَحَ مِنْهُ». «اگر خداوند بخواهد خیر و نیکبختی را شامل حال خانواده‌ای کند نرمی و مهربانی را به جمع آنان وارد می‌کند، اگر نرمی و مهر صورت و شکل ظاهری داشت، بهترین صورت از آن او بود و اگر خشونت هم شکل و قیافه‌ای داشت، زشت‌ترین قیافه‌ها مربوط به آن بود».

«ابوالشیخ» در «الثواب» از رسول خدا ص روایت می‌کند که فرمود: «رَحِمَ اللَّهُ وَالِدًا أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بَرٍّ». «خدای عزوجل، رحم کند به کسی که فرزندش را در نیکو بودن یاری می‌دهد». (کنایه از رفتار خوبی است که منجر به ایجاد شخصیت والای فرزند می‌شود).

همچنین آنحضرت ص فرمودند: «الرَّاحِمُونَ يَرْحَمُهُمُ الرَّحْمَنُ، ارْحَمُوا مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمْكُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ». «خدای رحمان مهربان است با آنانکه مهربانند، پس شما به آنانکه در زمینند رحم کنید تا آنکه در آسمان است به شما رحم کند».

## عدالت بین فرزندان:

﴿اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى﴾ [المائدة: 8].

«عادلانه رفتار کنید که به پرهیزکاری نزدیک‌تر است».

پیامبر ص: می‌فرماید:

«اعْدِلُوا بَيْنَ ابْنَائِكُمْ، اعْدِلُوا بَيْنَ ابْنَائِكُمْ، اعْدِلُوا بَيْنَ ابْنَائِكُمْ».

«با فرزندانان به عدالت رفتار کنید. با فرزندانان به عدالت رفتار کنید. با فرزندانان به عدالت رفتار کنید».

## عدم تبعیض بین فرزندان از مسائل بسیار مهم تربیت اسلامی است.

تفاوت قائل شدن بین فرزندان از مهم‌ترین عوامل انحرافات روانی کودکان است، فرق گذاشتن به هر صورتی که باشد، یعنی در زمینه مسائل مادی یا معنوی مانند محبت، منجر به عواقب ناگواری خواهد شد.

زیرا باعث می‌گردد که فرزندی که مورد بی‌مهری واقع می‌شود، نسبت به دیگری حسادت بورزد و کینه‌توز شود و گوشه‌نشین و کم‌رو گردد، بترسد و گریه کند و در ذهن خود تصورات انتقام و مشاجره و ضرب و شتم را پیروراند. دچار کابوس‌های شبانه و حمله‌های عصبی شود و در خود احساس نقص و خودکم‌بینی نماید.

مربی اول، رسول گرامی خدا - سلام و درود خدا بر او باد - در زمینه رفتار اجتماعی نیز حقیقتاً مربی با عظمت و والایی بودند که در این زمینه خاص به والدین سفارش می‌کنند که از خدا بترسید و عدالت را بین فرزندان رعایت نمائید.

«نعمان بن بشیر» می‌گوید: پدرم مرا همراه خودش به خدمت رسول اکرم غ برد و گفت: به این پسر نوکری هدیه کرده‌ام.

آن حضرت فرمودند: آیا به فرزندان دیگری نیز همین هدیه را داده‌ای؟

گفت: خیر!

فرمودند: «پس هدیه‌ات را پس بگیر».

در روایت دیگری آمده است که فرمودند: «آیا همین رفتار را با سایر فرزندان نیز داشته‌ای؟»

گفت: خیر!

فرمود: «از خدا بترسید و عدالت را بین فرزندان رعایت کنید». پدرم پس از این گفته رسول اکرم غ هدیه‌اش را پس گرفت.

روایت شده مردی در خدمت رسول خدا غ بود. پسرش آمد، او را بوسید و بر زانویش نهاد و دخترش آمد، او را در مقابل خود نشاند. پیامبر ص فرمود: «چرا بین این دو مساوات را رعایت نمی‌کنی».

### علل تفاوت‌گذاری بین فرزندان

فرزند از جنس مورد نر نباشد، مثلاً پدر و مادر دوست داشته باشند که بچه پسر باشد، اما صاحب دختر شوند.

بهره هوشی و زیبایی کودک کم باشد.

نقص جسمانی داشته باشد.

علل مادی یا معنوی فوق از نظر اسلام هیچکدام نمی‌توانند باعث دوست نداشتن فرزند یا برتری یکی بر دیگری باشد، و چه ظالم و بی‌رحمند پدران و مادرانی که این رفتار زشت و غیرانسانی را از خود بروز می‌دهند.

چه گناهی دارد طفلی که دختر بدنیا آمده است و جنس مونث بودن او به اختیار و اراده‌ش نیست؟

چه گناهی دارد طفلی که زیبا روی و خوش قیافه نیست؟

چه گناهی دارد طفلی که از بهره هوشی خوبی برخوردار نیست؟

چه گناهی دارد طفلی که طبیعتاً پرنشاط و با تحرک و پرشور است؟

چه کار کند، طفل بی‌گناهی که نقص جسمی دارد و یا به علت حادثه‌ای مقدر نقصی ظاهری پیدا می‌کند؟

پس اگر والدین محترم و مربیان عزیز به حفظ سلامتی فرزندان خود علاقه‌مندند و مایلند که آن‌ها را از عقده‌های روانی و احساس خود کم بینی رها کنند و از ایجاد آفات قلبی مانند حسد، حسد و کینه جلوگیری نمایند، بهترین راه و در واقع تنها راه آن است که فرمان پیامبر خدا غ را در این مورد اجرا کنند که فرمود: «از خدا بترسید و عدالت را در ارتباط با فرزندان رعایت کنید».

و به هر آنچه که خدای تعالی به آنان بخشیده است چه پسر و چه دختر، راضی باشند و برای تمامی فرزندان خود به یک اندازه محبت و علاقه خود را بروز دهند و روح مساوات و گذشت و برادری را نیز به این صورت بین آنان ایجاد نمایند تا از نعمت عدل کامل و عطف و محبت صادقانه و رفتار عادلانه به طور یکسان برخوردار باشند و چه زیبا گفت رسول گرامی خدا p: «خدا رحم کند به پدر و مادری که فرزندش را در نیکو بودن یاری می‌دهد».

### نقص جسمانی

نقص جسمانی نیز از جمله عوامل مهم در ایجاد عقده روانی و احساس نقص و خودکم بینی است.

فرزندى که از دوران طفوليت مبتلا به نقص جسمانى مانند: کورى، کرى، لکنت زبان و يا عقب افتادگى ذهنى است، بايد از جانب اطرافيان خصوصاً پدر و مادر و خواهر و برادر مورد توجه قرار گيرد، چنين افرادى نيازمند مواظبت و محبت، اخلاق و رفتار نيكو و آميخته با گذشت و نرمى هستند.

پيامبر عزيز غ ما در اين باره مى فرمايد:

«خداى رحمان مهربان است با آنانکه مهربانند، پس شما هم به آنها که در زمينند رحم کنيد تا آنکه در آسمان است به شما رحم کند». (روايت ترمذى و ابوداود) و نيز فرمودند: «در ميان مؤمنين کامل ترين ايمان را کسى دارد که بهترين اخلاق را داشته باشد». (روايت ترمذى و ابن حبان)

اما زمانى که والدين يا اطرافيان، بچه اى که از نعمت بينايى محروم است «کور» صدا مى زنند، و آنکه را که نمى شنود «کر» و کسى را که نقص ذهنى دارد، «بدبخت و بى نوا» مى نامند و کسى را که لکنت زبان دارد «لال» مى خوانند، بديهى است که با چنين القاب و عناوينى عقده روانى و احساس نقص در بچه ايجاد مى شود و از لحاظ روحى چنان درهم مى شکند که حالت بسيار رقت انگيزى پيدا خواهد کرد، نسبت به زندگى بدبين و نسبت به ديگران کينه توز خواهد شد. پس بر مربيان و والدين واجب است که مشکل روحى در ارتباط با نقص جسمانى فرزندانشان را با روشى عاقلانه و رفتارى حکيمانه و تربيتى شايسته و برخوردى همراه با لطف و نرمى و مراقبت صحيح، برطرف سازند. زيرا ارزش هر انسانى به دين و اخلاق اوست نه شکل و ظاهرش.

- اولين گام براى برطرف نمودن مشکل اينگونه افراد آن است که با ديده محبت به آنان بنگرند و از آنان به طور ويژه مراقبت کرده، مواظب حالت هاى آنان باشند و دريابند که فرزند آنها از جنبه هوشى يا مواهب طبيعى مانند نشاط، تحرک و آگاهى مانند ساير بچه ها نيست، رفتار ملايم و با محبت و درک درست آنها، احساس نقص و ناتوانى را در آنان برطرف مى کند و نوعى اطمينان و آرامش روحى در ايشان بوجود مى آورد که مى تواند آنان را به فردى سازنده و مفيد تبديل کند.

- دومين گام براى معالجه اينگونه افراد آن است که به تمامى اطرافيان چه افراد خانواده و چه نزديکان و حتى افراد دور نصيحت کنند و تذکر دهند که نسبت به آنان اهانتى روا ندارند و يا آنها را تحقير نکنند و مسخره نمايند تا اثرى بد بر روحيه آنان نداشته باشد و دردى جانکاه اضافه بر درد و رنج آنان برايشان

ایجاد نکند. همه ما و تمامی کسانی که با افراد علیل و ناتوان یا مبتلا به یکی از نواقص جسمی برخورد می‌کنند، باید رهنمود و رفتار مربی اول اسلام حضرت محمد (پ) را به یاد داشته باشند که فرمود: «انسان‌ها در نظام جامعه مانند عضوی از یک پیکر هستند و برای وحدت اجتماعی، هر یک از افراد جامعه باید نسبت به سایرین احترام بگذارد و از بذل محبت دریغ نکنند». به عبارت دیگر براساس گفته آن حضرت (پ) اساس بنای وحدت اجتماعی بر پایه صفای قلبی و محبت است و اصول آن بر بزرگداشت و احترام متمرکز می‌شود.

پیامبر گرامی اسلام (پ) افراد امت خود را بر حذر می‌دارند که عباراتی یا کلماتی بر زبان آورند که حیثیت و شرافت انسانی را لکه‌دار کرده و شخصیت او را پایمال نموده و یا باعث اختلال در روابط اجتماعی گردد. در ارتباط با آفات زبان می‌فرماید: «بنده‌ای از بندگان خدا کلامی بر زبان می‌آورد که خود به آن اهمیت نمی‌دهد ولی به واسطه آن سخن در آتش جهنم می‌افتد».

**در جاهلیت تبعیض زیادی بین فرزندان انجام می‌دادند ولی با آمدن اسلام، بزرگان ما مساوات و عدالت را در تقسیم محبت و مهربانی و عطوفت بین فرزندان رعایت می‌کردند، بدون آنکه تفاوتی بین دختر و پسر قائل بشوند.**

ولی متأسفانه بعد از زوال جاهلیت هنوز هم در جوامع اسلامی این خصایل نامتناسب به چشم می‌خورد، رسوبات همان محیط منحرف است که قبل از ظهور اسلام وجود داشته است، باقیمانده رسومی است که بر هیچ مبنا و قاعده درستی استوار نیست و تقلید اجتماعی منفوری است که به زمان جهل و تاریکی قبل از طلوع نور اسلام باز می‌گردد

**دختری می‌گفت وقتی من به دنیا آمدم پدرم از روی ناراحتی تا سه ماه به اون اطاقی که من در آن بودم پانگذاشت!**

در سوره النحل: [59]. آمده که:

«و هرگاه به یکی از آنان مژده تولد دختری بدهی چهره‌اش سیاه می‌شود، در حالیکه خشمگین است به دلیل خبر ناخوشایندی که به او داده‌اند، خود را از دید قوم پنهان می‌کند و در این اندیشه است که آیا او را با خفت و خواری نگه دارد یا زنده بگور کند، به راستی که بد حکم می‌کند».

حال اگر کسی باز هم خبر تولد دختر را ناخوش بدارد به علت ضعف ایمان و عقیده متزلزل اوست چراکه به تقدیر الهی راضی نیست، اگر درست بیاندیشد، در می‌یابد که والدین طفل و تمامی اهل زمین اگر دست به دست هم بدهند قادر به تغییر قانون الهی نیستند.

آیا این چنین افرادی هیچ در کلام مبارک خالق متعال اندیشیده‌اند که می‌فرماید تدبیر و امر من قطعی و برگشت‌ناپذیر است. اراده من نافذ و خواست من مطلق است. تولد فرزند دختر یا پسر از این قانون لایزال مستثنی نیست.

﴿لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنْثًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ ۙ أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنْثًا وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ ۝ ۵۰﴾ [الشوری: 50].

«ملک آسمان‌ها و زمین متعلق به خدا است و هر آنچه اراده کند می‌آفریند به کسی که بخواهد دختر می‌دهد و به کسی که بخواهد پسر می‌بخشد و به بعضی پسر و دختر را با هم می‌دهد و هر کس را که بخواهد عقیم می‌کند، به تحقیق او دانا و تواناست».

از جمله اتفاقات جالب در این باب داستان یکی از امرای عرب به نام «ابوحمزه» است که بازنی ازدواج کرد به امید آنکه برایش پسری بیاورد، اما زن دختر زائید، «ابوحمزه» منزلش را ترک کرد و زن و دختر را تنها گذاشت، بعد از یکسال روزی از کنار خیمه آنان گذر می‌کرد که صدای زن را شنید که با دخترک بازی می‌کرد و برایش شعری می‌خواند که در آن می‌گفت:

«ابوحمزه را چه شده است که دیگر به نزد ما نمی‌آید و در منزل همسایه خانه کرده است، او خشمگین است که من پسر برایش نیاوردم، به خدا سوگند که این بدست من نیست، ما هر آنچه را که خدا می‌دهد دریافت می‌کنیم».



ابوحمره با شنیدن این عبارات شیرین و مملو از اعتقاد منقلب گردید، او در واقع از همسرش درس ایمان و ثبات عقیده گرفت و از او آموخت که به آنچه خدا داده است راضی باشد. بی‌درنگ وارد منزل شد، بر سرزن و دخترش بوسه زد و تقدیر خالق خویش را گردن نهاد.

از «عقبه بن عامرجهنی» روایت می‌کند که گفت: از رسول خدا ص شنیدم که می‌گفت: «مَنْ كَانَ لَهُ ثَلَاثُ بَنَاتٍ فَصَبَرَ عَلَيْهِنَّ وَأَطْعَمَهُنَّ وَسَقَاهُنَّ وَكَسَاهُنَّ مِنْ جِدَّتِهِ (أي ماله) كُنَّ لَهُ حِجَاباً مِنَ النَّارِ».

«کسی که سه دختر داشت و غذا و زندگی آنان را تامین کرد و بر آنان از مال خود لباس پوشاند و بر تکفل آنان صبر کرد، در روز قیامت این عملش مانعی در مقابل آتش خواهد بود».

## **-نظارت بر استفاده فرزند از رسانه‌های صوتی و تصویری و رایانه و استفاده از موسیقی مبتذل و شرکت در پارتهای منحرف کننده**

1- «پیامبر اسلام (ص): غنا (موسیقی حرام) پلّه کان زنا است.»

2- «امام صادق (ع): خبیث‌ترین مخلوق خدا، غنا (موسیقی حرام) است. و بدترین مخلوق خدا غنا است که باعث فقر و نفاق می‌شود.»

3- «امام صادق (ع): خانه‌ای که در آن غنا (موسیقی حرام) باشد، از فاجعه ایمن نمی‌باشد و دعا در این خانه مستجاب نمی‌شود و ملائکه به این خانه وارد نمی‌گردند.»

10- «امام خمینی: از جمله چیزهایی که مغز جوانها را تخریب می‌کند، موسیقی است... انسان را از جدیت بیرون می‌برد. یک جوانی که عادت کرده روزی چند ساعت را با موسیقی سروکار داشته باشد، از مسائل جدی به کلی غافل می‌شود.»

## مصیبت یتیم شدن

از جمله عوامل قابل توجه در انحراف افراد، حادثه ناگوار مرگ والدین است. کودکی که همانند غنچه‌ای شروع به شکفتن می‌کند و در اولین سال‌های عمر پدرش را از دست می‌دهد، دیگر دست نوازشگرش را احساس نمی‌کند و حلاوت قلب رئوفی را که به او محبت می‌کند، نخواهد چشید، دیگر ناظر و مراقبی ندارد که امور او را کنترل نماید و زیر نظر داشته باشد و سرپرستی ندارد که نیازهایش را برطرف سازد و هر آنچه برای زندگی می‌خواهد فراهم نماید، خصوصاً زمانی که بازماندگان نیز به او توجهی ندارند یا بازمانده‌ای ندارد که به جای پدر مراقب او باشد، پس ناچار چنین فردی به سوی انحراف کشیده خواهد شد و کم‌کم بسوی ارتکاب جرم و تبه‌کاری گام بر می‌دارد و نه تنها خود را تباه می‌کند بلکه به عاملی خطرناک برای اختلال و نابودی جامعه خویش تبدیل خواهد شد.

تشریع جاودان اسلامی و رهنمودهای بلند پایه آن، بازماندگان متوفی و تمام کسانی را که با فرد یتیم به نوعی رابطه دارند دعوت می‌کند که با آنان رفتار شایسته و مناسبی داشته باشند و نسبت به سرپرستی و انجام امور آنان احساس مسؤولیت و تعهد کنند و بر زندگی و تربیت آنان نظارت داشته باشند.

به این ترتیب حیات یک یا چند انسان تباه نمی‌شود و بر پایه‌ای درست رشد و تکامل می‌یابد و مکارم اخلاقی و فضایل معنوی رادر سایه محبت و توجه آنان کسب می‌کند.

محبت و عطوفت نسبت به یتیم و اهمیت مراقبت از او در تعالیم اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد.

خدایتعالی می‌فرماید:

﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتِيمِ ۖ قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ﴾ [البقرة: 220].

«ای محمد! و درباره یتیمان از تو می‌پرسند، مگر: آنان برادران شمايند و مداخله در امور آنان به جهت اصلاح امورشان از دوری کردن از ایشان بهتر است».

و خداوند سبحان در جای دیگری خطاب به پیامبر بزرگوارش ص می‌فرماید:

﴿فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ ۙ﴾ [الضحى: 9].

«پس یتیم را کوچک و بی مقدار نشمار!»

همچنین می فرماید:

﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ ۚ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ ۖ﴾ [الماعون: 1-2].

«آیا شخصی که قیامت را انکار می کند دیدی؟ او همان کسی است که یتیمان را از خویش می راند.»

و خدای دانا در سوره نساء نیز می فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتِيمِ ظُلْمًا إِنَّهُمْ يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا ۖ وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا ۖ﴾ [النساء: 10].

«براستی آنانکه به یتیمان ظلم کرده و اموالشان را می خورند، در حقیقت آتش جهنم را سر می کشند و بزودی

در قیامت شعله های برافروخته و سوزان آن را خواهند چشید.»

رسول گرامی ص فرمود: «من وضع یده علی رأس یتیم رحمه، کتب الله له بكل شعرة مرت علی یده

حسنة».

«کسی که برای ابراز محبت بر سر یتیمی دست کشید، خدای مهربان به تعداد موهایی که زیر دستش قرار

می گیرد، برای آن شخص حسنات می نویسد». (روایت احمد و ابن حبان).

همچنین فرموده اند: «مَنْ قَبَضَ يَتِيمًا مِنْ بَيْنِ الْمُسْلِمِينَ إِلَى طَعَامِهِ وَشَرَّابِهِ أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ الْبَتَّةَ إِلَّا أَنْ يَعْمَلَ

ذَنْبًا لَا يُعْفَرُ لَهُ». «کسی که سرپرستی یتیمی را بعهده بگیرد و غذا و سایر لوازم ضروری زندگیش را تامین کند،

و فرد یتیم را از هر جهت تامین کند، خدای مهربان حتما او را وارد بهشت خواهد کرد، مگر گناهی کرده باشد

که غیرقابل بخشش باشد». (روایت ترمذی).

همچنین فرمودند: «أَنَا وَكَافِلُ الْيَتِيمِ فِي الْجَنَّةِ كَهَاتَيْنِ، قَالَ بِإِصْبَعَيْهِ السَّبَّابَةِ وَالْوُسْطَى». «من با کسی که

یتیمی را تکفل کرده است، در بهشت اینچنین هستم و به انگشت سبابه و وسط خویش اشاره کردند». (روایت

ترمذی).

این آیات و احادیث و تعداد بسیار زیاد دیگر از این نمونه نشان می دهد که کفایت و مواظبت یتیم، بر

خویشان و نزدیکانش واجب است.

## از دواج فرزندان

فلسفه ازدواج چیست و خداوند چرا به آن امر نموده است

از جمله فواید حفظ نسل بشری است. خدای تعالی می‌فرماید:

﴿وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ أَزْوَاجِكُم بَنِينَ وَحَفَدَةً﴾ [النحل: 72].

«خداوند از خودتان، برای شما همسرانی قرار داد و از آن همسران فرزندانی و از آنان فرزندان، فرزندزادگانی».

- فایده دیگر ازدواج جلوگیری از فساد و بی‌بند و باری است. رسول اکرم ص می‌فرماید:  
«ای گروه جوان! کسی از شما که می‌تواند ازدواج کند به این امر مبارک مبادرت نماید که موجب بر هم نهادن چشم و حفظ آلت تناسلی از عمل حرام می‌شود».

- فایده دیگر، اشتراک و همکاری زن و شوهر در امر سرپرستی خانواده است. رسول خدا ص در این مورد می‌فرماید:  
«مرد سرپرست زن و فرزند و اهل خانواده است و نسبت به آنان مسؤول می‌باشد، زن نیز در خانه شوهرش نسبت به فرزندان مسؤول است» (روایت بخاری و مسلم).

- از فواید دیگر زناشویی، ایمن ماندن جامعه از انواع آفات جسمی و روحی است. پیامبر خدا ص فرمودند:  
«لا ضرر ولا ضرار فی الإسلام». ضرر رساندن در اسلام نیست چه خود آغاز کنی و چه در عکس‌العمل نسبت به کسی به او ضرر برسانی. (روایت مالک و ابن ماجه)  
اثر بسیار مهم دیگر ازدواج آرامش و ثبات روحی است. پروردگار مهربان ما می‌فرماید:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾ [الروم: 21].

«از نشانه‌های خداوند آن است که همسرانی از خودتان برایتان آفرید تا در کنار آنان آرام گیرید و بین شما محبت و الفتی پایدار و استوار قرار داد».

- پی آمد و ماحصل مهم دیگر ازدواج به دنیا آمدن فرزندی است که بعدها به زنان و مردانی شایسته برای اسلام تبدیل می‌شوند.

خواندیم که رسول خدا ص فرمود: «ازدواج کنید، بچه به دنیا آورید و زیاد شوید، زیرا من در روز قیامت به فراوانی شما در بین سایر امت‌ها افتخار می‌کنم

پس بدانید که هرگاه فرزندان شما این حقایق و فواید را در ارتباط با ازدواج دریابند، به آن تمایل پیدا می‌کنند و برای دستیابی به آن به هر طریق که بتوانند، تلاش می‌کنند.

و حالا روی سخنم با توست ای پدر گرامی! اگر از جهت مالی و وضعیت مناسبی داری، شایسته است که امکانات ازدواج را برای فرزندت فراهم نمایی تا او را از بند تمایلات نفسانی و تخیلات جنسی آزاد کنی، تفکرات و احساس‌هایی که غالباً بر فکر و ذهن او سیطره دارد و مانند سد محکمی مانع پیشرفت و ترقی او می‌گردند.

با تسهیل امر مبارک ازدواج، عزیز و جگر گوشه خود را از تهاجم عوامل تباه‌کننده اخلاق که به جسم و روح او آسیب می‌زنند، حفظ خواهی کرد، عواملی که حیثیت و شرف او را خدشه‌دار می‌کنند و این هدف حاصل نمی‌آید مگر آن‌که امکانات ازدواج را فراهم نماییم و در گذران زندگی نیز او را یاری دهیم و هرگونه کوتاهی و سستی در این امر منجر به عواقب دردناک و ناخوشایندی خواهد شد که فقط حسرت را به ارمغان می‌آورد.

چه بسیار می‌شنویم که پدران ثروتمندی هستند که از پرداخت وجوه موردنیاز یا فراهم کردن امکانات ازدواج برای فرزندانشان خودداری می‌کنند و بهانه آن‌ها، این است که، پسر من به سنی رسیده است که می‌تواند روی پای خودش بایستد و احتیاجی به کمک و مساعدت من ندارد، اما اگر این پدران متساهل می‌فهمیدند که پرداخت این وجوه و فراهم کردن آن امکانات چه اثر مهمی در برطرف کردن اضطراب و هیجان فکری و

ناآرامی روحی و جلوگیری از انحراف فرزند دارد، شاید هیچ‌گاه بخل و خست از خود بروز نمی‌دادند و در یاری نمودن بچه‌هایشان کوتاهی نمی‌کردند.

چرا پدری که توانایی دارد، از کمک کردن فرزندش و فراهم نمودن امکانات ازدواج خودداری می‌کند؟

آیا تصور می‌کند جاودانه است؟

آیا پولش را با خودش به و آن دنیا می‌برد؟

او به زودی خواهد مرد و جسدش را در حفره‌ای کوچک که نه وسایل و نه زینتی دارد، دفن می‌کنند و آن‌چه دارد برای ورثه خود می‌گذارد.

پس پدری که توانایی دارد، بهتر است از پولش و هر آن‌چه دارد به نحو احسن استفاده کند و از آن‌چه خدای تعالی در اختیار او قرار داده است، انفاق کند و این انفاق را از کسانی آغاز نماید که سرپرستی آن‌ها را به عهده دارد که فرزندان او هستند، زیرا نبی اکرم ص می‌فرماید: «دیناری در راه خدا و دیناری برای آزاد کردن برده‌ای و دیناری که به بینوایی می‌دهی و دیناری که برای زن و فرزندت خرج می‌کنی، نزد خدای تعالی اجر دیناری که برای زن و فرزندت خرج کرده‌ای، از همه آن‌ها بالاتر است». (روایت مسلم)

و خدای تعالی وضعیت کسانی را که کار نیک انجام می‌دهند تباه نخواهد کرد.<sup>۲</sup>

باید همسری شایسته برای فرزندت انتخاب نمایی که هرگاه نگاهش می‌کند، شادمان می‌شود و هرگاه به او امری می‌نماید، اطاعت می‌کند و در غیاب او مال و ناموسش را حفظ می‌کند و هرگاه چنین مردی صاحب فرزندی شود این‌چنین به درگاه پروردگارش دعا خواهد کرد:

﴿رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا ۝۷۴﴾ [الفرقان: 74].

«پروردگارا! به ما زنان و فرزندانی ببخش که مایه چشم روشنی ما باشند و ما را پیشوای متقین قرار ده!».

---

<sup>۲</sup> - نقل از کتاب موانع ازدواج نوشته مؤلف.

## وظایف دیگر والدین در باره فرزند:

از جمله موارد دیگری که کودک و نوجوان باید از مربی خود فراگیرد امور ذیل است:

- تشویق به مطالعه

- منع از مرتد شدن.
- منع از الحاد و بی دینی.
- منع از امور بیهوده و افعال حرام.
- منع از رفاقت با دوستان بد.
- منع از مفاسد اخلاقی.
- منع از ارتکاب عمل حرام به طور کلی.

### تشویق فرزند به مطالعه دائمی

با عنایت به این شعارهای اسلامی

﴿وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا ۝﴾ [طه: 114].

«و بگو: «پروردگارا، بر دانشم بیفزای»

﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [الزمر: 9].

«بگو: «آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟»

با توجه به مسئولیت روشنگری فکری که اسلام آن را به عنوان یک امانت بر دوش والدین و مربیان گذاشته

است بر تمامی کسانی که مسئله فکر و عقیده فرزند و پرورش علمی و فرهنگی وی برایشان مهم و حساس

است واجب است از زمانی که فرزند به سن بلوغ و رشد می رسد:

\* اسلام را به عنوان یک برنامه فراگیر و منسجم و مجموعه دین و حکومت به وی معرفی کنند.

\* قرآن عظیم را به عنوان سیستم زندگی و خواستگاه ارزش‌ها و قوانین به وی معرفی کند

\* تاریخ اسلامی را به عنوان سند عزت و توانمندی به وی معرفی کند

\* فرهنگ اسلامی را با تنوع و گستردگی آن به وی معرفی کند

\* عضویت در کاروان دعوت اسلامی را به عنوان تجلیگاه منطقی شور و حماسه دینی به وی معرفی کند

این امر البته بدون مطالعه‌ای هوشمندانه و فراگیر براساس محورهای ذیل ممکن نخواهد بود:

- مطالعه کتاب‌های فکری، که جاودانگی دین اسلام را به این برخورداری از ویژگیهای شمول، تجدیدپذیری و دوام، برای فرزند بیان کنند.

- مطالعه کتاب‌های تاریخی که عظمت گذشته اسلام و عزت از دست رفته مسلمانان را برای فرزندان بازگو نمایند.

- مطالعه کتاب‌های درباره تهاجم فکری، که فرزند را از نقشه‌ها و توطئه‌های دشمنان اسلام چه صهیونیسم توطئه‌گر چه مارکسیسم دین‌ستیز و چه صلیبی‌های کینه‌توز آگاه سازند.

- مطالعه کتاب‌هایی در موضوع تمدن که از تمدن درخشان اسلامی که در طول تاریخ و در خلال اعصار به وسیله گذشتگان بنا شده است پرده بردارند.

از همین روست که گذشتگان صالح ما به ضرورت هوشمندی فکری، تاریخی و فرهنگی فرزندان‌شان اهمیت می‌دادند و آنان را در این زمینه‌ها آموزش می‌دادند

- معاذبن جبل س می‌گوید: «علم حیات‌بخش قلب‌ها، روشنایی چشم‌ها و نیروی تن‌هاست؛ در سایه آن

انسان به مقام نخبگان و نیکان دست می‌یابد و به درجات والای دنیا و آخرت نائل می‌آید؛ اندیشیدین درباره آن

معادل روزه و بازنگری و بررسی آن معادل شب زنده‌داری است؛ در نتیجه علم است که پیوندهای خویشاوندی

برقرار می‌مانند و حلال و حرام از همه بازشناخته می‌شوند؛ علم به سان پیشوا و عمل پیرو آن است به

نیک‌بختان الهام و از شوربختان دریغ می‌گردد»<sup>۳</sup>

---

<sup>۳</sup> - «رساله المسترشدين» نوشته محاسبی تحقیق جناب استاد شیخ عبدالفتاح ابوغده



- علامه خواجه نصیرالدین طوسی در ابتدای رساله‌اش «آداب المتعلمین» می‌گوید: «ارزش علم بر کسی پوشیده نیست زیرا نعمت علم فقط ویژه انسان‌هاست و تمامی صفات دیگر مانند: شجاعت، نیرومندی، شفقت و همه در میان انسان و سایر حیوانات مشترکند، با علم بود که خداوند برتری آدم ÷ را بر فرشتگان اعلام نمود و به آنان دستور داد که در مقابل وی به سجده افتند؛ همچنین علم چنانچه مبنای عمل قرار گیرد تنها راه دستیابی به خوشبختی ابدی است»<sup>۴</sup>.

- حسن بصری می‌گوید: «اگر علم دارای صورت و سیما بود به یقین از خورشید و ماه و ستارگان و آسمان خوش‌سیماتر و زیباتر می‌بود»<sup>۵</sup>.

- طرح‌ریزی مسابقاتی میان فرزندان: برخی در زمینه تندخوانی، برخی در مورد شمار کتاب‌های خوانده شده در یک زمان معین و سپس آزمون مسابقات را برگزار کرد و به منظور تشویق و ایجاد انگیزه برای فعالیت بیشتر به نفرات برتر جوایز یا نشانهایی اعطا نمود این شیوه یعنی تشویق فرزند در مواردی که کاری را به خوبی و با موفقیت به پایان می‌رساند و یا رفتاری زیبا و پسندیده از وی سر می‌زند شیوه‌ای است که امام محمد غزالی لزوم بهره‌گیری از آن را توصیه نموده است وی رحمه الله در بخش سوم کتاب «إحیا» می‌گوید: «هنگامی که برخوردی زیبا و کاری پسندیده از کودک سر زد لازم است که به خاطر آن کار از او تجلیل و قدردانی گردد و با اعطای جایزه‌ای جذاب و شادی‌بخش به وی پاداش داده شود و به منظور تشویق بیشترش به رعایت اخلاق والا و رفتار پسندیده در میان مردم تعریف و تمجید به عمل آید»

## احترام والدین باید حفظ شود

### آداب نیکی به والدین

شایسته است که مریبان محترم آداب برخورد و شیوه رفتار فرزندان را با پدران و مادرانشان به آنان بیاموزند. از جمله این آداب عبارتند از:

---

<sup>۴</sup>- همان

<sup>۵</sup>- همان

جلوتر از آنان راه نروند، به اسم صدایشان نزنند، قبل از آنان ننشینند، از نصایح آنان دلتنگ نشوند و از غذایی که به آن نگاه می‌کنند، نخورند (منظور آنکه شاید اشتهای آن غذا را داشته باشند) و در مجالس بالاتر از آنان قرار نگیرند و با امرشان مخالفت نکنند و ...

اساس این اداب گفته خداوند متعال است که فرمود:

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ٢٣ وَخَفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذِّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ٢٤﴾ [الإسراء: 23-24].

«و پروردگار تو حکم کرده است که جز او را نپرستید و نسبت به والدین نکویی کنید و اگر یکی از آنان یا هر دوی آنان به سن پیری برسند (حتی) به آنان «اف» مگو، ایشان را زجر مده و با آنان خوش رفتار باش و بال تواضع خود را از روی مهربانی برای آنان فرود آور و بگو: پروردگارا! ایشانرا را رحمت کن چنانکه مرا در حال خردی تربیت کردند».

و گفته پیامبر عزیز ما ﷺ که فرمود:

«کسی که با خشم به پدرش نگاه کند به او نیکی نکرده است».(مجمع الزوائد، ج:8).

حضرت «عایشهؓ» می‌گوید: مردی به خدمت رسول اکرم ﷺ رسید و همراهش پیرمردی بود، فرمود:

«ای مرد! این پیرمرد کیست؟ گفت: پدرم، فرمود: پس جلوتر از او راه نرو قبل از او ننشین و به اسمش او را صدا نزن و به او ناسزا نگو»!

نمونه‌هایی از رعایت ادب پدر و مادر از گذشتگان

• نویسنده «عیون الأخبار» می‌گوید: به «عمر بن زید» گفتند: نیکی فرزندان نسبت به تو چگونه بود؟ گفت: هیچگاه روزها جلوتر از من راه نمی‌رفت و همیشه شب‌ها جلوتر از من حرکت می‌کرد و هیچگاه بالاتر از من ننشست.

- مولف «مجمع الزوائد» می‌گوید که «ابو غسان الضبی» گفت: همراه پدرم از منزل خارج شدیم در راه به «ابوهریره» برخورد کردیم، گفت: این مرد کیست؟ گفتم: پدرم است، گفت: جلوتر از پدرت حرکت نکن بلکه درکنارش یا پشت سر او راه برو و نگذار کسی بین تو و او حایل و فاصله‌ای ایجاد کند، روی سقفی که پدرت در زیر آن نشسته است، راه نرو، و غذایی را که پدرت نگاه می‌کند نخور، شاید از آن خوشش آمده است و می‌خواهد آن را بخورد.
- در «عیون الأخبار» آمده است که مامون گفت: کسی را ندیدم که بیشتر از «فضل بن یحیی» به پدرش نیکی کند، «فضل» و پدرش هر دو در زندان بودند «یحیی» عادت داشت که با آب گرم وضو بگیرد، زندانبان از آوردن هیزم به داخل زندان و افروختن آتش جلوگیری کرد، شب سردی بود، هنگامی که یحیی به خواب رفت پسرش «فضل» برخاست و ظرف را پر از آب کرد، بر دست بلند کرد و به شعله چراغ داخل اتاق زندان نزدیک نمود و همچنان ایستاد تا صبح شد و آب گرم گردید. تمامی رنجی را که «فضل» تحمل کرد به خاطر نیکی به پدرش بود به جهت آن که او به وضو گرفتن با آب گرم عادت داشت.
- «صالح العباسی» در مجلس «منصور» نشسته بود و با او صحبت می‌کرد، جمله (پدرم خدایش رحمت کند) را بسیار تکرار می‌کرد، دربان منصور که ربیع نام داشت، گفت: جمله طلب ترحم برای پدرت را در حضور امیر، کمتر تکرار کن. صالح گفت: تو را ملامت نمی‌کنم که لذت داشتن پدر را نچشیده‌ای «منصور» تبسم کرد و گفت: «این جزای کسی است که با خاندان بنی‌هاشم در می‌افتد».
- مردی به خدمت «ابوالدرداء» رسید گفت: پدرم بر ازدواج من اصرار داشت تا اینکه ازدواج کردم و حالا مرا به طلاق امر می‌کند. «ابو الدرداء» گفت: من نه تو را به طلاق همسرت امر می‌کنم و نه به مخالفت پدرت، فقط اگر بخواهی، کلامی از پیامبر خدا < را برایت باز گو می‌کنم، که خود شنیدیم که آن حضرت < فرمود: «نیکی به والدین از درهای ورود به بهشت است اگر می‌خواهی این در را حفظ کنی، اراده کن و الا آن را رها کن».

### (و) نهی از مخالفت و عصیان در مقابل والدین (عقوق)

عقوق والدین به معنی عصیان و نافرمانی و عدم ادای حقوق پدر و مادر است. برای مثال اگر فرزندی با چهره‌ای خشمگین و نگاهی حاکی از غضب به پدرش بنگرد یا خود را مساوی پدرش فرض کند مرتکب عقوق شده است.

از جمله حقوق والدین آن است که فرزند در بوسیدن دست پدر و مادر تکبر بورزد یا به نشانه احترام آنان برنخیزد، یا آنکه شرم داشته باشد که او را به واسطه پدرش بشناسند، خصوصا در شرایطی که فرزند از لحاظ اجتماعی مقام و موقعیتی دارد.

از جمله حقوق نیز آن است که فرزند از پرداخت مخارج پدر و مادر خودداری کند و آنان را مجبور سازد که به قانون متوسط شوند و او را به زور وادار به پرداخت نفقه کنند.

اما بدترین و منفورترین شکل حقوق والدین آن است که فرزند در امر انجام وظایف خود، درباره آنان دلتنگ و ناراحت باشد، غرغر کند، از انجام مسئولیت خود در مقابل والدین به ستوه آید، صدایش را در مقابل آنها بلند کرده و بر سرشان فریاد بکشد و آنان را با کلمات آزار دهنده برنجاند و قلبشان را جریحه دار کند، نسبت به آنان بد دهن باشد و به شخصیتشان اهانت نماید.

پس تعجبی نخواهد داشت که می بینیم رسول اکرم<sup>ع</sup> از حقوق والدین به شدت نهی می کند و هشدار می دهد که حقوق والدین سبب گناه و حبوط اعمال شده و انتقام الهی را به دنبال خواهد داشت.

پیامبر ص فرمود: «خدای تعالی بهشت را بر سه گروه حرام کرد: دائم الخمر، کسی که مرتکب حقوق والدین می شود و دیوث، که زن یا فرزندش را به اعمال پلید وادار می کند.

همچنین آن حضرت<sup>ع</sup> فرمودند: «كل الذنوب یوخر الله ما شاء إلى یوم القيامة إلا حقوق الوالدین، فإن الله یعجله لصاحبه فی الحیاة قبل الممات». (خدای تعالی عذاب ارتکاب تمامی گناهان را به روز قیامت واگذار می کند به جز حقوق والدین که عذاب آن را خدای تعالی در زندگی قبل از مرگ شامل حال فرد عاصی می کند).

**مهم ترین رهنمودها در ارتباط با رعایت حقوق والدین که باید به کودک آموزش داده شود:**

- 1- اطاعت پدر و مادر در تمامی امور غیر از گناه.
- 2- خطاب قرار دادن آنها با ادب و مهربانی.
- 3- برخاستن در مقابل آنان وقتی که وارد منزل می شوند.
- 4- بوسیدن دست آنها، صبح و عصر و در مناسبات مختلف.

- 5- حفظ آبرو و حیثیت و اعتبار و دارایی آنان.
- 6- رعایت احترام و دادن هر چیزی که طلب می‌کنند.
- 7- مشورت با آنان در تمام کارها.
- 8- دعا و طلب بخشش دائمی برای آنان.
- 9- وقتی میهمان برایشان می‌آید، فرزند در کنار در بنشیند و مراقب نگاه آنان باشد که شاید با اشاره چیزی بخواهند.
- 10- انجام کارهایی که والدین به آن امر نکرده‌اند، اما آن‌ها را خوشحال می‌کند.
- 11- بلند نکردن صدا در مقابل آنان.
- 12- در میان صحبت آنان سخن نگفتن.
- 13- خارج نشدن از منزل بدون اجازه آن‌ها.
- 14- بیدار نکردن ناگهانی آنان از خواب.
- 15- برتری ندادن همسر یا فرزند بر آنان.
- 16- اگر کاری کردند که موافق میل ما نبود آن‌ها را سرزنش نکنیم.
- 17- خودداری از خنده بی‌مورد در حضور آنان.
- 18- نخوردن غذایی که پیش روی آنان است.
- 19- دست نبردن به طرف غذا قبل از آنان.
- 20- دراز نکشیدن و خوابیدن در حضور آنان مگر آنکه اجازه بدهند.
- 21- دراز نکردن پاها در حضور آنان.
- 22- وارد نشدن و راه نرفتن پیش از آنان.
- 23- جواب گویی ندای آنان به محض شنیدن.
- 24- احترام گذاشتن به دوستان آنان در زمام حیات و بعد از مرگ.
- 25- دوستی نکردن با کسانی که به پدر و مادر بدی می‌کنند.
- 26- دعا برای آنان خصوصاً بعد از مرگ که سودمند است و تکرار آیه ﴿وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾ «پروردگارا آنان را مورد رحم و عطوفت خویش قرار ده چنانکه مرا از کودکی با مهر خویش پروردند».

## آداب اجازه گرفتن برای ورود به منزل یا اتاق

اجازه گرفتن نیز آداب خاص خود را دارد که باید به کودک تعلیم داده شود که مشمول کلام مبارک خدای متعال است که می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِيَسْتَذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمُنُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِّن قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِّنَ الظَّهْرِ وَمِن بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَ هُنَّ طَوْفُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ ءَايَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ٥٨ وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَذِنُوا كَمَا أَسْتَذِنُ الَّذِينَ مِّن قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ ءَايَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ٥٩﴾ [النور: 58-59].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید آنانکه مالکشان هستید و کسانی از شما که به حد احتلام نرسیده‌اند، باید از شما در سه وقت اجازه بگیرند: قبل از نماز فجر و هنگام نیمروز که جامه‌های خود را در می‌آورید و بعد از نماز عشاء، این سه وقت خلوت شماست، پس از این سه وقت بر شما و ایشان با کی نیست که برگرد شما بگردند یا بعضی از شما برگرد بعضی دیگر، بگردد. بدینگونه خداوند برای شما آیات را بیان می‌کند و خداوند دانا و حکیم است و چون اطفال شما به بلوغ رسیدند باید اجازه بگیرند، چنانکه کسانی که قبل از ایشان بودند برای ورود اجازه می‌گرفتند».

خداوند سبحان به والدین و مربیان امر می‌کند که براساس نص قرآنی کودکانی را که هنوز به سن بلوغ نرسیده‌اند آموزش دهند که در سه حالت از پدر و مادر اجازه ورود بگیرند:

1- قبل از نماز صبح زیرا مردم در این حالت در خواب هستند و پدر و مادر در رختخواب خود استراحت می‌کنند.

2- هنگام ظهر زیرا زن و مرد لباس راحت می‌پوشند.

3- بعد از نماز عشاء، زیرا وقت خواب و استراحت است.

و دستور اجازه گرفتن کودکان و اهل خانواده در این سه وقت از پدر و مادر به این دلیل است که شاید پدر و مادر در حالتی باشند که نمی‌خواهند کودکان آن‌ها و هیچکس دیگر آن‌ها را ببیند.

اما پس از اینکه اطفال به سن رشد و بلوغ رسیدند غیر از طلب اجازه در این سه وقت، در اوقات دیگر هم باید اجازه بگیرند.

و در آخر آیه دیدیم که خدای متعال فرمود:

﴿وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَدْنُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ «چون اطفال شما بالغ شدند باید اجازه

بگیرند چنانکه کسانی که قبل از ایشان بودند اجازه می گرفتند».

براساس این اشارات قرآنی در می یابیم که تا چه حد دین اسلام به تربیت اجتماعی و تکوین اخلاقی و

روانی فرد مسلمان توجه کرده است، تا هنگامی که به سن جوانی رسید نمونه زنده ای از انسان متکامل در آداب

و اخلاق و رفتار باشد».

## والدین و مسائل جنسی فرزندان

آیا جایز است که در هنگام ورود به دوران ازدواج او را از کیفیت روابط جنسی آگاه سازیم؟

بسیاری از افراد در پاسخ به این پرسش ها ناتوان می مانند زیرا نمی دانند جایز است یا نه؟

ابتدا باید گفت بر اساس ادله شرعی که به زودی بیان می شود، مربی و والدین می توانند با صراحت درباره

مسائل جنسی با بچه های خود سخن بگویند و گاهی صریح گفتن مطلب واجب خواهد شد زیرا یک حکم

شرعی بر آن مترتب می باشد.

ادله شرعی که اثبات کننده جواز صراحت در این باب می باشد به شرح زیر است.

۱- آیات زیادی که در ارتباط با روابط جنسی، خلقت انسان و اعمال منکر، سخن می گوید

﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأُفْوَاجِهِمْ حَفِظُونَ ۝ إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ۖ فَمَنْ أَتَّبَعَىٰ

وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ۖ﴾ [المؤمنون: 5-7].

«و آنان که اعضای تناسلی خود را از فعل حرام حفظ می کنند، مگر برای همسر و ملک یمین خود، که در این مورد ملامت نخواهند شد، کسی که غیر از این را بطلبد، پس به درستی که آنان از تجاوزکارانند».

﴿أَجَلٌ لَّكُمْ لَيْلَةُ الصَّيَّامِ الرَّفْتُ إِلَى نِسَائِكُمْ﴾ [البقرة: 187].

«برای شما حلال شد که شب های روزه [ماه رمضان] با همسرانتان نزدیکی کنید».

﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَى فَأَعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ﴾ [البقرة: 222].

«[ای محمد] از تو در مورد حیض سؤال می کنند بگو که آن آزاری است، پس از زنان در هنگام حیض دوری کنید [از جهت روابط جنسی] و به آنان نزدیک نشوید تا پاک می شوند و هنگامی که پاک شدند پس با آنان نزدیکی کنید از جایی که خداوند امر فرموده است».

﴿نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ﴾ [البقرة: 223].

«زنان شما کشتزار شمايند پس با آنان نزدیکی کنید، هر کجا و هر وقت که بخواهید».

﴿إِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ﴾ [البقرة: 237].

«و اگر زنان را طلاق دادید، قبل از آن که با آنان نزدیکی کرده باشید، باید نصف مهری را که مقرر کرده اید به آنان پرداخت نمایید».

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ۚ ۱۲ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ۚ ۱۳﴾ [المؤمنون: 12-13].

«و به تحقیق انسان را از عصاره ای از گل خلق نمودیم، پس او را به صورت نطفه ای در قرارگاه استواری جای دادیم».

﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَلَدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصْلُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا﴾ [الأحقاف:



«و انسان را به نیکی کردن به والدینش سفارش کردیم. مادرش او را به زحمت حمل نمود و به زحمت او را زایید و حمل و شیر دادنش سی ماه است».

﴿وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانِيَ إِنَّهُ كَانَ فَحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا ۝۳۲﴾ [الإسراء: 32].

«به زنا نزدیک نشوید که به راستی کاری زشت و راهی بد است».

﴿الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرِّمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ ۝۳﴾ [النور: 3].

«مرد زنا کار فقط زن زناکار یا مشرک را نکاح می کند و زن زناکار را کسی جز مرد زناکار یا مشرک نکاح نخواهد کرد و این بر مؤمنین حرام شده است».

﴿وَلَوْ طَآ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفُحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ ۝۸۰ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ الْنِسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ ۝۸۱﴾ [الأعراف: 80-81].

«و لوط [را به یادآور] هنگامی که به قومش گفت: آیا عمل فحشایی را مرتکب می شوید که تا به حال هیچ انسانی در دنیا مرتکب آن نشده است؟ شما به جای زنان برای ارضای شهوت خود با مردان نزدیکی می کنید. شما قومی مسرف هستید».

این آیات با صراحت تمام در مورد عواملی که موجب حفظ عضو تناسلی انسان از ارتکاب فحشا می شود و از کسانی که «فرج» خود را حفظ می کنند و آنان که حفظ نمی کنند سخن می گوید و درباره نزدیکی با زنان در شب های ماه رمضان، حیض و دوری از زنان، محل کاشته شدن نطفه، طلاق زن قبل از نزدیکی، نطفه و تکوین آن در رحم، خلقت انسان و نطفه زن و مرد و حامله شدن زن و شیر دادن نوزاد، زنا و این که عملی زشت است و نزدیکی با مردان، بحث می کند و مطالب دیگری که در آیات مختلف در ارتباط با مسائل جنسی و حس شهوانی مطرح شده است.

فرزندى که در سن تمییز و تعقل است، تفسیر این آیات را چگونه می تواند بفهمد؟ اگر از جانب مربی و معلمش حقایق و تفسیر آن بیان نگردد و هیچ انسان اندیشمند و عاقلی نخواهد گفت که لازم است مربی به جای

گفتن تفسیر آیات مطالبی دیگر بگوید که ارتباطی با مفاهیم مورد نظر نداشته باشد یا فقط به گفتن الفاظ اکتفا کند و بدون تفسیر و توضیح از آن بگذارد.

واضح است که چنین شیوه‌ای مغایر با قواعد تربیت اصیل اسلامی است، زیرا در جایی که کتاب عظیم خداوند به صراحت سخن می‌گوید ما شایسته نیست که حقایق را بپوشانیم و کتمان کنیم، در این راه باید همراه و موافق با قرآن کریم پیش رویم که می‌فرماید:

﴿كُتِبَ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبْرَكًا لَّيَذَّبَرُواْ عَائِيَّتَهُ وَلِيُنذِرَكُمْ أُولُواْ الْأَلْبَابِ ۚ﴾ [ص: 29].

«کتابی مبارک است که به سوی تو نازل کرده‌ایم تا در آیاتش بیان‌دیشند و صاحبان اندیشه متذکر شوند».

قرآن کریم کسانی را که قرآن را می‌خوانند و در آن تدبر نمی‌کنند نکوهش می‌نماید و آنان را به قساوت نفسانی و قفل بودن قلب و داشتن روانی تهی از معنویت، متهم می‌سازد و برای همین می‌فرماید:

﴿أَفَلَا يَنْدَبُرُونَ الْفُرْعَانَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا ۚ﴾ [محمد: 24].

«آیا در قرآن تدبر نمی‌کنند، یا این‌که بر قلب‌ها قفل‌هایی است».

بنابراین در می‌یابیم که قرآن تمامی فرهنگ روابط جنسی را شامل می‌شود و با توجه به نشانه‌هایی که آشکار کرده و افق‌هایی که برای ما در این باب گشوده است، اشکالی نخواهد داشت که ما نیز در این باب سخن بگوییم.

از ثمرات مفید و اندیشمند این فرهنگ قرآنی آن است که انسان مسلمان به خوبی می‌داند که چه چیز حلال است و چه چیز حرام، فرهنگی است که کوچک و بزرگ و پیر و جوان و زن و مرد از آن برخوردار هستند.

از ثمرات دیگر این فرهنگ غنی آن است که هرگاه انسان مسلمان بر آیات خلقت انسان و تطور و تکامل او می‌گذرد و به مراحل تحول او در رحم مادر از نطفه به جانب علقه و سپس تبدیل شدن به مضغه تا تبدیل شدن به انسانی کامل، دقت کند ایمان و یقینش فرونی می‌یابد و بر راه دین استوارتر می‌شود.

و ثمره دیگر آن است که انسان مسلمان در می‌یابد که دین جاودانه اسلام برای تمامی شرایط او اوضاع مختلف با گذشت زمان و تغییر مکان جواب‌گو است و تنها دینی است که تمامی ندهای روان انسان را لیبیک می‌گوید و پا به پای تکنولوژی و پیشرفت علمی و صنعتی انسان پیش می‌آید، تا زمانی که خدای تعالی زمین و ساکنان آن را باز پس گیرد.

2- از جمله دلایل مهم دیگر که ضرورت صراحت‌گویی را در باب مسائل جنسی با کودکان تأکید می‌کند، آموزش دادن به فرزند در سن تمیز در ارتباط با احکام بلوغ و تحولاتی است که در پا گذاشتن به سن نوجوانی برای او حادث می‌گردد، تا اگر پدیده‌های جدید جنسی و تغییرات جسمی که پیش می‌آید، به گونه‌ای باشد که فرد بداند چه چیز بر او واجب است و چه امری را لازم است ترک کند و به طور خلاصه حلال و حرام را در این باب به خوبی بداند.

در این رابطه در مبحث «آموزش دادن احکام بلوغ و نوجوانی به فرزند» به تفصیل سخن گفته‌ایم که مربی عزیز با رجوع به آن می‌تواند عطش خود را در این باب فرو نشاند.

3- دلیل دیگری که صراحت را در امر مسائل جنسی مطرح می‌کند، آموزش دادن به فرزند در ارتباط با روابط جنسی و مسایل و اشباع صحیح غریزه است - در زمانی که به دوران ازدواج گام گذاشته است - که خواننده عزیز و مربی گرامی با رجوع به آن می‌تواند داروی درد را بیابد.

آنچه بیان گردید مهم‌ترین دلایل جواز «صراحت‌گویی» در ارتباط با مسائل جنسی با فرزندان بود، در زمانی که به سن بلوغ گام می‌گذارند و به آن نیاز دارند.

پس ای پدر و مادر گرامی! ای مربی عزیز! برخیز! و کمر همت ببند! و مسؤولیتی را که در قبال فرزندت به عهده داری بپذیر! خصوصاً در باب تربیت جنسی فرزندان، زیرا شرع بر تو واجب کرده است که با شرح و آموزش این حقایق چشم بصیرت و بینش فرزندان را بگشایی تا در دام جهل و ورطه گناه و بیابان گمراهی، گرفتار نشوند.

اما در این جا تذکر دو نکته را لازم می‌دانم:

1-آموزش‌های لازم را در ارتباط با سن فرزند به او بدهید و جای هر مطلب را رعایت کنید، برای مثال آموزش روابط جنسی به کودک در ده سالگی جایی ندارد و عاقلانه نیست و در عین حال در همین سن از آموزش احکام بلوغ و نوجوانی نباید غافل شد.

2-بہتر است بخش تربیت جنسی دختران به عہدہ مادران‌شان باشد، آموزش این مسایل اگر از جانب مادر باشد دختر بہتر آن را فرامی‌گیرد و از لحاظ ارتباط عاطفی و روحی بہ مادر نزدیک‌تر نیز می‌باشد. در صورتی کہ مادر وجود نداشت، خانم مؤمن و دانایی کہ می‌تواند جای مادر را بگیرد این مسایل را باید تعلیم دہد.

والدین محترم و مربیان عزیز! آن‌چہ تقدیم شد خطوط اصلی و اساسی تربیت جنسی فرزندان بود، طریقی کہ موجب تکوین رفتاری و ضبط و سیطرہ بر احساس‌ها و غرایز می‌شود.

## رفتار کودک متأثر از رفتار والدین

اگر پدر و مادر می‌خواهند رشد و پرورش فرزندشان آمیخته با صداقت، امانت، عفت، مهر و محبت و دوری از باطل باشد باید خود اسوہ‌ای از انجام عمل خیر و دوری از شر و تحلی بہ فضایل و تخلی از رذایل و پیروی از حق و پیشگام بودن در راه امور متعالی و ارزشمند و پرهیز از امور پست و منکر باشند.

فرزندى کہ می‌بیند پدر و مادرش دروغ می‌گویند امکان ندارد کہ راست‌گویی را یاد بگیرد.

فرزندى کہ می‌بیند پدر و مادرش حقہ‌باز یا خیانت کارند، ہیچ‌گاہ امانت‌داری را یاد نمی‌گیرد.

فرزندى کہ می‌بیند پدر و مادرش در بی‌عفتی و بی‌اخلاقی غرقند، فضیلت و متانت را یاد نخواہد گرفت.

فرزندى کہ کلمات کفر و دشنام و ناسزا را از پدر و مادر می‌شنود، چگونہ می‌تواند شیرین زبان و خوش رفتار باشد؟

فرزندى کہ خشم و بی‌ثباتی رفتاری و سخت‌گیری پدر و مادر را می‌بیند، چگونہ می‌تواند شخصیتی متعادل و متوازن داشته باشد؟

فرزندى كه پدرش جفاكار و قسى القلب است، امكان ندارد كه مهر و مودت و لطافت اخلاقى را بياموزد.

آرى، اين گونه است كه مى تواند عزيزان خود را بر اساس خير و فضيلت اخلاقى پرورش دهد، هنگامى كه فرزند پدرش را به عنوان الگو پيش روى خود مى بيند به طريق انحراف نخواهد رفت و به راه كفر گام نمى گذارد و به جانب فسق و فجور نخواهد رفت.

اما از فرزندى كه پدر و مادري منحرف و خشن دارد نمى تواند انتظار رفتن به راه راست را داشت.

هل يرجى الأطفال كمال إذا ارتضعوا ثدى الناقصات؟

آيا از فرزندانى كه شير از پستان مادران پست خورده اند، مى شود انتظار كمال و بزرگى داشت؟

2- خانواده و برخورد با مشکلات

3- خانواده و معنویات

4- خانواده و شادی

5- خانواده و مصیبت‌ها

### **فضیلت صبر در مرگ فرزندان**

انسان مسلمان هنگامی که به درجه‌ والایی از ایمان می‌رسد و از لحاظ یقین به منزلت بلندی دست می‌یابد و اعتقادش راسخ می‌شود که حوادث خوب یا بد زندگی مقدر است و روی دادن آن حکمتی دارد و همه از جانب خداست، آنگاه اتفاقات بزرگ هم در دید او کوچک و بی‌مقدار می‌گردد، مصیبت‌ها در نظرش حقیر می‌نماید و با دلی مطمئن و ضمیری آرام، هرگاه حادثه یا واقعه ناگواری پیش آمد، خود را تسلیم خدای توانا و

دانا می‌کند. به قضای او راضی می‌شود و در مقابل فرمان و تقدیرش خضوع و خشوع خویش را به اثبات می‌رساند، و بر این اساس است که رسول اکرم ص می‌فرماید: «کسی که فرزندش می‌میرد و وقتی که خبر به او می‌دهند، می‌گوید: همه از آن خدائیم و بسوی او باز می‌گردیم و صبر می‌کند، در بهشت برای او خانه‌ای به نام خانه «حمد» بنا می‌کنند».

«ترمذی» و «ابن حبان» از «ابوموسی اشعری س» روایت می‌کنند که رسول خدا ص فرمود: «إِذَا مَاتَ وَلَدُ الْعَبْدِ قَالَ اللَّهُ لِمَلَائِكَتِهِ: قَبِضْتُمْ وَلَدَ عَبْدِي؟ قَالُوا: نَعَمْ، قَالَ: قَبِضْتُمْ نَمْرَةً فُؤَادِهِ؟ قَالُوا: نَعَمْ، قَالَ: فَمَا قَالَ؟ قَالُوا: اسْتَرْجَعَ وَحَمْدَكَ، قَالَ: ابْنُوا لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَسَمُّوهُ بَيْتَ الْحَمْدِ». «وقتی که فرزند بنده‌ای از بندگان خدا فوت می‌کند، پروردگار جهانیان به ملائک می‌گوید: آیا روح فرزند بنده‌ام را قبض کردید؟ می‌گویند: آری. می‌فرماید: آیا روح جگر گوشه‌اش را گرفتید؟ می‌گویند: آری. می‌فرماید: بنده‌ام چه گفت؟ می‌گویند: سپاس تو را به زبان آورد و گفت: ما همه از آن خدائیم و بسوی او باز می‌گردیم. می‌فرماید: پس در بهشت منزلی برایش بسازید و آن منزل را خانه حمد نام بنهید».

آری، می‌بینید چنین درخت صبری چه میوه‌ای می‌دهد! میوه‌اش را انسان مؤمنی می‌چیند که رنج فراق را بر خویش هموار کرده صبر می‌نماید، آن هم در چه روزی، روزی که مال و فرزند دیگر اثری ندارد.

پس یکی از فایده‌های این رفتار نیکو راهیابی به بهشت و محفوظ ماندن از آتش است. «بخاری» و «مسلم» از «ابوسعید خدری س» روایت می‌کنند که رسول خدا ص با تعدادی از زنان صحبت می‌کرد، فرمودند:

«مَا مِنْكُنَّ امْرَأَةٌ يَمُوتُ لَهَا ثَلَاثَةٌ مِنَ الْوَلَدِ إِلَّا كَانُوا لَهَا حِجَابًا مِنَ النَّارِ فَقَالَتْ امْرَأَةٌ أَوْ اثْنَانِ فَإِنَّهُ مَاتَ لِي اثْنَانِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَوْ اثْنَانِ ۖ ۖ ۖ».

«زنانی که سه فرزندشان وفات نموده و صبر کرده‌اند در قیامت مرگ آنان (فرزندان) مانع آتش جهنم است، یکی از زنان گفت یا رسول‌الله ص این فضیلت برای کسی که دو فرزندش فوت کند نیز هست؟ فرمود: آری».

یکی از راویان به جابر می‌گوید: آیا فکر می‌کنی اگر از آن رسول بزرگوار ص می‌پرسیدی که آیا این فضیلت در مرگ یک فرزند نیز هست؟ همین جواب را می‌داد؟ جابر می‌گوید: آری.

یکی دیگر از فوائد این صبر آن است که فرزندی که می‌میرد، اگر صغیر باشد در قیامت برای پدر و مادرش شفاعت خواهد کرد.

«طبرانی» از «حبیب» روایت می‌کند که می‌گوید: فرمودند:

«هر مسلمانی که سه فرزندش قبل از رسیدن به سن بلوغ وفات می‌نمایند، روز قیامت آنان را بر در بهشت متوقف می‌کنند، پس می‌گویند: وارد شوید! می‌گویند: ما وارد بهشت نمی‌شویم، تا پدران ما نیز وارد شوند، به آن‌ها گفته می‌شوند: پس همراه با پدرانتان وارد بهشت گردید.»

از «ابوحسان» روایت می‌کند که گفت: دو پسر فوت نمودند به ابو هریره گفتم، آیا کلامی از رسول خدا ص شنیده‌ای که بیان آن، غم مرگ عزیزان ما را تسلی دهد؟ گفت: آری. «کودکانی که مرده‌اند در قیامت همیشه دست یا گوشه لباس پدر و مادرشان را می‌گیرند و به دنبال والدین خود هستند و از آن‌ها جدا نمی‌شوند، تا خدای رحمان آن‌ها را همراه پدر و مادرشان وارد بهشت کند.»

یکی از موضع‌گیری‌های به یادماندنی در تاریخ اسلام که ایمان قهرمانانه و کم‌نظیر زنان صحابه‌ش - خدا از ایشان راضی باد - را می‌رساند و دلالت بر صبر و ایمان و تسلیم و رضا در مقابل خدا هنگام مرگ فرزند دارد، موضع‌گیری «ام سلیم» - خدا از او راضی باد - می‌باشد، برخوردی شگفت‌انگیز و تحمیلی عظیم که بهتر است بیان آن را به حدیث مبارک ذیل واگذاریم تا آن را بطور کامل بشنوید.

نقل شده: فرزند «ابوطلحه» مریض بود. ابو طلحه برای کاری بیرون رفت، فرزندش در غیاب او فوت نمود، هنگام مراجعت به منزل از همسرش سؤال کرد: حال بچه چطور است؟ ام سلیم پاسخ داد: در آرامش مطلق است. ابوطلحه آنگونه فهمید که بچه شفا یافته است سپس همسرش شام را پیش آورد و غذا خوردند، «ام سلیم» سپس مانند همیشه و بهتر از قبل آرایش کرد و آن شب با همسرش نزدیکی کرد، بعد از آنکه دید همسرش از هر جهت تامین شده است، گفت: ابوطلحه سؤالی دارم اگر کسی به خانه‌ای امانتی دهد و پس از مدتی امانتش را طلب کند، آیا صحیح است که باز پس ندهند؟ گفت: نه! گفت: پس صبر پیشه کن و از خدا برای صبرت اجر طلب کن که فرزندت مرده است. ابوطلحه خشمگین شد، گفت: چیزی نگفتی تا جنب شدم، آنگاه می‌گوئی پسر مرده است. سپس به نزد رسول خدا ص آمد و شرح ماجرا را باز گفت، پیامبر اکرم ص کار ام سلیم را تأیید فرمودند و گفتند: «خداوند به این شب تو و همسرت برکت ببخشد» و روایت دیگری هست که فرمودند: «خدایا به این دو برکت ببخش». آن شب منشأ فرزندش شد که پیامبر نامش را عبدالله نهاد، مردی از



انصار می‌گوید: «عبدالله» بعدها صاحب نُه فرزند شد که همه اهل قرآن بودند. در واقع این استجابت دعای پیامبر خدا، بود که فرمود: خدایا به این زن و شوهر برکت ببخش.

تردیدی نیست که وقتی ایمان در قلبی نفوذ کند، شگفتی می‌آفریند، زیرا ضعف را به قدرت، ترس را به شجاعت، بخل را به سخاوت و بی‌صبری و بی‌قراری را به صبر و بردباری تبدیل می‌کند.

چه شایسته است که پدران و مادران به ایمان خویش متکی باشند و به سلاح یقین مجهز گردند، تا اگر مصیبت مرگ فرزند پیش آمد، بی‌تابی و بی‌قراری نکنند و سخن آنان این باشد که هر چه خدا داده و هر چه می‌گیرد همه متعلق به اوست و هر چیزی نزد او زمانی مشخص و معین دارد، پس باید صبر کرد و باید رنج مرگ فرزند را بر خویش هموار نمود تا ثواب و اجر اخروی از جانب کسی که حکم و فرمان بدست اوست نصیب ما شود.

## 6- خانواده و بهداشت و سلامتی

### عادت دادن کودک به تمرین‌های ورزشی و سوارکاری

این بخش از تربیت، مصداق و تحقق فرموده خدایتعالی است که در سوره انفال اینچنین آمده است:

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾ [الأنفال: 60].

«هر چه از نیرو و توان دارید برای مقابله با دشمنان فراهم کنید!»

و اجرای فرمان پیامبر گرامی ماست که فرمود: «المؤمن القوى خير وأحب إلى الله من المؤمن الضعيف...»  
«مؤمن نیرومند، نزد خدایتعالی از مؤمن ضعیف محبوب‌تر است...» (روایت مسلم).

به دلایل زیر اسلام پیروان خود را به آموزش شنا، سوارکاری و تیراندازی دعوت می‌کند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَمُ رَجَسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ ٩٠ إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ ۖ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ ۝ ٩١ [المائدة: 90 - 91].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تحقیقاً شراب، قمار، بت‌ها و تیرهای قرعه‌کشی، پلید بوده و جزو اعمال شیطانی می‌باشد از آن دوری کنید شاید رستگار شوید، براستی شیطان می‌خواهد به سبب مشروبات و قمار بین شما کینه و دشمنی ایجاد کند و شما را از ذکر خداوند و نماز باز دارد، آیا دیگر دست نمی‌کشید؟»<sup>۶</sup>.

و پیامبر اکرم غ فرمودند: «لَعَنَ اللَّهُ الْخَمْرَ وَشَارِبَهَا وَسَاقِيَهَا وَمُبْتَاعَهَا وَبَائِعَهَا وَعَاصِرَهَا وَمُعْتَصِرَهَا وَحَامِلَهَا وَالْمَحْمُولَةَ إِلَيْهِ». «خدایتعالی مشروبات الکلی، سازنده، نوشنده، فروشنده، حمل‌کننده، انبارکننده، نگهدارنده، و ساقی آن را لعنت کرده است» (روایت ابوداود).

### دلایل حرام بودن مواد مخدر

(أ) تحریم مواد مخدر، مشمول قاعده استنباط شده از آیه «وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ» [الأعراف: 157] و حدیث «لا ضرر ولا ضرار في الإسلام» می‌باشد.

(ب) همچنین مشمول حدیثی است که در آن «ام سلمه ك» (همسر پیامبر ص) می‌گوید: رسول خدا ص از هر ماده مسکر و مفرّ (سست‌کننده) نهی کرد. همچنانکه می‌دانیم مواد مخدر سست‌کننده است و این نهی آن را نیز شامل می‌شود.

(ج) دلایلی که برای حرام بودن مشروبات الکلی مطرح شد در مورد مواد مخدر نیز صدق می‌کند، زیرا باعث اختلال و عدم تعادل عقلانی می‌شود و ذهن آدمی را از حالت طبیعی یعنی هوشیاری حاکم بر آن خارج می‌کند. بنابراین موادی مانند حشیش، کوکائین، هروئین و غیره که تاثیر شدیدی بر عقل می‌گذارد و مصرف‌کننده آن‌ها دور را نزدیک و نزدیک را دور می‌بیند، تصاویر خیالی و غیرواقعی در برابر چشمانش ظاهر می‌شود و در

---

<sup>۶</sup> - بعضی‌ها که دچار انحراف و لغزش قلبی هستند می‌گویند کلمه «فَأَجْتَنِبُوهُ» در این آیه دال بر تحریم نیست و اگر شراب حرام بود می‌فرمود فحرّموه.

این ادعا باطل است. هفت دلیل برای حرام بودن مشروبات سکرآور وجود دارد.

(۱) همطراز کردن مشروبات با انصاب و ازلام ۲- متصف کردن آن به «رجس» (پلیدی) ۳- متصف کردن آن به «عمل شیطانی» ۴- صیغه امر در کلمه «فَأَجْتَنِبُوهُ» که دلالت به دست نگه داشتن و انجام ندادن دارد ۵- ایجاد کینه و دشمنی ۶- عامل مانع ذکر خدا و نماز ۷- صیغه استفهام انکاری در گفته خدای عزوجل: «فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ ۹۱».

آیا دلایلی قاطع‌تر از این بر تحریم مشروبات الکلی وجود دارد اما انسان‌های ظالم آیات الهی را انکار می‌کنند (مولف).

دریایی از اوهام و خیالات غرق می‌شود و در این سرگردانی و گمراهی، خود و دنیای اطرافش را فراموش می‌کند، مسلماً مشمول تعریف خمر خواهد بود.

در اینجا سؤالی پیش می‌آید، آیا می‌توان مشروبات الکلی را بعنوان دارو مصرف کرد؟

جواب سؤال ما را پیامبر گرامی ص داده‌اند.

مردی از رسول خدا درباره خمر (مشروبات الکلی) سؤال کرد، آن حضرت فرمودند:

«حرام است». گفت: ای پیامبر خدا، من آن را بعنوان دارو می‌سازم! پیامبر ص فرمود: «خمر خود درد است و دوا نیست»

همچنین فرمود: «خدایتعالی با هر دردی دارویی نازل کرده است پس برای شفای بیماریتان از داروها استفاده کنید، اما برای مداوا از داروی حرام بهره نگیرید»

و فرمود: «پروردگارتان شفای شما را در آنچه بر شما حرام کرده، قرار نداده است»

نصوص مورد بحث دلالت می‌کند که استفاده از مشروبات الکلی بعنوان دارو حرام است و کسی که به انجام این کار مبادرت نماید گناهکار خواهد بود.

اما بعضی از داروها که با نسبت معینی از الکل مخلوط می‌گردد تا از فاسد شدن دارو جلوگیری کند یا اثر مفیدی داشته باشد و تنها راه مداوای بیماری باشد، استفاده از آن جایز است.

در اینصورت طبیعی می‌تواند اینچنین داروهایی را تجویز کند که در کار خود مهارت داشته باشد و از خدا در آشکار و پنهان خود بترسد.

دلیل مباح بودن این تجویز آن است که اساس احکام شرع اسلام بر آسانی و جلب مصلحت و رفع مشکلات مردم است، مفاهیم فوق را از این آیه استنباط کرده‌ایم.

﴿فَمَنْ أَضْطَرُّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ﴾ [البقرة: 173].

«پس کسی که در شرایطی اضطراری قرار گرفت در حالیکه گناهکار یا تجاوزگر نیست گناهی بر او نخواهد بود».

درمان اصولی و ریشه‌ای این پدیده:

- 1- تربیت شایسته
- 2- حذف علل و عوامل روی آوردن به مشروبات الکلی و مواد مخدر
- 3- مجازات مصرف‌کنندگان

#### (أ) تربیت شایسته

در این باره قبلاً بحث کرده‌ایم، همچنانکه اشاره کرده‌ایم، پرورش فرزندان از همان سنین کودکی براساس ایمان به خدایتعالی و ترس از او و احساس حضور و نظارت الهی در نهان و آشکار صورت می‌گیرد.

تربیت براساس اصول صحیح و روش معین، اثر بسیار بزرگی در تکوین روحی و اصلاح شخصیت و تعالی اخلاق دارد. با نگاهی گذرا به تاریخ اسلام در می‌یابیم که تحول شگفت‌انگیز اعراب و ترک عادات ناپسند آنان که با کمال رغبت در زمان جاهلیت براساس آن زندگی می‌کردند به این علت بود که شخصیت و روان آنان بر مبنای ایمان به خدایتعالی و حسن خشیت و حضور الهی نقش پذیرفت و تمامی آنچه را که با این آئین مقدس و بلندمرتبه ناسازگار بود، کنار گذاشتند.

عرب جاهلی به شراب علاقه‌ای مفرط داشت، اشعار جاهلی مملو است از وصف و مدح شراب.

یکی از شعرای عرب می‌گوید:

إذا مت فادفنی إلی جنب کرمه      تروی عظامی بعد موتی عروقها  
بعد از مرگم مرا در کنار درخت انگوری دفن کنید تا ریشه‌های آن استخوانهایم را سیراب نماید.

شراب در ادبیات عرب جاهلی بیش از صدنام به خود اختصاص داده بود.<sup>۷</sup>

---

\_\_\_\_\_

با تمام تعلق خاطری که اینان به شراب داشتند بعد از نزول آیه تحریم خمر، همه آنان گفتند: پروردگارا! شراب را رها کردیم و دیگر به آن لب نخواهیم زد و هر آنچه شراب داشتند، بیرون ریختن طوری که تمام کوچه‌های مدینه را خیس کرد. آری زمانی که ایمان، با رگ و پی و خون انسان در می‌آمیزد و به اعماق وجودش نفوذ می‌کند، اینچنین شگفتی می‌آفریند و آنچنان اثری در تربیت و اصلاح انسان دارد و اعمال فردی و اجتماعی مختلفی را امکان‌پذیر می‌سازد که دولت‌ها از انجام آن عاجز و قدرت‌های نظامی در برابر ناتوانند.

## 7- خانواده وصله ارحام

### حق اقوام و خویشاوندان (حق الارحام)

ارحام به تمام کسانی اطلاق می‌گردد که به نوعی با انسان ارتباط داشته باشند. این ارتباط می‌تواند نسبی باشد یا سببی، که به ترتیب زیر می‌باشد:

پدران و مادران، پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها، خواهر و برادر، عمه و عمو، فرزندان برادر و خواهر، دایی و خاله، و به این ترتیب تا کسانی که بعد از آنان هستند و از لحاظ خویشاوندی دورترند.

#### 1- پیامبر اکرم p از جانب خدای عزوجل می‌فرماید:

«من پروردگار شما هستم و رحمانم و رحم را خلق کرده‌ام و اسم آن را از نام خود گرفته‌ام کسی که صله رحم را به جای آورد، من نیز با او رابطه دارم و کسی که رابطه با ارحام را قطع کند من با او قطع رابطه خواهم کرد».

در اینجا برخی از آیات قرآن کریم را در این رابطه به عنوان نمونه ذکر می‌کنم.

﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ۝۱﴾ [النساء: 1].

«و بپرهیزید از خداوندی که به نام او از یکدیگر تقاضا می‌کنید و از ارحام هم بپرهیزید (مقصود عدم رعایت حقوق ارحام) براستی که خدایتعالی بر شما نظارت کامل دارد».

﴿وَأَتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا ۝۲۶﴾ [الإسراء: 26].

«و حق نزدیکان و مساکین و راه ماندگان را بده و به اسراف مکوش.»

﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ﴾ [النساء: 36].

«خدایتعالی را بپرستید و به او شرک نورزید! به والدین و نزدیکان و یتام و بینویان و همسایه‌ای که رابطه خویشاوندی دارد نیکی کنید!»

و در مقابل، قرآن کریم از قطع ارتباط با ارحام نهی کرده و آن را عصیان و فساد محسوب نموده و کسی را که مرتکب آن گردد مستحق لعنت و مجازات می‌داند، خدای تعالی می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ يَنْفُسُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ۚ﴾ [الرعد: 25].

«آنانکه پیمان الهی را بعد از آنکه بستند، نقض می‌کنند و هر آنچه را که پروردگار دستور به وصل آن داده است قطع می‌نمایند و در زمین فساد می‌کنند، لعن (دوری از رحمت خدا) برای آنان است و بدجایگاهی دارند (در آخرت)».

و همچنین فرمودند:

﴿فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقْطَعُوا أَرْحَامُكُمْ ۚ ۲۲ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَرَهُمْ ۚ﴾ [محمد: 22-23].

«پس آیا امیدوارید اگر والی شوید (سرپرست و عهده‌دار امور)، در زمین فساد کنید و قطع ارحام خود نمائید، ایشان کسانی هستند که خدایتعالی آنان را لعنت کرده است و آن‌ها را کر و دیدگان‌شان را کور نموده است».

● صلۀ رحم سرزمین‌ها را آباد و ثروت‌ها را نتیجه بخش می‌گرداند.

«ابن عباس ب» می‌گوید: رسول خدا p فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لِيَعْمَرَ بِالْقَوْمِ الدِّيَارَ، وَيَثْمَرُ لَهُمُ الْأَمْوَالُ، وَمَا نَظَرَ إِلَيْهِمْ مِنْذَ خَلَقَهُمْ بَغْضًا لَهُمْ، قِيلَ: وَكَيْفَ ذَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: بَصَلْتَهُمُ الرَّحِمَ». «خداوند به سبب قومی،

سرزمینشان را آباد می‌کند و ثروت‌هایشان را نتیجه بخش می‌گرداند و از روزی که آنان را خلق کرده است با دیده خشم به آنان نمی‌نگرد» گفتند: ای پیامبر خدا، چنین چیزی چگونه ممکن است؟

فرمود: «با به جای آوردن وظیفه صله رحم». (روایت ابن حبان و حاکم)

● صله رحم باعث بخشش گناهان و پوشیده شدن خطاها می‌گردد.

«ابن عمر ب» می‌گوید: مردی به خدمت رسول اکرم  $\text{p}$  رسید و گفت: من گناه بزرگی مرتکب شده‌ام، آیا امکان توبه کردن برای من وجود دارد؟

پیامبر اکرم  $\text{p}$  فرمود: آیا مادرت زنده است؟ گفت: نه!

فرمود: آیا خاله داری؟ گفت: آری! فرمود: به او نیکی کن. (روایت حاکم و ابن حبان)

● صله رحم حساب و کتاب روز قیامت را ساده کرده و دمی را وارد بهشت می‌کند.

رسول خدا < فرمود: «ثلاث من كن فيه حاسبه الله حساباً يسيراً وأدخله الجنة برحمته، قالوا: وما هي يا رسول الله! بأبي أنت وأمي؟ قال: تعطي من حرمك، وتصل من قطعك، وتعفو عمن ظلمك، فإذا فعلت ذلك يدخلك الله الجنة». «سه خصلت وجود دارد که اگر در کسی باشد حساش در قیامت سهل است و خدای تعالی به سبب رحمتش او را به بهشت وارد می‌کند». گفتند: پدر و مادرمان به فدایت باد ای پیامبر گرامی خدا، آن سه خصلت کدامند؟

فرمود: «بخشیدن به آن کسی که از دادن چیزی به تو خودداری کرد و با کسی که قطع رابطه با تو نمود، ارتباط برقرار کنی و از آن کس که به تو بدی کرد درگذری، اگر این کارها را کردی آنگاه خدای تعالی تو را وارد بهشت خواهد کرد». (روایت بزار و طبرانی و حاکم)

همچنین آن حضرت < فرمودند: «لا يدخل الجنة قاطع رحم». «قاطع رحم وارد بهشت نمی‌شود»



## تامین مخارج زن و فرزند بر مرد واجب است

این وجوب براساس کلام مقدس خدایتعالی است که می‌فرماید:

﴿وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ [البقره: 233].

«نفقه و پوشش شایسته زن (که بچه را بدنیا آورده و شیر می‌دهد) بعهد پدر بچه است».

و براساس گفته پیامبر عظیم الشان ما ص آنجا که می‌فرماید: «دینار أنفقته في سبيل الله، ودینار أنفقته في رقبة، و دینار تصدقت به على مسكين، و دینار أنفقته على أهلك ... أعظمها أجراً الذي أنفقته على أهلك».

«دیناری در راه خدا می‌بخشی و یا در آزاد کردن بنده‌ای می‌دهی یا به مسکینی صدقه می‌دهی و یا برای تامین معاش و زندگی خانواده‌ات خرج می‌کنی، در نزد خدای عزوجل بیشترین پاداش مربوط به آن است که در تامین معاش و زندگی خانواده‌ات خرج کرده‌ای». (روایت از مسلم).

همانطور که تامین معاش و زندگی افراد خانواده نزد خدای متعال پاداش دارد به همان اندازه قصور در این امر و سخت‌گیری بر زن و فرزند در حالی که مرد توانایی مالی دارد، موجب گناه خواهد بود. و بشنوید کلام رسول گرامی خدا ص را که خطاب به کسانی که بر زن و فرزند خود سخت گرفته و زندگی را با خودداری از پرداخت وجوه مورد نیاز بر آنان تنگ می‌کنند و حیاتشان را آکنده از رنج و مشقت می‌نمایند چه می‌فرماید. در حدیث «ابو داود» و دیگران آمده است که پیامبر ص فرمود: «كفى بالمرء إثماً أن يضيع من يقوت».

«برای مرد همین گناه کافی است که نسبت به زن و فرزند و افراد تحت تکلفش خسیس و دست تنگ باشد».

و به روایت مسلم آمده است: «كفى بالمرء إثماً أن يحبس عمن يملك قوته».

«برای مرد همین گناه کافی است که از دادن مایحتاج افراد تحت تکلفش خودداری کند». منظور از ضروریات مایحتاج خانواده غذا، پوشاک و مسکن مناسب است تا فرزندان در معرض بیماری قرار نگیرند و از گرفتاری و مرض بدور باشند

در مورد هر دو سؤال P می‌گوید: پس از جنگ احد دو شهید را با هم دفن می‌کردیم، پیامبر اکرم ﷺ «جابر» می‌کرد: کدام یک قرآن را بیشتر حفظ کرده است؟ و به هر کدام که اشاره می‌شد، می‌فرمود: «او را اول در قبر بگذارید»

## 10- خانواده و محبت

### 11- خانواده و دیدار دوستان

(آداب سلام کردن)

آداب سلام کردن

سلام کردن آداب خاص خود را دارد، شایسته است که والدین و مربیان محترم کودکان خود را به آن عادت دهند و در وجود آنان جایگزین سازند. آداب سلام کردن به ترتیب زیر است:

أ) فرزند بداند که شرع مقدس اسلام به سلام کردن امر نموده است.

خدای تعالی در کتاب با عظمت و والای خویش می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا﴾ [النور: 27].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خانه‌ای داخل نشوید! مگر آنکه، اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید».

﴿وَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبْرَكَةً طَيِّبَةً﴾ [النور: 61].

«پس هرگاه به منزلی وارد شدید برخود سلام کنید! درودی از جانب خدا، پاک و پر برکت».

از رسول گرامی P پرسیدند: انجام دادن چه کاری از اسلام نیکوتر است؟ فرمود: «طعام بدهی و سلام کنی بر کسی که می شناسی و بر کسی که نمی شناسی».

و ایمان ندارید مگر آنکه یکدیگر را دوست داشته باشید. آیا شما را راهنمایی کنم که چگونه می توانید همدیگر را دوست بدارید؟ سلام کردن را بین خود رایج کنید».

### ب) فرزند کیفیت سلام کردن را یاد بگیرد

کسی که سلام کردن را آغاز می کند باید بگوید: «السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته» و کسی که جواب می دهد می گوید: «وعلیکم السلام ورحمة الله وبرکاته» هر چند صیغه سلام برای فرد سلام کننده و جواب دهنده جمع است در حالت مفرد و جمع یکسان بکار برده می شود. این کیفیت سلام کردن از احادیث رسول خدا < استنباط شده است که در اینجا ذکر می گردد:

مردی به خدمت نبی اکرم P رسید و گفت: «السلام علیکم» پیامبر خدا P جواب داد و فرمود: ده، دیگری آمد و گفت: «السلام علیکم ورحمة الله» پیامبر خدا P جواب داد و فرمود: بیست و شخص سومی آمد و گفت: «السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته» آن حضرت جواب داد و فرمود: سی

### ج) کودک آداب سلام کردن را یاد بگیرد

سواره به پیاده و ایستاده به نشسته و تعداد کم به تعداد زیاد و کوچک به بزرگ سلام می کند پیاده اکرم P فرمود: «یسلم الراكب على الماشي، والماشي على القاعد والقليل على الكثير» «فرد سواره بر پیاده و کسی که ایستاده است بر فرد نشسته و تعداد کم به تعداد زیاد سلام می کنند».

و در روایت آمده است: «یسلم الصغیر علی الکبیر». «کوچک به بزرگ سلام می کند».

### د) کودک از سلام کردن شبیه به بیگانگان منع شود

نبی اکرم P فرمود: «لیس منا من تشبه بغیرنا، لا تشبهوا بالیهود ولا بالنصارى، فإن تسلیم الیهود الإشارة بالأصابع، وتسلیم النصارى الإشارة بالأکف». «کسی که غیر از مسلمان تقلید کند از ما نیست، از یهود و

نصاری تقلید نکنید. سلام کردن یهودی بوسیله اشاره بوسیله انگشتان و سلام کردن نصاری با اشاره به بوسیله کف دست است».

نهی آن حضرت p به این دلیل است که ضرورت دارد امت اسلامی هویت و شخصیت متمایزی از سایر ملل داشته باشد که این تمایز در آداب اجتماعی و اخلاقی و شیوه زندگی بروز می‌کند.

### ه) سلام را باید مربی آغاز کند

مربی اول اسلام حضرت محمد p پیامبر محبوب ما به کودکان سلام می‌کرد.

«انس t» می‌گوید: پیامبر خدا p از کنار تعدادی از کودکان می‌گذشت بر آنان سلام کرد. و در روایت «مسلم» آمده است که پیامبر خدا p از کنار بچه‌ها گذشت و به آن‌ها سلام کرد. «انس» می‌گوید: این عادت پیامبر p بود. (که به کودکان سلام می‌کرد)

### و) کودک باید یاد بگیرد که جواب غیرمسلمان را با لفظ (علیکم) بدهد

رسول خدا p فرمود: «وقتی که اهل کتاب به شما سلام کردند بگوئید علیکم و همچنین فرمود شما ابتدا به یهودی و نصاری سلام نکنید».

### ز) کودک بداند سلام کردن سنت است اما جواب دادن واجب است

پیامبر خدا p فرمود:

«کسی که سلام را جواب دهد، خیرش برای اوست و کسی که جواب ندهد از ما نیست». ترمذی روایت

می‌کند که از نبی اکرم p پرسیدند، دو مرد با هم ملاقات می‌کنند کدامیک از آن‌ها سلام کردن را آغاز می‌کند؟

فرمود: «أولاهما بالله تعالی». «آنکه بخدا نزدیک‌تر است».

و در روایت آمده است: «نزدیکترین مردم بخدا کسی است که قبل از همه سلام را آغاز می‌کند».

شایسته است که مربی به کودک بیاموزد که سلام کردن به افراد زیر مکروه است:

کسی که وضو می‌گیرد، کسی که داخل حمام است، کسی که غذا می‌خورد، فردی که می‌جنگد، کسی که تلاوت قرآن می‌کند یا ذکر خدا می‌نماید، فردی که در حج تکبیر می‌گوید، خطیب جمعه در حال خطبه و واعظ مسجد یا جاهای دیگر در حال وعظ کسی که بر فردی در حالت‌های فوق سلام کند جواب سلام او واجب نخواهد بود. لازم است که مربیان و والدین عزیز آداب سلام کردن را به طور کامل به فرزندان خود یاد دهند تا به این آداب اجتماعی عادت کنند و از آن در رابطه با مردم بهره گیرند.

### تبریک گفتن به مناسبت اعیاد و مراسم و مناسبات مختلف دیگر

فرمود: کسی که دوستش را هنگام بازگشت از نماز جمعه می‌بیند، بگوید: خدای تعالی عبادت تو پیامبر خدا و ما را قبول کند».

### دادن هدیه در مراسم و مناسبات مختلف

رسول خدا > فرمودند: «به یکدیگر هدیه بدهید تا یکدیگر را دوست داشته باشید».

و فرمود: «ای همسران مؤمنین! به یکدیگر هدیه بدهید تا یکدیگر را دوست داشته باشید».

و فرمود: «ای همسران مؤمنین! به یکدیگر هدیه بدهید، هر چند سم گوسفندی باشد، زیرا باعث ایجاد مودت و محبت می‌شود و کینه را از بین می‌برد

پیامبر خداصل فرمود:

«با همدیگر دست بدهید که حقد و کینه را می‌زداید و به یکدیگر هدیه بدهید که محبت ایجاد می‌کند و عداوت و دشمنی را از بین می‌برد».

پیامبر خدا ﷺ فرمود: «زمانی که دو فرد مسلمان با هم ملاقات می‌کنند و دست می‌دهند و خدای را سپاس می‌گویند و از او طلب بخشش می‌کنند، خدای تعالی آنان را می‌بخشد».

و نیز فرمود: «ما من مسلمین يلتقيان فيتصافحان إلا غفر لهما قبل أن يتفرقا».

«هر دو فرد مسلمان که برخورد می‌کنند و دست می‌دهند، خدای تعالی قبل از آنکه از هم جدا شوند آنان را می‌بخشد».

پیامبر خدا ﷺ فرمود: «من لقي أخاه بما يحب ليسره بذلك سره الله عزوجل يوم القيامة». «کسی که برای مسلمانش را با آن چیزی که دوست دارد مواجه نماید تا او را شادمان گرداند، خدای تعالی در روز قیامت او را مسرور خواهد ساخت».

و فرمودند: «إن من موجبات المغفرة إدخالك السرور على أخيك المسلم». «همانا شادمان کردن برادر مسلمان از موجبات مغفرت است

## نگاه کردن به جنس مخالف

جائز نیست که مرد بالغ به زن بیگانه‌ای نگاه کند، هر چند زن مذکور شهوت را برنیا نگیزد اما منظور ما از زن بیگانه و مرد بیگانه چیست؟

مرد بیگانه: مرد بیگانه نسبت به زن کسی است که می‌تواند با او ازدواج کند، مانند پسر عمو، پسر عمه، پسر خاله، پسر دایی، شوهر خواهر، و شوهر خاله و ...

زن بیگانه: زن بیگانه نسبت به مرد کسی است که می‌تواند با او ازدواج کند، مانند دختر عمه، دختر خاله، دختر دایی، زن عمو، زن دایی، خواهر زن، عمه و خاله زن و ...

اصل تحریم نگاه کردن، بر اساس گفته مبارک خدای تعالی است که:

﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّونَ مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُونَ فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ٣٠ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ﴾ [النور: 30-31].

«به مردان مؤمن بگو که چشمان خویش فرو گیرند و شرمگاه خویش نگه دارند، این برایشان پاکیزه‌تر است زیرا خدا به کارهایی که می‌کند آگاه است. و به زنان مؤمن بگو که چشمان خویش فرو گیرند و شرمگاه خود نگه دارند...»

- طبرانی: پیامبر خداص در روایتی از پروردگارش عزوجل می‌فرماید: نگاه به نامحرم تیری از تیرهای شیطان است. کسی که آن نگاه را از ترس من ترک کند به جای آن ایمانی جایگزین خواهم کرد که حلاوت آن را در قلب خود احساس خواهد کرد.

- و هم‌چنین فرمود: مردی که چشمش به محاسن زنی بیافتد و چشمش را ببندد، خدای تعالی آن را به عنوان عبادتی به شمار می‌آورد که حلاوت آن را در قلبش احساس می‌کند.

- و آن حضرت فرمودند: شش امر را در رابطه با نفس خویش برای من تضمین نمایید، من نیز بهشت را برای شما تضمین می‌کنم. هرگاه سخن گوید راست بگوئید، و هنگامی که قول دادید به آن عمل کنید، و امانتی را که به شما سپرده‌اند ادا نمائید، عورت خود را حفظ کنید و چشمه‌ایتان را ببندید [در هنگام دیدن نامحرم] و دست نگه دارید [از فعل حرام].

- ام سلمه<sup>ل</sup> می‌گوید: من و میمونه نزد رسول اکرم<sup>ص</sup> بودیم که ابن ام مکتوم وارد شد - این حادثه بعد از نزول آیه حجاب بود - نبی اکرم<sup>ص</sup> فرمود: «خود را مستور سازید» گفتیم: ای پیامبر خدا، مگر ابن ام مکتوم کور نیست؟ نه ما را می‌بیند و نه می‌شناسد؟ فرمود: مگر شما دو نفر کورید؟ آیا او را نمی‌بینید؟

به نظر بعضی‌ها - خصوصاً تعدادی از غربی‌ها - چشم چرانی، اختلاط آزاد دختران و پسران، و سخنان کذائی با یکدیگر، شوخی‌های بی‌پرده و دیدن بخش‌های پوشیده بدن که موضع فتنه‌اند، نوعی تسکین است که باعث نشاط می‌گردد و تمایلات سرکوب شده را رها می‌سازد و نوعی پیش‌گیری از ایجاد عقده‌های روانی است، و مقداری از فشار غریزه جنسی را می‌کاهد و از شدت سایر عواملی که دوری از آن‌ها اجتناب‌ناپذیر است کم می‌کند.

کسانی که به چنین نظریات و افکار باطلی استناد می‌کنند، فراموش کرده‌اند که تمایل زن به مرد به جانب یکدیگر احساسی عمیق و فطری است که در وجود انسان به ودیعه گذاشته شده است تا زندگی و حیات انسانی بر روی زمین امتداد یافته و ادامه پیدا کند، و خلاف انسان در آن تحقق یابد. پس احساس جنسی نوعی تمایل است که گاهی شعله می‌کشد و زمانی فروکش می‌کند، و برانگیختن آن در هر لحظه سبب افزایش شدت آن می‌گردد و نهایتاً آدمی را مجبور می‌سازد که این آتش برافروخته را از وجود خود بیرون بفرستد و اصطلاحاً خود را تخلیه کند، اگر این تخلیه با رابطه جنسی برآورده نشود، رنجش عصبی حاصل می‌گردد و فردی که تحریک شده است در معرض شکنجه دائمی قرار می‌گیرد.

نگاه، حرکت، خنده شوخی و حتی کلامی کوتاه درباره میل جنسی باعث برانگیخته شدن آن می‌گردد. طریقه مطمئن برای تقلیل این تحریک‌ها آن است که میل جنسی را در حدود طبیعی آن محدود سازیم، سپس سعی کنیم با شیوه‌ای مشروع - یعنی ازدواج - این نیاز طبیعی را برآورده سازیم. و به راستی بهترین راه همین راه است، طریقی که اسلام برای جنس بشر مطرح می‌کند و آرامش نفسانی خود را در این مسیر بدست می‌آورد، فکرش آرام و قرار می‌گیرد، اعصابش می‌آساید و با سایر انسان‌ها رابطه‌ای سالم و صحیح خواهد داشت.

و شاعر چه زیبا گفته است:

|                              |                            |
|------------------------------|----------------------------|
| و معظم النار من مستصغر الشرر | كل الحوادث مبدأها من النظر |
| فعل السهام بلا قوس ولا وتر   | كم نظرة فعلت في قلب صاحبها |
| في أعين الغيد موقوف على خطر  | والمرء مادام ذا عين يقلبها |
| لا مرحباً بسرور عاد بالضرر   | يسر مقلته ماضر مهجته       |

آغاز تمامی حوادث از یک نگاه است مانند آتش عظیم که ابتدایش شعله‌ای کوچک است.

چه بسیار است نگاهی که مانند تیری در قلب صاحبش اثر می‌کند بدون آن‌که زهر و کمانی در کار باشد.

و مادامی که چشم آدمی بین چشمان دختران جوان می‌چرخد در معرض خطر خواهد بود.

نگاهش چشم او را مسرور می‌سازد اما به روحش ضرر خواهد زد، نفرین به سروری که سرانجامش تلخ‌کامی است.



و چه زیبا گفته است، پیامبر محبوب ماص که: «چشمان سه کس آتش را نخواهد دید: چشمی که در راه خدا پاسداری کرده است و چشمی که از خشیت خدای تعالی گریه کرده است و چشمی که از نگاه به محارم الهی بازداشته شده است

## اعمال نامشروع

نبی اکرم ص آن‌ها را این گونه برمی‌شمارد:

«از زنا پرهیزید زیرا موجب چهار خصلت خواهد شد: زیبایی صورت آدمی را زایل می‌کند، موجب قطع روزی می‌گردد، خشم خداوند رحمان را برمی‌انگیزد و باعث جاودانه ماندن در آتش می‌شود». روایت طبرانی

خطر اخروی زنا آن است که فرد زناکار در هنگام زنا از محدوده ایمان خارج می‌شود. در روایت بخاری و مسلم از نبی اکرم ص آمده است که «زناکار در هنگام عمل زنا ایمان ندارد».

خطر دیگر زنا آن است که اگر فرد زناکار بر انجام این عمل منفور مصر باشد و توبه نکند و در همان حال هم بمیرد خداوند سبحان عذاب او را در قیامت دو چندان خواهد کرد، پروردگار متعال در سوره فرقان می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا ۖ ٦٨ يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا ۖ ٦٩﴾ [الفرقان: 68-69].

«و آنان که با خدای یگانه خدای دیگری را نمی‌خوانند و کسی را که خدا کشتنش را حرام کرده - مگر به حق - نمی‌کشند و زنان نمی‌کنند و هر که این کارها کند عقوبت گناه خود می‌بیند، عذابش در روز قیامت مضاعف می‌شود و تا ابد به خواری در آن عذاب خواهد بود».

و در این جا دو نمونه از عفت و علو اخلاقی را برای شما جوانان بیان می‌کنم، که امیدوارم به عنوان الگو از آنان پیروی کنید.

نمونه اول: حضرت یوسف U که در عنفوان جوانی و دوران نشاط و قدرت زندگی است، زنی زیبا و صاحب مقام او را به جانب خود دعوت می‌کند، درها بسته و همه چیز مهیای وصال است، قرآن کریم این چنین ماجرا را به تصویر می‌کشد:

﴿وَرُوْدَتْهُ اَلَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْاَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ﴾ [یوسف: 23].

«همان زنی که یوسف در خانه او بود، وی را به خویش دعوت کرد و درها را بست و گفت من برای تو آماده‌ام»

اما موضع و جواب یوسف U در مقابل این حيله چه بود؟ فتنه‌ای که چشم و دل را می‌رباید. آیا دعوت زلیخا را بپذیرد و با ناموسی خیانت کند که او را نسبت به آن امانت‌دار می‌دانند؟ هرگز، یوسف گفت:

﴿مَعَاذَ اللّٰهِ اِنَّهُ رَبِّيْٓ اَحْسَنَ مِّنْ اَوَّيِّٓ اِنَّهُ لَا يَفْلِحُ الظّٰلِمُوْنَ ۚ۲۳﴾ [یوسف: 23].

«پناه بر خدا (من به سرپرست خود خیانت نمی‌کنم) زیرا او حق تربیت به گردن من دارد و مقام مرا نیک نمود، به راستی که ستمکاران رستگار نمی‌شوند.»

زن پادشاه مصر تمامی حيله‌ها و نقشه‌های خود را به کار بست و از تمامی راه‌ها به گونه‌های مختلف مانند تهدید و فریب و غیره پیش رفت تا شاید بتواند صلابت و استواری و مقاومت یوسف را درهم شکند و به مراد خویش دست یابد و این موضوع را در حضور زنان میهمانش با خشم و کینه بیان نمود. قرآن این چنین بیان می‌دارد:

﴿وَلَقَدْ رُوْدَتْهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاَسْتَعْصَمَ وَلَئِنْ لَّمْ يَفْعَلْ مَا ءَامَرُهُ لَيُسْجَنَ وَلَيَكُوْنَا مِنَ الصّٰغِرِيْنَ ۚ۳۲﴾ [یوسف: 32].

«(زلیخا گفت): من به جهت کام از نفس او، به او امر به مراوده کرده‌ام، اما او به عفت و عصمت چنگ زد و اگر دستور مرا به جای نیاورد، باید زندانی شود و به خواری و ذلت بیافتد.»

اما «یوسف» این جوانمرد واقعی با تمامی وجود به جانب خدایش روی کرد و از او طلب عفت و عصمت و یاری برای مقابله با آن زن، نمود:

﴿رَبِّ السَّجْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ الْجَاهِلِينَ ۝۳۳﴾  
[یوسف: 33].

«پروردگارا؛ زندان نزد من محبوب‌تر از آن چیزی است که این زنان مرا به سوی آن می‌خوانند و اگر کید و دام آنان را از من نگردانی شیفته آن‌ها می‌شوم و از نادانان می‌شوم».

آزمایشی بود بین ضمیر انسان مؤمن و ترس از پروردگار و گناهان اغواگر و هوسی فریبنده که در این میان، ایمان پیروز شد.<sup>۸</sup>

خداوند متعال به متقین نیکوکار و مخلص، نظری خاص دارد، در هر گرفتاری، گشایشی و در هر شرایط سختی راه حلی پیش پای آنان خواهد گذاشت، زیرا خود فرموده است:

﴿وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ۚ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾ [الطلاق: 2-3].

«و هر کس از خدای تعالی بپرهیزد (او را در تمامی اعمال در نظر داشته باشد) راه بیرون رفتنی برایش قرار می‌دهد (بیرون رفتن از گرفتاری و مخمصه) و او را از جایی که به حساب نیاورده روزی می‌دهد».

و می‌فرماید:

﴿وَلَيْسَتَّعْفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُعْطِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾ [النور: 33].

«و آنان که نمی‌توانند ازدواج کنند (امکانات ندارند) باید عفت ورزند، تا زمانی که خدای لا با فضل خویش آن‌ها را بی‌نیاز می‌سازد».

این پاکدامنی و رفعت و عظمت اخلاقی با آنچه که به نام «عقده حقارت جنسی» مطرح است بسیار فرق می‌کند. روانشناسان می‌گویند عقده حقارت جنسی نوعی سرکوبی حس تمایل جنسی است که بر اساس آن فرد از عمل جنسی متنفر می‌شود و در هنگام انجام عمل جنسی هر چند با یک ازدواج شرعی باشد، احساس گناه می‌کند و خود را سرزنش می‌نماید، اما این نوع خودداری از فعل حرام با این‌گونه احساس‌ها بسیار فرق دارد و ما در بحث ازدواج و ارتباط جنسی گفتیم: اسلام مجرد بودن را نکوهش می‌کند و از رهبانیت و انزوا متنفر

<sup>۸</sup> - نقل از کتاب (الإسلام والمشكلة الجنسية) - اسلام و مسائل جنسی - نوشته دکتر «مصطفی عبدالواحد».

است و ازدواج را نیز به عنوان عاملی جهت پاسخ‌گویی به ندای فطرت آدمی مطرح می‌کند، پس دیگر سرکوبی و عقده حقارت جنسی برچسبی است که با هیچ توجیهی به اسلام نمی‌چسبد.

پس جوانی که در خود احساس جنبش غریزه می‌کند، نیازش فقط به پناه بردن به خدا - با این فرض که حس جنسی فقط اندیشه‌ای مجرد است - برآورده نمی‌شود، زیرا اسلام با واقع‌بینی تمام اعلام می‌کند که احساس جنسی نیازی طبیعی است که نمی‌توان آن را انکار کرد. پس یک جوان مسلمان نیازی ندارد که احساس خود را سرکوب کند و یا در هنگام شعله‌ور شدن آن احساس گناه کند، پس تمامی اضطراب و هیجان و احساس گناهی که امکان دارد در درون یک جوان به وجود آید، در این‌جا منتفی می‌شود احساس‌هایی که گاهی منجر به ناهنجاری‌های روانی و انحرافات اخلاقی و جنسی می‌شود.

اما باید به جنبه دیگری از قضیه هم توجه کنیم: با این‌که اسلام بروز چنین احساسی را در درون فرد گناه نمی‌داند، به فرد هم اجازه نمی‌دهد به محض احساس ندای غریزه، آن را به سرعت پاسخ گوید، به هر شکلی که باشد مشروع یا غیرمشروع، بلکه حدود مشخص و قواعد معینی برای ارضای آن قرار داده است که در چهارچوبه آن، برآوردن نیاز مباح، و در خارج آن حرام می‌باشد. این صحیح است که جوان نیروی غریزی خود را مهار کند اما این مهار کردن با سرکوبی تحقیرآمیز و عقده روانی بسیار تفاوت دارد، این مهار نمودن احساس را از ریشه برنمی‌کند بلکه جولان و تحرک آن را برای مدتی معین محدود می‌نماید و بروز احساس را در درون حرام نمی‌داند.<sup>۹</sup>

## 12- خانواده و کارهای خیر (عیادت مریض - کمک به نیازمندان)

از «براء بن عازب» روایت می‌کنند که: «أمرنا رسول الله ﷺ بعيادة المريض، واتباع الجنازة، وتشميت العاطس، وإبرار المقسم، ونصرة المظلوم، وإجابة الداعي، وإفشاء السلام». «رسول خدا ص مسلمانان را به عیادت مریض، اتباع جنازه، تشمیت عطسه کننده، پذیرش قسم، یاری مظلوم، اجابت دعوت و سلام کردن امر نموده است».

---

<sup>۹</sup> - نقل از کتاب «الاسلام والمشكلة الجنسية» (اسلام و مسائل جنسی) تألیف دکتر مصطفی عبدالواحد.

و فرمودند: «حق المسلم على المسلم خمس: رد السلام، وعيادة المريض، واتباع الجنائز، وإجابة الدعوة، وتشميت العطاس».

«حق مسلمان بر مسلمان پنج چیز است: جواب دادن سلام، عیادت مریض، اتباع جنازه، اجابت دعوت و تشمیت عطسه‌کننده». (روایت بخاری و مسلم)

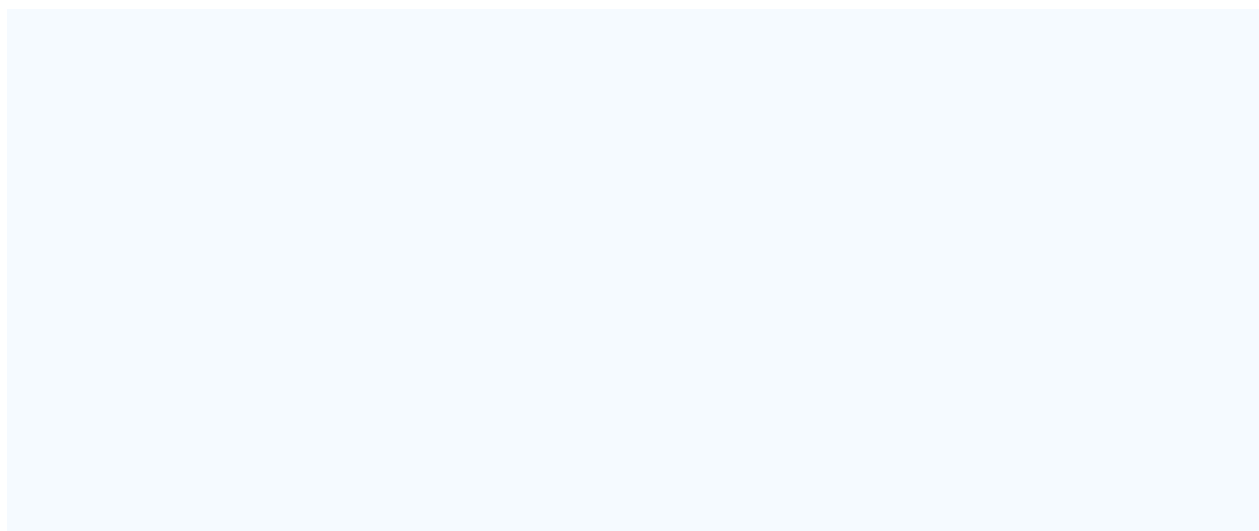
به این دلیل یاران گرامی حضرت رسول ص در امر دست یابی به خیر از هم پیشی می‌گرفتند که عیادت مریض از آن جمله است تا از پاداش بهشت بهره‌مند شوند و در جایگاه صدق در کنار آن پادشاه مقتدر باشند. پیامبر محبوب ص ما فرموده است: «إذا دخلتم على مريض فنفسوا له في أجله (بطول العمر)، فإن ذلك لا يرد شيئاً، ويطيب نفسه». «هرگاه به عیادت مریض رفتید او را به طول عمر امیدوار سازید! بدانید که سخن شما چیزی را عوض نمی‌کند اما باعث آرامش بیمار خواهد شد

رسول خدا ص فرمود: «إذا دخلت على مريض فمره فليدع لك، فإن دعائه كدعاء الملائكة». «وقتی به عیادت مریض رفتی از او بخواه که برایت دعا کند، زیرا دعای مریض مانند دعای ملائکه است».

منابع :

**چگونه فرزندان خود را تربیت کنیم؟ (جلداول و دوم)**

**مؤلف: عبدالله ناصح علوان ترجمه: عبدالله احمدی**



## خانواده

### 1- ازدواج

**الف: ازدواج روش اهل بیت ع بوده و مجرد زندگی کردن بدون علت خاصی مردود و مذموم بوده است.**

«وَأَنْكَحُوا الْأَيَّامِي مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»<sup>10</sup>

خداوند در آیه مذکور دستور داده که: دختران و پسران صالح را به ازدواج هم در بیاورید که اگر فقیر هم باشند خداوند آنها را از فضل و کرم خود بی نیاز می نماید زیرا خداوند زیاد کننده رزق و عالم به همه اسرار و نهان می باشد.

و پیامبرش فرمود:

«مَا بُنِيَ فِي الْأَسْلَامِ بِنَاءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَأَعَزَّ مِنَ التَّزْوِيجِ»<sup>11</sup>؛

هیچ بنایی در اسلام در نزد خداوند عز و جل همانند ازدواج محبوب و عزیز نیست.

پیامبر اسلام در 25 سالگی از دواج کردند و ازدواج را سنت و روش خود می دانستند و کسانی را که عمدا و بدون علت خاصی، ازدواج نمی کردند جزو امت خود نمی دانستند<sup>12</sup>.

«پیامبر اسلام (ص): من از دنیای شما، سه چیز را دوست دارم. عطر، همسرو نور چشمم نماز است.»

---

<sup>10</sup> نور/32

<sup>11</sup> بحار الانوار، ج100، ص222، ح40  
<sup>12</sup> مستدرک الوسائل، ابواب مقدمات نکاح، باب 1، حدیث 15.

«رسول خدا(ص): کسیکه ازدواج کرده و خواب است در نزد خدا از مجردیکه روزه بوده و شبها به عبادت مشغول است، برتر است.»<sup>۱۳</sup>

همچنین اهل بیت ع نیز ازدواج را ترویج و تشویق می کردند و خود اهل ازدواج بودند. فاطمه زهرا س در نه سالگی با علی ع که در سن 22 سالگی بودند ، ازدواج کردند و فرزندان بدنی آوردند که جهان را به نور خود روشن نمودند. حسن ع و حسین . زینب و ام کلثوم.

اهل بیت ع با مجرد زندگی کردن انسان ها مخالف بودند و گاهی افرادی که نزد اهل بیت ع می آمدند و اجازه می خواستند که مجرد بمانند اهل بیت ع اجازه نمی دادند.

امام رضا علیه السلام فرمود: زنی به امام باقر علیه السلام گفت: من متبئله هستم ! حضرت فرمود: در نزد تو تبئل به چه معنی است؟ گفت: یعنی تصمیم دارم که هیچگاه ازدواج نکنم . امام فرمود: چرا؟ گفت: می خواهم به این وسیله دارای فضیلت بشوم . امام فرمود: از این تصمیم برگرد ! زیرا اگر در ازدواج نکردن فضیلتی بود، حضرت فاطمه علیها السلام هم قبل از تو این کار را می کرد ! زیرا هیچکس نمی تواند در فضیلتی از فاطمه علیها السلام پیشی بگیرد.<sup>۱۴</sup>

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله : بدترین مردان شما، عزبانند(مجردان) !<sup>۱۵</sup>

امام محمد باقر علیه السلام : دوست ندارم که دنیا و آنچه در دنیا است داشته باشم ولی یکشب بی همسر بخوابم .<sup>۱۶</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله : دور رکعت نماز ازدواج کرده برتر است از هفتاد رکعت نماز فرد مجرد !<sup>۱۷</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله : کسیکه ازدواج کرده و خواب است در نزد خدا از مجردیکه روزه بوده و شبها به عبادت مشغول است، برتر است .<sup>۱۸</sup>

امام رضا علیه السلام : از سفره عروسی بوی بهشت استشمام می شود.<sup>۱۹</sup>

<sup>۱۳</sup> مکارم الاخلاق

<sup>۱۴</sup> معارف قران و اهل بیت ع

<sup>۱۵</sup> همان

<sup>۱۶</sup> همان

<sup>۱۷</sup> همان

<sup>۱۸</sup> همان

<sup>۱۹</sup> همان



ب: معیارهای اهل بیت ع برای ازدواج دختر و پسر، ایمان و اخلاق اسلامی است. و هیچکدام از امتیازات دنیوی مانند داشتن حسب و نسب و ثروت و شغل و تحصیلات و زیبایی و غیره ملاک اصلی در ازدواج نیست.

الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبَاتِ<sup>20</sup>

زنان بد مال مردان بد و مردان بد مال زنان بد. زنان خوب مال مردان خوب و مردان خوب مال زنان خوب.

«إِذَا جَاءَكُمْ مَنْ تَرْضَوْنَ دِينَهُ وَامَانَتَهُ يَخْطُبُكُمُ (الْيَوْمَ) فَرَّوْجُهُ، إِنْ لَا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ»<sup>21</sup>

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: اگر خواستگار مومن و امین بود به او دختر بدهید و اگر ندهید باعث بوجود آمدن فتنه و فساد بزرگ در زمین می شود.

إِنْ خَطَبَ إِلَيْكَ رَجُلٌ رَضِيتَ دِينَهُ وَخُلُقَهُ فَرَّوْجُهُ وَلَا يَمْنَعُكَ فَقْرُهُ وَفَاقَتُهُ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...»<sup>22</sup>

امام رضا علیه السلام در خصوص ویژگی داماد خوب می فرماید:

اگر خواستگار مومن و خوش اخلاق بود به او دختر بده و نباید فقیر بودن او مانع از دواجش شود. که خداوند در قرآن فرمود که اگر فقیر باشند خداوند آنها را از کرمش بی نیاز می کند.

«رَوَّجَهَا مِنْ رَجُلٍ تَوَّيَّ، فَإِنَّهُ إِنْ أَحَبَّهَا أَكْرَمَهَا وَإِنْ أَبْغَضَهَا لَمْ يَظْلِمْهَا»<sup>23</sup>

قرآن می فرماید: والبلد الطيب يخرج نباته باذن ربه ولذى خبث لايجرّ الا نکدا

اگر والدین خوب باشند فرزندان خوبی بعمل می آید. مثلاً مادری که شجاع است فرزندان شجاع دنیا می آورد.

در جنگ جمل یه دفعه ای که تیرهای زیادی می آمد علی ع به پسرش محمد بن حنفیه فرمود برو جلو بجنگ. محمد کمی صبر کرد تا تیرها کم بشه. اقا دستی به سینه اش زدند و فرمودند رگی از مادرت در تو هست! بعد بع به امام حسن و امام حسین گفتند بروید جلو. آنها فوراً رفتند با اینکه تیرهای زیادی می آمد.

همچنین نقل شده بعد از شهادت فاطمه زهرا س، علی ع بع برادرش عقیل فرمود برایم زنی از قبیله ای

<sup>20</sup> نور. 26.

<sup>21</sup> بحار الانوار، ج 100، ص 372، ح 3

<sup>22</sup> کنز العمال، ح 44707

<sup>23</sup> مکارم الاخلاق، ج 1، ص 204

شخصی با امام حسن ع درباره خواستگار دخترش مشورت کرد. حضرت فرمود: اگر خواستگار باتقوا آمد به او دختر بده چون اگر زنش را دوست داشته باشد او را عزیز می شمارد و اگر او را دوست نداشته باشد، او را اذیت نمی کند.

**اهل بیت ع فرموده اند از گلهای لجن زار (دختران زیبا ولی فاسد) دوری کنید.**

«إِيَّاكُمْ وَخَضِرَاءَ الدَّمَنِ، قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا خَضِرَاءُ الدَّمَنِ؟ قَالَ: الْمَرْأَةُ الْخَسَنَاءُ فِي مَنْبَتِ السُّوءِ»<sup>24</sup>

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: از گلهای لجنزار دوری کنید! سوال شد گلهای لجنزار کیا هستند؟ فرمود زن زیبا در خانواده فاسد.

**ج: اهل بیت ع ازدواج آسان را توصیه کردند و خود به آن عمل می نمودند. همانطور**

که برگزاری ازدواج زهرای مرضیه س که دختر رئیس مسلمانان بود و علی ع که جانشین پیامبر اسلام ص بود، در سادگی بین مسلمانان معروف و مشهور است.

«إِنَّ مِنْ يُمْنِ الْمَرْأَةِ تَيْسِيرَ خُطْبَتِهَا وَتَيْسِيرَ صِدَاقِهَا وَ...»<sup>25</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله در باره ازدواج آسان می فرماید:

میمنت [و خجستگی] زن این است که راحت خواستگاری شود و کابینش (مهریه اش) سبک باشد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله: زنیکه قبل از عروسی، مهرش را ببخشد، خداوند برای هر دیناری، ثواب آزاد کردن یک بنده را به او می دهد<sup>26</sup>

منظور از ازدواج آسان یعنی خواستگاری و عقد و عروسی بدون دردسر بوده. مهریه کم و مخارج ازدواج پایین. و در کوتاه ترین زمان، ازدواج انجام شده و از تشریفات در ازدواج خبری نیست.

**د: نظر اهل بیت ع این است که ازدواج در اول جوانی انجام شود و هر چه زودتر باشد بهتر است.**

«أَيُّمَا شَابٍ تَزَوَّجَ فِي جِدَائَةِ سَيِّئِهِ عَجَّ شَيْطَانُهُ: يَا وَلِيُّهُ! عَصِمَ مِنِّي دِينُهُ»<sup>27</sup>

رسول خدا ص: وقتی جوانی در اول جوانیش ازدواج کند، شیطان فریاد می زند: وای بر من. دینش را از من حفظ کرد.

<sup>24</sup> اصول کافی، ج 5، ص 332، ح 4

<sup>25</sup> کنز العمال، ح 44721

<sup>26</sup> بحار الانوار، ج 103

<sup>27</sup> کنز العمال، ح 44441

اگر فرزند به همسر نیاز داشته باشد و پدر به او کمک نکند و فرزند آلوده به گناه شود، گناه در کارنامه پدر ثبت می گردد..

«مَنْ بَلَغَ وَلَدَهُ الْإِكْحَاحَ وَعِنْدَهُ مَا يَنْكَحُهُ، فَلَمْ يَنْكَحْهُ ثُمَّ أَحْدَثَ حَدًّا فَلَا إِلْمَ عَلَيْهِ»<sup>28</sup>

هر که فرزندش به سن ازدواج برسد و پدر می توانند برای او همسر بگیرند ولی این کار را نکنند و فرزند گناه کند گناه به گردن پدر است.

**ذبه نظرقران و اهل بیت ع ازدواج آثار و برکات بسیار مهمی دارد از جمله:**

ازدواج باعث آرامش و ایجاد عشق و علاقه می شود.

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»<sup>29</sup>

از نشانه های خدا انست که همسرانی از جنس خودتان برای شما خلق نمود تا با آنها به آرامش برسید و بین شما مودت و عشق قرار داد. این مساله نشانه هایی است برای متفکرین.

ازدواج، اخلاق را خوب و رزق را زیاد و جوانمردی را تقویت می کند.

«رَزَّوْجُوا أَيَامَكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ يُحْسِنُ لَهُمْ فِي أَخْلَاقِهِمْ وَيُوسِّعُ لَهُمْ فِي أَرْزَاقِهِمْ وَيَزِيدُهُمْ فِي مَرْوَاتِهِمْ»<sup>30</sup>

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در بیان فواید ازدواج می فرماید:

جوانهای خود را همسر بدهید که باعث می شوند خداوند اخلاق آنها را خوب کند و روزی آنها را توسعه دهد و جوانمردی آنها را زیاد نماید.

هر که ازدواج کند نیمی از ایمان را بدست آورده و باید دنبال نیم دوم باشد.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ شَطْرَ دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي شَطْرِ الثَّانِي»<sup>31</sup>

«ترجمه: کسی که ازدواج می کند، نیمی از دینش را حفظ کرده است. پس برای احراز نیم دیگر باید تقوای الهی را پیشه کند»

<sup>28</sup>کنز العمال، ج16، ص442، ح45337

<sup>29</sup>روم/21

<sup>30</sup>کنز العمال، ج16، ص279، ح44460

<sup>31</sup>میزان الحکمة، ج2، ص1179

## ر: اهل بیت ع به کثرت اولاد تشویق می کردند و خود فرزندان زیادی داشتند.

بعد از شهادت فاطمه زهرا س در سن 18 سالگی، علی ع چند بار ازدواج کردند از جمله فرزندان آن امام بزرگوار، در ازدواج های بعدی، حضرت عباس ع است که محبوب دل های همه عاشقان اهل بیت ع است. همچنین محمد بن حنفیه است که مختار را برای انتقام از قاتلین سالار شهیدان، مأمور کردند.

فرزندان علی ع را 27 نفر ذکر کرده اند.

امام حسن مجتبی ع هشت تا فرزند داشتند.

امام حسین ع 9 تا اولاد داشتند.

امام سجاد ع 15 تا فرزند داشتند.

امام محمد باقر ع 15 تا اولاد داشتند.

امام صادق ع 10 تا فرزند داشتند.

امام موسی کاظم ع 36 فرزند داشتند.

و اگر امام رضا ع و امام جواد ع و امام هادی ع و امام عسکری ع کم اولاد بودند بخاطر فشارهای زیادی بود که از طرف دستگاه حکومت عباسی وارد میشد و معمولاً تبعید و زندانی و تحت نظر شدید بودند.

بعد از ائمه علیهم السلام، علما شیعه اکثراً پر اولاد بودند. بعنوان نمونه سید عارفین سید علی قاضی 10 پسر و 15 دختر داشتند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: نسل خود را زیاد کنید که من به آن افتخار می کنم ، و یا فرمودند زنی بگیری که بچه دار می شود و مانند آن ، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: فرزند بخواهید، و از آن روگردان نباشید، همانا فرزند روشنی چشم و (همچون ) گل (صفای ) دل است ، و بپرهیزید از ناتوانی و نازائی<sup>32</sup>

### ز: هر گونه نیاز جنسی فقط از طریق ازدواج (دائم یا موقت) حلال است بر طرف شود و ارضاء جنسی خارج از ازدواج حرام است.

وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ \* إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ \* فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ<sup>33</sup>

ترجمه: مومنین خود را از آلودگی جنسی نگه می دارند و فقط از طریق همسر و کنیز، نیاز جنسی خود را برطرف می کنند. و این بدون اشکال است و هر که غیر از این عمل کند ستمکار بوده و از حد الهی تجاوز نموده است.

بنابراین خودارضایی، لواط، زنا و ارتباط خارج از ازدواج با نامحرم حرام و از گناهان بزرگ است.

ز: اهل بیت ع فرموده اند ازدواج فامیلی نکنید که فرزندان ضعیف متولد می شوند.

س: اگر سفارشات مربوط به آمیزش رعایت شود در مسائل مختلف همچون فرزند سالم نقش مهمی

دارد

---

<sup>32</sup>بحار.

<sup>33</sup> مؤمنون (23)، آیات 5 – 7

(( نهی النبی (ص) عن و طی الحبالی حتی یضعن ))

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نهی فرمود از آمیزش با زن باردار تا وقتی که زایمان کند.<sup>34</sup>

و در روایت دیگری پیامبر اکرم به علی علیه السلام فرمود: اگر همسر تو باردار است با وی آمیزش مکن مگر اینکه با وضو باشی.<sup>35</sup>

«رسول خدا(ص): هرگاه زن وشوهر مسلمانی قصد آمیزش داشتند، مانند الاغ کاملاً برهنه نشوند! که اگر کاملاً برهنه شدند، ملائکه الهی از بین آندو می روند.»<sup>36</sup>

«مکروهات آمیزش: در اول و وسط و آخر ماه (قمری)، بعد از ظهر، سخن گفتن در این حال، باشهوت زن دیگری جماع کردن، پاک کردن هردو خود را بایک دستمال، در حال ایستاده، شب عید فطر و قربان، زیر درخت میوه، زیر اشعه خورشید، بین اذان و اقامه!، بدون وضو با زن باردار، شب نیمه شعبان، روی پشت بام، شبیکه فردایش به سفر می رود، اولین ساعت شب، در هنگام کسوف و خسوف، در موقع طلوع و غروب خورشید.

ایام مستحب جماع: شب دوشنبه، شب سه شنبه، شب وروز پنجشنبه، شب وعصر جمعه وجمعه شب.»<sup>37</sup>

«امام رضا(ع): از سفره عروسی بوی بهشت استشمام می شود.»<sup>73</sup>

«رسول خدا(ص): هنگامیکه به عروسی دعوت می شوید با کندی بروید که در آنجا از دنیا یاد می شود و اگر به تشییع جنازه دعوت شدید، با سرعت بروید که در آنجا، آخرت بیاد می آید.»<sup>506</sup>

«رسول خدا(ص): ولیمه فقط در پنج چیز مستحب است: ازدواج، ولادت، ختنه، حج و خرید خانه.»<sup>514</sup>

«علی(ع): مهرها را سنگین نگیرید که باعث دشمنی می شود.»<sup>18</sup>

«رسول خدا(ص): زنیکه قبل از عروسی، مهرش را ببخشد، خداوند برای هر دیناری، ثواب آزاد کردن یک بنده را به او می دهد.»<sup>19</sup>

---

<sup>34</sup>بحار ج 100 ص 289

<sup>35</sup>وسائل ج 14 ص 188

<sup>36</sup>بحار ج 99

<sup>37</sup>بحار ج 99

## اگر به عللی پسر یا دختر نتوانست ازدواج کند باید عفت بورزد تا زمانی که ازدواج برای او میسر گردد.

**وليستعف الذین لا یجدون نکاحا حتی یغنیهم الله من فضله<sup>۳۸</sup>**

کسانی که نمی توانند ازدواج کنند باید پاکدامنی بورزند. تا زمانی که خدا آنها را از فضل و کرمش بی نیاز نماید.

«ابابصیر از امام صادق(ع) پرسید: آیا مرد می تواند بازن نامحرم دست بدهد؟ فرمود: نه! مگر از پشت لباس.»<sup>۳۹</sup>

«امام صادق(ع): اگر شخصی چشمش به زنی نامحرم بیافتد و از او چشم بردارد و به آسمان نظر کند و یا چشم خود را ببندد، هنوز چشم برهم نزده که خداوند حورالعینی به او تزویج کند.»<sup>۴۰</sup>

«امیرمؤمنان علی(ع): در آخر الزمان که نزدیک قیامت و بدترین زمانهاست، زنانی پیدا بشوند که خیابان گرد، از دین بیگانه، دنباله رو فتنه ها و هوسها و پیرو شهوات و شتابان بسوس لذتها و حلال کنده حرامها باشند! اینان به دوزخ گرفتار ابدی شوند.»<sup>۴۱</sup>

پیامبر اکرم (ص) فرمود: زمانی بر مردم می آید که دین کسی سالم نمی ماند مگر آنکه همانند روباه که بچه های خود را از سوراخ به آن سوراخ می برد، او هم از این جا به آنجا رود، عرض کردند: این زمان چه وقت است؟ فرمود: هنگامی که خرج زندگی جز با معصیت خدا بدست نیاید، در آن زمان بی همسر بودن حلال است!!

عرض کردند شما به ما دستور ازدواج داده اید (چگونه می فرمائید، بی همسر بودن حلال است) فرمود: بله اما در آن زمان هلاکت مرد به دست پدر و مادرش انجام می گیرد، و اگر آنها نبودند، به دست همسر و اولادش صورت می گیرد، اگر همسر و اولاد هم نداشت بدست فامیلش و همسایه هایش هلاک می

<sup>38</sup> نور 33

<sup>39</sup> مکارم الاخلاق

<sup>40</sup> همان

<sup>41</sup> مکارم الاخلاق

شود! پرسیدند چگونه چنین می شود یا رسول الله؟ فرمود: آنها او را به تتگدستی و کمی درآمد سرزنش می کنند و او را وادار می کنند به آنچه در توانش نیست تا اینکه او را به پرتگاه می اندازند.<sup>42</sup>



## 2- زن و شوهر

«الزَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ».<sup>43</sup>

مردان سرپرستی و کارگذاری زنان را بر عهده دارند، بخاطر برتری که خداوند بعضی (مردان) را بر بعضی (زنان) داده است، و به خاطر نفقه‌ای که از اموالشان می‌پردازند.

### از دیدگاه قران و اهل بیت ع، مرد سرپرست خانواده است و همسر باید مطیع او باشد.

اگر شوهر از زنش ناراضی باشد، عبادت‌های زن قبول نمی‌شود تا زمانی که شوهر از او راضی شود<sup>44</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله: جهاد زن، خوب شوهرداری کردن است.<sup>45</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: زنی که خود را خوشبو کند و از منزل خود خارج شود، به چنین زنی لعنت می‌شود - از رحمت خدا دور می‌گردد - تا هر زمان که به منزلش بازگردد<sup>46</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: هر مردی که همسرش با زینت و خودآرایی از منزلش خارج می‌شود دیوث است و هر کس چنین مردی را دیوث بنامد گناه نکرده است و اگر مردی راضی باشد که زنش با زینت و خوشبو از منزلش خارج شود با هر گامی که آن زن برمی‌دارد خانه‌ای در آتش - جهنم - برای آن مرد ساخته می‌شود<sup>47</sup>

در روایت دیگری رسول خدا صلی الله علیه و آله در توضیح معنای دیوث می‌فرماید: دیوث مردی است که

---

<sup>43</sup>نساء34

<sup>44</sup>معارف قران و اهل بیت ع

<sup>45</sup>همان

<sup>46</sup>بحارالانوار، ج 103، ص 247، ح 27

<sup>47</sup>بحارالانوار، ج 103، ص 249، ح 38

همسرش زناکار است و او نیز بر این موضوع آگاه است (53) در روایت دیگر امام باقر علیه السلام می فرماید: خداوند نماز سه گروه را نمی پذیرد؛ یکی از آنها دیوث است، و آن مردی است که شاهد ناپاکی و آلودگی جنسی همسرش است<sup>48</sup>

همچنین زن باید هر زمان شوهر به او نیاز داشت، تمکین کند. لباس و ظاهر خود را با بهترین وجه بپاراید. اسرار خانه را برای زنان فامیل و همسایگان نقل نکند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله: بیشترین کسیکه بر زن حق دارد، شوهرش است و بیشترین کسیکه بر مرد حق دارد، مادرش است.<sup>49</sup>

زن و شوهر هر کدام وظایفی دارند که نباید در کار و وظیفه دیگری دخالت کنند

دخالت خانواده ها در زندگی زن و شوهر از عوامل طلاق و فروپاشی می باشد.

شوهر حقوق همسرش را رعایت کند. از نفقه گرفته تا ابراز محبت و رعایت احترام والدین همسرش.

پیامبر عظیم الشان اسلام در این مورد می فرماید: «من دخل السوق فاشترى تحفة فحملها علي عياله كان كحامل صدقة الي قوم محاويج؛<sup>50</sup> مردی که وارد بازار شود و تحفه ای برای خانواده اش بخرد، اجر و پاداش او برابر با کسی است که نیازهای نیازمندان را برآورد.» امام صادق علیه السلام در ضمن شمارش وظایف مرد نسبت به همسرش در خانه می فرماید: «ولا يكون فاكهة عامة الا اطعم عياله منها ولا يدع ان يكون للعید عندهم فضل في الطعام ان ينيلهم من ذلك شيئاً مما ينيلهم في سائر الايام؛<sup>51</sup> هر میوه ای که همه مردم از آن می خورند، باید به خانواده اش بخوراند و خوراکی هایی که مخصوص ایام عید است و در غیر ایام عید به آن هانمی رسانند، در روزهای شادی و عید به آنان برساند.»

وسائل الشيعة، ج 14، ص 248، ح 9

48

49 معارف قرآن و اهل بیت ع

50 امالي صدوق، ص 672؛ وسائل الشيعة، ج 21، ص 514

وسائل الشيعة، ج 21، ص 513.

51

روابط زوجین با دیگران باید در چهارچوب اسلام باشد والا آسیب می بینند.

رفت و آمد با دوستان شوهر یا همسر باید براساس رعایت محرم و نامحرم باشد. والا باعث روابط نامشروع بین به ظاهر دوستان می شود. و مساله خیانت پیش می آید.

عائِزُهُنَّ بِالْمَغْرُوفِ».<sup>52</sup>

یعنی با خوبی با زنان معاشرت کنید .

مطلب فوق شامل مشارکت مرد با همسرش در خدمات خانه و استحباب وسعت در خردنی و آشامیدن و مسکن و لباس و دادن هدایای خوب در برگشت از سفر و در اعیاد و گذشت از خطاهایش و اینکه مرد هم بالباس خوب و بوی خوش با همسرش روبرو شود و عدالت در بین زنان اگر چند همسری باشد و . . . می شود .

«رسول خدا(ص): حقّ مرد بر زن آنستکه زن برای شویش چراغ روشن کند و غذای خوب تهیه نماید و تادرب حیاط، به استقبالش شتابد و به او خوش آمد گوید و طشت و حوله آورد و دست او را بشوید و جز بخاطر علّتی و عذری، خود را از شویش منع ننماید.»<sup>53</sup>

«امام ششم(ع): زن تا حق شوهر را اداء نکند، حق خداوند عزّوجلّ را اداء نکرده است.»<sup>54</sup>

روایت شده که: زنی خدمت حضرت رسول(ص) آمد و از حق شوهر بر زن سؤال کرد.

حضرت فرمود: آنقدر زیاد است که نمی توان همه آنها را گفت! ولی از جمله حقها آن است که زن بدون اجازه شوهر روزه مستحبی نگیرد و از خانه بیرون نرود و به نیکوترین بوهای خوش، خود را خوشبو کند و بهترین لباسهای خود را بپوشد و به بهترین زینت، آرایش کند و هر صبح و شب خود را بر شویش عرضه کند و اگر شویش قصد مقاربت داشت، ممانعت ننماید.»<sup>55</sup>

اسحاق بن عمار از امام ششم(ع) پرسید: حقّ زن بر شوهر چیست؟

---

<sup>52</sup>سوره نساء، آیه 19

<sup>53</sup>مکارم الاخلاق

<sup>54</sup>همان

<sup>55</sup>حلیة المتقین

امام فرمود: مرد باید شکم همسرش را سیر کند. بدنش را بپوشاند. اگر نادانی کرد از او بگذرد. ابراهیم خلیل از تند خوئی ساره به خداوند شکایت کرد! خدا به او وحی کرد: زن همانداستخوان دنده است! اگر بخواهی راستش بکنی، می شکند و اگر با او همچنان مدارا کنی، از او بهره مند می شوی!»<sup>۵۶</sup>

وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا».<sup>۵۷</sup>

یعنی در صورت بروز اختلاف بین زن و مرد باید يك نفر از فامیل مرد و يك نفر از فامیل زن، جلسه بگیرند و اختلاف بین ایندو را حل کنند .

مردی که به زنش نیکی می کند کریم است و هر که به زنش اهانت کند لئیم است<sup>۵۸</sup>

هر چقدر ایمان مرد بیشتر شود علاقه اش به همسرش بیشتر می گردد<sup>۵۹</sup>

گفتگوهای اعضای خانواده باهم باید محترمانه باشد. بهم ابراز دوستی و محبت کنند. قول الرجل للمراه انی احبک لایذهب من قلبها ابدا<sup>۶۰</sup>

نشستن در کنار هم آرامبخش و باعث رحمت الهی است. پیامبر اعظم ص: جلوس المرء عند عیاله احبّ الی الله من اعتكاف فی مسجدی. نشستن زن کنار شویش از اعتکاف در مسجد من در نزد خدا بالاتر است.<sup>۶۱</sup>

اگر مرد به زنش کمک کند پاداش پیامبرانی چون داود و یعقوب و عیسی را به او می دهند. و یک ساعت کار در خانه مساوی عبادت فراوانی است.<sup>۶۲</sup>

(( کان امیرالمؤمنین علیه السلام یحتطب و یستقی و یکنس و کانت فاطمة تطحن و تعجن و تخبز. ))

امام صادق (ع) فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام هیزم تهیه می کرد و از چاه آب برای منزل می آورد و

جاروب می کرد، حضرت فاطمه (س) نیز گندم را آرد می نمود و خمیر می کرد و نان می پخت.<sup>۶۳</sup>

. پیامبر اعظم فرمود: از ما نیست کسی که از جهت مال و ثروت در وسعت باشد لیکن بر اهل و عیالش سختگیری کند.

و باز فرمود: عیال مرد اسیران او هستند. پس هر که خدا به او نعمتی داده باید مخارج اسیرانش را توسعه دهد و الا ممکن است نعمتهایش گرفته شود. امام کاظم ع فرمود: اسراف و سختگیری در خرج نسبت به خانواده هردو مکروه هستند. و امام رضا ع فرمود: سزاوار است مرد در مخارج اهل و عیالش توسعه دهد تا منتظر مرگش نباشند.<sup>۶۴</sup>

<sup>۵۶</sup> همان

<sup>۵۷</sup> سوره نساء، آیه ۳۵

<sup>۵۸</sup> نهج الفصاحه ص ۳۱۸

<sup>۵۹</sup> وسائل ج ۱۴ ص ۹

<sup>۶۰</sup> وسائل ج ۱۴ ص ۱۰

<sup>۶۱</sup> آثار الصادقین ج ۱۵ ص ۲۹۳

<sup>۶۲</sup> بحار ج ۱۰ ص ۱۳۲

زن در حوادث سخت کاری شوهرش یاور او باشد و شوهر را فقط برای روزهای راحتی نخواهد.

وقتی زندگی زهرای مرضیه را ورق می‌زنیم می‌بینیم در جنگ احد که علی ع مجروح شده بود این فاطمه بود که زخم‌های او را درمان می‌کرد و کوفتگی بدن علی ع را می‌زدود و حامی علی ع بود. در همه جا و تا آخر عمر هیچگاه شوهرش را تنها نگذاشت.

امام علیه السلام می‌فرماید: هر زنی که به شوهرش جرعه ای آب بنوشاند و او را سیراب کند، پاداش این کارش از عبادت يك سال که روزهایش را روزه بگیرد، و شبهایش را عبادت کند برتر است و در برابر هر نوبت که به شوهرش آب می‌دهد خداوند برایش شهری در بهشت می‌سازد و شصت گناه از او می‌بخشد<sup>65</sup>

عدم آگاهی زوجین از وظایف یکدیگر و جایگاه یکدیگر از عوامل اختلاف خانواده‌ها می‌باشد.

مثلا زن خود را شريك صدرصد شوهر می‌داند و اعتقاد دارد هر کاری شوهر می‌خواهد بکند باید با موافقت او باشد! زن در فکر تسخیر مرد است تا مرد همه کارهایش را با اجازه او انجام دهد. مردی می‌گفت چهار سال است زنم اجازه نمی‌دهد با مادرم ملاقات کنم!

همچنین مردانی هستند که خیال می‌کنند زن کلفت اوست و باید همه کارهای خانه را انجام دهد و اگر دريك مورد کم کاری کرد زن را محاکمه می‌نماید! درحالی که زن وظیفه کار کردن در منزل را ندارد حتی می‌تواند برای شیر دادن به کودک از شوهرش مزد درخواست کند.

صبر بر بداخلاقی همسر، توصیه اهل بیت ع بوده و ثواب فراوانی در پیشگاه الهی دارد.

شوهر مراعات همسرش را بکند و او را انیت ننماید و در دادن خرجی او کوتاهی ننماید. و آخرین وصیتهای پیامبر عزیزمان و همچنین آخرین سفارشات امام علی ع به مردم درباره مراعات زنان و همسران بود.

مرد باید اشتباهات همسرش را ببخشد و ندیده بگیرد و همچنین زن هم باید اشتباهات شوهرش را ندیده بگیرد و به رویش نیاورد.

«رسول خدا(ص): بیشترین کسیکه بر زن حق دارد، شوهرش است و بیشترین کسیکه بر مرد حق دارد، مادرش است.»<sup>۶۶</sup>

«رسول خدا(ص): سخن مرد که به زنش بگوید: تو را دوست دارم. هیچگاه از دل زن بیرون نرود.»<sup>۶۷</sup>

«رسول خدا(ص): مردی که کنار همسرش بنشیند، در نزد من از اعتکاف در مسجدم بالاتر است.»<sup>۶۸</sup>

<sup>64</sup> نظام خانواده در اسلام- محمد رضا سالاری فر

<sup>65</sup> وسائل الشیعه ، ج 14، ص 123 ح 3

<sup>66</sup> میزان الحکمة

<sup>67</sup> همان

<sup>68</sup> همان

«رسول خدا(ص): بوی بهشت از مسیر پانصدسال به مشام می رسد ولی عاق والدین و دیوث این بورا احساس نمی کنند! سؤال شد: یا رسول الله! شخص دیوث کیست؟ فرمود: کسی که می بیند زنا می کند ولی بی تفاوت است!»<sup>۶۹</sup>

«علی(ع) خطاب به اهل بصره! آیا حیا ندارید؟ آیا غیرت ندارید در حالیکه زنانان به بازارها رفته و جوانان خوش قیافه مزاحم آنان می شوند؟»<sup>۷۰</sup>

پیامبر اکرم (ص) فرمود: هر مردی که همسر خود را به زنا نسبت دهد از کارهای نیک خود جدا می شود همچنانکه ما از پوست خود بیرون می رود (اعمالش باطل می شود) و به مقدار هر موئی که بر بدن اوست هزار گناه برایش می نویسند.<sup>71</sup>

«رسول خدا(ص): ملعونه است! ملعونه است! زنیکه شوهرش را بیازارد و او را ناراحت کند. و سعادت مند است زنیکه شوهرش را احترام نماید و در همه حالات مطیع او باشد.»<sup>۷۲</sup>

«رسول خدا(ص): کسی که بر بد اخلاقی زنش صبر کند، برای هر دفعه صبر کردن، ثواب حضرت ایوب(ع) را به او می دهند.»<sup>۷۳</sup>

پیامبر اکرم (ص) فرمود: هر مردی که همسر خود را به زنا نسبت دهد از کارهای نیک خود جدا می شود همچنانکه ما از پوست خود بیرون می رود (اعمالش باطل می شود) و به مقدار هر موئی که بر بدن اوست هزار گناه برایش می نویسند.<sup>74</sup>

امام صادق علیه السلام هنگامي که مي خواهد زن خوب و

<sup>69</sup> وسائل الشیعة

<sup>70</sup> بیست و پنج اصل اخلاقی از اصول اخلاقی امامان

<sup>71</sup> بحارج 100 ص 249.

<sup>72</sup> میزان الحکمة

<sup>73</sup> همان

<sup>74</sup> بحارج 100 ص 249.

شایسته را معرفی نماید، به دو ویژگی مهم که از هنرمندی و شایستگی های زنان پسندیده نشأت می گیرد اشاره کرده و می فرماید: «خير نسائك الطيبة الريح، الطيبة الطيخ»<sup>75</sup> بهترین زنان شما زنی است که خوشبو بوده و در آشپزی، خوش دست پخت باشد.»

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خير نسائك الطيبة الطعام»<sup>76</sup> بهترین زنان شما زنی است که غذای پاکیزه و دلپسند درست کند.»

(( و زوجه مؤمنة تسره اذا نظر اليها و تحفظه اذا غاب عنها في نفسها و ماله ))<sup>77</sup>

پیامبر اکرم (ص) از خداوند عزوجل نقل می کند که فرمود: وقتی بخواهم خیر دنیا و آخرت را برای مسلمانی گرد آورم (چهار چیز به او می دهم اول ( دلی متواضع و با پروا (دوم ( زبانی که با ذکر گوید، (سوم ( بدنی که بر بلا صبر و استقامت کند (چهارم ( زن با ایمانی که چون به او نگاه کند، خوشحال و شاد شود، و در نبودن شوهر عقیف و در اموال شوهرش امین باشد.

(( من برکت المرأة خفة مؤنة و تيسيز ولدها ))<sup>78</sup>.

امام صادق علیه السلام فرمود: از برکت زن این است که کم خرج و آسان زان باشد

حضرت رسول راجع به زنی که شوهرش با او کار دارد اما او آنقدر معطل می کند تا شوهر به خواب رود فرمود: این زن همواره در لعنت ملائکه است تا شوهرش بیدار شود<sup>79</sup> زن همواره باید برای شوهر آراسته باشد.

لاينبغي للمرأة تعطل نفسها و لو تعلق في عنقها قلادة - الحديث . امام باقر علیه السلام فرمود: برای زن سزاوار نیست که (رسیدگی به ) خود را رها کند، گرچه با انداختن يك گردنبند باشد<sup>80</sup>.

---

<sup>75</sup> المذهب البارع، ابن فهد حلي، ج 3، ص 17

<sup>76</sup> الكافي، ج 5، ص 325

<sup>77</sup> کافى، ج 5 ص 327

<sup>78</sup> وسائل ج 14 ص 78

<sup>79</sup> کافى ج 5 ص 508

<sup>80</sup> کافى، ج 5، ص 509 و 508

پیامبر اکرم (ص) نیز به زنی که از حقوق شوهر پرسیده بود فرمود: بر زن است که با بهترین عطر، خود را خوشبو کند، و بهترین لباس خود را بپوشد، و با بهترین زینت خویش، خود را زینت دهد و هر صبح و شب خود را بر شوهر عرضه کند.<sup>81</sup>

حسن بن جهم می گوید: امام رضا علیه السلام را دیدم که محاسن خود را خضاب (رنگ) کرده بود. پرسیدم: فدایت شوم، رنگ کرده اید؟! امام پاسخ داد: آری، رسیدگی به خود (تغییر شکل و هیئت دادن) از عوامل افزایش عفت زنان است، و یکی از علل بی عفتی زنان این است که همسرانشان این امر را رها کرده اند، آنگاه امام فرمود: آیا دوست داری همسرت را به گونه ای ببینی که وضعیتش همانند تو باشد، در حالتی که به سر و وضع خود نرسیده ای؟!

او جواب داد: خیر، حضرت فرمود: همسر تو هم دوست ندارد که تو را بدان گونه ببیند.<sup>82</sup>

(( انی اتعجب ممن يضرب امراته و هو بالضرب اولی منها ))

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده: تعجب می کنم از مردی که همسرش را می زند در حالی که خویش مستحق تر است به کتک خوردن.<sup>83</sup> (خود دهها خطا را انجام داده است اما تحمل يك خطا را ندارد).

(( من اضر بامراة حتى تفتدی منه نفسها لم یرض الله له بعقوبة دون النار. ))

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر مردی که همسرش را آزار دهد تا مهرش را ببخشد و جانش را آزار کند، خداوند به کمتر از جهنم او راضی نخواهد شد.<sup>84</sup>

زنی که در برابر همسرش، هیچ نرمش و انعطاف ندارد و پیوسته به دنبال مقاومت و پافشاری و جبهه گیری در برابر خواسته های شوهر است. چنین زنی از دیدگاه رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بدترین زنان است

---

<sup>81</sup>کافی، ج 5 ص 509 و 508

<sup>82</sup>وسائل الشیعة، ج 14، ص 183، ح 1

<sup>83</sup>داستان شگفت انگیز از حضرت آیه الله دستغیب، ص 269

<sup>84</sup>وسائل ج 15، ص 490

بحارالانوار، ج 103، ص 235، ح 20



امام باقر علیه السلام می فرماید: سزاوار و شایسته نیست که زن - درباره رسیدگی به سر و وضع خود و آراستن خویش بی عنایت باشد - و در زمینه آرایش و آراستن خود را بازنشسته کند، اگر چه به اندازه آویختن گردنبندی در گردن باشد و شایسته نیست که زن دستش را با خضاب - رنگ با حنا - زینت نکند، اگر چه با کشیدن دست روی حنا باشد و اگر چه این زن مسن باشد - سنی از او گذشته باشد<sup>86</sup> و می فرماید: از نشانه های بهترین زن آن است که به هنگام تنهایی با همسرش ، کاملاً در اختیار خواسته های او باشد<sup>87</sup>

امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرماید: بهترین زن آن است که به هنگام تنهایی و خلوت با شوهر هر گونه حیا و خجالت را از خود جدا سازد، ولی در غیر این حالت ، همراه با شوهر، خود را به زیور حیا بیاراید<sup>88</sup>

امام صادق علیه السلام خوشبویی زن را از صفات خوب زنان معرفی می کند<sup>89</sup> حضرت صادق علیه السلام فرمود: زن گردنبند است ، توجه کن چه چیزی به گردن می آویزی ، برای زن قیمت (مشخصی) نیست ، نه خویش و نه بدش ، اما خوبانشان را با طلا و نقره برابری نمی کنند چون طلا و نقره بهترند، اما زن بد، ارزش (مشتی) خاک را هم ندارد، خاک از آن بهتر است (زن خوب همواره سعادت آفرین و زن بد سبب سیاه کردن زندگی می شود و هیچکدام از این دو بهتر با طلا و خاک قابل مقایسه نیست<sup>90</sup>)

### 3 طلاق

در دین اسلام طلاق فقط در ضرورت مباح است آنهم بدترین حلال است! و باید تا آنجا که زن و شوهر می توانند از طلاق دوری کنند زیرا طلاق آثار زیانباری برای فرد و جامعه در پی دارد.

<sup>86</sup> وسائل الشیعه ، ج 14، ص 118، ح 1

<sup>87</sup> وسائل الشیعه ، ج 14، ص 14، ح 2

<sup>88</sup> وسائل الشیعه ، ج 14، ص 14، ح 3

<sup>89</sup> وسائل الشیعه ، ج 14، ص 15، ح 6

<sup>90</sup> بحار ج 100 ص 233

روایت شده که رسول خدا (ص) واسطه ازدواج زن و مردی شد. بعد از مدتی زن نزد حضرت آمد و از شوهرش شکایت کرد. حضرت فرمود: نکند که می خواهی طلاق بگیری؟ آنوقت نزد خداوند، از الاغ مرده، پست تر می شوی!<sup>91</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به مردی گذر کرد و از او پرسید: زنت را چه کردی؟  
گفت: یا رسول الله! طلاق دادم.

فرمود: بی آنکه بدی و بد رفتاری داشته باشی؟

گفت: آری، بدون بد رفتاری و بدی.

سپس آن مرد، زن دیگری گرفت. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) او را دید. پرسید:  
چه کردی؟ گفت: ازدواج کردم.

سپس، بعد از مدتی او را دید و پرسید: با زنت چه کردی؟ گفت: طلاقش دادم.

حضرت پرسید: بی آنکه بدی و اشکالی داشته باشی؟

گفت: آری.

بار دیگر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) او را دید و او از ازدواجی دیگر و طلاق دیگری خبر داد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود:

خداوند، دشمن می دارد (یا لعنت می کند) هر زن یا مردی را که ذواق و چشنده باشندان الله عزوجل یبغض  
(او یلعن) کل ذواق من الرجال و کل ذواقه من النساء.<sup>92</sup>

(( ایما امرأة ساءلت زوجها الطلاق من غیر بئاس فحرام علیها رائحة الجنة. ))

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر زنی که بی دلیل از شوهرش تقاضای طلاق کند بوی بهشت بر او حرام است.<sup>93</sup>

---

<sup>91</sup> مکارم الاخلاق

<sup>92</sup> فروع کافی، ج 6، ص 54

<sup>93</sup> وسائل ج 15 ص 490.

96 سورة تحریم، آیه 6.

در دوران بارداری تا زمانی که فرزند متولد می شود تا نوجوانی مسئولیت مادر بیش از پدر می باشد.

ثواب بارداری و دوران حمل

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله : زن از روزیکه حامله شود تا زمانیکه وضع حمل نماید و فرزندش را از شیر بازگیرد، مثل کسی است که درمرز با کافران جهاد می کند ! و اگر در این فاصله بمیرد، ثواب شهید را دارد.<sup>97</sup>

"لَيْسَ لِلصَّبِيِّ لَبَنٌ خَيْرٌ مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ؛"<sup>98</sup>  
برای کودک هیچ شیری بهتر از شیر مادر نیست."  
به فرزند خود جفا نکنید

امام صادق (ع) فرمود: مدت شیر دادن به بچه (به وسیله سینه مادر) بیست و یک ماه است هر چه از این کم شود ستم بر بچه است.<sup>99</sup>

در روایت است که شخصی که بچه دار نمی شود، این آیه را بطور مرتب در سجده بخواند: «رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ . رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ».<sup>100</sup>

ابرهش کلبی به امام پنجم علیه السلام عرض کرد که: خانواده ام بچه دار نمی شوند . حضرت فرمود: هر روز یا هر شب، صد مرتبه استغفار کن<sup>101</sup>

شخصی خدمت امام صادق علیه السلام رفت و گفت: ای فرزند رسول خدا ! من هشت دختر دارم . ولی پسر ندارم ! دعا بفرمایید خداوند بمن پسر عینایت کند .

امام فرمود: چون خواستی با همسرت نزدیکی کنی، دست راستت را بر ران چپ زن بگذار و سوره قدر را هفت بار بخوان !

وقتی هم که آثار حاملگی پیدا شد، در موقع شب، وقتی همسرت پهلوی به پهلوی شد، دست راستت را بر ران راست او بگذار و سوره قدر را هفت بار بخوان !

راوی می گوید: بدستور امام عمل کردم، و خداوند بمن پسر عینایت کرد . دیگران هم به این طریق عمل کردند، و خداوند به آنان هم پسر عینایت فرمود.<sup>102</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند فرموده است: بعزت و جلالم سوگند که هر زن تازه زاء، رطب بخورد، فرزند او را بردبار گردانم.<sup>103</sup>

روایت شده وقتی به امام سجّاد علیه السلام بشارت ولادتی را می دادند، از پسر و یا دختر بودنش سؤال نمی کرد، بلکه می پرسید: آیا سالم است؟ و هنگامیکه می گفتند: آری ! می فرمود: (الحمد لله الذی لم یخلق منی شیئاً مشوهاً)<sup>104</sup>

<sup>97</sup> حلیة المتقین

<sup>98</sup> بحار الانوار، ج 23، ص 76

<sup>99</sup> وسائل ج 15 ص 175

<sup>100</sup> همان

<sup>101</sup> حلیة المتقین

<sup>102</sup> مکارم الاخلاق

<sup>103</sup> حلیة المتقین

<sup>104</sup> همان

«امام ششم (ع): عقیقه نوزاد بر ثروتمند و فقیر واجب است و فقیر اگر نتوانست، چنانچه بعدها  
برایش مقدور شد، عقیقه کند.»<sup>۱۰۵</sup>

«امام ششم (ع): عقیقه نوزاد مثل قربانی نیست. لذا هر گوسفندی باشد، خوب است. البته هر چه  
فربه تر باشد، بهتر است.»<sup>۱۰۶</sup>

«امام ششم (ع): یک چهارم گوشت عقیقه را به قابله دهند و اگر قابله نبود، به مادر طفل دهند تا  
به هر که می خواهد، بدهد. و حداقل ده نفر از گوشت عقیقه استفاده نمایند. و اگر بیشتر از ده  
نفر باشند، بهتر است.»<sup>۱۰۷</sup>

«از امام ششم راجع به عقیقه سؤال شد. فرمود: گوسفند یا گاو یا شتر برای او قربانی کنند و بعد  
از عقیقه، بر کودک نام گذارند و روز هفتم سر او را بتراشند و به وزن مویش، طلا یا نقره  
صدقه دهند و اگر پسر است حیوان نر و اگر دختر است، حیوان ماده قربانی کنند.»<sup>۱۰۸</sup>

«امام ششم (ع): هر کودکی در گرو عقیقه است. و عقیقه از قربانی واجب تر است.»<sup>۱۰۹</sup>

«امام ششم (ع): مادر از عقیقه فرزندش نخورد.»<sup>۱۱۰</sup>

ابو هارون گوید: من در مدینه همنشین امام صادق علیه السلام بودم ، چند روز نزد حضرت نرفتم ، وقتی  
خدمتش رسیدم حضرت فرمود: ای ابا هارون چند روز تو را ندیدم ؟ عرض کردم : پسری برایم متولد شده ،  
فرمود: خداوند مبارك گرداند نامش را چه گذاری ؟ عرض کردم او را محمد نامیدم ، حضرت همین که نام محمد را

<sup>105</sup> همان

<sup>106</sup> حلیه المتقین

<sup>107</sup> مکرم الاخلاق

<sup>108</sup> همان

<sup>109</sup> بحار

<sup>110</sup> همان

شنید در حالی که می فرمود: محمد، محمد، محمد، آنقدر خم شد تا صورتش نزدیک زمین قرار گرفت ، سپس فرمود: جانم و فرزندانم و خانواده و پدر و مادرم تمام اهل زمین همگی فدای رسول الله باد، به فرزندت بد نگو و او را مزین و اذیتش مکن ، و بدان در زمین خانه ای نیست که در آن نام محمد باشد مگر اینکه هر روز تقدیس می شود، سپس حضرت به من فرمود: آیا او را عقیقه کرده ای ؟ جوابی ندادم ، حضرت از سکوت پی برد که من انجام نداده ام .

شخصی را صدا زد و به گونه ای که من متوجه نشوم به او چیزی فرمود: به گمان کردم که به آن شخص دستوری خصوصی داده است ، خواستم بلند شوم فرمود: سرجایت باش ، آن مرد سه دینار آورد و به من داد، حضرت فرمود: برو دو گوسفند فربه تهیه کن و آنها را ذبح کن خودت بخور و به دیگران هم بخوران .<sup>111</sup>

«امام ششم(ع): کسیکه ختنه نکرده نباید پیشنمازی مردم را بکند و شهادتش قبول نیست و اگر مرد بر او نماز نخوانند! زیرا بزرگترین سنت پیامبر(ص) را ترک کرده است.»<sup>112</sup>

«رسول خدا(ص): اگر فرزندان را در روز هفتم ختنه کنید، پاکیزه تر است و زودتر زخم آن بهبود می یابد و گوشت می روید.

و فرمود: زمین از بول شخص ختنه نشده تا چهل روز آلوده است.»<sup>113</sup>

## نقش والدین در سعادت و شقاوت فرزندان

1- تربیت خوب فرزند ثوابهای عظیمی دارد و آثار آن در دنیا و آخرت دیده می شود زیرا والدین باید سختی ها و مجاهدت های زیادی انجام دهند تا فرزندان به سعادت برسند.

---

<sup>111</sup> کافی ج 5 ص 34 و 49

<sup>112</sup> حلیه المتقین

<sup>113</sup> مکارم الاخلاق

تربیت دینی در مکتب اهل البیت علیهم السلام

روزی معاویه مقداری عسل برای ابو الاسود دثلی به عنوان هدیه فرستاد و مقصودش آن بود که در دل آنها را بدست آورد و قلبشان را از محبت به امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب خالی کند.

ابوالاسود، دخترک پنج شش ساله ای داشت ، همین که چشمش به ظرف عسل افتاد، انگشت در آن کرد و به دهان گذاشت .

پدر گفت : دخترم این عسل را مخور که زهر است ، معاویه می خواهد به وسیله این عسل ما را فریب دهد و از حضرت علی علیه السلام دور کند و ما محبت او و فرزندان او را از دل بیرون کنیم !

دختر گفت : خدا روی معاویه را زشت کند، آیا می خواهد به وسیله عسل شیرین ، ما را فریب دهد و از سرور پاک و بزرگوارمان جدا سازد، مرگ بر فرستنده عسل و خورنده آن باد! سپس انگشت خود را در گلو برد و آن قدر خود را رنج داد تا آنچه خورده بود قی کرد و سپس بعد از تنهی کردن خود از این غذای مسموم این شعر را سرود:

(( ابا العسل المصفی یا ابن هند

نبيع لك ايماننا و دينا

فلا و الله كيف يكون هذا

و مولانا امیر المؤمنین))

آیا با عسل پاکیزه ، ای پسر هند می خواهی دین و ایمان خود را به تو بفروشیم؟! به خدا سوگند که هرگز به این آرزو نخواهی رسید که مولا و پیشوای ما امیرالمؤمنین علیه السلام است<sup>114</sup>

2-والدین در ابعاد مختلف تربیتی از قبیل جسمانی،روانی،رفتاری و دینی نقش آفرین هستند.

روح انسان در زمان کودکی، حالت قابل انعطافی دارد

شهادت مرتضی مطهری □

اهتمام زیادی میشود که تربیت در سنین کودکی صورت گیرد □

روحیهٔ انسان در ابتدا حکم مادهٔ شل و قابل انعقادی مثل گچ را دارد که ابتدا که آن را در آب میریزند، شل □  
است و بعد سفت میشود

وقتی این ماده شل است، آن را در هر قالبی بریزیم به همان شکل در می آید میتوان آن را به صورت انسان □ □  
درآورد یا به صورت خوک و یا خروس

در هر قالبی که بریزیم همین که سرد شد همان شکل را میگیرد و سفت میشود □

میگویند روح انسان در زمان کودکی، حالت قابل انعطافی دارد و مانند همان ماده شل است □

هرچه انسان بزرگتر شود قابلیت انعطاف آن کمتر میشود □

:اینکه گفته اند □

«العلم فی الصغر كالنقش فی الحجر» علم در کودکی مانند نقش بر روی سنگ است.

3-نقش محبت به فرزندان در سعادت فرزندان بسیار اثرگذار است بشرط اینکه اعتدال در آن رعایت شود. همچنین رعایت عدالت در محبت به فرزندان مسئله مهمی می باشد. و مخصوصا نباید بخاطر فرزند دختر ناراحت شود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند دوست دارد که آنچنان بین فرزندان با عدالت رفتار نمایید که حتی در بوسیدن آنها نیز مساوات باشد. <sup>115</sup>

«امام هفتم (ع): خدا در چیزی همانند غضب برای کودکان و زنان غضب نمی کند.» <sup>116</sup>

گل خوشبو

مردی نزد پیامبر بود، به او خبر دادند که فرزندی برایش متولد شده ، رنگ صورتش پرید پیامبر فرمود چه شده ؟ گفت : خیر است حضرت فرمود: بگو، گفت : وقتی من می آمدم زخم در حال زایمان بود به من خبر دادند که دختر زائیده است .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: زمین او را بر می دارد و آسمان سایه می اندازد و خدا روزیش می دهد

<sup>115</sup> میزان الحکمة

<sup>116</sup> همان



و برای تو هم گلی است که می بوئی<sup>117</sup> (چرا ناراحتی) الحدیث -.

چه بسیار دختر که از پسر بهتر است

یحیی ابن زکریا گوید از حضرت هادی علیه السلام ضمن نامه ای ، تقاضا نمودم برایم دعا کند تا خداوند به من پسری عنایت فرماید، حضرت در جواب نامه مرقوم داشت : چه بسیار دختری که از پسر بهتر است ، وقتی همسرم زایمان نمود، دختری به دنیا آورد، ولی همچنانکه حضرت فرمود بود، دختری شد بهتر از بسیاری از پسران دوران .<sup>118</sup>

فرزند خوب و صالح از مهمترین باقیات صالحات والدین می باشد.

رسول خدا(ص) فرمود: روزی حضرت عیسی(ع) از قبری عبور کرد و مشاهده نمود که صاحب آنرا عذاب می کنند. سال بعد وقتی از آنجا عبور می کرد، متوجه شد که از عذاب خبری نیست! سؤال کرد: خدایا! سال گذشته این شخص را عذاب می کردند ولی امسال از عذاب اثری نیست! خدا به او وحی کرد: ای روح الله! این مرد، فرزند صالحی دارد که امسال راهی را برای مردم ساخته است و یتیمی را پناه داده است! لذا این مرده را بخاطر فرزندش آمرزیدم.<sup>119</sup>

4- اقتدار والدین نیز باید همراه با محبت باشد تا برنامه های تربیتی آنها مورد مسامحه قرار نگیرد. والا اگر اقتدار نباشد فرزندان نافرمانی می کنند که پیامبر اعظم ص فرمود: خدایا بتو پناه می برم از فرزندی که خدایم باشد!<sup>120</sup> یعنی فرزند به والدین امر و نهی کد.

5- در برخورد تنبیهی با فرزند باید ترتیب رعایت شود بدین صورت که در صورت تخلف فرزند، ابتدا با قهر والدین و در صورت عدم تاثیر استفاده از حالات چهره و نگاههای تند به فرزند و در مرحله بعد تنکر در خلوت سپس محروم کردن از مزایایی مثل تفریح و پول توجیبی بعد از آن وادار کردن به کارهای خدماتی منزل و در آخر تنبیه بدنی که نباید باعث سرخ و کبود شدن بدن شود.

اگرچه در زندگی ائمه ع دیده نشده که فرزندان شان را تنبیه کرده باشند.

6- در هفت سال اول بجز بازی نباید برنامه آموزشی از کودک انتظار داشت.

امام کاظم ع فرمود: مستحب است فرزند در کودکی به بازی و جست و خیز بپردازد تا در بزرگسالی حلیم گردد.<sup>121</sup>

والدین خوبست با کودکان بازی کنند. علی ع فرمود: هر که فرزندی دارد با او کودکی کند.<sup>122</sup>

7- فضای منزل باید امن باشد والا تربیت با مشکل روبرو می گردد پس اگر زوجین باهم درگیری دارند دور از فرزندان باشد.

<sup>117</sup> وسائل ج 15 ص 101

<sup>118</sup> حذیقہ الشیعہ

<sup>119</sup> همان

<sup>120</sup> بحار ج 81 ص 186

<sup>121</sup> بحار ج 42 ص 214

<sup>122</sup> وسائل ج 15 ص 203

8- تحقیر فرزندان و سرنش آنها در حضور دیگران مخصوصاً آزار کودک گاه منتهی به ضررهای بزرگی در سنین بالا می‌گردد. جوانی که 50 کودک را مورد تجاوز سپس قتل قرار داده بود بعد از دستگیری اعلام کرد تصمیم داشت هزار کودک را اینگونه از بین ببرم زیرا در کودکی بمن تجاوز شد.

کودکان را با عزت نفس باریابورید. برخلاف بعضی کولپها که فرزندانشان را از همان کودکی گدا بار می‌آورند!

9- از هفت سالگی به بعد باید مراقبت بیشتری از نوجوان بعمل آید زیرا او ساعاتی را از خانواده دور می‌شود. الزمه نفسك سبع سنين ثم ضمّه اليك سبع سنين<sup>123</sup>

10- وادار کردن نوجوان به نماز از مهمترین برنامه تربیتی والدین است. که بقدری این مسئله مهم است که پیامبر رحمت فرمود اگر نوجوان بعد از 7 یا 9 سالگی به هیچ وجه حاضر به نماز خواندن نشد او را با تنبیه وادار کنید تا نماز بخواند.<sup>124</sup>

زیرا آنقدر در نماز فوائد است که در این مورد زور و اجبار بلامانع است.

«رسول خدا (ص): در هفت سالگی فرزند را به خواندن نماز تمرین دهید و در ده سالگی در صورت نماز نخواندن، بر آنان سخت گرفته شود و حتی 'آنان را با تنبیه هم شده به نماز وادار کنید.»<sup>125</sup>

قال الصادق - عليه السلام -

فاذا تعلم الوضوء و الصلاة غفر الله لوالديه

چون فرزندی وضو و نماز را یاد گیرد، خداوند (به پاداش آن) پدر و مادر او را می‌آمرزد. (وسائل الشیعه، ج 3، ص 13).

علی ع :

آنگاه که اهل زمین در گناه و بدیها غوطه ور می شوند خداوند متعال قصد می کند تمامی آنان را بدون استثناء دچار عذاب نماید، ولی با توجه به پیرمردان ریش سفیدی که برای نماز (به سوی مسجد) گام برمی دارند و نیز نونهالانی که در حال یادگرفتن قرآن هستند، به تمامی اهل زمین رحم نموده و عذاب آنان را به تاخیر می اندازد. (مستدرک الوسائل، ج

3، ص 360، باب 3، روایت 12).

<sup>123</sup> وسائل ج 15 ص 193

<sup>124</sup> معارف قرآن و اهل بیت ع

<sup>125</sup> میزان الحکمه

حضرت علي عليه السلام نیز تاکید کرده اند: وقتی کودک به پنج سالگی رسید و دست چپ و راست خود را شناخت او را در برابر قبله نگه داشته و دستور دهید سجده کند، در شش سالگی رکوع و سجود را به او بیاموزید و در هفت سالگی شستن دست و صورت و مراسم نماز را به او یاد دهید و در نه سالگی وضو را کاملاً به وی بیاموزید و وادار کنید نماز بخواند.<sup>126</sup>

11- از جمله مهم ترین حقوقی که فرزندان به گردن پدر دارند: یکی داشتن نام زیبا. دوم یاد گرفتن قرآن کریم. سوم یاد گرفتن ادب و با ادب بودن فرزندان است.<sup>127</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله : کسیکه خداوند به او چهار پسر بدهد و نام برابر یکی از آنها نگذارد، بر من ظلم کرده است.<sup>128</sup>

## امام کاظم ع فرمود: اگر نامی غیر از نام پیامبران و امامان و مادران آنها روی

**فرزند شماست ان را برای رضای خدا تغییر دهید مبادا در قیامت فرزندان شما بخاطر نامهای زشتی که دارند از شما شکایت نمایند.**

به امام صادق علیه السلام عرض شد: فدایت شوم ما فرزندان خود را به نام شما و پدران شما می نامیم. آیا این عمل به حال ما سودمند است؟ امام فرمود: آری به خدا قسم! مگر دین چیزی جز مهر ورزیدن و بغض و تنفر است؟! خداوند متعال می فرماید: اگر خدا را دوست می دارید از من (حضرت محمد (ص)) پیروی کنید تا او (خدا) نیز شما را دوست بدارد و گناهانتان را بیامرزد، که او آمرزنده و مهربان است (آیه ۳۱ سوره آل عمران

پیامبر اکرم (ص) فرمود: اولین هدیه ای که هر یک از شما به فرزندش می بخشد نام خوب است، پس بهترین نام را برای فرزند خود انتخاب کنید

رسول خدا صلی الله علیه و آله : کسیکه خدا به او دختری بدهد و او را اذیت نکند و او را كوچك نشمارد و فرزندان پسر را بر او ترجیح ندهد، خدا بخاطر همین دختر، او را به بهشت می برد.<sup>129</sup>

و نیز آن رحمت عالمیان صلی الله علیه و آله تاکید کرده اند: " أَكْثَرُوا مِنْ قُبْلَةٍ أَوْلَادِكُمْ فَإِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ قُبْلَةٍ دَرَجَةً فِي الْجَنَّةِ مَسِيرَةَ خَمْسِمِائَةٍ عَامٍ؛<sup>130</sup>

فرزندان خود را زیاد ببوسید که با هر بوسه ای که شما والدین نثار فرزندتان می کنید، درجه ای در بهشت به دست می آورید که طول مسیر آن پانصد سال راه است."

در رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام) به روشنی بر این نکته تأکید شده است .

حضرت می فرماید:

و اما حق ولدك ، فتعلم انه منك ، و مضاف اليك في عاجل الدنيا بخيره و شره ، و انك مسؤول عما وليته من حسن الادب ، و الدلالة على ربه ، و المعونة على طاعته فيك و في نفسه ، فمثاب على ذلك و معاقب ، فاعمل في اءمره عمل المتزين بحسن اءثره عليه في عاجل الدنيا، المعذر الى ربه فيما بينك و بينه بحسن القيام ، و الاخذ له منه (مستدرک وسائل الشیعه ، ج 2، ص 625)؛

و اما حق فرزندت آن است که بدانی او از توست و خیر و شر او در همین دنیا به تو نسبت داده می شود و تو نسبت به تربیت شایسته او و راهنمایی اش به سمت و سوی خدا و کمک به خدا پرستی اش ، مسؤولی و در این مورد، پاداش یا کیفر داده خواهی شد. پس در کار تربیت فرزند، چنان رفتار کن که اگر در این دنیا آثار خوب داشت ، مایه آراستگی و زینت تو باشد و با رسیدگی شایسته ای که نسبت به او داشته ای ، نزد پروردگارت عذر و حجت داشته باشی !

در حدیثی ، امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

ما کودکانمان را از هفت سالگی به روزه گرفتن دستور می دهیم ، در حدی که بتوانند، تا نصف روز یا کمتر و بیشتر. هر گاه تشنه و گرسنه شدند، می گوئیم تا افطار کنند. این کار را برای این انجام می دهیم که به روزه عادت کنند و طاقت بیاورند. شما فرزندان را وقتی به نه سالگی رسیدند، در حد ظرفیت و توانشان به روزه تشویق کنید و چون تشنه شوند، بخورند...<sup>131</sup>

شخصی از امام رضا علیه السلام پرسید: کسی فرزندش یکی دو روز نماز نمی خواند، آیا می تواند او را مجبور کند؟

<sup>129</sup> همان

<sup>130</sup> وسایل ، ج 21 ، ص 485

<sup>131</sup> میزان الحکمه ، ج 100 ، ص 722.

حضرت فرمود: آن پسر چند ساله است ، گفت : هشت ساله است ، حضرت با تعجب پرسید: سبحان الله (بچه هشت ساله ) نماز نمی خواند؟! آن مرد گفت : بیماری دارد، حضرت فرمود: هر مقدار که می تواند نماز بخواند.<sup>132</sup>

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله ) چنین روایت شده است :  
رحم الله عبداً عان ولده علی بره بالاحسان الیه ، و التالف له ، و تعلیمه ، و تاءدیه<sup>133</sup>  
خداوند رحمت کند بنده ای را که به فرزندش کمک کند تا او نیکوکار شود، به وسیله نیکی کردن به او، الفت داشتن و گرم گرفتن با وی و با آموزش و تربیت او.

12-والدین باید تا زمانی که فرزندشان به سن رشد می رسد شبانه روز مراقب او باشند حتی بر خوابیدن او نظارت کنند.مخصوصاً نظارت بر دوستان او.نظارت بر رفت و آمدهای او.ونظارت بر رفتارهای او.و بی تفاوتی در این مورد گاهی باعث انحراف فرزند و ضررهای جبران ناپذیر می گردد.

در روایت است که پسران وقتی به شش سالگی رسیدند نباید در يك بستر بخوابند .<sup>134</sup>

(( اذا بلغت الجارية ست سنین فلا ینبغی لك ان تقبلها ))

امام باقر علیه السلام فرمود: وقتی دختر به سن شش سالگی رسید سزاوار نیست که او را ببوسی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: رختخواب پسر و پسر، دختر و دختر، دختر و پسر را وقتی به سن ده سالگی می رسند باید جدا کرد.<sup>135</sup> (زیرا در این سن قوای شهوانی کم می تواند خطرناک باشد بنابراین در سخن و اعمال و لباس پوشیدن و غیره باید رعایت عفاف را کرد).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: پدر نباید با دخترش زیر يك لحاف بخوابد، مادر هم نباید چنین

---

<sup>132</sup> وسائل ج 3 ص 13

<sup>133</sup> مستدرک وسائل الشیعه ، ج 2، ص 626

<sup>134</sup> همان

<sup>135</sup> وسائل ج 14 ص 171

13- برای اینکه فرزندان از ابتدا دینی و مذهبی تربیت شوند به چند نکته مهم باید توجه و عمل نمود: مادر با وضو به فرزندش شیر دهد. او را به مجالس عروسی نبرد بلکه به مجالس روضه و مسجد ببرد و آنها را به تکالیف دینی عادت دهد. از لقمه حرام دوری نماید. از موسیقی و ترانه و ماهواره که همه اینها مصداق لهو و لعب است، دوری بکند.

«حضرت زهرا(س) برای اینکه فرزندان در شبهای احیاء خوابشان نبرد، روز قبل آنها را می خواباندند و همچنین موقع احیاء اگر فرزندی خوابش می برد، آب به صورتش می زدند. تا از فیض شب قدر بی بهره نمانند.<sup>137</sup>»

(امام باقر(ع) بعد از نماز صبح نمی گذاشتند نوجوانان بخوابند بلکه اگر قرآن بلد بودند می فرمودند قرآن بخواند و هر که بلد نبود می فرمودند ذکر بگویند. و این تا طلوع آفتاب ادامه داشت.<sup>138</sup> «شخصی از دست فرزندش به امام کاظم ع شکایت کرد. امام فرمود: او را زن ولی تا مدتی از خود بران!»

وای به حال فرزندان آخر الزمان

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله نگاهش به طفلی افتاد و فرمود: وای به حال بچه های آخر الزمان از طرف پدرهای ایشان! پرسیدند: یا رسول الله از پدرهای مشرک؟ فرمود: نه از پدرهای مؤمن که واجبات را به فرزندان خود تعلیم نمی دهند، و هر گاه دیگری بخواهد به ایشان تعلیم دهد، مانع می شوند، و خشنود هستند که فرزندانشان از مال و منال دنیا چیزی بدست آورند (ولی به دین اولادشان اهمیت نمی دهند، فقط به فکر رفاه هستند) من از این پدرها بیزارم، آنها هم از من بیزارند.<sup>139</sup>

حضرت علی علیه السلام در سفارشات خویش به یکی از فرزندان می فرماید: دل بچه همانند زمین آماده است که هر چه در آن نهاده شود می پذیرد. من به تربیت تو قبل از اینکه دلت سخت شود و ذهنت مشغول گردد اقدام کردم.<sup>140</sup>

<sup>136</sup> بحار ج 101 ص 49

<sup>137</sup> همان

<sup>138</sup> همان

<sup>139</sup> لئالی الاخبار.

<sup>140</sup> وسائل ج 15 ص 197

(( كسب الحرام يبين في الذرية ))

امام صادق عليه السلام فرمود:

در آمد حرام در اولاد اثر می گذارد - یعنی پدر و مادر باید مراقب باشند، که غذای حرام نخورند وگرنه نطفه ای که با غذای حرام درست شده و یا جنینی که با غذای حرام تغذیه شده باشد، در فرزند اثر نامطلوب باقی می گذارد<sup>141</sup>

14- تربیت فرزند نیاز به حلم و بردباری دارد

در تاریخ زندگانی و احوالات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که : بسیار می شد که نوزادی را نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می آوردند تا او نامگذاری کند و یا برایش دعا بفرماید، حضرت برای احترام به خانواده طفل ، نوزاد را در دامن خود می نهاد، بسا می شد که بچه در دامن حضرت ادرار می کرد و لباس حضرت را آلوده می نمود، برخی از کسانی آنجا فریاد برمی آوردند، (اعتراض می کردند) حضرت فرمود: ادرار بچه را قطع نکنید (او را نترسانید) و می گذاشت بچه ادرارش را تمام کند، سپس با روی باز دعا می کرد یا نامگذاری می نمود و نمی گذارد خانواده طفل ناراحت شوند، وقتی آنها می رفتند، لباس خویش را می شست .<sup>142</sup>

نصایح اهل بیت علیهم السلام در مورد فرزند

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مردی که دو پسر داشت و یکی را بوسید و دیگری را نبوسید نگاه کرده فرمود: چرا میان آندو به تساوی رفتار نکردی<sup>143</sup>

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: (( يلزم الوالدین من العقوق لولد هما ما يلزم الولد لهما من عقوقهما اذا كان الولد صالحا. ))

---

<sup>141</sup> وسائل ج 12 ص 53

<sup>142</sup> بحار ج 16 ص 240.

<sup>143</sup> وسائل ج 15 ص 204

پدر و مادر هم عاق فرزندان می شوند اگر فرزند صالح باشد همچنانکه فرزند عاق پدر و مادر می شود.<sup>144</sup>

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: رحمت خدا بر پدری که فرزندش را در نیکی به پدر یاری دهد، به اینکه از خطایش در گذرد و برای او میان خودش و خدا دعا کند.<sup>145</sup> و فرمود: فرزندان خود را زیاد ببوسید.<sup>146</sup>

مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: به که خدمت کنم؟ حضرت فرمود: به پدر و مادرت، عرض کرد: آنها از دنیا رفته اند، فرمود: به فرزندت نیکی کن؟<sup>147</sup> شخصی به حضرت موسی ابن جعفر علیه السلام از پسرش شکایت کرد: حضرت فرمود: او را نزن ولی با او قهر کن اما طول نده.<sup>148</sup>

نفرین مکن

امام صادق علیه السلام فرمود: هر که بر فرزندش نفرین کند فقیر می شود.<sup>149</sup>

انار برای کودکان

امام صادق علیه السلام فرمود: به بچه های خود انار بخورانید که برای جوانی آنها سودمندتر است.<sup>150</sup> دختر بهتر است

(( خیر اولادکم البنات ))

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین فرزندان شما دخترانند.<sup>151</sup>

---

<sup>144</sup> وسائل ج 15 ص 199

<sup>145</sup> بحار ج 101 ص 98

<sup>146</sup> بحار ج 101 ص 98

<sup>147</sup> بحار ج 101 ص 98

<sup>148</sup> بحار ج 101 ص 98

<sup>149</sup> بحار ج 101 ص 105

<sup>150</sup> بحار ج 101 ص 105

<sup>151</sup> بحار ج 101 ص 105 و 91 و 95 و 97.



حضرت امیر علیه السلام می فرمود: من از خدا اولاد خوش رو و یا خوش قامت نخواستم : بلکه اولادی خواستم که فرمانبردار خداوند و خدا ترس باشد، به گونه ای که وقتی به او که مطیع خداست نگاه کنم ، چشمم روشن شود.<sup>152</sup>

با بچه ها خوش قول باشید

کلیب صیداوی گوید: امام هفتم به من فرمود: وقتی به بچه ها وعده ای دادید وفا کنید زیرا ایشان فکر می کنند شما به ایشان روزی می دهید، همانا خداوند عزوجل خشمگین نمی شود بر چیزی همانند خشمگین شدن او بخاطر (ستم به ) زنان و فرزندان .<sup>153</sup>

وقد روی عن الإمام الصادق (ع)، انه قال: دع ابنك يلعب سبع سنين ويؤدب سبع

(10/10)

---

سنين وألزمه نفسك سبع سنين، فان أفلح وإلا فلا خير فيه. وسائل الشيعة، ج15، ص

194

فقد ورد في رسالة الحقوق للإمام زين العابدين (ع): (وأما حق ولدك ان تعلم انه منك ومضاف

اليك في عاجل الدنيا بخيرها وشرها ، وانك مسؤول عما وليته من حسن الأدب

والدلالة على ربه عز وجل والمعونة على طاعته، فاعمل في أمره عمل من يعلم انه

مثاب على الإحسان اليه معاقب على الإساءة اليه).<sup>154</sup>

در رساله حقوق امام سجاد ع آمده که: حق فرزند بر تو آنست که بدانی او از تو هست و وصل به تو است در دنیا چه

در خیر و چه در شر. و تو در ادب خوب اموختن او و تربیت دینی او و اطاعت خدایش مسولی. پس ط.ری عمل کن که

بدانی اگر به او خوبی کنی ثواب می بری و اگر بدی کنی مجازات میشوی

## 5-والدين

---

<sup>152</sup>بحار ج 101 ص 98

<sup>153</sup>وسائل ج 15 ص 202

<sup>154</sup>وسائل الشيعة، ج11، ص 135

«وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ».<sup>155</sup>

سفارش والدین را به انسان می‌کنیم که مادر منی شمارا در شکم حمل کرد سپس دوسال شیرداد. پس ابتدا شکر من سپس والدینت را بکن که عاقبت نزد من خواهی آمد.

اهل بیت ع به مساله رعایت حرمت والدین بسیار اهمیت می‌دادند.

ابی ولاد حناط از امام صادق علیه السلام پرسید: خداوند متعال که در قرآن می‌فرماید: «وبالوالدین احسانا» چه معنی دارد و چگونه می‌توان به والدین نیکی نمود؟ امام فرمود: احسان این است که با آنان نیکی رفتار باشی، آنان را مجبور نکنی که نیازهای خود را از تو درخواست کنند، گرچه غنی باشند. از حال و روزگار آنان، مشکلاتشان را درک کنی و در مواقع لزوم آنان را دریابی! آیا خداوند نمی‌فرماید: به مقام نیکوکاران نمی‌رسید مگر اینکه از آنچه دوست دارید انفاق بکنید؟ سپس امام علیه السلام افزود: «اگر آنان به سن پیری رسیدند، کمترین اهانت و آزاری به آنان روا مدار و بر سر آنان فریاد نزن، با نگاههای مهرآمیز و رفت انگیز دل آنان را به دست آور و هیچگاه صدای خود را بالاتر از صدای پدر و مادر نکن و دست خود را بالای دست آنان قرار نده و گامهای خود را از قدمهای آنان جلوتر منه .<sup>۱۵۶</sup>»

یکی از راههای موفقیت فرزندان، احسان و نیکی به والدین است. هر که والدین از او راضی باشند خدا هم از او راضی می‌شود.

رهبر عالیقدر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله در یک جمله زیبا مقام و منزلت حقیقی مادر را چنین بیان می‌کند: «الجنة تحت اقدام الامهات»<sup>۱۵۷</sup>؛ بهشت زیر پای مادران است. و در جمله ای دیگر فرمود: «تحت اقدام الامهات روضة من رياض الجنة؛ جای قدمهای مادران باغی از باغهای بهشت است.»

حق مادر بر فرزند بیش از حق پدر است.

<sup>155</sup>سوره لقمان، آیه 14

<sup>156</sup>بحار الانوار، ج 71، ص 40

<sup>157</sup>مستدرک الوسائل، ج 15، ص 181

هنگامی که از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در مورد قدردانی از مادر سؤال شد، آن حضرت فرمود: «هیئات! هیئات! که بتوانی حق مادر را ادا کنی. هر آینه اگر به اندازه ریگهای بیابان عالج [صحرائی در عربستان] و دانه های باران به مادر خدمت کنی و از وی قدردانی کرده و بنده وار در پیش او بایستی، این همه خدمات تو به اندازه زحمات وی در هنگامی که در رحم او بودی و سنگینی تو را تحمل می کرد نخواهد بود. <sup>۱۵۸</sup>»

روش و توصیه برای رفتار فرزندان با والدین بشرح زیر می باشد:

با محبت به پدر و مادر خود نگاه کند. صدایش را بر آنها بلند ننماید. حرف آنها را در غیر واجب و حرام، بکار بیندد. با مخالفت آنها به سفر غیر ضروری نرود. در رفع احتیاجات آنها بکوشد. جلوتر از آنها در کوچه و خیابان گام برندارد. برای آنها دعا کند و از خداوند آمرزش آنها را بخواهد. تا زنده هستند آنها را از خود ناراضی نگرداند و بعد از رحلت آنها همیشه بیاد آنان بوده و برایشان دعا کرده و به نیت آنان کارهای خیر بجا آورد.

ابوذری می گوید: از رسول گرامی اسلام شنیدم که فرمود: «النظر الی علی بن ابیطالب عبادة والنظر الی الوالدین برافة ورحمة عبادة والنظر فی الصحيفة - یعنی صحیفه القرآن - عبادة والنظر الی الکعبة عبادة <sup>۱۵۹</sup> ; نگاه به علی بن ابیطالب عبادت است. نگاه مهرآمیز به پدر و مادر عبادت است. نگاه به صحیفه - یعنی صحیفه قرآن - عبادت است. نگاه به کعبه عبادت است.»

عن النبي (ص) قال : بروا آباءکم ببرکم أبناؤکم، وعفوا عن نساء غیرکم تعف نساؤکم. <sup>160</sup>

رسول خدا ص فرمود: به پدران خود خوبی کنید تا فرزندان شما به شما خوبی نمایند. و نسبت به زنان دیگران عفت بورزید تا نسبت به زنان شما عفت بورزند.

جاء في فقه الرضا (ع): واعلم ان حق الأم أُلزم الحقوق وأوجب لانها حملت حيث لا يحمل أحد أحداً، ورقت بالسمع والبصر وجميع الجوارح مسرورة مستبشرة

<sup>158</sup> مستدرک الوسائل، ج 15، ص 203

<sup>159</sup> همان

<sup>160</sup> مستدرک الوسائل، ج 2، ص 127، الغرر والحکم، ص 627

بذلك، فحملته بما فيه من المكروه الذي لا يصبر عليه أحد، ورضيت بان تجوع ويشبع، وتظماً ويروى، وتعري ويكتسي، وتظله وتضحى، فليكن الشكر لها، والبر والرفق بها على قدر ذلك. وان كنتم لا تطيقون بأدنى حقها إلا بعون الله.<sup>161</sup>

امام رضاع: حق مادر لازم ترين و واجب ترين حق است زيرا مادر تورا حمل کرد طوری که هیچکس این چنین نکرد. و با با همه وجود از این باری که در دل او بود نگه داری کرد درحالی که سختی زیادی کشید که کسی نمی تواند اینگونه تحمل کند. و راضی بود که تورا سیر کند و خود گرسنه باشد. تورا سیراب کند و خود تشنه باشد خود بی لباس و تو پوشیده باشی. پس باید تشکرو نیکی به مادر از اینها به همان اندازه باشد. اگرچه نمی توانید کمترین جبران را بکنی مگر به عون الهی.

عن النبي (ص) قال:  
من أسخط والديه فقد أسخط الله، ومن أغضبهما فقد أغضب الله، وان أمراك ان تخرج من أهلك ومالك فأخرج ولا تحزنهما.<sup>162</sup>

رسول خدا ص فرمود: هر که والدین خود را ناراحت کند خدا را ناراحت کرده و هر که آنها را غضبناک کند خدا را غضبناک کرده. و اگر آنها به تو امر کردند که از اموالت و خانواده ات بگذری باید بگذری و آنها را ناراحت نکنی. سمعت أبا عبد الله جعفر بن محمد (ع) يقول: ان رسول الله (ص) حضر شاباً عند وفاته.

فقال له: قل: لا إله إلا الله فقال: اعتقل لسانه مراراً، فقال لامرأة عند رأسه: هل لهذا أم؟.. قالت: نعم انا أمه.

فقال: أسأخطة انت عليه؟.. قالت: نعم، ما كلمته منذ ست حجج.

قال لها: إرض عنه. قالت: رضي الله عنه يا رسول الله برضاك عنه.

فقال له رسول الله (ص): قل: لا إله إلا الله، فقالها.. فقال له النبي: ما

ترى؟..

قال: أرى رجلاً أسود اللون قبيح المنظر، وسخ الثياب، نتن الرائحة، قد وليني الساعة وأخذ بكظمي، فقال له النبي (ص):

---

<sup>161</sup> مستدرک الوسائل، ج 2، ص 628

<sup>162</sup> مستدرک الوسائل، ج 2، ص 230

قل: يا من يقبل اليسير ويعفو عن الكثير، أقبل مني اليسير واعف عن الكثير، انك انت الغفور الرحيم!.. فقالها الشاب فقال له: انظر ما ترى؟.. قال: أرى رجلاً أبيض اللون، حسن الوجه، طيب الريح، حسن الثياب، قد وليني وأرى الأسود قد تولى عني.. فقال له: أعد فأعاد فقال له: ما ترى؟.. قال: لست أرى الأسود وأرى الأبيض قد وليني، ثم طفى (مات) على تلك الحال

هر بار نگاه کردن با تبسم به والدین ثواب حج و عمره دارد.<sup>۱۶۳</sup>

«وقتی خواهر رضاعی پیامبر به دیدن حضرت آمد، پیامبر برای او احترام فوق العاده ای گذاشتند ولی وقتی برادر رضاعی پیامبر آمد حضرت مانند خواهرش به او احترام نکردند. اصحاب علت را پرسیدند. حضرت فرمود علت بیشتر احترام کردن من به خواهر رضاعیم این است که او به پدر و مادرش زیاده تر نیکی می کند.»<sup>۱۶۴</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: مردی به حضور رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آمده و عرض داده است: ای رسول خدا! به کدامیک از بستگانم نیکی کنم؟ فرمود: به مادرت. مرد پرسید: بعد از آن؟ فرمود: به مادرت. برای بار سوم پرسید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مادرت. در نوبت چهارم حضرت فرمود: به پدرت نیکی کن!<sup>۱۶۵</sup>

### محبت باعث مسلمان شدن

«زکریا که مسیحی بود، مسلمان و شیعه شد. امام صادق (ع) به او سفارش کرد که اگرچه پدر و مادرش مسیحی هستند ولی احترام به آنها را ترک نکن! وقتی زکریا بیشتر از قبل به پدر و مادرش نیکی می کرد، مادرش از این برخورد او خوشحال شد و تمایل پیدا کرد که او هم مسلمان شود. او از پدرش خواست که شهادتین را به او یاد دهد تا او هم اسلام بیاورد. و این چنین بود که با برخورد اسلامی، مادر زکریا اسلام آورد.»<sup>۱۶۶</sup>

از امام سجاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: مردی به حضور حضرت خاتم الانبیاء صلی الله

<sup>۱۶۳</sup> معارف قرآن و اهل بیت ع

<sup>۱۶۴</sup> خانواده نمونه

<sup>۱۶۵</sup> الکافی، ج ۲، ص ۱۵۹

<sup>۱۶۶</sup> اصول کافی، باب البر بالوالدین، حدیث ۱۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: آیا پدر و مادرت زنده هستند؟ مرد گفت: فقط پدرم زنده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: برو با او خوشرفتاری کن. آن مرد رفت و پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از رفتن او زیر لب زمزمه می کرد که: ای کاش مادرش زنده بود! <sup>167</sup>

امام سجاد علیه السلام در عمل نیز چنین بود و با مادرش خوشرفتاری کرده و حقوق وی را کاملاً مراعات می نمود . طبری می نویسد: هنگامی که از آن حضرت پرسیدند: تو که از نیکوکارترین مردم نسبت به مادرت هستی، چرا با او سر یک سفره نمی نشینی؟ امام فرمود: «اَخاف ان یسبق یدی الی ما سبقت

<sup>168</sup> مستدرک الوسائل، ج 15، ص 180

عینذها الیه فاکون قد عقلتھا<sup>169</sup>؛ می ترسم دستم به غذایی پیداشی گیرد که پیش از آن چشم مادرم به سوی آن رفته [و می خواهد بردارد] و به همین مقدار نافرمانیش کرده باشم.»

امام حسین(ع) به جوان تبسم نمود!

«یکی از علماء وقتی در کربلا بود و به حرم رفت و آمد می کرد، متوجه شد که جوانی با حضرت امام حسین(ع) ارتباط معنوی دارد. از او جریان را پرسید. جوان گفت خانه مادر چند فرسخی کربلا است. مدتی بود که هر شب جمعه بنوبت پدر و مادرم را به کربلا برای زیارت می آوردم. شب جمعه ای باران می آمد و بنا بود که پدرم را سوار الاغ کرده و به کربلا بیاورم. همینکه عازم شدیم، مادرم از من خواست که او را هم بیاوریم. با اصرار مادرم، او را بر کولم سوار کردم و با پدرم هم سوار الاغ بود، در زیر باران با زحمات زیادی به حرم مشرف شدیم. وقتی وارد صحن حضرت شدیم، دیدم که امام(ع) در ضریح ایستاده و بمن تبسم می کند. و این حالت هر شب جمعه تکرار می شود.»<sup>170</sup>

**از طرفی اهل بیت ع تذکر می دادند که اذیت رساندن و حتی نگاه با خشم به**

**پدر و مادر نمودن باعث خشم خداوند می شود.**

در روایت است که اگر با عصبانیت به والدین نگاه کنید حتی اگر آنها به او ظلم کرده باشند، باعث عدم قبولی نماز می شود.

«ابامهزم گوید که: شبی از حضرت باقر(ع) خدا حافظی کردم و با مادرم به منزلتان می رفتیم. در راه با مادرم دعوا مان شد و من به او تندی کردم. وقتی فردا خدمت امام رفتم ناگاه فرمود: ای ابامهزم! دیشب بین تو و مادرت چه گذشت؟ آیا او تو را در شکمش حمل نمود و از سینه اش تو را شیرنداد و تو را درد امنش بزرگ نمود؟ دیگر این عمل را تکرار نکن.»<sup>171</sup>

گاهی مجازات اذیت کردن والدین در همین دنیا ظاهر میشود.

جوان با نفرین پدر شل شد!

روزی علی(ع) در حال طواف بود که صدای التجاء و مناجات و التماس جوانی را شنید. امام از او درباره گرفتاریش سؤال کرد.

او گفت: من سالم بودم ولی آنقدر پدرم را اذیت نمودم که او مرا نفرین کرد و من فلج شدم. پدرم تصمیم داشت تا روزی به کنار کعبه بیاید، و برای شفایم دعا کند ولی قبل از این کار، از دنیا رفت. حال من مانده ام این پاهای شل!

امام به او دعای مشلول را یاد دادند که آنرا بخواند. او این دعا را خواند و پیامبر را در خواب دید که حضرت دستی بر پاهای او کشید و او شفایافت.<sup>۱۷۲</sup>

«امام چهارم دیدند که نوجوانی بنحوی ادبانه ای به پدرش تکیه کرده است. بعد از این امام هیچگاه با آن جوان صحبت نکردند تا جوان از دنیا رفت.»<sup>۱۷۳</sup>

### جوان زبانش لال شد!

«روزی پیامبر بر بالین جوانی که در حال احتضار بود، حاضر شد. وقتی شهادتین را به او تلقین نمود، جوان نتوانست زبانش را به شهادتین باز کند و گویا لال شده بود. حضرت، مادرش را خواستند. واز مادرش پرسیدند که آیا از پسر تراضی هستی؟ زن گفت: یا رسول الله! چهار سال است که باو حرف نزده ام! پیامبر از او خواستند که از فرزندش راضی شود. او هم راضی شد و جوان زبانش باز گردید و شهادتین را جاری کرد و از دنیا رفت»<sup>۱۷۴</sup>

### عاق والدین

«پیامبر (ص): بوی بهشت از مسیر پانصد سال راه بمشام می رسد ولی بمشام عاق والدین نمی رسد.»<sup>۱۷۵</sup>

امام علی (علیه السلام) فرمود:

من احزن والدیه فقد عقمها؛<sup>۱۷۶</sup>

هر کس پدر و مادر خویش را اندوهگین و آزرده سازد، نسبت به آنان عاق شده است.

امام صادق (علیه السلام) در مورد نوع رفتار با والدین می فرماید:

لا تملأ عينك من النظر اليها الا برحمة و رقة ، و لا ترفع صوتك فوق اصواتهما، و لا يدك فوق ايديهما، و لا تتقدم قدامهما<sup>۱۷۷</sup>

<sup>۱۷۲</sup> همان

<sup>۱۷۳</sup> همان

<sup>۱۷۴</sup> همان

<sup>۱۷۵</sup> خانواده نمونه

<sup>۱۷۶</sup> بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۷۲

<sup>۱۷۷</sup> بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۷۹



به پدر و مادرشان نگاه پر مهر داشته باشید و صدایتان را بر سرشان بلند نکنید و بر سرشان داد نزنید، دست روی آنان بلند نکنید و در راه رفتن از آنان جلو نیفتید.

اینها تعلیمات مکتب است که خیمه عفاف را بر سر پا و چراغ خانواده را روشن نگه می دارد.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نیز فرموده است :

النظر الى الوالدين براءة و رحمة عبادة<sup>178</sup>

نگاه فرزند به چهره پدر و مادر از روی محبت و شفقت نسبت به آنان ، عبادت است .

ابراهیم ابن شعیب گوید: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم : پدرم بسیار پیر شده است ، بطوری که وقتی کاری دارد ما او را بر دوش گرفته می بریم ، حضرت فرمود: اگر بتوانی خودت عهده دار آن شوی انجام ده ، با دست لقمه به او بده ، که این کار فردا برای تو سپری خواهد بود.<sup>179</sup> یعنی تو را از خشم الهی حفظ می کند. یعنی فرزندان نباید هنگام پیری و درماندگی والدین ، آنها را از خود دور کنند.

180

- بوسه ای بر درب بهشت و صورت حور العین

روایت است که مردی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: من نذر کرده ام که درب بهشت و صورت حور العین (زنان بهشتی) را ببوسم !

حضرت فرمود: برو پای مادر (به منزله صورت حور العین) و پیشانی پدرت را (بمنزله درب بهشت) ببوس . عرض کرد: پدر و مادرم از دنیا رفته اند، فرمود: قبر آنها را ببوس ، عرض کرد: مکان قبر آنها را نمی دانم (شاید در حادثه ای از بین رفته اند که در شهر دفن نشده اند و یا در اثر مرور زمان مکان آن مخفی شده است )،

حضرت فرمود: دو خط روی زمین به صورت دو قبر بکش به نیت قبر پدر و مادر، و سپس آنجا را ببوس<sup>181</sup> بوسیدن جای پای پدر

گویند ابراهیم خلیل علیه السلام برای دیدار پسرش اسماعیل ، از شام به مکه آمد، اما پسرش در خانه نبود (در

---

<sup>178</sup>بحار الانوار، ج 71، ص 73

<sup>179</sup>کافی ج 4، ص 214 و ص 219

منتخب التواریخ .

180

<sup>181</sup>قرّة العین ص 38.

سفر بود) لذا ابراهیم علیه السلام (بدون دیدن پسر) به سوی شام بازگشت ، وقتی که حضرت اسماعیل از سفر برگشت ، همسرش آمدن پدرش حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام را به او اطلاع داد (طبیعی است که اسماعیل از این جریان بسیار ناراحت گردیده باشد) لذا اسماعیل (که موفق به زیارت پدر نشده بود برای ادای احترام به پدر خویش ) جای پای پدرش ابراهیم علیه السلام را پیدا کرد و به عنوان احترام پدر، جای پای پدر را بوسید<sup>182</sup>

بعد از رحلت والدین باید فرزند همواره بیاد آنان باشد و برای آنان با انجام اعمال خیر چون خواندن نماز قضا و گرفتن روزه قضا آنان، خواندن قرآن به نیابت آنان، دادن صدقه از طرف آنان و غیره روح آنان را خوشحال نماید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «من زار قبر والديه او احدهما كل جمعة فقرا عندهما يس غفر الله له بعدد كل حرف منها<sup>183</sup> ; هر کس قبر پدر و مادرش یا یکی از آنها را در هر جمعه زیارت کند و در کنار مزار آنان سوره یس بخواند، در مقابل هر حرفی که از این سوره می خواند، خداوند آمرزشی نصیب او می فرماید .»  
پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «سید الابرار يوم القيامة رجل بر والديه بعد موتهما<sup>184</sup> ; سرآمد و سرور ابرار در روز قیامت کسی است که بعد از مرگ پدر و مادرش برای ایشان احسان و نیکی کند .»

دعا برای مادر و قدر دانی او

زنی بود از اهل عبادت بنام باهیه ، هنگام مرگ عرض کرد: (خدایا) ای ذخیره (و امید) من ای تکیه گاه من در زندگی و مرگ ، مرا هنگام مرگ وامگذار (کمکم کن ) و در خانه قبر دچار وحشت مگردان .  
پس از فوت او پسرش هر شب و روز جمعه بر سر قبر مادر می آمد، مقداری قرآن می خواند و برای مادر و اهل قبرستان دعا میکرد. روزی این جوان مادرش را در خواب دید سلام کرد، و عرض کرد: حال شما چطور است ؟ و بر شما چه می گذرد؟

منقول از حکایتهای شنیدنی ج 4 ص 41.

182

<sup>183</sup>بحار الانوار، ج 89، ص 293

<sup>184</sup>بحار الانوار، ج 71، ص 84

باهیه گفت : پسر ، مرگ دارای سختیها و نگرانیهاست ولی من بحمدالله در جائی هستم که از سبزه فرش شده و به حریر آراسته گردیده است .

جوان گفت : مادر آیا حاجتی داری ؟ مادر گفت : از تو می خواهم که از دیدن و زیارت و دعا خواندن و قرائت قرآن برای ما دست برداری ، من به آمدن تو در شب و روز جمعه مسرور و خوشحال می شوم ، پسر ، وقتی تو می آیی ، اموات به من می گویند: باهیه پسر (دارد) می آید و من به این مژده خوشحال می شوم ، امواتی هم که در اطراف من هستند به آمدن تو مسرور می شوند.

آن جوان گوید: من در هر شب و روز جمعه به زیارت قبر مادرم رفته مقداری قرآن می خوانم و اینگونه دعا می کنیم :

خداوند وحشت شما (اموات) را انس و همدم باشد و بر غربت شما ترحم کند و از گناهانتان بگذرد و نیکیهای شما را قبول نماید.

گوید: يك شب در خواب مشاهده کردم جمعیت زیادی به طرف من آمدند! پرسیدم ، شما کیستند و چه حاجتی دارید؟ گفتند: ما اهل قبرستان هستیم ، آمده ایم از تو تشکر کنیم و بخواهیم که قرائت قرآن و دعا کردن را از ما قطع نکنی

علامه امینی در ماه مبارک رمضان پانزده ختم قرآن می کردند. چهارده تا به نیت چهارده معصوم و یکی برای والدین خود. در مکاشفه ای علامه طباطبایی متوجه شدند پدرشان از اینکه ثوابی از تفسیر المیزان برای ایشان در نظر نگرفته شده از علامه گلایه دارند. علامه بلافاصله همه ثواب تفسیر را برای پدرشان نیت کردند و در مکاشفه بعدی پدر اعلام رضایت نمودند. یکی از علما بعد از رحلت پدرشان ثواب یکسال اعمال مستحبی خود را به پدرشان هدیه نمودند و بعد از رحلت مادرشان نیز همین کار را کردند و همه روزه برای هر کدام از پدر و مادر خود ، دو رکعت نماز والدین را می خواند و هر روز برای آنها فاتحه می خواند.

#### احترام به سالمندان

در مکتب قرآن و اهل بیت ع برای سالمندان جایگاه ویژه ای در نظر گرفته شده است . در سوره اسراء آمده است

وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا مَعْرُوفًا ۚ إِنَّمَا يَلُغْنَ الْكِبَرُ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَوْف

اگر یکی از والدینت یا هردوشان به سالخوردگی رسید پس مبادابه آنهاحتی أف بگویی و آنها را نرنجان و با آنان با خوبی حرف بزنی .<sup>185</sup>

این یکی از آزمونهای الهی است که گاهی خداوند بوسیله پدر یا پدربزرگ و یا مادر و یا مادر بزرگ سالخورده و ناتوان از فرزندان ونوه هایشان بعمل می آورد . که چگونه وجود اینها را تحمل می کنند . البته در کشور ایران در اکثر خانواده ها، بخاطر خوی ایرانی و اسلامی بودن برای پیران بعنوان بزرگان فامیل احترام خاصی قائلند و از آنها خوب مواظبت و پذیرایی می نمایند .

سالخوردگان در این ایام به احترام بیشتری نیاز دارند . آنها بخاطر اینکه دیگر از کار و تلاش بازنشسته شده اند گاهی در خود احساس تنهایی می نمایند لذا باید با آنها بیشتر گرم گرفت و با تحمل و صبر به سخنان آنان گوش داد مخصوصا اگر دچا نقص در حواس پنجگانه هستند باید بیشتر به آنها رسیدگی نمود . و حتی غرغره های آنان را تحمل نمود .

امام ششم علیه السلام : ای میسر ! اگر می خواهی عمرت زیاد شود به پدر و مادر پیرت نیکی کن .<sup>186</sup>

لازم نیست که سالمند از بستگان انسان باشد . بلکه باید به هر پیر مسلمانی احترام گذاشت .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : کسیکه پیر مسلمانی را احترام کند از فرع اکبر قیامت در امان خواهد بود .<sup>187</sup>

اما عده ای از فرزندان هستند که اجر و ثواب نگه داری از پیران رافراموش کرده و آنان را به طرق مختلف اذیت می کنند . به آنان بی اعتنائی نموده و آنها را و بال گردن خود و يك عضو اضافه خانواده فرض می کنند که این برخوردها ضربات سختی بر روح و روان پیران وارد کرده و گاهی باعث مرگ زودرس آنان و باصطلاح دق مرگ شدنشان می شود . که باید عاملین این اذیت و آزارها در انتظار عذاب دنیوی و اخروی الهی باشند .

گویند وارثین شخصی برای پدرشان خیرات و میراث نمی کردند . نصیحت کننده ای به آنان گفت که اگر برای پدرتان کارهای خیر نکنید او در قبر می سوزد ! آنان گفتند: اگر یک نفر بسوزد بهتر است که ما ده نفر بسوزیم !

در فرهنگ غرب بی اعتنائی به سالمندان يك امر عادی و فراوان است و هیچ جایگاهی برای سالمندان در بین خانواده ها در نظر گرفته نشده است .

نماینده آیه الله بروجردی در آلمان گفته بود که برای عیادت مسلمانی به بیمارستان می رفتیم . در اتاق آن مریض یکی از پیرمردهای آلمانی بستری بود . روزی از ما پرسید که شما با این مسلمانی که مرتب به عیادت اومی آید نسبتی دارید؟ گفتیم خیر بلکه او برادر مسلمان است . او گفت با اینکه زن و بچه من در همین شهر هستند ولی تاکنون به عیادت من نیامده اند !

احترام به سالمندان منحصر به خویشان نیست بلکه باید به هر پیری احترام گذاشت .

روایت شده که امیر المؤمنین علیه السلام در شهر کوفه چشمش به پیرمردی یهودی افتاد که مشغول گدایی بود . حضرت از او پرسید چرا

ولی اکنون قادر به کار نیستی . امام دستور داد تا از بیت المال مسلمین برای او حقوق مقرر فرمودند .<sup>188</sup>

نقل شده که عده ای به دیدار امام صادق علیه السلام رفتند . امام به آنها گفت چرا بما ظلم می کنید؟ آنها گفتند که ما چه ظلمی بشما کرده ایم؟ فرمود در راه آمدن به مدینه پیر کردی که همراهتان است از خستگی پیاده آمدن به جوانی که سوار اسب بود گفت اگر می شود مرا هم سوار کن که خیلی خسته شده ام . ولی او جواب نداد و اعتنائی به آن پیرمرد ننمود . و این **ظلم به** ما حساب می شود .<sup>189</sup>

امام صادق (علیه السلام) فرموده است : دو نفر خدمت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) رسیدند . یکی پیر بود و دیگری جوان . آنکه جوان بود، زودتر از پیر سخن گفت . پیامبر دوباره فرمود: **الکبیر، الکبیر**<sup>190</sup> یعنی

<sup>186</sup> خانواده نمونه

<sup>187</sup> همان

<sup>188</sup> همان

<sup>189</sup> همان

بزرگ ، بزرگ .

این هشداری بود تا جوان ، ادب را مراعات کند و قبل از پیر سبقت به سخن گفتن نجوید.

## اصول استحکام خانواده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

محمد تقی صرفی پور

1-محبت به همسر

اسلام دین محبت به خانواده است. محبت شوهر به همسر و محبت همسر به شوهر

..پیامبر اکرم-صلی الله علیه و اله

حُبِّ إِيَّايَ مِنَ الدُّنْيَا النَّسَاءُ وَالطَّيِّبُ وَقُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ .

رسول خدا(ص)فرمود: از دنیا سه چیز به نظر من خوش آیند است زنان و عطر ولی روشنی چشم من در نماز است.

(نشستن مرد کنار زن از اعتکاف.. پیامبر اعظم ص:جلوس المرء عند عیاله احبّ الی الله من اعتکاف فی مسجدی.

نشستن زن کنار شویش از اعتکاف در مسجد من در نزد خدا بالاتر است.  
زن و شوهر باید بهم ابراز دوستی و محبت کنند مخصوصا شوهر به همسرش:

قول الرجل للمراة انی احبک لایذهب من قلبها ابدا

پیامبر خدا فرمود مرد به همسرش بگه دوستت دارم تو قلب زن میمونه و دیگه از قلبش هرگز نمیره بیرون.



حضرت امام تا آخر عمر ان چنان به زنش محبت داشت که سفره می

انداختند تا خانم نمی امد امام لب به غذا نمی زد.

هر موقع زن امام وارد میشد امام بر اش بلند میشد.

نامه حضرت امام به همسرش در راه سفر حج:

تصدقت شوم؛ الهی قربانت بروم، در این مدت که مبتلای به جدایی از آن نور چشم عزیز و قوّت قلبم گردیدم متذکر شما هستم و صورت زیبایت در آئینه قلبم منقوش است. عزیزم امیدوارم خداوند شما را بسلامت و خوش در پناه خودش حفظ کند. [حال] من با هر شدتی باشد می گذرد ولی بحمدالله تاکنون هر چه پیش آمد خوش بوده و الآن در شهر زیبای بیروت هستم؛ حقیقتاً جای شما خالی است فقط برای تماشای شهر و دریا خیلی منظره خوش دارد. صد حیف که محبوب عزیزم همراه نیست که این منظره عالی به دل بچسبد<sup>۱۹۱</sup>

## دوری از بداخلاقی با همسر

وعاشروهن بالمعروف

خدا فرموده: با زنها خوب رفتار کنید.

در روایت است: هر مردی که با خانواده خود خوب تا کند خدا عمرش را

زیاد می‌کند. من حَسُنَ برّه باهله زادالله فی عمره

مردی که به زنش نیکی می‌کند کریم است و هر که به زنش اهانت کند

لئیم است.

## آیت الله پهلوانی :

﴿از همسرتان تشکر کنید ، هر چند غذایی که پخته شور یا بد شده

است. یک بار من در جوانی در خانه با خانواده بد اخلاقی کردم در عالم

معنا به من گفتند : بیست سال ناله های تو بی اثر شد!

(آیت الله بهجت:

اگر بخواهیم محیط خانه گرم و  
با صف و صمیمی باشد ، فقط  
باید صبر و استقامت و گذشت  
و چشم پوشی و رأفت را پیشه  
خود کنیم تا محیط خانه گرم و  
نورانی باشد)

### شهیدی که عذاب قبر داشت!

وقتی سعد بن معاذ شهید شد پیامبر در تشییع جنازه اش سنگ تمام  
گذاشت و پابرهنه در تشییع شهید شرکت کرد و ب دست خود جنازه را  
داخل قبر گذاشت. ولی فرمود این شهید فشار قبر دارد. زیرا با همسرش  
تندخوبوده است.

### سوء خلق در خانه

آیه الله حسن زاده آملی فرمود: من به آقای سید محمد حسن آقای الهی  
برادر بزرگتر مرحوم علامه طباطبائی که در عرفان و سیر و سلوک از

شاگردان مرحوم سید علی قاضی بودمکرر عرض می کردم: وقتی خدمت آقا (علامه قاضی) می رسید. از جانب من از ایشان خواهش کنید که مرا هم در تشرّف به خدمت حضرت بقیه الله (عج) شریک خود نمایید و برای من نیز اجازه ملاقات بگیرید (چون می دانستم این دو بزرگوار به این سعادت عظیم می رسند).

روزی در شهر آمل بعد از ظهر خواستم استراحتی داشته باشم، بچه ها داد و فریاد کردند و مانع استراحتم شدند. من عصبانی شده، با آنها تندی نمودم و پرخاش کردم ولی بعد، از آن حرکات خودم پشیمان شدم از این که بچه ها را ناراحت کردم وجدانم ناراحت بود، عصر رفتم بازار و مقدار شیرینی و میوه خریده به منزل آوردم که شاید بدینوسیله دل بچه ها را به دست آورم، با این حال وجدانم آرام نمی گرفت آشفته خاطر بودم.

بالاخره تصمیم گرفتم سفری به شهر تبریز کرده با مرحوم سید محمد حسن الهی ملاقات کنم، رفتم تبریز، وقتی به خدمت ایشان رسیدم پیش

از این که علّت مسافرتم را بگویم، گفتم: عرض مرا به خدمت استاد  
(سید علی قاضی) رساندی؟

فرمود: من راجع به این موضوع نامه ای به شما نوشتم و چون آدرس شما  
را نداشتم به خدمت آقای اخوی (سید محمد حسین طباطبائی) فرستادم  
که به شما برساند، و در آن نامه یادآور شدم که وقتی پیام شما را به آقا  
عرض کردم آقا تأملی کرده سپس با ناراحتی فرمودند:

«ایشان چگونه می خواهند این راه را طی نمایند با آن اخلاقی که نسبت  
به عائله و کودکان انجام و با آنها دعوا کردند، با آن اخلاق تند چگونه می  
شود به این رتبه و مقام رسید.»

آری در این راه نا همواریها، دست اندازها، پیچ و خمها و خطرهای زیادی  
هست که سالک باید هوشیارانه مواظب و مراقب خود باشد و تمام اعضاء  
و جوارح خود را همیشه کنترل نماید. (داستانهایی از اخلاق اسلامی

نویسنده : علی میرخلف زاده)

## صبر زن و شوهر

زن و شوهر باید بر مشکلات مختلف صبوری کنند. در سختی ها استقامت داشته باشند.

باید بر بداخلاقی همسر صبوری کرد.

ادم بی صبر مانند ادم بی سر است.

خرمرده!

روایت شده که رسول خدا(ص) واسطه ازدواج زن و مردی شد. بعد از مدتی زن نزد حضرت آمد و از شوهرش شکایت کرد. حضرت فرمود: نکند که می خواهی طلاق بگیری؟ آنوقت نزد خداوند، از الاغ مرده، پست تر می شوی!»<sup>۱۹۲</sup>

### دختر پیامبر کتک می خورد...

روایت است که رقیه دختر پیامبر مورد ضرب و جرح شوهرش قرار می گرفت و هنگامی که به پیامبر شکایت می کرد پیامبر می فرمود برو صبوری کن. تحمل کن.

### اصمعی و زن چادر نشین

اصمعی که مرد متمکن و وزیر مأمون بود نقل می کند:

روزی به شکار رفتم در بیابان بی آب و علفی گم شدم . تشنگی مرا از پای در آورده بود. خیمه ای در وسط بیابان دیدم . به طرف آن رفتم دیدم یک زن جوان در خیمه نشسته . به او سلام کردم و از او تقاضای آب کردم رنگش پرید و سپس گفت در خیمه آب هست و لی اجازه ندارم از آن به تو بدهم ولیمقداری شیر برای ناهار دارم این را به تو می دهم شیر را به من داد طولی نکشید که سیاهی از دور پیدا شد . این زن تا متوجه آن سیاهی شد ظرف آب را برداشت و بیرون از هیمه منتظر ماند . دیدم پیرمرد سیاه و لنگی که شوهر این زن بود با شترش آمد.

زن به استقبال شوهر خود رفته بود او را نشانده و پاهایش را شست و بسیار احترامش کرد ولی هر چه زن محبت و خوش اخلاقی میکرد مرد بدخلقی می نمود و هر چه خستگی داشت سر آن زن تافی می کرد. هر چه زن با ملاطفت برخورد می کرد شوهرش تند و خشن با او سخن می گفت این منظره عجیب را نتوانستم تحمل کنم و حاضر شدم از سایه خیمه به زیر آفتاب سوزان بروم اما صحنه برخورد این زن و شوهر را نبینم از هیمه بیرون رفتم مرد به من اعتنا نکرد ولی زنش جهت احترام مرا امشایعت کرد وقتی این احترام را از زن جوان دیدم به او گفتم حیف



از جوانی و جمالت نیست جوانی و جمال و اخلاق خود را در ازای چه چیز در اختیار این مرد گذاشته ای ؟ او نه جوان است و نه با جمال و نه ثروتی دارد پس چرا اینقدر در مقابل او تواضع می کنی و به او احترام می گذاری.

زن با شنیدن این حرف سخت بر آشفت و گفت افسوس بر تو که با این که وزیر مملکت اسلامی هستی با این سخنان پوچ می خواهی محبت همسر را از دلم بزدائی چرا سخن چینی می کنی ؟

اصمعی می گوید: من که از این سخنان متحیر شده بودم با نصیحت او روبرو شدم که می گفت : روایت از پیامبر اکرم شنیده ام و می خواهم به این روایت عمل کنم تا با ایمان کامل از دنیا بروم . حضرت در آن روایت این چنین فرمود:

(ایمان نصف الشکر و نصف الصبر)

سپس افزود دنیا چه خوب و چه بد چه تلخ و چه شیرین می گذرد . ولی مهم این است که انسان با ایمان از دنیا برود . دنیا پل رسیدن به آخرت است و سرائی که همیشه باقی و محل قرار است آخرت است .

اینجا جای مردن و رفتن است و آنجا محل قرار و ثبات و جاودانگی  
است.<sup>۱۹۳</sup>

### عالمی که زنش کتکش میزد!

گویند یکی از علماء هر گه منزل می رفت خانمش او را کتک می زد!  
شاگردانش گفتند این زن را طلاق بده! گفت خیر. من وقتی بیرون هستم  
مردم خیلی به من احترام می گذارند کمی باد می کنم! خانم مرا می  
زند! بادم می خوابد!

حضرت ابراهیم ع از بداخلاقی خانمش به خدا شکایت کرد. خدا وحی  
کرد که باید با او بسازی. زن مانند دنده کج است اگر بخواهی راستش  
کنی می شکند. ولی اگر بخواهی از او بهره ببری باید با او بسازی.

در برخی روایات آمده است که عذاب قبر از سه دسته از زنان بر داشته شده و آنان با حضرت فاطمه سلام الله علیها محشور می شوند. یک دسته از آنان کسانی هستند که در برابر بد اخلاقی شوهران شان از خود صبر و بردباری نشان می دهند. در پایان این حدیث آمده است: **يُعْطَى اللَّهُ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ ثَوَابَ أَلْفِ شَهِيدٍ وَ يَكْتُبُ لِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ عِبَادَةً سَنَةً** یعنی خداوند به هر یک از این سه گروه از زنان به خاطر صبر و بردباری ثواب هزار شهید را می دهد، و برای هر یک از آنان ثواب یک سال عبادت در نامه عمل شان نوشته می شود.

### **صبر عظیم زهرای مرضیه**

از جمله جلوه های صبر آن حضرت صبر بر سختی های مادی همچون گرسنگی بوده است .

در روایت است:

روزی امام علی (ع) غذایی از همسر عزیز خود خواست تا بدان گرسنگی خود را برطرف سازد، فاطمه(ع) در جواب گفت: سوگند به خدایی که پدرم را به نبوت و شما را به امامت برگزید، دو روز است که

در منزل غذای کافی نداریم، آنچه بود به شما و فرزندانم ؛ حسن و حسین دادم و خود از غذای اندک موجود استفاده نکردم.

حضرت علی ع با تأسف بسیار فرمود: فاطمه جان! چرا مرا آگاه نکردی تا به دنبال تهیه غذا بروم؟

آن بانوی بی نظیر فرمود: از خدایم حیا می کنم چیزی از تو بخواهم که نتوانی آن را برآورده کنی.

(مناقب ابن شهر آشوب، ج 2، ص 26)

سه روز گرسنگی

روزی علی(ع) فرمود: ((فاطمه جان! آیا غذایی هست که بیاوری؟))

پاسخ شنید:

((سوگند به آنکه حق تو را بزرگ شمرده، سه روز است که غذای کافی در منزل نداریم و سهم خود از همان مقدار ناچیز را هم به شما بخشیدم و خود، گرسنگی را تحمل نمودم.)) علی(ع) فرمود:

((چرا به من خبر ندادی؟)) و حضرت جواب داد:

((رسول خدا مرا نهی کرد که چیزی از تو بخواهم و به من سفارش نمود:

دخترم چیزی از پسرعمویت درخواست مکن, اگر چیزی برای تو آورد, بپذیر و الا تو درخواست چیزی نداشته باش.))

مناقب ابن شهر آشوب ج 2 ص 26

پنج روز است که صبح کردم بدون غذا!

روزی فاطمه س رو به پدر کرده گفت: ((ای رسول خدا! سوگند به پرودگار, در خانه علی(ع) پنج روز است که صبح کردم بدون غذا و هرگز غذایی را در دهان نگذاشته ایم; نه گوسفندی داریم و نه شتری و نه غذایی و نه آبی.)) (احقاق الحق, ج 17, ص 23)

در زندگی 9 ساله با شویش علی مرتضی ع نیز قناعت و سادگی در همه مسائل زندگی زناشویی به چشم می خورد.

علی(ع) فرمود: او با اینکه محبوبترین افراد نزد پیغمبر بود، اما آنقدر با  
مشک آب کشید که اثر مشک در بدنش پیدا شد و آنقدر خانه را جاروب  
کرد که لباسهایش غبار آلود بود و آنقدر زیر دیگ آتش افروخت که  
لباسهایش عوض شد (کهنه شد). (بحار 43)

(

روزی پیغمبر(ص) پیش فاطمه(س) رفت و دید که بچه را شیر می دهد  
و با دستش آسیاب را می چرخاند و لباس تن او از جل شتر است. پیغمبر  
فرمود: ای دختر گرامی! امروز تلخیهای دنیا را برای شیرینیهای آخرت  
بچش! فاطمه فرمود: من خدا را بخاطر نعمتهایش حمد می کنم  
و بر کرامتهایش شکر می گذارم. در این موقع آیه  
«ولسوف یعطیک ربّک فترضی» (2) «بزودی خدا آنقدر بتو بدهد تا راضی  
شوی.»

نازل شد. (مناقب ابن شهر آشوب ج 3 ص 342)

چادر وصله دار!

سلمان که از کاخهای پادشاهان ایران وروم دیدار کرده بود وقتی سادگی و وصله های چادر دختر بهترین انسان را می بیند تعجب می کند.

سلمان می گوید: روزی فاطمه را با چادری وصله دار و ساده دیدم. تعجب کرده و گفتم: عجب! دختران پادشاه ایران وروم برصندلی های طلا نشسته و پارچه های زربفت برتن می کنند. اما این دختر رسول خداست که نه چادرهای گرانبهاترین بتن دارد و نه لباسهای زیبا!

فاطمه فرمود: ای سلمان! خدای بزرگ، لباسهای زینتی و تخته های طلا را برای ما در روز قیامت ذخیره کرده است. (بحار ج 8 ص 303)

سپس فاطمه س به پدرش فرمود:

(ای رسول خدا! سلمان از سادگی من تعجب نمود. سوگند به خدایی که تو را مبعوث فرمود، مدت پنج سال است فرش خانه ما پوست گوسفندی است که روزها بر روی آن شترمان علف می خورد و شبها بر روی آن می خوابیم و بالش ما چرمی است که از لیف خرما پر شده است.(((

## عفو زن و شوهر از هم

اگر زن و شوهر اشتباهاتی دارند باید از هم گذشت داشته باشند چون قرار است سالها باهم باشند.



اگر می‌خواهید فرزندان‌تان از نظر روحی سالم باشند، باید در خانه «سخت‌گیری» و «بهانه‌جویی» نکنید، از «منفی‌نگری» پرهیزید، «سعه‌صدر» داشته باشید و در رابطه با همسر و فرزندان‌تان از خود، گذشت و نرمی نشان دهید. نگذارید سخنان تند و نیش‌دار و کردار بد، صفا و دوستی و محبت را از میان ببرد و زمینه را برای رشد دیگر اختلاف‌ها، کدورت‌ها و نابسامانی‌ها فراهم سازد

حتماً در زندگی زناشویی موارد زیادی پیش می‌آید که نظرات زن و مرد باهم جور در نمی‌آید و باهم مخالف است. یا اینکه مرد کاری می‌کند که زن با آن مخالف است یا برعکس زن کاری می‌کند که مرد با آن مخالف است و این منجر به ناراحتی از هم می‌شود. عشق و علاقه جای خود را به تنفر و ناراحتی از هم می‌دهد.

چه در مسائل جزئی و چه در مسائل مهم.

موردی داشتیم که زن و شوهر برای طلاق باهم توافق کرده بودند وقتی با آنها صحبت کردم دیدم که سر یک مساله خیلی کوچک از هم ناراحت

شده اند و منجر به تصمیم به طلاق شده که با کمی صحبت با آنها، از طلاق  
منصرف شدند.

در حالی که باید در این موارد مرد خشم و ناراحتی خود را کنترل کند و  
با برخوردی پخته مساله را حل نماید.

حضرت علی (ع) مدارا با همسر را در همه حال تأکید نموده است :  
« با زنان در همه حال مدارا کنید ، خوش زبان و نرمخو باشید ، و در تمام  
امور نیکی نمایید.»

چندی پیش زن جوانی با مراجعه به دادگاه خانواده درخواست طلاق داد  
و در خصوص علت آن به قاضی گفت: آقای قاضی شوهرم خیلی آدم  
کینه‌ای است و هنوز هم بعد از گذشت دو سال نتوانسته دعوایی که روز  
عروسی با هم داشتیم را فراموش کند.

**مـرـنـج و مـرـنـجـان**

آقای آخوند از آقای نخودکی خواست که او را موعظه کند. آقای  
نخودکی گفت: مرنج و مرنجان!

آقای آخوند گفت: مرنجان را فهمیدم؛ یعنی کسی را #اذیت نکنم. ولی  
مرنج یعنی چی؟ چطور می توانم ناراحت نشوم؟ مثلاً وقتی بفهمم کسی  
مرا غیبت کرده یا فحش داده چطور می توانم نرنجم؟! \*آقای نخودکی  
گفت: \*

علاج آن است که خودت را #کسی ندانی. اگر خودت را کسی ندانستی  
دیگر نمی رنجی!

## آراستگی زن و شوهر

زن و شوهر باید اراسته باشند. پیش هم معطر و خوشبو باشند. لباس خوب بپوشند. از سیگار و قلیون دوری کنند.

حسن بن جهم می گوید: امام رضا علیه السلام را دیدم که محاسن خود را خضاب (رنگ) کرده بود.

پرسیدم : فدایت شوم ، رنگ کرده اید؟! امام پاسخ داد: آری ، رسیدگی به خود (تغییر شکل و هیئت دادن ) از عوامل افزایش عفت زنان است ، و یکی از علل بی عفتی زنان این است که همسرانشان این امر را رها کرده اند، آنگاه امام فرمود: آیا دوست داری همسرت را به گونه ای ببینی که وضعیتش همانند تو باشد، در حالتی که به سر و وضع خود نرسیده ای؟!

او جواب داد: خیر، حضرت فرمود: همسر تو هم دوست ندارد که تو را بدان گونه ببیند.

در پرونده ای خانمی شکایت کرده بود شوهرم میخواهد زن دوم بگیرد. شوهرش رو خواستیم و علت این تصمیم رو از ایشان جویا شدیم. گفت خانم به خودش نمی رسد. من پیشش می نشینم بوی سیب زمینی پیاز می دهد! با اینکه لباسهای خوب براش خریدم ولی از اونها استفاده نمی کند و لباسهای کهنه می پوشد.

از خانم پرسیدیم شوهرت راست می گه؟ گفته اره!

با خانم صحبت کردیم که اسلام سفارش کرده زن در مقابل شوهرش  
بخودش برسد وزینت کند و..

قرار شد خانم در خودش تغییر ایجاد کند.

### عفاف زن و شوهر

برای حفظ استحکام خانواده باید زن و شوهر به عفاف و پاکدامنی توجه  
کنند.

مهمانی هایی که می دهند مختلط نباشد. مردها جدا از زنها باشند. به  
مساله محرم و نامحرم اهمیت بدهند.

### امام رضا علیه السلام و دختر بچه

گویند در مجلسی که امام رضا علیه السلام حضور داشتند مردی با دختر بچه اش وارد شد. افراد حاضر در مجلس دختر بچه را روی پا نشانده می بوسیدند..وقتی پدر و دخترش به نزد امام رفتند امام پرسید دختر چند سال دارد؟ گفت 5 سال. امام فرمود دیگر نمیشود او را روی زانو نشاند و بوسید.

### جوان گریان!

یه روز اقایی با گریه پیش من امد و گفت چند روز است خورد و خوراک بر من حرام شده است! علت را پرسیدم گفت دوستم به من خیانت کرده و با زنم ارتباط نامشروع داشته است! حالا من با دوتا بچه که از زنم دارم چه کنم؟ آیا طلاقش بدهم؟ یا راه دیگری؟ گفتم الان وضعیت زنت چه جوریه؟ گفت از پشیمانی و ناراحتی دوباره خودکشی کرده است والان یک نفر را گذاشتیم تا مراقبش باشد تا خودش را نکشد.

گفتم اگر واقعا پشیمان شده او را به حرم امام رضا علیه السلام یا حرم فاطمه معصومه ببرید و قسمش بدهید دیگر خیانت نکند و با او زندگی رو ادامه دهید.

## زن المانی گفت حجاب چرا؟

یه زن المانی مسلمان شد. به عالمی که او را مسلمان کرد گفت من همه احکام اسلام را قبول دارم غیر از حجاب! چرا باید زن چادر سر کند؟

ان عالم گفت شما تابحال تو طلا فروشی گاوصندوق دیده ای؟ گفت بله دیده ام. گفت برای چی گاوصندوق دارند؟ گفت تا شب طلاها را داخل گاوصندوق بگذارند از دست دزدها دور باشد. عالم گفت اسلام می گوید زن جواهر است برای دور ماندن از دزدان ناموس، زنهای حجاب داشته باشند. زن المانی گفت قانع شدم

زن خارج از خانه حجاب داشته باشد و ارایش کرده و عطر زده بیرون نرود و با مرد نامحرم شوخی نکند .

پیامبر (ص): ای حواء! زینت خود را برای غیر شوهرت ظاهر نکن. برای زن حلال نیست که مچ و پایش را برای مردی غیر شویش آشکار کند. که اگر چنین کرد، همیشه در لعنت الهی است و فرشتگان او را لعن کرده و عذابی دردناک برایش مهیا می شود.»



## وسعت در مخارج زندگی

خوب خرج کردن هم از جمله رفتار سازنده مرد می باشد. مرد باید با مدیریت صحیح نگذارد خیلی برای خانواده مشکل مالی درست شود مخصوصا اگر دارا است بخل نورزد.

پیامبر اعظم فرمود: از ما نیست کسی که از جهت مال و ثروت در وسعت باشد لیکن بر اهل و عیالش سختگیری کند.

وباز فرمود: عیال مرد اسیران او هستند. پس هر که خدا به او نعمتی داده  
باید مخارج اسیرانش را توسعه دهد والا ممکن است نعمتهایش گرفته  
شود..

امام کاظم ع فرمود: اسراف و سختگیری در خرج نسبت به خانواده هردو  
مکروه هستند.

وامام رضا ع فرمود: سزاوار است مرد در مخارج اهل و عیالش توسعه دهد  
تا منتظر مرگش نباشند. (3)

پیامبر خدا: جوان فاسق سخاوتمند از مومن بخیل بهتر است.

مردان به همسرانشان در کارهای خانه کمک نمایند.

{پیامبر (ص): مردی که به زنش کمک کند پاداش پیامبرانی چون داود و یعقوب و عیسی را به او می دهند و نامش در زمره شهدا نوشته شود و یکساعت کار در منزل پاداش عبادت زیاد را دارد.}

امام صادق علیه السلام فرموده اند:

« کان امیرالمومنین علیه السلام یحتطب و یسقی و یکنس و کانت فاطمة تطحن و تعجن و تخبز »

امیرالمومنین علیه السلام در خانه به کارهای مشکل می پرداخت هیزم جمع آوری می کرد ، آب به منزل می آورد و جارو و نظافت منزل را بعهده داشت و فاطمه زهرا سلام الله علیها گندم را با آسیاب دستی آرد می کرد و خمیر می کرد و نان می پخت.<sup>۱۹۴</sup>

حضرت امام هیچوقت از همسرش کاری را نخواست

علامه طباطبایی همچنین و..

---

<sup>194</sup> بحار ج 43 ص 151 / به نقل از رساله امام سجاد علیه السلام ، شرح نراقی

همسر آیت‌الله مرعشی نقل کرده است که مدت شصت سال با ایشان زندگی کردم و در این مدت هیچ‌گاه نسبت به من با تحکم سخن نگفت و با من رفتاری تند و خشونت‌آمیز نداشت و با تندی با من صحبت و رفتار نکرد. تا آن زمان که قادر به حرکت کردن و انجام کاری بود، نمی‌گذاشت دیگران کاری برایش انجام دهند. حتی هنگامی که تشنه می‌شد، برمی‌خاست و به آشپزخانه می‌رفت و آب می‌آشامید و به من نمی‌گفت. وی غیر از اینکه همسر خوب و مهربان و دوست داشتنی بود، برای من مانند یک رفیق صمیمی و همکاری غم‌خوار نیز بود و در کارهای منزل به من کمک می‌کرد. بسیاری از اوقات در کارهای آشپزخانه از قبیل درست کردن غذا، پاک کردن سبزی و شستن میوه و وسایل آشپزخانه به من کمک می‌کرد و رفتارشان برای تمامی افراد خانه الگو بود.

**مرد و زن اسرار خود را برای هم نگویند**

اگر زن یا شوهر قبل از ازدواج ارتباطاتی داشته اند نباید به دیگران  
بخصوص همسرشان بگویند. چون اعتماد را از بین میبرد.

## زن در کار شوهر دخالت نکند

(گاه مرد نمی تواند بدون اجازه زن با مادر خود ملاقات کند)

بعضی از زنها می گویند شوهر را ادم می کنم!

به شوهر امرونی می کنند.و همین گاه باعث اختلاف و طلاق میشود.

زن باید از شوهر اطاعت کند ولی بر مرد لازم نیست از زن اطاعت نماید.

زن نمی تواند شوهر را سین جین کند. کجا بودی؟ چرا دیر امدی؟ حق نداری فلان جا بری! باید فلان جا بری! نباید پیش خانواده ات بری!

**مرد رفیق باز نباشد و زن را تنها نگذارد دنبال رفیق بازی برو د.**

مرد مسئول همسرش می باشد. مسئول خانواده است. نباید او را تنها بگذارد.

بهترین رفیق شوهر، همسرش می باشد و هرچقدر پیش همسرش باشد ثواب عبادت دارد

## زن همیشه تمکین کند

(بعضی زنها تمکین جنسی نمی کنند و بهانه می آورند مرد پر رو میشود)

«رسول خدا(ص):هر زنیکه شوهر او را برای جماع صدا بزند  
و او تأخیر کند تا اینکه شوهر بخواب رود، پیوسته ملائکه او را لعن  
کنند تا شوهر بیدار شود!»

## نشوز زن

«عوامل نشوز زن که باعث می شود زن از حق نفقه محروم شود:

عدم تمکین از شوهر، ترک نظافت و آرایش خود، بیرون رفتن از  
خانه بدون اجازه شوهر»

«خانمی به زن دیگری گفته بود. ما زنهای فلان محل زیاد به  
شوهرمان رو نمی دهیم! یعنی در بسیاری از مواقع که شوهر نیاز به



زن دارد، زن به بهانه‌ای از این امر دوری می‌نماید و این یکی از علل چشم‌چرانی‌مردهای متأهل است که در منزل اشباع نشده‌اند لذا در خارج از منزل گرسنه و حریص می‌شوند!»

## زن اگر مدرک تحصیلی بالاتری دارد مغرور نشود

گاه زن مدرک تحصیلی بالاتری از شوهرش دارد.نباید این امر باعث

غرور او شود و به شوهرش فخرفروشی کند!

در پرونده اختلاف زن و شوهر،زن فوٹ لیسانس و مرد پنجم ابتدایی

بود.و همین امر باعث اختلاف شده بود. زن به مرد می گفت تو که

باندازه پنجم ابتدایی بیشتر نمی فهمی!

در حالی که زن اگر علامه هم باشد باید از شوهر اطاعت کند.

## زن و مرد اجازه دخالت دیگران را ندهند

از ابتدای زندگی زن و شوهر اجازه دخالت دیگران را ندهند. متأسفانه بسیاری از طلاق‌ها نتیجه دخالت خانواده زن یا مرد در زندگی زن و شوهر است.

اگر باهم جر بحثشان شد نگذارند کسی متوجه شود. اگر باهم قهر کردند مرد در اشتی پیشدستی کند. و اگر اختلافشان عمیق شد داور بیاورند.

## اگر زن و شوهر دچار اختلاف شدند جلسه بدارند

وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا.

یعنی در صورت بروز اختلاف بین زن و مرد باید یک نفر از فامیل مرد و یک نفر از فامیل زن، جلسه بگیرند و اختلاف بین ایندو را حل کنند.

در نزاع و اختلاف‌هایی که بین حفصه همسر پیامبر و پیامبر اکرم(ص) وجود داشت حضرت به او فرمود: آیا می‌خواهی داوری بین ما قضاوت کند؟ و وقتی حفصه به داوری تن داد. حضرت به دنبال عمر بن خطاب(پدر حفصه) فرستاد. هنگامی که عمر وارد شد، پیامبر اکرم(ص) به حفصه فرمود: مطالبت را بگو. حفصه گفت: تو بگو ولی راست بگو. عمر از همین یک حرف ناراحت شد و حفصه را کتک زد و گفت: ای دشمن خدا، پیامبر غیر حق نمی‌گوید. پیامبر اکرم(ص) از کتک کاری عمر جلوگیری کرد، ولی عمر گفت: «سوگند به کسی که او را مبعوث ساخت، اگر مجلس او نبود و او مرا منع نمی‌کرد، آن قدر تو را می‌زدم تا بمیری».<sup>۱۹۵</sup>

به هر حال، وقتی حفصه می‌بیند داور، پدر اوست، که طبیعتاً باید رعایت جانب او را بکند و در آن مجلس نیز پیامبر(ص) از حفصه گله و یا شکایتی نمی‌کند، ولی لحن سخن خود حفصه، آن قدر گزنده است که باعث می‌شود از داور(پدر خودش) کتک بخورد و به دشمنی با خدا متهم شود؛ و باز مهر و محبت پیامبر اکرم(ص) است که او را از دست پدرش

نجات می‌دهد، یا تمام وجود می‌یابد که پیامبر اکرم(ص) بسیار بیشتر از پدر، به او مهربان است و بدی‌های او را تحمل می‌کند و عکس‌العملی نشان نمی‌دهند.

فرهنگ غرب باعث خوشبختی نمیشود

ازادی بی بندوباری در غرب به کانون خانواده ضربه می زند لذا در غرب  
اکثر مردها ازدواج نمی کنند و ازدواج سفید دارند!

در امریکا اکثر زنهای سفید پوست رفیق مرد سیاهپوست دارند و مردهای  
سفید با یک زن سیاه رفیقند!

ولی در کشور ما کانون خانواده مستحکم است زیرا پدران و مادران ما  
حریم هارا رعایت می کردند و بی بندوبار نبودند و فقط به همسر خود  
قناعت می کنند.

**درآمد حلال در خانه مصرف شود.**

نقش غذای حلال در سعادت انسان بسیار مهم است.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ (بقره ، آیه 169)

یعنی ای مردم غذای حلال و پاکیزه زمین را بخورید و از گامهای شیطان پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست .

كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعَثُوا فِي الْأَرْضِ مُمْسِدِينَ (بقره ، آیه 60)

یعنی از روزی خدا بخورید و بنوشید ولی در زمین فساد نکنید .

فلینظر الانسان الى طعامه

تأثیرات امور معنوی غذا خوردن در سلامتی روح و روان

یقیناً غذا در روحيات انسان اثر مثبت و منفی می گذارد . اگر از غذای پاکیزه و حلال و طیب استفاده شود اثر مثبت و اگر از غذای نجس و آلوده و حرام استفاده شود، اثر منفی بر معنویات انسان می گذارد . همچنین روزه گرفتن، با طهارت غذا خوردن، ذکر الهی بر زبان جاری نمودن، به فقرا کمک کردن در سلامتی انسان نقش های کلیدی بازی می نمایند .

خانواده و لقمه حلال

یکی از مهم ترین وظایف سرپرست خانواده این است که لقمه حلال برای خانواده اش بیاورد تا خانواده از غذای سالم بهره مند بشوند. اما اگر اهمیت ندهد و لقمه مشکوک یا حرام بیاورد مانند این است که به خانواده خود شراب خورانده است

و این خیانت به خانواده است. زیرا وقتی خانواده از لقمه حرام خوردند در روح و روان آنها اثر منفی می گذارد که معلوم نیست این اثر منفی را بتوان از بین برد و شاید آثار آن تا آخر عمر دامن گیر خانواده بشود.

### اثار لقمه حلال

1. خوردن لقمه حلال، دل را روشن می کند

بدان ای رونده راه خداوند عزوجلّ که لقمه حلال را خاصیت عظیم است در روشن کردن دل و لقمه حرام را اثری بزرگ است در تاریک کردن دل. پیغمبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «مَنْ أَكَلَ الْحَلَالَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا نَوَّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ وَاجْرَى يَنَابِيعَ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ».

عبادت جوارح، دل را نورانی کند به طریق طلا؛ اما لقمه حلال، دل نورانی کند به طریق نهادن دارو بر موضع بیماری و این مؤثرتر باشد.



2. خوردن لقمه حلال، چشمه های حکمت را جاری می کند

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس چهل روز خوراک حلال بخورد، خداوند قلبش را نورانی کند و چشمه سارهای حکمت را از دل بر زبانش جاری سازد».

عشق و رقت آید از لقمه حلال      علم و حکمت زاید از لقمه حلال

3. خوردن لقمه حلال، انسان را پرهیزکار می کند

در روایتی آمده است: «هر کس چهل روز، خوراک حلال بخورد، خداوند او را پارسای در دنیا قرار دهد».

4. خوردن لقمه حلال، به استجابت دعا کمک می کند

آورده اند که سعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله درخواست کرد تا خدا او را چنان قرار دهد که دعایش به اجابت برسد؛ فرمود: «غذای پاک بخور تا دعایت مستجاب گردد».

از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است: کسی که می خواهد دعایش به اجابت برسد، کسب و کار طعام خود را پاکیزه بدارد و در پاسخ کسی که گفت: دوست دارم دعایم به اجابت برسد. فرمود: معاش خود را پاکیزه بدار و حرام به شکم خود وارد مکن.

از امام صادق علیه السلام روایت است: هر کس میخواهد که دعایش به اجابت برسد، باید طعام و کسب خود را حلال و پاکیزه کند.

از برای دعاکننده آداب و شرایط چند است که باید مراعات آنها را منظور داشته باشد تا فایده دعا را ببیند و دعای او مستجاب گردد و نورانیت دعا در نفس او پیدا شود و از جمله شرایط...، لباس و مکان و غذای او از حلال باشد و این نیز از جمله شرایط عمده است.

5 و 6. خوردن لقمه حلال، حقیقت ایمان را آشکار می کند

یکی از بزرگان می گوید: بنده ای به حقیقتِ ایمان نمی رسد مگر اینکه در او چهار خصلت باشد: واجبات را مطابق سنت انجام دهد و حلال را با پرهیزگاری بخورد و از موارد نهی در ظاهر و باطن دوری کند و تا هنگام مرگ بر اینها پایدار بماند.

و گوید: هر که دوست دارد با آیات صدیقین آشنا شود، نباید جز حلال بخورد و کاری جز مطابق سنت و یا ضرورت انجام دهد.

7. خوردن لقمه حلال، اعضای بدن انسان را فرمانبردار می کند

سهل می گوید: هر که مال حرام بخورد، اعضا و جوارحش بر او نافرمانی کنند، چه بدانند و یا ندانند، عملی انجام دهد و هر که خوراکش از راه حلال باشد، جوارح او فرمان ببرند و موفق به انجام کارهای نیک شود.

8. خوردن لقمه حلال، آمرزش گناهان را به دنبال دارد

گویند: نخستین لقمه کوچکی که بنده ای از مال حلال می خورد، خداوند گناهان او را می آمرزد و هر که خود را در راه به دست آوردن حلال به ذلت و خواری بیندازد، گناهانش همانند ریزش برگ درخت فرو ریزد

### نقش خمس در درآمد حلال

هر کسی که درآمد پیدا می کند بعد از یکسال که گذشت باید خمس مال خود راپردازد. یعنی اگر سر سال، پولی اضافه داشت یک پنجم آن را بدهد. اذوقه منزل را حساب کند و یک پنجم بدهد. تا بدینوسیله مالش حلال شود.

اگر انسان خمس بدهد مالش از ضرر و زیان حفظ میشود و برعکس اگر ندهد دچار ضرر و خسارت میشود علاوه بر اینکه مالش حلال نیست و آثار بدی روی خانواده او می گذارد.

گاهی شده خانمی دست شوهرش را گرفته و نزد ما می آورد و می گوید خمس ایشان را حساب کنید!

زن از شوهرش اطاعت کند و مرد را سرپرست خانواده بداند

چه کسی سرپرست خانواده است؟

اسلام مرد را رئیس و سرپرست خانواده می‌داند و وظیفه او را رفع

احتیاجات خانواده و اداره امور مختلف منزل دانسته و اطاعت از

دستورات او را (اگر بر خلاف دستورات خدا و رسول او نباشد) از طرف

اعضای خانواده، لازم می‌داند .

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ

أَمْوَالِهِمْ» . (نساء 34)

مردان سرپرستی و کارگذاری زنان را برعهده دارند، بخاطر برتری که خداوند بعضی (مردان) را بر بعضی (زنان) داده است، و به خاطر نفقهای که از اموالشان می‌پردازند .

«پیغمبر صلی‌الله علیه و آله فرمود: اگر زن از خانه خارج شود در حالی که شوهرش از او ناراضی باشد، تمام فرشتگان او را لعنت می‌کنند تا زمانی که به خانه برگردد» .

خارج نشدن از خانه بدون اجازه شوهر:

«امام صادق علیه السلام فرمود: در عهد رسول‌خدا صلی‌الله علیه و آله ، مردی از انصار قصد مسافرت داشت، هنگام خارج شدن از خانه به همسرش گفت: تا من برنگشتم از خانه بیرون نرو، چندی بعد، پدر زن بیمار شد . این زن شخصی را خدمت پیامبر صلی‌الله علیه و آله فرستاد که شوهرم گفته از خانه خارج نشو ولی اکنون پدرم بیمار شده است . می‌توانم به عیادت او بروم؟ حضرت جواب فرمود که در خانه بمان و از شویت اطاعت کن ! چند روز بعد خبر رحلت پدرش را به او دادند . باز به پیامبر صلی‌الله علیه و آله پیغام داد که آیا می‌توانم بر جنازه پدرم

حاضر شوم؟ حضرت جواب داد که در خانه بمان و از شویت اطاعت کن !

تا اینکه پدرش را بخاک سپردند . وقتی شوهر از سفر آمد با زنش نزد

پیامبر رفت . پیامبر صلی الله علیه وآله به زن بشارت داد که در مقابل

اطاعت تو از شوهرت، خداوند سبحان تو و پدرت را آمرزید .» (1)

و در سخن دیگر فرمود: اگر شوهر از زنش ناراضی باشد، عبادت‌هایش

قبول نمی‌شود تا زمانی که شوهر از او راضی شود . (6)

به امام کاظم علی‌ه‌السلام گفته شد: مردی به زنش می‌گوید که اختیار تو

با خودت است ! آیا این حرف صحیح است؟ امام فرمود: خیر این

حرف باطل است . زیرا خداوند سبحان این حق را برای مرد قرار داده

است و کسی نمی‌تواند این حق را از مرد بگیرد .

سپس امام آیه (الرجال قوامون على النساء ...) را تلاوت فرمودند .

رسول خدا صلی الله علیه وآله : بیشترین کسی که بر زن حق دارد،

شوهرش است و بیشترین کسی که بر مرد حق دارد، مادرش است

البته مرد هم دیکتاتور نباشد و کمال همکاری با زنش داشته باشد.

همچنین زن در مستحبات و مکروهات و مباحات از شوهر اطاعت کند  
ولی در واجبات و محرمات باید از خدا اطاعت نماید.

اگر شوهر گفت نماز نخوان! نباید گوش بش بدهد. اگر شوهر گفت جلو  
رفقام روسری سرت نکن. زن نباید گوش بدهد.

اگر شوهر گفت شراب بخور! زن نباید به حرفش گوش بدهد.

گوشی هم را چک نکنند و بهم اعتماد داشته باشند.

حرام است شوهر سر گوشی زنش برود و برعکس.

قران گفته ولاتجسسوا. در کار هم تجسس نکنید. و عمل به این ایه به نفع همه است

خانمی می گفت با شوهرم زندگی خوبی داشتیم. یه روز لب تابش رو بررسی کردم و چندتا فیلم بد دیدم. از اون موقع دیگه ارامش از من رفته است!

اری اگر زن سر لب تاب نمی رفت همچنان ارامش داشت.

**زن و شوهر، عیوب هم را بپوشانند (هن لباس لکم و انتم لباس لهن)**

قران زن و شوهر را لباس هم می داند. لباس، زینت است و عیب هارامی پوشاند.

زن و شوهر باید عیب های هم را بپوشانند. اگر مرد نبود و خانواده زن آمدند و از دخترشان پرسیدند شوهرت چه جور آدمی است؟ زن باید خوبی های شوهرش را بگوید.



و برعکس اگر زن بیرون رفته بود و خانواده مرد آمدند و از او پرسیدند  
عروسمون چه جوریه؟ مرد باید ازش تعریف کنه.

### نماز نقش مهمی در استحکام خانواده دارد

زنی به امام صادق علیه السلام گفت شوهرم مرا دوست ندارد. امام فرمود  
نماز شب بخوان. او رفت و بعد از مدتی آمد و گفت نماز شب می خوانم و  
شوهرم به من علاقه مند شده است

جوانی نزد صاحب کرامت مرحوم نخودکی آمد و گفت سه تا قفل

دارم

از زندانی بازدید کردیم اقایی با دوپسرش در زندان بود و خانمش هم در زندان زنان زندانی بود. اگر اهل نماز بودند کارشان به زندان نمی رسید.

### زن و شوهر بهم وفادار باشند

اقای عدالت و بیست سال پرستاری از همسرش:

یکی از دوستان بنام آقای عدالت همسرش سرطان داشت. ایشان بیست سال با این خانم بیمار ساخت و حتی پوشک او رو عوض می کرد و صبوری کرد. بعد از اینکه همسرش مرحوم شد ازدواج مجدد کرد. افرین به این مرد وفادار.

ولی برخی از زنها و مردها تا همسرشان بیمار صعب العلاج پیدا می کند  
او را رها می کنند و سراغ دیگری می روند! کار بسیار بدی است.  
یا اینکه با وجود داشتن همسر با فرد دیگری رابطه نامشروع برقرار می  
کنند!

چهار چیز کمر شکن.. پیامبر اکرم (ص) در سفارشی به امام علی  
(ع) میفرمایند: «ای علی! چهار چیز کمر شکن هستند... و زنی که شوهرش  
از او نگهداری میکند ولی او به شوهرش خیانت میکند.

درمغازه ای رفتم گفت یه سوال دارم. زنی که همسر و دختر و پسر و  
عروس و داماد دارد بدون هیچ علتی از شوهر جدا میشود. چرا؟  
همچنین راننده تاکسی می گفت دامادم خوب بود یه دفعه غیبش زد و  
زن و بچه اش را رها کرد! (پای زنی در میان بوده)

## وظایف خانواده



## محمد تقی صرفی پور



## وظایف مادر نمونه نسبت به فرزندان

پدر و مادر وظایفی به عهده دارند. ابتدا وظایف مادر را ذکر می‌نماییم. اهم این مسئولیت بشرح زیر است:

1- انعقاد نطفه در وقتهایی که نیکو است.

2- هنگام آمیزش با طهارت بوده و مسائل سفارش شده در باره آمیزش را رعایت نماید

«امام صادق علیه السلام: در خانه‌ای که طفلی وجود دارد، با همسر خود مقاربت نکنید، که آن طفل زناکار می‌شود و یا فرزندیکه بدنیامی‌آید، زناکار می‌شود.»<sup>۱۹۶</sup>

3- در ایام بارداری بر رعایت طهارت و عبادت مداومت نماید.

«شیخ مرتضی انصاری، یکی از فقها و دانشمندان بزرگ شیعه است. وقتی پس از سالها تحصیل و کوشش به مقام اجتهاد و زعامت نائل آمد، مردم به مادر شیخ تبریک گفتند که فرزندت به مقام اجتهاد و مرجعیت رسیده است.

آن مادر گفت: زحمتی که من در تربیت فرزندم کشیدم، اگر به مقام پیامبری هم می رسید، تعجب نمی کردم، چه رسد به مقام اجتهاد!

مردم از شنیدن این سخن تعجب کرده و گفتند: مگر در تربیت فرزندت چه کرده ای که دیگران نکرده اند؟

مادر شیخ پاسخ داد: بیان زحماتی که من در تربیت او کشیده ام، از حوصله شما بیرون است ولی به عنوان نمونه می گویم که هیچ گاه بدون طهارت و وضو پستان به دهانش نگذاشتم.

وقتی مادر شیخ رحلت کرد، دیدند که شیخ بر بالین مادر، زار زار می گریه. یکی از شاگردان در مقام دلجوئی

گفت: جناب استاد! شما با این مقام علمی که دارید شایسته نیست  
بر بالین پیرزنی این گونه اشگ بریزید!

شیخ در پاسخ او فرمود: شما هنوز به مقام والای مادر  
پی نبرده‌اید! تربیت صحیح و زحمات فراوان مادر بود که مرا به  
اینجا رسانید!»<sup>۱۹۷</sup>

#### 4- در ایام بارداری از دعوا و درگیری و جوش و خروش بپرهیزد.

روانشناسان گفته‌اند که آرامش مادر در دوران بارداری به  
آرام بودن اعصاب فرزند کمک شایان می‌کند و مادرانیکه در  
دوران حاملگی درگیری فکری و آشوبهای ذهنی دارند، فرزندان  
عصبانی و اهل خشونت و دعوا بدنی می‌آورند.

#### 5- در ایام بارداری و در دوران شیرخوارگی نوزاد، از لقمه حرام و از استعمال مواد مخدر و مشروبات الکلی دوری کند.

«زنی در حالیکه کودک فلج و ناقص و کوری در آغوش داشت، نزد رسول خدا آمد، و گفت: ای پیامبر خدا! مگر نمی‌گویید که خدا عادل است و به کسی ظلم نمی‌کند؟

فرمود: آری.

زن گفت: اَمّا خدا به من ظلم کرده و چنین کودکی به من داده است!

پیامبر لحظه‌ای درنگ نمود و سپس فرمود: آیا شوهرت هنگام آمیزش باتو، شراب خورده بود؟

زن پاسخ داد: آری!

حضرت فرمود: پس جز خودت، کسی دیگر را سرزنش نکن! ۱۹۸

6- در ایام بارداری از معاشرت زیاد با مردم دوری کند و بیشتر با شوهرش باشد.



ثابت شده است که اگر زن در دوران بارداری بیشتر به شوهرش نگاه کند و با او باشد، کودک شکل و شمایل پدرش را بخود می گیرد.

7- بعد از تولد علاوه بر گفتن اذان و اقامه در گوش کودک، و دادن عقیقه کودک، در هنگام شیردادن به نوزاد حتی المقدور با طهارت باشد.

«وقتی به امام سجاد علیه السلام تولد کودکی را بشارت می دادند. از پسر یا دختر بودنش نمی پرسد. بلکه سؤال می کرد: آیا سالم است؟ اگر می گفتند آری.

آنگاه می فرمود: الحمد لله الذی لم یخلق منی شیئاً مشوها: شکر خدایی را که از من فرزند معیوبی متولد نمود.»<sup>۱۹۹</sup>

«امام ششم علیه السلام: عقیقه نوزاد بر ثروتمند و فقیر واجب است و فقیر اگر نتوانست، چنانچه بعدها برایش مقدور شد، عقیقه کند.»<sup>۲۰۰</sup>

«از امام ششم راجع به عقیقه سؤال شد. فرمود: گوسفند یا گاو یا شتر برای او قربانی کنند و بعد از عقیقه، بر کودک نام گذارند و روز هفتم سر او را بتراشند و به وزن مویش، طلا یا نقره صدقه دهند و اگر پسر است حیوان نر و اگر دختر است، حیوان ماده قربانی کنند.»<sup>۲۰۱</sup>

«امام ششم علیه السلام: هر کودکی در گرو عقیقه است. و عقیقه از قربانی واجب تر است.»<sup>۲۰۲</sup>

«عمر بن بزید می گوید: در سن پیری بودم که به امام صادق علیه السلام عرض کردم که: بخدا سوگند! نمی دانم که وقتی متولد شدم، پدرم برایم عقیقه کرد یا خیر؟ امام فرمود: الان برو و برای خودت عقیقه کن! من هم در سن پیری برای خود عقیقه نمودم.»<sup>۲۰۳</sup>

«امام ششم علیه السلام: مادر از عقیقه فرزندش نخورد.»

---

<sup>200</sup> حلیه المتقین

<sup>201</sup> همان

<sup>202</sup> همان

<sup>203</sup> همان

«یکی از بزرگان نقل می‌کند: چند روز قبل از شهادت» شیخ  
فضل الله نوری«در زندان با او ملاقات نمودم. به ایشان عرض کردم  
که پسر شما خیلی لاابالی است و بر ضدّ شما کار می‌کند.

شیخ شهید فرمود:

این موضوع را از قبل می‌دانستم. وافزود: این پسر در نجف  
بدنیا آمد و مادرش شیر نداشت. از این رو، مجبور شدیم که برای  
شیردان او زنی را پیدا کنیم. زنی پیدا شد و این کودک مدت زیادی  
از شیر آن زن تغذیه کرد. اما ناگهان فهمیدیم که آن زن بسیار  
لاابالی و بی عفت است و کینه‌علیه السلام را به دل دارد.

از همان وقت دریافتیم که سعادت مند شدن این پسر، کاری بسیار  
مشکل است! ۲۰۴

8- در اسم گذاری فرزند از نامهایی که اسلام سفارش کرده است  
استفاده نماید.

«رسول خدا(ص): کسیکه خداوند به او چهار پسر بدهد  
و نام مرا بر یکی از آنها نگذارد، بر من ظلم کرده است.»<sup>۲۰۵</sup>

مسئول فرهنگی سفارت ایران در نروژ:

وقتی رهبر کمونیست نروژ مسلمان شد، بعد از مدتی «آنا بریت  
«همسرایشان با من تماس گرفت و گفت: می‌خواهم مسلمان شوم.

من شگفت زده شدم و خدا را سپاس گفتم. آنابریت  
گفت: من چادر می‌خواهم!

گفتم: پوشیده بودن کافی است. چرا چادر می‌خواهی؟ (چرا  
که ترسیدم با جوی که در آن جا علیه چادر بود توان تحمل این  
سختی‌ها را نداشته باشد.)

اما او باز هم تأکید کرد:

می‌خواهم با لباس رزم زنان ایرانی که الگو و سمبل  
من بوده‌اند شهادتین را بگویم.

به او گفتم: چه اسمی را انتخاب کرده‌اید؟

گفت: زینب.

گفتم چرا؟

گفت تحقیق کرده‌ام دیدم حضرت زینب-سلام الله علیها-

زن صبور، مقاوم و کاملی بوده است.»<sup>۲۰۶</sup>

9- کودکی را با خود به مساجد و مجالس سوگواری امام حسین علیه

السلام و دیگر مجالس مذهبی ببرد.

کودکانی که در زیارتگاهها و مراسم موالید و عزاداری اهل

بیت علیه السلام و مساجد حضور می‌یابند، از برکات این مجالس

مستفیض خواهند شد و علاقه به اهل بیت علیه السلام در وجود

آنها ریشه پیدا می‌کند و گاه آثار مثبت مهمی در زندگی آنها بجا

می‌گذارد.

«حضرت زهرا(س) برای اینکه فرزندانش در شبهای احیاء خوابشان نبرد، روز قبل آنها را می خواباندند و همچنین موقع احیاء اگر فرزندی خوابش می برد، آب به صورتش می زدند. تا از فیض شب قدر بی بهره نمانند.»<sup>۲۰۷</sup>

(امام باقر علیه السلام بعد از نماز صبح نمی گذاشتند نوجوانان بخوابند بلکه اگر قرآن بلد بودند می فرمودند قرآن بخوانند و هر که بلد نبود می فرمودند ذکر بگویند. و این تا طلوع آفتاب ادامه داشت)<sup>۲۰۸</sup>

همسر امام خمینی(ره) نقل می کند که امام از هفت سالگی در تربیت دینی دقت داشتند و می گفتند: «بچه ها از هفت سالگی نماز بخوانند. بچه ها را وادار به نماز کن، تا وقتی نه ساله شدند، عادت کرده باشند»<sup>۲۰۹</sup>

گاهی متأسفانه رفتار و برخوردهای دور از انتظار مؤمنان نسبت به کودکانی که با اشتیاق برای نماز جماعت به مسجد آمدند، موجب

---

...%برترین 20%اعمال 20%در 20%شب 20%قدر 20%چه 20%عملی/.../ [ganjineh.valiasr-aj.com/](http://ganjineh.valiasr-aj.com/)

207

208 خانواده نمونه

209. سیدروح الله خمینی، امام در سنگر نماز، دفتر 7، ص 104

سر خوردگی و شاید انحراف کودک از مسیر دین و خواندن نماز شود.  
شخصی می گوید:

در کوچکی همیشه سعی می کردم نماز خود را در مسجد بخوانم. روزی در حال نماز متوجه شدم پیرمردی مراقب من است. نمازم که به پایان رسید، پیرمرد به من گفت نمازت درست نیست و سپس با سخنان نیشدار خود مرا ملامت کرد. من غرق در سکوت بودم؛ هرگاه می خواستم از او پرسم کجای نماز من اشتباه است، اجازه نمی داد و پیوسته می گفت نمازت درست نیست و امثال تو حق ندارند به مسجد بیایند. از آن به بعد تصمیم گرفتم دیگر به مسجد نروم و در منزل هم نماز نخوانم؛ این نخستین قدم برای ترک کامل نماز و انحرافم از طریق اسلام بود.<sup>۲۱۰</sup>

فرزند امام نقل می کند:

وقتی خواهر کوچکم به سن تکلیف (۹ سالگی) رسید، امام فرمودند: امسال دیگر باید روزه بگیری! اتفاقاً، ماه رمضان آن سال خیلی گرم بود. نداشتن کولر، کمبود آب و ضعف جسمانی خواهرم، باعث شد که روزه اول ماه مبارک را به سختی تحمل کند. این بود که شب، پس از افطار گفت: من فردا دیگر نمی توانم روزه بگیرم. آقا همان شب، ترتیب

---

<sup>210</sup> علی نقی فقیهی، نسیوه‌هی ترغیب و جذب به نماز، ص 81

مسافرت او را به تهران دادند. یعنی به مادرم که بچه کوچک هم داشتند، فرمودند: «بچه‌ها را بردارید و مدتی را به تهران، منزل فلانی - یکی از بستگان - باشید» بعدها به من گفتند: نخواستم در نظر او، قبح  
!روزه‌خواری از بین برود<sup>۲۱۱</sup>

### 10- خود نماز بخواند و فرزندش را هم به نماز سفارش کند.

از امام محمد باقر(ع) شنیدم که فرمود

وقتی کودک به سن سه سالگی رسید، از او بخواهید هفت بار «لا اله الا الله» بگوید. سپس او را به حال خود واگذارید تا به سن سه سال و هفت ماه و بیست روز برسد؛ در این هنگام به او آموزش دهید که هفت بار «محمد رسول الله» بگوید. سپس تا چهار سالگی او را آزاد بگذارید؛ آن‌گاه از وی بخواهید که هفت مرتبه «صلی الله علی محمد و آله» را تکرار نماید و سپس تا پنج سالگی او را رها کنید؛ در این وقت اگر کودک دست راست و چپ خود را تشخیص داد، او را در برابر قبله قرار دهید و سجده را به او بیاموزید و در سن شش سالگی رکوع و سجود را به او آموزش دهید. سپس رهایش کنید تا هفت سال او تمام شود. پس وقتی هفت سال او



تمام شد، به او بگویید صورت و دست خود را بشوید (آمادگی برای وضو). سپس به او بگویید نماز بخواند؛ آن گاه کودک را به حال خود واگذارید تا نه سال او تمام شود، وقتی تمام شد، در این هنگام وضو گرفتن صحیح را به او بیاموزید و بر (ترک) آن تنبیه گردد و او را به نماز وادارید و بر (ترک) آن تنبیه گردد. وقتی وضو و نماز را فراگرفت، خداوند، او و پدر و مادرش را می آمرزد؛ ان شاء الله<sup>۲۱۲</sup>

«رسول خدا(ص): نخستین چیزی که در قیامت از زن می پرسند، نماز است و سپس درباره شوهرش (اگر ازدواج کرده بوده) که چگونه باشوهرش رفتار می نموده است.»<sup>۲۱۳</sup>

**11- اگر فرزند دختر است، اهمیت حجاب را در مناسبت های مختلف به او گوشزد نماید و نگذارد که با لباس نامناسب در کوچه و خیابان ظاهر شود.**

حجاب دختر تا اندازه زیادی به حجاب مادر و طرز فکر و تقید مادر به حجاب بر می گردد. چه بسا مادرانی که خود حجابی دارند ولی از

---

<sup>212</sup> محمد بن حسن حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ج 21، ص 474، ح 27620  
زن... [www.sibtayn.com/fa/index.php?option=com\\_content&view...id...](http://www.sibtayn.com/fa/index.php?option=com_content&view...id...)

کودکی دختران خود را همچون عروسک!زینت و آرایش نموده وباخود در کوی وبرزن ومجالس عروسی ومهمانی‌ها به نمایش می‌گذارند اما نمی‌دانند که چگونه دختر خود را از راه عفت وحیا دور کرده واورا به انحرافات سوق می‌دهند.

### دلایل حجاب زن

آیهٔ اول: «ای پیامبر! به زنان با ایمان بگو: چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند و دامن خویش را حفظ کنند وزینت خود را جز آن مقدار که نمایان است، آشکار ننمایند و اطراف روسرس‌های خود را بر سینه خود افکنند) تا گردن وسینه با آن پوشانده شود)...» نور 31

آیهٔ دوم: «ای زنهای پیغمبر! شما مثل افراد عادی نیستید. بایستی مراتب تقوی وپارسایی را کاملاً رعایت نموده وبدون کم وزیاد، تمام دستورات خدا را عملی کنید. بنابراین اگر واقعاً شماها پرهیزکار وخدا ترسید، پس در گفتار تان نرمی وفروتنی نکنید و صدای خود را نازک ننمائید تا اشخاصی که دلشان مریض است

واسیر دست شهوتند، از صدای نرم و نازک شما تحریک نشده  
و میل و طمع به شما نکنند و در وقت لزوم باید طوری بادرشتی  
و خشونت صحبت کنید که پسند خدا و رسول بوده و موجب فتنه  
و لغزش و میل و تحریک مردم نشود. و باید در خانه های خود قرار  
گیرید و زینتهای خود را اظهار نکنید همانطور که کافران  
پیشین خود را به نمایش می گذاشتند و نماز را برپا دارید و زکات  
بدهید و از خدا و رسول اطاعت نمائید.» 32 احزاب

آیه سوم: «وقتی از زنهای پیغمبر چیزی می طلبید از پشت پرده  
از ایشان بخواهید. این طور برای دلهای شما و دلهای آنها پاک  
تر است» 53 احزاب

آیه چهارم: «ای پیغمبر! به زنان و دختران خود و زنهای مؤمنین بگو  
که جلباب (چادر) بر سر خود بپوشانند که این پوشش در فرق  
زنهای خوب از زنهای نازیب، نزدیکتر و مؤثرتر است و باعث  
میشود زنهای مؤمنه توسط افراد فاسد اذیت نشوند و نسبت به  
گذشته ها چون قصد سوئی نداشته اند یا چون توبه کنند، خداوند

بخشاینده و مهربان است. و اگر منافقین و آنهایی که در دلشان مرض است و آنهایی که حرفهای مضر در بین مردم اشاعه میدهند از این اعمال دست نکشند، تورا بر آنها مسلط می کنیم که بر آنها فشار بیاوری بطوریکه نتوانند در مدینه در همسایگی تو بمانند مگر زمان اندکی. در حالی که اینها ملعونند و دستور است که هر کجا اینها یافت شوند، آنها را بگیرند و به خوارترین و سخت ترین وجهی بکشند. سنت الهی در مورد اهل نفاق، در هر عصری همین بوده و خواهد بود و به هیچ وجه ممکن، این آیین در مورد اینها تغییر نمی یابد.»

«از جمله بیعتهایی که پیامبر(ص) از زنان گرفت این بود که در خلوت با مردان مسافرت و نشست و برخاست نکنند.»<sup>۲۱۴</sup>

## 12- برای آموزش قرآن به فرزندش برنامه ریزی کند.

از برکات نظام جمهوری اسلامی ایران این است که صدها کودک حافظ کل قرآن و هزاران نوجوان آشنا به قرآن تربیت

کرده است. مادر باید در مورد تعلیم قرآن به فرزندش همواره تأکید وجدیت داشته باشد همانطور که در مورد لباس و غذای کودکش توجه دارد.

«پیامبر(ص): هر که در کودکی قرآن بخواند، به حکمت دست یافته است.»<sup>۲۱۵</sup>

**13- در ایام نوجوانی نظارت کامل بر معاشرت فرزندش داشته باشد.**

«فرمانده نیروی انتظامی: 75 درصد انحرافات نوجوانان در بین راه مدرسه تا خانه رخ می دهد.»

متأسفانه جوانانی هستند که بوسیله سی دی ای فاسد و مجالس و دوستان فاسد، به فساد اخلاق مبتلا شده و در کمین نوجوانان معصوم و بی اطلاع هستند تا آنان را شکار کنند. لذا به مادران و پدران باید هشدار داد که تا زمانی که نوجوان به رشد عقلی بالایی نرسیده نظارت کامل و صد درصد بر معاشرت

فرزندانشان اعم از دختر و پسر نموده ولحظه‌ای از آنان غافل نباشند. حاضر نشوند شبی به بهنه دوست و رفیق در خارج از خانه بمانند و یا با دوستان به مسافرت بروند و خلاصه دور از دید والدین دلسوز خود باشند. همانطور که باغبان مدت‌ها زحمت می‌کشد تا گل‌هایش به ثمر برسند والدین باید از راحتی خود چشم‌پوشند و مواظب روحیات فرزندانشان باشند.

**14- به فرزندان محبت کند تا گول محبت‌های ظاهری دیگران را نخورند. ولی در محبت زیاده روی نکند!**

«رسول خدا(ص): کسیکه فرزندش را ببوسد یک حسنه دارد و اگر او را خوشحال کند، روز قیامت خدا او را خوشحال می‌کند و کسیکه به فرزندش قرآن بیاموزد، روز قیامت پدر و مادر کودک را ندا نموده و دو حله بهشتی از نور، برتن آنان می‌نمایند که از نورش صورت اهل محشر روشن می‌شود.»<sup>۲۱۶</sup>

«رسول خدا(ص): فرزند صالح گلی از گل‌های بهشت است.»

«رسول خدا(ص): کسیکه خدا به او دختری بدهد و او را اذیت نکند و او را کوچک نشمارد و فرزندان پسر را بر او ترجیح ندهد، خدا بخاطر همین دختر، او را به بهشت می برد.»<sup>۲۱۷</sup>

اگر چه اکثر مادران به فرزندان شان محبت دارند و کم هستند مادرانی که بخاطر لذات نامشروع، فرزندان شان را مورد آزار و اذیت قرار می دهند ولی باید این محبت متعادل باشد و اگر از حد خود خارج شد، عواقب سوئی ایجاد می نماید. محبت ها و تنبیه ها و تشویق ها باید عادلانه باشد و از حد خود تجاوز ننماید و الا آثار خطرناکی بر روحیات فرزند وارد می کند. به نامه یک فرزند بزهکار که از بازداشتگاه برای مادرش ارسال نموده توجه کنید:

«این نامه ای است که یک پسر بزهکار از زندان برای مادرش نوشته است:

مادر! امروز هنگامی که با دو نفر از دوستانم در یکی از خانه های نارمک تهران سرگرم دزدی ااث خانه ای بودیم، توسط

پلیس دستگیر شدیم و چون برای بار دوم می خواهند مرا به جرم دزدی به زندان ببرند، می خواهم امشب از این گوشه بازداشتگاه با تو درد دل کنم و بگویم:

تو گناهکاری! تو باعث تمام بدبختی های من هستی! تو خیلی مرا دوست داشتی و همین محبت کورکورانه مرا به روز سیاه نشاند. آن روز که پدرم به این خاطر که دست در جیبش کرده بودم، می خواست مرا تنبیه کند ولی تو جلو دویدی و نگذاشتی که او مرا تنبیه کند و گفتی: این پسر کوچولوی من است! و هر دفعه این صحنه تکرار شد!

مادر! من شبها دیر به خانه می آمدم، اما تو چیزی از من نمی پرسیدی، حتی این موضوع را از پدرم پنهان می کردی! تو مرا از معاشرت با جوانان هرزه منع نکردی و حتی وقتی فهمیدی که من دزدی می کنم، مانع من نشدی و فقط گفتی: کاری نکن که پدرت بفهمد!



مادر! من تورا می‌بخشم، اما آنچه در حق من کردی، در باره برادر  
کوچکم نکن!<sup>۲۱۸</sup>

آثار سوء بی توجهی والدین در تربیت فرزندان‌شان را باید  
در کوچه و بازار و در بدحجابی و لنگاری دختران و در پوشیدن  
لباس‌های غربی پسران و در ایجاد مزاحمت‌های خیابانی برای دختران  
و در زندان‌ها و آمارهای دزدی و قتل و تشکیل باندهای مخوف  
و باندهای فساد اخلاق به وضوح مشاهده نمود! که گاهی پدر و مادر  
یک جوان قاتل انگشت به دهان می‌گیرند که چرا این جور  
شد؟؟ چگونه فرزند ما مرتکب این قتل و جنایت شد؟؟ در حالی که  
عامل اصلی جرم‌های جوانان والدین هستند. آنها در تربیت  
فرزندشان کوتاهی کردند. و باید خودشان را سرزنش نمایند.

15- خود را مستگو و متواضع و سخاوتمند و عقیف و با  
حجاب و شوهردار و طالب علم و امانت‌دار و اهل صله رحم  
و... باشد تا فرزندانش نیز این چنین باشند.

«وقتی در قم، مادر سه شهید در تشییع فرزند سومش حاضر شده بود، در میان بانوان و در مقابل جنازهٔ فرزند شهیدش، ایستاد و سخنرانی کرد. نخست خطاب به جنازه، این بیت را خواند:

بشکست اگر دل من بفدای چشم مستت سرِ خُم می سلامت، شکند  
اگر سبویی یعنی: امام به سلامت باشند، دل شکسته ام به فدای  
چشمهای تو.

بعد چنین گفت:

پسرم! نور دیده ام... سومین پسرم بودی که تو را نثار راه  
قرآن نمودم. امروز، نخستین روز بهار به دیدار گل ارغوانی و پرپر  
آمده ام، پیکر دو برادر شهیدت را سال قبل دیدم، برای دیدار پیکر  
تو، نخست اجازه نمی دادند، ولی وقتی دیدند، صبر و استقامت من  
خوب است، اجازه دادند، من وقتی پیکر تو را دیدم، از ته دل  
خشنود شدم که (به دلخواه من شهید شدی) زیرا دلم می خواست  
تو در راه خدا قطعه قطعه شوی و چنین شد.

سپس این بانوی شجاع دستهایش را بطرف آسمان بلند کرد  
و چنین گفت: خدایا! تورا شکر و سپاس می گویم که فرزندم در این  
آزمایش الهی، این گونه، سرافراز و پیروز و روسفید، بیرون  
آمد...»<sup>۲۱۹</sup>

### 16- آئین شوهرداری را به دخترانش آموزش دهد.

مادر باید شوهر داری را به دخترانش یاد دهد تا آنها با  
استفاده از تجربیات چند ساله او زندگی موفق داشته باشند.  
«وقتی قرار شد که ایاس دختر عوف به خانه شوهر  
برود، مادرش او را این چنین نصیحت کرد:

دخترم! تو از خانه ای که با آن انس گرفته ای به خانه ای  
ناآشنای روی. پس در برابر همسرت فروتن باش تا با او  
انس بگیری. و برای اینکه پشتیبان و کمک کار داشته باشی به این  
اندرزها عمل نما!

اهل قناعت باش. دستوره‌ای همسرت را بشنو و انجام بده. در برابرش خود را آراسته کن تا وقتی بتو نگاه می‌کند ناراحت نشود. خود را معطر کن تا بوی تو برایش بهترین بو باشد. هنگام گرسنگی از او با غذا پذیرائی کن زیرا در هنگام گرسنگی انسان در هیجان و ناراحتی است. هنگام استراحت او را یاری کن زیرا ممکن است از بی‌خوابی خشمگین شود. در نبودنش از مالش نگه داری کن. در کارها به او کمک نما. اسرار او را فاش نکن و گرنه مطمئن باش که در امان نخواهی بود. هنگام ناراحتی او نخند و هنگام خوشحالی او ناراحت نباش.»<sup>۲۲۰</sup>

17- اگر خواستگار مؤمن و خوش اخلاقی برای دخترش آمد، مانع تراشی نکند.

طبق آمار در حال حاضر بیش از ده میلیون میلیون دختر شوهر نکرده و پسر مجرد در ایران زندگی می‌کنند. و همین آمار درباره پسران مجرد نیز صدق می‌نماید. راستی با وجود غریزه جنسی در جوانان و وجود همسران هم‌شأن چرا باید این جوانان

مجرد زندگی بکنند و گرفتار آثار سوء مجرد بودن باشند؟ آیا غیر از رسم و رسومات غیر اسلامی و غیر واقعی، مانع دیگری است؟ مهریه‌های بالا! خرج‌های سنگین! بهانه‌های مختلف! که متأسفانه به خانواده‌های متدین و مذهبی هم سرایت کرده است و حتماً باید در تالارها و هتل‌های گران قیمت مراسم را برگزار نمایند. ولی اسلام عزیز این رسومات را قبول ندارد.

«امام رضا علیه السلام: اگر مؤمنی به خواستگاری دختری برود و پانصد درهم جهت مهر پیشنهاد کند ولی آنان بیشتر بخواهند و این مقدار را نپذیرفته به او دختر ندهند، بر او ستم کرده و خداوند پدر آن خانواده را از حورالعین محروم می‌کند»<sup>۲۲۱</sup>

و پیامبر (ص) فرمود: اگر کسی که از دین و اخلاقش راضی هستید به خواستگاری بیاید و دختر ندهید، فساد بزرگی پدید می‌آید!»<sup>۲۲۲</sup>

**18- فرزندان‌ش را به ازدواج هم‌شان خودشان دریاورد.**

«دختر و پسر از خانواده متدین باید با هم شأن خود ازدواج کنند و دختر و پسر از خانواده بی اعتنا به دین نیز همچنین.»

«والطیبات للطیبین والخیثات للخیثین» نور 26

دختر پاک و مؤمن برای پسر پاک و مؤمن و دختر ناپاک و بی دین برای پسر ناپاک و بی دین لایق هستند.»

19- دخترش را به فاسق و فاجر و شرابخوار شوهر ندهد!

مادر نباید گول عناوین و ظواهر و پول و ثروت داماد و خانواده اش را بخورد و بدون توجه به رعایت مسائل اخلاقی از طرف داماد، دخترش را به خانه آلوده بفرستد.

«دختری بعد از دوماه عروسی به خانه پدر برگشت و اعلام کرد که متوجه شده شوهرش معتاد است و او بزور طلاهایش را گرفته و فروخته است. و با گریه می گفت که بعد از دوماه بیوه شدم!»

اگر علت این مسئله بررسی شود مشخص می‌شود که متأسفانه پدر و مادر دختر در هنگام خواستگاری داماد! بفکر نماز و تدین داماد نبودند و فقط چشم به ظواهر زندگی او و قدرت مالی و قیافه ظاهری او داشته‌اند

لذا باید تاوان سنگینی را برای این بی توجهی بپردازند!

«پیامبر(ص): کسیکه دخترش را به بی دین شوهر بدهد، روزی هزار بار لعنت بر او نازل می‌شود.»<sup>۲۲۳</sup>

«امام رضا علیه السلام: اگر دختر به شرابخوار بدهید، گویا او را به زنا واداشته‌اید!»<sup>۲۲۴</sup>

و...

تاکنون از بایدهایی که در زنان و مادران باشد، سخن گفته شد، حال بپردازیم به این که زنان چه وظیفه‌ای در مقابل

شوهرانشان دارند. سپس در مورد وظایف مادران نسبت به  
فرزندانشان مطالبی را خواهیم آورد:

## فصل دوم:

### وظایف زنان نسبت به شوهرانشان

#### 1- اطاعت از شوهر

با توجه به اینکه شوهر سرپرست خانواده است، زن باید  
مطیع او باشد تا قوام زندگی حفظ شود. زن نافرمان باعث بهم  
ریختن زندگی می‌شود. و در این خانه‌ها، فرزندان خوبی تربیت  
نمی‌شوند.

«زن پرهیزکار طاعت دوست\* باتوجه مغز باشد اندر پوست

زن ناپارسا شکنج دلست\* زود دفعش بکن، که رنج دلست»<sup>۲۲۵</sup>

#### 2- خارج نشدن از خانه بدون اجازه شوهر



«امام صادق علیه السلام فرمود: در عهد رسول خدا (ص)، مردی از انصار قصد مسافرت داشت، هنگام خارج شدن از خانه به همسرش گفت: تا من برنگشته‌ام از خانه بیرون نرو، چندی بعد، پدر زن بیمار شد. این زن شخصی را خدمت پیامبر (ص) فرستاد که شوهرم گفته از خانه خارج نشو ولی اکنون پدرم بیمار شده است. می‌توانم به عیادت او بروم؟ حضرت جواب فرمود که در خانه بمان و از شویت اطاعت کن! چند روز بعد خبر رحلت پدرش را به او دادند. باز به پیامبر (ص) پیغام داد که آیامی‌توانم بر جنازه پدرم حاضر شوم؟ حضرت جواب داد که در خانه بمان و از شویت اطاعت کن! تا اینکه پدرش را بخاک سپردند. وقتی شوهر از سفر آمد بازنش نزد پیامبر رفت. پیامبر (ص) به زن بشارت داد که در مقابل اطاعت تو از شوهرت، خداوند تو و پدرت را آمرزید.»<sup>۲۲۶</sup>

3- هر زمان شوهر به او نیاز داشت، تمکین کند.

«رسول خدا(ص):هر زنیکه شوهر او را برای جماع صدا بزند  
واو تأخیر کند تا اینکه شوهر بخواب رود،پیوسته ملائکه او را لعن  
کنند تا شوهر بیدار شود!»

### نشوز زن

«عوامل نشوز زن که باعث می شود زن از حق نفقه محروم شود:  
عدم تمکین از شوهر، ترک نظافت و آرایش خود، بیرون رفتن از  
خانه بدون اجازه شوهر»

«خانمی به زن دیگری گفته بود.ما زنهای فلان محل زیاد به  
شوهرمان رو نمی دهیم!یعنی در بسیاری از مواقع که شوهر نیاز به  
زن دارد، زن به بهانه ای از این امر دوری می نمایدواین یکی از علل  
چشم چرانی مردهای متأهل است که در منزل اشباع نشده اند لذا  
در خارج از منزل گرسنه و حریص می شوند!»

4-لباس و ظاهر خود را با بهترین وجه بپاراید.

«در پرونده‌ای که زن شاکی بود و نوشته بود که شوهرش قصد ازدواج مجدد دارد، از مرد سؤال شد آیا قصد ازدواج مجدد دارید؟ جواب داد: آری. علت این امر سؤال شد. جواب داد که: وقتی خسته و کوفته از سر کار به منزل می‌آیم، به خانم سلام می‌کنم، جوابی نمی‌شنوم. کنار او می‌روم، از بوی پیاز و سیب زمینی و خلاصه مواد آشپزخانه از او منجر می‌شوم. به لباسهای او نگاه می‌کنم، می‌بینم که از لباسهای مختلفی که برای او خریده‌ام در تن او خبری نیست و در عوض لباس کهنه و شلخته‌ای به تن دارد. لذا از او بدم می‌آید و تصمیم دارم با زنی که خوش‌برخورد و خوشبو! و خوش لباس باشد ازدواج کنم!»

5- اسرار خانه را برای زنان فامیل و همسایگان نقل نکند.

6- بر اخلاق بد شوهرش صبر نماید.

«پیامبر (ص) فرمود:

«هر زنی که بر اخلاق بد شوهرش صبر کند، خداوند ثواب حضرت آسیه را به او بدهد.»

## زن صبور و شکور

«اصمعی وزیر خلیفه عباسی در بیابان به خیمه‌ای رسید. زنی جوان و صاحب جمال درخیمه بود. اصمعی از او آب طلبید. زن گفت: شوهرم نیست و اجازه ندارم به شما آب بدهم. ولی اجازه شیر این بز بدست خودم است. زن از شیر به اصمعی داد. در این موقع سیاهی از دور پیداشد. زن گفت: شوهرم است که از صحرا برمی‌گردد. وقتی شتر سوار رسید، زن باستقبال او رفت و بر او سلام کرد، پاهای او را شست و... ولی هر چه زن محبت می‌کرد، مرد که قیافه زشتی داشت و یک پایش لنگ بود، با بداخلاقی به او جواب می‌داد. تا اینکه مرد وارد خیمه شد و نگاه غضبناکی به اصمعی نمود و به آخر خیمه رفت. اصمعی به زن گفت: حیف نیست شما با این امتیازات، با همچو مردی زندگی می‌کنی؟ زن گفت: من از شما که وزیر خلیفه هستی تعجب می‌کنم که می‌خواهی بین من و شوهرم جدائی بیافکنی! اگر من با این مرد زندگی می‌کنم برای این است که می‌خواهم به روایت پیامبر (ص) عمل کرده باشم که فرمود: ایمان دو نیمه است. نیمه‌ای

شُکر و یک نیمه‌اش صبراست. من خدا را بر نعمتهایش شکر  
گفته و بر سختی‌های زندگی صبر می‌نمایم. و امید به پادشاهی  
آخرت دارم.<sup>۲۲۷</sup>

## 7- با اخلاق خوب با شوهرش روبرو شود.

«مردی خدمت پیامبر(ص) آمد و گفت: ای رسول خدا!  
همسری دارم که چون به خانه می‌روم به پیشبازم می‌آید و هنگام  
خارج شدن، بدرقه‌ام می‌کند. اگر مرا ناراحت ببیند می‌گوید:  
ناراحت نباش! که اگر غم‌روزی را می‌خوری، خدا روزی رسان  
است. و اگر غم آخرت داری، خدا غمهایت را زیاد کند!

«پیامبر(ص) فرمود:» به او بشارت بهشت بده! و به او بگو که  
تو یکی از عاملان خدایی که در هر روز، پاداش هفتاد شهید  
برای تو خواهد بود.<sup>۲۲۸</sup>

---

<sup>۲۲۷</sup>خوبیها و بدیها بخش صبر  
<sup>۲۲۸</sup>خانواده نمونه

«حسین بن علاء می گوید: در خدمت امام صادق علیه السلام بودم که مردی آمد و از زنش شکایت کرد. امام فرمود: برو و زنت را بیاور! آن مرد رفت و با همسرش برگشت. امام به آن زن فرمود: شوهرت چه می گوید؟ زن گفت: خدا چنین و چنانش بکند! امام فرمود: اگر بر این حال بمانی و اخلاقت را با شویت درست نکنی، سه روز بیشتر زنده نمایی! زن گفت: می خواهم هرگز صورتش را نبینم! امام به آن مرد فرمود: دست زنت را بگیر و برو که بیشتر از سه روز زنده نمی ماند!

آن دو رفتند، بعد از سه روز آن زن از دنیا رفت»<sup>۲۲۹</sup>

امّ سلمه از پیامبر دربارهٔ ثواب خدمت زن به شوهرش پرسید. حضرت فرمود: «وقتی زن در خانه کار می کند و مثلاً وسیله ای را از جایی برمی دارد و در جای دیگر می گذارد، در این حال خداوند به او نظر می کند. و هر که خدا به او نظر کند، او را عذاب نمی کند.»<sup>۲۳۰</sup>

و فرمود:

«در نزد خداوند، نشستن زن در کنار شوهرش، از اعتکاف در مسجد من بالاتر است.»

و فرمود:

«هر زنی که در خانه شوهر، طوری شوهرداری کند که صلاح شوهر او باشد، خدا همه گناهان او را محو می‌کند و حسناتش را مضاعف می‌نماید. و چون از شوهر حامله شود، آنقدر برایش ثواب بنویسند، و مانند کسی است در تمام عمر روزه‌دار و دائم الصلوة بوده باشد. و هر بار که کودکش را شیر می‌دهد، مثل این است که بنده‌ای در راه خدا آزاد کرده، و چون کودک را از شیر بگیرد، منادی از آسمان ندا کند: ای زن! تمام گناهان گذشته‌ات آمرزیده شد.»<sup>۲۳۱</sup>

**۸- در زندگی اهل قناعت بوده و ولخرجی و اسراف ننماید**

همسر و مادر نمونه باید قناعت داشته باشد و خرج اضافه بر درآمدش و نتراشد و بدن بال چشم و هم چشمی نباشد والا زندگی از مسیر سالم خود دور می‌شود.

«علی‌علیه السلام فرمود: فاطمه (س) با اینکه محبوبترین افراد نزد پیغمبر بود، اما آنقدر با مشک آب کشید که اثر مشک در بدنش پیدا شد و آنقدر خانه را جاروب کرد که لباسهایش غبار آلود بود و آنقدر زیر دیگ آتش افروخت که لباسهایش عوض شد (کهنه شد).»<sup>۲۳۲</sup>

«روزی پیغمبر (ص) پیش فاطمه (س) رفت و دید که بچه را شیر می‌دهد و با دستش آسیاب را می‌چرخاند و لباس تن او از جل شتر است. پیغمبر فرمود: ای دختر گرامی! امروز تلخیهای دنیا را برای شیرینیهای آخرت بچش! فاطمه فرمود: من خدا را بخاطر نعمتهایش حمد می‌کنم و بر کرامتهایش شکر می‌گذارم. در این موقع آیه

---

علی‌علیه السلام فرمود: فاطمه (س) با اینکه محبوبترین افراد نزد پیغمبر بود، اما آنقدر<sup>۲۳۲</sup>



«ولسوف يعطيك ربّك فترضى'» ضحی 5

«بزودی خدا آنقدر بتو بدهد تا راضی شوی.»

نازل شد.<sup>۲۳۳</sup>

فصل سوم:

پدر و همسر نمونه

پدر به عنوان سرپرست خانواده و سکاندار این  
کانون، مسئولیت هدایت خانواده در مسیر سعادت را به عهده  
دارد. این مسئولیت از طرف خداوند به عهده پدر گذاشته شده  
و هیچ کسی نمی تواند این مسئولیت را از روی دوش او بردارد:

«الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض وبما  
انفقوا من اموالهم فالصالحات قانتات حافظات للغيب بما حفظ الله  
واللاتي نشوزهن فعظوهن واهجروهن في المضاجع واضربوهن فان

اطعنكم فلا تبغوا عليهن سبيلا ان الله كان عليا كبيرا»<sup>۲۳۴</sup> یعنی مردان بر زنان سرپرستی دارند بخاطر اینکه خدا بعضی را بر بعضی برتری داده و به خاطر اینکه مردان از مال خود نفقه زنان و مهریه آنان را می دهند. پس زنان صالح و شایسته باید فرمانبر شوهران در کام گیری و تمتعات جنسی و حافظ ناموس و منافع و آبروی آنان در غیابشان باشند. همانطور که خدا منافع آنان را حفظ فرموده. و زنانی را که بیم دارید نافرمانیتان کنند، نخست اندرز دهید و اگر به اطاعت در نیامدند با آنها قهر کنید و به بستر راه ندهید و اگر این نیز مؤثر نشد بزیندشان پس اگر به اطاعت در آمدند دیگر برای ادامه زدن بهانه جوئی نکنید. و بخاطر علوی که خدا بشما داده مغرور نشوید که دارنده علو و بزرگی خداست.

خصوصیات پدر نمونه

همان ده خصلتی که در زنان باید باشد تا سعادت دوجهان  
را دریابند، در مردان هم باید باشد که شامل:

مسلمان بودن، ایمان، دعاکننده، راستگو، صبور، مطیع خدا، انفاق  
کننده، روزه گیر، عفیف، اهل ذکر است.

اگر پدر صالح باشد و وظایف خود را بخوبی انجام دهد  
حتما خانواده خود را خوشبخت خواهد نمود.

پدریکه مؤمن بوده و اهل معنویات هست و به فضائل اخلاقی  
اهمیت می دهد، نخواهد گذاشت که خانواده در مسیر نادرست  
قرار بگیرد.

برخلاف فرهنگ غرب که با عدم نظارت و عدم دخالت پدر در  
امور شخصی و خصوصی همسر و فرزندان به اسم آزادی، خانواده ها  
از هم پاشیده شده و دیگر لقب پدر به عنوان یک واژه مقدس  
کمتر بکار می رود.

## سرپرستی پدر

پدر مسئولیت ویژه‌ای برعهده دارد که خداوند به عهده او گذاشته است و آن سرپرستی خانواده خویش می‌باشد. در کشور ما در بسیاری از خانواده‌ها مخصوصاً در زمان گذشته به این مسئولیت عمل می‌شد و پدر جایگاه خویش را داشت ولی اخیراً بدلیل شعارهای فمینیستی و زن‌گرائی بعضی و بدلیل تقلید از فرهنگ غرب و بدلیل عدم اطلاع شوهران از مسئولیت خویش، در بعضی از خانواده‌ها وضع برعکس شده است و باوجود حضور مرد، زن سرپرست خانواده می‌باشد!

اگر چه سرپرست بودن مرد، علامت برتری او بر زن در نزد خداوند نیست ولی با ایفای این مسئولیت توسط اوست که خانواده‌ها از فروپاشی مصون می‌مانند و اسیر عواطف زنانه نمی‌شوند و در حوادث مهم از ادامه مسیر باز نمی‌مانند. لذا اخیراً در کشور آمریکا عده‌ای از زنان و مردان طی درخواستی از قوه

قضائیه آن کشور، درخواست کرده‌اند که همانند گذشته مسئله سرپرست بودن مرد در خانواده‌ها احیاء شود. زیرا آزادی‌هایی که به زنان داده شده است، نه تنها فایده‌ای برای زنان نداشته بلکه باعث تزلزل و فروپاشی خانواده‌های بسیاری شده است.

مردیکه باید در مسائل مهم زندگی تابع زن باشد و در حقیقت زن تصمیم گیرنده است، از نظر اجتماعی و روانی دارای مشکلاتی می‌شود. مثلاً مرد تمایل دارد که بسفر بروند ولی زن مخالفت می‌کند و سفر انجام نمی‌شود. مرد دوست دارد فلان شغل را اختیار کند ولی زن آن را نمی‌پسندد. مرد می‌خواهد فلان مهمانی را بدهد ولی زن مخالفت می‌کند و برعکس مرد دوست ندارد زنش به فلان مهمانی برود ولی زن می‌رود! مرد دوست ندارد زنش فلان لباس را (نامناسب) بپوشد ولی زن می‌پوشد. مرد دوست ندارد زن فلان خرج را بکند و یا وسایل غیر ضرور را که بار مالی سنگین دارد بخرد ولی زن این کار را می‌کند! مرد دوست ندارد زن بدون اجازه او از خانه خارج شده و در زمانیکه او به همسرش نیاز دارد، او در خانه نباشد ولی زن بدون اجازه بیرون رفته و این کار

بارها و بارها تکرار می‌شود. و صدها نمونه از برآورده نشدن خواسته‌های مرد در خانه‌هایی که زن سالاری است. و این بتدریج به شکست این گونه خانواده‌ها کمک می‌نماید. اگر چه باید مرد هم به خواسته‌های شرعی و قانونی زن تن در دهد.

«به امام کاظم علیه السلام گفته شد: مردی به زنش می‌گوید که اختیار تو با خودت است! آیا این حرف صحیح است؟ امام فرمود: خیر این حرف باطل است. زیرا خدا این حق را برای مرد قرار داده است و کسی نمی‌تواند این حق را از مرد بگیرد.

سپس امام آیه «الرجال قوامون على النساء...» را تلاوت فرمودند.<sup>۲۳۵</sup>

### **وظایف مردان:**

#### **1- انتخاب همسری شایسته برای خود.**

او باید برای خود زنی را انتخاب کند که علاوه بر زیبایی ظاهری و مهریه کم، دارای اخلاق حمیده و ایمان و تقوا باشد. زیرا او

قرار است مادر فرزندان او شود پس ببیند چه کسی را برای این کار انتخاب می‌کند.

«امیرمؤمنان علی علیه السلام: در آخرالزمان که نزدیک قیامت و بدترین زمانهاست، زنانی پیدا بشوند که خیابان گرد، از دین بیگانه، دنباله‌رو فتنه‌ها و هوسها و پیرو شهوات و شتابان بسوس لذتها و حلال کنده حرامها باشند! اینان به دوزخ گرفتار ابدی شوند.»<sup>۲۳۶</sup>

«رسول خدا(ص): از گلهای لجنزار پرهیزید! گفتند: گلهای لجنزار چیستند؟ فرمود: زنان زیبا که در خانواده‌های پست و بد تربیت شده‌اند.»<sup>۲۳۷</sup>

«از جمله دعا‌های رسول خدا(ص) این بود: خدایا! بتو پناه می‌برم از زنیکه قبل از اینکه پیرشوم مرا پیر کند!»<sup>۲۳۸</sup>

«امام صادق علیه السلام: زن قلاده است پس دقت کن چه قلاده‌ای  
به گردنت می‌بندی!»<sup>۲۳۹</sup>

2- دوری از انحرافات اخلاقی قبل و بعد از ازدواج

3- رعایت سفارشات اسلام در مورد آمیزش جنسی

«آمیزش در مواقع و حالات زیر چنانچه منجر به انعقاد نطفه  
شود مکروه بوده و آثار زیانباری را در پی دارد:

رو به قبله و پشت به قبله، هنگام هلال و بدر و محاق ماه (شب  
چهارده) - در برابر آفتاب - عریان - ایستاده - در اول و وسط  
و آخر ماه که باعث جنون و جذام و صرع در مادر بچه می‌شود -  
بعد از ظهر که موجب قیچی می‌شود - صحبت کردن موقع  
آمیزش که موجب لال بودن بچه می‌شود - نگاه کردن به عورت  
زن که موجب کوری فرزند می‌شود - قرآن خواندن با حال  
جنابت - با یک دستمال تمیز کردن زن و شوهر خود را که باعث



جدایی زن وشوهر می شود - نزدیکی در شب عید فطر که باعث  
 شرور شدن بچه می شود - نزدیکی شب عید قربان که  
 باعث نقصان در انگشتان بچه می شود - در زیر درخت که کودک  
 قاتل می شود - بین اذان و اقامه - شب نیمه شعبان که کودک  
 زشت می شود - دوروزمانده به آخر ماه - بالای پشت بام - در  
 کشتی - بعد از جنب شدن - در حال حیض - شب چهارشنبه - در  
 موقعی که کودکی در خانه باشد»<sup>۲۴۰</sup>

#### 4- کمک به همسر برای رعایت آداب ولادت و نامگذاری و ولیمه

«از امام ششم راجع به عقیقه سؤال شد. فرمود: گوسفند یا گاو  
 یا شتر برای او قربانی کنند و بعد از عقیقه، بر کودک نام گذارند  
 و روز هفتم سر او را بتراشند و به وزن مویش، طلا یا نقره صدقه  
 دهند و اگر پسر است حیوان نر و اگر دختر است، حیوان ماده  
 قربانی کنند.»<sup>۲۴۱</sup>

«رسول خدا(ص):فرزند بر پدر حقوقی دارد و پدر نیز بر فرزند حقوقی دارد. اما حق پدر بر فرزند آنستکه در هر چیزی بجز معصیت، مطیع پدر باشد. و حقوق فرزند بر پدر آنستکه برای فرزندش نام نیکو بگذارد و ادب نیکو به او بیاموزد و قرآن را به او تعلیم نماید.»<sup>۲۴۲</sup>

## 5- محبت به فرزندان و همراه بردن فرزندان به تفریحات سالم

محبت والدین به فرزندان باعث استحکام خانواده می شود و چشم آنها را بر محبت‌های ظاهری خارج از خانه می بندد.

«رسول خدا(ص): خداوند دوست دارد که آنچنان بین فرزندان با عدالت رفتار نمائید که حتی 'در بوسیدن آنها نیز مساوات باشد.»

«امام ششم علیه السلام: همانا خداوند بر بنده‌ای که علاقه زیاد به فرزندش دارد، رحم می کند.»<sup>۲۴۳</sup>

«پیامبر(ص): بچه هارا دوست بدارید وبر آنها ترحم داشته باشید.»<sup>۲۴۴</sup>

«امام هفتم علیه السلام: خدا در چیزی همانند غضب برای کودکان وزنان غضب نمی کند.»<sup>۲۴۵</sup>

»

## 5- استفاده از درآمد حلال برای خورد و خوراک خانواده

لقمه حلال در تربیت سالم انسان نقش مهمی دارد همانگونه که لقمه های حرام در انحراف انسانها آثار مهمی دارد.

«در حدیث قدسی است که ایمان ده جزء دارد وهفت جزئش کسب درآمد حلال است»<sup>۲۴۶</sup>

«در حدیث قدسی است که کسیکه اهمیت نمی‌دهد از چه جایی درآمد کسب کند، من هم اهمیت نمی‌دهم که او را از چه دری وارد جهنم نمایم!»<sup>۲۴۷</sup>

رسول خدا: هر که از حلال بخورد ملکی بر بالای سرش بایستد و برایش استغفار کند تا زمانی که از غذا دست بکشد.<sup>۲۴۸</sup>

## 6- آشنا کردن فرزندان با خدا و آموزه‌های مذهبی

برای پرورش حس مذهبی فرزندان باید چند مرحله راطی کرد:

- 1- آنها را با استدلال ساده با خدا آشنا نمایم.
- 2- خدا را با صفات نیکویش مانند رحمان و رحیم و آمرزنده بودن معرفی کنیم.

3- از دوستی خدا با آنها حرف بزنیم. «ای پیامبر بگو: اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا هم شما را دوست داشته و گناهانتان را بپارد و خدا آمرزنده و مهربان است.» آل عمران 31

4- نوجوانان را به عبادات واجب و مستحب عادت داده و نماز را از هفت سالگی به آنها آموزش دهیم.

اگر پرورش مذهبی نوجوان از دوازده سالگی بدرستی انجام پذیرد، او در 16 سالگی یک فرد معتقد و با ایمان خواهد بود و با این احساس می‌تواند در مقابل تمایلات نفسانی و شهوات، مقاومت کند و از تندروی و طغیان برکنار بماند. اما برعکس، نوجوانی که احساسات مذهبی‌ش مورد حمایت و پرورش قرار نگرفته و احیاناً سرکوب شده باشد، نوجوانی که خواهش معنوی‌ش ارضاء نگشته و نور ایمان، ضمیرش را روشن ننموده باشد، در 16 سالگی محکوم تمایلات غریزی و شهوی خواهد بود و عواطف مذهبی پرورش نیافته‌اش قادر نیست او را در مقابل انحرافات ایمنی بخشد.

عبادات واجب و مستحبی که در اسلام تشریع شده و همچنین دعا و نیایش در پیشگاه الهی از عوامل مؤثر در تحکیم دوستی و محبت پروردگار است. نماز ارتباط دهنده انسان به خالقش می باشد. نماز گزار روزی چند بار به پیشگاه خدا می رود و مراتب دوستی خود را با محبوبش تجدید می کند.

اگر گناہانی کرده آنها را بوسیله نماز پاک می کند و اگر چند قدمی از خدایش دور شده، بوسیله نماز بعدی به خدایش برمی گردد. خدای واقعی آنقدر رحمت و عطوفت دارد که باب توبه بر روی همه گشوده است. اگر انسان آلودگی پیدا کرد، راه بازگشت به پاکی و خدا باز است. حتی اگر توبه را شکست و باز آلوده شد، باز هم راه بازگشت دارد و با اصطلاح: اگر صدبار توبه شکستی باز آی! خالق که در گرفتاریها و سختیهای زندگی، تکیه گاه انسان است.

اما بدبختانه دنیای امروز به تمایلات مذهبی جوانان نه تنها کار ندارد بلکه با انواع برنامه های انحرافی این حس را در میان جوانان

از بین می‌برد. دنیای غرب آنطور که برای یک کالای صنعتی سرمایه گذاری کرده و اهمیت قائل می‌شود، برای تربیت صحیح و پرورش حس مذهبی ارزش وارجی قائل نمی‌شود.

## 7- تربیت فرزند بر اساس تربیت دینی

اولین نکته برای آرامش خانواده و دوری از رفتارهای ناپسند جوان، شناخت روان جوان و آگاهی از مقتضیات جوانی است. فرزند جوان، مطابق میل طبیعی، عاشق استقلال و تشخص است. می‌خواهد هرچه زودتر خود را از محدودیتهای دوران کودکی رها سازد و به گروه بزرگسالان پیوندد و مانند آنان مستقل باشد. او خواسته خود را بر زبان نمی‌آورد! ولی اگر به مقصود خود نائل نشود و به حق طبیعی خود، دست نیابد، سرکشی و طغیان می‌کند، به کارهای غیر عادی دست می‌زند، بد رفتار و تندخو می‌شود و با زبان حال می‌گوید:

به شخصیت من احترام بگذارید! مرا مستقل و آزاد بشناسید! با من همانند یک فرد بزرگ برخورد کنید!

در سخن پیامبر 6 است که فرمود: «فرزند، هفت سال آقا است. هفت سال بنده است و هفت سال هم وزیر است».

طفل هفت سال اول بر پدر و مادرش حکومت می‌کند! زیرا فکرش نارسا و جسمش ناتوان است. پدر و مادر باید با دیدهٔ رأفت به او نظر کنند و ناچارند که خواسته‌های او را برآورده سازند.

در هفت سال دوم، تغییرات قابل ملاحظه‌ای در تن و روان کودک پدید می‌آید. جسمش قوی می‌شود و درکش رشد می‌کند و تا اندازه‌ای خویها و بدیها را می‌فهمد. لذا مورد مؤاخذه والدین و مربی و آموزگار قرار می‌گیرد. و چون عقلش بخوبی شکفته نشده و صلاح و فساد خود را به درستی تشخیص نمی‌دهد، پدر و مادر آمرانه به او تذکر داده و او باید فرمان والدین را اطاعت کند.

اما در هفت سال سوم نشانه‌های جوانی و بزرگسالی در او پدید می‌آید. لذا احساس مسئولیت می‌کند و در تدبیر زندگی همکار والدین می‌باشد.



از بکار بردن کلمهٔ وزیر چند نکته را می‌فهمیم:

الف - جوان تشخص طلب و استقلال جواست.

ب - نباید با او آمرانه برخورد کرد.

هیچ چیز بیش از حق رأی در تربیت آنان مؤثر نیست. باید در خانه و مدرسه به آنها حق اظهار عقیده داده شود. البته استقلال دادن به جوان به این معنا نیست که وی در تمام اعمالش آزاد باشد تا به میل خود به هر محیط فاسدی برود، زیرا جوان که عقلش نسبت به احساساتش ضعیف است، همواره در معرض سقوط قرار دارد. جوان اغلب پایان کار رانمی‌بیند و از تشخیص بسیاری از بدیها و خوبیها عاجز است. پس مراد از وزیر بودنش آن است که هم شخصیتش مورد احترام باشد و هم اختیار صد در صد نداشته باشد، بلکه تصمیم نهایی با والدین است.

سختگیری بی مورد، زورگویی و ستم، تعدی و خشونت والدین نسبت به جوان یکی از دو نتیجه را به بار می‌آورد:

الف - جوان بر اثر فشارهای طاقت فرسای روحی و نظارتهای خسته کننده والدین، نیروی مقاوت خود را از دست داده و تسلیم شرائط موجود می شود. او اگر چه سازگار و سربزیر می شود ولی استعدادهای خود را از دست می دهد و یک انسان نالایق بار می آید.

ب - جوان در مقابل سختگیری ها می ایستد که در نتیجه باعث اختلاف در خانواده می شود. عربده ها و فریادها، تندی و خشونت، اشک و زاری، هیجان و ناراحتی برنامه عادی چنین خانه هایی خواهد بود!

بعضی پدران بخاطر عقده خود کم بینی، خشن و تندخو هستند. برای ابراز قدرت در خانه، با اهل منزل بد رفتاری می کنند، فریاد می کشند، دشنام می دهند. گاهی بچه ها را کتک می زنند! و گاهی در محیط منزل ایجاد رعب و هراس می کنند! لغزش یا اشتباه کوچک را بزرگ تلقی کرده و چشم پوشی نمی کنند. مثلاً پدر اگر بخواهد بخوابد، انتظار دارد که همه اهل خانه ساکت باشند و اگر صدایی

بلند شود، طوفان پیا می کند! ولی اگر دیگران خواب باشند،  
استراحت دیگران برایش ارزشی ندارد! کودکان این خانه ها بر اثر  
سختگیری بی مورد والدین، خشمگین و عصبی بار می آیند و  
همواره در خود احساس حقارت نموده و این حس بصورت عقده  
در آنها باقی می ماند!

البته تا کوچک هستند نمی توانند در مقابل رفتار خشن پدر  
نیرومند خود عکس العملی نشان دهند، اما زمانی که پا به سن  
جوانی می گذارند، برای اینکه در خانه بخاطر عقده حقارت خود،  
ابراز وجود کنند، کانون خانواده را به محل مشاجره و ناسازگاری  
تبدیل کرده و کار به آنجایی کشد که فرزند در مقابل پدر  
می ایستد! راه حل این معضل به دو طرف برمی گردد. دو طرف  
باید خودسری و لجاج را ترک کنند و از تمایلات نادرست خویش  
چشم پپوشند تا بتوانند با همکاری یکدیگر مشکلات را حل کنند.

در بررسی روی 105 پسر و دختر جوان که خلاف بزرگی را  
انجام داده بودند، متوجه شدند که تقریباً 91 درصد جوانان

مجرم از اختلالات عاطفی شدید رنج می‌برند. یعنی هم از حیث عاطفی مورد بی‌مهری قرار گرفته بودند و هم احساس ناامنی و حقارت داشتند!

عکس العمل والدین در برخورد با خلاف فرزندشان!

چنانچه فرزند عمل خلافی را انجام داد چگونه باید با آن برخورد نمود؟ مثلاً خانمی در تماس با مشاوره اظهار داشت که مدتی است، متوجه شده که پسر دبیرستانیش استمناء می‌کند! تکلیف این مادر چیست؟ در پاسخ باید گفت که مرحله‌ای در برخورد با این خلفها وجود دارد که اگر رعایت شود شاید موفقیت آمیز باشد. یکی مسئله توجه به ازدواج جوانان است که در هنگام نیاز جنسی آنان، باید بفکر راه و چاره بود و دیگری آشنا کردن آنها با حرام و حلال اسلام و اینکه این اعمال، چقدر زشت بوده و عواقب بد دنیوی و اخروی دارد و در غیر این دو مورد نیز باید مراحل تشویق و تنبیه برای ترک این اعمال انجام شود.

«در روایت است که پسران وقتی به شش سالگی رسیدند نباید در یک بستر بخوابند.»<sup>۲۴۹</sup>

«کودکت را تا هفت سال آزاد بگذار سپس هفت سال مداوم با او کار تربیتی بکن. اگر به تربیت تن داد سعادت مند است والا در او خیری نیست!»

## 8- تأکید بر نماز خواندن فرزند

«وامر اهلک بالصلوة واصطبر علیها»<sup>۲۵۰</sup> یعنی خانواده ات را امر به نماز نما و بر این مسئله مداومت کن.

مسئله نماز از مهمترین نشانه‌های تربیت صحیح است. در خانه‌ای که والدین نماز خوانده و تا کودک به سن بالا برسد مرتب او را به خواندن نماز امر می‌نمایند، امید به هدایت و سعادت فرزند هزاران بار بیشتر است تا خانه‌ای که اگر چه پدر

---

[https://rasekhoon.net/article/show/641758/](https://rasekhoon.net/article/show/641758) (3) شیوه‌های تربیت جنسی-پیش-از-ازدواج/249

ومادر خود اهل نمازند ولی فرزندان خود را رها کرده‌اند  
وباصطلاح آنان را آزاد گذاشته‌اند تا خود مسیر درست را انتخاب  
نمایند و این بزرگترین اشتباه سرپرست خانواده‌است که نوجوانی  
را که اصلاً نمی‌تواند خیر و صلاح خود را تشخیص دهد و از طرفی  
نماز زحمتی برای اوست، آزاد بگذارند به این امید که روزی برسد  
که خود نوجوان به نماز گرایش پیدا کند!

خداوند در قرآن کریم به پدران دستور می‌دهد که خود  
و خانواده خود را از جهنم نجات دهید:

«يا ايها الذين آمنوا قوا انفسكم واهليكم نارا وقودها  
الناس والحجارة» تحریم 6

ای مؤمنین! خود و خانواده تان را از آتش جهنم دور نگه دارید.

«رسول خدا(ص): در هفت سالگی فرزند را به خواندن نماز تمرین  
دهید و در ده سالگی در صورت نماز نخواندن، بر آنان سخت گرفته  
شود و حتی 'آنان را با زدن هم شده به نماز وادار کنید.»<sup>۲۵۱</sup>

## 9- نظارت کامل بر معاشرت فرزندش

### با چه کسانی دوست شویم ؟

‏: مولا علی (ع)

برترین دوست و برادر تو کسی است که در کار خیر سبقت گیرد و تو را هم به سوی خیر بکشاند ، و تو را به نیکی فراخواند و یاری کند. <sup>۲۵۲</sup>

‏: امام صادق (ع)

محبوبترین برادرانم نزد من کسی است که عیبهای مرا پیش من هدیه آورد ( و آنها را به من گوشزد کند <sup>۲۵۳</sup>

‏: حضرت محمد (ص)

همنشین شایسته همانند عطر فروش است ، اگر چیزی به تو ندهد بوی عطرش به تو خواهد رسید. <sup>۲۵۴</sup>

‏: مولا علی (ع)

بهترین برادران تو کسی است که با راستگویی خود تو را به راستگویی دعوت کند و با اعمال نیک خود تو را به بهترین کارها فرا خواند <sup>۲۵۵</sup>

---

<sup>252</sup> میزان الحکمة جلد 1 صفحه 57 حدیث 267  
(. اصول کافی جلد 4 صفحه 452 <sup>253</sup>

کنز العمال جلد 9 حدیث 24676 <sup>254</sup>

غررالحکم جلد 3 صفحه 434 <sup>255</sup>

‏: مولا علی (ع)

بهترین دوست تو کسی است که تو را شیفته آخرت کند ، و نسبت به دنیا بی رغبت کند و تو را در فرمانبرداری از خدا کمک کند.<sup>۲۵۶</sup>

با چه کسانی دوست نشویم ؟

هر زمان امیر مومنان علی (ع) به منبر می رفت ، ‏: امام صادق (ع) فرمود می فرمود : شایسته است مسلمان از رفاقت با سه نفر دوری کند : پر روی بی باک تبهکار ، احمق و دروغگو<sup>۲۵۷</sup>

‏: مولا علی (ع)

بدترین دوستان کسانی اند که هنگام آسایش پیوند دارند و هنگام گرفتاری جدا می شوند<sup>۲۵۸</sup>

‏: رسول خدا (ص)

از همنشینی با دوست بد پرهیز ، چون تو با او شناخته می شوی

‏: امام باقر (ع)

---

<sup>256</sup> غررالحکم جلد 3 صفحه 436  
‏. اصول کافی جلد 4 صفحه 453

<sup>257</sup>

<sup>258</sup> ‏. غررالحکم جلد 4 صفحه 171



با چهار شخص معاشرت و دوستی نکن : احمق ، بخیل ، ترسو و دروغگو  
. زیرا شخص احمق می خواهد به تو سود رساند ولی صدمه می زند ، و  
آدم بخیل و تنگ نظر از تو میگیرد امام به تو پس نمی دهد ، و ترسو از  
تو و پدر و مادرش فرار میکند و دروغگو اگر راست بگوید کسی باور  
نمی کند<sup>۲۵۹</sup>

امام صادق (ع) :

پرهیز از اینکه دوستی کنی با کسی که برای طمع و ترس یا هوای نفس  
و خوردن و آشامیدن رو به تو می آورد و در جستجوی دوستی با  
پرهیزگاران باش<sup>۲۶۰</sup>

مولا علی بن ابیطالب (ع) :

بدترین دوستان کسانی اند که هنگام آسایش پیوند دارند و هنگام  
گرفتاری جدا میشوند. غررالحکم جلد 4 صفحه 171  
هم نشینی با بدان مایه بدگمانی به خوبان است.<sup>۲۶۱</sup> : مولا علی (ع)  
کدام دوست بد است ؟ فرمود : : از امیرالمومنین مولا علی (ع) سوال شد

---

. خصال شیخ صدوق جلد 1 صفحه 244

<sup>259</sup> . کنز العمال جلد 9 حدیث 24844

<sup>260</sup> . بحار الانوار جلد 74 صفحه 282

<sup>261</sup> بحار الانوار جلد 74 صفحه 191

کسی که معصیت خدا را برای تو زیبا جلوه دهد. بحارالانوار جلد 74  
صفحه 190

10- نظارت بر استفاده فرزندان از رسانه های صوتی  
و تصویری و رایانه و استفاده از موسیقی مبتذل و شرکت در  
پارتهای منحرف کننده

1- «پیامبر اسلام (ص): غنا (موسیقی حرام) پلّه کان زنا است.»

2- «امام صادق علیه السلام

: خبیث ترین مخلوق خدا، غنا (موسیقی حرام) است. و بدترین مخلوق  
خدا غنا است که باعث فقر و نفاق می شود.»

3- «امام صادق علیه السلام: خانه ای که در آن غنا (موسیقی حرام)  
باشد، از فاجعه ایمن نمی باشد و دعا در این خانه مستجاب نمی شود  
و ملائکه به این خانه وارد نمی گردند.»

10- «امام خمینی: از جمله چیزهائی که مغز جوانها را تخریب  
می کند، موسیقی است... انسان را از جدیت بیرون می برد. یک

جوانی که عادت کرده روزی چند ساعت را با موسیقی سروکار داشته باشد، از مسائل جدی به کلی غافل می‌شود.»

ضعف اعصاب و اختلال حواس و بی ارادگی از عوارض موسیقی

«دکتر ولف آدلر، پروفیسور دانشگاه کلمبیا می‌گوید: بهترین و دلکش‌ترین نو‌های موسیقی، شوم‌ترین آثار را روی سلسله اعصاب انسان باقی می‌گذارد.»

«دکتر آلکسیس: اصولاً شنیدن موسیقی و کنسرت، در اعصاب اثر تخریری ایجاد می‌کند. این اثر گاهی آنچنان شدید است که شنونده را مانند افراد بهت زده می‌سازد و لذت فوق العاده‌ای که افراد از آن می‌برند از همین اثر تخریری است و روشن است که اینگونه تخریرها زیانهای فراوانی دارد و اگر شدت یابد گاهی ممکن است عقل و اندیشه را اسیر جاذبه آهنگهای تند موسیقی کند و دیگر نتواند خوب و بد را از هم تشخیص دهد و بی پروا دست به حرکات و اعمال ناشایست بزند و در آن حال نتواند به عواقب وخیم آن بیندیشد.»

گاهی موسیقی باعث جنایت می‌شود.

### 11-جدیت در امر ازدواج فرزندان

«رسول خدا(ص):اگر فرزند خواستار ازدواج باشد و پدر توانائی مخارج ازدواج او را دارد ولی امتناع کند و فرزند مجردش به معصیت و گناه آلوده شود،معصیت او را در نامهٔ عمل پدرش می‌نویسند.»

### 12-جدیت در امر یاد دادن قرآن و آداب اسلامی مانند:

آداب معاشرت، آداب خوردن و آشامیدن، آداب ازدواج، آداب تجارت و معاملات، تاریخ اسلام و تاریخ ایران و صدها مورد اطلاعات مفیدی که براساس آنها، اعتقادات و روش زندگی فرزندان بنا نهاده می‌شود.

«یکی از مؤمنین می‌گفت که وقتی ما بچه بودیم در روستا زندگی می‌کردیم، پدرمان ملاّی را از شهر آورد و خرج مسکن و غذا و حقوقش را به عهده گرفت تا او در چندماه بما قرآن بیاموزد. و او هم این کار را انجام داد و ما دوبار در قرآن را در کودکی فرا گرفتیم»

### 13- رعایت پوشش کامل در موقع عمل زناشوئی

«مشاهده عمل زناشوئی والدین، پوشش نامناسب محارم و... از عوامل انحراف فرزندان است».

«جوان 27 ساله‌ای که پس از سرقت جواهرات و ربودن دختر چهارده ساله دختر خردسال و تجاوز به برخی از آنان دستگیر شده بود، پس از محاکمه در دادگاه 142 کیفری یک تهران، به دوبار اعدام و سه سال زندان و تعزیر و پرداخت مهرالمثل محکوم شد.

بر اساس تحقیقات بازپرس، این جوان دارای انحرافات اخلاقی بوده و بر اساس اعترافات خودش، در گذشته، وی بارها مورد سوءاستفاده افراد قرار گرفته است.

به گزارش خبرنگار قضایی، دستگیری متهم به دنبال اعلام شکایت بستگان یک دختر هشت ساله به مأموران حوزه انتظامی 28 تهران صورت گرفت. با طرح این موضوع، پرونده‌ای در دادسرا تشکیل شد و بازپرس دستور داد در این باره بیشتر تحقیق شود.

مأموران با کمک دختر بچه به محل رفتند و پس از چند روز پیگیری، خانه «مصطفی» را شناسایی و او را دستگیر کردند. متهم در بازجویی به ربودن چهارده دختر بچه و سرقت طلاهای کودکان معصوم و تجاوز به برخی از آنان اعتراف کرد.

این جوان منحرف، در بیان علل انحراف اخلاقی خویش گفت: در خانواده من مسائل خلاف زیادی وجود

داشت، به طوری که من ارتباط‌های آمیزشی و روابط جنسی پدر و مادر را مشاهده می‌کردم و آنها ابایی از این موضوع نداشتند! پدر و مادر، بعضی وقتها بدون لباس در برابر من ظاهر می‌شدند و این مسائل مرا تحریک می‌کرد و به انحراف اخلاقی سوق می‌داد...

طبق نظر صریح کارشناسان روانشناسی کودک، تماشای صحنه‌های مهیج جنسی، چه در خانواده و چه در فیلم‌های سینمایی و... مانند دادن چلوکباب به یک نوزاد است، چرا که با این تحریکات، کودک در معرض بلوغ زودرس قرار می‌گیرد و حساسیت و کنجکاوی او را به روابط بزرگترها به‌ویژه پدر و مادر بر می‌انگیزد. و از این جاست که زمینه‌های انحراف اخلاقی کودکان و نوجوانان آغاز می‌گردد.»

**14- شرکت در نماز جمعه و جماعت و مراسمات دینی به‌مراه**

**فرزندان**

پدرانی که خود در مجالس معنوی شرکت می‌کند و فرزندان خود را نیز به همراه می‌برد، می‌تواند امیدوار باشد که آینده فرزندان، از نظر دوری از انحرافات اخلاقی، آینده سالمی خواهد بود. ولی پدرانی که خود هیچگاه پا به مسجد و عبادتگاه الهی نگذاشته‌اند و غرورشان اجازه نمی‌دهد که در مقابل پروردگارشان سجده نمایند، چگونه امید دارند که فرزندان خوبی و سالمی تربیت کنند؟ مسجد محلی است که در آن انسانهای والا تربیت می‌شود.

مسجد سنگر اسلام است. مسجد محل ملاقات مؤمنین و وحدت و صمیمیت آنان است. اگرچه گاهی افراد منافق هم در مسجد پیدامی‌شوند یا افرادی که از شرکت در مسجد مقاصد شومی را در ذهن دارند ولی اکثر نمازگزاران کسانی هستند که بدون قصد دنیایی و فقط برای اطاعت از خدایشان در مسجد و مراسمات مذهبی حضور پیدامی‌کنند و خداوند هم طبق وعده‌هایی که داده است در دنیا و آخرت از آنان حمایت می‌کند:

«ان الله يدافع عن الذين آمنوا» حج 39



خداوند از مؤمنین دفاع خواهد کرد.

### فصل چهارم:

#### وظایف شوهر نمونه

شوهر با داشتن بار مسئولیت سرپرستی خانواده، در عین حال شریک و یاور همسرش نیز می باشد. لذا باید برای تداوم و استحکام خانواده خود به مسئولیتهای زیر عمل کند.

1- تهیه نیازهای روزانه غذایی و پوشاکی و مسکن همسر

2- خوش اخلاقی با همسر.

چونکه پیوند شد، به نازش دار بر سر خانه سرفرازش دار

تو در آیی ز در سلامش کن او در آید، تو احترامش کن

هر زمانش به دلنوازی کوش وقت خلوت به لطف و بازی کوش

صاحب رخت و چیز دار او را پیش مردم عزیز دار او را

از سخنهای خوب و گفتن خوش به نماز و به طاعتش  
درکش «اوحدی مراغه‌ای»

عاقبت بداخلاقی با همسر

سعد بن معاذ، از فرماندهان سپاه اسلام  
، بشهادت رسید. رسول خدا (ص) تشییع با شکوهی از او بعمل  
آورد و خود شخصا او را دفن نمود.

بعد از دفن، مادر سعد خطاب به قبر گفت: ای سعد! بهشت بر تو  
گوارا

باد! رسول خدا (ص) فرمود: این را نگو! گفت: چرا؟ فرمود: او الان  
فشار قبر

سختی دید! سؤال کردند: برای چه؟ فرمود: او با خانواده خود بد  
اخلاقی

می کرده است!

«پیامبر(ص):بهترین مردان امت من کسانی هستند که به اهل خانه خودستم نمی کنند وبر آنها رحم آورند وبه آنها ظلم ننمایند»

3- اشتباهات همسر را نادیده بگیرد.

«اسحاق بن عمار از امام ششم علیه السلام پرسید:حق زن بر شوهر چیست؟

امام فرمود:مرد باید شکم همسرش را سیر کند.بدنش راپوشاند.اگر نادانی کرد از او بگذرد.ابراهیم خلیل از تند خوئی ساره به خداوند شکایت کرد!خدا به او وحی کرد:زن همانند استخوان دنده است!اگر بخواهی راستش بگویی،می شکند واگر با او همچنان مدارا کنی،از او بهره مند می شوی!»

4- شبها وی را رها نکند

5- حداقل چهار ماه یکبار زن حق همبستری دارد.به این حق عمل کند

6- قسمتی از شبانه روز را به همسرش اختصاص بدهد.

«رسول خدا(ص): مردیکه کنار همسرش بنشیند، در نزد من از

اعتکاف در مسجد بالاتر است.»

7- مطیع زنش نباشد و بر حضور زن در بازارها

و پاساژها نیز حساس باشد.

«علی علیه السلام خطاب به اهل بصره! آیا حیا ندارید؟ آیا

غیرت ندارید در حالیکه زنانتان به بازارها رفته و جوانان خوش

قیافه

مزاحم آنان می شوند؟»

«علی علیه السلام: کسیکه از زنش اطاعت کند، خداوند او را با

صورت در آتش بیاندازد! گفته شد: در چه چیزی اطاعت کند؟

فرمود: زن از شوهرش اجازه می خواهد که به حمام - عمومی -

وعروسی و مجالس عزا برود و یا لباس نازک داشته باشد و شوهر به او اجازه می‌دهد!

### سفارشات اسلام درباره زنان

اول: «عاشروهنّ بالمعروف» «نساء 19» یعنی با خوبی با زنان معاشرت کنید.

مطلب فوق شامل مشارکت مرد با همسرش در خدمات خانه و استحباب وسعت در خردنی و آشامیدن و مسکن و لباس و دادن هدایای خوب دربرگشت از سفر و در اعیاد و گذشت از خطاهایش و اینکه مرد هم با لباس خوب و بوی خوش با همسرش روبرو شود و عدالت در بین زنان اگر چند همسری باشد و... می‌شود.

دوم: «ولا تُضارّوهنّ لتُضیقوا علیهنّ» «طلاق، 6» و «ولا تعضّوهنّ لتذهبوا ببعض ما آتیتموهنّ» «نساء 16» یعنی برای اینکه مجبور شوند از حق خود دست بردارند به زنها سخت گیری نکنید و اذیت نرسانید.

از امام صادق علیه السلام روایت شده که علت نزول آیه فوق آن بود که گاهی مردی عیال خود را می زد تا زن همه حقوق خود را اعم از مهریه و مخارج عدّه و غیره را حلال کند.

سوم: «فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ» «طلاق 6» یعنی هرگاه زنان شمایچه های شمارا شیر می دهند، می توانند از شوهر مزد بخواهند.

چهارم: اسلام سفارش کرده که برای حضانت و نگاهداری اولاد مادران سزاوارترند و زن می تواند دختر را تا هفت سالگی و پسر را تا دو سالگی خود بزرگ نماید.

پنجم: «وَأْتِيَتْكُمْ أَحْدَاهُنَّ قَنْطَاراً فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئاً» «نساء 20» یعنی مهر زن را باید مرد بدهد حتی اگر مهریه پوست گاوی پر از سکه طلا باشد!

ششم: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ» «نساء 25» یعنی باید مرد، نفقه همسرش را بدهد.

هفتم: «وان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حَکماً من اهلہ و حکماً من اهلہا ان یریدا اصلاحاً یوفق اللہ بینهما» «نساء 35» ینی در صورت بروز اختلاف بین زن و مرد باید یک نفر از فامیل مرد و یک نفر از فامیل زن، جلسه بگیرند و اختلاف بین ایندو را حل کنند.

هشتم: «فامساک بمعروف او تسریحٌ باحسان» بقره 229 یعنی با زنان خوش رفتاری بنمائید و از آنها نگه داری کنید و اگر می خواهید طلاق بدهید به آنها ظلم نکرده و حق آنها را بدهید.

نهم: «واللاتی تخافون نُشوزهنّ فعظوهنّ واهجروهنّ فی المضاجع واضربوهنّ فان اطعنکم فلا تبغوا علیهنّ سییلاً» «نساء 34» یعنی اگر زنان از شوهر اطاعت نکردند و ناشزه شدند، آنها را نصیحت کنید و اگر باز هم تمکین نکرد، در رختخواب به او پشت کنید و اگر باز هم عصیان نمود، آنها را (با چوب مسواک) بزنید!

دهم: «علی علیہ السلام: زن ریحانۀ است نه قهرمانه! پس با او در هر حالی مدارانما و مصاحب خوبی با او باش تا زندگیت صفایابد.»

یعنی باید با زن با کمال احترام و احترام رفتار کرد و بویید! نه آنکه در زیر دست و پا نرم کرد و کویید!

یازدهم: طبق روایتی از رسول خدا (ص) به زنان اجازه داده شده که اگر شویش به او نفقه نداد، بدون اجازه او باندازه مخارج از اموالش بردارد.

دوازدهم: جهاد را از زنان برداشته و بجایش آنها را به حجاب، نقاب، ستر و عفاف و حمل و رضاع. تمشیت و تدبیر منزل فرمان داده است. که رسول خدا (ص) فرمود: جهاد زن خوب شوهرداری کردن است.

سیزدهم: در احکام نسبت به زنان تسهیلاتی در نظر گرفته که در هیچ دینی این چنین نیست. از جمله قبول توبه زن مرتد، تسهیل در تطهیر بول کودک در حال شیرخوارگی، اجازه خوردن روزه در رمضان نسبت به زن حامله یا شیردهنده، اینکه مسجد زن خانه اش است، نفقه فرزندان بر مرد است نه زن و...



چهاردهم: زن باتقوا ومؤمنه وصالحة بر مردان بی تقوا برتری دارد.

پانزدهم: سفارش به اینکه دختر را به هم شأنش شوهر بدهید و به آدم فاسق و بی نماز و بی دین شوهر ندهند که پیامبر فرمود: کسیکه دخترش را به شرابخوار شوهر بدهد، گویا او را به زنا وادار کرده است.»

8- به زنش فخر فروشی نکند.

«ان الله لا يحب كل مختال فخور» لقمان 18

خداوند هر متکبر فخر کننده را دوست ندارد.

مسئله فخر فروشی زن و مرد نسبت به هم از معضلات بعضی از خانواده‌ها می‌باشد. مثلاً مرد مدرک دانشگاهی دارد یا ثروت زیادی دارد یا اینکه امتیاز اجتماعی دیگری دارد و مرتب این امتیازات را به رخ زن می‌کشد همچنین اگر زن فخر فروشی کند چنانچه در یکی از پرونده‌ها که زن لیسانس و مرد پنجم ابتدایی

بود، زن در مسئله‌ای به شوهرش گفت: تو که باندازه پنجم ابتدایی بیشتر نمی‌فهمی چه می‌گوئی؟

و این فخر فروشی‌ها مقدمات اختلاف بین زن و شوهر است.

### فصل پنجم:

#### فرزندان نمونه

فرزندانی که با والدین خود زندگی می‌کنند باید دارای ویژگی‌های زیر باشند تا بتوانند به مسئولیت‌های خود عمل نمایند:

#### 1- تکریم و احترام پدر و مادر

پدر و مادر علت ظاهری بدنیا آمدن هر انسانی هستند لذا خداوند که علت اصلی وجود هر شخصی است، فرموده است که:

«واز بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که فقط الله را پرستند و به والدین

نیکی کنند» بقره 83

«بگو اتفاق آن است که صرف پدر و مادر و فامیل‌های انسان  
شود.» بقره 215

«خدارا عبادت کنید و برایش شریک نگیرید و به والدین  
نیکی کنید» نساء 36

«نباید برای خدا شریک بگیرید و باید به پدر و مادر نیکی  
کنید» انعام 151

«ابراهیم گفت: خدای ما! مرا و پدر و مادرم و مؤمنین را  
بیامرز» ابراهیم 41

«خدا دستور داد که او را به یگانگی پرستید و به پدر و مادر  
نیکی نمائید.» اسراء 23

«خدا در مورد یحیی فرمود: او به پدر و مادرش نیکی می کرد  
» مریم 14

«عیسی گفت: من به مادرم نیکی می کنم» مریم 32

«ما به انسان وصیت کردیم که به پدر و مادرش نیکی  
بکند» عنکبوت 8

«و آدمی را دربارهٔ پدر و مادرش سفارش کردیم- مادرش او را  
در ناتوانی حمل کرد و دو سال او را شیر داد- که مرا و پدر و مادرش  
را شکر نما» لقمان 14

«نوح گفت: خدایا! مرا و پدر و مادرم و هر مؤمنی که به خانه ام می  
آید را پیامرز» نوح 28

که خداوند در بعضی از این آیات بعد از توحید، احترام به پدر و مادر  
را ذکر فرمود.

نیکی به پدر و مادر آثار سازنده ای در جامعه دارد. از جمله  
این آثار میتوان به مستحکم شدن کانون خانواده ها و در نتیجه به  
استحکام جامعه منجر می شود، اشاره کرد.

از نظر روانی نیز فرزندان این خانواده ها در سلامت و آرامش  
خوبی هستند.

همچنین نیکی فرزندان به والدین باعث نیکی فرزندان به آنها می شود.

«پیامبر(ص): به والدین خود احترام بگذارید تا فرزندان شما هم بشما احترام بگذارند»

رضایت والدین از فرزندان مؤمن باعث رضایت خدا می شود. و از جمله دعا های مستجاب، دعای پدر برای فرزند صالح است.

بادعای پدر، علامه شد!

«پدر علامه مجلسی بنام حجة الاسلام محمد تقی مجلسی شبی در سحر مشغول مناجات بود. ناگاه احساس کرد که در این حالت دعایش مستجاب است. بفکر فرو رفت تا چه دعائی بکند. در این حال گریه پسرش محمد باقر بلند شد. پدر دعا کرد که خدایا! پسر مرا فقیه قرار بده!

این پسر بزرگ شد و از فقهای بزرگ اسلام گردید.»

نگاه با محبت به والدین نیز علاوه بر آثار مثبت دنیوی، ثواب اخروی نیز دارد. حتی برای هر بار نگاه با محبت به والدین اگرچه بارها تکرار شود ثواب یک حج مستحبی نوشته می شود.

کسیکه گناهای مرتکب شود چنانچه پشیمان شده باشد، بهتر است برای مقبول شدن توبه خود، به والدین خود محبت نماید.

همچنین نیکی به والدین باعث تقرب الی الله می گردد.

نیکی به مادر او را هم ردیف موسی علیه السلام کرد.

روزی موسی علیه السلام از خدا خواست که همنشین او را در بهشت به او نشان دهد.

خدا به او وحی کرد که همنشین تو در بهشت فلان مرد قصاب است 0 حضرت موسی علیه السلام سراغ قصاب مذکور رفت و به او گفت که آیا مهمان نمی خواهی؟ قصاب جواب داد چرا می خواهم. او حضرت موسی علیه السلام را بخانه خود برد 0 حضرت موسی علیه السلام که او را زیر نظر داشت دید که ابتدا از زنبیلی پایین آورد که در آن پیرزنی فرتوت بود 0 جوان

دست و صورت پیرزن را شست و به او غذا داد. بعد دوباره او را در زنبیل گذاشته و در حالیکه لبهای پیرزن حرکت می کرد، زنبیل را به سقف آویزان کرد. سپس قصاب برای موسی علیه السلام غذا آورد. بعد از صرف غذا، موسی علیه السلام از قصاب پرسید: این پیرزن کیست؟

گفت: مادرم است که چون خدمتکاری ندارم، خودم او را تروخشک می کنم. موسی علیه السلام پرسید: وقتی می خواستی مادرت را در زنبیل بگذاری او چه گفت؟

گفت: هرگاه او را تروخشک می کنم در حق من دعا می کند و می گوید: خدا تو را با موسی در بهشت هم نشین کند.

بزرگان دین به کسانی که نسبت به والدین خود احترام می گذاشتند، با احترام برخورد می نمودند و نسبت به کسانی که به والدین خود جفا می نمودند، با خشم و یا بی اعتنائی برخورد می کردند.

«وقتی خواهر رضاعی پیامبر به دیدن حضرت آمد، پیامبر برای او احترام فوق العاده ای گذاشتند ولی وقتی برادر رضاعی پیامبر آمد حضرت مانند خواهرش به او احترام نکردند. اصحاب علت را پرسیدند. حضرت فرمود علت بیشتر احترام کردن من به خواهر رضاعیم این است که او به پدر و مادرش زیاده تر نیکی می کند.»

محبت باعث مسلمان شدن

«زکریا که مسیحی بود، مسلمان و شیعه شد. امام صادق علیه السلام به او سفارش کرد که اگرچه پدر و مادرش مسیحی هستند ولی احترام به آنها را ترک نکن! وقتی زکریا بیشتر از قبل به پدر و مادرش نیکی می کرد، مادرش از این برخورد او خوشحال شد و تمایل پیدا کرد که او هم مسلمان شود. او از پسرش خواست که شهادتین را به او یاد دهد تا او هم اسلام بیاورد. و این چنین بود که با برخورد اسلامی، مادر زکریا اسلام آورد.

مادر بردوش!



«گویند شخصی مادر خود را بر دوش گرفته بود و او را طواف کعبه می داد. سپس خدمت پیامبر آمد و گفت: آیا حق او را ادا کردم؟ حضرت فرمود: هرگز! و این محبت تو، حتی در برابر یک ناله او در هنگام وضع حمل نخواهد بود.»

امام حسین علیه السلام به جوان تبسم نمود!

«یکی از علماء وقتی در کربلا بود و به حرم رفت و آمد می کرد، متوجه شد که جوانی با حضرت امام حسین علیه السلام ارتباط معنوی دارد. از او جریان را پرسید. جوان گفت خانه ما در چند فرسخی کربلا است. مدتی بود که هر شب جمعه بنوبت پدر و مادر من را به کربلا برای زیارت می آوردم. شب جمعه ای باران می آمد و بنا بود که پدر من را سوار الاغ کرده و به کربلا بیاورم. همینکه عازم شدیم، مادر من از من خواست که او را هم بیاوریم. با اصرار مادر من، او را را بر کولم سوار کردم و با پدر من هم سوار الاغ بود، در زیر باران با زحمات زیادی به حرم مشرف شدیم. وقتی وارد صحن حضرت

شدیم، دیدم که امام علیه السلام در ضریح ایستاده و بمن تبسم می کند. و این حالت هر شب جمعه تکرار می شود.»

از طرفی اذیت رساندن و حتی نگاه با خشم به پدر و مادر نمودن باعث خشم خداوند می شود. در روایت است که اگر با عصبانیت به والدین نگاه کنید حتی اگر آنها به او ظلم کرده باشند، باعث عدم قبولی نماز می شود.

«ابامهزم گوید که: شبی از حضرت باقر علیه السلام خدا حافظی کردم و با مادرم به منزلمان می رفتیم. در راه با مادرم دعوا مان شد و من به او تندی کردم. وقتی فردا خدمت امام رفتم ناگاه فرمود: ای ابامهزم! دیشب بین تو و مادر تو چه گذشت؟ آیا او تو را در شکمش حمل نمود و از سینه اش تو را شیر داد و تو را در دامنش بزرگ نمود؟ دیگر این عمل را تکرار نکن.»

گاهی مجازات اذیت کردن والدین در همین دنیا ظاهر می شود.

جوان با نفرین پدر شل شد!

روزی علی علیه السلام در حال طواف بود که صدای التجاء و مناجات و التماس جوانی را شنید. امام از او دربارهٔ گرفتاریش سؤال کرد.

او گفت: من سالم بودم ولی آنقدر پدرم را اذیت نمودم که او مرا نفرین کرد و من فلج شدم. پدرم تصمیم داشت تا روزی به کنار کعبه بیاید، و برای شفایم دعا کند ولی قبل از این کار، از دنیا رفت. حال من مانده ام این پاهای شل!

امام به او دعای مشلول را یاد دادند که آنرا بخواند. او این دعا را خواند و پیامبر را در خواب دید که حضرت دستی بر پاهای او کشید و او شفا یافت.»

«امام چهارم دیدند که نوجوانی بنحوی ادبانه ای به پدرش تکیه کرده است. بعد از این امام هیچگاه با آن جوان صحبت نکردند تا جوان از دنیا رفت.»

مرحوم کافی و پدر

«مرحوم کافی می گفتند: هرگاه پدرم که یک نفر کاسب ساده ای است، به تهران می آید یا من به مشهد می روم، در جلو زن و بچه و برادر و خواهر خم می شوم و مکرر دست پدرم را می بوسم.»

جوان زبانش لال شد!

«روزی پیامبر بر بـالین جوانی که در حال احتضار بود، حاضر شد. وقتی شهادتین را به او تلقین نمود، جوان نتوانست زبانش را به شهادتین باز کند و گویا لال شده بود. حضرت ، مادرش را خواستند. و از مادرش پرسیدند که آیا از پسرت راضی هستی؟ زن گفت: یا رسول الله! چهار سال است که باو حرف نزده‌ام!

پیامبر از او خواستند که از فرزندش راضی شود. او هم راضی شد و جوان زبانش باز گردید و شهادتین را جاری کرد و از دنیا رفت»

عاق والدین

«پیامبر (ص): بوی بهشت از مسیر پانصد سال راه بمشام می رسد ولی بمشام عاق والدین نمی رسد.»

قصری که ویران گردید!

«ملا علی کازرونی شبی در خواب دید که قصری با عظمت در باغی

قرار دارد. از صاحب قصر سؤال کرد. گفتند: مال فلان نجّار شیرازی است. ناگاه صاعقه ای آمد و قصر را تبدیل به خاکستر کرد.

روز بعد ملا علی کازرونی سراغ نجار رفت و گفت: دیشب چه کار کردی؟ گفت: هیچ! ملاّ او را قسم داد. نجار گفت: شب قبل با مادرم دعا کردم و کار به زدن و کتک کاری کشید.»

سفر غیر ضروری فرزند با مخالفت پدر یا مادر ممنوع بوده و سفر معصیت حساب می شود.

همچنین با پدر و مادر بلند صحبت کردن بی ادبانه، جلوتر از آنان راه رفتن، به آنها اُف گفتن، آنها را تحقیر کردن و.. در اسلام ممنوع است.

«روزی یکی از وزرا با پدرش خدمت امام خمینی (رض) رسید و خود جلوتر رفت و دست امام را بوسید سپس پدرش را معرفی کرد. امام امت به او فرمود: چرا جلوتر از پدرت راه رفتی؟»

«فرزندان باید کمک کار پدر و مادر در امور مختلف خانواده باشند.»

توفیق اجباری در نیکی به والدین

«عید زاکانی از شعرای ایران، چهار پسر داشت که به او که وضع نابسامان مالی داشت، کمک نمی کردند. روزی عید تصمیمی گرفت و پسرانش را جداگانه خواست و به هر کدام گفت: من خمره طلائی پنهان کرده ام که در نظر دارم بعد از مرگم بتو برسد! پسرها با شنیدن این سخن، رفتارشان با پدر عوض شد و همه روزه برای او آذوقه می آوردند.

عید تا آخر عمر زندگی خوشی داشت. اما وقتی بعد از مردن عید به محل خمره رفتند، دیدند که فقط کاغذی در خمره است که بر روی آن نوشته شده است:

خدا داند و من دانم و تو دانی که فلوس هیچ ندارد عبید زاکانی! از نظر اسلام چنانچه والدین نیازمند و فرزندان متمکن باشند، واجب است که مخارج پدر و مادرشان را بدهند.

حقوق والدین بر فرزندان فقط مربوط به زمان حیات آنان نمی شود و باید بعد از رحلتشان نیز همواره بفکر آنان بوده و برای ایام برزخ مرتب آذوقه های معنوی از قبیل نماز قضاء، صدقات، کارهای خیر بنیت آنان و پاک کردن بدهکاریهای آنان فرستاد.

متأسفانه در فرهنگ ما طوری عمل می شود که واجبات فدای مستحبات می گردد. کسیکه از دنیا می رود بجای اینکه واجبات او را که دستش از دنیا کوتاه شده ادا کنند و مخصوصاً حق الناس اگر بر او ست ادا کنند، بفکر غذا دادن و گاهی خودنمائی های ضرر آور می افتند. چندین روز بستگان عزادار میت سفره می اندازند و پولهایی که گاهی با عدم رضایت قلبی تهیه شده صرف امریکه حتی استحباب آن ثابت نشده می نمایند. گاهی مخارج آنچنان بالاست که تا مدتها زیر بار قرض می روند. حال آنکه در

سنت اسلام وارد شده که تاسه روز مردم برای تعزیت و تسلیت به دیدن اقوام میت بروند و موقع غذا که می شود، همسایگان و فامیلها، برای بستگان درجه اول میت غذا ببرند.

و اگر بخواهند در حق میت خوبی کنند باید ابتدا بدهکاریهای مالی او را پاک کنند. سپس نمازها و روزها و حج هائیکه بعهدہ داشته بطریقی ادا نمایند. سپس ارث را طبق شریعت اسلام تقسیم نمایند و اگر می خواهند پولی برای او صرف کنند خرج کارهای دائمی مثل چاپ کتب مفید، ساختن مدرسه و درمانگاه و بیمارستان و مسجد و حوزه علمیه و کتابخانه و... نمایند.

امام پنجم علیه السلام: سرور و آقای نیکان در قیامت، شخصی است که

بعد از رحلت پدر و مادرش، نیز به آنان نیکی کرده است- آنان را فراموش ننموده است-.



«شخصی به پیامبر (ص) گفت: نذر کرده‌ام آستانه بهشت را ببوسم. حال چه کنم؟ فرمود: پای مادر و پیشانی پدر را ببوس تا به نذرت عمل کرده باشی. و اگر از دنیا رفته‌اند، قبر آنان را ببوس.»

«امام سجاد علیه السلام به پسرش: دقت کن و بین آیا احدی از انسانها را می‌توانی پیدا کنی که از نعمت پدر و مادرت برایت مهمتر و بیشتر باشند.»

«در روایات ما از رسول خدا (ص) و علی مرتضی علیه السلام بعنوان والدین معنوی شیعیان نام برده شده است که اهمیتشان از والدین جسمی بیشتر می‌باشد.»

*احترام به سالمندان*

در مکتب اسلام برای سالمندان جایگاه ویژه‌ای در نظر گرفته شده است. در سوره اسراء آمده است:

إِمَّا يَبْلُغَنَّ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٌ

وَلَا تَنْهَرَهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا مَعْرُوفًا

اگر یکی از والدینت یا هردویشان به سالخوردگی

رسید پس مبادا به آنهاحتی اُف بگویی و آنها را نرنجان وبا

آنان با خوبی حرف بزنی.

این یکی از آزمونهای الهی است که گاهی خداوند بوسیله

پدریاپدربزرگ ویا مادر ویا مادر بزرگ سالخورده وناتوان از

فرزندان ونوه هایشان بعمل می آورد.که چگونه وجود اینها را

تحمل می کنند.البته در کشور ایران دراکثر خانواده ها،بخاطر خوی

ایرانی واسلامی بودن برای پیران بعنوان بزرگان فامیا احترام

خاصی قائلند واز آنها خوب مواظبت وپذیرائی می نمایند.

سالخوردگان در این ایام به احترام بیشتری نیاز دارند.آنها بخاطر

اینکه دیگر از کار وتلاش بازنشسته شده اند گاهی در خود

احساس تنهایی می نمایند لذا باید با آنها بیشتر گرم گرفت وبا

تحمل وصبر به سخنان آنان گوش داد مخصوصا اگر دچا نقص در

حواس پنجگانه هستند باید بیشتر به آنها رسیدگی نمود. و حتی  
غمرهای آنان را تحمل نمود.

«امام ششم علیه السلام: ای میسر! اگر می خواهی عمرت زیاد شود  
به پدر و مادر پیرت نیکی کن.»

و لازم نیست که سالمند از بستگان انسان باشد. بلکه باید به هر  
پیر مسلمانی احترام گذاشت.

«رسول خدا صلی الله علیه و آله: کسیکه پیر مسلمانی را احترام  
کند از فزع اکبر قیامت در امان خواهد بود.»

اما عده ای از فرزندان هستند که اجر و ثواب نگه داری از پیران  
رافراموش کرده و آنان را به طرق مختلف اذیت می کنند. به آنان  
بی اعتنائی نموده و آنها را وبال گردن خود و یک عضو اضافه  
خانواده فرض می کنند که این برخوردها ضربات سختی بر روح  
و روان پیران وارد کرده و گاهی باعث مرگ زودرس آنان  
و باصطلاح دق مرگ شدنشان می شود. که باید عاملین این اذیت  
و آزارها در انتظار عذاب دنیوی و اخروی الهی باشند.

«گویند وارثین شخصی برای پدرشان خیرات ومبرات نمی کردند. نصیحت کننده‌ای به آنان گفت که اگر برای پدرتان کارهای خیر نکنید اودر قبر می‌سوزد! آنان گفتند: اگر یکنفر بسوزد بهتر است که ما ده نفر بسوزیم!»

در فرهنگ غرب بی‌اعتنایی به سالمندان یک امر عادی وفراوان است وهیچ جایگاهی برای سالمندان در بین خانواده‌ها در نظر گرفته نشده‌است.

«نماینده آیه‌ اللہبروجردی در آلمان گفته بود که برای عیادت مسلمانی به بیمارستان می‌رفتیم. در اتاق آن مریض یکی از پیرمردهای آلمانی بستری بود. روزی از ما پرسید که شما با این مسلمانی که مرتب به عیادت اومی‌آئید نسبتی دارید؟ گفتیم خیر بلکه او برادر مسلمان است. او گفت بااینکه زن وبچه من در همین شهر هستند ولی تاکنون به عیادت من نیامده‌اند!»

احترام به سالمندان منحصر به خویشان نیست بلکه باید به هر پیری احترام گذاشت.

«روایت شده که امیرالمؤمنین علیه السلام در شهر کوفه چشمش به پیرمردی یهودی افتاد که مشغول گدایی بود. حضرت از الو پرسید چرا گدایی می‌کند؟ گفت تا جوان بودم کار کردم ولی اکنون قادر به کار نیستم. امام دستور داد تا از بیت المال مسلمین برای او حقوق مقرر فرمودند.»

«نقل شده که عده‌ای به دیدار امام صادق علیه السلام رفتند. امام به آنها گفت چرا بما ظلم می‌کنید؟ آنها گفتند که ما چه ظمی بشما کرده‌ایم؟ فرمود در راه آمدن به مدینه پیرکردی که همراهمان است از خستگی پیاده آمدن به جوانی که سوار اسب بود گفت اگر می‌شود مر هم سوار کن که خیلی خسته شده‌ام. ولی او جواب نداد و اعتنایی به آن پیرمرد ننمود. و این ظلم به ما حساب می‌شود.»

## 2- اهمیت دادن به زیبایی باطنی

تمایل آدمی به زیبایی و جمال یکی از خواسته‌های فطری بشر است و احساس لذت از مناظر زیبا، با سرشت انسان آمیخته

شده است. بهمین جهت تمام طبقات مردم حتی ملل و اقوام دور از تمدن شهری دارای این احساس طبیعی هستند.

در دنیای کنونی مسئلهٔ زیبائی مورد کمال توجه قرار گرفته و تمام طبقات مردم به زیبائیه‌ها ابراز علاقه می‌کنند و علم و پیشرفت در خدمت این مسئله قرار گرفته و آخرین دستاوردهای علمی را برای زیبا کردن بکار می‌گیرند.

مردم علاقه دارند همه جا و همه چیز زیبا باشد. در خانهٔ آراسته زندگی کنند، لباس زیبا و شیک بپوشند، صورت و موهای خود را بیارایند، روی مبل قشنگ بنشینند، سوار ماشین زیبا بشوند، حیاط منزل و اطاق پذیرائی، غرق گل‌های قشنگ باشد، و خلاصه امروزه پول‌هایی را که مردم خرج قشنگ کردن خود و زندگی خود می‌کنند اگر از مصارف ضروری بیشتر نباشد، کمتر نیست!

آئین اسلام که برنامهٔ جامع سعادت و کامیابی بشر است، به موضوع جمال و زیبائی توجه مخصوصی دارد. اسلام در ضمن پرورش کلیهٔ تمایلات فطری بشر، عاطفهٔ جمال دوستی مردم را

نیز مورد حمایت و تربیت قرار داده و استفاده از زیبائیهای طبیعی و مصنوعی را به پیروان خود اکیداً توصیه کرده است.

قرآن در آیات مختلف این مطلب را ذکر نموده است. از جمله در آیه 7 سوره 18 «إِنَّ أَجَعْلَنَّا مِ الْأَرْضِ زِينَةً لَهُ» یعنی: ما موجودات روی زمین را زینت و جمال زمین قرار دادیم.

و در آیه 7 سوره 50 می فرماید: «أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهُ وَ زَيْنَاهُ» یعنی: آیا به آسمان بالای سرشان نگاه نمی کنند که چگونه آن را ساخته ایم و آن را زیبا نموده ایم؟

و در آیه سوره اعراف می فرماید: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ» بگو چه کسی زینتهائی را که خدا برای بندگانش قرار داده، حرام نموده است؟

پیامبران خدا عموماً زیبا و عاری از هر گونه نقص بدنی بوده اند. صورت زیبا و چهره جذاب یوسف صدیق 7 یکی از امتیازات آن پیامبر محسوب می شد.

پیشوای عالیقدر اسلام حضرت محمد6 علاوه بر زیبائی رخسار، گیرندگی و ملاحات مخصوصی داشت.

امیرالمؤمنین علی7 نیز زیبا بود، چنانچه در باره او آمده است: روزی علی7 نزد پیامبر رفت. قیافه جذّاب و صورت زیبایش بقدری جلوه داشت که پیامبر فرمود: چنین پنداشتم که ماه شب چهارده بمن نزدیک شده است.

این مقدمه‌ای بود تا گفته شود یکی از آثار بلوغ، بوجود آمدن زیبائی طبیعی در جوانان از یکطرف و از طرفی میل به خودآرائی و زینت نمودن است. بطوری که گاهی این حس به افراط کشیده شده و در بعضی از دختران منجر به یک نوع بت پرستی برای بدن و هنر می گردد. اینجاست که باید معیاری برای ارضای این حس وجود داشته باشد تا از هر گونه افراط و تفریط جلوگیری نماید. اسلام از راه پاکیزگی بدن، مسواک دندانها، معطر بودن، رنگین کردن و روغن زدن مو، لباس زیبا پوشیدن و کارهائی نظیر اینها،



حسّ خود آرائی جوان را به راه صحیح و بی خطر هدایت نموده و  
بر جلوه و جمال آنان افزوده است.

تجمل پرستی و زیاده روی در زینت و خود آرائی، عوارض  
نامطلوبی دربر دارد و ممکن است دختران و پسران را به راههای  
غلط سوق دهد و مایه تیره روی و بدبختی آنان گردد.

از جمله عوارض نامطلوب آن، پیدا شدن وسواس و اختلالات  
روحي، پیدا شدن خوی ریاکاری و خود پرستی، صرف شدن مقادیر  
زیادی از عمر گرانقیمت در این کار، فاصله زیاد بین ظاهر و باطن  
اشخاص و غیره می گردد.

البته اسلام به زیبایی باطنی هم اهمیت داده و آن را یکی از ارکان  
اساسی زیبایی بشر می داند. به عبارت دیگر، زیبایی کامل و جامع  
برای انسان عبارت از این است که سیمای جسم و جان و شکل و  
صورت و معنی هر دو زیبا باشند. جمال طبیعی و تجمل مصنوعی،  
ظاهر را زیبا می کند ولی علم و اخلاق که عالی ترین زینت و

درخشانترین زیور اختصاصی انسان است به آدمی زیبائی روحانی  
و جمال معنوی عطا می نماید.

امام عسگری 7 فرمود: زیبائی صورت، جمال ظاهری است و  
زیبائی عقل، جمال باطنی است.

*میل به جمال معنوی در جوانان*

خوشبختانه در دوران جوانی، میل به جمال روحانی و صفات  
خوب اخلاقی در باطن جوانان بیدار می گردد و علاقه به زیبائی  
معنوی، در ضمیرشان شکفته می شود. جوانان بطور طبیعی به  
جوانمردی و فتوّت تمایل پیدا می نمایند و فطرتاً به فضائل اخلاقی و  
صفات ماندر استگوئی، فداکاری و ایشار، عزّت نفس، اداء امانت و  
نظائر آنها علاقه پیدا کرده و از صفات بدی مانند دروغگوئی،  
خیانت، عهد شکنی، نادرستی و غیره متنفرند.

جوانان در رابطه با صفات اخلاقی سه دسته اند:

**اول:** جوانی که دارای سجایای اخلاقی و صفات انسانی است، جوانی که پاکدل و با ایمان، راستگو و درستکار، خدمتگذار و باوفا، امین و خیرخواه و خلاصه دارای صفات پسندیده است، در جامعه محبوبیت دارد. او واجد زیبایی ظاهری و جمال معنوی است و همواره مورد علاقه و احترام مردم خواهد بود. چنین جوانی مانند شاخ گل معطری است که علاوه بر طراوت و جمال طبیعی، دارای بوی مطبوع و شامه نوازی است.

**دوم:** جوانی است که دارای صفات خوب اخلاقی نیست ولی به صفات بد هم آلوده نشده است. اگر خیرش به مردم نمی رسد، شری هم ندارد. اگر از بینوایان دستگیری نمی کند، به آنان آزار هم نمی رساند. این گروه هم تا اندازه ای محبوب جامعه هستند زیرا به مردم آسیبی نمی رسانند و جامعه از شر آنان در امان است.

**سوم:** جوانی است که آلوده به صفات ناپسند است! اخلاقش فاسد و مردم از رفتار و گفتارش در عذاب هستند! او هر چقدر زیبایی

ظاهری همداشته باشد و مو و صورت و لباس خود را بیاراید، باز هم مورد تنفر جامعه است! زیرا جمال ظاهری نمی‌تواند عیوب باطنی او را بپوشاند. مانند جوان زیبائی که مثلاً کودکی را به قتل برساند! در این هنگام سیل خشم و تنفر مردم متوجه او می‌شود و مردم هرگاه او را می‌بینند و یا عکسش را در روزنامه‌ها مشاهده می‌نمایند، نه تنها از قیافه زیبای او مسرور و خوشحال نمی‌شوند بلکه برعکس انزجارشان بیشتر می‌شود و اگر دستشان به او برسد معلوم نیست چه بلائی سر او بیاورند!

### *سعادت جوانان*

باید ببینیم چه باید بکنیم تا جوان سعادت‌مند باشیم؟ برای آنکه جوانان به سجایای اخلاقی متخلق شوند و از زیبائی روحانی برخوردار گردند، برای آنکه جوانان گرفتار فساد اخلاق نشوند و سرانجام مطرود جامعه نگردند، باید خودشان و همچنین مربیان‌شان همواره متوجه وظائف خویش باشند.

جوانان باید خود را بشناسند و در خاطر داشته باشند که ایام کودکی راپشت سر گذارده و اینک خود دارای استقلال و مسئولیت شخصی هستند، باید بدانند که اکنون قسمت اعظم خوشبختی و بدبختی آنان در اختیار خودشان قرار گرفته است.

آنان باید بدانند که با شرکت در مجالس گناه و معاشرت با افراد آلوده و ناپاک، موجبات تیره روزی و بدبختی خود را فراهم می آورند و خویشان را به فساد اخلاق که باعث بدنامی و نفرت اجتماعی است، آلوده می نمایند.

### 3- تقلید از الگوهای نمونه

حسّ تقلید یکی از تمایلات طبیعی است که در تمام افراد بشر در سنین مختلف وجود دارد و در نسل جوان شدیدتر است.

آدمی میتواند بوسیله تقلید، از تجربیات علمی و عملی دیگران استفاده کند و راهی را که گذشتگان پیموده و به نتیجه رسیده اند

را بپیماید و به اهداف خود با زحمت کمتر و سرعت بیشتر دست پیدا نماید.

نوجوانان برای ساختن شخصیت خویش و برگزیدن صفات لازم، از دیگران تقلید می کنند و روش آنان را برنامه کار خود قرار می دهند. با توجه به اینکه تمایل خودنمائی و تشخص طلبی در نوجوانان شدید است، کوشش می کنند تا جائی که میسر است از اشخاص مشهور و ممتاز پیروی نمایند و صفات آنان را الگوی شخصیت سازی خود قرار دهند، به این امید که هر چه زودتر و بیشتر شهرت و افتخاری کسب نمایند و مورد توجه عموم قرار گیرند.

گاهی در این خصوص از قهرمانان ورزشی تقلید می کنند. گاه از ستارگان سینما تقلید می کنند و کارهای ساختگی و غیر واقعی آنان را برنامه زندگی خود قرار می دهند. مانند آنان راه می روند، حرف می زنند، لباس می پوشند، نگاه می کنند، می خندند، معاشقه می کنند و صورت و موی خود را می آرایند و خلاصه بجای اینکه

شخصیت خویش را براساس سجایای اخلاقی و صفات انسانی پیریزی کنند و خود را انسان لایقی بسازند، از این ستاره ها و الگوها تقلید کرده و رفتار آنان را برنامه کار خود قرار می دهند و به این واسطه بزرگترین ضربه را به شخصیت معنوی خود می زنند.

خطراتی جوانان را تهدید می کند و چه بسا تقلیدهای نابجا باعث شده که از مسیر پاکی و فضیلت منحرف گشته و برای ارضاء حس برتری جوئی، مرتکب گناهان بزرگ شده اند و برای همیشه موجبات تیره روزی و بدبختی خود را فراهم آورده اند.

### *اثر تقلید غلط*

«مادری در لبنان به دادگاه مراجعه و از پسرش شکایت کرد. و اظهار نمود که پسر دوازده ساله او مرتب از مدرسه فرار می کند و بی حساب پول خرج می نماید و او نمی داند این پولها از کجا آمده است. پس از تحقیقاتی که از «عدنان» شد، او اعتراف نمود که ابتدا فن سرقت را از مشاهده فیلمها یاد گرفته و تاکنون مرتکب 27

فقره سرقت شده است. از جمله هفت دستگاه دوچرخه را دزدیده و فروخته است.»

«در زمان حکومت طاغوت عده‌ای نوجوان که برخی دانش‌آموز بودند وباند سرقت اتومبیل را اداره می‌کردند، دستگیر شدند. سن این گروه بین 16 تا 20 سال بود. بیشتر آنان در بازجوئی در مورد انگیزه این کار می‌گفتند: ما خودمان هم نمی‌دانیم چرا به اینکار دست زدیم اما هرچه بود از سرقت ماشین مخصوصاً کارهای قهرمانی این سرقتها لذت می‌بردیم.»

### آثار اجتماعی تقلید نادرست

تقلید نادرست است که باعث بسیاری از کارهای خلاف می‌شود و مخصوصاً در مورد نوجوانان و جوانان. در همین کشور خودمان تقلید از فیلمها و هنرپیشه‌ها چه آثار زیانباری که به بار نیاورده است!



اگر عده‌ای از نوجوانان ما سیگار می‌کشند، نتیجه تقلید ناصحیح است. اگر گروهی به مشروبات الکلی روی می‌آورند باز هم نتیجه تقلید است.

اگر عده‌ای از دختران از حجاب و عفت زنانه گریزان هستند این هم نتیجه تقلید است. و اگر اعتیاد و روابط نامشروع و استفاده از انواع لباسهای باصطلاح رپی در بین بعضی از جوانان ما وجود دارد، این هم به تقلید نادرست برمی‌گردد.

دامنه تقلید بسیاری از مسائل زندگی ما را دربر می‌گیرد که گاهی آن مسئله سرنوشت ساز است مثل تقلید در مسائل مذهبی.

متأسفانه انسانهای زیادی از ادیان مذاهب باطل شده هستند که بخاطر تقلید از پدران و اجداد خود، بر همان مذهب غیر حق باقی مانده‌اند. در حالیکه اگر درباره درستی و نادرستی دین اجداد خود بررسی و تفکر می‌کردند، می‌توانستند به راه حق دست پیدا کنند.

دین تو به تقلید پذیرفته ای دین به تقلید بود سرسری

آنک او از پرده تقلید جست او به نور حق ببیند آنچ هست

## تقلید از خوبان

اکثر کارهای انسانها بر مبنای تقلید انجام می گیرد. چه تقلید صحیح و چه از روی تقلید نادرست. تقلید نقش تعیین کننده ای در صلاح و فساد انسانها دارد. آنهاییکه با کمک عقل و توفیقات الهی در مسیری قرار گرفته اند که روش زندگی شان بر مبنای انجام دادن کارهای صحیح است، و تبعیت از پیامبران و اولیاء خداست، و یا از بزرگان دین همچو علمای ربانی تبعیت می کنند، معمولاً به سعادت می رسند. و اما آنهاییکه بدون تفکر و تعقل از منحرفین و بدعت گزاران و مغضوبین الهی تقلید می نمایند، عاقبت خوبی ندارند.

یکی از مسائل حساس در کشور ما بی توجی به علم و دانش و توجه زیاد به جلوه های مادی زندگی است. در بسیاری از خانه ها یک کتاب غیر درسی پیدا نمی شود و از مطالعه پدر و مادر و فرزندان و از توجه به کتاب و بالابردن دانش، خبری نیست ولی

در عوض دستگاهای صوتی مثل ضبط چند صد هزار تومانی، ویدئو سی دی آنچنانی، گاه ماهواره و خلاصه چیزهایی که معمولا جز سرگرمی که گاهی همراه با فساد است، فایده‌ای برای خانواده‌ها ندارد. و این هم بر اساس تقلید نادرست می‌باشد.

همچنین تقلید از سنتهای نادرست باعث مشکلات عظیمی برای زندگی ما ایرانی‌ها شده است. تقلید از سنتهای غلط ازدواج باعث ایجاد معضل بالا رفتن سن ازدواج در جوانان و پایین آمدن آمار ازدواج در کشور ما و آثار روانی این معضل شده است.

تقلید از سنتهای غلط در مراسم بزرگداشت اموات باعث تحمیل مخارج سنگین بر وابستگان مرده و اسراف و تبذیرها در این مراسمات شده است.

اسلامی که بما دستور می‌دهد مراسم ازدواج را آسان بگیریم. در مراسم سوگواری مرده، صاحبان عزا باید عزاداری کنند و موقع ظهر و شام، از طرف دیگر فامیلها یا همسایه برایشان غذا بیاورند، و بیش از سه روز عزاداری ننمایند و...

تقلید نادرست در مهمانی‌ها باعث چشم و هم چشمی‌ها و تحریف شدن مهمانی اسلامی و مهمانی صحیح شده است که این مهمانی هاگاه نه تنها به نزدیک شدن دلها کمک می‌کند بلکه به ایجاد اختلاف و کینه منجر می‌گردد.

تقلید صحیح آنست که از کارهای خوب دیگران درس بگیریم و کارهای بد دیگران را بخودشان واگذار نمائیم.

درباره تقلید باید پنج نکته مورد توجه قرار گیرد:

اول آنکه از افراد منحرف و گناهکار تقلید نشود، زیرا گناهکاران دیر وزود دچار شکست و بی‌آبرویی می‌شوند.

دوم آنکه بدانند که ساختمان طبیعی و استعدادهای افراد با هم تفاوت دارد. خدا انسانها را مختلف آفریده و هر انسانی برای انجام کار مناسب با ساختمان خود آمادگی بیشتری دارد.

سوم اینکه از بهترین الگوها را که انسانهای برگزیده هستند تقلید کنیم و از انسانهایی که دارای صفات بدهستند، تقلید ننمائیم.

چهارم اینکه در هر تقلیدی، خوب فکر کنیم و چنانچه با عقل سلیم موافق بود آنرا انجام دهیم.

پنجم اینکه در مسائل شرعی یا باید خودمان مجتهد و متخصص باشیم که این نیاز به حداقل بیست سال درس حوزوی دارد و یا باید از مجتهدی که بنظر ما از همه اعلم است، تقلید نمائیم. همانطور که در مسائل پزشکی از دستورات پزشک تبعیت می کنیم و یا در مسائل ساختمانی از معمار و مهندس تبعیت می نمائیم.

#### 4-دوری از مواد مخدر

از عوامل انحراف و موانع زندگی سالم، اعتیاد به انواع مواد مخدر است. در زمان کنونی به دلائل مختلف از جمله همسایگی با کشورهای مانند افغانستان و پاکستان، پل ارتباطی بودن ایران برای صادرات مواد مخدر به دنیا، کشور ما را دچار این مرض سخت و خطرناک و این مشکل و معضل بزرگ نموده است. شاید

بیش از دو میلیون نفر از هموطنان ما یابه صورت اعتیاد و یا تفریحی و تفنّنی از مواد مخدر استفاده می‌نمایند.چه جوانانی که در راه استفاده و یا قاچاق مواد مخدر جان خود را ازدست داده‌اند. و چه جوانانی که بخاطر اعتیاد به انواع گناهان و تخلفات آلوده شده و از سرقت گرفته تا قتل و تجاوز و غیره را مرتکب می‌شوند.

اعتیاد پلّهای است که با آن، انجام بسیاری از خلافها و ناهنجاریها،شدنی شده است. عوامل اعتیاد را چند چیز شمرده‌اند:

رفیق : شصت درصد معتادین از طریق رفیق ناباب آلودگی پیدا کرده‌اند. جوان سالم باید در مسئلۀ رفاقت، هشدارهای اسلام و بزرگان و افراددلسوز را گوش کند تا به دام این نارفیقان نیفتد.

ناراحتی های عاطفی:چهارده درصد از معتادین باین علت معتاد شده‌اند.

کنجکاوی: هشت در صد بخاطر کنجکاوی معتاد شده‌اند.

لذت جویی: شش درصد بخاطر لذت از استفادهٔ مواد مخدر آلوده شده‌اند.

تسکین درد: پنج درصد برای نجات از درد جسمی معتاد شده‌اند.

فامیل معتاد: چهار درصد از فامیل معتاد خود اعتیاد را فرا گرفته‌اند.

#### 5- تسریع در ازدواج

ایمن‌ترین راه برای دوری و مصونیت از انحرافات، ازدواج می‌باشد. ازدواج آثار خیر و پربرکتی دارد از جمله:

1- حفظ دین: «رسول خدا<sup>6</sup> فرمود: کسی که ازدواج بکند نصف دین خود را خریده است».

2- باعث پاکدامنی و عفت: رسول خدا<sup>6</sup>: ازدواج بیش از هر چیز دیگری موجب چشم‌پوشی از گناهان و موجب پاکدامنی می‌شود.

3- موجب بقاء نسل حلال است: رسولخدا6: ازدواج کنید تا نسلتان زیاد شود که من در روز جزا از زیادی امّتم و لو به طفل سقط شده، افتخار می کنم.

4- عامل آرامش روانی زن و مرد.

5- نجات از جهنّم: رسولخدا6 فرمود: اکثر اهل جهنم از عذاب ها (مجردها) هستند!

6- پرورش حس مذهبی

در مکتب اسلام برای رام کردن غرائز و تعدیل تمایلات نفسانی، از عقل، علم، تربیت، حیاء اجتماعی، نظارت ملّی، قوانین کیفری صحبت شده است. ولی بزرگترین قدرتی که در این آئین مقدّس برای مهار کردن غرائز مورد استفاده واقع شده و نتایج بزرگ و ثمربخش به بار آورده، احساس مذهب است. دانشمندان اذعان کرده اند که تقریباً از سنّ دوازده سالگی، تمایل و علاقه و عشق به مذهب در انسان پیدا می شود. «موریس دبس می گوید:



گویا همهٔ روانشناسان در این نکته متفقند که مابین بحران تکلیف و جهش ناگهانی احساسات مذهبی، ارتباطی وجود دارد. در این اوقات یک نوع نهضت مذهبی حتی در کسانی دیده می‌شود که سابق بر این نسبت به مسائل مربوط به مذهب و ایمان لاقید بوده‌اند، حداکثر این احساسات مذهبی در حدود 16 سالگی پیدامی‌شود». جالب آنکه تمایل به مذهب در 12 سالگی که آغاز فعالیت بلوغ است، آشکار می‌شود. در آن موقع غرائز هنوز بخوبی شکفته نشده‌اند و مزاج کودک اسیر طغیان شهوات نیست. گوئی خداوند حکیم به صورت پیشگیری قبل از بروز طوفان و طغیان غرائز، وسیلهٔ مهار کردنشان را آماده نموده است و دوران چند سالهٔ بلوغ را مهلت خودسازی و پرورش احساس مذهب قرار داده است.

در این رابطه باید به دو نکته توجه نمود: یکی آنکه این احساس مذهبی باید در مسیر صحیح هدایت شود. در دنیایی که صدها مذهب انحرافی وجود دارد و مطالب خرافاتی فراوانی در دینهای تحریفی نهفته است و این مطالب در عصر حاضر با پیشرفتهای

علمی نمی سازد، گاهی جوان را دچار شک و بی دینی می کند. فقط اسلام عزیز که دین تعقل و تفکر است، دین علم و تعلّم است و آئین خلقت و فطرت است و دین خالی از اوهام و خرافات است، می تواند حس مذهبی جوانان را اشباع نماید. کتاب مسلمانان، قرآن با پرستش بت و گاو و ستاره و ماه و با تمام عقاید خرافی مبارزه کرده است و بشر را به توحید عقلی و علمی و عملی هدایت فرموده است. اسلام با خرافات جاهلانه و با تثلیث (خدایان سه گانه مسیحیت) که مذهب شایع غرب است مبارزه نموده است. تنها اسلام است که هیچ گونه مطلب خرافه و وهم و خلاف عقل سالم ندارد.

دوم پرورش این حس مذهبی است. اولین برنامه اسلام برای پرورش این حس، دعوت انسانها به خداوند بخشنده و مهربان است. بخشنده گی و مهربانی دو صفت مطبوع و دلپذیری است که پروردگار را محبوب نوجوان می کند و عواطف و احساسات او را برای دوست داشتن خداوند عزیز، تهییج می نماید و بهر نسبتی که محبتش به خدا بیشتر شود، دین و ایمانش محکمتر می گردد.

امام پنجم 7 فرمود: آیا دین جز محبت چیز دیگری است؟

دین اسلام بر محبت بنا شده است. عشق به خدا و نمایندگان خدا و مؤمنین به خدا. در قرآن برای واداشتن انسانها به نیکیها و بازداشتن از بدیها، بازبان محبت و احساس سخن گفته و به دوست داشتن و دوست نداشتن خدا تکیه کرده است. مانند: خدا دادگران را دوست دارد. خدا توبه کنندگان را دوست دارد. خدا نیکوکاران را دوست دارد. خدا صابران را دوست دارد.

و می فرماید: خدا ستمکاران را دوست ندارد. خدا مفسدین را دوست ندارد. خدا ظالمین را دوست ندارد. خدا خائنین را دوست ندارد. خدا مستکبرین را دوست ندارد.

عبادات هم بر پایه تقرب و نزدیکی به خدا انجام می شود. مانند: نماز می خوانم برای نزدیکی بخدا. روزه می گیرم برای نزدیکی بخدا.

7- ارزش قائل شدن برای علم و دانش

اولین و بهترین بذری که باید در زمین با استعداد دل نوجوانان و جوانان افشانده شود، بذر پربرکت علم و دانش است. علم مایهٔ اساسی سعادت و خوشبختی است، علم باعث شکفتگی عقل و بروز کمالات انسانی است و خلاصه علم پایهٔ محکم تمام افتخارات بشری است.

قرآن کریم، علماء و دانشمندان را گروه ممتاز جامعه شناخته و برتری آنان را نسبت به مردمانی که فاقد علم و دانش هستند، خاطرنشان فرموده است: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ، إِنَّمُ الْيَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ». آیا دانشمندان با غیر دانشمندان برابرند؟ صاحبان خرد تفاوت این دو گروه را تشخیص می‌دهند.

علوم مختلف هر یک به فراخور خود، کمالاتی را به جوان عرضه می‌کنند. علوم طبیعی، باعث می‌شود که انسان با ساختمان وجود خود و سایر موجودات کرهٔ زمین تا اندازه‌ای آشنا شود. و به عظمت خلقت و نظم عجیب کتاب آفرینش پی ببرد. علوم

روانی و تربیتی انسان را با روح و روان خود تا اندازه‌ای آشنا ساخته و راههای کنترل این نیرو را به انسان آموزش می‌دهد. با این علم می‌تواند خویبها و بدیها را بشناسد و عادت کند که در تمام عمر به خویبها روی آورد و از بدیها فاصله گیرد. علوم دینی درس خداشناسی و تشکر از آن خالق بخشنده را به جوان تعلیم می‌دهد. جوان اگر دیندار شد در مقابل بسیاری از انحرافات واکسینه و ایمن می‌گردد.

امام صادق 7 می‌فرماید: «دوست ندارم جوانی از شما را ببینم مگر اینکه روزش را با یکی از دو حالت آغاز کرده باشد، یا تحصیل کرده و عالم باشد (و از علمش را به دیگران بیاموزد) و یا دانشجو و مشغول تحصیل علم و دانش باشد. پس اگر جوانی این دو حالت را نداشت، در وظیفه‌اش کوتاهی کرده و اگر کوتاهی کرد عمرش را ضایع نموده و اگر عمرش را ضایع نمود، به گناهکاری منجر می‌شود و اگر گناه کرد بخداوندی که پیامبر را به نبوت فرستاد، در عذاب الهی ساکن می‌گردد».

حضرت موسی 7 گفت: خدایا کدام انسان را بیشتر دشمن داری؟ فرمود: آنکه شبها چون مردار افتاده و روزها عمر خود به بطالت می‌گذراند.

عده‌ای از جوانان در این ایام گرانبها، عمر خود را به بوالهوسی و بطالت می‌گذرانند. اینان در بزرگسالی پیوسته گرفتار پشیمانی و ندامت می‌شوند و همواره در آتش افسوسی که در باطن خویش افروخته‌اند می‌سوزند، ولی افسوس و ندامت برای فرصت از دست رفته اثری ندارد. عده‌ای هم قسمتی از عمر عزیز خود را به مطالعه کتابهای موهوم و افسانه‌های غیر مفید و احياناً مضرّ مصروف می‌دارند. این کتابها آنان را از دنیای واقعیات دور کرده و به دنیایی که غیر واقعی و دروغ است می‌برد.

کتابهای پلیسی و رمانهای عشقی افکار آنان را از واقعیت دور کرده و اراده آنان را ضعیف و کم‌کم موجبات انحرافات اخلاقی را فراهم می‌کند.

حضرت علی 7 می فرماید: کسی که خود را به مسائل زائد و غیر لازم سرگرم کند از آنچه که مهم و مورد آرزوی اوست باز می ماند.

امّا مطالعه وقایع تاریخی، قصه های پیامبران الهی، زندگینامه بزرگان علم و ادب، و امثال آن در تربیت صحیح فکر و پرورش روح، اثرات مهمی را دارد.

امیرالمؤمنین علی 7 به فرزندش امام حسن 7 می فرماید: ای فرزند عزیز! گر چه عمر من باندازه عمر گذشتگان نبوده است ولی در کارهای آنان فکر نمودم و در اخبار آنان تأمل نمودم و در آثارشان سیر کردم تا جایی که گویی من هم یکی از آنان بوده ام! بلکه از نتایج مهمی که به دستم رسید، گویا من با اولین و آخرینشان عمر نموده ام و خوب و بدشان را فهمیدم و خلاصه این دانشم را بعد از غربال مطالب زیبا و سودمند از مطالب بی فائده و بی اثر، برای تو باز می گویم.

8- استفاده از فرصتها

دوران جوانی، ایّام مؤاخذه و مسئولیت شخصی است، سنّ بیداری و به خود آمدن است، موقع کار و فعالیت است. کسی که در بحبوحهٔ جوانی به سعادت خود فکر نمی‌کند و در راه خوشبختی مادی و معنوی خود گام بر نمی‌دارد، جوانی که با سستی و سهل‌انگاری بهترین ایّام عمر خود را به رایگان از کف می‌دهد و از آن فرصت بی‌نظیر قدردانی نمی‌نماید، استحقاق توبیخ و کیفر دارد.

امام صادق<sup>7</sup> در تفسیر آیه «أَوَلَمْ نُعَمِّرْكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَن تَذَكَّرَ» «آیا ما شما عمر ندادیم تا کسی که اهل آگاهی است آگاهی بگیرد؟» فرمود: این آیه ملامت و سرزنش جوانان غافلی است که به سنّ بلوغ رسیده‌اند و از فرصت جوانی خود استفاده نمی‌کنند.

متأسفانه در تمام کشورهای پیشرفته و در حال رشد و کلاً در تمام دنیا، به‌علّت حاکمیت فرهنگ فاسد غربی، بسیاری از جوانان کشورهای دنیا از صراط مستقیم منحرف شده و عملاً به تمام



مقررات اخلاقی و انسانی پشت پا زده‌اند، به همه چیز و همه کس بدبینند و فکر طغیان و عصیان در سر می‌پرورند، اینان در دوران جوانی و در پرشورترین ایام زندگی، بجای امیدواری و کوشش، دچار یأس و ناامیدی شده‌اند، نه به تحصیل‌دانش علاقه دارند، نه به سعادت فردای خود امیدوارند، بیشتر آنها به عادات زشت آلوده شده‌اند و فرصت گرانبهای جوانی را به نادانی و بوالهوسی از دست می‌دهند.

جوانانی که خواهان سعادت و خوشبختی خود هستند، کسانی که مایلند فرصت جوانی را مغتنم بشمرند و بطور کامل از آن بهره‌برداری نمایند، لازم است به چهار نکته توجه نمایند:

1— دوران جوانی یکی از بهترین و پرارج‌ترین فرصت‌های ثمربخش در طول زندگی است.

2— استفاده از فرصت جوانی و سعی و کوشش در راه بهره‌برداری از آن، شرط اساسی کامیابی و موفقیت آدمی است.

3- خوشبختی و بدبختی هر انسانی در ایّام جوانیش پی‌ریزی می‌شود، جوانی که از فرصت این ایّام خوب اسفاده کند، می‌تواند سعادت همهٔ عمر خود را تضمین نماید.

4- عمر جوانی کوتاه و فرصت شباب زودگذر است، یک روز غفلت و سستی، باعث حسرت و زیان و مایهٔ ندامت و پشیمانی در تمام ایّام زندگی است.

دوتا از موانع مهم بر سر جوانی عبارتند از: یکی اضطراب و نگرانی از آینده و دوم تأثر و افسوس بر گذشته.

اضطراب و نگرانی مانند موریانه، ریشه‌های امید و اراده را در ضمیر انسان می‌خورد و آنان را مأیوس و دلسرد می‌نماید. و افسوس بر شکستهای گذشته، شور و شوق و اشتیاق را از انسان دور می‌نماید. علی<sup>7</sup> می‌فرماید: افسوس بر گذشته را در دل خود بیدار مکن که تو را از آمادگی برای آینده دور می‌کند. همچنین حضرت می‌فرماید: غصّهٔ فردای نیامده را بر امروز موجودت تحمیل مکن و بار امروزت را بی‌جهت سنگین منما!

در این باره شاعر می‌گوید:

این چه حالت بود که اهل زمین هر زمان از گذشته یاد کنند

از فراق گذشته‌ها غمگین‌وز غم حال، بانگ و داد کنند

آن یکی در بهار بُرنائی می‌خورد بهر کودکی افسوس

در کمال جمال و زیبائی از تأسّف کند قیافه عبوس

و آندگر از شباب کرده عبوردیده آن سخت راه ناهموار

داده از کف نشاط عقل و شعور آرزوی شباب کرده شعار

آنچه دیدم بغالب احوال هیچ کس فکر نقد حال نبود

همه در اختیار وهم و خیال حالشان جز غم و ملال نبود

خلاصه کسی که می‌خواهد از فرصت‌ها استفاده کند و از

سرمایه‌هایی که در اختیار دارد بخوبی بهره‌برداری نماید، باید

گذشتهٔ معدوم را بدست فراموشی سپارد و دل را از حسرت و

اندوه آن خالی کند. همچنین باید آیندهٔ موجود نشده را نادیده

انگارد و نگران آن نباشد، باید تمام نیروی خود را متوجه لحظهٔ

حال و شرایط موجود نماید و در هر کاری از خود سؤال کند «الآن چه باید کرد؟». سپس فکر کند، عاقلانه پاسخ دهد، و سپس بانجام آنچه موظف است، جداً قیام نماید.

## 9- پیروی از فرهنگ ایرانی و اسلامی

در حال حاضر در کشور ما غنی‌ترین و کاملترین فرهنگ که فرهنگ ایرانی اسلامی است، وجود دارد و هر که از این فرهنگ تبعیت نماید، حتماً به سر منزل مقصود خواهد رسید. و در مقابل این فرهنگ خوب و سالم، فرهنگ فاسد و ناسالم غرب وجود دارد.

چه بسیار دختران و پسرانی که در آرزوهای خود، رفتن به یکی از کشورهای غربی را می‌بینند و دیدار از آن سرزمینها را در رؤیاهای خود مشاهده می‌نمایند. آمریکا! اروپا! غرب! مظهر آزادی! و لذات نامشروع در خیال و ذهن عده‌ای از جوانان بوده و چهره‌ای زیبا از این سرزمینها را در تصورات خود به تصویر می‌کشند.

اما آیا واقعاً غرب همان گونه است که این جوانان خیال می کنند؟

غربی که دانشمندان آن، سقوط دیر یا زود آن را، پیش بینی کرده اند! سرزمینهایی که از مظاهر خوینها و زیبائیهای حقیقی در آن اثری نیست و بجای آن، شخصیت زنان و مردان در خدمت سرمایه داری و تمدن دروغین بکار گرفته شده است! آمریکایی که رئیس جمهور آن در تلویزیون ظاهر شده و کلکسیون قاشق و چنگالهایی را نشان می دهد و می گوید: این قاشق و چنگالها مربوط به زمانی است که کودک بودم و هنگامی که به مهمانی می رفتیم، آنرا از خانه میزبان می دزدیدم!

جوان ایرانی که می خواهد سعادت مند باشد، اگر درست در باره وضع غرب تحقیق کند، هیچگاه غرب را به عنوان آرزو و هدف خود قرار نمی دهد! غرب پاسخگوی همه نیازهای یک جوان نمی تواند باشد! در غرب تنها می توان فحشاء ارزان و لذات نامشروع را پیدا نمود. اما سعادت و هدایت و کمال و رستگاری در آنجا پیدا نمی شود. آیا تا بحال شده است که یک جوان، با سفر به

غرب، به انسانیت دست پیدا کند؟ آیاتاً بحال شده است که با یک برنامه تلویزیونی غرب، انسانی با خدا و معنویت آشنا شود؟ اما بسیار دیده شده که با یک فیلم غربی، یا با یک مسافرت به غرب، انسانی، فساد اخلاق پیدا نموده و بدبخت شده است. تهاجم فرهنگی غرب، بسیاری از جوانان دنیا و عده‌ای از جوانان کشور ما را به پوچی و انحراف و دشمنی با دین و خدا کشانده است.

### *10- تشخیص قهرمانان دروغین از قهرمانان راستین*

#### **قهرمانان دروغین!**

دنیای غرب بخصوص آمریکا چون فاقد قهرمانان واقعی در تاریخ خود هستند، به برکت حق‌های سینمایی و دنیای شگفت‌آور هنر هفتم، قهرمانانی دروغین که فقط در لحظه نمایش فیلم واقعی بنظر می‌رسند ولی وجود خارجی ندارند را خلق کرده است.

تارزان! راکی، رامبو! بروس لی و دهها چهره محبوب نوجوانان و جوانان پا به عرصه سینماها و ویدئوها و رایانه‌ها گذاشته و عاشقان زیاد برای خود پیدا کرده‌اند. اما وقتی به سراغ چهره واقعی این

مردان افسانه‌ای می‌رویم، متوجه می‌شویم که اثری از قدرت و شجاعت و دلیرمردی که در فیلمها از آنان دیده می‌شود، نیست و اینان مردانی عادی هستند که از طریق قدرت جادویی فیلم، چهره زیبا و محبوب پیدا کرده‌اند. لذا تاکنون فردی پیدا نشده است که از طریق این چهره‌ها به انسانی پاک و آزاده و غیرتمند و شجاع تبدیل شود. بلکه بر عکس انسانهای زیادی یافت می‌شوند که با علاقه به این چهره‌ها روزها و شبهای زیادی را پایان‌بردند ولی عاقبت خوبی پیدا نکردند.

قهرمانان واقعی!

اما وقتی به فرهنگ خودمان مراجعه می‌کنیم، مشاهده می‌نمائیم که هم‌درتاریخ کشورمان ایران و هم درتاریخ اسلام عزیز، شخصیت‌هایی پیدامی‌شوند که از نظر قدرت بدنی، مهارت در فنون جنگی و فضائل اخلاقی کم نظیر بوده‌اند.

علی 7، جعفر طیار، حضرت حمزه، امام حسین 7، علی اکبر و حضرت عباس علاوه بر دارا بودن فضائل بی‌شمار اخلاقی و

انسانی، هر کدام در قدرت جنگی حریف صدها نفر بوده‌اند. عباس علمدار وقتی مأموریت پیدا کرد تا برای خیمه‌گاه آب بیاورد، به طرف نهر فرات حرکت کرد. چهار هزار نفر از لشکر دشمن، محافظ نهر فرات بودند تا ازیاران امام حسین 7 کسی دسترسی به آب پیدا نکند. اما با یورش عباس قهرمان، همه آنها عقب نشستند و کنار رفتند تا قمر بنی هاشم وارد نهر شد و مشکش را پر نمود. دشمن که دید نمی‌تواند با عباس مقابله کند، بطور ناجوانمردانه و از طریق کمین، دستهای عباس را قطع نمودند. با این حال عباس سرفراز با صدای بلند فریاد زد:

اگر دست راستم را قطع نمودید، اما بدانید که من دست از حمایت دینم بر نمی‌دارم. آنگاه بر یک انسان بی دست حمله کردند و او را بشهادت رساندند. آیا حماسه و قهرمانی از این بالاتر سراغ دارید؟ همچنین خود امام حسین 7 چنان دمار از دشمن بالای ده هزار نفر در آورد که به نیرنگ متوسل شدند و به دروغ گفتند که دشمن به خیمه‌گاه حمله نموده و از طریق سنگباران و پرتاب نیزه شکسته و شمشیر شکسته، امام را از پا



در آوردند. و الاّ احدی را سراغ نداشتند که بتواند حریف امام 7  
باشد!

آیا این قهرمان واقعی است و میتواند محبوب دلها باشد یا  
انسانهایی که از طریق حقّه‌های سینمائی، دلاور و قهرمان بحساب  
می‌آیند ولی درواقع از داشتن فضائل اخلاقی محرومند! و اگر دو  
نفر در خیابان به آنان حمله کنند نمی‌توانند از خود دفاع نمایند!!

در تاریخ کشور پهلوانان و قهرمانان زیادی وجود داشته‌اند که  
خیلی از آنها گمنام زندگی می‌کرده‌اند. پوریای ولی، پهلوان تختی  
و... همچنین انسانهای والا مقامی چون نواب صفوی، مدرّس،  
کاشانی، اسدآبادی، میرزا رضای کرمانی، اندزگو، سعیدی، غفاری  
و... می‌زیسته‌اند که هر کدام در بیداری و مقابله با زورگوئی  
ستمکاران نقش مهمی ایفا نمودند. درایّام دفاع مقدس که کشور  
تازه انقلاب کرده ایران با جنگی بزرگ روبرو شد، قهرمانانی پا به  
عرصه رزم نهادند که تعدادی از آنها شناخته شده واکثراً گمنام  
شهید شدند و یا در سنگر سازندگی مشغول فعالیت هستند. حاج

هَمّت، باکری، زین الدّین، فهمیده، خرّازی، کلهر، کریمی،  
کشوری، بابائی، بروجردی، علم الهدی، چمران، صیاد شیرازی و  
صدها قهرمان جنگ با حماسه‌های خود دشمن را به زانو درآوردند  
و فرهنگ بسیجی را در مقابل فرهنگ منحط غرب، خلق نمودند.

### 11- دوری از انحرافاتِ همچون چشم چرانی، ارتباطات نامشروع و...

چشم انسان از اعضای است که بیشتر گناهان به سبب  
و وسیله آن انجام می‌شود. و در سخنان بزرگان دین آمده که هر که  
بتواند چشم خود را کنترل نماید، از بسیاری از گناهان خود را دور  
نموده است.

یکی از گناهان چشم، چشم چرانی و هیز بودن و نگاه‌های شهوانی  
به نامحرم است. چه از طرف مرد نسبت به زن نامحرم و چه از  
طرف زن نسبت به مرد نامحرم.

«آمده است که جوان عربی در زمان پیامبر (ص) در کوچه  
مشاهده کرد که زن جوانی از روبرو می‌آید! این جوان شروع به

چشم چرانی به زن نمود بطوریکه حواسش پرت شد و متوجه استخوانی که در سوراخ دیوار فرو شده بود، نشد و استخوان به گونه‌اش اصابت کرد و خون جاری شد! جوان با همین حالت نزد پیامبر بعنوان طیب الهی رفت و ماجرای این حادثه را گفت. حضرت فرمود: همانا نگاه به نامحرم تیری از تیرهای شیطان است»

چشم انسان مانند دوربین بسیار قوی فیلمبرداری است که همه صحنه‌ها را علاوه بر نشان دادن به مغز در همان آن، در حافظه ذخیره می‌کند و بسیاری از خوابها و رؤیاها و حتی تصورات آدمی از جهان به همین تصاویر باز می‌گردد.

جوانی که از صبح تا شب چشمش بدنبال زیبارویان در گردش است، اگر در خواب جنب و محتمل شود و خوابهای شیطانی ببیند، طبیعی است. و هرگاه روز با خوبان و صالحان همنشین باشد و توسلات به معصومین علیه السلام داشته باشد اگر در خواب، امام زمان (عج) و زیارتگاه ببیند، باز طبیعی است.

«روزی حضرت عیسی علیه السلام بایارانش برای دعای طلب باران از شهر خارج شدند. موقع دعا، عیسی علیه السلام گفت: هر که گناهی مرتکب شده برگردد. همه بجز یکنفر بازگشتند. حضرت به او گفت: تو گناهی مرتکب نشده‌ای؟ گفت: خیر بجز اینکه روزی در حال عبادت بودم که زنی از مقابلم عبور کرد و من ناخواسته بتماشای او مشغول شدم. ناگاه بخود آمدم و بخاطر این کار زشتم، چشم خود را در آوردم و بطرفی که زن رفت بود، پرتاب کردم!

حضرت فرمود: پس تو دعا کن تا من آمین گویم! او دعا کرد و عیسی علیه السلام آمین گفت و باران آمد.»

یکی از نشانه‌های پاکی چشم، دور ماندن چشم از نگاه‌های شهوانی است. لذا وقتی دختر شعیب علیه السلام نزد موسی علیه السلام آمد و گفت: پدرم تو را به خانه دعوت کرده و مرا فرستاده تا تو را راهنمایی کنم. موسی علیه السلام چند قدمی بدنبال دختر رفت و گفت: ما خاندانی هستیم که پشت سر زن

نگاه نمی‌کنیم. پس من جلو می‌روم و تو از پشت سر بیا و هر کجا نیاز به راهنمایی شد، با انداختن سنگ علامت بده!

اگر چشم را کنترل نکنیم، دل را گرفتار کرده‌ایم و اگر دل گرفتار شد، سر به رسوائیها خواهد زد.

**زدست دیده و دل هردو فریاد\* هر آنچه دیده بیند دل کند یاد**

**بسازم خنجری نیشش ز فولاد\* زنم بردیده تا دل گردد آزاد»<sup>۲۶۲</sup>**

چه بسیار نگاههای کوتاهی که بدبختی‌های بزرگ و طولانی به ارمغان آورده است. ازدواج‌هایی که با یک نگاه شروع شده و عاقبت در مدت کوتاهی با یک نگاه دیگر به طلاق کشیده می‌شود.»

«علی‌علیه السلام: هر که نگاهش به نامحرمان زیاد باشد، فکرش دائماً مشغول خواهد بود.»

«ای رسول! به مردان مؤمن بگو چشم خود را بر حرام ببندند و عورت خود را از حرام حفظ کنند که این مسئله برای پاک پودنشان

لازمتر است و به زنهای مؤمنه هم بگو که چشمهای خود را بر حرام  
ببندند و عورت خود را از حرام حفظ کنند...» نورآیه 30 و 31

«رسول خدا (ص): هیچ وسیله برای پاکی باندازه پاک بودن چشم  
و بستن آن بر روی حرام نیست. که هر که چشم خود را بر حرام  
بست، خدا به دلش توفیق مشاهده عظمت الهی را می دهد»

«رسول خدا (ص): هر که چشمش را از حرام پُر کند، خداوند  
روز قیامت چشمش را از آتش پر کند، مگر اینکه توبه کند و دیگر  
عمل حرام را انجام ندهد.»

«در روایت است که هر که به نامحرمی برخورد و برای رضای  
الهی، چشم خود را از او برگرفت و دیگر نگاه نکرد، اگر مرد باشد  
در همان ساعت، حورالعینی باز دو اجش در می آورند و اگر برای  
صفت خوب مداومت کند، خداوند شیرینی مناجاتش را به او  
می چشاند و ملکوت خود را بر دلش باز می کند.»

«گویند مغازه داری به زنانی که از مقابل دکانش رد شده خیره  
نگاه می کرد و بر زبان لا اله الا الله جاری می کرد. یکنفر برای تذکر

به او وارد مغازه‌اش شد و جنسی را خواست. مغازه دارد برای آوردن جنس مدتی در داخل مغازه بود که خانمی از مقابل مغازه‌اش عبور کرد. وقتی مغازه دار جنس مشتری را آورد، مشتری گفت: شما که مشغول آوردن جنس من بودید، یک لاله الا الله! از مقابل مغازه شما رد شد!!»

«پیامبر (ص): سخت است غضب خدا بر زن شوهرداری که چشمش را از حرام پر کند»

«پیامبر (ص): کسیکه به عورت دیگری نگاه کند، ملعون است»

«پیامبر (ص): اگر از آسمان بیافتم و دونیم شوم برایم بهتر است که به عورت کسی نگاه کنم و یا کسی به عورت من نگاه نماید»

نتیجه: سبک زندگی اسلامی در مورد خانواده را در موارد فوق توضیح دادیم.

چنانچه پدر و مادر و فرزندان بتوانند به وظایف مذکور عمل کنند، حتما نمونه خواهند بود و می توانند الگوی خانواده‌های دیگر باشند.

## اخلاق در خانواده





محمد تقی صرفی پور



مقدمه

سپاس بیکران خداوند حکیم و صلوات فراوان بر سرور انبیاء حضرت محمد مصطفی و اهل بیت طاهرینش

یکی از مهمترین هدایای رسول اکرم (ص) برای بشریت، اخلاق محمدی بوده است. پیامبر برای تزکیه مردم از بدیها مبعوث شد. مردم از حسادت و تکبر و بخل و کینه و دیگر بدیها پاک شوند یکی از ماموریتهای رسول خدا (ص) بوده است.

اگر کسی اخلاقش خوب باشد زندگی خوبی خواهد داشت. دوستان زیادی پیدا خواهد کرد. با حرف و برخوردش کسی را ناراحت نخواهد کرد. بلکه باعث خوشحالی اطرافیان و خانواده خود خواهد شد. و این خوش اخلاقی در پیشگاه الهی ثواب عبادت دارد.

یکی از موارد مهم خوش اخلاقی، مربوط به خانواده است. مرد که سرپرست خانواده است باید در خانه خوش اخلاق باشد تا خانواده با نشاط و شادی به وظایف خود عمل کنند.

همچنین زن در خانواده باید خوش اخلاق باشد. با شوهرش و با فرزنداناش خوب برخورد کند. در این صورت استحکام خانواده حفظ میشود.

در این کتاب به ابعاد مختلف خوش اخلاقی در خانواده پرداخته شده است.

پاییز 1402. کرمانشاه

**اخلاق در خانواده**

**و عاشروهن بالمعروف**

رسول خدا فرمود بهترین شما مردان، انهایی هستند که با خانواده خود با مهربانی برخورد کنند.<sup>۲۶۳</sup>

مهربانی با فرزندان باعث رسیدن آنها به کمال می شود و ظلم و اذیت و آزار فرزندان باعث میشود آنها در زندگی خود افرادی شکست خورده شوند و گاه به افرادی ظالم تبدیل می گردند.

کافی است در باره زندگی شخصیت های موفق و همچنین افراد ناموفق مانند افراد معتاد، دزد، قاتل و تروریست تحقیق کنیم انوقت در می یابیم که افراد موفق در خانواده های خوبی بزرگ شده اند. و مورد محبت و مهربانی اعضای خانواده قرار داشتند و لی افراد ناموفق و کسانی که به جامعه آسیب می زنند معمولاً در خانواده های بد و ناهنجار و نامهربان با فرزندان، تربیت شده اند.

ناسزاگفتن به فرزندان ، آنها را تحقیر کردن و . . در اسلام ممنوع است .

**رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:** کودکان را دوست بدارید و آنان را مورد لطف و مهر و

محبت قرار دهید و هرگاه با آنها وعده دادید وفا کنید چون آنها شما را روزی دهنده می

دانند. (محجه البیضاء 3/433)

**رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:** هنگامی که پدر به فرزند نگاه کند و او را خوشحال کند

مثل اینست که بنده ای را آزاد کرده است سؤال شد حتی اگر ۳۶۰ بار نگاه کند؟ فرمود: الله اکبر.

«کنایه از اینکه بله، خدا بزرگتر از اینهاست.» (بحار 74/80)

پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود:

**فرزندان خود را بسیار ببوسید زیرا برای شما در هر بوسیدن درجه ای است**<sup>۲۶۴</sup>

<sup>263</sup> این روایت از رسول خدا (ص) است که فرمود: "خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِنِسَائِكُمْ وَ بَنَاتِكُمْ"؛ [1] بهترین شما، کسی است که نسبت به همسران و دخترانش نیکو رفتارتر باشد. (مستدرک، ج 14، ص 255)

## امام کاظم علیه السلام پسرش را می بوسید

مفضل بن عمر گوید: دخت علی ابی الحسن موسی بن جعفر - علیه السلام - و علی ابنه فی حجره و هو یقبله و یمص لسانه و یضعه علی عاتقه و یضمه الیه و یقول بأبی أنت ما أظیب ریحک و أظهر خلکک و أبین فضلک<sup>۲۶۵</sup>

بر امام موسی کاظم (علیه السلام) وارد شدم. دیدم که آن حضرت فرزند خود علی (بن موسی الرضا) را در دامن خود نشانده و او را می بوسد و زبانش را می مکد. و گاه برشانه اش می گذارد و گاه او را در آغوش می گیرد و می گوید: پدرم فدای تو باد! چه بوی خوشی داری و چه اخلاق پاکیزه ای و چه روشن و آشکار است فضل و دانشت

## علاقه امام رضا علیه السلام به پسرش امام جواد علیه السلام

یحیی صنعانی روایت می کند

در مکه نزد امام رضا علیه السلام رفتم. امام داشت برای فرزندش، امام جواد علیه السلام، موز پوست می کند و در دهانش می گذاشت

«به او عرض کردم:» فدایت شوم، آیا این فرزند همان مولود مبارک است؟

امام رضا علیه السلام پاسخ داد:» آری یحیی، این همان مولودی است که پربرکت تر از او برای شیعیان ما به دنیا نیامده است

خاطره ای از گذشت و مهربانی:

محمد رضا دو تا دوست داشت که با هم خیلی مهربان و صمیمی بودند آنها را به خانه می‌آورد و می‌گفتند و می‌خندیدند و میشنیدند و خیلی با هم اخت بودند توی حیاط میرفتند و با هم در زیر سایه درخت مو میشستند و انگور میخوردند.

یکروز همانطور که با هم توی حیاط بودند محمد صدا زد خاله بیا پایین پرسیدم محمد جان چرا پهلوی دوستانت به من خاله می‌گویی گفت: سیس، سیس، صدایت را بلند نکن گفتم محمد جان من مدتی است که از تو می‌پرسم و تو پاسخم را نمیدهی؟ من که نمی‌گویم دوستانت را نیاور من که آنها را میشناسم.

گفت این دو تا مادر ندارند، یکی از اینها پدرش معتاد بوده و مادرش سالم است متارکه کرده اند دیگری هم مادرش به هنگام تولدش سرزا رفته است و اینها به من می‌گویند تو همیشه سرو وضع مرتبی داری چون یک مادر این چنینی داری برای همین من هم دلم نیامده که حقیقت را بگویم گفته ام که تو خاله من هستی که آرزوی بچه دار شدن را داشته ای و مادر من مرا از همدان نزد تو فرستاده تا بزرگم کنی!<sup>۲۶۶</sup>

اگر چه اکثر شوهرها خوبند مانند پیامبران و امامان و علما و اولیا. ولی

مردانی هستند بددهن و عصبی مزاج... که در مدت زندگی با زن هاشون انها را با زبان و غیره اذیت می کنند.

باید از داستان سعد بن معاذ عبرت بگیرند

سعد بن معاذ مرد بسیار خوبی بود که در جنگ خیبر زخمی و سپس شهید شد و پیامبر (ص) شخصا او را دفن نمود و در مراسم تشییع به احترامش با پای پیاده آمد و احترام زیادی به وی نمود تا جایی که

مادر سعد بن معاذ گفت: گوارا باد بر تو بهشت. که پیامبر (ص) در پاسخ وی گفت: چه حرفی بود که زدی همین الان قبر او را فشار داد چون در منزل با زن و بچه اش بد اخلاق بوده است.

\*\*\*

یا از داستان ایه الله حسن زاده املی درس بگیرند.

آیة الله حسن زاده املی فرمود: من به آقای سید محمد حسن آقای الهی برادر بزرگتر مرحوم علامه طباطبائی که در عرفان و سیر و سلوک از شاگردان مرحوم سید علی قاضی بودم مکرر عرض می کردم: وقتی خدمت آقا (علامه قاضی) می رسید. از جانب من از ایشان خواهش کنید که مرا هم در تشرّف به خدمت حضرت بقیة الله (عج) شریک خود نمایند و برای من نیز اجازه ملاقات بگیرید (چون می دانستم این دو بزرگوار به این سعادت عظیم می رسند

روزی در شهر آمل بعد از ظهر خواستم استراحتی داشته باشم، بچه ها داد و فریاد کردند و مانع استراحتم شدند. من عصبانی شده، با آنها تندی نمودم و پرخاش کردم ولی بعد، از آن حرکات خودم پشیمان شدم از این که بچه ها را ناراحت کردم وجدانم ناراحت بود، عصر رفتم بازار و مقدار شیرینی و میوه خریده به منزل آوردم که شاید بدینوسیله دل بچه ها را به دست آورم، با این حال وجدانم آرام نمی گرفت آشفته خاطر بودم

بالاخره تصمیم گرفتم سفری به شهر تبریز کرده با مرحوم سید محمد حسن الهی ملاقات کنم، رفتم تبریز، و قتی به خدمت ایشان رسیدم پیش از این که علّت مسافرتم را بگویم، گفتم: عرض مرا به خدمت استاد (سید علی قاضی) رساندی؟

فرمود: من راجع به این موضوع نامه ای به شما نوشتم و چون آدرس شما را نداشتم به خدمت آقای اخوی (سید محمد حسین طباطبائی) فرستادم که به شما برساند، و در آن نامه یادآور شدم که وقتی پیام شما را به آقا عرض کردم آقا تأملی کرده سپس با ناراحتی فرمودند

ایشان چگونه می خواهند این راه را طی نمایند با آن اخلاقی که نسبت به عائله و کودکان انجام و با «. آنها دعوا کردند، با آن اخلاق تند چگونه می شود به این رتبه و مقام رسید

آری در این راه نا همواریها، دست اندازها، پیچ و خمها و خطرهای زیادی هست که سالک باید هوشیارانه مواظب و مراقب خود باشد و تمام اعضاء و جوارح خود را همیشه کنترل نماید. (داستانهایی از اخلاق اسلامی

نویسنده : علی میرخلف زاده

\*\*\*

شیخ رجبعلی خیاط (ره):

تمام نور معنوی و فیوضاتی که انسان از عبادات و زیارات کسب می کند با نیشی که بوسیله #زبان به دیگران می زند ، نابود می شود

**کتک زدن همسر و فرزند ممنوع!..**

...خدا فرموده و عاشروهن بالمعروف با خوبی با همسرانتان برخورد کنید

اسلام اجازه نداده شوهر، زنش را کتک بزند یا پدر فرزندانش را کتک بزند! اسلام میگه زن گل است باید با لطافت و محبت باش برخورد کرد و هر کتکی که مرد به زن بزند در همین دنیا دچار گرفتاری



ها و مشکلات شده و بعد مردن مرد هم در عالم برزخ خداوند او را چند برابر عذاب می کند. متأسفانه ما هر روز شاهد این هستیم که شوهرانی هستند که زنان خود را کتک می زنند! یا پدرانی که فرزندان! خود را گاه تا حد مرگ، می زنند

خانمی مطلقه می گفت شوهرم انقدر با من با خشونت برخورد می کرد که وقتی میخواست خانه بیاید! همینکه دستگیره در را می چرخاند لرزه به تنم می افتاد

رسول خدا(ص) فرمود: بدترین مردم، فرد سختگیر بر خانواده است. شخصی پرسید: مراد از سختگیری بر خانواده چیست؟ فرمود: هرگاه مرد وارد خانه شد همسرش بترسد و فرزندش بهراسد و بگریزد و هرگاه از خانه بیرون رفت همسرش شاد شود

آخرین وصیتهای رسول خدا سفارش به مهربانی با همسر بوده است

### حفصه ظرف اش را شکست!

در روایت است که: روزی بدن مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله را تب گرفت و آن روز نوبت قرار داشتن آن حضرت نزد حفصه بود. عایشه قدحی از آش جو به کنیزکی داد و برای آن حضرت فرستاد. کنیزک هنگامی که قدح را به خانه حفصه آورد حفصه پرسید چیست؟ کنیزک گفت: آش جوی است که عایشه برای پیامبر صلی الله علیه و آله فرستاده است. حفصه به شدت برآشفته و گفت عایشه به حق من تجاوز کرده است مگر پختن آش جو از من بر نمی آید؟ یا محبت من نسبت به پیامبر کمتر از اوست؟ سپس قدح را از کنیزک گرفته، بر زمین زد به طوری که قدح شکست و آش بر زمین ریخت

پیامبر صلی الله علیه و آله پاره ای از قدح را که اندکی از آش جو در آن بود برداشت و تناول فرمود و به دنبال کنیزک آمد و گفت: ای کنیز! اگر عایشه پرسید پیامبر از این آش خورد بگو آری و آنچه از حفصه دیدی و شنیدی به او مگو که سبب نزاع شود و کدورتی میان آن دو پدید آید که من دوست ندارم غبار ملالی به خاطر کسی بنشیند

و بعد از این حادثه بود که آیه شریفه «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ»<sup>۲۶۷</sup> یقیناً تو بر بلندای سجایای اخلاقی  
«عظیمی قرار داری».

نازل شد<sup>۲۶۸</sup>.

با اینکه اسلام سفارش کرده با همسرانتان مهربان باشید ولی هستند مردانی که همسر خود را اذیت می  
کنند و...

مردان یا زنانی هستند که بخاطر تربیت نادرست و یا بی ایمانی همسر خود را آزار می دهند مانند  
بعضی همسران رسول خدا که چقدر حضرت را اذیت کردند و یا همسر امام حسن مجتبی و همسر امام  
جواد که امامان ما را شهید کردند.

### نامهربانی بعضی زنان!

بعضی زنها شوهران عالم خود را خیلی اذیت می کنند!

یکی از علما نقل می کرد که در اندرونی خانه «آیت الله سید احمد خوانساری» مشغول صحبت کردن  
بودیم که همسرشان وارد اتاق شد و بخاطر اینکه بلند صحبت کرده ایم، دو دستی چنان محکم بر سر  
آقا کوبید که عمامه شان افتاد. «آیت الله خوانساری» عمامه را برداشتند و مرتب کردند و چیزی نگفتند.  
خانم بیرون رفت و آقا بحث را ادامه دادند...

### عالمی وقتی خانه می رفت همسرش کتکش می زد...

مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطاء از بزرگترین فقیهان عالم تشیع بوده است، در حدی که علمای بزرگ  
شیعه از قول او نقل کرده اند که فرموده بود: اگر تمام کتابهای فقهی شیعه را در رودخانه بریزند و به

<sup>267</sup> قلم (68): 4.

<sup>268</sup> منهج الصادقین: 9/ 371.

دریا برود و شیعه دیگر یک ورق فقه دستش نباشد، من از اول تا آخر فقه شیعه را در سینه‌ام دارم، همه را بیرون می‌دهم تا دوباره بنویسند. مرجع هم شده بود.

اهل علم و اصحاب سرّش فهمیدند که همسرش در خانه بداخلاقی می‌کند ولی خیلی هم خبر از داستان نداشتند. اینقدر در مقام جست‌وجو برآمدند تا به این نتیجه رسیدند که این مرد بزرگ الهی، این فقیه عالیقدر گاهی که به داخل خانه می‌رود، همسرش حسابی او را کتک می‌زند.

یک روز چهار پنج نفر جمع شدند و خدمتش آمدند و گفتند: آقا ما داستانی شنیده‌ایم از خودتان باید پرسیم. آیا همسر شما گاهی شما را می‌زند؟! فرمود: بله، عرب است، قدرتمند هم هست، قوی‌البنیه هم هست، گاهی که عصبانی می‌شود، حسابی مرا می‌زند. من هم زورم به او نمی‌رسد. گفتند: او را طلاق بدهید. گفت: نمی‌دهم. گفتند: اجازه بدهید ما زنانمان را بفرستیم ادبش کنند. گفت: این کار را هم اجازه نمی‌دهم. گفتند: چرا؟ گفت: این زن در این خانه برای من از اعظم نعمت‌های خداست چون وقتی بیرون می‌آیم و در صحن امیرالمومنین می‌ایستم و تمام صحن، پشت سر من نماز می‌خوانند، مردم در برابر من تعظیم می‌کنند. گاهی در برابر این مقاماتی که خدا به من داده، یک ذره هوا مرا برمی‌دارد. همان وقت می‌آیم در خانه کتک می‌خورم، هوایم بیرون می‌رود! این چوب الهی است، این باید باشد!

### کتک زدن شوهر!

یک نفر از روحانیونی که سید و مسن بود و برای تبلیغ در ماه مبارک رمضان به شهرستان می‌آمد گفته بود همسرم مرا کتک می‌زند. گاهی از خانه بیرون می‌کندو...

همچنین سربازی به ما مراجعه کرد و گفت زنم مرا کتک می‌زند و..

جانبازی می‌گفت با خانمی ازدواج کردم ولی بعد یکسال مهریه را اجرا گذاشت و مقدار زیادی از اموال مرا باخود برد

بعضی مردها عصبی هستند و تند خوا و زنان و فرزندان آنان همیشه از این تند خوئی در عذابند! اگر اینها خود را اصلاح نکنند شب اول قبر نکیر و منکر خدمت آنها می رسند!

### حضرت امام و همسر داری

معمولا علمای بزرگوار ما با همسرانشان خیلی خوب رفتار می کردند و می کنند که به نمونه هایی اشاره می شود:

همسر امام می گوید:

امام همیشه جای بهتر را به من تعارف می کردند

تا من نمی آمدم سر سفره، خوردن غذا را شروع نمی کردند. به بچه ها هم می گفتند، صبر کنید تا خانم بیاید

:یک روز من ایستاده بودم و دخترهایم نشسته بودند. ایشان ( امام) با ناراحتی گفتند:

چرا شما نشسته اید از جایتان بلند شوید. مادر شما جلوی شما ایستاده

خانم فریده مصطفوی دختر حضرت امام می گوید: هیچ وقت ما ندیدیم ایشان به خانم

بگویند فلان کار را برای من انجام بده یا حتی یک چای برای من بریزید. همیشه ما یا

:کارگر منزل را خطاب می کردند. اگر یک وقت هیچکس نبود، صدا می زدند

.خانم! بگویند یک چای برای من بیاورند

اگر کسی در منزل نبود قهراً خانم این کار را خودشان می کردند ولی ایشان چنین دستوری نمی دادند. همیشه خیلی به خانم احترام می گذاشتند و مقید بودند اظهار محبت و علاقه را جلوی ما فرزندان علنی کنند. پا به پای آفتاب، ج 1، ص 97، (همسر حضرت امام)

نقل از دختر امام: در تمام مسائل شخصی و خانوادگی نظر خانم محترم بود و ایشان هیچ گونه دخالتی در امور داخلی منزل نداشتند

اگر بگویم که در طول شصت سال زندگی، زودتر از خانم دستشان توی سفره نرفت، دروغ نگفته ام. اگر بگویم کوچک ترین توقعی از ایشان نداشتند، دروغ نگفته ام. حتی می توانم بگویم در طول شصت سال زندگی هیچ وقت یک لیوان آب هم از خانم نخواستند

### امام کاری را به خانم نمی دادند

خانم فاطمه طباطبایی، عروس حضرت امام نقل می کند: امام کاری را به خانم نمی دادند، خانم می گویند وقتی یک دکمه پیراهنشان می افتاد می گفتند: می شود این را بدهید بدوزند. نمی گفتند: خودت بدوز یا احیاناً اگر روز بعد دوخته نشده بود نمی گفتند: چرا ندوخته اید. می گفتند: کسی نبود بیا بدوزد. تا آخر عمرشان هیچ وقت به خانم نگفتند. یک لیوان آب بده

### کمک به همسر در کار منزل و بچه داری

عروس حضرت امام (ره) خانم فاطمه طباطبایی نقل می کند که: خانم می گفتند: چون بچه هایشان شب تا صبح گریه می کردند و ایشان مجبور بودند تا صبح بیدار بمانند، امام شب را تقسیم کرده بودند. یعنی مثلاً دو ساعت ایشان بچه را ساکت می کردند و خانم می

خواهیدند و بعد دو ساعت خودشان می خوابیدند و خانم بچه را نگه می داشتند. البته روزها که مشغول درس و بحث بودند، فرصتی برای نگهداری بچه ها نداشتند

فرزندانشان تعریف می کنند که ایشان با آن ها بازی می کردند یعنی بعد از تمام شدن درس، ساعتی را به بازی با بچه ها می پرداختند و به این ترتیب به خانم در کار تربیت بچه ها کمک می کردند.

امام به پسر و نوه هایشان القا می کردند که از زنانشان انتظار کاری نداشته باشند و اگر کار کردند، محبت کرده اند. البته به دخترها نیز توصیه می کردند که کار کنند.

### کمک در آشپزخانه

خانم دباغ نقل می کند: روزی بر حسب اتفاق تعداد میهمانان منزل امام زیاد شد، پس از صرف غذا ظرف ها را جمع کردم و به آشپزخانه بردم. با زهرا- دختر آقای اشراقی- آماده شدیم که ظرف ها را بشوئیم. اما دیدم که خود امام هم بلافاصله به آشپزخانه آمدند. از زهرا پرسیدم: "حاج آقا چرا به آشپزخانه آمده اند؟" و حق داشتم که تعجب کنم، زیرا وقت وضو نبود؛ اما امام آستین هایشان را بالا زدند و فرمودند: چون ظرف های امروز زیاد است آمده ام کمکتان کنم.

بدنم شروع به لرزیدن کرد. خدایا چه می بینم! به زهرا گفتم تو را به خدا از امام خواهش کنید که ایشان تشریف ببرند. خود ما ظرف ها را می شوئیم. (همان، ص 173)  
دختر حضرت امام خانم فریده مصطفوی نقل می کند: امام همیشه در کارهای منزل کمک می کردند و به ما نیز می گفتند: کمک از بهشت آمده است.

مثلا خودشان چای می ریختند. حتی وقتی لیوان آبی می خواستند، به کسی دستور نمی دادند، بلکه خودشان به آشپزخانه می رفتند و لیوان را آب می کردند.

## خودم باید کار کنم

در جمع نشسته بودیم، می دیدیم که آقا دارند به طرف آشپزخانه می روند. از ایشان سوال می کردیم، می گفتند

می روم آب بخورم

می گفتیم: "به ما بگویید تا برایتان آب بیاوریم." می گفتند: مگر خودم نمی توانم این کار را انجام بدهم؟ بعد با خنده می گفتند: انسان باید خودکفا باشد. (همان، ص 103)

همسر امام در پاسخ به این پرسش که امام چگونه همسری است و در طول سال های زندگی با شما چگونه رفتار کرده است، می گوید

رفتار ایشان با من، بسیار خوب بوده است. من از ایشان، خیلی راضی هستم. همیشه احترام مرا داشته اند. هیچ وقت با تندی صحبت نمی کنند. اگر لباس و حتی چای بخواهند، می گویند: ممکن است، بگویی به من فلان لباس را بدهند! حتی گاهی خودشان چای خودشان را می ریزند

امام، محیط زندگی را و احترام به همسر و فرزندان را، بخشی از سلامت و سعادت جامعه آینده می دانند

## نامه امام به همسرش

امام خمینی در سال 1312 عازم سفر حج شد و در بین راه نامه عاشقانه ای برای همسرش نوشته است که تصویر دیگری از بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران را مقابل چشم مخاطب قرار می دهد. متن کامل این نامه را در ادامه می خوانید:

زمان: فروردین 1312 / ذی القعدة 1351.

مکان: لبنان، بیروت.

مخاطب: ثقفی، خدیجه (1).

تصدقّت شوم؛ الهی قربانت بروم، در این مدت که مبتلای به جدایی از آن نور چشم عزیز و قوّت قلبم گردیدم متذکر شما هستم و صورت زیبایت در آئینه قلبم منقوش است. عزیزم امیدوارم خداوند شما را بسلامت و خوش در پناه خودش حفظ کند. [حال] من با هر شدتی باشد می‌گذرد ولی بحمدالله تا کنون هرچه پیش آمد خوش بوده و الآن در شهر زیبای بیروت هستم؛ (2) حقیقتاً جای شما خالی است فقط برای تماشای شهر و دریا خیلی منظره خوش دارد. صد حیف که محبوب عزیزم همراه نیست که این منظره عالی به دل بچسبد.

در هر حال امشب شب دوم است که منتظر کشتی هستیم، از قرار معلوم و معروف یک کشتی فردا حرکت می‌کند ولی ماها که قدری دیر رسیدیم، باید منتظر کشتی دیگر باشیم. عجلتاً تکلیف معلوم نیست امید است خداوند به عزت اجداد طاهرینم که همه حجاج را موفق کند به اتمام عمل، از این حیث قدری نگران هستیم ولی از حیث مزاج بحمدالله به سلامت، بلکه مزاجم بحمدالله مستقیم تر و بهتر است. خیلی سفر خوبی است جای شما خیلی خیلی خالیست. دلم برای پسرت (3) قدری تنگ شده است. امید است هر دو (4) به سلامت و سعادت در تحت مراقبت آن عزیز و محافظت خدای متعال باشند اگر به آقا (5) و خانمها (6) کاغذی نوشتید سلام مرا برسانید. من از قِبَل همه نایب الزیاره هستم. به خانم شمس آفاق (7) سلام برسانید و به توسط ایشان به آقای دکتر (8) سلام برسانید. به خاور سلطان و ربابه سلطان سلام برسانید.

صفحه مقابل را به آقای شیخ عبدالحسین بگویید برسانند.

ایام عمر و عزت مستدام. تصدّق، قربانت؛ روح الله.

عکس جوف در حال دلتنگی از حرکت نکردن. (9).

## صحیفه امام، ج 1، ص: 2

- 
- (1) - ملّقّب به قدس ایران، همسر امام خمینی.
  - (2) - برای عزیمت با کشتی به عربستان برای انجام اعمال حج.
  - (3) - آقای سید مصطفی خمینی که در آن زمان سه ساله بوده است.
  - (4) - اشاره به آقا مصطفی و فرزند دیگرشان که در آن زمان هنوز به دنیا نیامده بود و چند روز پس از نگارش این نامه در زمانی که امام در سفر حج بودند، متولد گردید و او را «علی» نام گذاردند. وی در کودکی بر اثر بیماری درگذشت.
  - (5) - آقای میرزا محمد ثقفی، پدر همسر امام خمینی.
  - (6) - مادر و مادر بزرگ همسر امام خمینی که در آن زمان در قید حیات بوده اند.
  - (7) - شمس آفاق ثقفی، خواهر همسر امام خمینی.
  - (8) - آقای دکتر علوی.
  - (9) - اشاره به نبودن کشتی جهت عزیمت به جدّه.



## سرما نخورد

خداوند یک فرزند به ما داده بود. از حاج احمد آقا اجازه گرفتیم جهت خواندن اذان و اقامه در گوش او به خدمت امام برسیم. دی ماه سال 62، ساعت ده صبح وارد منزل حضرت امام شدیم و بچه را بغل امام گذاشتیم. آقا پتو را کنار زدند و گفتند که: توی این سرما، عجله داشتید مگر؟ بچه را آوردید سرما بخورد؟ گفتم: آقا جان مسیر نزدیک است. فرمودند: خیلی خوب. سپس فرمودند: اسمش؟ گفتم: آقا جان اسمش را حسین گذاشته ایم. نام حسین که آمد امام سرشان را کمی پایین گرفتند و دیدم اشک در چشمانشان پر شد. اذان و اقامه را خواندند و فرمودند: ببرید، اما مواظب باشید که سرما نخورد.<sup>۲۶۹</sup>

## چرا او را معالجه نمی کنند؟

پس از آنکه در اردیبهشت ماه سال 1359 سعادتی به ما روی کرد و حضرت امام پس از بیماری طولانی، به جماران آمدند و در منزل ما اقامت فرمودند، ما هم به منزلی در کنار خانه امام که اجاره کرده بودیم نقل مکان کردیم. فرزند کوچک من به نام فاطمه در آن موقع حدوداً سه سال داشت و مدت زیادی به بیماری چشم مبتلا بود. یک روز فاطمه با بچه ها در بیت امام مشغول بازی بود، ناگهان شنید که بچه ها می گویند امام آمد و همه بچه ها به طرف امام رفتند که ایشان را ببینند. فاطمه که در اثر درد نمی توانست چشمهایش را باز کند، هرچه خواست به طرف امام برود و امام را ببیند، نتوانست. امام متوجه او شدند و نزدیک رفتند و او را مورد محبت خود قرار دادند و پرسیدند این بچه کیست؟ بعد از اینکه معرفی شد، امام فرمودند: چرا این بچه را معالجه نمی کنند؟ گفته شد که پزشکان بسیاری او را دیده اند و معاینه کرده اند، لکن فایده ای نداشته است. امام که نسبت به این بچه تحت تأثیر عواطف قرار گرفته بودند، فرمودند: این بچه را به خارج ببرند، شاید معالجه شود و هرچه خرج دارد من قبول می کنم. این گفته امام موجب شد که او را به خارج بردیم تا معالجه شود و به این ترتیب، دخترم سلامت از دست رفته خود را باز یافت.<sup>۲۷۰</sup>

**فرزند علامه طباطبایی «نجمه السادات طباطبایی» همسر شهید قدوسی می گوید: «همه خصوصیات اخلاقی**

**پدرم، خود به خود در محیط خانوادگی ما نیز تأثیر داشت. ایشان اگر چه وقت زیادی نداشتند، ولی با**

<sup>269</sup> ابراهیم ایمانی (پاسدار).

<sup>270</sup> فریده راستی محمدی (همسر امام جمارانی).

این حال برنامه ها ایشان را طوری تنظیم می کردند که روزی یک ساعت، بعد از ظهرها، در کنار اعضای خانواده باشند. در این مواقع به قدری مهربان و صمیمی بودند که آدم باورش نمی شد ایشان فردی با آن همه کار و مشغله هستند. رفتارشان با مادرم بسیار احترام آمیز و دوستانه بود. همیشه طوری رفتار می کردند که گویی مشتاق دیدار مادرم هستند. ما هرگز بگو و مگو و اختلافی بین آن دو ندیدیم. به قدری نسبت به هم مهربان و فداکار و باگذشت بودند که ما گمان می کردیم اینها هرگز با هم اختلافی ندارند. آنها واقعاً مانند دو دوست با هم بودند. پدرم همیشه از گذشت و تحمل مادرم تمجید می کرد و می گفت که این زن، یازده سال و نیم در «نجف» تحمل هر سختی را کرده است، 8 بچه اش را پس از تولد از دست داده و دم نزده و در همه این مدت من مشغول درس خواندن بودم و خوبیها را به مادرم نسبت می دادند. خودشان می گفتند که از اول ازدواج همیشه با هم یک رنگ و یک دل بودیم. و با بچه ها بسیار صمیمی بودند. گاهی ساعات بسیار از وقت گرانبهای خود را صرف شنیدن حرفهای ما یا آموختن نقاشی به ما و سرمشق دادن برای تکالیفمان می کردند.

در خانه اصلاً مایل نبودند کارهای شخصیشان را کس دیگری انجام دهد و بر سر آوردن رختخواب همیشه مسابقه بود، پدرم سعی می کردند زودتر از همه این کار را انجام دهند و مادرم هم سعی می کرد پیش دستی کند. حتی این اواخر که بیمار بودند و من به خانه شان می رفتم با آن حالت بیمار برای ریختن چای از جای خود برمی خواستند و اگر من می گفتم: «چرا به من نگفتید که برایتان چای بیاورم؟» می گفتند: «نه، تو مهمانی، سید هم هستی و من نباید به تو دستور بدهم.» وقتی مادرم مریض می شد، اصلاً اجازه نمی داد از بستر بلند شود و کاری انجام دهد. مادر من حدود 17 سال پیش فوت کرده است، پیش از فوت حدود 27 روز در بستر بیماری بود و در این مدت پدرم از کنار بستر ایشان لحظه ای بلند نشدند. تمام کارهایشان را تعطیل کردند و به مراقبت از مادرم پرداختند. بسیار وفادار و عاطفی بودند، تا سه چهار سال پس از فوت مادرم، پدرم علامه طباطبایی هر روز سر قبر او می رفتند و بعد از آن هم که فرصت کمتری داشتند، به طور مرتب، دو روز در هفته، یعنی دوشنبه ها و پنج شنبه

ها، بر سر مزار مادرم می رفتند و ممکن نبود این برنامه را ترک کنند. می گفتند: «بنده خدا بایستی حق شناس باشد. اگر آدم حق مردم را نتواند ادا کند حق خدا را هم نمی تواند ادا کند.

**همسر شهید مطهری :** در مدت 26 سالی که با شهید مطهری زندگی کردم ، همیشه با یک حالت تواضع و آرامش با من رفتار می کردند باصدای متین وچهره خندان ، به طوری که من با ارادت و عشق خاصی کار می کردم و علاقه شدید ایشان به من و محبتهایی که می کردند ، مرا در انجام کارهای منزل رغبت و شوق عجیبی می بخشید .

من بسیار کم سن و سال بودم که به منزل ایشان آمدم . ولی با همه آن صغر سن ، هیچ وقت یادم نمی آید که از ایشان ناراحتی و رنجی دیدم باشم . بسیار مهربان و باگذشت بودند و به آسایش و راحتی من و بچه ها اهمیت می دادند آن قدر با من صمیمی و نزدیک بودند که رنج و ناراحتی مرا نمی توانستند تحمل کنند .

یادم هست یک بار برای دیدن دخترم به اصفهان رفته بودم که بعد از چند روز با یکی از دوستانم به تهران برگشتم .

نزدیکی های سحر بود که به خانه رسیدم . وقتی وارد خانه شدم ، دیدم همه بچه ها خواب اند ولی آقا بیدار است . چای حاضر کرده بودند ، میوه و شیرینی چیده بودند و منتظر من بودند .

دوستم از دیدن این منظره بسیار تعجب کرد و گفت: [ همه روحانیان این قدر خوب اند ؟ ]

بعد از سلام و علیک ، وقتی آقا دیدند بچه ها هنوز خواب اند ، با تأثر به من گفتند :

می ترسم یک وقت من نباشم و شما از سفر بیایید و کسی نباشد که به استقبالتان بیاید .

یک وقت هم من و ایشان به سفر کربلا رفته بودیم . وقتی به خانه برگشتیم دو سه تا از بچه ها خواب بودند . ایشان ناراحت شدند و با بچه ها دعوا کردند که :

چرا وقتی مادران از سفر کربلا برگشته ، همه شما به استقبالش نیامدید ؟<sup>۲۷۱</sup>

**همسر شهید حاج محمد ابراهیم همت:** زندگی ما طول چندانی نداشت اما عرض بی انتهایی داشت .

ابراهیم بودنش خیلی کم بود؛ اما خیلی با کیفیت بود

هیچ وقت نشد زنگ در خانه را بزند و در برایش باز شود. قبل از اینکه دستش به زنگ برسد، در را برایش باز می کردم. می خندید. خنده ای که همه مشکلات و غم و غصه اش پشتش بود؛ اما خودنمایی نمی کرد.

تا بود نود و نه درصد کارهای خانه با او بود

آن قدر غرق محبتم می کرد که یادم می رفت از مشکلات جبهه اش بپرسم. تا از راه می رسید حق نداشتم دست به سیاه و سفید بزنم. اگر می خواستم دست بزنم، گاهی تشرم می زد

خودش شیر بچه ها را آماده می کرد، جای شان را عوض می کرد. با من لباس ها را می شست و می برد. پهن شان می کرد و خودش جمع شان می کرد. خودش سفره را پهن می کرد و خودش جمع می کرد

«می گفتم: «تو آنجا خیلی سختی می کشی، چرا باید به جای من هم سختی بکشی؟

«می گفت: «تو بیش از آنها به گردنم حق داری. من باید حق تو و این طفل های معصوم را ادا کنم

«می گفتم: «ناسلامتی من زن خانه تو هستم و باید وظیفه ام را عمل کنم

می گفت: «من زودتر از جنگ تمام می شوم ژیللا. ولی مطمئن باش اگر ماندنی بودم به تو نشان می دادم

«تمام این روزهایت را چطور بلد بودم جبران کنم<sup>۲۷۲</sup>

اما نامهربانیها با همسر!

پادشاه زنانش را آتش زد!

شاه عباس دوم روزی در حرمخانه باده زیادی خورده و به سه نفر از بانوان دستور داد که آنها هم بنوشند. آنها پوزش خواستند و گفتند که به زودی به حج خواهند رفت. شاه سه بار دیگر پافشاری کرد و به آنها گفت که باده بنوشند؛ بانوان به همین سخن پوزش خواستند. شاه بی درنگ فرمان داد هر سه را بستند و آتش بسیاری افروخته آنها را در آتش سوختند.

شاه عباس دوم بار دیگری در پی زیاده روی در نوشیدن باده، به یکی از بانوان حرم گفت که او هم باده بنوشد و آن بانو از نوشیدن باده خودداری کرد. شاه خشمگین برخاست و به بزرگ خواجه سرایان گفت که او را نیز مانند آن سه بانوی دیگر در آتش انداخته بسوزانند. آغاباشی می خواست فرمان شاه را به انجام رساند اما در برابر گریه و زاری و درخواست های آن بانو، دلش به رحم آمد و پیش خود گفت که شاه این بانو را دوست دارد فردا که به هوش بیاید او را خواهد بخشید.

از این روی، آن بانو را نکشت. بامداد که شاه از خواب برخاست از آغاباشی پرسید که فرمان را انجام دادی؟ پاسخ شنید که فرمان شاهانه را به تعویق انداختم تا شاید پادشاه اندیشه خود را دگرگون سازد. شاه بی درنگ فرمان داد آغاباشی را در آتش انداخته سوزانیدند و آن بانو را بخشید.

---

کتاب به مجنون گفتم زنده بمان؛ کتاب همت. نوشته فرهاد خضری. نوبت چاپ: نوزدهم، ۱۳۹۲<sup>272</sup>

## عذاب شوهر بخاطر مسخره کردن همسر

شیخ رجبعلی گفت در عالم برزخ دیدم که مردی را عذاب می کردند چون دائم اسم همسرش سکینه را خانم سکو می گفت و زنش را ناراحت می نمود! <sup>۲۷۳</sup>

من شوهرم دست بزن داره نه یه سیلی نه با اینکه لاغره از لحاظ جسه ولی چنان قدرت دستی داره که نمیتونید تصور کنید کاش فقط دست بزن بود با کمر بند هم میزنه سر موضوعاتی که خیلی پیش پا افتادست

به خدا زنی که محکوم به خیانت هست هم اینطور نمیزنن دو باری که منو با کمر بند زد تمام پشت بازوهای کبود شد شاید گفتنش جایز نباشه ولی درهر دو زمان کمر بند باسن من به طور مستقیم برخورد میکرد به هیچ کس نمیتونم بگم هر کی که پرسید گفتم تصادف کردم

چنان با لغت به پاهایم میکوبه که سیاه کبود میشه 'اینارو گفتم که به اینجا برسم کجای قران کجای اسلام به مرد اجازه اینکاره میده 'شوهر من به خدا خیلی اعتقاد داره تو خونه ما اول خدا بعد نون سفره بعدم خود سفره خیلی منزلت داره اگه اخیانا موقع پهن کردن سفره به طور تصادفی پای من گوشه ای از سفره رو لمس کنه این جمله رو می شنوم) بی شعور احمق پاتو از رو برکت خدا بردار

به نظر شما من به عنوان یه موجود زنده به عنوان یه زن برکت یه خونه هستم یا یه شیع به اسم سفره ( منم به حرمت نون سفره اعتقاد دارم 'چرا هرچی تو رسانه و شبکه های اجتماعی میگن فقط به زن هاست ؟ چرا حرمت یه زن رو به مرد یادآوری نمیکنن؟

چرا مردها متوجه نیستن که برکتی که بعد از ازدواج به زندگیشان وارد میشه به خاطر وجود زناشون ؟  
خانم دیگری میگه

شوهر من هم دست بزن داره هم به من خیانت کرده هم بهم پول نمیده هم حق دخالت تو هیچ کاریو بهم نمیده حتی وقتی که خونه هستش حرفاشو به پسر من میگه که من بشنوم پسر من 2سالشه حتی حرف زدن بلد نیست به اون میگه لباسم کجاست. ولی به من نمیکه. خیلی راحت تحقیر میکنه میگه برو. من نمیدونم خدا چرا جوابه این ادمارو نمیده حتی خوانوادش میگن تو لج نکن تو رو خدا برام دعا !کنید که ب سزای اعمالش برسه

دیگری می گه

منم بارها و بارها از شوهرم کمر بند خوردم. سر هر موضوعی سه چهارتا سیلی ابدار بهم میزنه. میزنه تو !گوشم. کتک سیری بهم میزنه همیشه

:این یکی میگه

سلام عزیزم شما هم مثل منی ما 3ماهه که عقد کردیم اما تو این سه ماه خیلی کتکم میزنه با کمر بند. حتی یه هفته پیش طوری با لگد زد تو کمرم که خونریزی کردم. یا موهام میگه میکشه خیلی درد میگه حتی سرم رو چند بار به دیوار زده خونواده من خبر ندارن. اما مادر شوهرم میدونه هر چی

هم بهش میگه دست از این کارات بردار بدتر لج میکنه. کمکم کنید دوران نامزدی که بهترین دوران  
!است واسه من شده جهنم

شهره میگه: سلام منم شوهرم خیلی بد اخلاقه اولش خوب بود ولی بعد خانوادش میگفتن زن ذیلی  
!اونم الان دیگه کتک میزنه تازه من سرکار هم میرم تمامه حقوقم رو هم میگیره. کمکم کنید

نامردی نوشته: به نظر من مرد حق داره زنش و بزنه تنبیه کنه تحقیر کنه شکنجه اش بده زندانی کنه و  
زن هیچ حقی نداره که زر اضافه بزنه اگر مرد زد مرد حق داره جلوش وایسه من با زخم همه کار میکنم  
حبسش میکنم برده اش میکنم اگه به امرم گوش نده بلائی به سرش میارم که به دست پام میفته. زن  
من حق نداره جلو من و خانواده م سرشو بالا بگیره. من حتی زخم فلک و اسپنک م میکنم خیلی حال  
!میده

!سارا میگه: من الان هشت ماهمه و همین یک ساعت پیش شوهرم کتکم زد

\*\*\*\*\*

### خوش زبانی زوجین عامل استحکام خانواده

زن و شوهر که باید سالیان سال باهم زندگی کنند باید نسبت به هم خوش زبان باشند. هیچوقت به هم  
نیش و کنایه نزنند. هم رو مسخره نکنند. عیب و ایراد از هم نگیرند. ولو ظاهری هم شده بهم اظهار  
محبت کنند. در این صورت زندگی شیرین خواهد بود

اما اگر زن یا شوهر بد زبان باشند! زندگی تلخ خواهد بود



و اون آرامشی که خداوند در سوره روم فرمود که بر اثر ازدواج بدست می آید، با زن بد زبان یا شوهر بد زبان حاصل نمی شود.

\*\*\*\*

مردهای بد زبان

!زنهایی که از بد دهنی شوهر می نالند هم فراوانند

یکی از مشکلات خانواده ها این است که مرد خانواده ادم بد زبان است. مردهایی که تربیت درست نشدند و زبانشان تلخ است. وقتی از چیزی ناراحت می شوند فحش و ناسزا می گویند. در اینجا به چند مورد از شکوه زنان از شوهران بد زبانشان اشاره میشود

\*\*\*\*

شوهر بد دهن و پر خاشگرم را چگونه تغییر دهم؟

جام جم سرا: خانمی هستم، ۳۰ ساله. ۱۲ سال است ازدواج کرده ام. هم سرم بسیار خودخواه و بد دهن است. از هر راهی سعی کرده ام او را متوجه اشتباهش کنم بی فایده بوده و همیشه مرا مقصر می داند؛ از طرفی برای بچه هایم که شاهد بحث های مکرر ما هستند، نگرانم لطفا راهنمایی ام کنید

\*\*\*\*

دیگری میگه:

!گاهی دیگه از مرز فحش دادن ساده میگذره

سلام دوستان .، یک و سال و چند ماهه ازدواج کردیم و هر بار دعوا مون میشه ، حرفه ای خیلی زشتی به من میزنه و گاهی دیگه از مرز فحش دادن ساده میگذره ! با خودم فکر میکنم مگه میشه آدم به ناموس خودش فحشهای ناموسی بده ... نمیدونم ... ناراحتم ... توی اتاق نشستم ... دلم پر از غمه و ... شکسته... تازه هم خودش هم خانواده اش تحصیلکرده های فوق و دکترا هستن ... اما شعور

\*\*\*\*

خانمی میگه:

سلام خسته نباشید،لطفا راهنمایی کنین همسرم موقع عصبانیت و مخصوصا دعوا خیلی بد دهنی میکنه فحش میده حتی به خونواده من و مادرم و خواهرهام بدترین و رکیک ترین حرف هارو میزنه که شرمم میشه بگم. چهار ساله باهاش زندگی میکنم بهش میگم حالم بهم میخوره از این همه بد حرف زدن اما رعایت نمیکنه اصلا.و میدونه من بدم میاد تو دعوا خودشو قشنگ خالی میکنه با این حرفا که منو حرص بده.نمیدونم چکار کنم خسته شدم ازین رفتار

جواب:صبوری و سکوت در مقابل فحاشی سیره اهل بیت علیهم السلام که پاداش فراوانی داره

\*\*\*\*\*

خانمی هستم ۲۴ ساله همسرم ۲۶

(دو ساله ازدواج کردیم و یک فرزند ۶ ماهه داریم)پسر

زندگی خوبی داریم خدا رو شکر ، مشکل من اینه وقتی همسرم خسته هست بهانه گیر میشود و من هم خیلی آروم جوابشون رو میدم ولی عصبانی میشوند و گاهی داد میزنند

البته چند ساعت بعد که استراحت کنند یا بخوابند خوب میشن و چند بار هم بابت عصبانیت شون از من عذرخواهی کرده اند

لطفا راهنمایی کنید من چه وظیفه ای دارم و چطور برخورد کنم؟ جواب: باید زن جواب نده و دهن به دهن نکنه و جلوش نایسته و بحث نکنه و سکوت کنه و فضای خانه رو آرام بذارید اگرچه مرد غیر منطقی عمل کنه ولی اگر جواب بده بدتر میشه چون مرد یا خسته است یا مشکلی داشته و زن باید سنگ صبور باشی

سلام خسته نباشید. شما رو به خدا استاد این بار کمکم کنید.. خانمی 38 ساله هستم و با آقامون 10 سال فاصله سنی دارم و 2 فرزند دارم. هر دو کارمند و تحصیل کرده و شاغل هستیم. بنا به دلایل مختلف میدونم انتخابم غلط بوده ولی به خاطر بچه ها و آینده شون تحمل می کنم. همسرم کارهای خوب هم داره ولی خیلی کینه ای هست و فقط نظرات خودش رو هرچند غلط باشه قبول میکنه. هر کاری که به نظرتون می رسه سرم من اورده. 8 ماهه خونه پدرم نمیاد چون سر چند چیز به من گیر بیخود داده بود و حتی روم دست بلند کرد پدرم بعد از 14 سال باهاش صحبت کرد و این بهش برخورد و از اون موقع خونه بابام نمیاد و من واقعا ناراحتم و پیش فامیل سرافکندم کرده. تو این 14 سال پدرم هیچی رو به روش نیوورده و همیشه به این خاطر رابطه شون خوب بوده ولی از موقعی که پدرم کمی نصیحت دوستانه کرده قطع ارتباط کرده. من هم مقابله به مثل کردم و به خونه پدر شوهرم نرفتم ولی تاثیری نداشت. بعد تصمیم گرفتم به خونه پدر شوهرم برم شاید اونهم عوض بشه. ولی باز هم تاثیری نداشت. الان هم خودمو به بی خیالی زدم. اهل صحبت و مشاوره هم نیست واقعا دچار

افسردگی شدم. اصلا دوست ندارم کسی از فامیل مشکلات منو بدوننه ولی به شوهرم اصلا مهم نیست.  
لطفا راه حل بدین. جواب:اول اینکه مرد اگر لج کنه باید در مقابلش لج نکنی. بلکه باید حلم و  
بردباری کنی.و مشکل شما ارتباط شما با شوهرت هست نه خانواده شما. احتمالا در مقابل شوهر غز  
می زنید یا فوراً تمکین نمی کنید و جلوش می ایستید.ولی اگر هرد لج کنید کار بدتر میشود

\*\*\*\*

### مهربانی با همسر جزو اخلاق محمدی است

از موارد مهم مهربانی در خانواده،مهربانی زن و شوهر نسبت به هم بویژه مهربانی شوهر نسبت به همسر  
خود می باشد.خداوند در سوره روم فرموده یکی از آیات الهی و معجزات خلقت این است که  
خداوند از جنس شما همسر افرید تا در کنارش آرامش داشته باشید و بین شما محبت قرار داد

اگر زن و شوهر بخواهند از زندگی لذت ببرند چاره ای نیست که باید همیشه باهم مهربان باشند. لذا زن و شوهر هایی هستند که انچنان باهم مهربان بوده اند که حتی در سن پیری بهم عشق می ورزیدند. و وقتی یکی از دنیا رفته، دیگری هم به فاصله کمی حتی دیده شده یکساعت بعد، از دنیا رفته است.

و طاقت دوری از همسر مرحوم خود را نداشته است. خداوند امر و سفارش به این نوع محبت کرده و ان را تایید نموده و عشق مقدس همین عشق است عشق زن و شوهر بهم. که نمونه ان محبت بین علی و زهرا سلام الله علیهما است. که خداوند در قران در سوره الرحمان از آن اینگونه تعبیر فرموده است

مرج البحرين يلتقيان... دو دریا بهم پیوستند... یخرج منهما لولو والمرجان... از این دو دریا جواهراتی (حسن و حسین و زینب و ام کلثوم) بیرون آمد... عجب تعبیری خداوند مهربان از ازدواج علی و زهرا سلام الله علیهما فرمود....

اگرچه محبت در بین بسیاری از زن و شوهرها وجود دارد ولی متأسفانه تعداد زیادی هم خانواده هایی هستند که همیشه در ان جنگ و دعوا و ضرب و جرح و ناراحتی است و اکثرا زنها مورد ظلم شوهر... قرار می گیرند و گاهی هم بر عکس شوهر مورد ظلم زنش قرار می گیرد

داستان حضور پیامبر در حجره حفصه ....

پیامبر خدا در حجره حفصه بودند و تب و لرز داشتند. عایشه اشی برای حضرت فرستاد ولی حفصه ظرف اش را شکست.. پیامبر دید کمی اش روی تکه ای از ظرف مانده. ان را خوردند و به اورنده اش فرمودند به عایشه بپو پیامبر اش را خوردند.

فرزندان .... می گفتند پدرمان مادرمان را اذیت می کند.....

مداح مشهور دست زنش رو شکسته بود!..

..یه روز دیدم نمازگزاری زانوی غم به بغل گرفته..معلوم شد با زنش سر جوراب دعوا کرد و زنش رو خانه پدرش فرستاده...

یا در نماز جمعه اقای با دو تا بچه کوچک امده بود با زنش دعواش شده بود چند تا سیلی بش زده بود اونم قهر رفته بود...

.اگر کنترل خشم داشته باشیم زندگی با دعوا تلخ نمیشود. پیامبر هیچوقت تو خانواده عصبانی نمی شدند...\*\*\*\*

مرد تو خونه به همسرش کمک کند:

امام صادق علیه السلام فرموده اند

«کان امیرالمومنین علیه السلام یحتطب و یسقی و یکنس و کانت فاطمه تطحن و تعجن و تخبز»

امیرالمومنین علیه السلام در خانه به کارهای مشکل می پرداخت هیزم جمع آوری می کرد، آب به منزل می آورد و جارو و نظافت منزل را بعهده داشت و فاطمه زهرا سلام الله علیها گندم را با آسیاب دستی آرد می کرد و خمیر می کرد و نان می پخت

بحار ج 43 ص 151 / به نقل از رساله امام سجاد علیه السلام، شرح نراقی

حضرت امام می رفت اشپزخانه و می فرمود کمک از بهشت امده

**مرد کارهای شخصی خود را خود انجام دهد و مرتب به خانواده اش دستور ندهد!**

درباره حضرت امام می گفتند هیچ وقت از همسرش و فرزندانش چیزی درخواست نمی کرد. سید احمد می گفت ما ارزو می کردیم امام به ما مثلا بگوید برایم یک لیوان اب بیاورید ولی امام خود می رفت و اب می آورد.

در زمان رسولخدا(صلی الله علیه و آله) شخصی وضع مالیش سخت شد و همسرش به او گفت ای کاش نزد رسولخدا(صلی الله علیه و آله) می رفتی و از او چیزی طلب می کردی آن مرد نزد رسولخدا(صلی الله علیه و آله) آمد وقتی که حضرت او را دیدند قبل از اینکه او صحبتی کند حضرت فرمود: هر کس از ما سؤال کند به او عطا می کنیم و هر کس از ما نخواهد خدا او را بی نیاز می کند.

آن مرد با خود گفت رسولخدا(صلی الله علیه و آله) غیر مرا قصد نکرده پس بهانه برگشت و جریان را به زنش گفت . زنش گفت: رسولخدا(صلی الله علیه و آله) هم بشر است او از کجا خبر دارد ما گرسنه هستیم. برو و او را از وضع زندگی ما آگاه کن آن مرد پیش رسولخدا(صلی الله علیه و آله) رفت و پیامبر همان جمله را فرمودند و تا سه بار این رفت و برگشت پیش آمد تا اینکه آن مرد عزم خود را جزم کرد تا سخن پیامبر را بکار ببندد پس رفت و یک تبری عاریه کرد و بالای کوهی رفت و هیزم تهیه کرد و فروخت و به جای آن آرد گرفت و آن شب غذا تهیه کردند و فردا هیزم بیشتری تهیه کرد و فروخت و روز به روز وضعیتش بهتر شده پس تبری خرید و بعد دو شتر بارکش و سپس غلام خرید و توانگر شد آنگاه نزد پیامبر آمد و شرح حالش را گفت رسولخدا فرمود من که به تو گفتم هر کس از ما بخواهد می دهیم و هر کس نخواهد خدا او را بی نیاز می کند

آیست آبرو که نباید بجوی باز

از تشنگی بمیر و نبر آبروی خویش

دست طمع که پیش کسان می کنی دراز

پل بسته ای که بگذری از آبروی خویش

در خانه کارهای شخصی خود را خود انجام دهید مثلا نگوئید برایم اب بیاورید!خودتان بروید آب بیاورید.

اگر سر سفره نشسته اید نگوئید اون پارچ اب را به من بدهید!خودتان بلند شوید و ان را بیاورید.

درین همکارانتان که هستید باز چیزی و درخواستی از انها نکنید. قرض نکنید مگر اینکه مجبور شوید.تا می توانید وام درخواست نکنید تا بعد نیاز به درخواست ضمانت و امثال ان پیدا کنید.



دستور دادن و درخواست کردن برای کارهای شخصی، انسان را تحقیر می کند.

□ آیت الله حق شناس میفرمود:

در زمانی که بنده درس طلبگی می خواندم، به استادم گفتم: دایی بنده میلارد است، ولی هیچ □  
توجهی به بنده ندارد!

استاد گفت: این صحبت تو نشانه این است که محبت دنیا در قلب تو رسوخ کرده است، هر چه □  
زودتر باید این محبت را از قلب خودت خارج کنی.

دایی کدام است؟! باید خدا و امام زمان (ع) رزق تو را بدهند. □

چند سالی که من در کلاس اخلاق شرکت کردم، یک روز شیخ رضا علما پیش من آمد و □ □  
گفت: من پیش دایی شما رفته ام و برای شما یک ماهیانه تعیین کرده ام.

بنده وقتی این حرف ایشان را شنیدم، خیلی ناراحت شدم و گفتم: شما با اجازه چه کسی چنین □  
کاری کردی؟! روز قیامت در حضور پیغمبر (ص) گریبان تو را خواهم گرفت!

گفت: باباجان! من به شما احسان کرده‌ام. □ □

گفتم: خیر، این کار شما احسان در حق من نبوده است! و اگر بخواهی که من از سر تقصیر تو □  
بگذرم، باید بروی و به دایی بنده بگویی که اگر تو پول می‌خواهی، به من مراجعه کن!

البته بنده در آن زمان هیچ پولی نداشتم، ولی با توجه به مقام مقدس امام زمان (ع) این حرف را می □  
زدم.

ببینید مطالب اخلاقی چه تأثیری می‌کند! من همان کسی بودم که از دایی خودم توقع مالی داشتم.<sup>۲۷۴</sup> □

امام سجاد علیه السلام در دعای مکارم الاخلاق می‌فرمایند:

وَلَا تَفْتِنْنِي بِالْأَسْتِعَانَةِ

برخیزم، و در بیچارگی به پیشگاه تو بنالم، و مرا به کمک خواستن از

بَغَيْرِكَ إِذَا اضْطَرَرْتُ، وَلَا بِالْخُضُوعِ لِسُؤَالِ غَيْرِكَ إِذَا

غیر خود چون مضطر شوم، و به فروتنی برای مسئلت از غیر خود چون

اِفْتَقَرْتُ، وَلَا بِالْتَضَرُّعِ إِلَى مَنْ دُونَكَ إِذَا رَهَبْتُ، فَاسْتَحِقَّ

ندار شوم، و به زاری کردن به درگاه غیر خود چون بترسم گرفتار مکن، که به آن خاطر

**بِدَلِّكَ خِذْلَانُكَ وَ مَنْعُكَ وَ اِعْرَاضُكَ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ**

.سزاوار خواری و منع از رحمت و بی‌اعتنایی از جانب تو شوم، ای مهربانترین مهربانان

**عصبانیت خود را کنترل نمایید**

که اگر هر فردی به هر دلیلی به ما حرف‌های ناراحت‌کننده زد، یا عملی انجام داد که ما عصبانی

شدیم باید خشم خود را فرو بخوریم و در مقابل عکس‌العملی نشان ندهیم.

**پیامبری که کوه خورد!**

از امام رضا علیه السلام روایت شده که:

خدای عزّوجلّ به پیامبری از پیامبرانش وحی فرمود: چون صبح کردی نخستین چیزی را که با آن رو

به رو شدی بخور صبح که شد آن پیامبر به راه افتاد و با کوه سیاه بزرگی رو به رو شد. ایستاد و گفت:

پروردگارم عزّوجلّ مرا فرموده است که این را بخورم و متحیر ماندم، ولی به خود آمد و گفت:

پروردگارم، جلّ جلاله، مرا به کاری که توانش را ندارم فرمان نمی دهد. لذا به طرف کوه رفت تا آن

را بخورد. هر چه به آن نزدیک می شد، کوه کوچکتر می گشت و وقتی به آن رسید کوه را لقمه ای

یافت و آن را خورد و دید خوشمزه ترین چیزی است که تا کنون خورده است.

بعد به او گفتند این کوه مثال خشم و عصبانیت است که اولش سخته ولی اگر کنترلش کنی شیرین

خواهد بود.

بسیاری از دعوای و اختلافات از عدم کنترل عصبانیت است. لذا قرآن و اهل بیت به ما توصیه کرده اند

حتما عصبانیت خوتون رو کنترل کنید. گاهی بر اثر عدم کنترل عصبانیت افرادی بوده اند که مادر

خود یا پدر خود یا رفیق خود یا همسر خود را کشته اند! گاهی باعث شده اند یک طایفه اواره شهرها

باشوند.

بهترین راه کنترل عصبانیت این است که انسان صلوات بفرستد و وضو بگیرد و در حال عصبانیت هیچ

سخنی نگوید. هیچ تصمیمی نگیرد. از نظر شرعی تصمیمات ادم عصبانی اعتباری ندارد. قسمش یا

نذرش اعتبار ندارد.

مومن باید خوش اخلاق باشد و تا می تواند عصبانی نشود.

ایه الله حسن زاده نامه نوشت برای دیدار امام زمان. اما چند روز بعد عصبانی شد و با خانواده اش

بداخلاقی کرد. جواب نامه آقای قاضی امد که: ایشان چگونه می خواهند این راه را طی نمایند با آن

اخلاقی که نسبت به عائله و کودکان انجام و با آنها دعوا کردند، با آن اخلاق تند چگونه می شود به

این رتبه و مقام رسید.»

**هر کسی به امام کاظم علیه السلام بدی می کرد حضرت برایش هدیه می فرستاد..**

ما هم این روش را امتحان کنیم. اگر کسی به ما بدی کرد بجای تلافی کردن، بش خوبی کنیم. بش

هدیه بدهیم. بعد اثر معجزه اسایش را که دوستی و جلب محبت طرف است می بینیم.

## مشکلات خود را به کسی نگوئید

ادم نباید مشکلات خود را به دیگران حتی رفیقش بگوید. چون اثرش این است که ادم شکست خورده ای به نظر می رسیم!

مفضل بن قیس در اثر گرفتاری مالی نزد امام صادق (علیه السلام) آمد و از وضع زندگی خود لب به شکایت گشود و به امام عرض کرد مبلغی بدهکارم. نمی دانم چگونه بدهی خود را ادا کنم و برای هزینه زندگی درآمدی ندارم و ... امام دستور دادند کیسه حاوی چهارصد دینار طلا برای او آوردند و

بعد فرمود: هرگز برای مردم گرفتاری خود را بازگو مکن زیرا نخستین اثرش این است که وانمود می شود تو در صحنه زندگی شکست خورده ای .

علی (علیه السلام) می فرماید:

((رضی بالذل من کشف ضره لغیره))

راضی شده به ذلت کسی که گرفتارش را برای غیر ظاهر کند.

این پنج چیز را با مردم مطرح نکنید!

رازهایتان

گناهان و خطاهایتان

**زندگی خصوصی**

**درآمدها**

آیا دوست دارید دیگران درباره درآمدهایتان پرس و جو کنند؟ نه

نقاط ضعفتان!

**4- بیماری خود را مخفی نمایید!**

بعضی ها عادت بدی دارند وقتی پیش یه نفر می نشینند شروع می کنند مرض های خودشون رو

گفتن. که بله من دیابت دارم! من قلبم مشکل داره! من کلکسیون بیماری ها هستم من...

این باعث میشود احترام انسان نزد دیگران کم شود.

پیامبر خدا فرمود:

أَرْبَعٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ : كِتْمَانُ الْفَاقِهِ ، وَ كِتْمَانُ الصَّدَقَةِ ، وَ كِتْمَانُ الْمُصِيبَةِ ، وَ كِتْمَانُ الْوَجَعِ .  
:چهار چیز از گنج های بهشت است : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:  
پنهان داشتن ناداری، پنهان داشتن صدقه، پنهان داشتن مصیبت و پنهان داشتن درد.<sup>۲۷۵</sup>

اگر مثلا دل درد داریم لازم نیست به کسی بگیم حتی به والدین یا همسر. چون اونها هم نگران میشوند. فقط به پزشک و پرستار گوییم .

گاهی پیش بعضی دوستان که می رویم می بینیم وقتی تعریف می کند می گوید مثلا تا بحال چند تا عمل داشته ام و چندبار بیهوشم کردند! ارتروز دارم و درد میکشم! و...  
اینجور حرف زدن باعث میشود ادم کم ارزش شود.

### کمک به دیگران را مخفیانه انجام دهید

به ما سفارش شده که اگر می خواهیم به نیازمندی کمک کنیم ان را مخفیانه انجام دهیم چون اینجوری دارای چند تا فایده است.

یکی اینکه آبروی طرف حفظ میشود. و دچار خجالت و شرمندگی نمی گردد. یکی اینکه باعث ریاکاری و اشکال در قصد اخلاص ما نمیشود. یکی اینکه باعث ناراحتی دیگران نمیشود! مثلا اگر به همسرمان بگوییم مبلغی پول به مادرمان یا خواهرمان کمک کرده ایم احتمال دارد باعث ناراحتی همسرمان بشود و شاید هم باعث دعوا بشود که ما خودمان نیاز داریم چرا رفتی کمک کردی!



أَرْبَعٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ : كِتْمَانُ الْفَاقَةِ ، وَ كِتْمَانُ الصَّدَقَةِ ، وَ كِتْمَانُ الْمُصِيبَةِ ، وَ كِتْمَانُ الْوَجَعِ

:چهار چیز از گنج های بهشت است : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:

.پنهان داشتن ناداری، پنهان داشتن صدقه، پنهان داشتن مصیبت و پنهان داشتن درد.<sup>۲۷۶</sup>

نقل است وقتی فقیری نزد میرزای شیرازی می رفت او کنار فقیر می نشست و پول را در جیب فقیر می گذاشت که گاه خود فقیر متوجه نمی شد!

در روایت است طوری صدقه بدهید که اگر با دست راست صدقه می دهید دست چپ نفهمد!

## بخشنده و سخاوتمند باشید

ادم خوبه سخاوت داشته باشد. بخیل و خسیس نباشد.

ادمای سخاوتمند پیش مردم احترام دارند و ادمای خسیس و بخیل برعکس حتی گاهی خانواده اش  
ارزوی مرگش را دارند!

سوره هل اتی در پی بخشندگی اهل بیت نازل شد

همچنین در پی بخشش انگشتر علی علیه السلام در حال رکوع، خداوند در سوره مائده ایه ولایت را  
نازل کرد.

در روایت است که حاتم طائی که در جاهلیت زندگی می کرد و خیلی بخشنده بود در قیامت چون  
کافر بوده جهنم میره ولی خدا به آتش میگه بترسونش ولی نسوزونش

## رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: <sup>۲۷۷</sup>

«سخاوتمند به خدا، مردم و بهشت نزدیک است»

پیامبر (ص) فرمود: سخاوتمند به خدا و بهشت و مردم نزدیک است و از آتش دور می باشد و  
بخیل از خدا و مردم و بهشت دور بوده و به جهنم نزدیک است و جاهل بخشنده بهتر است نزد خدا از  
عابد بخیل. <sup>۲۷۸</sup>

<sup>277</sup> کافی (ط-الاسلامیه) ج 4، ص 40، ح 9 - بحار الأنوار (ط-بیروت) ج 70، ص 308، ح 37 **السَّخِيُّ قَرِيبٌ مِنَ اللَّهِ ، قَرِيبٌ مِنَ النَّاسِ ، قَرِيبٌ**

**مِنَ الْجَنَّةِ؛**

<sup>278</sup> بحار الأنوار، ج 73، ص 308، ح 37

مرد نباید خسیس باشد و به خانواده اش سخت بگیرد.

خانمی می گفت من رو به کمیته امداد معرفی کنید. گفتم شوهر داری؟ گفت بله و بازاری هست ولی پول برای درمان من نمی دهد.

یا دختر خانمی می گفت با اینکه پدرم پول زیادی در بانک دارد ولی برای رفع مشکلات خانواده خرج نمی کند.

و هزاران مورد از خانم هایی که از خساست شوهرانشان شکایت دارند.

اسلام توصیه کرده باندازه درآمدی که داری خرج کن چه برا خانواده چه در راه خیر. و هشدار داده که انهایی که ثروت را ذخیره می کنند همین ثروت برایشان عذاب می شود.

### اهل عفو و گذشت باشید

کسی که از خطا و اشتباهات دیگران می گذرد ادم بزرگی است.

### چرا خندیدی؟

شخصی اعرابی به مسجد آمد، و گفت:

یا رسول الله در قیامت چه کسی به حساب مردم رسیدگی می کند؟

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود، **الله** عزوجل (تبارک و تعالی جل جلاله ربی)

اعرابی **خندید** !

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: چرا خندیدی؟

گفت: برای این که

«کریم زمانی که به قدرت برسد می بخشد»<sup>۲۷۹</sup>

بخشنده اگر به قدرت برسد می بخشد!

ادمی که اهل عفو و گذشت هست عزیز میشود.

عَلَيْكُمْ بِالْعَفْوِ؛ فَإِنَّ الْعَفْوَ لَا: حقیقتی که در کلام پیامبر خدا (ص) این گونه منعکس شده است

بر شما باد گذشت؛ زیرا که گذشت جز بر عزّت <sup>[280]</sup> یزیدُ العبدِ إِلَّا عِزًّا، فَتَعَاَفَوْا يَعْزِّكُمْ اللهُ

بنده نمی افزاید. پس از یکدیگر گذشت کنید تا خداوند شما را عزّت بخشد.

امام سجاد(ع) فرمود: اگر مردی به تو از راست بدی کرد و از طرف چپ غدر خواسته به تو روی

آورد تو از

او قبول نموده و او را عفو نما.

اخلاق محمدی آخوند خراسانی

یک شخص سخنرانی بود و به خاطر اختلاف سلیقه ای که با آخوند خراسانی داشت، در منبر به ایشان

توهین می کرد. این فرد مشکل مالی پیدا کرد و قصد داشت منزل خود را به فروش رساند. خریدار

گفت به یک شرط منزل شما را می خرم که آخوند خراسانی آن را تایید کند. این شخص هم چون

چاره ای نداشت با شرمندگی نزد آخوند خراسانی رفت و گفت که پای قولنامه را امضا کنند. آخوند

خراسانی به ایشان گفتند: "چرا منزل خود را می فروشید؟" آن شخص گفت که من گرفتاری پیدا

<sup>279</sup> مجموعة ورام: 9/1، الجزء الأول؛ «قال أعرابي يا رسول الله من يحاسب الخلق يوم القيامة قال: الله عز و جل ! قال :نجونا و رب الكعبة قال و كيف ذاك يا أعرابي قال لأن الكريم إذا قدر عفا».

<sup>280</sup> الكافي، ج 2، ص 108، ح 5؛ منتخب میزان الحکمة، ج 2، ص 698، ح 4326.

کرده ام و به پول احتیاج دارم. آخوند خراسانی مقداری پول به او داد و گفت که خانه خود را بفروش و با این پول مشکل خود را حل کن.

مرد خانه باید اهل گذشت باشد و از اشتباهات همسرش و فرزندانش بگذرد تا زندگی شیرین باشد.  
نشاط رشد دهند.

اگر می‌خواهید فرزندان‌تان از نظر روحی سالم باشند، باید در خانه «سخت‌گیری» و «بهانه‌جویی» نکنید، از «منفی‌نگری» پرهیزید، «سعه‌صدر» داشته باشید و در رابطه با همسر و فرزندان‌تان از خود، گذشت و نرمی نشان دهید. نگذارید سخنان تند و نیش‌دار و کردار بد، صفا و دوستی و محبت را از میان ببرد و زمینه را برای رشد دیگر اختلاف‌ها، کدورت‌ها و نابسامانی‌ها فراهم سازد. یادمان باشد همه اتفاق‌هایی که پیش چشم فرزندانمان در محیط خانه رخ می‌دهد، در رفتارشان بازتاب می‌یابد و فراموش نکنیم که قرار است، ما با همسرمان سال‌های سال زندگی کنیم، پس بخشش، بزرگ‌منشی و سعه صدر را در رفتار و کردارمان رعایت کنیم تا کم‌کم در مراحل بعدی از اشتباه‌های همسرمان نیز کاسته شود.

حتماً در زندگی زناشویی موارد زیادی پیش می‌آید که نظرات زن و مرد باهم جور در نمی‌آید و باهم مخالف است. یا اینکه مرد کاری می‌کند که زن با آن مخالف است یا برعکس زن کاری می‌کند که مرد با آن مخالف است و این منجر به ناراحتی از هم می‌شود. عشق و علاقه جای خود را به تنفر و ناراحتی از هم می‌دهد.

چه در مسائل جزئی و چه در مسائل مهم

موردی داشتیم که زن و شوهر برای طلاق باهم توافق کرده بودند وقتی با آنها صحبت کردم دیدم که سر یک مساله خیلی کوچک از هم ناراحت شده‌اند و منجر به تصمیم به طلاق شده که با کمی صحبت با آنها، از طلاق منصرف شدند.

در حالی که باید در این موارد مرد خشم و ناراحتی خود را کنترل کند و با برخوردی پخته مساله را حل نماید.

حضرت علی (ع) مدارا با همسر را در همه حال تأکید نموده است

«با زنان در همه حال مدارا کنید ، خوش زبان و نرمخو باشید ، و در تمام امور نیکی نمایید »

# خانواده نمونه در اسلام

محمد تقی صرفی

فصل اول: صفات مادر نمونه 7

مادر و همسر نمونه 7

صفات مادر نمونه 7

قلب مادر 11

فواید مطالعه کتابهای مفید برای مادران 13

حضرت خدیجه (س) زن نمونه 16

وظایف مادر نمونه نسبت به فرزندان 18

1- انعقاد نطفه در وقتی که نیکو است. 18

2- هنگام آمیزش با طهارت بوده و مسائل سفارش شده 18

درباره آمیزش را رعایت نماید 18

می شود. 18.

3- در ایام بارداری بر رعایت طهارت و عبادت مداومت 18

نماید. 18

4- در ایام بارداری از دعوا و درگیری وجوش و خروش 19

پرهیزد. 19

5- در ایام بارداری و در دوران شیرخوارگی نوزاد، از لقمه 19

حرام و از استعمال مواد مخدر و مشروبات الکلی دوری کند. 19

6- در ایام بارداری از معاشرت زیاد با مردم دوری کند 20

و بیشتر با شوهرش باشد. 20

7- بعد از تولد علاوه بر گفتن اذان و اقامه در گوش 20

8- در اسم گذاری فرزند از نامهایی که اسلام سفارش کرده 22

است استفاده نماید. 22

9- کودک را با خود به مساجد و مجالس سوگواری امام 23

حسین (ع) و دیگر مجالس مذهبی ببرد. 23

10- خود نماز بخواند و فرزندش را هم به نماز سفارش کند. 24

11- اگر فرزند دختر است، اهمیت حجاب را در مناسبتهای مختلف گوشزد کند 24

12- برای آموزش قرآن به فرزندش برنامه ریزی کند. 26

13- در ایام نوجوانی نظارت کامل بر معاشرت فرزندش 26

داشته باشد. 27

14- به فرزندان محبت کند تا گول محبت‌های ظاهری 27

دیگران را نخورند. ولی در محبت زیاده روی نکند! 27

15- خود راستگو و متواضع و سخاوتمند و عقیف و با حجاب 29

و شوهردار و طالب علم و امانتدار و اهل صله رحم و... باشد 30

تا فرزندانش نیز این چنین باشند. 30

16- آئین شوهرداری را به دخترانش آموزش دهد. 30

17- اگر خواستگار مؤمن و خوش اخلاقی برای دخترش 31

آمد، مانع تراشی نکند. 31

18- فرزندانش را به ازدواج هم شأن خودشان دریاورد. 32

19- دخترش را به فاسق و فاجر و شرابخوار شوهر ندهد! 32



## فصل دوم: وظایف زنان نسبت به شوهرانشان 34

وظایف زنان نسبت به شوهرانشان 34

1- اطاعت از شوهر 34

2- خارج نشدن از خانه بدون اجازه شوهر 35

3- هرزمان شوهر به او نیاز داشت، تمکین کند. 36

نشوز زن 36

4- لباس و ظاهر خود را با بهترین وجه بپاراید. 36

5- اسرار خانه را برای زنان فامیل و همسایگان نقل نکند. 37

6- بر اخلاق بد شوهرش صبر نماید. 37

زن صبور و شکور 37

7- با اخلاق خوب با شوهرش روبرو شود. 38

8- در زندگی اهل قناعت بوده و ولخرجی و اسراف ننماید 39

## فصل سوم: پدر و همسر نمونه 41

پدر و همسر نمونه 41

خصوصیات پدر نمونه 41

سرپرستی پدر 42

وظایف مردان: 44

1- انتخاب همسری شایسته برای خود. 44

2- دوری از انحرافات اخلاقی قبل و بعد از ازدواج 45

3- رعایت سفارشات اسلام در مورد آمیزش جنسی 45

4- کمک به همسر برای رعایت آداب ولادت و نامگذاری 45

و ولیمه 45

5- محبت به فرزندان و همراه بردن فرزندان به تفریحات سالم 46

5- استفاده از درآمد حلال برای خورد و خوراک خانواده 47

6- آشنا کردن فرزند با خدا و آموزه‌های مذهبی 48

7- تربیت فرزند بر اساس تربیت دینی 50

8- تأکید بر نماز خواندن فرزند 53

9- نظارت کامل بر معاشرت فرزندش 54

10- نظارت بر استفاده فرزند از رسانه‌های صوتی و تصویری 55

ورایانه‌واستفاده از موسیقی مبتذل و شرکت در پارتی‌های 55

منحرف کننده 55

11- جدیت در امر ازدواج فرزندان 56

12- جدیت در امر یاد دادن قرآن و آداب اسلامی مانند: 57

13- رعایت پوشش کامل در موقع عمل زناشویی 57

14- شرکت در نماز جمعه و جماعت و مراسمات دینی 58

بهمراه فرزندان 58

### فصل چهارم: 60

وظایف شوهر نمونه 60

1- تهیه نیازهای روزانه غذایی و پوشاکی و مسکن همسر 60

2- خوش اخلاقی با همسر. 60

3- اشتباهات همسر را نادیده بگیرد. 61

4- شبها وی را رها نکند 61

5- حداقل چهارماه یکبار زن حق همبستری دارد. به این حق 61

عمل کند 61

6- قسمتی از شبانه روز را به همسرش اختصاص بدهد. 61

7- مطیع زنش نباشد و بر حضور زن در بازارها و پاساژها نیز 61

حساس باشد. 62

سفارشات اسلام درباره زنان 62

8- به زنش فخر فروشی نکند. 64

### فصل پنجم: 66

فرزندان نمونه 66

1- تکریم و احترام پدر و مادر 66

احترام به سالمندان 75

2- اهمیت دادن به زیبایی باطنی 77

میل به جمال معنوی در جوانان 80

سعادت جوانان 82

3- تقلید از الگوهای نمونه 82

تقلید از خوبان 85

4- دوری از مواد مخدر 87

5- تسریع در ازدواج 88

6- پرورش حس مذهبی 89

7- ارزش قائل شدن برای علم و دانش 91

8- استفاده از فرصتها 93

نمایند، لازم است به چهار نکته توجه نمایند: 94

9- پیروی از فرهنگ ایرانی و اسلامی 96

10- تشخیص قهرمانان دروغین از قهرمانان راستین 98

11- دوری از انحرافات همچون چشم چرانی، ارتباطات 100

نامشروع و... 100

نتیجه: 104

### مادر و همسر نمونه

### صفات مادر نمونه

«همانا مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان عابد و زنان عابده، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صبور و زنان صبور، مردان خاشع و زنان خاشعه، مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده، مردان روزه دار و زنان روزه دار، مردان حفظ کننده اندامهای خود از حرام و زنان حفظ کننده، مردان بسیار ذکر گوینده و زنان ذکر گوینده، خداوند برای آنان آمرزش و پاداش عظیمی آماده نموده است.»

خداوند در آیه زیر ده خصلت برای زنان و مردانی که می خواهند در دنیا و آخرت سعادت مند باشند، ذکر کرده است که بشرح زیر است:

اسلام، ایمان، دعا کننده، راستگو، صبور، مطیع خدا، انفاق کننده، روزه گیر، عفیف، اهل ذکر

زنیکه به عنوان همسر و مادر در خانواده کوچک خود دارای صفات زیر است همان مادری است که در سخن پیامبر خدا، بهشت در زیرپایش می باشد. او همان مادری است که فرزندانی تربیت می کند که باعث افتخار برای دین و کشورمان می شوند. او همان زنی است که دعایش در حق فرزندان مستجاب می شود. او مادری است که همواره فرزندان را به کارهای خوب و درست تشویق و سفارش می کند.

مادر است که با انجام وظایف خود می تواند شخصیت های بزرگی را به جامعه تحویل دهد. او باید از استراحت خود چشم پوشی نماید. سختیها را بجان بخرد و همانند کشاورز و باغبان مرتب به محصولات خود نظارت داشته باشد تا بتواند در موقع برداشت محصول، محصولات خوبی به بازار روانه نماید:

مادری که الگویش حضرت فاطمه (س) و حضرت زینب (س) است، می تواند در مقابل مصیبت هایی که احیاناً بر او وارد می شود صبور باشد و در برخورد با این امتحانات، حماسه ها بیافریند.

از همه کس نزدیکتر به بهشت، مادر است اگر واقعا مادری کند.

«شخصی به پیامبر (ص) گفت: نذر کرده ام آستانه بهشت را ببوسم. حال چه کنم؟ فرمود: پای مادر و پیشانی پدر را ببوس تا به نذرت عمل کرده باشی. و اگر از دنیا رفته اند، قبر آنان را ببوس.»

متأسفانه فرهنگ غرب که مقداری هم در کشور ما نفوذ کرده است، هیچ جایگاهی برای مادران در نظر نگرفته است. لذا در فیلمها و سریالهایشان کمتر اثری از نقش مادر است و معمولاً بخاطر مفاسد دنیای غرب که زن نمی تواند هم زیبا و فاسد باشد و هم مادر! بیشتر فرزندان بدون پدر یا مادر یا هردو بزرگ می شوند و کمتر از محبت مادر و پدر برخوردارند:

بنجامین اسپاک، پزشک آمریکایی:

«میزان قتل و تجاوز و بهره کشی جنسی و بهره کشی از فرزندان و همسران به طور تکان دهنده ای بالاست.» «بیشتر سالخوردگان - مگر این که ثروتمند باشند - آرزو دارند که فقط تحمل شوند.» «دیگر پدر در بسیاری از خانواده ها چهره با ابهتی ندارد... و در برنامه های تلویزیونی اغلب اوقات پدر به عنوان دلچسپ تصویر می شود، مادران هرچه کمتر و کمتر در مقام تربیت کنندگان قابل اتکا و قابل احترام دیده می شوند.» «هر بچه ای به طور متوسط تا قبل از پایان دوره ابتدایی تصویر «رسانه ای» حدود هشت هزار قتل را تماشا کرده است.»

جونز لانز، از اساتید دانشگاه بوستون آمریکا:

«یک نوجوان شانزده ساله آمریکایی در دوران کودکی و نوجوانی اش تا سن (16 سالگی) شاهد هجده هزار مورد قتل و هشت هزار مورد تجاوز جنسی از تلویزیون می باشد.»

جوینس برایش، نویسنده و روزنامه نگار:

«با کاهش تعداد خانواده هایی که از پدر و مادر برخوردارند جامعه ایالات متحده روندی رو به زوال را آغاز نموده است.»

واشنگتن تایمز:

«در آمریکا فرزندان طلاق و تک والدینی و بی سرپرست در محیط خانه خود هیچ گونه آموزش اخلاقی نمی بینند. استثنا هم وجود دارد و بعضی مادران کار خود را به نحو احسن انجام می دهند. اما بسیاری از آنها درگیر استفاده از مواد مخدر هستند و از نظر موقعیت مالی تنها نیم قدم بابتی خانمانی فاصله دارند. بنابراین همه چیز به هم ریخته است، بچه ها خشونت و اثرات منفی را مدل خود قرار می دهند.»

«دکتر آنتوانت ساندروز درباره وضع کودکان آمریکا می نویسد:

در آمریکا در سال 1990 بیش از یک چهارم کودکان زیر هیجده سال یافت با یکی از والدین خود و یا بدون هیچ یک بسر می بردند.»

«بر اساس آمار معتبر:

در آمریکا سالانه بیش از یک میلیون نوجوان از خانواده های خود فرار می کنند که نیمی از آن ها دختران نوجوانی هستند که به علت سن پایین نمی توانند شغلی داشته باشند لذا به دزدی و مبادله مواد مخدر و فحشا روی می آورند.»

«کشیش یرس ریتز می گوید:

در آمریکا بالغ بر پانصد هزار نوجوان زیر هفده سال اختصاصاً به کار فحشا اشتغال دارند.»

«جوئیس برایس نویسنده و تحلیلگر روزنامه واشنگتن تایمز با ارائه گزارش ویژه ای در زمینه شکست خانواده در آمریکا می نویسد:

با کاهش تعداد خانواده هایی که از پدر و مادر برخوردارند جامعه ایالات متحده روندی رو به زوال را آغاز کرده است.»

*آمار فوق از دنیای غربی است که آمال عده ای از جوانان و ناآگاهان کشور ما است. در حالیکه در دنیای اسلام، در میان خانواده کوچک، مهمترین نقش تربیتی مربوط به مادر است لذا ارزش او در صورت عمل کردن به وظایف خود، از دیگر اعضای خانه بیشتر می باشد.*

### قلب مادر

داد معشوقه به عاشق پیغام که کند مادر تو با من جنگ

هر کجا بیندم از دور کند چهره پرچین و جبین پُر آژنگ

با نگاه غضب آلود زنده بردل نازک من تیر خدنگ

از در خانه مرا طرد کند همچو سنگ از دهن قلما سنگ

مادر سنگدلت تا زنده است شهد در کام من و تُست شرنگ  
 نشوم یکدل ویکرنگ تورا تا نسازی دل او از خون رنگ  
 گر تو خواهی به وصالم برسی باید این ساعت بی خوف و درنگ  
 روی و سینه تنگش بدری دل برون آری از آن سینه تنگ  
 گرم و خونین به منش باز آری تا برد ز آینه قلبم زنگ  
 عاشق بی خرد ناهنجار نه بل فاسق بی عصمت و ننگ  
 حرمتِ مادری از یاد بیردخیره از باده و دیوانه ز بنگ  
 رفت و مادر را افکند به خاک سینه بدرید و دل آورد به چنگ  
 قصدِ سر منزلِ معشوق نمود دلِ مادر به کفش چون نارنگ  
 از قضا خورد دَم در به زمین و اندکی سوده شد او را آرنک  
 و آن دلِ گرم که جان داشت هنوز او فتاد از کف آن بی فرهنگ  
 از زمین باز چو برخاست نمود پی برداشتنِ آن آهنگ  
 دید کز آن دلِ آغشته به خون آید آهسته برون این آهنگ  
 آه دستِ پسر می یافت خراشِ آخِ پایِ پسر می خورد به سنگ  
 در بعضی مواقع همان چند سال شیر دادن و بزرگ کردن کودک نقش عمده‌ای در هدایت یا گمراهی او ایفا می‌نماید:

یکی از شرایط مادر خوب بودن آن است که مادر ارزش و اهمیت خود را بشناسد تا به آن عمل کند و این میسر نمی‌شود مگر با مطالعه کتب تربیتی و کتابهایی که به نحوی در این مورد چاپ شده است. در جامعه ما، مادران با سواد و اهل مطالعه کم هستند و خانمها در ساعاتی فراغت، بیشتر دوست دارند تا با هم جنسان خود در محلی گرد هم آمده و از هر دری سخن بگویند و خود را این چنین سرگرم کنند غافل از اینکه چون همجنسان آنها هم اکثراً اهل مطالعه نیستند، بیشتر سخنان پیرامون لباس و ازدواج و جهیزیه و مسائل کم اهمیت و گاهی غیبت‌ها پشت سر افراد دور می‌زنند و کمتر از مسائل مهم تربیتی و تجارب بزرگ کردن فرزندان سخن به میان می‌آید. و این نیاز به یک تغییر در خانواده‌های ایرانی دارد تا بتوانند نقش مهمتری در خانه و اجتماع خودشان ایفا نمایند.

### فواید مطالعه کتابهای مفید برای مادران

مادران آگاه و اهل مطالعه از خطراتی که در کمین فرزندانشان است با خبر هستند. از اثرات مخرب نوشیدنی‌های مست کننده بر روی نوزادشان مطلع می‌باشند. از مضرات استعمال سیگار و مواد مخدر بر روی فرزندانشان اطلاع دارند

و خلاصه راه و چاه را بهتر و بیشتر بلدند. شخصی سه فرزند عقب افتاده داشت. وقتی از او سؤال شد که چرا ازدواج فامیلی کردید؟ جواب داد نمی دانستیم ازدواج فامیلی مشکلاتی را ایجاد می کند! سؤال شد چرا با تولد اولین فرزند عقب افتاده، دوباره اقدام به بارداری نمودید؟ باز جواب داد نمی دانستیم!

حال باید عمری را با مشکلات این فرزندان عقب افتاده که پسر هیجده ساله شان در کلاس پنجم ابتدایی درس می خواند و دیگری مرتب غش می کند و سومی هم ناراحتی دیگری دارد و مادر هم از بس حرص خورده و ناراحتی کشیده دچار ریشه در دستانش شده و حالت عصبی پیدا کرده، بسازند و بسوزند!

بهترین الگو برای مادران و همسران ایرانی، الگوهایی است که قرآن پیشنهاد کرده است. قرآن از حضرت فاطمه (س) در سوره کوثر، و از حضرت مریم و آسیه در سوره تحریم به عنوان زنان نمونه نام برده است: «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَعْنِ اَعْطٰیْنِ اَكْ الْكُوْثَرِ. فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ اَنْحَرِ. اَعْنَّ شَ اِنَّكَ هُوَ الْاَبْتَرُ». «بنام خداوند بخشنده مهربان. ما بتو کوثر را عطا کردیم. پس برای خدایت نماز بگذار و نحر نما، و بدان که حقیقتاً دشمن تو ابتر و بی نسل است».

فاطمه (س) از زبان امام امت:

تمام ابعادی که برای زن متصور است و برای یک انسان متصور است، در فاطمه سلام الله علیها جلوه کرده و بوده است، یک زن معمولی نبوده است، یک زن روحانی، یک زن ملکوتی، یک انسان به تمام معنا انسان، تمام نسخه انسانیت، تمام حقیقت زن».

او موجودی ملکوتی است که در عالم بصورت انسان ظاهر شده است، بلکه موجود الهی جبروتی در صورت یک زن ظاهر شده است... زنی که تمام خاصه های انبیاء در اوست، زنی که اگر مرد بود، نبی بود، زنی که اگر مرد بود، بجای رسول الله بود».

«خداوند برای آنهایی که ایمان آورده اند، زن فرعون را مثال می زند که گفت: بار خدایا برایم در بهشت در جوار خویش خانه ای بنا کن و مرا از فرعون و اعمالش نجات بده! و مرا از دست ستمکاران راحت کن! \* و حضرت مریم دختر عمران که خود را از حرام حفظ نمود و ما از روحمان در او دمیدیم و او سخنان و کتابهای الهی را تصدیق نموده و از عبادت کنندگان بود».

توضیح:

آسیه زن فرعون به خدای یکتا ایمان آورد و از ثروت و رفاه و پادشاهی شوهرش دست کشید. بدستور فرعون او را شکنجه کردند. از جمله او را به چهارمیخ بستند و در آفتاب انداختند و سنگی بر سینه او قرار دادند. در این موقع، آسیه از خدا نجات خود را تقاضا نمود و خداوند هم قبل از اینکه شکنجه او را اذیت نماید، او را قبض روح کرد. او از جمله چهار زن برگزیده جهان است. در آیه فوق خداوند او را نمونه ایمان می داند.

«هر زنی که براخلاق بد شوهرش صبر کند، خداوند ثواب حضرت آسیه را به او بدهد.»

زن دومی که خدا او را نمونه ایمان می‌داند، حضرت مریم 3 است.

او که مادر حضرت عیسی 7 است در این آیه با چند عبارت مدح شده است.

1- او زنی بوده که خود را با وجود زیبایی و مجرد بودن و امکان گناه، از حرام حفظ کرد.

2- خداوند با اعجازش او را بدون اینکه با مردی تماس داشته باشد، به حضرت عیسی 7 باردار نمود.

3- او کلمات خداوند و کتابهای آسمانی او را تأیید کرده و به آن ایمان داشت.

4- او جزء عبادت کنندگان بوده است.

حضرت خدیجه (س) زن نمونه

روزی عایشه نسبت به خدیجه 3 اظهار برتری نمود! حضرت فرمود:

«آیا نمی دانی که خدا، آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران و علی و حسن و حسین و حمزه و جعفر و فاطمه و خدیجه: را از میان انسانها برگزید؟»

اما در قرآن از دو زنی که متأسفانه در کفر نمونه بوده اند، نام برده است. زنانی که بخاطر همسری با پیامبران می‌توانسته اند الگوهای ایمان و تقوا باشند ولی بدلیل همراهی با کافران، از رحمت الهی دور شده و به آتش کفرشان سوختند:

«ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَةً نُّوحٍ وَ امْرَأَةً لُوطٍ كَ اِنَّتِ تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنِ الْاِحْيَيْنِ فَخِ اِنَّتِ اَهُمَّ اِ فَلََمْ يُغْنِ ا عَنْهُمُ ا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِيْنَ.»

«خداوند برای آنانکه کافر شدند، زن نوح و زن لوط را مثال می‌زند که این دونفر همسر دوتا بنده صالح ما بودند اما به شوهرانشان خیانت کردند و همسریشان با پیامبران، هیچ سودی برایشان نداشت و از عذاب خدا نسبت به آنها جلوگیری نکرد و به آنها دستور داده شد که با جهنمیان (قوم لوط و قوم نوح) به آتش داخل شوید.»

توضیح:

«در روایت آمده است که زن نوح بنام «واغله»، کافر بود و به مردم می‌گفت: نوح دیوانه است. و اگر کسی به نوح ایمان می‌آورد، فوراً به سران مشرکین خبر می‌داد.»

زن لوط بنام «واهله»، مردم را از مهمانهای لوط با خبر می‌کرد تا مردم آنها را اذیت نمایند! و هر که به لوط ایمان می‌آورد، به مردم خبر می‌داد و آنها هم آن شخص مؤمن را می‌کشتند.

بخاطر این خیانتشان، بر سر زن لوط سنگ بارید و زن نوح هم غرق شد.»



## وظایف مادر نمونه نسبت به فرزندان

بعد از ادای وظیفه زن نسبت به شویش، وظیفه مهم فرزند داری مطرح می شود. اهم این مسئولیت بشرح زیر است:

### 1- انعقاد نطفه در وقت هایی که نیکو است.

### 2- هنگام آمیزش با طهارت بوده و مسائل سفارش شده درباره آمیزش را رعایت نماید

«امام صادق (ع): در خانه ای که طفلی وجود دارد، با همسر خود مقاربت نکنید، که آن طفل زناکار می شود و یا فرزندی که بدنیا می آید، زناکار می شود.» .

### 3- در ایام بارداری بر رعایت طهارت و عبادت مداومت نماید.

«شیخ مرتضی انصاری، یکی از فقها و دانشمندان بزرگ شیعه است. وقتی پس از سالها تحصیل و کوشش به مقام اجتهاد و زعامت نائل آمد، مردم به مادر شیخ تبریک گفتند که فرزندان به مقام اجتهاد و مرجعیت رسیده است. آن مادر گفت: زحمتی که من در تربیت فرزندم کشیدم، اگر به مقام پیامبری هم می رسید، تعجب نمی کردم، چه رسد به مقام اجتهاد!

مردم از شنیدن این سخن تعجب کرده و گفتند: مگر در تربیت فرزندت چه کرده ای که دیگران نکرده اند؟ مادر شیخ پاسخ داد: بیان زحماتی که من در تربیت او کشیده ام، از حوصله شما بیرون است ولی به عنوان نمونه می گویم که هیچ گاه بدون طهارت و وضو پستان به دهانش نگذاشتم. وقتی مادر شیخ رحلت کرد، دیدند که شیخ بر بالین مادر، زار زار می گریه. یکی از شاگردان در مقام دلجوئی گفت: جناب استاد! شما با این مقام علمی که دارید شایسته نیست بر بالین پیرزنی این گونه اشک بریزید! شیخ در پاسخ او فرمود: شما هنوز به مقام والای مادر پی نبرده اید! تربیت صحیح و زحمات فراوان مادر بود که مرا به این جا رسانید! «الگوهای تربیت ص 36»

### 4- در ایام بارداری از دعوا و درگیری و جوش و خروش بپرهیزد.

روانشناسان گفته اند که آرامش مادر در دوران بارداری به آرام بودن اعصاب فرزند کمک شایان می کند و مادرانیکه در دوران حاملگی درگیری فکری و آشوبهای ذهنی دارند، فرزندان عصبانی و اهل خشونت و دعوا بدنیا می آورند.

5- در ایام بارداری و در دوران شیرخوارگی نوزاد، از لقمه حرام و از استعمال مواد مخدر و مشروبات الکلی دوری کند.

«زنی در حالیکه کودک فلج و ناقص و کوری در آغوش داشت، نزد رسول خدا آمد، و گفت: ای پیامبر خدا! مگر نمی گوید که خدا عادل است و به کسی ظلم نمی کند؟  
فرمود: آری.

زن گفت: اما خدا به من ظلم کرده و چنین کودکی به من داده است!  
پیامبر لحظه ای درنگ نمود و سپس فرمود: آیا شوهرت هنگام آمیزش با تو، شراب خورده بود؟  
زن پاسخ داد: آری!

حضرت فرمود: پس جز خودت، کسی دیگر را سرزنش نکن!

6- در ایام بارداری از معاشرت زیاد با مردم دوری کند و بیشتر با شوهرش باشد.

ثابت شده است که اگر زن در دوران بارداری بیشتر به شوهرش نگاه کند و با او باشد، کودک شکل و شمایل پدرش را بخود می گیرد.

7- بعد از تولد علاوه بر گفتن اذان و اقامه در گوش کودک، و دادن عقیقه کودک، در هنگام شیردادن به نوزاد حتی المقدور با طهارت باشد.

«وقتی به امام سجاد (ع) تولد کودکی را بشارت می دادند، از پسر یا دختر بودنش نمی پرسید. بلکه سؤال می کرد: آیا سالم است؟ اگر می گفتند آری.

آنگاه می فرمود: الحمد لله الذی لم یخلق منی شیئا مشوها: شکر خدایی را که از من فرزند معیوبی متولد ننمود.»  
«امام ششم (ع): عقیقه نوزاد بر ثروتمند و فقیر واجب است و فقیر اگر نتوانست، چنانچه بعدها برایش مقدور شد، عقیقه کند.»

«از امام ششم راجع به عقیقه سؤال شد. فرمود: گوسفند یا گاو یا شتر برای او قربانی کنند و بعد از عقیقه، بر کودک نام گذارند و روز هفتم سر او را بتراشند و به وزن مویش، طلا یا نقره صدقه دهند و اگر پسر است حیوان نر و اگر دختر است، حیوان ماده قربانی کنند.»

«امام ششم (ع): هر کودکی در گرو عقیقه است. و عقیقه از قربانی واجب تر است.»

«عمر بن بزید می گوید: در سن پیری بودم که به امام صادق (ع) عرض کردم که: بخدا سوگند! نمی دانم که وقتی متولد شدم، پدرم برایم عقیقه کرد یا خیر؟ امام فرمود: الان برو و برای خودت عقیقه کن! منم در سن پیری برای خود عقیقه نمودم.»

«امام ششم (ع): مادر از عقیقه فرزندش نخورد.»

«یکی از بزرگان نقل می کند: چند روز قبل از شهادت «شیخ فضل الله نوری» در زندان با او ملاقات نمودم. به ایشان عرض کردم که پسر شما خیلی لاابالی است و بر ضد شما کار می کند.

شیخ شهید فرمود:

این موضوع را از قبل می دانستم. و افزود: این پسر در نجف بدنیا آمد و مادرش شیر نداشت. از این رو، مجبور شدیم که برای شیردان او زنی را پیدا کنیم. زنی پیدا شد و این کودک مدت زیادی از شیر آن زن تغذیه کرد. اما ناگهان فهمیدیم که آن زن بسیار لاابالی و بی عفت است و کینه علی (ع) را به دل دارد.

از همان وقت دریافتیم که سعادتمند شدن این پسر، کاری بسیار مشکل است!

**8- در اسم گذاری فرزند از نامهایی که اسلام سفارش کرده است استفاده نماید.**

«رسول خدا (ص): کسی که خداوند به او چهار پسر بدهد و نام مرا بر یکی از آنها نگذارد، بر من ظلم کرده است.»

مسئول فرهنگی سفارت ایران در نروژ:

وقتی رهبر کمونیست نروژ مسلمان شد، بعد از مدتی «آنا بریت» همسرایشان با من تماس گرفت و گفت: می خواهم مسلمان شوم.

من شگفت زده شدم و خدا را سپاس گفتم. آنابریت گفت: من چادر می خواهم!

گفتم: پوشیده بودن کافی است. چرا چادر می خواهی؟ (چرا که ترسیدم با جوی که در آن جا علیه چادر بود توان تحمل این سختی ها را نداشته باشد).

اما او باز هم تأکید کرد:

می خواهم با لباس رزم زنان ایرانی که الگو و سمبل من بوده اند شهادتین را بگویم.

به او گفتم: چه اسمی را انتخاب کرده اید؟

گفت: زینب.

گفتم چرا؟

گفت تحقیق کرده‌ام دیدم حضرت زینب-سلام الله علیها- زن صبور، مقاوم و کاملی بوده است.»

**9- کودک را با خود به مساجد و مجالس سوگواری امام حسین (ع) و دیگر مجالس مذهبی ببرد.**

کودکانی که در زیارتگاهها و مراسم موالید و عزاداری اهل بیت (ع) و مساجد حضور می‌یابند، از برکات این مجالس مستفیض خواهند شد و علاقه به اهل بیت (ع) در وجود آنها ریشه پیدا می‌کند و گاه آثار مثبت مهمی در زندگی آنها بجا می‌گذارد.

«حضرت زهرا (س) برای اینکه فرزندانش در شبهای احیاء خوابشان نبرد، روز قبل آنها را می‌خواباند و همچنین موقع احیاء اگر فرزندی خوابش می‌برد، آب به صورتش می‌زدند. تا از فیض شب قدر بی بهره‌نمانند.)

(امام باقر (ع) بعد از نماز صبح نمی‌گذاشتند نوجوانان بخوابند بلکه اگر قرآن بلد بودند می‌فرمودند قرآن بخواند و هر که بلد نبود می‌فرمودند ذکر بگویند. و این تا طلوع آفتاب ادامه داشت)

## **10- خود نماز بخواند و فرزندش را هم به نماز سفارش کند.**

«رسول خدا (ص): نخستین چیزی که در قیامت از زن می‌پرسند، نماز است و سپس درباره شوهرش (اگر ازدواج کرده بوده) که چگونه با شوهرش رفتار می‌نموده است.»

**11- اگر فرزند دختر است، اهمیت حجاب را در مناسبتهای مختلف به او گوشزد نماید و نگذارد که با لباس نامناسب در کوچه و خیابان ظاهر شود.**

حجاب دختر تا اندازه زیادی به حجاب مادر و طرز فکر و تقید مادر به حجاب بر می‌گردد. چه بسا مادرانی که خود حجابی دارند ولی از کودکی دختران خود را همچون عروسک ازینت و آرایش نموده و با خود در کوی و برزن و مجالس عروسی و مهمانی‌ها به نمایش می‌گذارند اما نمی‌دانند که چگونه دختر خود را از راه عفت و حیا دور کرده و او را به انحرافات سوق می‌دهند.

**دلایل حجاب زن**

آیه اول: «ای پیامبر! به زنان با ایمان بگو: چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است، آشکار ننمایند و اطراف روس‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)...» نور 31

آیه دوم: «ای زنهای پیغمبر! شما مثل افراد عادی نیستید. بایستی مراتب تقوی و پارسایی را کاملاً رعایت نموده و بدون کم و زیاد، تمام دستورات خدا را عملی کنید. بنابراین اگر واقعاً شماها پرهیزکار و خداترسید، پس در گفتارتان نرمی و فروتنی نکنید و صدای خود را نازک ننمائید تا اشخاصی که دلشان مریض است و اسیر دست شهوتند، از صدای نرم و نازک شما تحریک نشده و میل و طمع به شما نکنند و در وقت لزوم باید طوری بادرشتی و خشونت صحبت کنید که پسند خدا و رسول بوده و موجب فتنه و لغزش و میل و تحریک مردم نشود. و باید در خانه‌های خود قرار گیرید و زینت‌های خود را اظهار نکنید همانطور که کافران پیشین خود را به نمایش می گذاشتند و نماز را برپا دارید و زکات بدهید و از خدا و رسول اطاعت نمائید.» احزاب 32

آیه سوم: «وقتی از زنهای پیغمبر چیزی می طلبید از پشت پرده از ایشان بخواهید. این طور برای دل‌های شما و دل‌های آنها پاک تر است» احزاب 53

آیه چهارم: «ای پیغمبر! به زنان و دختران خود و زنهای مؤمنین بگو که جلباب (چادر) بر سر خود بپوشانند که این پوشش در فرق زنهای خوب از زنهای نانجیب، نزدیکتر و مؤثرتر است و باعث میشود زنهای مؤمنه توسط افراد فاسد اذیت نشوند و نسبت به گذشته‌ها چون قصد سوئی نداشته‌اند یا چون توبه کنند، خداوند بخشاینده و مهربان است. و اگر منافقین و آنهایی که در دلشان مرض است و آنهایی که حرفهای مضر در بین مردم اشاعه میدهند از این اعمال دست نکشند، تو را بر آنها مسلط می کنیم که بر آنها فشار بیاوری بطوریکه نتوانند در مدینه در همسایگی تو بمانند مگر زمان اندکی. در حالی که اینها ملعونند و دستور است که هر کجا اینها یافت شوند، آنها را بگیرند و به خوارترین و سخت ترین وجهی بکشند. سنت الهی در مورد اهل نفاق، در هر عصری همین بوده و خواهد بود و به هیچ وجه ممکن، این آیین در مورد اینها تغییر نمی یابد.»

«از جمله بیعت‌هایی که پیامبر (ص) از زنان گرفت این بود که در خلوت با مردان مسافرت و نشست و برخاست نکنند.»  
«پیامبر (ص): ای حواء! زینت خود را برای غیر شوهرت ظاهر نکن. برای زن حلال نیست که مچ و پایش را برای مردی غیر شویش آشکار کند. که اگر چنین کرد، همیشه در لعنت الهی است و فرشتگان او را لعن کرده و عذابی دردناک برایش مهیا می شود.»

12 - برای آموزش قرآن به فرزندش برنامه ریزی کند.

از برکات نظام جمهوری اسلامی ایران این است که صدها کودک حافظ کل قرآن و هزاران نوجوان آشنا به قرآن تربیت کرده است. مادر باید در مورد تعلیم قرآن به فرزندش همواره تأکید وجدیت داشته باشد همانطور که در مورد لباس و غذای کودک توجه دارد.

«پیامبر (ص): هر که در کودکی قرآن بخواند، به حکمت دست یافته است.»

### 13- در ایام نوجوانی نظارت کامل بر معاشرت فرزندش داشته باشد.

«فرمانده نیروی انتظامی: 75 درصد انحرافات نوجوانان در بین راه مدرسه تا خانه رخ می دهد.»

متأسفانه جوانانی هستند که بوسیله سی دی ای فاسد و مجالس و دوستان فاسد، به فساد اخلاق مبتلا شده و در کمین نوجوانان معصوم و بی اطلاع هستند تا آنان را شکار کنند. لذا به مادران و پدران باید هشدار داد که تا زمانی که نوجوان به رشد عقلی بالایی نرسیده نظارت کامل و صد درصد بر معاشرت فرزندانشان اعم از دختر و پسر نموده و لحظه ای از آنان غافل نباشند. حاضر نشوند شبی به بهنه دوست و رفیق در خارج از خانه بمانند و یا با دوستان به مسافرت بروند و خلاصه دور از دید والدین دلسوز خود باشند. همانطور که باغبان مدتها زحمت می کشد تا گلهایش به ثمر برسند والدین باید از راحتی خود چشم پوشند و مواظب روحيات فرزندانشان باشند.

### 14- به فرزندان محبت کند تا گول محبت های ظاهری دیگران را نخورند. ولی در محبت زیاده روی نکند!

«رسول خدا (ص): کسی که فرزندش را ببوسد یک حسنه دارد و اگر او را خوشحال کند، روز قیامت خدا او را خوشحال می کند و کسی که به فرزندش قرآن بیاموزد، روز قیامت پدر و مادر کودک را ندا نموده و دو حله بهشتی از نور، برتن آنان می نمایند که از نورش صورت اهل محشر روشن می شود.»

«رسول خدا (ص): فرزند صالح گلی از گلهای بهشت است.»

«رسول خدا (ص): کسی که خدا به او دختری بدهد و او را اذیت نکند و او را کوچک نشمارد و فرزندان پسر را بر او ترجیح ندهد، خدا بخاطر همین دختر، او را به بهشت می برد.»

اگر چه اکثر مادران به فرزندانشان محبت دارند و کم هستند مادرانی که بخاطر لذات نامشروع، فرزندانشان را مورد آزار و اذیت قرار می دهند ولی باید این محبت متعادل باشد و اگر از حد خود خارج شد، عواقب سوئی ایجاد

می‌نماید. محبت‌ها و تنبیه‌ها و تشویق‌ها باید عادلانه باشد و از حد خود تجاوز ننماید و الا آثار خطرناکی بر روحیات فرزند وارد می‌کند. به نامہ یک فرزند بزهکار که از بازداشتگاه برای مادرش ارسال نموده توجه کنید:

«این نامه‌ای است که یک پسر بزهکار از زندان برای مادرش نوشته است:

مادر! امروز هنگامی که با دونفر از دوستانم در یکی از خانه‌های نارمک تهران سرگرم دزدی اثاث خانه‌ای بودیم، توسط پلیس دستگیر شدیم و چون برای بار دوم می‌خواهند مرا به جرم دزدی به زندان ببرند، می‌خواهم امشب از این گوشه بازداشتگاه با تو درد دل کنم و بگویم:

تو گناهکاری! تو باعث تمام بدبختی‌های من هستی! تو خیلی مرا دوست داشتی و همین محبت کورکورانه مرا به روز سیاه نشاند. آن روز که پدرم به این خاطر که دست در جیبش کرده بودم، می‌خواست مرا تنبیه کند ولی تو جلو دویدی و نگذاشتی که او مرا تنبیه کند و گفتی: این پسر کوچولوی من است! و هر دفعه این صحنه تکرار شد!

مادر! من شبها دیر به خانه می‌آمدم، اما تو چیزی از من نمی‌پرسیدی، حتی این موضوع را از پدرم پنهان می‌کردی! تو مرا از معاشرت با جوانان هرزه منع نکردی و حتی وقتی فهمیدی که من دزدی می‌کنم، مانع من نشدی و فقط گفتی: کاری نکن که پدرت بفهمد!

مادر! من تو را می‌بخشم، اما آنچه در حق من کردی، در باره برادر کوچکم نکن!

آثار سوء بی توجهی والدین در تربیت فرزندانشان را باید در کوچه و بازار و در بدحجابی و لنگاری دختران و در پوشیدن لباسهای غربی پسران و در ایجاد مزاحمت‌های خیابانی برای دختران و در زندان‌ها و آمارهای دزدی و قتل و تشکیل باندهای مخوف و باندهای فساد اخلاق به وضوح مشاهده نمود! که گاهی پدر و مادر یک جوان قاتل انگشت به دهان می‌گیرند که چرا این جور شد؟؟؟ چطور فرزند ما مرتکب این قتل و جنایت شد؟؟؟ در حالی که عامل اصلی جرمهای جوانان و ادين هستند. آنها در تربیت فرزندشان کوتاهی کردند. و باید خودشان راسرزنش نمایند.

**15- خود راستگو و متواضع و سخاوتمند و عقیف و با حجاب و شوهردار و طالب علم**

**و امانتدار و اهل صله رحم و... باشد تا فرزندانش نیز این چنین باشند.**

«وقتی در قم، مادر سه شهید در تشییع فرزند سومش حاضر شده بود، در میان بانوان و در مقابل جنازه فرزند شهیدش، ایستاد و سخنرانی کرد. نخست خطاب به جنازه، این بیت را خواند:

بشکست اگر دل من بفدای چشم مست سر خُم می سلامت، شکند اگر سبویی یعنی: امام به سلامت باشند، دل شکسته ام به فدای چشمهای تو.

بعد چنین گفت:

پسرم! نور دیده ام... سومین پسرم بودی که تو را نثار راه قرآن نمودم. امروز، نخستین روز بهار به دیدار گل ارغوانی و پرپر امده ام، پیکر دوبار در شهیدت را سال قبل دیدم، برای دیدار پیکر تو، نخست اجازه نمی‌دادند، ولی وقتی

دیدند، صبر و استقامت من خوب است، اجازه دادند، من وقتی پیکر تو را دیدم، از ته دل خشنود شدم که (به دلخواه من شهید شدی) زیرا دلم می‌خواست تو در راه خدا قطعه قطعه شوی و چنین شد. سپس این بانوی شجاع دستهایش را بطرف آسمان بلند کرد و چنین گفت: خدایا! تورا شکر و سپاس می‌گویم که فرزندم در این آزمایش الهی، این گونه، سرافراز و پیروز و روسفید، بیرون آمد...

## 16- آئین شوهرداری را به دخترانش آموزش دهد.

مادر باید شوهر داری را به دخترانش یاد دهد تا آنها با استفاده از تجربیات چند ساله او زندگی موفق داشته باشند.

«وقتی قرار شد که ایاس دختر عوف به خانه شوهر برود، مادرش او را این چنین نصیحت کرد: دخترم! تو از خانه‌ای که با آن انس گرفته‌ای به خانه‌ای ناآشنای روی. پس در برابر همسرت فروتن باش تا با او انس بگیری. و برای اینکه پشتیبان و کمک کار داشته باشی به این اندرزا عمل نما! اهل قناعت باش. دستورهای همسرت را بشنو و انجام بده. در برابرش خود را آراسته کن تا وقتی بتو نگاه می‌کند ناراحت نشود. خود را معطر کن تا بوی تو برایش بهترین بو باشد. هنگام گرسنگی از او با غذا پذیرائی کن زیرا در هنگام گرسنگی انسان در هیجان و ناراحتی است. هنگام استراحت او را یاری کن زیرا ممکن است از بی‌خوابی خشمگین شود. در نبودنش از مالش نگه‌داری کن. در کارها به او کمک نما. اسرار او را فاش نکن و گرنه مطمئن باش که در امان نخواهی بود. هنگام ناراحتی او نخند و هنگام خوشحالی او ناراحت نباش.»

## 17- اگر خواستگار مؤمن و خوش اخلاقی برای دخترش آمد، مانع تراشی نکند.

طبق آمار تازه، در حال حاضر 3/5 میلیون دختر شوهر نکرده در ایران زندگی می‌کنند. و همین آمار درباره پسران مجرد نیز صدق می‌نماید. راستی با وجود غریزه جنسی در جوانان و وجود همسران هم‌شان چرا باید این جوانان مجرد زندگی بکنند و گرفتار آثار سوء مجرد بودن باشند؟ آیا غیر از رسم و رسومات غیر اسلامی و غیر واقعی، مانع دیگری است؟ مهریه‌های بالا! خرج‌های سنگین! بهانه‌های مختلف! که متأسفانه به خانواده‌های متدین و مذهبی هم سرایت کرده است و حتماً باید در تالارها و هتل‌های گران قیمت مراسم را برگزار نمایند. ولی اسلام عزیز این رسومات را قبول ندارد.

«امام رضا (ع): اگر مؤمنی به خواستگاری دختری برود و پانصد درهم جهت مهر پیشنهاد کند ولی آنان بیشتر بخواهند و این مقدار را نپذیرفته به او دختر ندهند، بر او ستم کرده و خداوند پدر آن خانواده را از حورالعین محروم می‌کند»



و پیامبر (ص) فرمود: اگر کسی که از دین و اخلاقش راضی هستید به خواستگاری بیاید و دختر ندهید، فساد بزرگی پدید می آید!»

## 18- فرزندانش را به ازدواج هم شأن خودشان در بیاورد.

«دختر و پسر از خانواده متدین باید با هم شأن خود ازدواج کنند و دختر و پسر از خانواده بی اعتنا به دین نیز همچین.

«والطیبات للطیین والخبیثات للخیثین» نور 26

دختر پاک و مؤمن برای پسر پاک و مؤمن و دختر ناپاک و بی دین برای پسر ناپاک و بی دین لایق هستند.»

## 19- دخترش را به فاسق و فاجر و شرابخوار شوهر ندهد!

مادر نباید گول عناوین و ظواهر و پول و ثروت داماد و خانواده اش را بخورد و بدون توجه به رعایت مسائل اخلاقی از طرف داماد، دخترش را به خانه آلوده بفرستد.

«دختری بعد از دوماه عروسی به خانه پدر برگشت و اعلام کرد که متوجه شده شوهرش معتاد است و او بزور طلاهایش را گرفته و فروخته است. و با گریه می گفت که بعد از دوماه بیوه شدم!

اگر علت این مسئله بررسی شود مشخص می شود که متأسفانه پدر و مادر دختر در هنگام خواستگاری داماد! بفکر نماز و تدین داماد نبودند و فقط چشم به ظواهر زندگی او و قدرت مالی و قیافه ظاهری او داشته اند

لذا باید تاوان سنگینی را برای این بی توجهی پردازند!

«پیامبر (ص): کسی که دخترش را به بی دین شوهر بدهد، روزی هزار بار لعنت بر او نازل می شود.»

«امام رضا (ع): اگر دختر به شرابخوار بدهید، گویا او را به زنا واداشته اید!»

و...

تاکنون از بایدهایی که در زنان و مادران باشد، سخن گفته شد، حال پردازیم به این که زنان چه وظیفه ای در مقابل شوهرانشان دارند. سپس در مورد وظایف مادران نسبت به فرزندان شان مطالبی را خواهیم آورد:

## فصل دوم:

وظایف زنان نسبت به شوهرانشان

### 1- اطاعت از شوهر

با توجه به اینکه شوهر سرپرست خانواده است، زن باید مطیع او باشد تا قوام زندگی حفظ شود. زن نافرمان باعث بهم ریختن زندگی می شود. و در این خانه ها، فرزندان خوبی تربیت نمی شوند.

«رسول خدا (ص) به حواء که زیباترین زن بود، گفت:

ای حواء! اگر زنی با عصبانیت رویش را از شویش برگرداند، با خاکستر جهنم که بر چشمانش سرمه کشند، عذاب می شود.

ای حواء! قسم به خدایی که مرا به پیامبری مبعوث کرد، اگر زنی لباس شوهرش را پاره کند و یا مویش را بکند، میخهای آتشین جهنم بر کفه دستهایش فروبرند.

ای حواء! قسم به خدایی که مرا به حق مبعوث کرد، هر زنی که بدون اجازه شوهرش از خانه بیرون رود و در عروسی شرکت نماید، بر او لعنت نازل شود و برای هر قدمش، چهل معصیت نویسند...

ای حواء! قسم به خدایی که مرا به پیامبری مبعوث کرد، اگر زنی بدون اجازه شوهر خود در خارج از خانه نماز بخواند همان نماز را بر صورتش می زنند...

ای حواء! هر زنی که غیر روزه رمضان بدون اجازه شوهر روزه بگیرد، از گناهکاران است.

ای حواء! اگر زنی بدون اذن شوهر صدقه بدهد، برای زن گناه و برای شوهر ثواب می نویسند.

ای حواء! خلیفه خدا بر زن، شوهرش (شوهر مؤمن) است. پس اگر شوهر از او راضی باشد، خدا هم از او راضی است و اگر ناراحت باشد، خدا هم از او خشمگین می شود.

ای حواء! هر زنی که نمازش را بخواند و خانه دار باشد و از شویش اطاعت نماید، خدا گناهان گذشته و آینده او را بیامزد.

ای حواء! زن نباید از شوهر کاری فوق طاقتش بخواهد و نباید شکایت او را به بیگانه و خودی ببرد.

زن پرهیزکار طاعت دوست با تو چومغز باشد اندر پوست

زن ناپار سا شکنج دلست زود دفعش بکن، که رنج دلست «او حدی مراغه ای»

## 2- خارج نشدن از خانه بدون اجازه شوهر

«امام صادق (ع) فرمود: در عهد رسول خدا (ص)، مردی از انصار قصد مسافرت داشت، هنگام خارج شدن از خانه به همسرش گفت: تا من برگشته ام از خانه بیرون نرو، چندی بعد، پدر زن بیمار شد. این زن شخصی را خدمت پیامبر (ص) فرستاد که شوهرم گفته از خانه خارج نشو ولی اکنون پدرم بیمار شده است. می توانم به عیادت او بروم؟ حضرت جواب فرمود که در خانه بمان و از شویت اطاعت کن! چند روز بعد خبر رحلت پدرش را به او دادند.

باز به پیامبر(ص) پیغام داد که آیامی توانم بر جنازه پدرم حاضر شوم؟ حضرت جواب داد که در خانه بمان و از شویت اطاعت کن! تا اینکه پدرش را بخاک سپردند. وقتی شوهر از سفر آمد بازنش نزد پیامبر رفت. پیامبر(ص) به زن بشارت داد که در مقابل اطاعت تو از شوهرت، خداوند تو و پدرت را آمرزید.

### 3- هر زمان شوهر به او نیاز داشت، تمکین کند.

«رسول خدا(ص): هر زنیکه شوهر او را برای جماع صدا بزند و او تأخیر کند تا اینکه شوهر بخواب رود، پیوسته ملائکه او را لعن کنند تا شوهر بیدار شود!»

### نشوز زن

«عوامل نشوز زن که باعث می شود زن از حق نفقه محروم شود:  
عدم تمکین از شوهر، ترک نظافت و آرایش خود، بیرون رفتن از خانه بدون اجازه شوهر»  
«خانمی به زن دیگری گفته بود. ما زنهای فلان محل زیاد به شوهرمان رو نمی دهیم! یعنی در بسیاری از مواقع که شوهر نیاز به زن دارد، زن به بهانه ای از این امر دوری می نماید و این یکی از علل چشم چرانی مردهای متأهل است که در منزل اشباع نشده اند لذا در خارج از منزل گرسنه و حریص می شوند!»

### 4- لباس و ظاهر خود را با بهترین وجه بپاراید.

«در پرونده ای که زن شاکی بود و نوشته بود که شوهرش قصد ازدواج مجدد دارد، از مرد سؤال شد آیا قصد ازدواج مجدد دارید؟ جواب داد: آری. علت این امر سؤال شد. جواب داد که: وقتی خسته و کوفته از سر کار به منزل می آیم، به خانم سلام می کنم، جوابی نمی شنوم. کنار او می روم، از بوی پیاز و سیب زمینی و خلاصه مواد آشپزخانه از او منزجر می شوم. به لباسهای او نگاه می کنم، می بینم که از لباسهای مختلفی که برای او خریده ام در تن او خبری نیست و در عوض لباس کهنه و شلخته ای به تن دارد. لذا از او بدم می آید و تصمیم دارم با زنی که خوش برخورد و خوشبو! و خوش لباس باشد ازدواج کنم!»

### 5- اسرار خانه را برای زنان فامیل و همسایگان نقل نکند.

### 6- بر اخلاق بد شوهرش صبر نماید.

«پیامبر(ص) فرمود:

«هر زنی که بر اخلاق بد شوهرش صبر کند، خداوند ثواب حضرت آسیه را به او بدهد.»

## زن صبور و شکور

«اصمعی وزیر خلیفه عباسی در بیابان به خیمه‌ای رسید. زنی جوان و صاحب جمال درخیمه بود. اصمعی از او آب طلبید. زن گفت: شوهرم نیست و اجازه ندارم به شما آب بدهم. ولی اجازه شیر این بز بدست خودم است. زن از شیر به اصمعی داد. در این موقع سیاهی از دور پیداشد. زن گفت: شوهرم است که از صحرا برمی‌گردد. وقتی شتر سوار رسید، زن باستقبال او رفت و بر او سلام کرد، پاهای او را شست و... ولی هر چه زن محبت می‌کرد، مرد که قیافه زشتی داشت و یک پایش لنگ بود، با بداخلاقی به او جواب می‌داد. تا اینکه مرد وارد خیمه شد و نگاه غضبناکی به اصمعی نمود و به آخر خیمه رفت. اصمعی به زن گفت: حیف نیست شما با این امتیازات، با همچو مردی زندگی می‌کنی؟ زن گفت: من از شما که وزیر خلیفه هستی تعجب می‌کنم که می‌خواهی بین من و شوهرم جدائی بیافکنی! اگر من با این مرد زندگی می‌کنم برای این است که می‌خواهم به روایت پیامبر (ص) عمل کرده باشم که فرمود: ایمان دو نیمه است. نیمه‌ای شکر و یک نیمه‌اش صبر است. من خدا را بر نعمتهایش شکر گفته و بر سختی‌های زندگی صبر می‌نمایم. و امید به پادشاهای آخرت دارم.»

### 7- با اخلاق خوب با شوهرش روبرو شود.

«مردی خدمت پیامبر (ص) آمد و گفت: ای رسول خدا! همسری دارم که چون به خانه می‌روم به پیشبازم می‌آید و هنگام خارج شدن، بدرقه‌ام می‌کند. اگر مرا ناراحت ببیند می‌گوید: ناراحت نباش! که اگر غم‌روزی را می‌خوری، خدا روزی رسان است. و اگر غم آخرت داری، خدا غمهایت را زیاد کند! «پیامبر (ص) فرمود: «به او بشارت بهشت بده! و به او بگو که تویکی از عاملان خدایی که در هر روز، پاداش هفتاد شهید برای تو خواهد بود.»

«حسین بن علاء می‌گوید: در خدمت امام صادق (ع) بودم که مردی آمد و از زنش شکایت کرد. امام فرمود: برو و زنت را بیاور! آن مرد رفت و با همسرش برگشت. امام به آن زن فرمود: شوهرت چه می‌گوید؟ زن گفت: خدا چنین و چنانش بکند! امام فرمود: اگر بر این حال بمانی و اخلاق را با شویت درست نکنی، سه روز بیشتر زنده نمانی! زن گفت: می‌خواهم هرگز صورتش را نبینم! امام به آن مرد فرمود: دست زنت را بگیر و برو که بیشتر از سه روز زنده نمی‌ماند!

آن دو رفتند، بعد از سه روز آن زن از دنیا رفت»

امّ سلمه از پیامبر دربارهٔ ثواب خدمت زن به شوهرش پرسید. حضرت فرمود: «وقتی زن در خانه کار می کند و مثلاً وسیله ای را از جایی برمی دارد و در جای دیگر می گذارد، در این حال خداوند به او نظر می کند. و هر که خدا به او نظر کند، او را عذاب نمی کند.»

و فرمود:

«در نزد خداوند، نشستن زن در کنار شوهرش، از اعتکاف در مسجد من بالاتر است.»

و فرمود:

«هر زنی که در خانه شوهر، طوری شوهرداری کند که صلاح شوهر او باشد، خدا همه گناهان او را محو می کند و حسناتش را مضاعف می نماید. و چون از شوهر حامله شود، آنقدر برایش ثواب بنویسند، و مانند کسی است در تمام عمر روزه دار و دائم الصلوة بوده باشد. و هر بار که کودکش را شیر می دهد، مثل این است که بنده ای در راه خدا آزاد کرده، و چون کودک را از شیر بگیرد، منادی از آسمان ندا کند: ای زن! تمام گناهان گذشته ات آمرزیده شد.»

## 8- در زندگی اهل قناعت بوده و ولخرجی و اسراف ننماید

همسر و مادر نمونه باید قناعت داشته باشد و خرج اضافه بر درآمد شوهر نتراشد و بدنبال چشم و هم چشمی نباشد و الا زندگی از مسیر سالم خود دور می شود.

«علی (ع) فرمود: فاطمه (س) با اینکه محبوبترین افراد نزد پیغمبر بود، اما آنقدر با مشک آب کشید که اثر مشک در بدنش پیدا شد و آنقدر خانه را جاروب کرد که لباسهایش غبار آلود بود و آنقدر زیر دیگ آتش افروخت که لباسهایش عوض شد (کهنه شد).»

«روزی پیغمبر (ص) پیش فاطمه (س) رفت و دید که بچه را شیر می دهد و با دستش آسیاب را می چرخاند و لباس تن او از جل شتر است. پیغمبر فرمود: ای دختر گرامی! امروز تلخیهای دنیا را برای شیرینیهای آخرت بچش! فاطمه فرمود: من خدا را بخاطر نعمتهایش حمد می کنم و بر کرامتهایش شکر می گذارم. در این موقع آیه

«وَلَسَوْفَ يَعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى» ضحی 5

«بزودی خدا آنقدر بتو بدهد تا راضی شوی.»

نازل شد.

## فصل سوم:

## پدر و همسر نمونه

پدر به عنوان سرپرست خانواده و سکانشان این کانون، مسئولیت هدایت خانواده در مسیر سعادت را به عهده دارد. این مسئولیت از طرف خداوند به عهده پدر گذاشته شده و هیچ کسی نمی تواند این مسئولیت را از روی دوش او بردارد:

«الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض وبما انفقوا من اموالهم فالصالحات قانتات حافظات للغيب بما حفظ الله واللاتي نشوزهن فعظوهن واهجروهن في المضاجع واضربوهن فان اطعنكم فلا تبغوا عليهن سبيلا ان الله كان عليا كبيرا» نساء 32

یعنی مردان بر زنان سرپرستی دارند بخاطر اینکه خدا بعضی را بر بعضی برتری داده و به خاطر اینکه مردان از مال خود نفقه زنان و مهریه آنان را می دهند. پس زنان صالح و شایسته باید فرمانبر شوهران در کام گیری و تمتعات جنسی و حافظ ناموس و منافع و آبروی آنان در غیابشان باشند. همانطور که خدا منافع آنان را حفظ فرموده. و زنانی را که بیم دارید نافرمانیتان کنند، نخست اندرز دهید و اگر به اطاعت در نیامدند با آنها قهر کنید و به بستر راه ندهید و اگر این نیز مؤثر نشد بنزد ایشان پس اگر به اطاعت درآمدند دیگر برای ادامه زدن بهانه جوئی نکنید. و بخاطر علوی که خدا بشما داده مغرور نشوید که دارنده علو و بزرگی خداست.

## خصوصیات پدر نمونه

همان ده خصلتی که در زنان باید باشد تا سعادت دو جهان را دریابند، در مردان هم باید باشد که شامل: مسلمان بودن، ایمان، دعا کننده، راستگو، صبور، مطیع خدا، انفاق کننده، روزه گیر، عفیف، اهل ذکر است. اگر پدر صالح باشد و وظایف خود را بخوبی انجام دهد حتما خانواده خود را خوشبخت خواهد نمود. پدری که مؤمن بوده و اهل معنویات هست و به فضائل اخلاقی اهمیت می دهد، نخواهد گذاشت که خانواده در مسیر نادرست قرار بگیرد. برخلاف فرهنگ غرب که با عدم نظارت و عدم دخالت پدر در امور شخصی و خصوصی همسر و فرزندان به اسم آزادی، خانواده ها از هم پاشیده شده و دیگر لقب پدر به عنوان یک واژه مقدس کمتر بکار می رود.

## سرپرستی پدر

پدر مسئولیت ویژه‌ای برعهده دارد که خداوند به عهده او گذاشته است و آن سرپرستی خانواده خویش می‌باشد. در کشور ما در بسیاری از خانواده‌ها مخصوصاً در زمان گذشته به این مسئولیت عمل می‌شد و پدر جایگاه خویش را داشت ولی اخیراً بدلیل شعارهای فمینیستی و زن‌گرائی بعضی و بدلیل تقلید از فرهنگ غرب و بدلیل عدم اطلاع شوهران از مسئولیت خویش، در بعضی از خانواده‌ها وضع برعکس شده است و باوجود حضور مرد، زن سرپرست خانواده می‌باشد!

اگر چه سرپرست بودن مرد، علامت برتری او بر زن در نزد خداوند نیست ولی با ایفای این مسئولیت توسط اوست که خانواده‌ها از فروپاشی مصون می‌مانند و اسیر عواطف زنانه نمی‌شوند و در حوادث مهم از ادامه مسیر باز نمی‌مانند. لذا اخیراً در کشور آمریکا عده‌ای از زنان و مردان طی درخواستی از قوه قضائیه آن کشور، درخواست کرده‌اند که همانند گذشته مسئله سرپرست بودن مرد در خانواده‌ها احیاء شود. زیرا آزادی‌هایی که به زنان داده شده است، نه تنها فایده‌ای برای زنان نداشته بلکه باعث تزلزل و فروپاشی خانواده‌های بسیاری شده است.

مردیکه باید در مسائل مهم زندگی تابع زن باشد و در حقیقت زن تصمیم گیرنده است، از نظر اجتماعی و روانی دارای مشکلاتی می‌شود. مثلاً مرد تمایل دارد که بسفر بروند ولی زن مخالفت می‌کند و سفر انجام نمی‌شود. مرد دوست دارد فلان شغل را اختیار کند ولی زن آن را نمی‌پسندد. مرد می‌خواهد فلان مهمانی را بدهد ولی زن مخالفت می‌کند و برعکس مرد دوست ندارد زنش به فلان مهمانی برود ولی زن می‌رود! مرد دوست ندارد زنش فلان لباس را (نامناسب) بپوشد ولی زن می‌پوشد. مرد دوست ندارد زن فلان خرج را بکند و یا وسایل غیر ضروری را که بار مالی سنگین دارد بخرد ولی زن این کار را می‌کند! مرد دوست ندارد زن بدون اجازه او از خانه خارج شده و در زمانی که او به همسرش نیاز دارد، او در خانه نباشد ولی زن بدون اجازه بیرون رفته و این کار بارها و بارها تکرار می‌شود. و صدها نمونه از برآورده نشدن خواسته‌های مرد در خانه‌هایی که زن سالاری است. و این بتدریج به شکست این گونه خانواده‌ها کمک می‌نماید. اگر چه باید مرد هم به خواسته‌های شرعی و قانونی زن تن دردهد.

«به امام کاظم (ع) گفته شد: مردی به زنش می‌گوید که اختیار تو با خودت است! آیا این حرف صحیح است؟ امام فرمود: خیر این حرف باطل است. زیرا خدا این حق را برای مرد قرار داده است و کسی نمی‌تواند این حق را از مرد بگیرد.

سپس امام آیه «الرجال قوامون على النساء...» را تلاوت فرمودند.

**وظایف مردان:**

**1- انتخاب همسری شایسته برای خود.**

او باید برای خود زنی را انتخاب کند که علاوه بر زیبایی ظاهری و مهریه کم، دارای اخلاق حمیده و ایمان و تقوا باشد. زیرا او قرار است مادر فرزندان او شود پس ببیند چه کسی را برای این کار انتخاب می کند.

«امیرمؤمنان علی(ع): در آخر الزمان که نزدیک قیامت و بدترین زمانهاست، زنانی پیدا بشوند که خیابان گرد، از دین بیگانه، دنباله رو فتنه ها و هوسها و پیرو شهوات و شتابان بسوس لذتها و حلال کننده حرامها باشند! اینان به دوزخ گرفتار ابدی شوند.»

«رسول خدا(ص): از گلهای لجنزار پرهیزید! گفتند: گلهای لجنزار چیستند؟ فرمود: زنان زیبا که در خانواده های پست و بد تربیت شده اند.»

«از جمله دعاهاى رسول خدا(ص) این بود: خدايا! بتو پناه مى برم از زنیکه قبل از اینکه پیرشوم مرا پیر کند!»  
«امام صادق(ع): زن قلاده است پس دقت کن چه قلاده اى به گردنت مى بندى!»

## 2- دوری از انحرافات اخلاقی قبل و بعد از ازدواج

## 3- رعایت سفارشات اسلام در مورد آمیزش جنسی

«آمیزش در مواقع و حالات زیر چنانچه منجر به انعقاد نطفه شود مکروه بوده و آثار زیانباری را در پی دارد:

روبه قبله و پشت به قبله، هنگام هلال و بدر و محاق ماه (شب چهارده) - در برابر آفتاب - عریان - ایستاده - در اول و وسط و آخر ماه که باعث جنون و جذام و صرع در مادر بچه می شود - بعد از ظهر که موجب قیچی می شود - صحبت کردن موقع آمیزش که موجب لال بودن بچه می شود - نگاه کردن به عورت زن که موجب کوری فرزند می شود - قرآن خواندن با حال جنابت - با یک دستمال تمیز کردن زن و شوهر خود را که باعث جدایی زن و شوهر می شود - نزدیکی در شب عید فطر که باعث شرور شدن بچه می شود - نزدیکی شب عید قربان که باعث نقصان در انگشتان بچه می شود - در زیر درخت که کودک قاتل می شود - بین اذان و اقامه - شب نیمه شعبان که کودک زشت می شود - دور و زمانده به آخر ماه - بالای پشت بام - در کشتی - بعد از جنب شدن - در حال حیض - شب چهارشنبه - در موقعی که کودک در خانه باشد»

## 4- کمک به همسر برای رعایت آداب ولادت و نامگذاری و ولیمه



«از امام ششم راجع به عقیقه سؤال شد. فرمود: گوسفند یا گاو یا شتر برای او قربانی کنند و بعد از عقیقه، بر کودک نام گذارند و روز هفتم سراورا بتراشند و به وزن مویش، طلا یا نقره صدقه دهند و اگر پسر است حیوان نر و اگر دختر است، حیوان ماده قربانی کنند.»

«رسول خدا (ص): کسیکه خداوند به او چهار پسر بدهد و نام مرا بر یکی از آنها نگذارد، بر من ظلم کرده است.»  
«رسول خدا (ص): فرزند بر پدر حقوقی دارد و پدر نیز بر فرزند حقوقی دارد. اما حق پدر بر فرزند آنستکه در هر چیزی بجز معصیت، مطیع پدر باشد. و حقوق فرزند بر پدر آنستکه برای فرزندش نام نیکو بگذارد و ادب نیکو به او بیاموزد و قرآن را به او تعلیم نماید.»

«روایت شده وقتی به امام سجّاد (ع) بشارت ولادتی را می دادند، از پسرو یا دختر بودنش سؤال نمی کرد، بلکه می پرسید: آیا سالم است؟ و هنگامیکه می گفتند: آری! می فرمود:

الحمد لله الذی لم یخلق منی شیئاً مشوهاً. شکر خدایی را که فرزند مرا معیوب متولد نفرمود.»

«امام هفتم (ع): اولین نیکی انسان به فرزندش، گذاشتن نام نیک بر او است.»

## 5- محبت به فرزندان و همراه بردن فرزندان به تفریحات سالم

محبت والدین به فرزندان باعث استحکام خانواده می شود و چشم آنها را بر محبتهای ظاهری خارج از خانه می بندد.

«رسول خدا (ص): کسیکه فرزندش را ببوسد یک حسنه دارد و اگر او را خوشحال کند، روز قیامت خدا او را خوشحال می کند و کسیکه به فرزندش قرآن بیاموزد، روز قیامت پدر و مادر کودک را ندا نموده و دو حله بهشتی از نور، بر تن آنان می نمایند که از نورش صورت اهل محشر روشن می شود.»

«رسول خدا (ص): خداوند دوست دارد که آنچنان بین فرزندان با عدالت رفتار نمائید که حتی در بوسیدن آنها نیز مساوات باشد.»

«امام ششم (ع): همانا خداوند بر بنده ای که علاقه زیاد به فرزندش دارد، رحم می کند.»

«پیامبر (ص): بچه هارا دوست بدارید و بر آنها ترحم داشته باشید.»

«امام هفتم (ع): خدا در چیزی همانند غضب برای کودکان و زنان غضب نمی کند.»

«سعد بن معاذ

»

## 5- استفاده از درآمد حلال برای خورد و خوراک خانواده

لقمه حلال در تربیت سالم انسان نقش مهمی دارد همانگونه که لقمه‌های حرام در انحراف انسانها آثار مهمی دارد.

«در حدیث قدسی است که ایمان ده جزء دارد وهفت جزئش کسب درآمد حلال است»  
«در حدیث قدسی است که کسیکه اهمیت نمی‌دهد از چه جایی درآمد کسب کند، منهنم اهمیت نمی‌دهم که او را از چه دری وارد جهنم نمایم!»  
رسول خدا: هر که از حلال بخورد ملکی بر بالای سرش بایستد و برایش استغفار کند تا زمانی که از غذا دست بکشد.»

## 6- آشنا کردن فرزندان با خدا و آموزه‌های مذهبی

- برای پرورش حس مذهبی فرزندان باید چند مرحله را طی کرد:
- 1- آنها را با استدلال ساده با خدا آشنا نمائیم.
  - 2- خدا را با صفات نیکویش مانند رحمان و رحیم و آمرزنده بودن معرفی کنیم.
  - 3- از دوستی خدا با آنها حرف بزنیم. «ای پیامبر بگو: اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا هم شما را دوست داشته و گناهانتان را ببامرزد و خدا آمرزنده و مهربان است». آل عمران 31
  - 4- نوجوانان را به عبادات واجب و مستحب عادت داده و نماز را از هفت سالگی به آنها آموزش دهیم.
- اگر پرورش مذهبی نوجوان از دوازده سالگی بدرستی انجام پذیرد، او در 16 سالگی یک فرد معتقد و با ایمان خواهد بود و با این احساس می‌تواند در مقابل تمایلات نفسانی و شهوات، مقاومت کند و از تندروی و طغیان برکنار بماند. اما برعکس، نوجوانی که احساسات مذهبی‌ش مورد حمایت و پرورش قرار نگرفته و احیاناً سرکوب شده باشد، نوجوانی که خواهش معنوی‌ش ارضاء نگشته و نور ایمان، ضمیرش را روشن ننموده باشد، در 16 سالگی محکوم تمایلات غریزی و شهوی خواهد بود و عواطف مذهبی پرورش نیافته‌اش قادر نیست او را در مقابل انحرافات ایمنی بخشد.
- عبادات واجب و مستحبی که در اسلام تشریع شده و همچنین دعا و نیایش در پیشگاه الهی از عوامل مؤثر در تحکیم دوستی و محبت پروردگار است. نماز ارتباط دهنده انسان به خالقش می‌باشد. نماز گزار روزی چند بار به پیشگاه خدا می‌رود و مراتب دوستی خود را با محبوبش تجدید می‌کند.
- اگر گناهای کرده آنها را بوسیله نماز پاک می‌کند و اگر چند قدمی از خدایش دور شده، بوسیله نماز بعدی به خدایش برمی‌گردد. خدای واقعی آنقدر رحمت و عطوفت دارد که باب توبه بر روی همه گشوده است. اگر انسان

آلودگی پیدا کرد، راه بازگشت به پاکی و خدا باز است. حتی اگر توبه را شکست و باز آلوده شد، باز هم راه بازگشت دارد وباصطلاح: اگر صدبار توبه شکستی باز آی! خالق که در گرفتاریها وسختیهای زندگی، تکیه گاه انسان است.

علی 7 می فرماید: «ی'ا مَنْ عَلَيْهِ مَعْوَلٍ!» ای تکیه گاه من! «ی'ا مَنْ إِلَيْهِ شَكْوَتُ أَخَوَالِي!» ای کسی که گرفتاریهایم را فقط به او می گویم. این دین صحیح و ایمان واقعی است که انسانها را از انحرافات و آلودگیها دور و پاک کرده و آنها را سعادت مند می نماید.

اما بدبختانه دنیای امروز به تمایلات مذهبی جوانان نه تنها کار ندارد بلکه با انواع برنامه های انحرافی این حس را در میان جوانان از بین می برد. دنیای غرب آنطور که برای یک کالای صنعتی سرمایه گذاری کرده و اهمیت قائل می شود، برای تربیت صحیح و پرورش حس مذهبی ارزش وارجی قائل نمی شود.

## 7- تربیت فرزند بر اساس تربیت دینی

اولین نکته برای آرامش خانواده و دوری از رفتارهای ناپسند جوان، شناخت روان جوان و آگاهی از مقتضیات جوانی است. فرزند جوان، مطابق میل طبیعی، عاشق استقلال و تشخص است. می خواهد هرچه زودتر خود را از محدودیتهای دوران کودکی رها سازد و به گروه بزرگسالان بپیوندد و مانند آنان مستقل باشد. او خواسته خود را بر زبان نمی آورد! ولی اگر به مقصود خود نائل نشود و به حق طبیعی خود، دست نیابد، سرکشی و طغیان می کند، به کارهای غیر عادی دست می زند، بد رفتار و تندخو می شود و با زبان حال می گوید:

**به شخصیت من احترام بگذارید! مرا مستقل و آزاد بشناسید! با من همانند یک فرد بزرگ برخورد کنید!**

در سخن پیامبر 6 است که فرمود: «فرزند، هفت سال آقا است. هفت سال بنده است و هفت سال هم وزیر است».

طفل هفت سال اول بر پدر و مادرش حکومت می کند! زیرا فکرش نارسا و جسمش ناتوان است. پدر و مادر باید با دیده رأفت به او نظر کنند و ناچارند که خواسته های او را برآورده سازند.

در هفت سال دوم، تغییرات قابل ملاحظه ای در تن و روان کودک پدید می آید. جسمش قوی می شود و درکش رشد می کند و تا اندازه های خوبی و بدیها را می فهمد. لذا مورد مؤاخذه والدین و مربی و آموزگار قرار می گیرد. و چون عقلش بخوبی شکفته نشده و صلاح و فساد خود را به درستی تشخیص نمی دهد، پدر و مادر آمرانه به او تذکر داده و او باید فرمان والدین را اطاعت کند.

اما در هفت سال سوم نشانه های جوانی و بزرگسالی در او پدید می آید. لذا احساس مسئولیت می کند و در تدبیر زندگی همکار والدین می باشد.

از بکار بردن کلمه وزیر چند نکته را می‌فهمیم:

الف - جوان تشخیص طلب و استقلال جواست.

ب - نباید با او آمرانه برخورد کرد.

هیچ چیز بیش از حق رأی در تربیت آنان مؤثر نیست. باید در خانه و مدرسه به آنها حق اظهار عقیده داده شود. البته استقلال دادن به جوان به این معنا نیست که وی در تمام اعمالش آزاد باشد تا به میل خود به هر محیط فاسدی برود، زیرا جوان که عقلش نسبت به احساساتش ضعیف است، همواره در معرض سقوط قرار دارد. جوان اغلب پایان کار رانمی‌بیند و از تشخیص بسیاری از بدیها و خوبیها عاجز است. پس مراد از وزیر بودنش آن است که هم شخصیتش مورد احترام باشد و هم اختیار صد در صد نداشته باشد، بلکه تصمیم نهایی با والدین است.

سختگیری بی مورد، زورگویی و ستم، تعدی و خشونت والدین نسبت به جوان یکی از دو نتیجه را به بار می‌آورد:

الف - جوان بر اثر فشارهای طاقت فرسای روحی و نظارتهای خسته کننده والدین، نیروی مقاومت خود را از دست داده و تسلیم شرائط موجود می‌شود. او اگر چه سازگار و سربزیر می‌شود ولی استعدادهای خود را از دست می‌دهد و یک انسان نالایق بار می‌آید.

ب - جوان در مقابل سختگیری‌ها می‌ایستد که در نتیجه باعث اختلاف در خانواده می‌شود. عریده‌ها و فریادهای، تندی و خشونت، اشک و زاری، هیجان و ناراحتی برنامه عادی چنین خانه‌هایی خواهد بود!

بعضی پدران بخاطر عقده خود کم‌بینی، خشن و تندخو هستند. برای ابراز قدرت در خانه، با اهل منزل بدرفتاری می‌کنند، فریاد می‌کشند، دشنام می‌دهند. گاهی بچه‌ها را کتک می‌زنند! و گاهی در محیط منزل ایجاد رعب و هراس می‌کنند! لغزش یا اشتباه کوچک را بزرگ تلقی کرده و چشم‌پوشی نمی‌کنند. مثلاً پدر اگر بخواهد بخوابد، انتظار دارد که همه اهل خانه ساکت باشند و اگر صدایی بلند شود، طوفان بپا می‌کند! ولی اگر دیگران خواب باشند، استراحت دیگران برایش ارزشی ندارد! کودکان این خانه‌ها بر اثر سختگیری بی مورد والدین، خشمگین و عصبی بار می‌آیند و همواره در خود احساس حقارت نموده و این حس بصورت عقده در آنها باقی می‌ماند!

البته تا کوچک هستند نمی‌توانند در مقابل رفتار خشن پدر نیرومند خود عکس‌العملی نشان دهند، اما زمانی که پا به سن جوانی می‌گذارند، برای اینکه در خانه بخاطر عقده حقارت خود، ابراز وجود کنند، کانون خانواده را به محل مشاجره و ناسازگاری تبدیل کرده و کار به آنجایی کشد که فرزند در مقابل پدر می‌ایستد! راه حل این معضل به دو طرف برمی‌گردد. دو طرف باید خودسری و لجاج را ترک کنند و از تمایلات نادرست خویش چشم‌پوشند تا بتوانند با همکاری یکدیگر مشکلات را حل کنند.

در بررسی روی 105 پسر و دختر جوان که خلاف بزرگی را انجام داده بودند، متوجه شدند که تقریباً 91 درصد جوانان مجرم از اختلالات عاطفی شدید رنج می‌برند. یعنی هم از حیث عاطفی مورد بی‌مهری قرار گرفته بودند و هم احساس ناامنی و حقارت داشتند! عکس‌العمل والدین در برخورد با خلاف‌فرزندشان!

چنانچه فرزند عمل خلافی را انجام داد چگونه باید با آن برخورد نمود؟ مثلاً خانمی در تماس با مشاوره اظهار داشت که مدتی است، متوجه شده که پسر دبیرستانیش استمناء می‌کند! تکلیف این مادر چیست؟ در پاسخ باید گفت که مرحله‌ای در برخورد با این خلافها وجود دارد که اگر رعایت شود شاید موفقیت‌آمیز باشد. یکی مسئله توجه به ازدواج جوانان است که در هنگام نیاز جنسی آنان، باید ب فکر راه و چاره بود و دیگری آشنا کردن آنها با حرام و حلال اسلام و اینکه این اعمال، چقدر زشت بوده و عواقب بد دنیوی و اخروی دارد و در غیر این دو مورد نیز باید مراحل تشویق و تنبیه برای ترک این اعمال انجام شود.

«در روایت است که پسران وقتی به شش سالگی رسیدند نباید در یک بستر بخوابند.»  
«کودک را تا هفت سال آزاد بگذار سپس هفت سال مداوم با او کار تربیتی بکن. اگر به تربیت تن داد سعادتمند است والا در او خیری نیست!»

## 8- تأکید بر نماز خواندن فرزند

«وامر اهلک بالصلوة واصطبر علیها» طه 132

یعنی خانواده ات را امر به نماز نما و بر این مسئله مداومت کن.

مسئله نماز از مهمترین نشانه‌های تربیت صحیح است. در خانه‌ای که والدین نماز خوانده و تا کودک به سن بالا برسد مرتب او را به خواندن نماز امر می‌نمایند، امید به هدایت و سعادت فرزند هزاران بار بیشتر است تا خانه‌ای که اگر چه پدر و مادر خود اهل نمازند ولی فرزندان خود را رها کرده‌اند و با اصطلاح آنان را آزاد گذاشته‌اند تا خود مسیر درست را انتخاب نمایند و این بزرگترین اشتباه سرپرست خانواده است که نوجوانی را که اصلاً نمی‌تواند خیر و صلاح خود را تشخیص دهد و از طرفی نماز زحمتی برای اوست، آزاد بگذارند به این امید که روزی برسد که خود نوجوان به نماز گرایش پیدا کند!

خداوند در قرآن کریم به پدران دستور می‌دهد که خود و خانواده خود را از جهنم نجات دهید:

«یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم واهلیکم نارا و قودها الناس والحجارة» تحریم 6

ای مؤمنین! خود و خانواده تان را از آتش جهنم دور نگه دارید.

«رسول خدا(ص): در هفت سالگی فرزند را به خواندن نماز تمرین دهید و در ده سالگی در صورت نماز نخواندن، بر آنان سخت گرفته شود و حتی 'آنان را با زدن هم شده به نماز وادار کنید.»

## 9- نظارت کامل بر معاشرت فرزندش

«امام پنجم(ع): با کسی معاشرت کن که تورا می گریاند و خیرخواه توست! و با کسی که تورا می خنداند و فریب می دهد، معاشرت منما!»

«امام هفتم(ع): از مواضع تهمت و شک بپرهیز و حتی ' در کوچه با مادر خود نایستید! زیرا همه نمی دانند که این زن مادر توست!»

«علی(ع): بدترین رفیق کسی است که معصیت خدا را در نظر تو، خوب جلوه دهد!»

«امام سجاد(ع): با چند رفیق رفیق نباش! 1- دروغگو که مثل سرابست و با دروغهای خود، تورا فریب می دهد و دور را برای تو نزدیک و نزدیک را برای تو، دور می کند. 2- فاسق که تورا به یک وعده غذا بلکه کمتر، می فروشد! 3- بخیل که تورا در هنگام سختی، رهامی کند. 4- احمق که می خواهد بتو سود برساند ولی زیان می رساند.»

## 10- نظارت بر استفاده فرزند از رسانه های صوتی و تصویری و رایانه و استفاده از موسیقی مبتذل و شرکت در پارتی های منحرف کننده

1- «پیامبر اسلام(ص): غنا(موسیقی حرام) پله کان زنا است.»

2- «امام صادق(ع): خبیث ترین مخلوق خدا، غنا(موسیقی حرام) است. و بدترین مخلوق خدا غنا است که باعث فقر و نفاق می شود.»

3- «امام صادق(ع): خانه ای که در آن غنا(موسیقی حرام) باشد، از فاجعه ایمن نمی باشد و دعا در این خانه مستجاب نمی شود و ملائکه به این خانه وارد نمی گردند.»

10- «امام خمینی: از جمله چیزهایی که مغز جوانها را تخدیر می کند، موسیقی است... انسان را از جدیت بیرون می برد. یک جوانی که عادت کرده روزی چند ساعت را با موسیقی سروکار داشته باشد، از مسائل جدی به کلی غافل می شود.»

ضعف اعصاب و اختلال حواس و بی ارادگی از عوارض موسیقی

«دکتر ولف آدلر، پروفیسور دانشگاه کلمبیا می گوید: بهترین و دلکش ترین نو اهای موسیقی، شوم ترین آثار را روی سلسله اعصاب انسان باقی می گذارد.»

«دکتر آلکسیس: اصولاً شنیدن موسیقی و کنسرت، در اعصاب اثر تخدیری ایجاد می‌کند. این اثر گاهی آنچنان شدید است که شنونده رامانند افراد بهت زده می‌سازد ولدت فوق العاده‌ای که افراد از آن می‌برند از همین اثر تخدیری است و روشن است که اینگونه تخدیرها زیانهای فراوانی دارد و اگر شدت یابد گاهی ممکن است عقل و اندیشه را اسیر جذبه آهنگهای تند موسیقی کند و دیگر نتواند خوب و بد را از هم تشخیص دهد و بی پروا دست به حرکات و اعمال ناشایست بزند و در آن حال نتواند به عواقب وخیم آن بیاندیشد.»

گاهی موسیقی باعث جنایت می‌شود.

## 11- جدیت در امر ازدواج فرزندان

«رسول خدا(ص): اگر فرزند خواستار ازدواج باشد و پدر توانائی مخارج ازدواج او را ندارد ولی امتناع کند و فرزند مجردش به معصیت و گناه آلوده شود، معصیت او را در نامه عمل پدرش می‌نویسند.»

## 12- جدیت در امر یاد دادن قرآن و آداب اسلامی مانند:

آداب معاشرت، آداب خوردن و آشامیدن، آداب ازدواج، آداب تجارت و معاملات، تاریخ اسلام و تاریخ ایران و صدها مورد اطلاعات مفیدی که بر اساس آنها، اعتقادات و روش زندگی فرزندان بنا نهاده می‌شود.

«یکی از مؤمنین می‌گفت که وقتی ما بچه بودیم در روستا زندگی می‌کردیم، پدرمان ملائی را از شهر آورد و خرج مسکن و غذا و حقوقش را به عهده گرفت تا او در چند ماه بما قرآن بیاموزد. و او هم این کار را انجام داد و ما دوبرادر قرآن را در کودکی فرا گرفتیم»

## مقداری از آداب و سنتهای اسلامی

«رسول خدا(ص): معده، خانه دردهاست و پرهیز، ریشه درمانهاست.» 82

«امیر مؤمنان علی(ع) خطاب به امام حسن(ع): اگر می‌خواهی که سالم بمانی و از پزشک بی نیاز شوی، چهار امر را رعایت کن!

اول: اگر به غذا میل نداری نخور! دوم: هنوز سیر نشده‌ای، از غذا دست بکش! سوم: غذا را کاملاً در دهان جویده نما! چهارم: قبل از خواب، قضاء حاجت کن!» 85

«امام ششم(ع): هرگاه به سن پنجاه سالگی رسیدید، شبها روغن نخورید.» 88

«آمده است: حضرت عیسی(ع) به شهری رسید. زن و مردی که باهم نزاع داشتند، نزد او آمدند. حضرت علت نزاعشان را پرسید. مرد گفت: این همسر من است و من از او راضی هستم. اما چون صورتش بی طراوت شده و کهنه بنظر می‌رسد،

می خواهم از او جدا شوم! حضرت به زن فرمود: می خواهی صورتت با طراوت گردد؟ گفت: آری! حضرت فرمود: هرگاه غذا می خوری، سیر مخور! زیرا غذای زیاد در معده بجوش می آید و آب صورت را می برد!

آن زن چنین کرد و رویش با طراوت شد.» 91

«رسول خدا (ص): باسیری غذا خوردن، موجب مرض برص و پیسی می شود.» 112

«امام ششم (ع): هیچگاه در حال راه رفتن غذا نخور مگر مجبور باشی!» 125

«رسول خدا (ص): غذا خوردن در بازار و در حال راه رفتن از پستی ست!» 128

«رسول خدا (ص): هر که از حلال بخورد، ملکی بر بالای سرش بایستد و یرایش استغفار کند تا از غذا دست بکشد.» 129  
«علی (ع): نان را گرامی بدارید که خداوند عزّ وجلّ آنرا از برکات آسمانها فرستاده است. پرسیدند: چگونه گرامی داشته شود؟ فرمود: وقتی نان بر سفره نهادند، منتظر غذای دیگر نمانید و با آن به چشم بی اعتنایی ننگرید!» 130

## اهمیت شام

«امام هفتم (ع): شام را اگر چه تکه ای نان خشک باشد، ترک نکنید که باعث قوّت بدن و قوّت جماع می شود.» 94  
«رسول خدا (ص): شام را ولو با خوردن خرما یا اندکی، ترک نکنید. بد رستیکه من می ترسم امّتم بخاطر ترک کردن شام زود پیر شوند! زیرا شام برای پیر و جوان، قوّت آور است.» 95

«امام ششم (ع): نخوردن شام، پیری می آورد و سزاوار است که افراد مسنّ با شکم پُر بخوابند.» 96  
«امام ششم (ع): برای افراد مسنّ خوب نیست که با شکم خالی بخوابند. و اگر با شکم پُر بخوابند، برایشان بهتر است.» 97  
«امام رضا (ع): هرگاه شخصی پا به سنّ گذاشت، شام خوردن را ترک نکند. زیرا خوردن شام باعث خواب آرام و خوشبو شدن دهان می گردد.» 98

«امام ششم (ع): کسی که شام نخورد، رگی از بدنش می خشکد که دیگر خوب نمی شود.» 99

«امام ششم (ع): شام از غذای روز نافع تر است.» 102

## صبحانه

«شخصی خدمت امام ششم (ع) آمد و از درد و زخم معده شکوه کرد. امام فرمود: صبحانه و شام بخور! ولی درین این دو چیزی نخور! که خدا در توصیف غذا خوردن اهل بهشت می فرماید: لهم رزقهم فیها بُکرَةً و عَشِیّاً یعنی: صبح و شام به رزق الهی مشغولند.» 93



«امام ششم (ع): هرگاه نماز صبح را خواندی، نان بخور تا بوی دهانت خوش و حرارت آرام شود و دندانهایت محکم و لثه ات سفت و روزیت جذب و اخلاقت خوب گردد.» 100

### آداب سفره

«رسول خدا (ص): هر کسی که هنگام غذا خوردن، با خانواده اش سر سفره بنشیند و در اول غذا بسم الله و بعد از غذا الحمد لله بگوید، قبل از اینکه سفره جمع شود، خداوند آنها را می آمرزد.» 103

«علی (ع): هر که می خواهد خیر در خانه اش زیاد شود، با وضو غذا بخورد.

و فرمود: وقت غذا خوردن، خدا را زیاد یاد نمائید و موقع خوردن غذا، صداهای بی معنا از خود در نیاورید! زیرا غذا نعمتی از نعمتهای خداوند است که باید شکرش بجا آورده شود.» 104

«نقل شده که: رسول خدا (ص) دید شخصی با دست چپ غذای خورد. به او فرمود: بادت راست بخور!

آن شخص بدروغ عرض کرد: نمی توانم با دست راستم بخورم!

از آن بعد هیچگاه نتوانست با دست راستش غذا بخورد. گاهی لقمه را بادت راست بلند می کرد که بدهان بگذارد، نمی توانست.» 107

«امام ششم (ع): خوب نیست که انسان با دست چپ غذا بخورد و یا آب بیاشامد.» 106

«امام ششم (ع): از زمانیکه حضرت محمد (ص) به پیامبری مبعوث شد، احدی ندید که او تکیه کرده غذا بخورد.» 108

«امام ششم (ع): غذای داغ برکت ندارد.» 109

«رسول خدا (ص): چون سفره انداخته میشود، فرشتگان بر دور آن حلقه می زنند. اگر بنده بسم الله گفت، فرشتگان می گویند: خدا برکت بر شما و غذایتان بفرستد و به شیطان می گویند: ای فاسق! بیرون برو که تو بر اینها تسلطی نداری! و هنگامیکه بعد از غذا، الحمد لله گفت، ملائکه گویند: اینان مردمی هستند که خدا به آنان نعمت داده و آنها هم شکر پروردگارشان را ادا کردند.

ولی اگر در اول غذا نام خدا را بر زبان جاری نکرد، فرشتگان به شیطان گویند: ای فاسق! بیا و با ایشان هم غذا شو! و اگر بعد از غذا حمد الهی نگفت، گویند که اینها مردمی هستند که خدا به آنها نعمت داد ولی شکر او را فراموش نمودند!» 116

«عبدالله ارجائی گوید: در خدمت امام صادق (ع) بودم و دیدم که بعد از غذا، آنچه بر زمین افتاده را بر می دارد حتی کنجد و مانند آنرا! گفتم: فدایت شوم! اینها را هم برمی دارید؟ فرمود: اینها روزی توس و برای دیگران نگذار که شفای هر دردی در آن است.» 117

«از یاسر و نادر، غلامان امام رضا (ع) نقل شده که: آن حضرت به خدام خود می فرمود: من اگر در وقت غذا خوردن هم بالای سر شما بایستم، تا از غذا فارغ نشده اید، بلند نشوید!

و بسیار اتفاق می افتاد که یکی از ما را می طلید و چون به حضرت می گفتند: مشغول خوردن است! می فرمود: او را رها کنید تا غذایش تمام شود.» 118

«رسول خدا (ص): کسی که تکه نانی را ببیند و آنرا بخورد، برایش هفتصد ثواب است و اگر تکه نان کثیفی را بردارد و بشوید و آنرا کناری بگذارد، هفتاد ثواب دارد.» 133

«آمده است که: امام سجاده (ع) خرمایی را بر زمین دید که غلام حضرت آنرا برداشت. امام به او فرمود: آنرا نگهدار تا بعد، از تو بگیرم. بعد از تجدید وضو، امام به غلام فرمود که خرما را بیاور! عرض کرد: آنرا خوردم! امام به او فرمود: تو بخاطر خدا آزادی و می توانی بروی!

به امام گفتند: بخاطر یک خرما او را آزاد می کنی؟ امام فرمود: چون آن خرما را برداشت و خورد، اهل بهشت شد و من بدم می آید که یک نفر بهشتی را بعنوان غلام داشته باشم!» 134

«امام ششم (ع): از آداب خلال آنست که زبان را در دهان بگردانی و هر چه یافتی بخوری، سپس خلال نمائی و هر چه از لای دندان ها بیرون آمد، بیرون بریزی.»

«رسول خدا (ص): سه لقمه نان و نمک قبل از غذا، انسان را از هفتاد و دو مرض که از جمله آنها دیوانگی و جذام و پیری است، نجات می دهد.» 141

«مستحبات غذا خوردن: هر دو دست را قبل از غذا بشوید، بعد از غذا نیز دو دست را شسته با دستمال پاک کند. میزبان قبل از همه شروع کند و بعد از همه دست بکشد. در اول غذا بسم الله بگوید و اگر چند نوع غذا است برای هر یک، نام خدا را بگوید.

با دست راست بخورد. هر کسی از غذای جلو خود بخورد، لقمه را کوچک بردارد، سر سفره زیاد بنشیند و خوردن غذا را طول بدهد. غذا را خوب بجود، بعد از غذا خداوند عالمیان را حمد کند، خلال کند. آنچه بیرون سفره ریخته، جمع کند و بخورد و اگر در بیابان غذای خورده، مستحب است آنچه ریخته برای پرندگان بگذارد. در اول روز و اول شب غذا بخورد و در بین روز و در بین شب غذا نخورد، بعد از خوردن غذا به پشت بخوابد و پای راست را روی پای چپ بپاندازد، در اول و آخر غذا نمک بخورد، میوه را قبل از استفاده بشوید.» 146

«مکروهات غذا خوردن: در حال سیری خوردن، پُر خوردن، در موقع صرف غذا بصورت دیگران نگاه کردن، خوردن غذای داغ، فوت کردن به غذا و آشامیدن، بعد از گذاشته شدن نان در سفره منتظر چیز دیگر شدن، پاره کردن نان با کارد، گذاشتن نان را زیر ظرف غذا، پاک کردن کامل گوشت استخوان بطوریکه چیزی در آن نماند، پوست کردن میوه، دورانداختن میوه پیش از اینکه کاملاً آنرا بخورد.» 147

## نوشیدن آب

«مستحبات آشامیدن آب: بطور مکیدن بنوشد، در روز ایستاده بنوشد، قبل از آشامیدن، نام خدا را بر زبان جاری نماید و بعد از آشامیدن، حمد الهی کند، به سه نفس بیاشامد، از روی میل بیاشامد، بعد از آشامیدن بیاد حسین (ع) و اهل بیت (ع) آن حضرت افتاده و قاتلانشان را لعن نماید.» 148

«مکروهات آشامیدن آب: زیاد آشامیدن، آشامیدن بعد از غذای چرب، در شب ایستاده نوشیدن، آشامیدن با دست چپ، از جای شکسته ظرف آب نوشیدن» 149

«رسول خدا (ص): آب زمزم برای خورنده اش شفاء است.» 137

«علی (ع): آب باران بخورید که بدن را تمیز و دردها را برطرف می کند.» 138

«داود رقی می گوید: خدمت امام صادق (ع) بودم که برای حضرت آب آوردند. وقتی نوشید، اشک در چشمانش جمع شد و بمن فرمود: ای داود! خدا لعنت کند کشتندگان حسین (ع) را. و بدان هر که آب بنوشد و حسین (ع) را یاد کند، و بر قاتلش لعن نماید، خداوند صد هزار حسنه برای او می نویسد و صد هزار گناه از او پاک می کند و صد هزار درجه به او می دهد و...» 139

### فوائد میوه ها و خوراکیها

رسول خدا (ص): میوه هارا در اول بیارنشستنشان بخورید که باعث صحّت بدن و دور شدن غمهاست و در آخرشان نخورید که برای جسم مریضی می آورد.» 143

«امام رضا (ع): زیاد خوردن گوشت حیوانات وحشی و گوشت گاو، باعث کم شدن عقل، زیاد شدن حیرت فهم و نارسا بودن ذهن و کثرت فراموشی می شود و زیاد خوردن تخم مرغ، باعث طحال و باد معده می شود.» 146

«بر شما باد به خوردن ماهی! که اگر بدون نان بخورید شمارا کفایت می کند و اگر با نان بخورید، برایتان گواراست.» 150

«علی (ع): بر خوردن ماهی مداومت نکنید که بدن را ضعیف می نماید.» 151

«معصوم (ع): کسی که شب ماهی می خورد، خوب است قبل از خواب، خرما یا عسل بخورد تا دچار فلج نشود.» 248

«روایت شده که پیامبری از ترسو بودن امت خود به خدا شکایت برد. به او وحی شد که به امت خود امر نما تا اسفند بخورند که باعث شجاعت می شود.» 169

«رسول خدا (ص): هرگاه به شهری و یا محلی وارد شدید از پیاز آن منطقه بخورید، مرضهای آن منطقه از شما دور می شود.» 171

«روایت شده که پیامبری از بنی اسرائیل، از قساوت دل و کمی اشک به خدا شکوه کرد. خداوند وحی فرمود: عدس بخور!

چون به خوردن عدس پرداخت، قلبش رقت پیدا کرد و اشک چشمش زیاد شد.» 172

«یکروز رسول خدا (ص) در سجاده خود نشسته بود که عبدالله بن تیهان آمد و گفت: یا رسول الله! من بسیار خدمت شما می‌نشینم و به سخن شما گوش فرا می‌دهم. ولی نمی‌دانم چرا رقت قلب پیدا نمی‌کنم و گریه‌ام نمی‌آید؟ حضرت فرمود:

عدس بخور که قلب را رقت می‌بخشد و اشک را فرو می‌ریزد و هفتاد پیامبر به آن تبرک جستند.» 232

«امام ششم (ع): نوح از غم و اندوه به خدا شکایت کرد. خداوند به او وحی کرد که انگور سیاه بخورد که غم را می‌برد.» 200

«رسول خدا (ص): سیب را ناشتا بخورید که رطوبت معده را می‌برد و در جای دیگر فرمود: یکی از عوامل سلامتی، خوردن سیب در سحراست.» 201

«امام ششم (ع): اگر مردم می‌دانستند در سیب چه فوایدی است، مریض‌هایشان را فقط با سیب درمان می‌کردند!» 218

«امام ششم (ع): مریض‌های تب داران را با سیب معالجه کنید که سیب از تمامی داروهای تب بهتر است.» 219

«امام ششم (ع): ناشتا خربزه خوردن، موجب فلج است.» 228

«امام ششم (ع): گردو و پنیر اگر با هم خورده شوند، دارای فایده‌اند و اگر بتنهائی خورده شوند، ضرر دارند.» 233

«شخصی از امام صادق (ع) دربارهٔ پنیر سؤال کرد. امام فرمود: درد بی‌درمان است!

شب خدمت امام رفت و دید بر سفره امام پنیر است! پرسید: جانم بفدایت! صبح راجع به پنیر فرمودید، درد بی‌درمان است! در حالیکه بر سر سفره شما پنیر است؟ فرمود: پنیر در موقع صبح ضرر دارد. ولی در شب، نافع است و آب پشت را زیاد می‌کند.» 280

«امام ششم (ع): کباب تب را از بین می‌برد.» 235

«رسول خدا (ص): ما پیامبران، گوشت‌خوار و طرقدار گوشت می‌باشیم.» 256

امام ششم (ع): هر که گرفتار ضعف قلب یا ضعف بدن شود، گوشت بره با شیر بخورد.» 257

«یونس بن بکر می‌گوید: امام رضا (ع) به من فرمود: چرا رنگت زرد شده است؟ گفتم: کسالتی عارضم گشته است. فرمود: گوشت بخور! من هم گوشت خوردم. پس از یک هفته، حضرت مرا به همان حال سابق دید. فرمود: مگر نگفتم گوشت بخور؟ عرضه داشتم. من از آنروزی که شما امر فرمودید، چیزی جز گوشت نخوردم! فرمود: چگونه خوردی؟ گفتم: بصورت پخته! فرمود: کباب کن و بخور! - من هم چنین کردم. - بعد از یک هفته امام بدن‌بال من فرستاد. من خدمت آقا رفتم، در حالیکه خون بصورت من دویده بود! حضرت وقتی مرا دید، فرمود: خوب شدی.» 262

«رسول خدا (ص): بهترین غذای دنیا و آخرت، گوشت است.» 263

«رسول خدا (ص): سرآمد غذاهای دنیا و آخرت، گوشت و برنج است.» 272

«علی(ع): بر شماباد به خوردن گوشت! زیرا گوشت از گوشت بدست می آید و گوشت باعث روئیدن گوشت می شود. کسیکه چهل روز گوشت نخورد، بد اخلاق می شود.» 275

«زاره می گوید: در ماه شعبان، پانزده روز خدمت امام باقر(ع) بودم. هر روز غذا گوشت بود و ندیدم که یکروز گوشت نباشد.» 277

«امام ششم(ع): بهترین نوع گوشت، گوشت پشت حیوان است. و فرمود: روغن گاو شفاء و شیرش دواء و گوشتش درداست.» 279

### دستورهای ائمه معصومین (ع) درباره سلامتی

«امام رضا(ع) رساله ذهبیه را بدرخواست مأمون در زمینه راههای سلامتی انسانها نوشت که به بعضی از مطالب آن اشاره می نمایم: کسیکه نمی خواهد از درد مثانه بنالد، حتی 'یک لحظه هم پیشابش را نگاه ندارد اگر چه بر پشت اسبی سوار شده باشد! آنکس که نمی خواهد معده اش آزار و آسیب ببیند، موقع صرف غذا، تابعد از غذا آب ننوشد. زیرا آنانکه همراه با غذا، آب می نوشند، به عارضه رطوبت و ضعف دستگاه گوارشی مبتلا خواهند شد.\* هر که از سنگ مجرا و شاشبند می ترسد، نباید در هنگام انزال منی، آنرا در مجرایش نگاه دارد! \* کسانی که به ضعف حافظه دچارند، بهتر است همه روزه، هفت مثقال کشمش سیاه، ناشتا بخورند و روزانه سه تکه زنجبیلی که در عسل خوابانده شده است، را با کمی خردل، در ضمن غذای روزانه خود بخورند. و برای تقویت نیروی فکری، خوبست همه روزه، سه دانه هلیله با نبات کوبیده بخورند.\* اگر کسی می خواهد دچار درد گوش نشود، هر شب هنگام خواب مقداری پنبه در گوشش بگذارد.\* کسیکه از بزرگ شدن لوزتین خود بیمناک است، بهتر است بعد از خوردن شیرینی با سرکه قرقره کند.\* کسیکه می خواهد از بیماری یرقان در امان باشد، در تابستان به اتاقهای در بسته و دم کرده، پیش از تهویه هوای اتاق، وارد نشود و در زمستان یکمرتبه از اطاق گرم به هوای سرد نرود. بلکه صبر کند تا بدنش با هوای تازه مأنوس گردد بعد برود.\* آنانکه از بادهای دردناک و شدید در بدن خود می ترسند، هفته ای یکبار سیر بخورند. \* کسیکه به دندان خود علاقه مند است، قبل از خوردن شیرینی، کمی نان بخورد.\* افراد لاغر اندام و افراد گرسنه، باید از حرکت شدید و طولانی در گرمای زیاد پرهیزند. ولی این عمل برای افراد چاق مفید است.\* از آبهای شور پرهیز کنید که دارای حجم سنگین بوده و باعث یبوست می شوند. و آبهای برف و یخ، مطلقاً فاسد هستند و برای بدن تولید فساد می کنند ولی آب باران، سبک، گوارا و مفید است بشرطیکه در گودالها، زیاد نماند.\* آمیزش در اول شب، بخاطر سنگین بودن معده، باعث تولید بیماریهای قولنج، لقوه، فلج، نقرس، سنگ مثانه، سلس البول، فتق، ضعف چشم و نزدیک بینی می شود و نباید بعد از آمیزش، بیکباره برخیزد. بلکه مدتی به پهلوی راست بماند. سپس برخاسته، ادرار نماید و بعد از غسل، مقداری عسل صاف شده بخورد.» 290

«علی (ع): هر که می خواهد عمر طولانی داشته باشد، صبحانه خوب بخورد، شب بعد از غذا بخوابد، با زنان کم مباشرت نماید و عبا (لباس) سبک بر تن کند.» 363

«امام ششم (ع): چهار چیز قبل از پیری، انسان را پیر می کند: خوردن گوشت سرخ کرده، پیشوائی مردم، صعود به درجات بالا و مباشرت با پیرزنان!» 365

## آداب خوابیدن

«امام رضا (ع): خواب، سلطان مغز است و قوام و دوام نیروهای بدن، بسته به خواب می باشد. هنگامیکه انسان به خواب می رود، بهتر است ابتدا به پهلوی راست بخوابد و پس از چندی، از پهلوی راست به پهلوی چپ سپس باز به پهلوی راست برود. اما بامداد که از خواب برمی خیزد، بهتر است که از پیلوی چپ بر است غلطیده سپس برخیزد!

بهتر است شب بعد از غذا، دو ساعت بیدار باشد. هنگامیکه انسان به مستراح می رود، زیاد آنجا نماند که توقف زیاد در مستراح، باعث بیماری «داء الفیل» میشود.» 299

«رسول خدا (ص): هر که از طلوع فجر (اذان صبح) تا طلوع آفتاب در محل نماز خود بنشیند، خداوند او را از آتش جهنم حفظ می کند.» 300

«امام ششم (ع): هر که با وضو بخوابد، مثل این است که در مسجد مشغول عبادت است. و اگر در رختخواب یادش آمد که وضو ندارد، همانجا تیمم کند.» 301

«علی (ع): مسلمان با حال جنابت و یا بدون وضو بخوابد. و چنانچه آب برای غسل یا وضو نبود، با تیمم بخوابد. زیرا در هنگام خواب، روح مؤمن را به آسمان بالا می برند و خداوند بر او برکت می فرستد و اگر اجلش رسیده باشد، روح او را در رحمت خود می سپارد و اگر اجلش نرسیده باشد، به همراه ملائکه امین، روحش را به بدنش برمی گرداند.» 302

«علی (ع): پیش از خواب به مستراح بروید، سپس بخوابید.» 303

«علی (ع): اگر دیدید شخصی دمر (بر صورت) خوابیده، او را بیدار کنید و نگذارید در آن حالت باشد!» 304

«امام ششم (ع): هر که در وقت خواب، این آیه را بخواند: قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ إِنَّمَا إِلَهُكُم وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا (کهف آیه آخر)، هر ساعتی بخوابد، بیدار می شود.» 305

«روایت شده که رسول خدا (ص) چون بخواب می رفتند، می فرمودند: بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ أَحْيِيْ وَبِاسْمِكَ امُوتُ وَچون بیدار می شدند، می فرمودند: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانِي بَعْدَ مَا أَمَاتَنِي وَآلِهِ النُّشُور.» 306

«رسول خدا (ص): خواب مؤمن بر پهلوی راست، خواب حکماء بر پهلوی چپ، خواب پیامبران بر پشت و خواب شیاطین بر صورت است.»

«رسول خدا(ص): خواب بر هفت وجه است: خواب غفلت که خواب در مجلس ذکر است، خواب شقاوت که خواب در وقت نماز صبح است، خواب عقوبت که خواب در وقت نمازهای پنجگانه است، خواب لعنت که خواب بعد از نماز صبح است، خواب راحت که خواب ظهر است، خواب رخصت که خواب بعد از نماز عشاء است و خواب حسرت که خواب شب جمعه است.» اثنی عشریه

### آداب لباس پوشیدن

«رسول خدا(ص): لباس سفید بپوشید که بهترین رنگ است و مرده هارا نیز در پارچه سفید کفن کنید!» 309

«امام ششم(ع): لباس سرخ تیره بغیر از برای تازه داماد، مکروه است.» 310

«امام ششم(ع): خداوند عزّ وجلّ به پیامبری وحی کرد که: به مردم بگو که لباس دشمنان مرا نپوشند، غذاهای دشمنان مرا نخورند و روش زندگیشان مثل دشمنان من نباشد! که در غیر اینصورت ایشان نیز مانند دشمنان من خواهند بود.» 312

«رسول خدا(ص) از عریان بودن، چه در شب و چه در روز، منع کرده اند.» 313

«علی(ع): هرگاه شخصی عریان شود، شیطان بسوی او توجه می کند و طمع می کند تا او را به معصیت بیاورد.» 314  
«اسحاق بن عمار می گوید: به امام هفتم(ع) عرض کردم: آیا اشکالی دارد که شخصی، ده دست لباس داشته باشد؟ آیا این اسراف است؟ فرمود: نه بلکه این باعث می شود لباسهایش بیشتر عمر کند و لکن اسراف آنست که لباس بیرون را در جای کثیفی بپوشد!» 332

«شخصی از امام حسن مجتبیٰ(ع) پرسید: چرا هنگام اقامه نماز، لباسهای خوب و زیبا می پوشی و از بهترین لباسهای استفاده می نمایی؟

فرمود: خدا زیباست و زیبایی را دوست می دارد و من خود را برای پروردگارم زیبا می کنم. زیرا خدا در قرآن فرموده است:

خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ (اعراف 31) یعنی هنگام رفتن به مسجد، زینتهای خود را بپوشید.» 466

«روایت شده که یکی از مسلمانان با لباس نامرتب و ژولیده به محضر پیامبر رفت. حضرت به او فرمود: آیا ثروتمند هستی؟ گفت: آری! خدا هرگونه ثروت بمن داده است! پیامبر(ص) فرمود: هرگاه پولدار هستی، باید اثر آن در تو دیده شود!» 467

«امام صادق(ع) به عبیده بن زیاد فرمود: در نزد خداوند، ظاهر کردن نعمت بهتر از مخفی کردن آنست! لذا تو باید در بهترین لباس طایفه ات ظاهر شوی!

از آن پس عبیده همیشه با زیباترین لباس نزد مردم حاضر می شد.» 468

«شخصی از امام صادق(ع) پرسید: در آیه شریفه که می فرماید:

وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ. (الضحى' 11) نعمت خدایت را آشکار کن!

مراد از ظاهر کردن نعمت چیست؟ فرمود: به این است که لباس تمیز بپوشد، بوی خوش استعمال نماید، خانه‌اش را گچکاری کند و درب خانه‌اش را جاروب نماید. 469

«رسول خدا (ص) خطاب به همسرش فرمود: این دو لباس را بشوی! مگر نمی‌دانی که لباس، هم تسبیح خدا را می‌گوید. ولی هرگاه چرک شد، دیگر تسبیح نمی‌گوید.» 470

«امام ششم (ع): خداوند از مؤمن راجع به سه چیز محاسبه نمی‌فرماید: غذائی که می‌خورد، لباسی که می‌پوشد و همسر صالحه‌ای که کمک کار اوست و باعث حفظ او از حرام می‌شود.» 451

## آداب در دست کردن انگشتر

«امام ششم (ع): هر شخصی که با انگشتر عقیق نماز بخواند، نمازش چهل برابر کسانی است که بدون انگشتر عقیق نماز بخواند.» 322

«شخصی خدمت پیامبر آمد و از راهزنانیکه در راه به او حمله کرده بودند و اموال او را برده بودند، شکایت کرد! حضرت فرمود: چرا انگشتر عقیق در دست نداشتی که آن، انسان را از هر شرّی نگه می‌دارد.» 325

«رسول خدا (ص): انگشتر عقیق داشته باش که عقیق اولین کوهی ست که به یگانگی خدا و نبوّت من و وصایت تو یا علی! اقرار کرده است.» 327

«دو رکعت نماز با انگشتر عقیق، بهتر از هزار رکعت نماز بدون آن می‌باشد.» 330

## آداب مسافرت

«رسول خدا (ص): ای علی! هرگاه خواستی به شهری یا روستائی، وارد شوی، به هنگام ورود بگو: اللَّهُمَّ اِنِّی اسئَلُکَ خیرَهَا وَاَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّهَا. اللَّهُمَّ حَبِّبْنَا اِلٰی اَهْلِهَا وَحَبِّبْ صَالِحِیْ اَهْلِهَا اِلَیْنَا یعنی: ای خدا! از تو خیر این مکان را می‌خواهم و بتو از شرّ این مکان، پناه می‌برم. خداوند! مرا محبوب اهل این مکان قرار بده و محبّت افراد صالحش را در دلم جایده!» 334

«امام ششم (ع): عده‌ای به محضر پیامبر آمدند و گفتند: ما عازم مسافرت به شام هستیم. بما سخنی بیاموز! حضرت فرمود: شب هنگام، هر کجا برای استراحت توقف نمودید، وقتی به بستر رفتید، قبل از خواب، تسبیح فاطمه (س) و آیه الكرسی را بخوانید که شمارا از هر چیزی حفظ می‌کند.

آنها رفتند و هنگام خواب دستور حضرت را بکار بستند. در آن حوالی راهزنانی بودند که این عده را زیر نظر گرفته و منتظر بودند که شب بشود و به اینها دستبرد بزنند. وقتی شب شد یکی از راهزنان برای آگاهی از موقعیت مسافرن، به



محل استراحت آنان آمد ولی غیر از دیوار بلندی که دور تا دور آن محل را فرا گرفته بود، چیزی ندید! برگشت و این قضیه را به راهزنان خبر داد. راهزنان سخن او را قبول نکرده و گفتند: تو آدم ضعیفی هستی و از ترس این حرف را می‌زنی! اما وقتی خود به محل آمدند و آن دیوار بلند را دیدند، بناچار برگشتند.

فردا صبح باز به آن محل رفتند و از دیوار خبری نبود و مسافری آنجا بودند. راهزنان از مسافری پرسیدند: شما دیشب کجا بودید؟ گفتند: همین جا! راهزنان گفتند: دیشب ما آمدیم ولی جز دیوار بلندی چیزی ندیدیم! قصه شما چیست؟ آنان گفتند: پیامبر بما سفارش کرده است که شب قبل از خواب، تسبیح فاطمه (س) و آیه الکرسی را بخوانیم و ما هم همینکار را کردیم. راهزنان گفتند: شما آزادید و به هر کجا که می‌خواهید بروید که بخدا سوگند! ما هرگز شمارا تعقیب نمی‌کنیم و بدانید که تازمانیکه بدستور پیامبرتان عمل می‌کنید، هیچ راهزنی نمی‌تواند بشما آسیب برساند! 336

«روایت شده که در وقت سوار شدن به کشتی این دعا را بخواند: بِسْمِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْحَقِّ وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدَرِهِ وَالْأَرْضَ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيلَمَةِ وَالسَّمَاوَاتِ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ. سُبْحَانَكَ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ. بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا. إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ.» 337

«امام ششم (ع): کسیکه حاجی را در مراجعت از حج، در حالیکه غبارسفر بر سر و روی اوست، در آغوش بگیرد مثل کسی است که دستش به حجر الاسود رسیده باشد. و هرگاه شخصی از مسافرت برگشت و داخل خانه‌اش شد، قبل از هر کاری، بر خود آب بریزد و دور کعت نماز بخواند سپس به سجده رفته و صدبار شکر کند.» 339

«رسول خدا (ص): هر که بسفر می‌رود، در بازگشت برای خانواده‌اش، هدیه بیاورد اگر چه آن هدیه تکه سنگی باشد!» 340

«رسول خدا (ص): اگر در مکانی راه را گم کردید، بطرف راست بروید.» 341

«رسول خدا (ص): مسافرت کنید تا سلامت باشید، تلاش کنید تا منفعت یابید و حج کنید تا بی نیاز شوید.» 410

«امام ششم (ع): هرگاه خواستی به سفر بروی ابتدا صدقه بده!» 412

«رسول خدا (ص) در بدرقه افراد می‌فرمود: زَوَّدَكَ اللَّهُ التَّقْوَى ' وَغَفَرَ ذَنْبَكَ وَلَقَاكَ الْخَيْرَ حَيْثُ كُنْتَ. یعنی: خداوند توشه تورا تقوی قرار دهد و گناهات را ببخشد و هر کجا هستی تورا به خیر بدارد.» 413

«ابابصیر می‌گوید: به امام صادق (ع) گفتم: جایز است انسان با افراد پولداری که خود نمی‌تواند مثل آنها خرج کند، بسفر برود؟ حضرت فرمود: دوست ندارم که مؤمن خود را کوچک کند! بلکه با هم ترازان خود بسفر برود.» 414

«رسول خدا (ص): سردهسته مسافری خوبست به مسافری خدمت کند.» 416

«امام ششم (ع): مروّت و جوانمردی دو قسم است: یکی در سفر است که شامل بخشش توشه و غذایت به همسفران، شوخی در غیر حرام، عدم مخالفت با همراهان و عدم نقل مسائلی که در طول سفر پیش آمده و مسافری راضی به نقل آن نیستند!

دوم جوانمردی و مروت در حضر و شهر و دیار خود است که شامل تلاوت قرآن، حضور در مساجد، مصاحبت با خوبان و کسب علم و دانش است.»

## آداب نظافت و بهداشت

«رسول خدا(ص): داخل بهشت نمی شود مگر افراد تمیز و نظیف!» 471

«شیخ مفید فرموده است: پوشاندن سر در هنگام قضاء حاجت، از سنت های رسول خدا(ص) است.» 346

«در هنگام ورود به مستراح، سنت این است که با پای چپ وارد شود و سرش را بپوشاند و خدا را یاد کند.» 347

«رسول خدا(ص): ایستاده بول کردن بدون علت، از ستم است و استنجاء (طهارت) با دست راست نیز از ستم است.» 368

«امام رضا(ع): رسول خدا(ص) نهی کردند از اینکه انسان در حال قضاء حاجت، جواب کسی را بدهد و یا با کسی صحبت کند.» 369

«امام ششم(ع): یکی از علل فشار قبر، بی اهمیتی به نجاست و طهارت است.» 370

«علی(ع): نشستن زیاد در مستراح، باعث بواسیر می شود.» 371

«قضاء حاجت در راه های عمومی و درب خانه ها و زیر درختان میوه دار، مکروه است. همچنین سخن گفتن و مسواک زدن در این حال، مکروه است.

خوب است بعد از قضاء حاجت بگوید: شکر خدایی را که اذیت را از من دور نمود و غذا را برایم گوارا قرار داد و مرا از بلا، سالم نگه داشت. همچنین وقتی خواست خارج شود با پای راست خارج شده و دست راست بر شکمش گذاشته بگوید: شکر خدایی را که لذتش را بمن شناساند و قوتش را در بدنم قرار داد و بدی را از من خارج کرد!» 372

### مسواک

«روایت شده که امام رضا(ع) ظرفی داشت که در آن پنج مسواک بود و بر هر کدام، اسم یکی از نمازهای پنجگانه نوشته شده بود که با هر کدام از آنها در همان نمازی که اسم آن نوشته بود، مسواک می زد.» 349

«امام رضا(ع): مسواک چشم را جلا می دهد و موها را می رویاند و آب چشم را بر طرف می کند.» 350

«رسول خدا(ص): دو رکعت نماز با مسواک، از هفتاد نماز بدون مسواک بالاتر است.» 375

«امام ششم(ع): وقتی برای نماز شب بیدار می شوی، مسواک بزن! زیرافشته ای می آید و دهان خود را بر دهان تو می گذارد و هر چه از قرآن و دعا و ذکر می خوانی، به آسمان می برد. پس باید دهان تو خوشبو باشد.» 377

«علی(ع): اگر شخصی قبل از نماز مسواک بزند، در حال نماز فرشته می آید و دهان را بر دهان او می گذارد و آنچه می گوید بخاطر می سپارد. ولی اگر مسواک نزند، در کناری می ایستد و قرائتش را می شنود.» 378

«رسول خدا(ص) مشاهده کرد که چند نفر دندان‌شان زرد است! فرمود: چرا دندانهای شما را کثیف می‌بینم؟ چرا مسواک نمی‌زنید؟» 472

#### اصلاح موهای بدن!

«علی(ع): ازاله موی زیر بغل، بوی بد را از انسان برطرف می‌کند و سنتی است که رسول خدا(ص) به آن فرمان داده است.» 348

«رسول خدا(ص): آنکه به خدا و قیامت ایمان دارد نباید موهای ظاهر(عورت) را بیش از چهل روز نسترده بگذارد! و زنی که ایمان دارد نباید بیش از بیست روز آن را نسترده بگذارد.» 351

«امام ششم(ع): خداوند به ابراهیم فرمود: خود را پاکیزه نما! او هم شارب(موی سبیل) خود را اصلاح کرد. باز به او خطاب شد: پاکیزه شو! او هم موی زیر بغل خود را کوتاه نمود. مجدداً به او خطاب شد: پاکیزه باش! او هم ناخنهای خود را گرفت. باز به او فرمود: پاکیزه شو! او هم موی ظاهر را ازاله نمود. باز به او امر شد: پاکیزه باش! پس او خود را ختنه کرد.» 352

«یکی از اصحاب امام هفتم به حضرت گفت: شیعیان می‌گویند: کوتاه کردن شارب و ناخن، باید در جمعه باشد! امام فرمود: سبحان الله! تو آنها را کوتاه کن! خواه جمعه باشد و خواه غیر جمعه!» 355

«رسول خدا(ص): هر که شارب خود را نچیند از ما نیست!» 356

«امام ششم(ع): ریش خود را در مُشت بگیر و اضافه را بچین!» 357

«امام ششم(ع): از سعادت مرد، کم پُشت بودن ریش اوست.» 358

«رسول خدا(ص) نهی فرمود از اینکه زنها، موی سر خود را مثل مردان، در جلو یا وسط یا اطراف سر، گره بزنند. (جمع کنند.)» 381

«امام پنجم(ع): مردی به دیدار پیامبر رفت. برای او از رسول خدا(ص) اجازه گرفتند. حضرت در حالیکه از خانه خارج می‌شد، ظرف آبی در دست داشت که صورت خود را در آن مشاهده می‌کرد و مُحاسن خود را منظم می‌کرد. وقتی برگشت، عایشه گفت: ای رسول خدا! تو سرور فرزندان آدم هستی! و رسول پروردگار عالمیانی! آنوقت می‌ایستی و در آینه مُحاسن خود را درست می‌کنی؟

رسول خدا(ص) فرمود: ای عایشه! خداوند دوست دارد که مؤمن وقتی به دیدار مؤمنی دیگر می‌رود، خود را زیبا و مرتب سازد.» 452

«روایت شده که امام باقر(ع) و امام صادق(ع) هرگاه از حمام بیرون می آمدند، سر و گردن خود را می پوشیدند، خواه تابستان بود و خواه زمستان. و می فرمودند: پوشاندن سر و گردن، باعث حفظ از سرما خوردگی می شود.»  
«امام ششم(ع): حمام یکروز در میان، گوشت بدن را زیاد می کند.» 367

## آداب میهمانی

«رسول خدا(ص) از میهمانی که مخصوص ثروتمندان باشد و فقرا را به آنجا دعوت نکنند، نهی فرمود.» 382  
«رسول خدا(ص): حدّ میهمانی سه روز است و بعد از سه روز، تصدّق و احسان است که نسبت به مهمان می شود!» 383  
«رسول خدا(ص): آنقدر نزد صاحبخانه، میهمان نشوید که او را درهم شکنید! که دیگر چیزی نداشته باشد خرج کند.» 384

«امام پنجم(ع): اینکه مهمان در منزل صاحبخانه، کار کند، خلاف ادبست! و چون مهمان وارد می شود، در وارد شدن او را کمک کنید. ولی وقتی می خواهد برود، او را در رفتن کمک نکنید! و غذایی مناسب او مهیا کنید که نشانه جوانمردی است.» 385

«علی(ع): هر مؤمنی که وقتی صدای مهمان را بشنود، خوشحال شود، گناهانش آمرزیده شود اگر چه گناهانش بین آسمان و زمین را پُر کرده باشد!» 386

«رسول خدا(ص): هر خانه ای که مهمان به آنجا داخل نمی شود، ملائکه نیز به آنجا نمی روند.» 387  
«روایت شده که سزاوار نیست صاحبخانه روزه بگیرد مگر با اطلاع مهمان! مبدا مهمان بخاطر روزه او شرم کند و غذا نخورد. همچنین سزاوار نیست که مهمان بدون اطلاع صاحبخانه روزه بگیرد، مبدا میزبان غذا تهیه کند و ضایع شود!» 388

«امام پنجم(ع): وقتی جایی مهمان شدید، هر کجا صاحبخانه گفت، بنشینید! زیرا صاحبخانه از داخل خانه اش بیشتر از شما اطلاع دارد!» 389

«رسول خدا(ص): از جمله حقوق مهمان بر میزبان آنست که تا حریم خانه ات او را بدرقه نمائی!» 390  
«امام رضا(ع): شخصی علی(ع) را دعوت نمود. حضرت فرمود: به سه شرط می پذیرم! گفت: آنها کدامند؟ فرمود: از خارج از خانه چیزی تهیه نکنی! هر چه در خانه داشتی - از مواد غذایی - بیاوری! همسرت را به زحمت نیاندازی! آن شخص قبول کرد و علی(ع) نیز دعوت او را اجابت فرمود.» 391

«عده ای مهمانِ امام صادق(ع) شدند. حضرت از آنها خوب پذیرائی نمود و موقعی که می خواستند بروند، امام برای آنها توشه سفر تهیه دید. ولی وقت خارج شدن آنها، به غلامانش فرمود: موقع رفتن در بردن بارهایشان کمک نکنید! آنها در هنگام خدا حافظی به امام گفتند: یا بن رسول الله! تو خوب از ما پذیرائی نمودی و اموالی بما بخشیدی! ولی چرا به

غلامانت دستور دادی که در بردن بارها مارا کمک نکنند؟ امام فرمود: ما خاندانی هستیم که به رفتن مهمان کمک نمی کنیم.» 392

«امام ششم (ع): هلاک است میزبانی که غذائی را که برای مهمان می برد کوچک بشمارد! و هلاک است مهمانیکه غذای میزبان را حقیر بداند!» 393

«علی (ع): هر مؤمنی که مهمان دوست باشد، وقتی از قبر محشور می شود، صورتش مانند ماه شب چهارده می باشد. در این حال مردم می گویند: این شخص حتماً پیامبر است! فرشته ای جواب می دهد: این مؤمنی است که مهمان دوست بوده و مهمان را عزیز می شمرده است. این مؤمن را فقط به بهشت می برند.» 399

«رسول خدا (ص): هرگاه خداوند برای عده ای خیر بخواهد، به آنان هدیه ای می دهد. سؤال کردند: این هدیه چیست؟ فرمود: مهمان! که با خود رزقش را می آورد و هنگام رفتن، گناهان اهل خانه را با خود می برد!» 400

«رسول خدا (ص): هرگاه شخصی به محلی وارد شد، مهمان مؤمنین آنجاست و باید تا زمانیکه آنجا است، او را ضیافت نمایند.» 401

«رسول خدا (ص): ای علی! هشت عده هستند که اگر مورد اهانت واقع شوند، باید فقط خود را سرزنش کنند: 1- کسیکه بر سر سفره ای که اوراد عوت نکرده اند بنشیند! 2- مهمانیکه به صاحبخانه دستور می دهد! 3- کسیکه از دشمنش تقاضای کار خوب و خیر بکند! 4- کسیکه از آدم لئیم انتظار بخشش داشته باشد. 5- کسیکه در صحبت درگوشی و دنفرد، دخالت کند! 6- کسیکه فرمانروا را تحقیر نماید! 7- کسیکه در محلی که جای او نیست، بنشیند! 8- کسیکه با مخاطب خود که به او گوش نمی دهد، صحبت نماید!» 402

«اسحاق بن عمار می گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: اشکالی دارد که میزبان به احترام مهمان بایستد؟ فرمود: خوب نیست! مگر اینکه مهمان دارای مقام بلندی در دین باشد.» 403

«روایت شده که شخصی مهمان امام رضا (ع) شد. در اینحال شعله چراغ کم شد. مهمان دست دراز کرد تا شعله را درست کند، اما حضرت مانع شد و فرمود: ما اهل بیتی هستیم که نمی گذاریم مهمان کار کند.»

«روایت شده که رسول خدا (ص) شنید: مردی از مسلمانان، هیچگاه مهمان به خانه اش نرفته است! روزی او را دید و عقلت این مطلب را پرسد. عرض کرد: زنی دارم که از مهمان بدش می آید و اگر روزی مهمانی بخانه ببرم، تا یکسال بامن دعوا می کند! رسول خدا (ص) فرمود: من امشب به خانه ات می آیم! به زنت بگو وقتی من وارد می شوم، به درب حیاط نگاه کند و هنگامیکه خارج می شوم نیز رفتن مرا تماشا نماید.»

آن مرد بمنزل رفت و مطالب پیامبر را به همسرش گفت و آمدن حضرت را خبر داد. اما زن گفت: بمن مربوط نیست و من غذائی آماده نمی کنم! آن مرد خود غذا آماده نمود و رسول خدا مهمان او شد و پس از صرف غذا خدا حافظی نمود و رفت. در این موقع زن نزد شوهرش آمد و گفت: حتماً تو شکایت مرا به پیامبر نموده ای؟ زیرا دیدم پیامبر غذای

خودش را باخود آورد وموقع رفتن، ماران وعقربان با خارج شدند!مرد اظهار بی اطلاعی کرد وهر دو برای یافتن این سرّ نزد پیامبررفتند.رسولخدا(ص)فرمود:مگر نمی دانید که وقتی مهمان وارد می شود،رزق خود را همراه می آورد وهنگامیکه می رود،گناهان وبدیهای آن خانه را با خود می برد!آن زن از این مطلب تعجب نمودودستدار مهمان شد واز آن ببعده مهمان را اکرام می نمود.»

«عبدالرحمن الحجاج می گوید:خدمت امام صادق(ع)مهمان بودیم.برای ما برنج آوردند ولی ما کم خوردیم!امام فرمود:بخورید!زیرا کسی مارا بیشتر دوست دارد،که نزد ما خوب غذا بخورد!ماهم شروع به غذا خوردن مجدد کردیم.امام فرمود:الان حقّ دوستی را بجا آوردید.» 407

«امام ششم(ع):افطار کردن در خانه برادر مؤمن،هفتاد برابر از روزه توبهتر است.» 408  
«امام ششم(ع):اگر شخصی هزار درهم برای غذایی مصرف کند که فقط یک نفر مؤمن از آن بخورد،اسراف نیست!» 409

«امام ششم(ع):اگر پنج درهم بردارم وبه بازار بروم وغذایی تهیه کنم وچند نفر از مسلمانان را مهمان کنم،در نزد من از آزاد کردن غلامی بهتر است.» 483

## آداب معاشرت

«رسولخدا(ص):باهم دست بدهید که کینه ها را از دل می برد.» 423  
«شایسته نیست بوسیدن دست کسی مگر بوسیدن دست نبی یا وصی نبی!» 424  
«امام هفتم(ع):در هنگام ملاقات با برادران دینی،صورت او را ببوسید ولی هنگام ملاقات با امام،میان دوچشمش را ببوسید.» 425

«امام ششم(ع):بوسیدن دهان خوب نیست مگر دهان زن وفرزندخود!» 426  
«از امام رضا(ع)سؤال شد:انسان چه نیکی را از دیگری رد نکند؟فرمود:اگر جائی برای نشستن تعارف کردند یابوی خوش(عطر)برای استفاده او آوردند یا بالش برای تکیه اش گذاشتند وامثال اینها!» 427  
«امام ششم(ع):هر که مؤمنی را اکرام کند،گویا خدا را اکرام کرده است.» 428  
«رسولخدا(ص):هر که به عده ای از مسلمانان خدمت کند، خداوند دربشت به عدد آنها به او خدمتکار عطا فرماید.» 429

«امام پنجم(ع):با کسی معاشرت کن که تو را می گریاند وخیرخواه توسست!وبا کسیکه تو را می خنداند وفریب می دهد،معاشرت منما!» 430

«امام هفتم (ع): از مواضع تهمت وشک بهره‌یزید وحتی' در کوچه با مادر خود نایستید! زیرا همه نمی‌دانند که این زن مادر توست!» 431

«علی (ع): بدترین رفیق کسی است که معصیت خدا را در نظرتو، خوب جلوه دهد!» 432

«رسول خدا (ص): چهار چیز دل را می‌میراند! گناه بعد از گناه، صحبت زیاد با زنان، مجادله با احمق بطوریکه تو حرفی بزنی و او هم حرفی بزند ولی حرف حق را قبول نکنند و همنشینی با مردگان! پرسیدند: یا رسول الله! مردگان کیستند؟ فرمود: هر ثروتمندی که خدا را فراموش کرده باشد!» 433

«علی (ع): به مجالسی بروید که در آنجا ذکر خدا می‌شود.» 434

«سلمان فارسی می‌گوید: خدمت رسول خدا (ص) رفتم. حضرت بر بالش تکیه کرده بود. وقتی من وارد شدم، آن بالش را بمن داد و فرمود: ای سلمان! اگر مسلمانی نزد مسلمان دیگر رود و او به احترام تازه‌وارد، بالشی بر پشتش بگذارد، خدا او را بیامرزد.» 435

«امام ششم (ع): هدیه بدهید تا دوستی ایجاد گردد. زیرا هدیه کینه‌هار می‌برد.» 437

«رسول خدا (ص): از علامت احترام گذاشتن به مسلمان آن است که هدیه‌ او را قبول کند و یا به او هدیه دهد.» 438

### 13- رعایت پوشش کامل در موقع عمل زناشوئی

«مشاهده عمل زناشوئی والدین، پوشش نامناسب محارم و... از عوامل انحراف فرزندان است.»

«جوان 27 ساله‌ای که پس از سرقت جواهرات و ربودن دختر چهارده ساله و تجاوز به برخی از آنان دستگیر شده بود، پس از محاکمه در دادگاه 142 کیفری یک تهران، به دوبار اعدام و سه سال زندان و تعزیر و پرداخت مهرالمثل محکوم شد.»

بر اساس تحقیقات بازپرس، این جوان دارای انحرافات اخلاقی بوده و بر اساس اعترافات خودش، در گذشته، وی بارها مورد سوءاستفاده افراد قرار گرفته است.

به گزارش خبرنگار قضایی، دستگیری متهم به دنبال اعلام شکایت بستگان یک دختر هشت ساله به مأموران حوزه انتظامی 28 تهران صورت گرفت. با طرح این موضوع، پرونده‌ای در دادسرا تشکیل شد و بازپرس دستور داد در این باره بیشتر تحقیق شود.

مأموران با کمک دختر بچه به محل رفتند و پس از چند روز پیگیری، خانه «مصطفی» را شناسایی و او را دستگیر کردند. متهم در بازجویی به ربودن چهارده دختر بچه و سرقت طلاهای کودکان معصوم و تجاوز به برخی از آنان اعتراف کرد.

این جوان منحرف، در بیان علل انحراف اخلاقی خویش گفت: در خانواده من مسائل خلاف زیادی وجود داشت، به طوری که من ارتباط‌های آمیزشی و روابط جنسی پدر و مادرم را مشاهده می‌کردم و آنها ابایی از این موضوع نداشتند! پدر و مادرم، بعضی وقتها بدون لباس در برابر من ظاهر می‌شدند و این مسائل مرا تحریک می‌کرد و به انحراف اخلاقی سوق می‌داد...

طبق نظر صریح کارشناسان روانشناسی کودک، تماشای صحنه‌های مهیج جنسی، چه در خانواده و چه در فیلمهای سینمایی و... مانند دادن چلوکباب به یک نوزاد است، چرا که با این تحریکات، کودک در معرض بلوغ زود رس قرار می‌گیرد و حساسیت و کنجکاوی او را به روابط بزرگترها بویژه پدر و مادر بر می‌انگیزد. و از این جاست که زمینه‌های انحراف اخلاقی کودکان و نوجوانان آغاز می‌گردد.

#### 14- شرکت در نماز جمعه و جماعت و مراسمات دینی به همراه فرزندان

پدرانی که خود در مجالس معنوی شرکت می‌کند و فرزندان خود را نیز به همراه می‌برد، می‌تواند امیدوار باشد که آینده فرزندان، از نظر دوری از انحرافات اخلاقی، آینده سالمی خواهد بود. ولی پدرانی که خود هیچگاه پا به مسجد و عبادتگاه الهی نگذاشته‌اند و غرورشان اجازه نمی‌دهد که در مقابل پروردگارشان سجده نمایند، چگونه امید دارند که فرزندان خوبی و سالمی تربیت کنند؟ مسجد محلی است که در آن انسانهای والا تربیت می‌شود.

مسجد سنگر اسلام است. مسجد محل ملاقات مؤمنین و وحدت و صمیمیت آنان است. اگرچه گاهی افراد منافق هم در مسجد پیدامی‌شوند یا افرادی که از شرکت در مسجد مقاصد شومی را در ذهن دارند ولی اکثر نمازگزاران کسانی هستند که بدون قصد دنیایی و فقط برای اطاعت از خدایشان در مسجد و مراسمات مذهبی حضور پیدامی‌کنند و خداوند هم طبق وعده‌هایی که داده است در دنیا و آخرت از آنان حمایت می‌کند:

«ان الله يدافع عن الذين آمنوا» حج 39

خداوند از مؤمنین دفاع خواهد کرد.

#### فصل چهارم:

##### وظایف شوهر نمونه

شوهر با داشتن بار مسئولیت سرپرستی خانواده، در عین حال شریک و یاور همسرش نیز می‌باشد. لذا باید برای تداوم و استحکام خانواده خود به مسئولیتهای زیر عمل کند.



1- تهیه نیازهای روزانه غذائی و پوشاکی و مسکن همسر

2- خوش اخلاقی با همسر.

چونکه پیوند شد، به نازش دار بر سر خانه سرفرازش دار  
تو در آیی ز در سلامش کن او در آید، تو احترامش کن  
هر زمانش به دلنوازی کوش وقت خلوت به لطف و بازی کوش  
صاحب رخت و چیز دار او را پیش مردم عزیز دار او را  
از سخنهای خوب و گفتن خوش به نماز و به طاعتش در کش «او حدی مراغه‌ای»  
عاقبت بد اخلاقی با همسر

سعد بن معاذ، از فرماندهان سپاه اسلام، بشهادت رسید. رسول خدا (ص) تشییع با شکوهی از او بعمل آورد و خود  
شخصاً او را دفن نمود.

بعد از دفن، مادر سعد خطاب به قبر گفت: ای سعد! بهشت بر تو گوارا  
باد! رسول خدا (ص) فرمود: این را نگو! گفت: چرا؟ فرمود: او الان فشار قبر  
سختی دید! سؤال کردند: برای چه؟ فرمود: او با خانواده خود بد اخلاقی  
می کرده است!

«پیامبر (ص): بهترین مردان امت من کسانی هستند که به اهل خانه خودستم نمی کنند و بر آنها رحم آورند و به آنها ظلم  
نمایند»

3- اشتباهات همسر را نادیده بگیرد.

«اسحاق بن عمار از امام ششم (ع) پرسید: حق زن بر شوهر چیست؟  
امام فرمود: مرد باید شکم همسرش را سیر کند. بدنش را بپوشاند. اگر نادانی کرد از او بگذرد. ابراهیم خلیل از تند  
خوئی ساره به خداوند شکایت کرد! خدا به او وحی کرد: زن همانند استخوان دنده است! اگر بخواهی راستش  
بگویی، می شکند و اگر با او همچنان مدارا کنی، از او بهره مند می شوی!»

4- شبها وی را رها نکند

5- حداقل چهار ماه یکبار زن حق همبستری دارد. به این حق عمل کند

6- قسمتی از شبانه روز را به همسرش اختصاص بدهد.

«رسول خدا (ص): مردیکه کنار همسرش بنشیند، در نزد من از اعتکاف در مسجدم بالاتر است.»

## 7- مطیع زنش نباشد و بر حضور زن در بازارها و پاساژها نیز حساس باشد.

«علی (ع) خطاب به اهل بصره! آیا حیا ندارید؟ آیا غیرت ندارید در حالیکه زنانتان به بازارها رفته و جوانان خوش

قیافه

مزاحم آنان می شوند؟»

«علی (ع): کسیکه از زنش اطاعت کند، خداوند او را با صورت در آتش بیاندازد! گفته شد: در چه چیزی اطاعت کند؟

فرمود: زن از شوهرش اجازه می خواهد که به حمام - عمومی - و عروسی و مجالس عزای برود و لباس نازک داشته باشد

و شوهر به او اجازه می دهد!»

## سفارشات اسلام درباره زنان

اول: «عاشروهنّ بالمعروف» «نساء 19» یعنی با خوبی با زنان معاشرت کنید.

مطلب فوق شامل مشارکت مرد با همسرش در خدمات خانه و استحباب وسعت در خردنی و آشامیدن و مسکن و لباس

و دادن هدایای خوب دربرگشت از سفر و در اعیاد و گذشت از خطاهایش و اینکه مرد هم بالباس خوب و بوی خوش با

همسرش روبرو شود و عدالت در بین زنان اگر چند همسری باشد و... می شود.

دوم: «ولا تُضاروهنّ لُتُضيقوا عليهنّ» «طلاق، 6» و «ولا تعضّلوهنّ لتذهبوا ببعض ما آتیتموهنّ» «نساء 16» یعنی برای

اینکه مجبور شوند از حق خود دست بردارند به زنها سخت گیری نکنید و اذیت نرسانید.

از امام صادق (ع) روایت شده که علت نزول آیه فوق آن بود که گاهی مردی عیال خود را می زد تا زن همه حقوق

خود را اعم از مهریه و مخارج عدّه و غیره را حلال کند.

سوم: «فإن ارضعن لكم فآتوهنّ أجورهنّ» «طلاق 6» یعنی هرگاه زنان شما بچه های شما را شیر می دهند، می توانند از

شوهر مزد بخواهند.

چهارم: اسلام سفارش کرده که برای حضانت و نگاهداری اولاد مادران سزاوارترند و زن می تواند دختر را تا هفت

سالگی و پسر را تا دو سالگی خود بزرگ نماید.

پنجم: «وآتیتم احداهنّ قنطاراً فلا تأخذوا منه شیئاً» «نساء 20» یعنی مهر زن را باید مرد بدهد حتی اگر مهریه پوست

گاو یا پر از سکه طلا باشد!

ششم: «فما استمتعتم به منهنّ فآتوهنّ أجورهنّ» «نساء 25» یعنی باید مرد، نفقه همسرش را بدهد.

هفتم: «وان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حَکماً من اهلہ و حکما من اهلہان یریدا اصلاحاً یوفق الله بینهما» (نساء 35) ینی در صورت بروز اختلاف بین زن و مرد باید یک نفر از فامیل مرد و یک نفر از فامیل زن، جلسه بگیرند و اختلاف بین ایندو را حل کنند.

هشتم: «فامساک بمعروف او تسریح باحسان» بقره 229 یعنی با زنان خوش رفتاری بنمائید و از آنها نگه داری کنید و اگر می خواهید طلاق بدهید به آنها ظلم نکرده و حق آنها را بدهید.

نهم: «واللاتی تخافون نُشوزهنّ فعظوهنّ و اهجروهنّ فی المضاجع واضربوهنّ فان اطعنکم فلا تبغوا علیهنّ سیلاً» (نساء 34) یعنی اگر زنان از شوهر اطاعت نکردند و ناشزه شدند، آنها را نصیحت کنید و اگر باز هم تمکین نکرد، در رختخواب به او پشت کنید و اگر باز هم عصیان نمود، آنها را (با چوب مسواک) بزنید!

دهم: «علی (ع): زن ریحانه است نه قهرمانه! پس با او در هر حالی مدارانما و مصاحب خوبی با او باش تا زندگیت صفا یابد.»

یعنی باید با زن با کمال احترام و احترام رفتار کرد و بویید! نه آنکه در زیر دست و پا نرم کرد و کویید! یازدهم: طبق روایتی از رسول خدا (ص) به زنان اجازه داده شده که اگر شویش به او نفقه نداد، بدون اجازه او باندازه مخارج از اموالش بردارد.

دوازدهم: جهاد را از زنان برداشته و بجایش آنها را به حجاب، نقاب، سترو عفاف و حمل و رضاع، تمشیت و تدبیر منزل فرمان داده است. که رسول خدا (ص) فرمود: جهاد زن خوب شوهر داری کردن است.

سیزدهم: در احکام نسبت به زنان تسهیلاتی در نظر گرفته که در هیچ دینی این چنین نیست. از جمله قبول توبه زن مرتد، تسهیل در تطهیر بول کودک در حال شیرخوارگی، اجازه خوردن روزه در رمضان نسبت به زن حامله یا شیردهنده، اینکه مسجد زن خانه اش است، نفقه فرزندان بر مرد است نه زن و...

چهاردهم: زن با تقوا و مؤمنه و صالحه بر مردان بی تقوا برتری دارد.

پانزدهم: سفارش به اینکه دختر را به هم شانش شوهر بدهید و به آدم فاسق و بی نماز و بی دین شوهر ندهند که پیامبر فرمود: کسیکه دخترش را به شرابخوار شوهر بدهد، گویا او را به زنا و ادا کرده است. «»

**8- به زنش فخر فروشی نکند.**

«ان الله لایحب کلّ مختال فخور» لقمان 18

خداوند هر متکبر فخر کننده را دوست ندارد.

مسئله فخر فروشی زن و مرد نسبت به هم از معضلات بعضی از خانواده‌ها می‌باشد. مثلاً مرد مدرک دانشگاهی دارد یا ثروت زیادی دارد یا اینکه امتیاز اجتماعی دیگری دارد و مرتب این امتیازات را به رخ زن می‌کشد همچنین اگر زن فخر فروشی کند چنانچه در یکی از پرونده‌ها که زن لیسانس و مرد پنجم ابتدایی بود، زن در مسئله‌ای به شوهرش گفت: تو که باندازه پنجم ابتدایی بیشتر نمی‌فهمی چه می‌گوئی؟ و این فخر فروشی‌ها مقدمات اختلاف بین زن و شوهر است.

## فصل پنجم:

### فرزند/ان نمونه

فرزندانی که با والدین خود زندگی می‌کنند باید دارای ویژگیهای زیر باشند تا بتوانند به مسئولیتهای خود عمل نمایند:

### 1- تکریم و احترام پدر و مادر

پدر و مادر علت ظاهری دنیا آمدن هر انسانی هستند لذا خداوند که علت اصلی وجود هر شخصی است، فرموده است که:

«واذ بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که فقط الله را پرستند و به والدین نیکی کنند» بقره 83

«بگو انفاق آن است که صرف پدر و مادر و فامیل‌های انسان شود.» بقره 215

«خدا را عبادت کنید و برایش شریک نگیرید و به والدین نیکی کنید» نساء 36

«نباید برای خدا شریک بگیرید و باید به پدر و مادر نیکی کنید» انعام 151

«ابراهیم گفت: خدای ما! مرا و پدر و مادرم و مؤمنین را بیا مرز» ابراهیم 41

«خدا دستور داد که او را به یگانگی پرستید و به پدر و مادر نیکی نمائید.» اسراء 23

«خدا در مورد یحیی فرمود: او به پدر و مادرش نیکی می‌کرد» مریم 14

«عیسی گفت: من به مادرم نیکی می‌کنم» مریم 32

«ما به انسان وصیت کردیم که به پدر و مادرش نیکی بکند» عنکبوت 8

«و آدمی را درباره پدر و مادرش سفارش کردیم- مادرش او را در ناتوانی حمل کرد و دو سال او را شیر داد- که مرا

و پدر و مادرت را شکر نما» لقمان 14

«نوح گفت: خدایا! مرا و پدر و مادرم و هر مؤمنی که به خانه ام می‌آید را بیا مرز» نوح 28

که خداوند در بعضی از این آیات بعد از توحید، احترام به پدر و مادر را ذکر فرمود.  
نیکي به پدر و مادر آثار سازنده ای در جامعه دارد. از جمله این آثار میتوان به مستحکم شدن کانون خانواده ها و در نتیجه به استحکام جامعه منجر می شود، اشاره کرد.  
از نظر روانی نیز فرزندان این خانواده ها در سلامت و آرامش خوبی هستند.  
همچنین نیکي فرزندان به والدین باعث نیکي فرزندانشان به آنها می شود.  
«پیامبر (ص): به والدین خود احترام بگذارید تا فرزندان شما هم بشما احترام بگذارند»  
رضایت والدین از فرزندان مؤمن باعث رضایت خدا می شود. و از جمله دعاهاى مستجاب، دعای پدر برای فرزند صالح است.

### بادعای پدر، علامه شد!

«پدر علامه مجلسی بنام حجة الاسلام محمد تقی مجلسی شبی در سحر مشغول مناجات بود. ناگاه احساس کرد که در این حالت دعایش مستجاب است. بفکر فرو رفت تا چه دعائی بکند. در این حال گریه پسرش محمد باقر بلند شد. پدر دعا کرد که خدایا! پسر مرا فقیه قرار بده!  
این پسر بزرگ شد و از فقهای بزرگ اسلام گردید.»  
نگاه با محبت به والدین نیز علاوه بر آثار مثبت دنیوی، ثواب اخروی نیز دارد. حتی برای هر بار نگاه با محبت به والدین اگر چه بارها تکرار شود ثواب یک حج مستحبی نوشته می شود.  
کسیکه گناهی مرتکب شود چنانچه پشیمان شده باشد، بهتر است برای مقبول شدن توبه خود، به والدین خود محبت نماید.  
همچنین نیکي به والدین باعث تقرب الی الله می گردد.  
نیکي به مادر او را هم ردیف موسی (ع) کرد.

روزی موسی (ع) از خدا خواست که همنشین او را در بهشت به او نشان دهد.  
خدا به او وحی کرد که همنشین تو در بهشت فلان مرد قصاب است 0 حضرت موسی (ع) سراغ قصاب مذکور رفت و به او گفت که آیا مهمان نمی خواهی؟ قصاب جواب داد چرا می خواهم. او حضرت موسی (ع) را بخانه خود برد 0 حضرت موسی (ع) که او را زیر نظر داشت دید که ابتدا از زنبیلی پایین آورد که در آن پیرزنی فرتوت بود 0 جوان دست و صورت پیرزن را شست و به او غذا داد. بعد دوباره او را در زنبیل گذاشته و در حالیکه لبهای پیرزن حرکت می کرد، زنبیل را به سقف آویزان کرد. سپس قصاب برای موسی (ع) غذا آورد. بعد از صرف غذا، موسی (ع) از قصاب پرسید: این پیرزن کیست؟

گفت: مادرم است که چون خدمتکاری ندارم، خودم او را تروخشک می‌کنم. موسی(ع) پرسید: وقتی می‌خواستی مادرت را در زنبیل بگذاری او چه گفت؟

گفت: هرگاه او را تروخشک می‌کنم در حق من دعا می‌کند و می‌گوید: خدا تو را با موسی در بهشت همنشین کند. بزرگان دین به کسانی که نسبت به والدین خود احترام می‌گذاشتند، با احترام برخورد می‌نمودند و نسبت به کسانی که به والدین خود جفا می‌نمودند، با خشم و یا بی‌اعتنائی برخورد می‌کردند.

«وقتی خواهر رضاعی پیامبر به دیدن حضرت آمد، پیامبر برای او احترام فوق العاده ای گذاشتند ولی وقتی برادر رضاعی پیامبر آمد حضرت مانند خواهرش به او احترام نکردند. اصحاب علت را پرسیدند. حضرت فرمود علت بیشتر احترام کردن من به خواهر رضاعیم این است که او به پدر و مادرش زیاده‌تر نیکی می‌کند.»

### محبت باعث مسلمان شدن

«زکریا که مسیحی بود، مسلمان و شیعه شد. امام صادق(ع) به او سفارش کرد که اگرچه پدر و مادرت مسیحی هستند ولی احترام به آنها را ترک نکن! وقتی زکریا بیشتر از قبل به پدر و مادرش نیکی می‌کرد، مادرش از این برخورد او خوشحال شد و تمایل پیدا کرد که او هم مسلمان شود. او از پدرش خواست که شهادتین را به او یاد دهد تا او هم اسلام بیاورد. و این چنین بود که با برخورد اسلامی، مادر زکریا اسلام آورد.»

### مادر بردوش!

«گویند شخصی مادر خود را بر دوش گرفته بود و او را طواف کعبه می‌داد. سپس خدمت پیامبر آمد و گفت: آیا حق او را ادا کردم؟ حضرت فرمود: هرگز! و این محبت تو، حتی در برابر یک ناله او در هنگام وضع حمل نخواهد بود.»

### امام حسین(ع) به جوان تبسم نمود!

«یکی از علماء وقتی در کربلا بود و به حرم رفت و آمد می‌کرد، متوجه شد که جوانی با حضرت امام حسین(ع) ارتباط معنوی دارد. از او جریان را پرسید. جوان گفت خانه ما در چند فرسخی کربلا است. مدتی بود که هر شب جمعه بنوبت پدر و مادرم را به کربلا برای زیارت می‌آوردم. شب جمعه ای باران می‌آمد و بنا بود که پدرم را سوار الاغ کرده و به کربلا بیاورم. همینکه عازم شدیم، مادرم از من خواست که او را هم بیاوریم. با اصرار مادرم، او را بر کولم سوار کردم و با پدرم هم سوار الاغ بود، در زیر باران با زحمات زیادی به حرم مشرف شدیم. وقتی وارد صحن حضرت شدیم، دیدم که امام(ع) در ضریح ایستاده و بمن تبسم می‌کند. و این حالت هر شب جمعه تکرار می‌شود.»

از طرفی اذیت رساندن و حتی نگاه با خشم به پدر و مادر نمودن باعث خشم خداوند می‌شود. در روایت است که اگر با عصبانیت به والدین نگاه کنید حتی اگر آنها به او ظلم کرده باشند، باعث عدم قبولی نماز می‌شود.

«ابامهزم گوید که: شبی از حضرت باقر(ع) خدا حافظی کردم و بامادرم به منزلمان می رفتیم. در راه با مادرم دعوا مان شد و من به او تندی کردم. وقتی فردا خدمت امام رفتم ناگاه فرمود: ای ابامهزم! دیشب بین تو و مادرت چه گذشت؟ آیا او تورا در شکمش حمل ننمود و از سینه اش تورا شیرنداد و تورا در دامنش بزرگ ننمود؟ دیگر این عمل را تکرار نکن.»

گاهی مجازات اذیت کردن والدین در همین دنیا ظاهر میشود.

### جوان با نفرین پدرش شد!

روزی علی(ع) در حال طواف بود که صدای التجاء و مناجات و التماس جوانی را شنید. امام از او درباره گرفتاریش سؤال کرد.

او گفت: من سالم بودم ولی آنقدر پدرم را اذیت نمودم که او مرا نفرین کرد و من فلج شدم. پدرم تصمیم داشت تا روزی به کنار کعبه بیاید، و برای شفایم دعا کند ولی قبل از این کار، از دنیا رفت. حال من مانده ام این پاهای شل!

امام به او دعای مشلول را یاد دادند که آنرا بخواند. او این دعا را خواند و پیامبر را در خواب دید که حضرت دستی بر پاهای او کشید و او شفا یافت.»

«امام چهارم دیدند که نوجوانی بنحوی ادبانه ای به پدرش تکیه کرده است. بعد از این امام هیچگاه با آن جوان صحبت نکردند تا جوان از دنیا رفت.»

### مرحوم کافی و پدر

«مرحوم کافی می گفتند: هرگاه پدرم که یک نفر کاسب ساده ای است، به تهران می آید یا من به مشهد می روم، در جلو زن و بچه و برادر و خواهر خم می شوم و مکرر دست پدرم را می بوسم.»

### جوان زبانش لال شد!

«روزی پیامبر بر بالین جوانی که در حال احتضار بود، حاضر شد. وقتی شهادتین را به او تلقین نمود، جوان نتوانست زبانش را به شهادتین باز کند و گویا لال شده بود. حضرت، مادرش را خواستند. و از مادرش پرسیدند که آیا از پسر تراضی هستی؟ زن گفت: یا رسول الله! چهار سال است که باو حرف نزده ام!

پیامبر از او خواستند که از فرزندش راضی شود. او هم راضی شد و جوان زبانش باز گردید و شهادتین را جاری کرد و از دنیا رفت»

### عاق والدین

«پیامبر(ص): بوی بهشت از مسیر پانصد سال راه بمشام می رسد ولی بمشام عاق والدین نمی رسد.»

### قصری که ویران گردید!

«ملا علی کازرونی شبی در خواب دید که قصری با عظمت در باغی

قرار دارد. از صاحب قصر سؤال کرد. گفتند: مال فلان نجار شیرازی است. ناگاه صاعقه ای آمد و قصر را تبدیل به خاکستر کرد.

روز بعد ملا علی کازرونی سراغ نجار رفت و گفت: دیشب چه کار کردی؟ گفت: هیچ! ملاً او را قسم داد. نجار گفت: شب قبل با مادرم دعوا کردم و کار به زدن و کتک کاری کشید.»

سفر غیر ضروری فرزندان با مخالفت پدر یا مادر ممنوع بوده و سفر معصیت حساب می شود. همچنین باید پدر و مادر بلند صحبت کردن بی ادبانه، جلوتر از آنان راه رفتن، به آنها اُف گفتن، آنها را تحقیر کردن و... در اسلام ممنوع است.

«روزی یکی از وزرا با پدرش خدمت امام خمینی (رض) رسید و خود جلوتر رفت و دست امام را بوسید سپس پدرش را معرفی کرد. امام امت به او فرمود: چرا جلوتر از پدرت راه رفتی؟»

«فرزندان باید کمک کار پدر و مادر در امور مختلف خانواده باشند.»

### توفیق اجباری در نیکی به والدین

«عید زاکانی از شعرای ایران، چهار پسر داشت که به او که وضع نابسامان مالی داشت، کمک نمی کردند. روزی عید تصمیمی گرفت و پسرانش را جداگانه خواست و به هر کدام گفت: من خمره طلائی پنهان کرده ام که در نظر دارم بعد از مرگم بتو برسد! پسرها با شنیدن این سخن، رفتارشان با پدر عوض شد و همه روزه برای او آذوقه می آوردند. عید تا آخر عمر زندگی خوشی داشت. اما وقتی بعد از مردن عید به محل خمره رفتند، دیدند که فقط کاغذی در خمره است که بر روی آن نوشته شده است:

خدا داند و من دانم و تو دانی که فلوس هیچ ندارد عید زاکانی! از نظر اسلام چنانچه والدین نیازمند و فرزندان متمکن باشند، واجب است که مخارج پدر و مادرشان را بدهند.

حقوق والدین بر فرزندان فقط مربوط به زمان حیات آنان نمی شود و باید بعد از رحلتشان نیز همواره ب فکر آنان بوده و برای ایام برزخ مرتب آذوقه های معنوی از قبیل نماز قضاء، صدقات، کارهای خیر بنیت آنان و پاک کردن بدهکاریهای آنان فرستاد.

متأسفانه در فرهنگ ما طوری عمل می شود که واجبات فدای مستحبات می گردد. کسیکه از دنیا می رود بجای اینکه واجبات او را که دستش از دنیا کوتاه شده ادا کنند و مخصوصاً حق الناس اگر براوست ادا کنند، ب فکر غذا دادن و گاهی خود نمائی های ضرر آور می افتند. چندین روز بستگان عزادار میت سفره می اندازند و پولهایی که گاهی با عدم رضایت قلبی تهیه شده صرف امریکه حتی استجاب آن ثابت نشده می نمایند. گاهی مخارج آنچنان بالاست که تا مدتها زیر بار قرض می روند. حال آنکه در سنت اسلام وارد شده که تاسه روز مردم برای تعزیت و تسلیت به دیدن اقوام میت بروند و موقع غذا که می شود، همسایگان و فامیلها، برای بستگان درجه اول میت غذا ببرند.



و اگر بخواهند در حق میت خوبی کنند باید ابتدا بدهکاریهای مالی او را پاک کنند. سپس نمازها و روزهها و حج هائیکه بعهده داشته بطریقی ادا نمایند. سپس ارث را طبق شریعت اسلام تقسیم نمایند و اگر می خواهند پولی برای او صرف کنند خرج کارهای دائمی مثل چاپ کتب مفید، ساختن مدرسه و درمانگاه و بیمارستان و مسجد و حوزه علمیه و کتابخانه و... نمایند.

امام پنجم (ع): سرور و آقای نیکان در قیامت، شخصی است که بعد از رحلت پدر و مادرش، نیز به آنان نیکی کرده است - آنان را فراموش ننموده است -.

«شخصی به پیامبر (ص) گفت: نذر کرده ام آستانه بهشت را ببوسم. حال چه کنم؟ فرمود: پای مادر و پیشانی پدر را ببوس تا به نذرت عمل کرده باشی. و اگر از دنیا رفته اند، قبر آنان را ببوس.»

«امام سجاد (ع) به پسرش: دقت کن و بین آیا احدی از انسانها را می توانی پیدا کنی که از نعمت پدر و مادرت برایت مهمتر و بیشتر باشند.»

«در روایات ما از رسول خدا (ص) و علی مرتضی (ع) بعنوان والدین معنوی شیعیان نام برده شده است که اهمیتشان از والدین جسمی بیشتر می باشد.»

**احترام به سالمندان**

در مکتب اسلام برای سالمندان جایگاه ویژه ای در نظر گرفته شده است. در سوره اسراء آمده است:

إِمَّا يَبْلُغَنَّ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٌ وَلَا تَنْهَرَهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا مَعْرُوفًا

اگر یکی از والدینت یا هر دو شان به سالخوردگی رسید پس مبادا به آنها حتی اُف بگویی و آنها را نرنجان و با آنان با خوبی حرف بزنی.

این یکی از آزمونهای الهی است که گاهی خداوند بوسیله پدر یا پدر بزرگ و یا مادر و یا مادر بزرگ سالخورده و ناتوان از فرزندان و نوه هایشان بعمل می آورد. که چگونه وجود اینها را تحمل می کنند. البته در کشور ایران در اکثر خانواده ها، بخاطر خوی ایرانی و اسلامی بودن برای پیران بعنوان بزرگان فامیلا احترام خاصی قائلند و از آنها خوب مواظبت و پذیرائی می نمایند.

سالخوردگان در این ایام به احترام بیشتری نیاز دارند. آنها بخاطر اینکه دیگر از کار و تلاش بازنشسته شده اند گاهی در خود احساس تنهایی می نمایند لذا باید با آنها بیشتر گرم گرفت و با تحمل و صبر به سخنان آنان گوش داد مخصوصا اگر دچا نقص در حواس پنجگانه هستند باید بیشتر به آنها رسیدگی نمود. و حتی غرغره های آنان را تحمل نمود.

«امام ششم (ع): ای میسر! اگر می خواهی عمرت زیاد شود به پدر و مادر پیرت نیکی کن.»

و لازم نیست که سالمند از بستگان انسان باشد. بلکه باید به هر پیر مسلمانی احترام گذاشت.

«رسول خدا صلی الله علیه و آله : کسیکه پیر مسلمانی را احترام کند از فرع اکبر قیامت در امان خواهد بود.»

اما عده‌ای از فرزندان هستند که اجر و ثواب نگه داری از پیران را فراموش کرده و آنان را به طرق مختلف اذیت می‌کنند. به آنان بی‌اعتنایی نموده و آنها را وبال گردن خود و یک عضو اضافه خانواده فرض می‌کنند که این برخوردها ضربات سختی بر روح و روان پیران وارد کرده و گاهی باعث مرگ زودرس آنان و باصطلاح دق مرگ شدنشان می‌شود. که باید عاملین این اذیت و آزارها در انتظار عذاب دنیوی و اخروی الهی باشند.

«گویند وارثین شخصی برای پدرشان خیرات و مبرات نمی‌کردند. نصیحت کننده‌ای به آنان گفت که اگر برای پدرتان کارهای خیر نکنید اودر قبر می‌سوزد! آنان گفتند: اگر یک نفر بسوزد بهتر است که ما ده نفر بسوزیم!»

در فرهنگ غرب بی‌اعتنایی به سالمندان یک امر عادی و فراوان است و هیچ جایگاهی برای سالمندان در بین خانواده‌ها در نظر گرفته نشده است.

«نماینده آیه الله پروچدی در آلمان گفته بود که برای عیادت مسلمانی به بیمارستان می‌رفتیم. در اتاق آن مریض یکی از پیرمردهای آلمانی بستری بود. روزی از ما پرسید که شما با این مسلمانی که مرتب به عیادت اومی آئید نسبتی دارید؟ گفتیم خیر بلکه او برادر مسلمان است. او گفت باینکه زن و بچه من در همین شهر هستند ولی تاکنون به عیادت من نیامده‌اند!»

احترام به سالمندان منحصر به خویشان نیست بلکه باید به هر پیری احترام گذاشت.

«روایت شده که امیرالمؤمنین (ع) در شهر کوفه چشمش به پیرمردی یهودی افتاد که مشغول گدایی بود. حضرت از الو پرسید چرا گدایی می‌کند؟ گفت تا جوان بودم کار کردم ولی اکنون قادر به کار نیستم. امام دستور داد تا از بیت المال مسلمین برای او حقوق مقرر فرمودند.»

«نقل شده که عده‌ای به دیدار امام صادق (ع) رفتند. امام به آنها گفت چرا بما ظلم می‌کنید؟ آنها گفتند که ما چه ظمی بشما کرده‌ایم؟ فرمود در راه آمدن به مدینه پیرکردی که همراهتان است از خستگی پیاده آمدن به جوانی که سوار اسب بود گفت اگر می‌شود مر هم سوار کن که خیلی خسته شده‌ام. ولی او جواب نداد و اعتنایی به آن پیرمرد ننمود. و این ظلم به ما حساب می‌شود.»

## 2- اهمیت دادن به زیبایی باطنی

تمایل آدمی به زیبایی و جمال یکی از خواسته‌های فطری بشر است و احساس لذت از مناظر زیبا، با سرشت انسان آمیخته شده است. به همین جهت تمام طبقات مردم حتی ملل و اقوام دور از تمدن شهری دارای این احساس طبیعی هستند.

در دنیای کنونی مسئله زیبایی مورد کمال توجه قرار گرفته و تمام طبقات مردم به زیباییها ابراز علاقه می کنند و علم و پیشرفت در خدمت این مسئله قرار گرفته و آخرین دستاوردهای علمی را برای زیبا کردن بکار می گیرند.

مردم علاقه دارند همه جا و همه چیز زیبا باشد. در خانه آراسته زندگی کنند، لباس زیبا و شیک بپوشند، صورت و موهای خود را بیارایند، روی مبل قشنگ بنشینند، سوار ماشین زیبا بشوند، حیاط منزل و اطاق پذیرائی، غرق گلهای قشنگ باشد، و خلاصه امروزه پولهایی را که مردم خرج قشنگ کردن خود و زندگی خود می کنند اگر از مصارف ضروری بیشتر نباشد، کمتر نیست!

آئین اسلام که برنامه جامع سعادت و کامیابی بشر است، به موضوع جمال و زیبایی توجه مخصوصی دارد. اسلام در ضمن پرورش کلیه تمایلات فطری بشر، عاطفه جمال دوستی مردم را نیز مورد حمایت و تربیت قرار داده و استفاده از زیباییهای طبیعی و مصنوعی را به پیروان خود اکیداً توصیه کرده است.

قرآن در آیات مختلف این مطلب را ذکر نموده است. از جمله در آیه 7 سورة 18 «إِنَّ أَجَلَكَ إِنَّمَا جُعِلَ لَكَ ثَلَاثُ يَوْمٍ» یعنی: ما موجودات روی زمین را زینت و جمال زمین قرار دادیم.

و در آیه 7 سورة 50 می فرماید: «أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بُنِيَتْ» یعنی: آیا به آسمان بالای سرشان نگاه نمی کنند که چگونه آن را ساخته ایم و آن را زیبا نموده ایم؟

و در آیه سورة اعراف می فرماید: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ» بگو چه کسی زینتهائی را که خدا برای بندگانش قرار داده، حرام نموده است؟

پیامبران خدا عموماً زیبا و عاری از هرگونه نقص بدنی بوده اند. صورت زیبا و چهره جذاب یوسف صدیق 7 یکی از امتیازات آن پیامبر محسوب می شد.

پیشوای عالقدر اسلام حضرت محمد 6 علاوه بر زیبایی رخسار، گیرندگی و ملاحظت مخصوصی داشت. امیرالمؤمنین علی 7 نیز زیبا بود، چنانچه در باره او آمده است: روزی علی 7 نزد پیامبر رفت. قیافه جذاب و صورت زیبایش بقدری جلوه داشت که پیامبر فرمود: چنین پنداشتم که ماه شب چهارده بمن نزدیک شده است.

این مقدمه ای بود تا گفته شود یکی از آثار بلوغ، بوجود آمدن زیبایی طبیعی در جوانان از یکطرف و از طرفی میل به خودآرائی و زینت نمودن است. بطوری که گاهی این حس به افراط کشیده شده و در بعضی از دختران منجر به یک نوع بت پرستی برای بدن و هنر می گردد. اینجاست که باید معیاری برای ارضای این حس وجود داشته باشد تا از هرگونه افراط و تفریط جلوگیری نماید. اسلام از راه پاکیزگی بدن، مسواک دندانها، معطر بودن، رنگین کردن و روغن زدن مو، لباس زیبای پوشیدن و کارهایی نظیر اینها، حس خود آرائی جوان را به راه صحیح و بی خطر هدایت نموده و بر جلوه و جمال آنان افزوده است.

تجمل پرستی و زیاده‌روی در زینت و خودآرائی، عوارض نامطلوبی دربر دارد و ممکن است دختران و پسران را به راههای غلط سوق دهد و مایه تیره‌روزی و بدبختی آنان گردد.

از جمله عوارض نامطلوب آن، پیدا شدن وسواس و اختلالات روحی، پیدا شدن خوی ریاکاری و خودپرستی، صرف شدن مقادیر زیادی از عمر گرانقیمت در این کار، فاصله زیاد بین ظاهر و باطن اشخاص و غیره می‌گردد. البته اسلام به زیبایی باطنی هم اهمیت داده و آن را یکی از ارکان اساسی زیبایی بشر می‌داند. به عبارت دیگر، زیبایی کامل و جامع برای انسان عبارت از این است که سیمای جسم و جان و شکل و صورت و معنی هر دو زیبا باشند. جمال طبیعی و تجمل مصنوعی، ظاهر را زیبا می‌کند ولی علم و اخلاق که عالی‌ترین زینت و درخشانترین زیور اختصاصی انسان است به آدمی زیبایی روحانی و جمال معنوی عطا می‌نماید.

امام عسکری<sup>7</sup> فرمود: زیبایی صورت، جمال ظاهری است و زیبایی عقل، جمال باطنی است.

### میل به جمال معنوی در جوانان

خوشبختانه در دوران جوانی، میل به جمال روحانی و صفات خوب اخلاقی در باطن جوانان بیدار می‌گردد و علاقه به زیبایی معنوی، در ضمیرشان شکفته می‌شود. جوانان بطور طبیعی به جوانمردی و فتوت تمایل پیدا می‌نمایند و فطرتاً به فضائل اخلاقی و صفاتی مانند راستگویی، فداکاری و ایثار، عزت نفس، اداء امانت و نظائر آنها علاقه پیدا کرده و از صفات بدی مانند دروغگویی، خیانت، عهد شکنی، نادرستی و غیره متنفرند.

جوانان در رابطه با صفات اخلاقی سه دسته‌اند:

**اول:** جوانی که دارای سجایای اخلاقی و صفات انسانی است، جوانی که پاکدل و با ایمان، راستگو و درستکار، خدمتگذار و باوفا، امین و خیرخواه و خلاصه دارای صفات پسندیده است، در جامعه محبوبیت دارد. او واجد زیبایی ظاهری و جمال معنوی است و همواره مورد علاقه و احترام مردم خواهد بود. چنین جوانی مانند شاخ گل معطری است که علاوه بر طراوت و جمال طبیعی، دارای بوی مطبوع و شامه‌نوازی است.

**دوم:** جوانی است که دارای صفات خوب اخلاقی نیست ولی به صفات بد هم آلوده نشده است. اگر خیرش به مردم نمی‌رسد، شری هم ندارد. اگر از بینوایان دستگیری نمی‌کند، به آنان آزار هم نمی‌رساند. این گروه هم تا اندازه‌ای محبوب جامعه هستند زیرا به مردم آسیبی نمی‌رسانند و جامعه از شر آنان در امان است.

**سوم:** جوانی است که آلوده به صفات ناپسند است! اخلاقش فاسد و مردم از رفتار و گفتارش در عذاب هستند! او هر چقدر زیبایی ظاهری هم داشته باشد و مو و صورت و لباس خود را بیاراید، باز هم مورد تنفر جامعه است! زیرا جمال ظاهری نمی‌تواند عیوب باطنی او را بپوشاند. مانند جوان زیبایی که مثلاً کودکی را به قتل برساند! در این هنگام

سیل خشم و تنفر مردم متوجه او می‌شود و مردم هر گاه او را می‌بینند و یاعکسش را در روزنامه‌ها مشاهده می‌نمایند، نه تنها از قیافه زیبای او مسرور و خوشحال نمی‌شوند بلکه برعکس انزجارشان بیشتر می‌شود و اگر دستشان به او برسد معلوم نیست چه بلایی سر او بیاورند!

### سعادت جوانان

باید ببینیم چه باید بکنیم تا جوان سعادت‌مند باشیم؟ برای آنکه جوانان به سجایای اخلاقی متخلق شوند و از زیبایی روحانی برخوردار گردند، برای آنکه جوانان گرفتار فساد اخلاق نشوند و سرانجام مطرود جامعه نگردند، باید خودشان و همچنین مربیان‌شان همواره متوجه وظائف خویش باشند.

جوانان باید خود را بشناسند و در خاطر داشته باشند که ایام کودکی راپشت سر گذارده و اینک خود دارای استقلال و مسئولیت شخصی هستند، باید بدانند که اکنون قسمت اعظم خوشبختی و بدبختی آنان در اختیار خودشان قرار گرفته است.

آنان باید بدانند که با شرکت در مجالس گناه و معاشرت با افراد آلوده و ناپاک، موجبات تیره روزی و بدبختی خود را فراهم می‌آورند و خویشان را به فساد اخلاق که باعث بدنامی و نفرت اجتماعی است، آلوده می‌نمایند.

### 3- تقلید از الگوهای نمونه

حسّ تقلید یکی از تمایلات طبیعی است که در تمام افراد بشر در سنین مختلف وجود دارد و در نسل جوان شدیدتر است.

آدمی می‌تواند بوسیله تقلید، از تجربیات علمی و عملی دیگران استفاده کند و راهی را که گذشتگان پیموده و به نتیجه رسیده‌اند را بپیماید و به اهداف خود با زحمت کمتر و سرعت بیشتر دست پیدا نماید.

نوجوانان برای ساختن شخصیت خویش و برگزیدن صفات لازم، از دیگران تقلید می‌کنند و روش آنان را برنامه کار خود قرار می‌دهند. با توجه به اینکه تمایل خودنمایی و تشخص طلبی در نوجوانان شدید است، کوشش می‌کنند تا جایی که میسر است از اشخاص مشهور و ممتاز پیروی نمایند و صفات آنان را الگوی شخصیت سازی خود قرار دهند، به این امید که هر چه زودتر و بیشتر شهرت و افتخاری کسب نمایند و مورد توجه عموم قرار گیرند.

گاهی در این خصوص از قهرمانان ورزشی تقلید می‌کنند. گاه از ستارگان سینما تقلید می‌کنند و کارهای ساختگی و غیر واقعی آنان را برنامه زندگی خود قرار می‌دهند. مانند آنان راه می‌روند، حرف می‌زنند، لباس می‌پوشند، نگاه می‌کنند، می‌خندند، معاشقه می‌کنند و صورت و موی خود را می‌آرایند و خلاصه بجای اینکه شخصیت خویش را بر اساس سجایای اخلاقی و صفات انسانی پی‌ریزی کنند و خود را انسان لایقی بسازند، از این ستاره‌ها و الگوها تقلید

کرده و رفتار آنان را برنامه کار خود قرار می‌دهند و به این واسطه بزرگترین ضربه را به شخصیت معنوی خود می‌زنند.

خطراتی جوانان را تهدید می‌کند و چه بسا تقلیدهای نابجا باعث شده که از مسیر پاکی و فضیلت منحرف گشته و برای ارضاء حس برتری جوئی، مرتکب گناهان بزرگ شده‌اند و برای همیشه موجبات تیره‌روزی و بدبختی خود را فراهم آورده‌اند.

### اثر تقلید غلط

«مادری در لبنان به دادگاه مراجعه و از پسرش شکایت کرد. و اظهار نمود که پسر دوازده ساله او مرتب از مدرسه فرار می‌کند و بی حساب پول خرج می‌نماید و او نمی‌داند این پولها از کجا آمده است. پس از تحقیقاتی که از «عدنان» شد، او اعتراف نمود که ابتدا فن سرقت را از مشاهده فیلمها یاد گرفته و تاکنون مرتکب 27 فقره سرقت شده است. از جمله هفت دستگاه دوچرخه را دزدیده و فروخته است.»

«در زمان حکومت طاغوت عده‌ای نوجوان که برخی دانش‌آموز بودند و باند سرقت اتومبیل را اداره می‌کردند، دستگیر شدند. سن این گروه بین 16 تا 20 سال بود. بیشتر آنان در بازجوئی در مورد انگیزه این کار می‌گفتند: ما خودمان هم نمی‌دانیم چرا به اینکار دست زدیم اما هرچه بود از سرقت ماشین مخصوصاً کارهای قهرمانی این سرقتها لذت می‌بردیم.»

### آثار اجتماعی تقلید نادرست

تقلید نادرست است که باعث بسیاری از کارهای خلاف می‌شود و مخصوصاً در مورد نوجوانان و جوانان. در همین کشور خودمان تقلید از فیلمها و هنرپیشه‌ها چه آثار زیانباری که به بار نیاورده است! اگر عده‌ای از نوجوانان ما سیگار می‌کشند، نتیجه تقلید ناصحیح است. اگر گروهی به مشروبات الکلی روی می‌آورند باز هم نتیجه تقلید است.

اگر عده‌ای از دختران از حجاب و عفت زنانه گریزان هستند این هم نتیجه تقلید است. و اگر اعتیاد و روابط نامشروع و استفاده از انواع لباسهای باصطلاح رپی در بین بعضی از جوانان ما وجود دارد، این هم به تقلید نادرست برمی‌گردد. دامنه تقلید بسیاری از مسائل زندگی ما را دربر می‌گیرد که گاهی آن مسئله سرنوشت ساز است مثل تقلید در مسائل مذهبی.

متأسفانه انسانهای زیادی از ادیان مذاهب باطل شده هستند که بخاطر تقلید از پدران واجداد خود، بر همان مذهب غیر حق باقی مانده‌اند. درحالیکه اگر درباره درستی و نادرستی دین اجداد خود بررسی و تفکر می‌کردند، می‌توانستند به راه حق دست پیدا کنند.

دین تو به تقلید پذیرفته ای دین به تقلید بود سرسری

آنک او از پرده تقلید جست او به نور حق ببیند آنچ هست

## تقلید از خوبان

اکثر کارهای انسانها بر مبنای تقلید انجام می گیرد. چه تقلید صحیح و چه از روی تقلید نادرست. تقلید نقش تعیین کننده ای در صلاح و فساد انسانها دارد. آنهاییکه با کمک عقل و توفیقات الهی در مسیری قرار گرفته اند که روش زندگی شان بر مبنای انجام دادن کارهای صحیح است، و تبعیت از پیامبران و اولیاء خداست، و یا از بزرگان دین همچو علمای ربانی تبعیت می کنند، معمولاً به سعادت می رسند. و اما آنهاییکه بدون تفکر و تعقل از منحرفین و بدعتگزاران و مغضوبین الهی تقلید می نمایند، عاقبت خوبی ندارند.

یکی از مسائل حساس در کشور ما بی توجی به علم و دانش و توجه زیاد به جلوه های مادی زندگی است. در بسیاری از خانه ها یک کتاب غیر درسی پیدا نمی شود و از مطالعه پدر و مادر و فرزندان و از توجه به کتاب و بالابردن دانش، خبری نیست ولی در عوض دستگاه های صوتی مثل ضبط چند صد هزار تومانی، ویدئو سی دی آنچنانی، گاه ماهواره و خلاصه چیزهاییکه معمولاً جز سرگرمی که گاهی همراه با فساد است، فایده ای برای خانواده ها ندارد. و این هم بر اساس تقلید نادرست می باشد.

همچنین تقلید از سنتهای نادرست باعث مشکلات عظیمی برای زندگی ما ایرانی ها شده است. تقلید از سنتهای غلط ازدواج باعث ایجاد معضل بالا رفتن سن ازدواج در جوانان و پایین آمدن آمار ازدواج در کشور ما و آثار روانی این معضل شده است.

تقلید از سنتهای غلط در مراسم بزرگداشت اموات باعث تحمیل مخارج سنگین بر وابستگان مرده و اسراف و تبذیرها در این مراسمات شده است.

اسلامی که بما دستور می دهد مراسم ازدواج را آسان بگیریم. در مراسم سوگواری مرده، صاحبان عزا باید عزاداری کنند و موقع ظهر و شام، از طرف دیگر فامیلها یا همسایه برایشان غذا بیاورند، و بیش از سه روز عزاداری ننمایند و... تقلید نادرست در مهمانی ها باعث چشم و هم چشمی ها و تحریف شدن مهمانی اسلامی و مهمانی صحیح شده است که این مهمانی ها گاه نه تنها به نزدیک شدن دلها کمک می کند بلکه به ایجاد اختلاف و کینه منجر می گردد.

تقلید صحیح آنست که از کارهای خوب دیگران درس بگیریم و کارهای بد دیگران را بخودشان واگذار نمائیم.

درباره تقلید باید پنج نکته مورد توجه قرار گیرد:

اول آنکه از افراد منحرف و گناهکار تقلید نشود، زیرا گناهکاران دیر وزود دچار شکست و بی آبرویی می شوند.

دوم آنکه بدانند که ساختمان طبیعی و استعدادهای افراد با هم تفاوت دارد. خدا انسانها را مختلف آفریده و هر انسانی برای انجام کار مناسب با ساختمان خود آمادگی بیشتری دارد.

سوم اینکه از بهترین الگوها را که انسانهای برگزیده هستند تقلید کنیم و از انسانهایی که دارای صفات بدهستند، تقلید ننمائیم.

چهارم اینکه در هر تقلیدی، خوب فکر کنیم و چنانچه با عقل سلیم موافق بود آنرا انجام دهیم.

پنجم اینکه در مسائل شرعی یا باید خودمان مجتهد و متخصص باشیم که این نیاز به حداقل بیست سال درس حوزوی دارد و یا باید از مجتهدی که بنظر ما از همه اعلم است، تقلید نمائیم. همانطور که در مسائل پزشکی از دستورات پزشک تبعیت می کنیم و یا در مسائل ساختمانی از معمار و مهندس تبعیت می نمائیم.

#### 4- دوری از مواد مخدر

از عوامل انحراف و موانع زندگی سالم، اعتیاد به انواع مواد مخدر است. در زمان کنونی به دلایل مختلف از جمله همسایگی با کشورهای مانند افغانستان و پاکستان، پل ارتباطی بودن ایران برای صادرات مواد مخدر به دنیا، کشور ما را دچار این مرض سخت و خطرناک و این مشکل و معضل بزرگ نموده است. شاید بیش از دو میلیون نفر از هموطنان ما یاب به صورت اعتیاد و یا تفریحی و تفننی از مواد مخدر استفاده می نمایند. چه جوانانی که در راه استفاده و یا قاچاق مواد مخدر جان خود را از دست داده اند. و چه جوانانی که بخاطر اعتیاد به انواع گناهان و تخلفات آلوده شده و از سرقه گرفته تا قتل و تجاوز و غیره را مرتکب می شوند.

اعتیاد پلّه‌ای است که با آن، انجام بسیاری از خلافها و ناهنجاریها، شدنی شده است. عوامل اعتیاد را چند چیز شمرده اند:

**رفیق:** شصت درصد معتادین از طریق رفیق ناباب آلودگی پیدا کرده اند. جوان سالم باید در مسئله رفاقت، هشدارهای اسلام و بزرگان و افراد دلسوز را گوش کند تا به دام این نارفیقان نیفتد.

**ناراحتی های عاطفی:** چهارده درصد از معتادین باین علت معتاد شده اند.

**کنجکاوی:** هشت درصد بخاطر کنجکاوی معتاد شده اند.

**لذت جویی:** شش درصد بخاطر لذت از استفاده مواد مخدر آلوده شده اند.

**تسکین درد:** پنج درصد برای نجات از درد جسمی معتاد شده اند.

**فامیل معتاد:** چهار درصد از فامیل معتاد خود اعتیاد را فرا گرفته اند.

#### 5- تسریع در ازدواج



ایمن ترین راه برای دوری و مصونیت از انحرافات، ازدواج می باشد. ازدواج آثار خیر و پربرکتی دارد از جمله:

- 1- **حفظ دین:** «رسول خدا 6 فرمود: کسی که ازدواج بکند نصف دین خود را خریده است».
- 2- **باعث پاکدامنی و عفت:** رسول خدا 6: ازدواج بیش از هر چیز دیگری موجب چشم پوشی از گناهان و موجب پاکدامنی می شود.
- 3- **موجب بقاء نسل حلال است:** رسول خدا 6: ازدواج کنید تا نسلتان زیاد شود که من در روز جزا از زیادی امّتم و لو به طفل سقط شده، افتخار می کنم.
- 4- **عامل آرامش روانی زن و مرد.**
- 5- **نجات از جهنّم:** رسول خدا 6 فرمود: اکثر اهل جهنم از عذاب ها (مجردها) هستند!
- 6- **پرورش حس مذهبی**

در مکتب اسلام برای رام کردن غرائز و تعدیل تمایلات نفسانی، از عقل، علم، تربیت، حیا، اجتماعی، نظارت ملی، قوانین کیفری صحبت شده است. ولی بزرگترین قدرتی که در این آئین مقدّس برای مهار کردن غرائز مورد استفاده واقع شده و نتایج بزرگ و ثمربخش به بار آورده، **احساس مذهب** است. دانشمندان اذعان کرده اند که تقریباً از سن دوازده سالگی، تمایل و علاقه و عشق به مذهب در انسان پیدا می شود. «موریس دبس می گوید: گویا همه روانشناسان در این نکته متفقند که مابین بحران تکلیف و جهش ناگهانی احساسات مذهبی، ارتباطی وجود دارد. در این اوقات یک نوع نهضت مذهبی حتی در کسانی دیده می شود که سابق بر این نسبت به مسائل مربوط به مذهب و ایمان لاقید بوده اند، حداکثر این احساسات مذهبی در حدود 16 سالگی پیدامی شود». جالب آنکه تمایل به مذهب در 12 سالگی که آغاز فعالیت بلوغ است، آشکار می شود. در آن موقع غرائز هنوز بخوبی شکفته نشده اند و مزاج کودک اسیر طغیان شهوات نیست. گوئی خداوند حکیم به صورت پیشگیری قبل از بروز طوفان و طغیان غرائز، وسیله مهار کردنشان را آماده نموده است و دوران چند ساله بلوغ را مهلت خودسازی و پرورش احساس مذهب قرار داده است.

در این رابطه باید به **دو نکته** توجه نمود: یکی آنکه این احساس مذهبی باید در مسیر صحیح هدایت شود. در دنیایی که صدها مذهب انحرافی وجود دارد و مطالب خرافی فراوانی در دینهای تحریفی نهفته است و این مطالب در عصر حاضر با پیشرفتهای علمی نمی سازد، گاهی جوان را دچار شک و بی دینی می کند. فقط اسلام عزیز که دین تعقل و تفکر است، دین علم و تعلّم است و آئین خلقت و فطرت است و دین خالی از اوهام و خرافات است، می تواند حس مذهبی جوانان را اشباع نماید. کتاب مسلمانان، قرآن با پرستش بت و گاو و ستاره و ماه و با تمام عقاید خرافی مبارزه کرده است و بشر را به توحید عقلی و علمی و عملی هدایت فرموده است. اسلام با خرافات جاهلانه و با تثلیث

(خدایان سه گانه مسیحیت) که مذهب شایع غرب است مبارزه نموده است. تنها اسلام است که هیچ گونه مطلب خرافه و وهم و خلاف عقل سالم ندارد.

**دوم پرورش این حس مذهبی است.** اولین برنامه اسلام برای پرورش این حس، دعوت انسانها به خداوند بخشنده و مهربان است. بخشنده و مهربانی دو صفت مطبوع و دلپذیری است که پروردگار را محبوب نوجوان می کند و عواطف و احساسات او را برای دوست داشتن خداوند عزیز، تهییج می نماید و بهر نسبتی که محبتش به خدا بیشتر شود، دین و ایمانش محکمتر می گردد.

**امام پنجم 7 فرمود: آیا دین جز محبت چیز دیگری است؟**

دین اسلام بر محبت بنا شده است. عشق به خدا و نمایندگان خدا و مؤمنین به خدا. در قرآن برای واداشتن انسانها به نیکیها و بازداشتن از بدیها، بازبان محبت و احساس سخن گفته و به دوست داشتن و دوست نداشتن خدا تکیه کرده است. مانند: **خدا دادگران را دوست دارد. خدا توبه کنندگان را دوست دارد. خدا نیکوکاران را دوست دارد. خدا صابران را دوست دارد.**

و می فرماید: **خدا ستمکاران را دوست ندارد. خدا مفسدین را دوست ندارد. خدا ظالمین را دوست ندارد. خدا خائنین را دوست ندارد. خدا مستکبرین را دوست ندارد.**

عبادات هم بر پایه تقرب و نزدیکی به خدا انجام می شود. مانند: نماز می خوانم برای نزدیکی بخدا. روزه می گیرم برای نزدیکی بخدا.

## **7- ارزش قائل شدن برای علم و دانش**

اولین و بهترین بذری که باید در زمین با استعداد دل نوجوانان و جوانان افشانده شود، بذر پربرکت علم و دانش است. علم پایه اساسی سعادت و خوشبختی است، علم باعث شکفتگی عقل و بروز کمالات انسانی است و خلاصه علم پایه محکم تمام افتخارات بشری است.

قرآن کریم، علماء و دانشمندان را گروه ممتاز جامعه شناخته و برتری آنان را نسبت به مردمانی که فاقد علم و دانش هستند، خاطر نشان فرموده است: **«قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ، إِنَّهُمْ لَا يَتَذَكَّرُونَ»** (الباب 10). آیا دانشمندان با غیر دانشمندان برابرند؟ صاحبان خرد تفاوت این دو گروه را تشخیص می دهند.

علوم مختلف هر یک به فراخور خود، کمالاتی را به جوان عرضه می کنند. علوم طبیعی، باعث می شود که انسان با ساختمان وجود خود و سایر موجودات کره زمین تا اندازه ای آشنا شود. و به عظمت خلقت و نظم عجیب کتاب آفرینش پی ببرد. علوم روانی و تربیتی انسان را با روح و روان خود تا اندازه ای آشنا ساخته و راههای کنترل این نیرو را به انسان آموزش می دهد. با این علم می تواند خویها و بدیها را بشناسد و عادت کند که در تمام عمر به خویها روی

آورد و از بدیها فاصله گیرد. علوم دینی درس خداشناسی و تشکر از آن خالق بخشنده را به جوان تعلیم می‌دهد. جوان اگر دیندار شد در مقابل بسیاری از انحرافات و اکسینه وایمن می‌گردد.

امام صادق 7 می‌فرماید: «دوست ندارم جوانی از شما را ببینم مگر اینکه روزش را با یکی از دو حالت آغاز کرده باشد، یا تحصیل کرده و عالم باشد (و از علمش را به دیگران بیاموزد) و یا دانشجو و مشغول تحصیل علم و دانش باشد. پس اگر جوانی این دو حالت را نداشت، در وظیفه‌اش کوتاهی کرده و اگر کوتاهی کرد عمرش را ضایع نموده و اگر عمرش را ضایع نمود، به گناهکاری منجر می‌شود و اگر گناه کرد بخداوندی که پیامبر را به نبوت فرستاد، در عذاب الهی ساکن می‌گردد».

حضرت موسی 7 گفت: خدایا کدام انسان را بیشتر دشمن داری؟ فرمود: آنکه شبها چون مردار افتاده و روزها عمر خود به بطلالت می‌گذراند.

عده‌ای از جوانان در این ایام گرانبها، عمر خود را به بوالهوسی و بطلالت می‌گذرانند. اینان در بزرگسالی پیوسته گرفتار پشیمانی و ندامت می‌شوند و همواره در آتش افسوسی که در باطن خویش فروخته‌اند می‌سوزند، ولی افسوس و ندامت برای فرصت از دست رفته اثری ندارد. عده‌ای هم قسمتی از عمر عزیز خود را به مطالعه کتابهای موهوم و افسانه‌های غیر مفید و احياناً مضرّ مصروف می‌دارند. این کتابها آنان را از دنیای واقعیات دور کرده و به دنیایی که غیر واقعی و دروغ است می‌برد.

کتابهای پلیسی و رمانهای عشقی افکار آنان را از واقعیت دور کرده و اراده آنان را ضعیف و کم‌کم موجبات انحرافات اخلاقی را فراهم می‌کند.

حضرت علی 7 می‌فرماید: کسی که خود را به مسائل زائد و غیر لازم سرگرم کند از آنچه که مهم و مورد آرزوی اوست باز می‌ماند.

اما مطالعه وقایع تاریخی، قصه‌های پیامبران الهی، زندگینامه بزرگان علم و ادب، و امثال آن در تربیت صحیح فکر و پرورش روح، اثرات مهمی را دارد.

امیرالمؤمنین علی 7 به فرزندش امام حسن 7 می‌فرماید: ای فرزند عزیز! گر چه عمر من باندازه عمر گذشتگان نبوده است ولی در کارهای آنان فکر نمودم و در اخبار آنان تأمل نمودم و در آثارشان سیر کردم تا جایی که گویی من هم یکی از آنان بوده‌ام! بلکه از نتایج مهمی که به دستم رسید، گویا من با اولین و آخرینشان عمر نموده‌ام و خوب و بدشان را فهمیدم و خلاصه این دانشم را بعد از غربال مطالب زیبا و سودمند از مطالب بی‌فائده و بی‌اثر، برای تو باز می‌گویم.

8- استفاده از فرصتها

دوران جوانی، ایام مؤاخذه و مسئولیت شخصی است، سن بیداری و به خود آمدن است، موقع کار و فعالیت است. کسی که در بحبوحه جوانی به سعادت خود فکر نمی کند و در راه خوشبختی مادی و معنوی خود گام برنمی دارد، جوانی که با سستی و سهل انگاری بهترین ایام عمر خود را به رایگان از کف می دهد و از آن فرصت بی نظیر قدردانی نمی نماید، استحقاق توبیخ و کیفر دارد.

امام صادق 7 در تفسیر آیه «أَوَلَمْ نَعْمَرْكُمْ م' ا' يَتَذَكَّرْ فِيهِ مَن تَذَكَّرْ» «آیا ما شما عمر ندادیم تا کسی که اهل آگاهی است آگاهی بگیرد؟» فرمود: این آیه ملامت و سرزنش جوانان غافل است که به سن بلوغ رسیده اند و از فرصت جوانی خود استفاده نمی کنند.

متأسفانه در تمام کشورهای پیشرفته و در حال رشد و کلاً در تمام دنیا، به علت حاکمیت فرهنگ فاسد غربی، بسیاری از جوانان کشورهای دنیا از صراط مستقیم منحرف شده و عملاً به تمام مقررات اخلاقی و انسانی پشت پا زده اند، به همه چیز و همه کس بدبینند و فکر طغیان و عصیان در سر می پرورند، اینان در دوران جوانی و در پرشورترین ایام زندگی، بجای امیدواری و کوشش، دچار یأس و ناامیدی شده اند، نه به تحصیل دانش علاقه دارند، نه به سعادت فردای خود امیدوارند، بیشتر آنها به عادات زشت آلوده شده اند و فرصت گرانبهای جوانی را به نادانی و بوالهوسی از دست می دهند.

جوانانی که خواهان سعادت و خوشبختی خود هستند، کسانی که مایلند فرصت جوانی را مغتنم بشمرند و بطور کامل از آن بهره برداری نمایند، لازم است به چهار نکته توجه نمایند:

- 1- دوران جوانی یکی از بهترین و پرارج ترین فرصتهای ثمربخش در طول زندگانی است.
- 2- استفاده از فرصت جوانی و سعی و کوشش در راه بهره برداری از آن، شرط اساسی کامیابی و موفقیت آدمی است.
- 3- خوشبختی و بدبختی هر انسانی در ایام جوانیش پی ریزی می شود، جوانی که از فرصت این ایام خوب استفاده کند، می تواند سعادت همه عمر خود را تضمین نماید.
- 4- عمر جوانی کوتاه و فرصت شباب زودگذر است، یک روز غفلت و سستی، باعث حسرت و زیان و مایه ندامت و پشیمانی در تمام ایام زندگی است.

دوتا از موانع مهم بر سر جوانی عبارتند از: یکی اضطراب و نگرانی از آینده و دوم تأثر و افسوس برگزشته. اضطراب و نگرانی مانند موریانه، ریشه های امید و اراده را در ضمیرانسان می خورد و آنان را مأیوس و دلسرد می نماید. و افسوس بر شکستهای گذشته، شور و شوق و اشتیاق را از انسان دور می نماید. علی 7 می فرماید: افسوس برگزشته را در دل خود بیدار مکن که تو را از آمادگی برای آینده دور می کند. همچنین حضرت می فرماید: غصه فردای نیامده را بر امروز موجودت تحمیل مکن و بار امروزت را بی جهت سنگین منما!

در این باره شاعر می گوید:

این چه حالت بود که اهل زمین هر زمان از گذشته یاد کنند  
از فراق گذشته‌ها غمگین‌وز غم حال، بانگ و داد کنند  
آن یکی در بهار بُرنائی می‌خورد بهر کودکی افسوس  
در کمال جمال و زیبایی از تأسّف کند قیافه عبوس  
و آندگر از شباب کرده عبوردیده آن سخت راهِ ناهموار  
داده از کف نشاط عقل و شعور آرزوی شباب کرده شعار  
آنچه دیدم بغالب احوال هیچ کس فکر نقد حال نبود  
همه در اختیار وهم و خیال حالشان جز غم و ملال نبود  
خلاصه کسی که می‌خواهد از فرصتها استفاده کند و از سرمایه‌هایی که در اختیار دارد بخوبی بهره‌برداری نماید، باید  
گذشتهٔ معدوم را بدست فراموشی سپارد و دل را از حسرت و اندوه آن خالی کند. همچنین باید آیندهٔ موجود نشده را  
نادیده انگارد و نگران آن نباشد، باید تمام نیروی خود را متوجه لحظهٔ حال و شرایط موجود نماید و در هر کاری از  
خودسؤال کند «الآن چه باید کرد؟». سپس فکر کند، عاقلانه پاسخ دهد، و سپس بانجام آنچه موظف است، جداً  
قیام نماید.

## 9- پیروی از فرهنگ ایرانی و اسلامی

در حال حاضر در کشور ما غنی‌ترین و کاملترین فرهنگ که فرهنگ ایرانی اسلامی است، وجود دارد و هر که از  
این فرهنگ تبعیت نماید، حتماً به سرمنزل مقصود خواهد رسید. و در مقابل این فرهنگ خوب و سالم، فرهنگ فاسد  
و ناسالم غرب وجود دارد.  
چه بسیار دختران و پسرانی که در آرزوهای خود، رفتن به یکی از کشورهای غربی را می‌بینند و دیدار از آن  
سرزمینها را در رؤیاهای خود مشاهده می‌نمایند. آمریکا! اروپا! غرب! مظهر آزادی! و لذّات نامشروع در خیال و ذهن  
عده‌ای از جوانان بوده و چهره‌ای زیبا از این سرزمینها را در تصورات خود به تصویر می‌کشند.  
اما آیا واقعاً غرب همان گونه است که این جوانان خیال می‌کنند؟  
غربی که دانشمندان آن، سقوط دیر یا زود آن را، پیش‌بینی کرده‌اند! سرزمینهایی که از مظاهر خوبیها و زیباییهای  
حقیقی در آن اثری نیست و بجای آن، شخصیت زنان و مردان در خدمت سرمایه‌داری و تمدن دروغین بکار گرفته  
شده است! آمریکایی که رئیس جمهور آن در تلویزیون ظاهر شده و کلکسیون قاشق و چنگالهایی را نشان می‌دهد  
ومی‌گوید: این قاشق و چنگالها مربوط به زمانی است که کودک بومد و هنگامی که به مهمانی می‌رفتیم، آنرا از خانهٔ  
میزبان می‌دزدیدم!

جوان ایرانی که می‌خواهد سعادتمند باشد، اگر درست در بارهٔ وضع غرب تحقیق کند، هیچگاه غرب را به عنوان آرزو و هدف خود قرار نمی‌دهد! غرب پاسخگوی همهٔ نیازهای یک جوان نمی‌تواند باشد! در غرب تنها می‌توان فحشاء ارزان و لذات نامشروع را پیدا نمود. اما سعادت و هدایت و کمال و رستگاری در آنجا پیدا نمی‌شود. آیا تا بحال شده است که یک جوان، با سفر به غرب، به انسانیت دست پیدا کند؟ آیاتاً بحال شده است که با یک برنامهٔ تلویزیونی غرب، انسانی با خدا و معنویت آشنا شود؟ اما بسیار دیده شده که با یک فیلم غربی، یا بایک مسافرت به غرب، انسانی، فساد اخلاق پیدا نموده و بدبخت شده است. تهاجم فرهنگی غرب، بسیاری از جوانان دنیا و عده‌ای از جوانان کشور ما را به پوچی و انحراف و دشمنی با دین و خدا کشانده است.

## 10- تشخیص قهرمانان دروغین از قهرمانان راستین

### قهرمانان دروغین!

دنیای غرب بخصوص آمریکا چون فاقد قهرمانان واقعی در تاریخ خود هستند، به برکت حق‌های سینمایی و دنیای شگفت‌آور هنر هفتم، قهرمانانی دروغین که فقط در لحظهٔ نمایش فیلم واقعی بنظر می‌رسند ولی وجود خارجی ندارند را خلق کرده است.

**تارزان! راکي، رامبو! بروس لی** و دهها چهرهٔ محبوب نوجوانان و جوانان‌پا به عرصهٔ سینماها و ویدئوها و رایانه‌ها گذاشته و عاشقان زیاد برای خود پیدا کرده‌اند. اما وقتی به سراغ چهرهٔ واقعی این مردان افسانه‌ای می‌رویم، متوجه می‌شویم که اثری از قدرت و شجاعت و دلیرمردی که در فیلمها از آنان دیده می‌شود، نیست و اینان مردانی عادی هستند که از طریق قدرت جادویی فیلم، چهرهٔ زیبا و محبوب پیدا کرده‌اند. لذا تاکنون فردی پیدا نشده است که از طریق این چهره‌ها به انسانی پاک و آزاده و غیرتمند و شجاع تبدیل شود. بلکه بر عکس انسانهای زیادی یافت می‌شوند که با علاقهٔ به این چهره‌ها روزها و شبهای زیادی را پایان‌بردند ولی عاقبت خوبی پیدا نکردند.

### قهرمانان واقعی!

اما وقتی به فرهنگ خودمان مراجعه می‌کنیم، مشاهده می‌نمائیم که هم‌درتاریخ کشورمان ایران و هم درتاریخ اسلام عزیز، شخصیت‌هایی پیدامی‌شوند که از نظر قدرت بدنی، مهارت در فنون جنگی و فضائل اخلاقی کم نظیر بوده‌اند.

**علی 7، جعفر طیار، حضرت حمزه، امام حسین 7، علی اکبر و حضرت عباس** علاوه بر دارا بودن فضائل بی‌شمار اخلاقی و انسانی، هر کدام در قدرت جنگی حریف صدها نفر بوده‌اند. عباس علمدار وقتی مأموریت پیدا کرد تا برای خیمه‌گاه آب بیاورد، به طرف نهر فرات حرکت کرد. چهارهزار نفر از لشکر دشمن، محافظ نهر فرات بودند تا ازیاران امام حسین 7 کسی دسترسی به آب پیدا نکند. اما با یورش عباس قهرمان، همهٔ آنها عقب نشستند و کنار رفتند

تا قمرینی هاشم واردنهر شد و مشکش را پر نمود. دشمن که دید نمی تواند با عباس مقابله کند، بطور ناجوانمردانه و از طریق کمین، دستهای عباس را قطع نمودند. با این حال عباس سرفراز با صدای بلند فریاد زد:

**اگر دست راستم را قطع نمودید، اما بدانید که من دست از حمایت دینم بر نمی دارم.** آنگاه بر یک انسان بی دست حمله کردند و او را بشهادت رساندند. آیا حماسه و قهرمانی از این بالاتر سراغ دارید؟ همچنین خود امام حسین 7 چنان دمار از دشمن بالای ده هزار نفر در آورد که به نیرنگ متوسل شدند و به دروغ گفتند که دشمن به خیمه گاه حمله نموده و از طریق سنگباران و پرتاپ نیزه شکسته و شمشیر شکسته، امام را از پا در آوردند. و الا احدی را سراغ نداشتند که بتواند حریف امام 7 باشد!

آیا این قهرمان واقعی است و میتواند محبوب دلها باشد یا انسانهایی که از طریق حقّهای سینمائی، دلاور و قهرمان بحساب می آیند ولی در واقع از داشتن فضائل اخلاقی محرومند! و اگر دو نفر در خیابان به آنان حمله کنند نمی توانند از خود دفاع نمایند!!

در تاریخ کشور پهلوانان و قهرمانان زیادی وجود داشته اند که خیلی از آنها گمنام زندگی می کرده اند. پوریای ولی، پهلوان تختی و... همچنین انسانهای والا مقامی چون نواب صفوی، مدرّس، کاشانی، اسدآبادی، میرزا رضای کرمانی، اندزگو، سعیدی، غفاری و... می زیسته اند که هر کدام در بیداری و مقابله با زورگوئی ستمکاران نقش مهمی ایفا نمودند. در ایام دفاع مقدس که کشور تازه انقلاب کرده ایران با جنگی بزرگ روبرو شد، قهرمانانی پا به عرصه رزم نهادند که تعدادی از آنها شناخته شده و اکثراً گمنام شهید شدند و یا در سنگر سازندگی مشغول فعالیت هستند. حاج همّت، باکری، زین الدّین، فهمیده، خرّازی، کلهر، کریمی، کشوری، بابائی، بروجردی، علم الهدی، چمران، صیاد شیرازی و صدها قهرمان جنگ با حماسه های خود دشمن را به زانو در آوردند و فرهنگ بسیجی را در مقابل فرهنگ منحط غرب، خلق نمودند.

## 11- دوری از انحرافات هم چون چشم چرانی، ارتباطات نامشروع و...

چشم انسان از اعضای است که بیشتر گناهان به سبب و وسیله آن انجام می شود. و در سخنان بزرگان دین آمده که هر که بتواند چشم خود را کنترل نماید، از بسیاری از گناهان خود را دور نموده است. یکی از گناهان چشم، چشم چرانی و هیز بودن و نگاههای شهوانی به نامحرم است. چه از طرف مرد نسبت به زن نامحرم و چه از طرف زن نسبت به مرد نامحرم.

«آمده است که جوان عربی در زمان پیامبر (ص) در کوچه مشاهده کرد که زن جوانی از روبرو می آید! این جوان شروع به چشم چرانی به زن نمود بطوریکه حواسش پرت شد و متوجه استخوانی که در سوراخ دیوار فرو شده بود، نشد

واستخوان به گونه‌اش اصابت کرد و خون جاری شد! جوان با همین حالت نزد پیامبر بعنوان طیب الهی رفت و ماجرای این حادثه را گفت. حضرت فرمود: همانا نگاه به نامحرم تیری از تیرهای شیطان است»

چشم انسان مانند دوربین بسیار قوی فیلمبرداری است که همه صحنه‌ها را علاوه بر نشان دادن به مغز در همان آن، در حافظه ذخیره می‌کند و بسیاری از خوابها و رؤیاها و حتی تصورات آدمی از جهان به همین تصاویر باز می‌گردد. جوانی که از صبح تا شب چشمش بدنبال زیبارویان در گردش است، اگر در خواب جنب و محتمل شود و خوابهای شیطانی ببیند، طبیعی است. و هرگاه روز با خوبان و صالحان همنشین باشد و توسلات به معصومین (ع) داشته باشد اگر در خواب، امام زمان (عج) و زیارتگاه ببیند، باز طبیعی است.

«روزی حضرت عیسی (ع) بایارانش برای دعای طلب باران از شهر خارج شدند. موقع دعا، عیسی (ع) گفت: هر که گناهی مرتکب شده برگردد. همه بجز یکنفر باز گشتند. حضرت به او گفت: تو گناهی مرتکب نشده‌ای؟ گفت: خیر بجز اینکه روزی در حال عبادت بودم که زنی از مقابلم عبور کرد و من ناخواسته بتمشای او مشغول شدم. ناگاه بخود آمدم و بخاطر این کار زشتم، چشم خود را در آوردم و بطرفی که زن رفت بود، پرتاپ کردم!

حضرت فرمود: پس تو دعا کن تا من آمین گویم! او دعا کرد و عیسی (ع) آمین گفت و باران آمد.»

یکی از نشانه‌های پاکی چشم، دور ماندن چشم از نگاههای شهوانی است. لذا وقتی دختر شعیب (ع) نزد موسی (ع) آمد و گفت: پدرم تو را به خانه دعوت کرده و مرا فرستاده تا تو را راهنمایی کنم. موسی (ع) چند قدمی بدنبال دختر رفت و گفت: ما خاندانی هستیم که پشت سر زن نگاه نمی‌کنیم. پس من جلو می‌روم و تو از پشت سر بیا و هر کجا نیاز به راهنمایی شد، با انداختن سنگ علامت بده!

اگر چشم را کنترل نکنیم، دل را گرفتار کرده‌ایم و اگر دل گرفتار شد، سر به رسوائیها خواهد زد.

زدست دیده و دل هردو فریاد هر آنچه دیده بیند دل کند یاد

بسازم خنجری نیشش ز فولاد زخم بردیده تا دل گردد آزاد «چه بسیار نگاههای کوتاهی که بدبختی‌های بزرگ و طولانی به ارمغان آورده است. از دوا جهائی که با یک نگاه شروع شده و عاقبت در مدت کوتاهی با یک نگاه دیگر به طلاق کشیده می‌شود.»

«علی (ع): هر که نگاهش به نامحرمان زیاد باشد، فکرش دائماً مشغول خواهد بود.»

«ای رسول! به مردان مؤمن بگو چشم خود را بر حرام ببندند و عورت خود را از حرام حفظ کنند که این مسئله برای پاک پودنشان لازمتر است و به زنها هم بگو که چشمهای خود را بر حرام ببندند و عورت خود را از حرام حفظ کنند...» نور آیه 30 و 31

«رسول خدا (ص): هیچ وسیله برای پاکی باندازه پاک بودن چشم و بستن آن بر روی حرام نیست. که هر که چشم خود را بر حرام بست، خدا به دلش توفیق مشاهده عظمت الهی را می‌دهد»



«رسول خدا(ص): هر که چشمش را از حرام پُر کند، خداوند روز قیامت چشمش را از آتش پُر کند، مگر اینکه توبه کند و دیگر عمل حرام را انجام ندهد.»

«در روایت است که هر که به نامحرمی برخورد و برای رضای الهی، چشم خود را از او برگرفت و دیگر نگاه نکرد، اگر مرد باشد در همان ساعت، حورالعینی باز دو اجش در می آورند و اگر بر این صفت خوب مداومت کند، خداوند شیرینی مناجاتش را به او می چشاند و ملکوت خود را بردلش باز می کند.»

«گویند مغازه داری به زنانی که از مقابل دکانش رد شده خیره نگاه می کرد و بر زبان لا اله الا الله جاری می کرد. یکنفر برای تذکر به او وارد مغازه اش شد و جنسی را خواست. مغازه دارد برای آوردن جنس مدتی در داخل مغازه بود که خانمی از مقابل مغازه اش عبور کرد. وقتی مغازه دار جنس مشتری را آورد، مشتری گفت: شما که مشغول آوردن جنس من بودید، یک لا اله الا الله! از مقابل مغازه شما رد شد!!»

«پیامبر(ص): سخت است غضب خدا بر زن شوهرداری که چشمش را از حرام پُر کند»

«پیامبر(ص): کسی که به عورت دیگری نگاه کند، ملعون است»

«پیامبر(ص): اگر از آسمان بیافتم و دونیم شوم برایم بهتر است که به عورت کسی نگاه کنم و یا کسی به عورت من نگاه نماید»

نتیجه:

چنانچه پدر و مادر و فرزندان بتوانند به وظایف مذکور عمل کنند، حتما نمونه خواهند بود و می توانند الگوی خانواده های دیگر باشند. والسلام.

منابع:

«1 تا 12 مکارم الاخلاق — 13 تا 20 بحار ج 103 — 21 تا 30 حلیه المتقین — 31 و 32 مکارم الاخلاق — 33 تا 37 بحار ج 99 — 38 و 39 حلیه المتقین — 40 و 49 مکارم الاخلاق — 50 و 51 وسائل الشیعه — 52 تا 55 حلیه المتقین — 56 تا 60 مکارم الاخلاق — 61 تا 65 بحار — 66 تا 72 میزان الحکمه — 73 اولین دانشگاه و آخرین پیامبر — 74 تا 77 میزان الحکمه — 78 و 79 اولین دانشگاه و آخرین پیامبر — 80 و 81 اخلاق زن و شوهر — 82 تا 94 حلیه المتقین — 95 تا 114 بحار ج 66 — 115 حلیه المتقین —

116 تا 132 مکارم الاخلاق — 133 تا 142 بحار ج 66 — 142 تا 145 بحار ج 62 — 146 تا 149 توضیح المسائل مراجع — 150 تا 155 حلیه المتقین — 156 تا 168 مکارم الاخلاق — 169 حلیه المتقین — 170 تا 191 بحار ج 66 — 192 تا 194 معلم کبیر امام صادق(ع) — 195 تا 210 مکارم الاخلاق — 211 تا

222 بحارج 66— 223 تا 234 مكارم الاخلاق — 235 تا 249 بحارج 62 — 250 تا 262 نكارم الاخلاق  
— 263 تا 274 اخبار و آثار امام صادق (ع) — 275 تا 281 بحارج 75 — 282 تا 289 بحارج 62 — 290 تا 292 طبّ  
الصادق والرضا (ع) — 293 تا 314 حلية المتقين 315 تا 321 مكارم الاخلاق — 322 بحارج 79  
— 323 تا 331 حلية المتقين — 332 تا 341 بحارج 79 — 342 تا 348 سنن النبي (ص) — 349 تا 362 مكارم  
الاخلاق — 363 تا 367 معلّم كبير امام صادق (ع) — 368 تا 376 بحارج 79 — 377 تا 388 حلية المتقين  
— 389 تا 407 بحارج 79 تا 418 مكارم الاخلاق — 419 تا 434 حلية المتقين — 435 تا 436 طب  
الصادق والرضا (ع) — 437 تا 944 بحارج 74 و 75 — 451 و 452 بحارج 89 — 460 تا 472 بيست و پنج اصل  
اخلاقي از اصول اخلاقي امامان — 473 تا 489 بحارج 74 و 75 — 490 تا 492 مكارم الاخلاق — 493 تا 512  
ميزان الحكمة — 513 اثني عشرية — 514 بحارج 22 ص 124.»

خوش گمانی عامل استحکام خانواده و بدگمانی عامل تزلزل



محمد تقی صرفی پور

بسم الله الرحمن الرحيم

يا ايها الذين امنوا اجتنبوا كثيرا من الظن ان بعض الظن اثم ولا تجسسوا

حسن ظن به یکدیگر، نخستین خشت بنای صلح و صفای اجتماع است و در خانواده و زندگی مشترک نیز اساسی می باشد بد گمانی به همسر، غیرت نیست

مردان بسیار حساس و بد گمانی

**زنان و مردان زیادی از همسر خود شکایت دارند که او بد گمان است و به همه ی روابطش ایراد می گیرد اما بد گمانی واقعا چیست؟**

زنان شکایت دارند همسرشان به آنان شک دارند و نسبت به رابطه با دیگر مردان بسیار حساس هستند و گاه چیزهایی را مطرح می کنند که انسان از گفتن آن ها شرم دارد؛ «**و خدا می داند که هیچ کدام از گمان هایش واقعیت ندارد.**» مردان نیز شکایت دارند همسرشان فکر می کند او به کس دیگری علاقه دارد یا نگاه نادرست به فلان خانم انداخته یا ازدواج دوم کرده است و...، «**و خدا می داند که این گونه نیست.**»

این موضوع، یکی از مشکلات و مسائل خانواده است که گاه چنان فراگیر می شود که کیان خانواده را به مخاطره می اندازد.

سلام. خسته نباشید. خانمی 25 ساله هستم 5 ساله ازدواج کردم. اختلاف سنی خودم و شوهرم 12 ساله. زندگی خوبی دارم تا حد امکان شوهرم برام کم نمیزاره. ولی **مشکلی که دارم** اینکه از زمانی که با شوهرم زیر یک سقف رفتم، شوهر اجازه نمیده تنهایی جایی برم، اوایل حتی نمیزاشت تنها تو خونه باشم حالا که بهتر شد نمیزاره به تنهایی جایی برم **شغل شوهرم هم جوریه که تو شهر خودمون نیست 14 روزه بار میاد**. دیگه خسته شدم از بس که منتظر موندم تا یکی باهام بیاد برم جایی و پیام. قبلاً اگه بهش میگفتم **دلیل کارت چیه** آیا بهم اعتمادنداری عصبانی میشد **میگه نه فقط دوست ندارم** خانمم تنها تو خیابون بره. ولی این آواخر که بحث کردم بهم گفته که **آره بهت اعتماد ندارم** همینکه هست میتونی بمون نمیتونی برو. و سالی یکبار هم باهم بحث شدید میکنیم بهم میگه آخرش طلاق میدم. خودم تا حدودی با این مشکل کنار اومدم ولی اطرافیان نمیتونن کنار بیان. من شوهرم و زندگیمو دوست دارم لطفا کمک کنید چطور با این رفتارش کنار پیام؟ ببخشید طولانی شد.

. آن چه در باره ی خانواده باید گفت این است که:

خانواده در ظاهر با خواندن صیغه ی عقد و به وجود آمدن محرمیت، آغاز می شود: اما باید توجه داشت **ماهیت اصلی خانواده، «پیوند و ارتباط میان روح ها و جان هاست»**. هر چند سال ازدواج، بدن ها نیز با یکدیگر محرم می شوند، ماهیت اساسی خانواده، پیوند و ارتباط روحی است **«اعتماد و اطمینان»**، از عوامل اساسی یک رابطه است بدون اطمینان به طرف مقابل، نمی توان انتظار یک رابطه را داشت اعتماد و اطمینان به فرد، زمینه و بستر یک ارتباط را به وجود می آورد. در حوزه ی خانواده. «صمیمیت و عواطف مثبت» میان همسران، از مسائل کلیدی و حساس زندگی زناشویی است طبق برخی نظریه ها، **اساس پایداری و رضایت زناشویی، «مودت و رحمت» است** بدون مودت و رحمت، نمی توان به موفقیت خانواده و تداوم آن اندیشید.

از مسائل مهم در روابط بین همسری، **ارزیابی همسر است**: این اصلی است که معمولاً افراد همدیگر را ارزیابی می کنند و تصویری از آنان در ذهن خود می سازند، نوع این تصور نقش مهمی در کیفیت ارتباط دارد. **ارزیابی مثبت از همسر**، موجب خوش گمانی می شود و حالتی از اطمینان و اعتماد را به وجود می آورد و سبب جذب و استحکام پیوند می شود و بدین سان انسان احساس آرامش می کند و از رابطه ی خود لذت می برد. امام علی (علیه السلام) درباره ی این موضوع تأکید می کند «خوش گمانی موجب آرامش روانی می شود.» (غررالحکم: 4816) و «اندوه انسان را کاهش می دهد» (غررالحکم: 4823) و موجب جلب محبت دیگران می شود.» (غررالحکم: 8842) امام صادق (علیه السلام) نیز تأکید می کند که «از خوش بین بودن بهره ای برگیر، که با آن دلت را آرام می کنی و کارت را پیش میبری.»

(بحارالانوار: ج78/ص 209/ج84)

گاه این تصور، بد و منفی است: **ارزیابی منفی**، موجب تردید و بدگمانی، سپس موجب احساس ناامنی می شود و ذهن را از تصورات بد پر می کند و بدین سان انسان را اندیشناک و فضای روابط را تیره و تار می کند و موجب دوری افراد از یکدیگر می شود معمولاً **چنین ارزیابی هایی غیر واقعی است** و صحت ندارند خداوند متعال از این گونه گمان ها به عنوان گناه «حجرات / آیه ی 12» و رسول خدا (صلی الله علیه واله وسلم) به عنوان **دروغ ترین دروغ** یاد کرده (بحارالانوار؛ ج 195/75 / ج8؛ سنن آبی داوود: ج 4/ص 280/ ج 4917) و مردم را از آن بر حذر داشته اند. طبیعتاً در چنین فضایی حزن و اندوه حاکم خواهد بود ذهنی که پر از تردید و بد دلی نسبت به یکدیگر باشد، حس بدی را تجربه خواهد کرد.

هر کدام از همسران، **سهم خاص خود را در پیش گیری** از بدگمانی دارند گاه **رفتار مازمینه ی بدگمانی** را به وجود می آورد. امام علی (علیه السلام) می فرماید «همنشینی با بدان، بدگمانی به نیکان را در پی دارد.»

بد گمانی نسبت به همسر، اثرات ویرانگری بر بنیان خانواده بر جای می گذارد: همان گونه که پیش تر اشاره شد، پایه های استحکام خانواده بر اطمینان همسران نسبت به یکدیگر بنا می شود؛ این یک اصل است. بد گمانی، زمینه ی رفتارهای ناهنجار و نادرست بعدی را به وجود می آورد. وقتی نگاه منفی در ارزیابی همسر حاکم شد، بر همه ی ابعاد روابط زناشویی سایه ی شود خود را می گستراند. امام علی (علیه السلام) بر این که بد گمانی سبب تباهی همه ی امور و برانگیخته شدن شرّ می شود، تأکید می کند. (غرالحکم / ج 5575).

ایشان تصریح دارد سر آغاز بد گمانی، **شک و تردید** است (غرالحکم / ج 8837) و وقتی بد گمانی و بد دلی حاکم شد.

فرد، بد پندار (غرالحکم / 7960) و بد باطن می شود. (غرالحکم / ج 8837)

نسبت به دیگران زیاد غیبت و بدگویی می کند. (غرالحکم / ج 8094)

از همگان گریزان است. (غرالحکم: ج 9084)

جای آشتی با هیچ دوستی را باقی نمی گذارد. (غرالحکم / ج 8950)

به دیگران اطمینان نمی کند و اطمینان دیگران را از خود سلب می کند (کنز الفوائد / ج 2 / ص 182)

تصور کنید اگر چنین حالتی بر خانواده حاکم شود، چه فضایی به وجود خواهد آمد آیا از این زندگی می توان انتظار خوشبختی و آسایش داشت؟

**بد گمانی بیماری است** (غرالحکم / ج 839) زیرا فرد دیگری و از جمله همسر خود را بر خلاف آنچه هست ارزیابی می کند: از این رو، بد گمانی، رابطه ی تنگاتنگی با ویژگی خود فرد دارد هنگام ارزیابی نسبت به دیگران، معمولاً افراد از جایگاه خود به دیگران نگاه و با همان عینک وجود

خودشان درباره دیگران داوری می کنند نظام داوری در باره دیگران، متأثر از شخصیت وجودی خود آنان است از این رو، کسانی که به ناحق نسبت به دیگران بد گمان اند، خودشان افراد بدباطنی هستند.

امام علی (علیه السلام) تصریح می فرماید «**انسان بد، به هیچ کس خوش گمان نیست**؛ زیرا همه را مانند خود می داند.» (غررالحکم / 2175) و در سخن دیگری می فرماید: «آدم شرور به هیچ کس گمان نیک نمی برد، چون همگان را به خوی و خصلت خود می بیند» (غررالحکم / ج 1903) در حقیقت انسان بد گمان، خود را در آینه ی دیگران می بیند و توصیف می کند. شاید بتوان از این راه، شخصیت و باطن افراد بد گمان را تشخیص داد. پس اگر به همسر خود بد گمان هستید، بدانید آنچه را به او نسبت می دهید در حقیقت نتیجه ی کارکرد ناسالم و بیمار دستگاه ارزیابی و داوری شما بوده و به نوعی ویژگی خودتان است که به او نسبت می دهید!

از اموری که ممکن است اتفاق افتد، **اشتباه شدن بد گمانی با غیرت** است: غیرت، صفتی لازم و بلکه ضروری برای حفظ و حراست از کیان خانواده است اسلام عزیز مدلی از روابط میان محرم و نامحرم را طراحی کرده که به صلاح زندگی است و آن را از آفات جدی حفاظت می کند لذا **مومن باید غیور باشد** و نسبت به این مرزها حساس باشد خداوند متعال به صفت غیرت خوانده شده است (بحارالانوار / ج 76 / ص 332 / ج 1) و اهل غیرت را دوست دارد (کنز العمال / ج 7070)، رسول خدا (صلی الله علیه واله وسلم) نیز غیور است (بحارالانوار / ج 103 / ص 248 / ج 33) و به همین دلیل انسان ها با غیرت مورد ستایش (میزان الحکمه / ج 8 ص 610) و انسان های بی غیرت مورد نکوهش قرار گرفته اند (همان ص 612) به نظر می رسد یکی از دلایل ناهنجاری های امروز بی غیرتی مردان است. اما نباید فراموش کرد غیرت نیز حد و مرزی دارد.

**غیرت اگر از حدّ خود خارج شود، به بد گمانی منفی تبدیل می شود** وقتی می توان غیرت می ورزید که واقعاً تخلفی رخ داده باشد اگر تخلف قطعی نباشد، حساسیت نشان دادن بر مبنای حدس و گمان خواهد بود و این حدس و گمان ها نیز معمولاً نادرست اند. از این رو، در عین تأکید جدی بر غیرت، باید جداً مراقب بود بد گمانی و بد دلی به جای غیرت نشاندن نشود؛ چه بسا همین بد گمانی بی



دلیل، زمینه ساز وقوع در کار ناشایست می شود رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرماید «غیرتی هست که خدا دوست دارد و غیرتی هست که دوست ندارد. غیرتی را که دوست دارد غیرت ورزی هنگام شک است و غیرتی که دوست ندارد، غیرت نشان دادن در جایی است که شکی در بین نباشد» (کنز العمال / 7067) امام علی (علیه السلام) در سفارش به فرزند خود امام حسن علیه السلام فرمود «از غیرت نا به جا [نسبت به زنان] پرهیز که آن، زن سالم را به بیماری می کشاند و پاکدامن را به بدگمانی (اندیشه گنهکاری)، بلکه در باره ی آنان محکم کاری کن. آن گاه اگر عیبی دیدی در مجازات کوچک و بزرگ درنگ مکن.» (کافی / ج 5 ص 537 ج 9) بنابراین انسان باید مراقب باشد به اندک احتمالی، تهمت نزند و غیرتی نشود.

برای پیشگیری از اشتباه بدگمانی با غیرت هر کدام از همسران باید مواردی را رعایت کنند: این نیز برای این است که براساس منابع اسلامی، الگوی سبب شناسی بدگمانی، هر دو طرف، رابطه را شامل می شود بر اساس الگوی طرفینی بدگمانی، هر کدام از طرفین سهمی در بد، گمانی دارند. این سهم نیز بر اساس مدل (زمینه - تفسیر) شکل می گیرد؛ بدین معنا که طرف اول، «زمینه ساز بد گمانی» و طرف دوم «تفسیرگر منفی» است.

براساس آنچه گذشت هر کدام از همسران، سهم خاص خود را در پیش گیری از بدگمانی دارند گاه رفتار ما زمینه ی بدگمانی را به وجود می آورد. امام علی (علیه السلام) می فرماید «همنشینی با بدان، بدگمانی به نیکان را در پی دارد.»

از ویژگی انسان های رشد یافته توان تحمل ابهام است. افرادی که از بلوغ فکری برخوردارند وقتی با رفتار ابهام آلود مواجه شدند، می توانند آن را در خود هضم کنند و بر آشفته نشوند

(بحارالانوار/ ج 74 / ص 197 ج 31) اگر همسری، خیلی باز و راحت با نامحرم سخن بگوید و شوخی کند؛ آن گونه که با محارم رفتار می کند، نمی تواند بد گمانی و آشفته خاطری همسرش را انتظار نداشته باشد یا اگر هنگام صحبت با خانواده اش در گوشی سخن می گویند و به

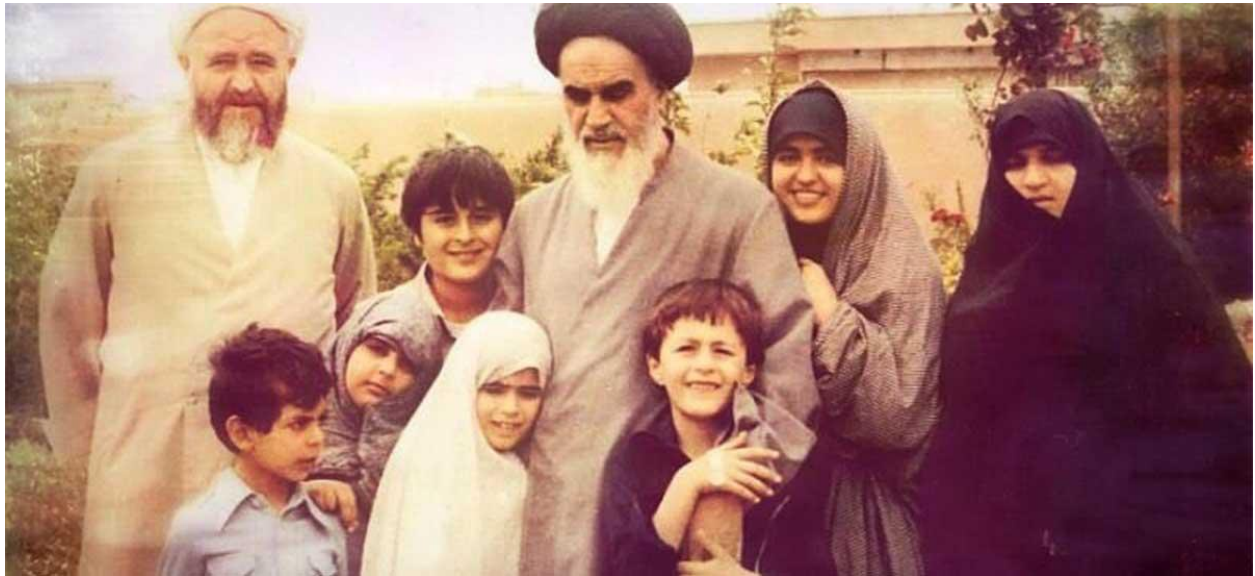
اصطلاح پچ پچ کند، انتظار سوءظن همسر را نداشته باشد. امام علی (علیه السلام) می فرماید «هر که خود را در جایگاه تهمت و بدگمانی ند، نباید کسی را که به او گمان بد برده است سرزنش کند.» (مالی صدوق: ص 380/ج 483) «هر که به اماکن بد رفت و آمد کند متهم می شود و هر که خود را در معرض تهمت قرار دهد، نباید کس را که به او گمان بد برده است، سرزنش کند» (کنزالفوائد/ج 2/ص 182) بنابراین در رفتار خود تجدید نظر کنید و ببینید چه چیزی موجب بدگمانی همسر شده است.

از طرفی باید انسان رفتارهای همسر و مومن را بر جهت **خوبش** تفسیر کند. در تفسیر چنین رفتارهایی باید رویکرد مثبت داشت. امام علی (علیه السلام) می فرماید «رفتار برادرت را به بهترین وجه آن تفسیر کن تا زمای که کاری از او سر زند راه توجیه را بر تو ببندد» (مالی صدق/ ص 380/ج 483) و «هر گاه سخنی از شخصی سر زد و تو می توانی برای آن توجیه خوبی بیابی، به آن گمان بد مبر.» (نهج البلاغه؛ حکمت 360) وقتی انسان کسی را مورد امتحان قرار داد و بر اساس شایستگی هایش او را انتخاب کرد، نباید به اندک احتمالی نسبت به او بد گمان شود یا سخن دیگران در او اثر گذارد.

امام علی (علیه السلام) تأکید دارد «هر که دانست برادرش در دین استوار و ره پوی راه راست است، دیگر نباید به سخنان مردم درباره ی او گوش دهد. بدانید که گاه تیرانداز تیر می اندازد و تیرش به خطا می رود» (نهج البلاغه خطبه 141) این همان چیزی است که بادر از آن به عنوان «تحمل ابهام» یاد کرده است تحمل ابهام به این مربوط است که افراد در انطباق خود با شرایط ابهام، تا چه اندازه آمادگی یا برای تطبیق خود با آن مشکل دارند. افراد از نظر میزان انطباق با ابهام، متفاوت هستند کسانی که تحمل ابهام شان زیاد است معمولاً درک پیچیده ای دارند آنان به اطلاعات بیشتر توجه می کنند و سعی دارند از قضاوت های زود هنگام پرهیز کنند در زندگی همواره با ابهامات زیادی مواجه می شویم. بخشی از این ابهامات در ارتباط با دیگران اتفاق می افتد. برای مثال، ممکن است رفتارهای عجیب و غریب از دیگران ببینیم و مشاهده ی این رفتارها باعث سوال های بسیاری شود افرادی که از توانایی تحمل ابهام بالا برخوردار نیستند، فقط به تعدادی

از عناصر توجه می کنند لذا ممکن است تحمل دیدن این شرایط را نداشته باشند و در بر خوردها و تعاملات شان نیز تجدید نظر کنند به این ترتیب، روابط میان فردی نیز به هم خواهد خورد در مقابل، افراد با تحمل ابهام زیاد، در محیط مملو از اطلاعات ناهمخوان، از انعطاف پذیری بیشتری نسبت به دیگران برخوردارند.

سیره نبوی در مورد خانواده



محمد تقی صرفی پور



## ازدواج

پیامبر اسلام در 25 سالگی از دواج کردند و ازدواج را سنت و روش خود می دانستند و کسانی را که عمدا و بدون علت خاصی، ازدواج نمی کردند جزو امت خود نمی دانستند<sup>۲۸۱</sup>

و پیامبر اسلام فرمود:

مَا بُنِيَ فِي الْأِسْلَامِ بِنَاءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَأَعَزَّ مِنَ التَّرْوِيجِ؛<sup>۲۸۲</sup>

هیچ بنایی در اسلام در نزد خداوند عز و جل همانند ازدواج محبوب و عزیز نیست.

**«رسول خدا(ص): کسیکه ازدواج کرده و خواب است در نزد خدا از مجردیکه روزه بوده و شبها به عبادت مشغول است، برتر است.»<sup>۲۸۳</sup>**

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله : بدترین مردان شما، عزبانند (مجردان) !<sup>۲۸۴</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله : دور کعت نماز ازدواج کرده برتر است از هفتاد رکعت نماز فرد مجرد !

۲۸۵

---

3. مستدرک الوسائل، ابواب مقدمات نکاح، باب 1، حدیث 15.

281

بحار الانوار، ج 100، ص 222، ح 40<sup>282</sup>.

مکارم الاخلاق<sup>283</sup>

همان<sup>284</sup>

همان<sup>285</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله : کسیکه ازدواج کرده و خواب است در نزد خدا از مجردیکه روزه بوده و شبها به عبادت مشغول است، برتر است .<sup>۲۸۶</sup>

«إِذَا جَاءَكُمْ مَنْ تَرْضَوْنَ دِينَهُ وَامَانَتَهُ يَخْطُبُ (إِلَيْكُمْ) فَزَوِّجُوهُ، إِنْ لَا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ»<sup>۲۸۷</sup>

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: اگر خواستگار مومن و امین بود به او دختر بدهید و اگر ندهید باعث بوجود آمدن فتنه و فساد بزرگ در زمین می شود

«پیامبر (ص): کسیکه دخترش را به بی دین شوهر بدهد، روزی هزار بار لعنت بر او نازل می شود.»

«إِيَّاكُمْ وَخَضِرَاءَ الدِّمَنِ، قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا خَضِرَاءُ الدِّمَنِ؟ قَالَ: الْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنَبَتِ السُّوءِ؛»<sup>۲۸۸</sup>

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: از گلهای لجنزار دوری کنید! سوال شد گلهای لجنزار کیا هستند؟ فرمود زن زیبا در خانواده فاسد.

«إِنَّ مِنْ يُمْنِ الْمَرْأَةِ تَيْسِيرَ خِطْبَتِهَا وَتَيْسِيرَ صِدَاقِهَا وَ...؛»<sup>۲۸۹</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله در باره ازدواج آسان می فرماید:

میمنت [و خجستگی] زن این است که راحت خواستگاری شود و کابینش (مهریه اش) سبک باشد.

همان<sup>۲۸۶</sup>

بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۷۲، ح ۳<sup>۲۸۷</sup>.

اصول کافی، ج ۵، ص ۳۳۲، ح ۴<sup>۲۸۸</sup>

کنز العمال، ح ۴۴۷۲۱<sup>۲۸۹</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله : زنیکه قبل از عروسی، مهرش را ببخشد، خداوند برای هر دیناری، ثواب آزاد کردن یک بنده را به او می دهد<sup>۲۹۰</sup>

«أَيُّمَا شَابٍ تَزَوَّجَ فِي حَدَاثَتِهِ سَنَّهُ عَجَّ شَيْطَانُهُ: يَا وَيْلَهُ! عَصِمَ مِنِّي دِينُهُ»<sup>۲۹۱</sup>

رسول خدا ص: وقتی جوانی در اول جوانیش ازدواج کند، شیطان فریاد می زند: وای بر من. دینش را از من حفظ کرد.

«مَنْ بَلَغَ وَلَدُهُ النِّكَاحَ وَعِنْدَهُ مَا يَنْكِحُهُ، فَلَمْ يَنْكِحْهُ ثُمَّ أَخَذَتْ حَدَّثًا فَلَا تُمُّ عَلَيْهِ»<sup>۲۹۲</sup>

هر که فرزندش به سن ازدواج برسد و پدر می توانند برای او همسر بگیرند ولی این کار را نکنند و فرزند گناه کند گناه به گردن پدر است.

**فرمود:** هر کس زنی را به جهت ثروتش ازدواج کند خداوند او را به همان واگذار می نماید، و هر که با زنی به جهت زیبایی و جمالش ازدواج کند خوشی نخواهد دید، و کسی که با زنی به جهت دین و ایمانش تزویج نماید خداوند خواسته های او را قاعمین می گرداند.<sup>۲۹۳</sup>

«زَوِّجُوا أَيَّامَكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ يُحْسِنُ لَهُمْ فِي أَخْلَاقِهِمْ وَيُوسِّعُ لَهُمْ فِي أَرْزَاقِهِمْ وَيَزِيدُهُمْ فِي مُرُواتِهِمْ»<sup>۲۹۴</sup>

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در بیان فواید ازدواج می فرماید:

---

بحار الانوار، ج 103<sup>290</sup>

کنز العمال، ج 4441<sup>291</sup>

کنز العمال، ج 16، ص 442، ح 45337<sup>292</sup>

293 - تهذیب الاحکام: ج 7، ص 399، ح 5.

کنز العمال، ج 16، ص 279، ح 44460<sup>294</sup>.



جوانهای خود را همسر بدهید که باعث می شوند خداوند اخلاق آنها را خوب کند و روزی آنها را توسعه دهد و جوانمردی آنها را زیاد نماید.

هر که ازدواج کند نیمی از ایمان را بدست آورده و باید دنبال نیم دوم باشد.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ شَطْرَ دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي شَطْرِ الثَّانِي<sup>۲۹۵</sup>

ترجمه: کسی که ازدواج می کند، نیمی از دینش را حفظ کرده است. پس برای احراز نیم دیگر باید تقوای الهی را پیشه کند

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: نسل خود را زیاد کنید که من به آن افتخار می کنم ، و یا فرمودند زنی بگیرید که بچه دار می شود و مانند آن ، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: فرزند بخواهید، و از آن روگردان نباشید، همانا فرزند روشنی چشم و (همچون ) گل (صفای ) دل است ، و پرهیزد از ناتوانی و نازائی<sup>۲۹۶</sup>

از پیامبر خدا (ص) روایت است که فرمود: «با غریبه ازدواج کنید تا فرزند ضعیف نیاورید». (النهاية، ابن اثیر، ج ۳، ص ۱۰۶-المَجَازَاتِ النَّبَوِيَّةُ، شریف رضی، ص ۹۲).

(( نهی النبی (ص) عن و طى الحبالی حتى يضعن ))

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نهی فرمود از آمیزش با زن باردار تا وقتی که زایمان کند.<sup>۲۹۷</sup>

---

میزان الحکمة، ج ۲، ص ۱۱۷۹<sup>۲۹۵</sup>

بحار. <sup>۲۹۶</sup>

بحار ج ۱۰۰ ص ۲۸۹<sup>۲۹۷</sup>

و در روایت دیگری پیامبر اکرم به علی علیه السلام فرمود: اگر همسر تو باردار است با وی آمیزش ممکن مگر اینکه با وضو باشی.<sup>۲۹۸</sup>

«رسول خدا (ص): هرگاه زن و شوهر مسلمانی قصد آمیزش داشتند، مانند الاغ کاملاً برهنه نشوند! که اگر کاملاً برهنه شدند، ملائکه الهی از بین آندو می‌روند.»<sup>۲۹۹</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله : جهاد زن، خوب شوهرداری کردن است.<sup>۳۰۰</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: زنی که خود را خوشبو کند و از منزل خود خارج شود، به چنین زنی لعنت می‌شود - از رحمت خدا دور می‌گردد - تا هر زمان که به منزلش بازگردد.<sup>۳۰۱</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: هر مردی که همسرش با زینت و خودآرایی از منزلش خارج می‌شود دیوث است و هر کس چنین مردی را دیوث بنامد گناه نکرده است و اگر مردی راضی باشد که زنش با زینت و خوشبو از منزلش خارج شود با هر گامی که آن زن برمی‌دارد خانه‌ای در آتش - جهنم - برای آن مرد ساخته می‌شود.<sup>۳۰۲</sup>

فرماید: خداوند نماز سه گروه را نمی‌پذیرد؛ یکی از آنها دیوث است، و آن مردی است که شاهد ناپاکی و آلودگی جنسی همسرش است.<sup>۳۰۳</sup>

«امام صادق علیه السلام فرمود: در عهد رسول خدا صلی الله علیه و آله، مردی از انصار قصد مسافرت داشت، هنگام خارج شدن از خانه به همسرش گفت: تا من برنگشته‌ام از خانه بیرون نرو، چندی بعد،

---

وسائل ج ۱۴ ص ۱۸۸<sup>۲۹۸</sup>

بحار ج ۹۹<sup>۲۹۹</sup>

همان<sup>۳۰۰</sup>

بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۷، ح ۲۷<sup>۳۰۱</sup>

بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۹، ح ۳۸<sup>۳۰۲</sup>

وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۲۴۸، ح ۹

۳۰۳

پدر زن بیمار شد. این زن شخصی را خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله فرستاد که شوهرم گفته از خانه خارج نشو ولی اکنون پدرم بیمار شده است. می توانم به عیادت او بروم؟ حضرت جواب فرمود که در خانه بمان و از شویت اطاعت کن! چند روز بعد خبر رحلت پدرش را به او دادند. باز به پیامبر صلی الله علیه و آله پیغام داد که آیا می توانم بر جنازه پدرم حاضر شوم؟ حضرت جواب داد که در خانه بمان و از شویت اطاعت کن! تا اینکه پدرش را بخاک سپردند. وقتی شوهر از سفر آمد با زنش نزد پیامبر رفت. پیامبر صلی الله علیه و آله به زن بشارت داد که در مقابل اطاعت تو از شوهرت، خداوند سبحان تو و پدرت را آمرزید. <sup>۳۰۴</sup>»

امّ سلمه از پیامبر دربارهٔ ثواب خدمت زن به شوهرش پرسید. حضرت فرمود: «وقتی زن در خانه کار می کند و مثلاً وسیله ای را از جایی برمی دارد و در جای دیگر می گذارد، در این حال خداوند به او نظر می کند. و هر که خدا به او نظر کند، او را عذاب نمی کند.»

و فرمود:

«در نزد خداوند، نشستن زن در کنار شوهرش، از اعتکاف در مسجد من بالاتر است.»

و فرمود:

«هر زنی که در خانه شوهر، طوری شوهرداری کند که صلاح شوهر او باشد، خدا همه گناهان او را محو می کند و حسناتش را مضاعف می نماید. و چون از شوهر حامله شود، آنقدر برایش ثواب بنویسند، و مانند کسی است در تمام عمر روزه دار و دائم الصلوة بوده باشد. و هر بار که کودکش را شیر می دهد، مثل این است که بنده ای در

راه خدا آزاد کرده، و چون کودک را از شیر بگیرد، منادی از آسمان ندا کند: ای زن! تمام گناهان گذشته‌ات آمرزیده شد.»

پیامبر خطاب به امیرمومنان درباره آمیزش فرمود :

«آمیزش در مواقع و حالات زیر چنانچه منجر به انعقاد نطفه شود مکروه بوده و آثار زیانباری را در پی دارد:

روبه قبله و پشت به قبله، هنگام هلال و بدر و محاق ماه (شب چهارده) - در برابر آفتاب -  
عریان - ایستاده - در اول و وسط و آخر ماه که باعث جنون و جذام و صرع در مادر  
بچه می شود - بعد از ظهر که موجب قیچی می شود - صحبت کردن موقع آمیزش  
که موجب لال بودن بچه می شود - نگاه کردن به عورت زن که موجب کوری فرزند  
می شود - قرآن خواندن با حال جنابت - با یک دستمال تمیز کردن زن  
و شوهر خود را که باعث جدایی زن و شوهر می شود - نزدیکی در شب عید فطر که  
باعث شرور شدن بچه می شود - نزدیکی شب عید قربان که باعث نقصان در انگشتان  
بچه می شود - در زیر درخت که کودک قاتل می شود - بین اذان و اقامه - شب  
نیمه شعبان که کودک زشت می شود - دوروزمانده به آخر ماه - بالای پشت بام -  
در کشتی - بعد از جنب شدن - در حال حیض - شب چهارشنبه - در موقعی که  
کودکی در خانه باشد»

آمده است که سه نفر زن نزد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آمدند . یکی از آنها گفت: شوهرم  
گوشت نمی خورد! دیگری گفت: شوهرم بوی خوش استعمال نمی کند! سومی گفت: شوهرم  
نزدیکی با من را ترک کرده است .

رسول خدا صلی الله علیه و آله از خانه بیرون رفت و از روی غضب عبای خود را بر زمین می کشید . وقتی وارد مسجد شد، بر منبر بالا رفت و پس از حمد و ثنای الهی، فرمود: چرا عده ای از اصحاب من گوشت نمی خورند و بوی خوش استعمال نمی کنند و نزدیک زنان نمی روند؟ من گوشت می خورم . بوی خوش استعمال می کنم و بنزد زنان می روم و هر که سنت مرا عمل نکند از من نیست .

نماینده زنان در حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله

«روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در جمع اصحاب و یاران نشسته بودند که اسماء بنت یزید انصاری، به حضور پیغمبر صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: من نماینده زنان هستم تا از شما سؤالی بپرسم، و این فقط سؤال زنان انصار و مدینه نیست بلکه هیچ زنی در شرق و غرب عالم نیست مگر اینکه وقتی سؤال مرا بشنود، آن را می پذیرد . پس من در حقیقت نماینده همه زنان عالم هستم ! پدر و مادرم و خودم فدای شما ای رسول خدا .

حقیقتاً خداوند سبحان شمارا به پیامبری بسوی زنان و مردان مبعوث نمود، ما هم به تو و خدایت، ایمان آوردیم، و بدرستی که ما زنان، خانه نشین و در حجاب و محدود هستیم . غرائز جنسی شما مردها را برطرف می کنیم و فرزندان شما را بزرگ می نمائیم ! آن وقت شما مردها چند امتیاز بر ما زنها دارید: شما در نماز جمعه و جماعت و عیادت مریضها و تشیع جنازه و حج پیایی و از همه بالاتر در جهاد شرکت می کنید ! وقتی یکی از شما برای حج و عمره و جهاد، خارج می شوید، ما اموال شما را حفظ می کنیم، لباسهای شما را می بافیم، بچه های شما را بزرگ می کنیم در حالی که در اجر و ثواب کارهای شما شریک نیستیم !

در این موقع حضرت با تمام صورت به اصحابش متوجه شد و فرمود: آیا شما تاکنون زنی این چنین دیده اید که به این خوبی مسائل دینش را پرسد؟

اصحاب گفتند: ما فکر نمی کردیم زنی به این مرتبه برسد !

سپس پیغمبر به طرف آن زن توجه کرد و فرمود: ای خانم! خوب بفهم و به همه زنان اعلام کن! بددرستی که خوب شوهرداری کردن زن و جلب رضایت شوهر و موافق او عمل نمودن، مساوی و معادل همه این کارهای خیری است که مردان انجام می دهند!

آن زن در حالی که زبان را به لا اله الا الله بلند کرده بود نزد زنان برگشت.<sup>۳۰۵</sup>

رسول خدا (ص) شب زفاف فاطمه (س)، شترش بنام شهباء را آورد و فاطمه را بر آن سوار کرد و به سلمان فرمود که دهنه شتر را بگیر و خود، شتر را حرکت دادند. در راه صدای همهمه ای را شنیدند و مشاهده کردند که جبرئیل با هفتاد هزار فرشته و میکائیل با هفتاد هزار فرشته نازل شدند. پیغمبر (ص) سؤال کرد: چه شده که به زمین نازل شده اید؟ گفتند: ما آمده ایم در عروسی فاطمه (س) و علی (ع) شرکت کنیم. در این موقع جبرئیل تکبیر گفت و ملائکه هم تکبیر گفتند و رسول خدا (ص) هم تکبیر گفت. و از این تاریخ بود که تکبیر گفتن در عروسی مسلمین رسم شد.<sup>۳۰۶</sup>

فردای شب زفاف فاطمه (س)، صبح هنگام رسول خدا (ص) با ظرفی شیر به حجله رفت و ظرف شیر را به فاطمه (س) داد و فرمود: بخور! پدرت به فدایت. سپس ظرف شیر را به دست علی (ع) داد و فرمود: بخور! پسر عمویت به فدایت.<sup>۳۰۷</sup>

هدیه پیامبر به زهرا (س) و علی (ع)

---

<sup>305</sup> میزان الحکمه 2869/4

<sup>306</sup> فاطمه سرور زنان عالم

<sup>307</sup> بحار 140/43

«وقتی صبح عروسی حضرت زهرا، رسول خدا به دیدار او آمدند. فرمودند هدیه من به شما این است که کارهای خانه را تقسیم می‌کنم. کارهای داخل خانه برای زهرا که نامحرم‌اوست و کارهای خارج از خانه برای امیرالمؤمنین.

در این موقع حضرت زهرا فرمود: وقتی رسول خدا این مسئولیت کار خارج از خانه را از من برداشت فقط خدا می‌داند چقدر من خوشحال شدم.<sup>۳۰۸</sup>

همچنین زن باید هر زمان شوهر به او نیاز داشت، تمکین کند. لباس و ظاهر خود را با بهترین وجه بپوشد . اسرار خانه را برای زنان فامیل و همسایگان نقل نکند .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : بیشترین کسیکه بر زن حق دارد، شوهرش است و بیشترین کسیکه بر مرد حق دارد، مادرش است.<sup>۳۰۹</sup>

پیامبر عظیم الشان اسلام در این مورد می‌فرماید: «من دخل السوق فاشترى تحفة فحملها على عياله كان كحامل صدقة الى قوم محاييج؛<sup>۳۱۰</sup> مردی که وارد بازار شود و تحفه‌ای برای خانواده‌اش بخرد، اجر و پاداش او برابر با کسی است که نیازهای نیازمندان را برآورد.»

«رسول خدا(ص): حقّ مرد بر زن آنستکه زن برای شویش چراغ روشن کند و غذای خوب تهیه نماید و تادرب حیاط، به استقبالش شتابد و به او خوش آمد گوید و طشت و حوله آورد و دست‌اوستا را بشوید و جز بخاطر علّتی و عذری، خود را از شویش منع ننماید.»<sup>۳۱۱</sup>

<sup>308</sup> فاطمه سرور زنان عالم

معارف قرآن و اهل بیت ع<sup>309</sup>

امالی صدوق، ص 672؛ وسائل الشیعه، ج 21، ص 514<sup>310</sup>

مکارم الاخلاق<sup>311</sup>

روایت شده که: زنی خدمت حضرت رسول (ص) آمد و از حق شوهر بر زن سؤال کرد.

حضرت فرمود: آنقدر زیاد است که نمی توان همه آنها را گفت! ولی از جمله حقها آن است که زن بدون اجازه شوهر روزه مستحبی نگیرد و از خانه بیرون نرود و به نیکوترین بوهای خوش، خود را خوشبو کند و بهترین لباسهای خود را بپوشد و به بهترین زینت، آرایش کند و هر صبح و شب خود را بر شویش عرضه کند و اگر شویش قصد مقاربت داشت، ممانعت ننماید.<sup>۳۱۲</sup>

مردی که به زنش نیکی می کند کریم است و هر که به زنش اهانت کند لئیم است<sup>۳۱۳</sup>

هر چقدر ایمان مرد بیشتر شود علاقه اش به همسرش بیشتر می گردد<sup>۳۱۴</sup>

اگر مرد به زنش کمک کند پاداش پیامبرانی چون داود و یعقوب و عیسی را به او می دهند. و یک ساعت کار در خانه مساوی عبادت فراوانی است.<sup>۳۱۵</sup>

. پیامبر اعظم فرمود: از ما نیست کسی که از جهت مال و ثروت در وسعت باشد لیکن بر اهل و عیالش سختگیری کند.

و باز فرمود: عیال مرد اسیران او هستند. پس هر که خدا به او نعمتی داده باید مخارج اسیرانش را توسعه دهد والا ممکن است نعمتهایش گرفته شود.. امام کاظم ع فرمود: اسراف و سخت گیری در خرج نسبت به خانواده هر دو مکروه هستند. و امام رضا ع فرمود: سزاوار است مرد در مخارج اهل و عیالش توسعه دهد تا منتظر مرگش نباشند<sup>۳۱۶</sup>

حلیۃ المتقین<sup>312</sup>

. نهج الفصاحه ص 318<sup>313</sup>

وسائل ج 14 ص 9<sup>314</sup>

بحار ج 101 ص 132<sup>315</sup>

نظام خانواده در اسلام- محمد رضا سالاری فر<sup>316</sup>



«رسول خدا (ص): بیشترین کسیکه بر زن حق دارد، شوهرش است و بیشترین کسیکه بر مرد حق دارد، مادرش است.»<sup>۳۱۷</sup>

«رسول خدا (ص): سخن مرد که به زنش بگوید: تورا دوست دارم. هیچگاه از دل زن بیرون نرود.»<sup>۳۱۸</sup>

«رسول خدا (ص): مردیکه کنار همسرش بنشیند، در نزد من از اعتکاف در مسجدم بالاتر است.»<sup>۳۱۹</sup>

«رسول خدا (ص): بوی بهشت از مسیر پانصد سال به مشام می رسد ولی عاق والدین و دیوث این بورا احساس نمی کنند! سؤال شد: یا رسول الله! شخص دیوث کیست؟ فرمود: کسیکه می بیند زنا می کند ولی بی تفاوت است!»<sup>۳۲۰</sup>

پیامبر اکرم (ص) فرمود: هر مردی که همسر خود را به زنا نسبت دهد از کارهای نیک خود جدا می شود همچنانکه ما از پوست خود بیرون می رود (اعمالش باطل می شود) و به مقدار هر موئی که بر بدن اوست هزار گناه برایش می نویسند.<sup>۳۲۱</sup>

«رسول خدا (ص): ملعونه است! ملعونه است! زنیکه شوهرش را بیازارد و او را ناراحت کند. و سعادتمند است زنیکه شوهرش را احترام نماید و در همه حالات مطیع او باشد.»<sup>۳۲۲</sup>

«رسول خدا (ص): کسیکه بر بد اخلاقی زنش صبر کند، برای هر دفعه صبر کردن، ثواب حضرت ایوب (ع) را به او می دهند.»<sup>۳۲۳</sup>

---

میزان الحکمة<sup>317</sup>

همان<sup>318</sup>

همان<sup>319</sup>

وسائل الشیعة<sup>320</sup>

بجارج 100 ص 249.<sup>321</sup>

میزان الحکمة<sup>322</sup>

پیامبر اکرم (ص) فرمود: هر مردی که همسر خود را به زنا نسبت دهد از کارهای نیک خود جدا می شود همچنانکه ما از پوست خود بیرون می رود (اعمالش باطل می شود) و به مقدار هر موئی که بر بدن اوست هزار گناه برایش می نویسند.<sup>۳۲۴</sup>

پیامبر خداصلی الله علیه و آله فرمود: «خیر نسائکم الطیبۃ الطعام»<sup>۳۲۵</sup> بهترین زنان شما زنی است که غذای پاکیزه و دلپسند درست کند.

(( و زوجه مؤمنه تسره اذا نظر الیها و تحفظه اذا غاب عنها فی نفسها و ماله ))<sup>۳۲۶</sup>

پیامبر اکرم (ص) از خداوند عزوجل نقل می کند که فرمود: وقتی بخواهم خیر دنیا و آخرت را برای مسلمانی گرد آورم (چهار چیز به او می دهم اول) دلی متواضع و با پروا (دوم) زبانی که با ذکر گوید، (سوم) بدنی که بر بلا صبر و استقامت کند (چهارم) زن با ایمانی که چون به او نگاه کند، خوشحال و شاد شود، و در نبودن شوهر عقیف و در اموال شوهرش امین باشد. حضرت رسول راجع به زنی که شوهرش با او کار دارد اما او آنقدر معطل می کند تا شوهر به خواب رود فرمود: این زن همواره در لعنت ملائکه است تا شوهرش بیدار شود<sup>۳۲۷</sup> زن همواره باید برای شوهر آراسته باشد.

پیامبر اکرم (ص) نیز به زنی که از حقوق شوهر پرسیده بود فرمود: بر زن است که با بهترین عطر، خود را خوشبو کند، و بهترین لباس خود را بپوشد، و با بهترین زینت خویش، خود را زینت دهد و هر صبح و شب خود را بر شوهر عرضه کند.<sup>۳۲۸</sup>

---

همان 323

بجارج 100 ص 249.<sup>324</sup>

الكافي، ج 5، ص 325<sup>325</sup>

کافی، ج 5 ص 327<sup>326</sup>

کافی ج 5 ص 508<sup>327</sup>

کافی، ج 5 ص 509 و 508<sup>328</sup>

(( انی تعجب ممن يضرب امراته و هو بالضرب اولی منها ))

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده: تعجب می کنم از مردی که همسرش را می زند در حالی که خویش مستحق تر است به کتک خوردن.<sup>۳۲۹</sup> (خود دهها خطا را انجام داده است اما تحمل یک خطا را ندارد).

(( من اضرب امرأه حتی تفتدی منه نفسها لم یرض الله له بعقوبه دون النار. ))

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر مردی که همسرش را آزار دهد تا مهرش را ببخشد و جانش را آزار کند، خداوند به کمتر از جهنم او راضی نخواهد شد.<sup>۳۳۰</sup>

زنی که در برابر همسرش، هیچ نرمش و انعطاف ندارد و پیوسته به دنبال مقاومت و پافشاری و جبهه گیری در برابر خواسته های شوهر است. چنین زنی از دیدگاه رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بدترین زنان است<sup>۳۳۱</sup>

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

حُبِّ إِلَى مِنَ الدُّنْيَا النِّسَاءُ وَالطَّيِّبُ وَقُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ<sup>۳۳۲</sup>

رسول خدا(ص) فرمود: از دنیا سه چیز به نظر من خوش آیند است زنان و عطر ولی روشنی چشم من در نماز است.

ما بنی بناء فی الاسلام أحب إلى الله تعالی من التزویج<sup>۳۳۳</sup> «هیچ بنایی در رسول خدا(ص) می فرمود: «نزد پروردگار محبوب تر از بنای خانوادگی نیست»

داستان شگفت انگیز از حضرت آیه الله دستغیب ، ص 269<sup>329</sup>

وسائل ج 15، ص 490<sup>330</sup>

بحارالانوار، ج 103، ص 235، ح 20

331

332 شیخ صدوق، الخصال، دو جلد در يك مجلد، انتشارات جامعه مدرسین قم، 1403 هجری قمری، ح 217، ج 1 ص 165.

333 شیخ صدوق ، الفقیه، قم، انتشارات اسلامی، 1404 ق، ج 3، ص 383.

## با پنج (نوع) زن ازدواج نکن

در حدیث معتبر از رسول گرامی اسلام محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده است که آن حضرت از زید بن ثابت پرسید: آیا ازدواج کرده و زن اختیار نموده ای؟ زید بن ثابت جواب داد: نه، هنوز یا رسول الله. حضرت فرمود: ای زید زن بگیر تا پاکدامن بمانی، ولی با پنج (نوع) زن ازدواج نکن.

زید گفت: آنها کدام زنان هستند یا رسول الله؟

فرمود: عبارتند از (شهبره)، (لهبره)، (نهبره)، (هیدره)، و (لفوت)

زید عرض کرد: یا رسول الله، اینها که فرمودید، من نمی دانم یعنی چه؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: مگر شما عرب نیستید؟؟

(شهبره) به زنی می گویند که کبود رنگ و آبی چشم و بدزبان و بی حیا و هر چه به دهندش آید بگوید.

(لهبره) به زنی می گویند بلند قامت و لاغر اندام (کم عقل) باشد

(نهبره) به زنی می گویند که کوتاه قد و بد قیافه و زشت (سخن) باشد

(هیدره) به زنی می گویند که پیر سالخورده و حيله گر و مکاره باشد

(لفوت) به زنی می گویند که از قبل فرزند یا فرزندی داشته باشد

باز هم از نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده است که به زید بن ثابت فرمود: ای زید زن بگیر که ازدواج کردن و زن گرفتن مایه برکت و مزید عفت است، ولی از ازدواج با دوازده (نوع) زن پرهیز کن

زید گفت: آنها را برای من معرفی کن یا رسول الله؟

حضرت فرمود

(هنفصه): زنی که سلیطه باشد

(عنفصه): زنی که پر حرف و بدبو باشد

(شهبره): زنی که کبود رنگ و آبی چشم و بدزبان باشد

.(سقلیة): زنی که از (عقب) از دبرش حیض ببیند  
 .(مذبوبه): زنی که کم عقل و یا دیوانه بوده باشد  
 .(مذموه): زنی که ذم شده و نکوهیده باشد  
 .(حنانه): زنی که مرتب از شوهر سابقش یاد کند  
 .(منانه): زنی که با مال و ثروت خود بر شوهرش منت گذارد  
 .(رفشاء): زنی که بد سخن و فحاش و بد گو باشد  
 .(هیدره): زنی که پیر فرتوت و حيله گر باشد  
 .(ذوقناء): زنی که به عمل جنسی و آمیزش بی رغبت باشد  
 .(لفوت): زنی که از شوهر قبلی خود فرزند داشته باشد  
 باز هم در حدیثی از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است فرمود: آیا خبر  
 ندهم شما را به بدترین زنها، و آن زنی است که در نزد کسان خود خوار و ذلیل و نسبت به شوهر  
 عزیز باشد و عقیم و کینه دار باشد و از کار زشت و قبیح کناره نجوید و در غیاب شوهرش زینت کند  
 و در حضور شوهر زینتش را از او بپوشاند و حرف او را نشنود و فرمان او را اطاعت نکند و در خلوت  
 از شوهرش تمکین ننماید عذر شوهرش را نپذیرفته و اگر خلافی از او صادر شد آن را نقل مجالس  
 کند .

و همچنین آن حضرت فرموده

بدترین زنان شما زن نازا، کثیف، لجباز، و نافرمانی است که در چشم فامیلش حقیر و در نظر خود  
 عزیز باشد و نسبت به شوهر خود سرکش و نافرمان و با دیگران رام و تسلیم و خوش صحبت  
 باشد! ۳۳۴

**زنی که با شوهر خود پر خاشگیری می کند**

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: هر زنی که با زبان خود با شوهرش پر خاشگیری نماید در روز قیامت او را با زبان آویزان نموده و دو دستش را با میخهایی از آتش میخکوب خواهند نمود!<sup>۳۳۵</sup>

زنی که با زبان خود شوهرش را مورد آزار و اذیت قرار می دهد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: خدای متعال اعمال نیک زنی که با زبانش شوهر خود را مورد آزار و اذیت قرار می دهد قبول نمی کند مگر آن هنگامی که رضایت شوهرش را جلب نماید.<sup>۳۳۶</sup>

زنی که به شوهر خود سخنی ناروا بگوید پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: زنی که به شوهر خود بگوید: اُف بر تو! مورد لعن و نفرین خدای متعال و ملائکه و مردم قرار دارد<sup>۳۳۷</sup>

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: زنی که با زبانش با شوهرش حاضر جوابی کند؛ او را با زبانش آویزان می کنند و میخ هائی از آتش را به دستان او می کوبند!<sup>۳۳۸</sup>

### زنی که بر شوهرش منت می گذارد

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: چنانچه زنی تمام طلاها و نقره های زمین را به عنوان جهاز به منزل شوهرش ببرد، اما روزی از روزها این زن به شوهر خود سر کوفت زده و به او بگوید: تو دیگر کیستی؟! این مال، مال من است، در این صورت، ثواب اعمال چنین زنی نابود می گردد حتی اگر او

---

<sup>335</sup> مستدرک ج 14 ص 240

<sup>336</sup> مکارم الأخلاق ج 1 ص 463

<sup>337</sup> عوالم علوم سیدة النساء (علیها السلام) و مستدرکاتها ج 1 ص 524

<sup>338</sup> مستدرک الوسائل ج 14 ص 240

از جمله ی بهترین عبادت کنندگان باشد. مگر آنکه از کرده ی خود توبه نموده و از شوهرش عذرخواهی نماید.<sup>۳۳۹</sup>

### اگر ناسازگاری با شوهر و آزار دادن به او نبود هیچ زن نمازگزاری به آتش قیامت نمی سوخت

رسول اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در این زمینه سخنرانی عجیبی فرمودند: ای زنان! در راه خدا صدقه دهید گرچه از زیور و زینت خود، گرچه یک دانه خرما، چه اینکه بیشتر شما هیزم جهنم هستید، لعنت می کنید، و نسبت به خدمات شوهر سپاسگزار نیستید. زنی عرضه داشت: مگر ما نیستیم که مادری می کنیم، کودک را ماه ها در شکم می پرورانیم، به او شیر می دهیم، مگر این دختران سرپرست خانه ها، و این خواهران دلسوز برادرها از جنس ما نیستند؟ فرمود: چرا، باردار هستید، فرزند می آورید، شیر می دهید، مهربان و با عاطفه اید، اگر ناسازگاری با شوهر و آزار دادن به او نبود هیچ زن نمازگزاری به آتش قیامت نمی سوخت.<sup>۳۴۰</sup>

جویر و دلفا

جویر» مرد جوان تازه مسلمانی است که در مدینه مانده تا دینش را نزد پیغمبر درست کند و در « صَفّه ای که کنار مسجد بود، در میان فقرا جا داشت. گاهی نان و گاهی خرما و گاهی هر دو از طرف پیغمبر به او می رسید

:روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله او را مورد لطف بیشتری قرار داد و پرسید

«آیا میل ازدواج داری؟»

«عرض کرد: «یا رسول الله! بلی اما کی به من دختر می دهد؟ من که نه مال دارم و نه شأن و نه قیافه

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اسلام، همه چیز را جبران می کند. مؤمن همشأن مؤمنه است

## المسلم کفو المسلمه

«سیاه و سفید ندارد، عرب و عجم ندارد، همه یکنواخت است و میزان تقواست

حضرت او را نزد زیاد بن لبید، - که از اشراف قبیله ای از قبایل اطراف مدینه بود - فرستاد و فرمود: «به

»او بگو پیغمبر مرا فرستاده که دخترت را به عقد من درآوری

جویر اطاعت کرد و رفت در مجلس زیاد بن لبید چند نفر دیگر هم حضور داشتند و گفت: «پیغامی

»از طرف رسول خدا صلی الله علیه و آله برایت دارم، آیا در حضور دیگران بگویم یا خصوصی

زیاد گفت: «زهی شرف از پیغام رسول خدا صلی الله علیه و آله مانعی ندارد در حضور دیگران

»بگویی.

»گفت: «رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دخترت ذلفا را به عقد من درآوری

»زیاد، یکه خورد و آنچه در دلش بود گفت: «تو همشأن ما نیستی، چگونه به تو دختر بدهم؟

جویر برخاست که برود، گفت: «به خدا سوگند! آنچه تو می گویی راه و روش اسلام نیست». آنگاه

حرکت کرد

»دختر از پدرش پرسید: «کی بود؟ و جریان چه بود؟

زیاد گفت: «جوان فقیری آمده بود و می گفت از پیش پیغمبر صلی الله علیه و آله آمده و او را

»فرستاده است که تو را به او تزویج نمایم

دختر گفت: «پدر! زود دنبالش برو تا رسول خدا صلی الله علیه و آله را ناراحت نکرده است او را

»بیاور

زیاد به دنبال جویر رفت و گفت: «برگرد تا من خودم به مدینه بروم و بینم آیا خود رسول خدا صلی

»الله علیه و آله چنین فرموده است یا نه؟



به مدینه آمد و جریان را از پیغمبر صلی الله علیه و آله پرسید. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آری من او را فرستاده‌ام». برگشت و لباس مناسبی برای جویبر فراهم کرد، وسایل زندگی اش را نیز «تهیه و خانه ای نیز برایش آماده کرد

جویبر، شب عروسی نگاه به صورت دختر کرد و جمالش را دید گفت: «ای خدایی که تو به من نعمت دادی، شکر تو مقدم بر هر چیزی است». و تا صبح، نماز و سجده شکر بجا آورد و فردا نیز به شکرانه این نعمت، روزه گرفت، سه شبانه روز وضعش چنین بود

روز سوم زیاد خیلی ناراحت بود، خدمت پیغمبر آمد و گفت مثل این که این داماد اقتضای ازدواج ندارد.

«پیغمبر صلی الله علیه و آله کسی را به دنبالش فرستاد و از او پرسید: «مگر میل به زن نداری؟

گفت: «چرا خیلی هم مایل هستم

». فرمود: «پس چرا از همسرت کناره گرفته ای؟

عرض کرد: «به خاطر شکر این نعمت بزرگ، خواستم سه شبانه روز، شبها به طاعت به سر برم و «روزها روزه بگیرم؛ اما از امشب به سراغش می روم.<sup>۳۴۱</sup>

در کافی با اسناد خود از امام صادق (ع)، به نقل از پدرانش (ع) نقل شده که آن حضرت می گوید: «رسول خدا (ص) فرمود: یک فرد مسلمان پس از اسلام هیچ بهره ای به دست نیاورده است که بالاتر از همسر مسلمانی باشد که هر گاه بر او نظر کند باعث شادمانی او گردد و هر گاه دستوری دهد اطاعت کند و در غیاب او، جان و مالش را حفظ کند.» \*کافی، ج ۵، ص ۳۲۷.\*\*\* و نیز به اسناد خود از آن حضرت نقل کرده:

«رسول خدا (ص) فرمود: تزویج کنید و به همسری درآورید! بدانید که از بهره مندی و خوشبختی

انسان، ازدواج کردن و دادن هزینه دامادی است، و هیچ چیزی نزد خدای عزّ و جلّ محبوبتر از خانه ای نیست که در اسلام به وسیله ازدواج آباد شود و هیچ چیزی در نزد خدای عزّ و جلّ مبغوضتر از خانه ای نیست که در اسلام به وسیله جدایی - یعنی طلاق - ویران گردد. سپس امام صادق (ع) فرمود: خدای متعال درباره طلاق تأکید فرموده و خشم خود را نسبت به جدایی زن و مرد چندین بار بیان کرده است. «\*\* همان مأخذ، ص 328\*\*\*».

و نیز به اسناد خود از آن بزرگوار نقل کرده است: «دو رکعت نمازی را که شخص ازدواج کرده به جا آورد بهتر از هفتاد رکعتی است که فرد مجرد به جا آورد.» \*\* همان مأخذ، ص 328\*\*\*.

و به اسناد خود از آن حضرت نقل کرده است: «رسول خدا (ص) فرمود: هر کس ازدواج کند نصف دینش را تأمین کرده و باید نسبت به نصف دیگر - و یا باقیمانده آن - از خدا بترسد.» \*\* همان مأخذ، ص 329\*\*\*.

و با اسنادی از امام صادق (ع) نقل کرده است: «رسول خدا (ص) فرمود: پست ترین مردگان شما افرادی هستند که عزب بمیرند.» \*\* همان مأخذ، ص 329\*\*\*.

و نیز به اسناد خود از آن حضرت نقل کرده است، فرمود: «وقتی که حضرت یوسف برادرش را ملاقات کرد، گفت: برادر چگونه بعد از من توانستی با زنان ازدواج کنی؟ جواب داد: پدرم - یعقوب - مرا مأمور به ازدواج کرد و گفت: اگر می توانی دارای فرزندی باشی که زمین را با تسبیح خدا سنگین کنند، ازدواج کن.» \*\* کافی، ج 5، ص 329\*\*\*.

و با اسنادی از امام صادق (ع) نقل کرده است: «امیر المؤمنین (ع) فرمود: ازدواج کنید که رسول خدا (ص) فرمود: هر کس دوست دارد از سنت من پیروی کند، همانا ازدواج از سنت من است.» \*\* کافی، ج 5، ص 329\*\*\*.

و به اسناد خود، از آن حضرت نقل کرده است که فرمود: «مردی نزد پدرم آمد، پدرم پرسید: آیا شما همسر دارید؟ عرض کرد: خیر. پدرم فرمود: دو رکعت نمازی که مرد همسر دار به جا آورد با فضیلت تر از آن است که مرد بدون همسری شبها مشغول عبادت و روزها روزه دار باشد. آنگاه پدرم، هفت دینار به او داد و فرمود: با این مبلغ ازدواج کن، و بعد گفت: رسول خدا (ص) فرموده: تأهل اختیار کنید که روزی تان بیشتر می شود.» \*\* کافی، ج 5، ص 329\*\*\*.

و نیز به اسناد خود از آن حضرت نقل کرده است: «هر که از ترس نیازمندی و فقر ازدواج را ترک کند، به خدا بدبین شده است.» \*\*\* همان مأخذ، ص 330\*\*\*.

و با اسناد خود از آن حضرت نقل کرده است که فرمود: «مردی خدمت پیامبر (ص) رسید و از نیازی که داشت به حضور آن بزرگوار شکوه کرد، پیامبر فرمود:

ازدواج کن، آن مرد ازدواج کرد و روزی اش فراوان شد.» \*\*\* همان مأخذ، ص 330\*\*\*.

و نیز به اسناد خود، نقل کرده، می گوید: «از امام صادق (ع) راجع به این حدیث پرسیدند که مردم نقل می کنند؛ مردی خدمت پیامبر (ص) آمد، و از نیازمندی خود، شکایت کرد. پیامبر او را مأمور به ازدواج کرد، و او دستور پیامبر را اجرا کرد، ... آیا چنین حدیثی درست است یا نه؟ امام صادق (ع) فرمود: آری این حدیث درست است و بعد افزود: روزی به همراه زنان و عیال است.» \*\*\* کافی، ج 5، ص 330\*\*\*.

و با اسناد خود از آن حضرت به نقل از پدرانش آورده است: «رسول خدا (ص) فرمود: هر کس از بیم فقر و تنگدستی ازدواج را ترک کند، به خدا بد گمان شده است، زیرا خداوند عز و جل می فرماید: *إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ* \*\*\* کافی، ج 5، ص 330. \*\*\* نور/ 32:

۱. بیان آداب، سبک رفتار و سیره پیامبر (ص) در ازدواج را اینگونه دسته بندی می کنیم

بی توجهی به مظاهر مادی: خواستگاران حضرت فاطمه (س)، معمولاً از افراد سرشناس و یا دارای

ثروت و مکنت بودند. مثلاً عبدالرحمان بن عوف نیز با پیشنهاد مهریه ای کلان به خواستگاری آمده

بود.<sup>۳۴۲</sup> ولی پیامبر اکرم (ص) و حضرت فاطمه (س) به خواستگارها پاسخ منفی دادند

مشورت با دختر: پیامبر اکرم (ص) بر خلاف عرف جامعه آن روزگار که مشورت با دختران را ناپسند

می شمرد<sup>۳۴۳</sup>، در همه موارد ابتدا با حضرت فاطمه (س) مشورت کرده و قبل از آن، نظری ابراز

<sup>342</sup> دلائل الامامة، ص 82

<sup>343</sup> المفصل فی تاریخ العرب، ج 4 ص 636

نمی نمود. در خواستگاری امیرالمؤمنین (ع) نیز پیامبر (ص) با رویی گشاده از ایشان استقبال نمود ولی پاسخ درخواست ازدواج را منوط به نظرخواهی از حضرت فاطمه (س) کرد.<sup>۳۴۴</sup>

تبیین همسانی (کفو): همسانی زن و شوهر مورد توجه همه جوامع و افراد است، ولی تبیین مراد از همسانی در جوامع و افراد متفاوت است. پیامبر اکرم (ص) در موارد ازدواج دیگران همچون ازدواج جویبر (صحابی فقیر خود) با زلفی (دختر یکی از رؤسای قبایل عرب) تصریح کردند که مراد از همسانی، ثروت و موقعیت اجتماعی نیست، بلکه دین، خُلق و فرهنگ است. با توجه به این تعریف از کفویت، سرور زنان جهانیان قرین و همسانی نداشت. از این رو حضرتش در ازدواج حضرت فاطمه (س) فرمود: «لولا علی ما کان لها کفو».<sup>۳۴۵</sup> یعنی والایی شخصیت، ایمان و فرهنگ حضرت فاطمه (س) اقتضاء می کند که تنها امیرالمؤمنین (ع) شایسته ازدواج با ایشان باشد. دیگر افراد در هر موقعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که باشند صلاحیت ازدواج با او را دارا نیستند. گفتنی است، در مورد سایر دختران پیامبر (ص) نیز این اصل رعایت شده است ولی به سبب آن که آنها از والایی منحصر به فرد حضرت فاطمه (س) برخوردار نبودند، پیامبر اکرم (ص) با ازدواج آنها با اقران خویش موافقت نمود.

جلوه گری حیا: آن گاه که پیامبر (ص) خواسته خواستگاران را با حضرت فاطمه (س) در میان می نهاد حضرتش بدون کلام و تنها با رفتار خود به پیامبر (ص) پاسخ می داد. در مورد خواستگاهای قبلی، ایشان روی برمی گرداند و مخالفت خویش را ابراز می نمود. ولی آنگاه که خواستگاری امیرالمؤمنین (ع) را شنید سر به زیر انداخت و سکوت کرد. پیامبر (ص) با تقدیر شایستگی حیای دخترانه حضرت فاطمه (س) فرمود: «الله اکبر سکوتها اقرارها؛ سکوت او نشانه پذیرفتن اوست».<sup>۳۴۶</sup> و به این گونه زیبایی سکوت و حیای زنانه را ستود

---

<sup>۳۴۴</sup> امالی طوسی، ص ۳۹ ح ۴۴.

<sup>۳۴۵</sup> بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۵۸.

<sup>۳۴۶</sup> بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۲۷.

ارائه مشورت به دختر: اگر چه نظرخواهی از دختر هنگام ازدواج امری لازم و ضروری است ولی مشورت دادن به او در انتخاب مسیر صحیح نیز مورد توجه پیامبر(ص) بوده است. ایشان در موارد پیشین تنها به اعلام خواستگاری فرد بسنده می نمود ولی در هنگام رساندن پیام خواستگاری امیرمؤمنان(ع) فرمود: «علی بن ابی طالب کسی است که خویشاوندی، فضایل و اسلامش را می شناسی، من از خداوند خواسته ام تو را به همسری بهترین آفریدگانش و محبوب ترین آنها در نزدش درآورد، اکنون علی از تو خواستگاری کرده است. نظرت چیست؟».<sup>347</sup>

تعیین مهریه اندک: مهریه یا صداق، نشانه صدق مرد در خواستگاری از زن دانسته شده است. از این رو به گمان برخی، افزونی صداق نشان دهنده ارزش گذاری بیشتر برای همسر آینده است. این باور غلط کهن، اکنون نیز در جامعه و حتی در میان اقشار تنگدست، وجود دارد. پیامبر اکرم(ص) با این رویه نیز مخالفت کرد. زیرا امیرمؤمنان(ع) همانند بیشتر مهاجران و انصار، زندگی فقیرانه ای داشت و برای گذران زندگی نیز دچار مشکل بود. پیامبر اکرم(ص) با تعیین مهریه ای اندک، عنوان مهرالسَّنه را به یک اصطلاح تبدیل کرد تا پیروان حضرتش بدانند که شخصیت زن و مبارکی ازدواج به فراوانی مهریه نیست.

تعیین مهریه مطابق با دارایی مرد: دارایی امیرمؤمنان(ع) هنگام ازدواج تنها سه چیز بود: شتر آبکشی، که با آن کار می کرد، شمشیر، که در میدان جنگ بدان نیاز داشت و زره که هنگام مبارزه حضرت را از تیررس دشمنان محافظت می کرد.<sup>348</sup> پیامبر(ص) به ایشان فرمود: «زره از بقیه دارایی تو، کمتر به کارت می آید بنابراین همان را مهر حضرت فاطمه قرار بده». مهریه تعیین شده اندک و در وسع داماد بود. امیرمؤمنان به صورت بالفعل مهریه را مالک بود و همان زمان مهریه را به پیامبر(ص) پرداخت نمود. زره خود را به قیمت 480 درهم فروخت و پول آن را در اختیار پیامبر(ص) قرار داد. اگر چه خریدار زره، دوباره آن را به امیرمؤمنان(ع) بازگرداند زیرا بیشتر از او مورد نیاز حضرتش بود.

<sup>347</sup> همان

<sup>348</sup> کشف الغمة، ج 1، ص 355.

علنی و عمومی بودن عقد: آنگاه که قرار بر ازدواج امیر مؤمنان (ع) و حضرت فاطمه (س) گذاشته شد، پیامبر اکرم (ص) قاصدانی را به اطراف مدینه فرستاد و مردم را به مسجد فراخواند. در بالای منبر خطبه خواند و ازدواج آنها را اعلان کرد. امیر مؤمنان (ع) نیز خطبه خواند و رضایت خویش را بیان نمود.

جهیزیه ساده: پیامبر اکرم (ص)، یک سوم از مهریه را در اختیار ابوبکر نهاد تا با آن جهیزیه ساده‌ای تهیه کند. جهیزیه‌ای که بیشتر آن از اجناس سفالین و مطابق با زندگی ساده و محقرانه پیامبر (ص) و امیر مؤمنان (ع) بوده است. لیست جهیزیه حضرت فاطمه (ع) در مصادر تاریخی و حدیثی آمده است.<sup>۳۴۹</sup> پیامبر (ص) پس از دیدن جهیزیه این گونه دعا نمود: «بارالها، مبارک گردان برای کسانی که»<sup>۳۵۰</sup> بیشتر ظروف آن سفالین است.

ولیمه عمومی: ولیمه دادن در عروسی مورد تأکید اسلام است.<sup>۳۵۱</sup> پیامبر اکرم (ص) هنگام عروسی خویش نیز ولیمه داده‌اند،<sup>۳۵۲</sup> ولیمه ازدواج حضرت فاطمه (س) به گونه گسترده در متون حدیثی و تاریخی ذکر شده است.<sup>۳۵۳</sup> پیامبر (ص) به امیر مؤمنان (ع) فرمود: «مراسم عروسی، ولیمه لازم دارد». جناب ایشان شخصاً دست اندر کار ولیمه بود. دعوت به ولیمه نیز عمومی بوده و اختصاص به گروه خاصی نداشت.<sup>۳۵۴</sup>

ولیمه دادن فقط در پنج چیز است: عروسی، ختنه، خرید خانه، سفر حج و تولد فرزند.<sup>۳۵۵</sup> غذای ولیمه: افزون بر نانی که پخته و گوسفندی که ذبح و آماده شد، پیامبر اکرم (ص) به دست خویش شیرینی با خرما و روغن آماده کرد. غذای عروسی بسیار خوش خوراک و با برکت بود به گونه‌ای که برخی میهمانان، شیرینی و ولیمه هیچ عروسی را با آن قابل مقایسه ندانستند. برخی نیز

<sup>۳۴۹</sup> امالی طوسی

<sup>۳۵۰</sup> محاسن برقی، ج ۲ ص ۴۱۷

<sup>۳۵۱</sup> کافی، ج ۵ ص ۳۶۸

<sup>۳۵۲</sup> سنن نسایی، ج ۶ ص ۷۳

<sup>۳۵۳</sup> امالی طوسی، ص ۴۲.

<sup>354</sup>گفته‌اند: «هیچ ولیمه‌ای در آن زمان برتر از این ولیمه نبود».

تلاش برای ساماندهی زندگی جدید: تهیه منزل برای خانواده جدید، از دغدغه‌های اصلی پس از هر ازدواج در همه زمان‌ها بوده است. امیرالمؤمنین (ع) از افراد مهاجر به مدینه بود و طبیعتاً منزل ویژه‌ای حضرت فاطمه (س) نیز تمایل داشت. نداشت، از این رو در صدد بود منزلی در وسع خود آماده کند که در نزدیکی پیامبر (ص) زندگی کند تا ملاقاتش با حضرت راحت‌تر باشد، این خواسته نیز خواسته‌ای طبیعی در آن دوره و امروز است. پیامبر اکرم (ص) خود در منزلی که در ملک حارثه بن نعمان بود، زندگی می‌کرد ولی حیا می‌کرد که برای دختر خویش نیز از او منزلی درخواست کند. آنگاه که حارثه بن نعمان از مطلب آگاه شد با افتخار منزل خود را در اختیار این زوج نهاد تا افتخار <sup>355</sup>ساماندهی برترین و سرافرازترین خانواده هستی نصیب او شود.

شراکت در مراسم عروسی: مراسم عمومی ازدواج به گونه‌ای بود که طرفین ازدواج در آن دخالت داشتند. به هنگام تهیه ولیمه، پیامبر (ص) به امیرمؤمنان فرمود: «برای این مراسم، غذای فراوانی تهیه کن، گوشت و نان از جانب ما و خرما و روغن بر عهده تو باشد». در پذیرایی نیز هر دو خانواده <sup>356</sup>دخالت داشته و با هم مشارکت می‌کردند.

حضور پیامبر (ص) در جزئیات مراسم: بیشتر امور خصوصی ازدواج حضرت فاطمه (س) بر عهده پیامبر (ص) بود. افزون بر علاقه خاص پیامبر (ص) به حضرت فاطمه (س)، به سبب رحلت حضرت خدیجه (س)، پیامبر اکرم (ص) کارهای مرتبط با مادر خانواده را نیز به عهده گرفت. آوردیم که در تهیه ولیمه، پیامبر اکرم (ص) شخصاً به تهیه شرینی پرداخت. در مراسم کشیدن غذا نیز حضرتش شخصاً شرکت داشت و آشپزی و تقسیم غذا را به عهده داشت. پس از پایان ولیمه - که در روز انجام شده بود - پیامبر اکرم (ص) فاطمه (س) را خواست و او آکنده از آزمون به حضور حضرتش رسید.

---

<sup>354</sup> طبقات کبری، ج 8 ص 23

<sup>355</sup> اعلام الوری، ص 81.

<sup>356</sup> امالی طوسی، ص 40 - 42.

پیامبر(ص) او را دعا کرد، نقاب از چهره‌اش برگرفت و دستش را در دست امیرمؤمنان(ع) نهاد. آنگاه آنها را به منزل جدید فرستاد و فرمود: «منتظر باشید تا من بیایم». رسول خدا(ص) میان آنها نشست قدحی آب در دست گرفت و قطراتی را بر سر و سینه عروس و داماد پاشید.<sup>۳۵۷</sup> پس از زفاف نیز نزد<sup>358</sup> آنها آمد و ظرفی از شیر آورد و به هر دو خوراند.

نصیحت و دعا برای خانواده جدید: در تمام مراحل ازدواج، عروسی و تشکیل خانواده جدید، محبت، همراهی، نصیحت و دعای پیامبر(ص) به چشم می‌آید. آنگاه که پیامبر(ص) دست فاطمه را در دست علی(ع) نهاد فرمود: «یا علی، خدا همسری فاطمه را بر تو مبارک گرداند. فاطمه همسر خوبی است و سپس به حضرت فاطمه فرمود: علی شوهر خوبی است». در منزل جدید هم هر دو را دعا کرد و فرمود: «اللهم هذه ابنتی و احب الخلق إلیّ و هذا اخی و احبّ الخلق إلیّ، اللهم لك ولیا و لك حفیاء و بارك له فی اهلہ». <sup>۳۵۹</sup> پس از زفاف نیز نزد آنها آمد و برایشان دعا کرد تا زندگی پر مهر و<sup>360</sup> فرزندانی پاک و امامان هدایت داشته باشند.

تکبیر گفتن در عروسی: در مراسم عروسی حضرت فاطمه(س)، جبرئیل همراه با هفتاد هزار فرشته به زمین آمدند تا شاهد این عروسی فرخنده باشند. جبرئیل تکبیر گفت و فرشتگان نیز تکبیر گفتند. پیامبر(ص) نیز تکبیر گفت و مسلمانان از ایشان پیروی کردند. پس از آن تکبیر گفتن در مراسم<sup>362</sup> عروسی به سنت تبدیل شد.<sup>۳۶۱</sup>

**رسول خدا(ص): سه چیز از ستم است. اول آنکه مردی با شخص دیگری رفیق باشد ولی از مشخصاتش سؤال نکند. دوم آنکه شخصی را به غذا دعوت کنند ولی او رد کند**

---

<sup>357</sup> امالی طوسی، ص 42.

<sup>358</sup> مناقب ابن شهر آشوب، ج 3 ص 131.

<sup>359</sup> همان

<sup>360</sup> ilhk

<sup>361</sup> <https://wrc.ir/hora/detail/3/3/1392/68/782>

<sup>362</sup> امالی طوسی، ص 258



و اگر قبول کند، عذآنخورد. سوم آنکه شخص قبل از ملاعبه با همسرش، نزدیکی<sup>363</sup> کند.»

«رسول خدا (ص): هرگاه زن و شوهر مسلمانی قصد آمیزش داشتند، مانند الاغ کاملاً برهنه نشوند! که اگر کاملاً برهنه شدند، ملائکه الهی از بین آندو می روند.»<sup>364</sup>

رسول خدا (ص): هنگامیکه به عروسی دعوت می شوید با کندی بروید که در آنجا از دنیا یاد<sup>365</sup> می شود و اگر به تشییع جنازه دعوت شدید، با سرعت بروید که در آنجا، آخرت بیاد می آید.»  
«رسول خدا (ص): ولیمه فقط در پنج چیز مستحب است: ازدواج، ولادت، ختنه، حج و خرید خانه.»<sup>366</sup>  
«رسول خدا (ص): زنیکه قبل از عروسی، مهرش را ببخشد، خداوند برای هر دیناری، ثواب آزاد<sup>367</sup> کردن یک بنده را به او می دهد.»

«رسول خدا (ص): بهترین زنان امت، من آنانی هستند که مهرشان کم و صورتشان<sup>368</sup> زیباست.»

«رسول خدا (ص): کسیکه مهر زنش را ندهد، در نزد خدا زناکار محسوب می شود! و خدا در قیامت به او می گوید: بنده ام! کنیزم را برایت طبق عهدهی حلال نمودم ولی تو به عهدهت عمل نکردی! در این موقع خداوند حق زن را از مرد طلب می کند و از ثوابهای مرد به زن می دهد. و اگر همه حسنات مرد را داد ولی حق زن کامل نشد، خدا امر می کند مرد را به جهنم بیاورد!»<sup>369</sup>

«رسول خدا (ص): حیا ده جزء است که نه جزء آن در زنان می باشد و یک جزء در مردان. زن چون حیض شود، یکجزء آن را از دست می دهد و چون شوهر کند، جزء دیگرش برود و چون بکارش

---

<sup>363</sup> بحار ج 99

<sup>364</sup> همان

<sup>365</sup> میزان الحکمه

<sup>366</sup> بحار ج 22 ص 124

<sup>367</sup> بحار ج 103

<sup>368</sup> میزان الحکمه

<sup>369</sup> همان

ازاله گردد، جزء دیگری از حیا برود و چون فرزندی بزاید، یکجزء دیگر برود و پنج جزء باقی بماند. و اگر بزنا آلوده گردد و بفساد گراید، همه حیا برود و اگر عفت خود را نگه دارد، پنج جزء<sup>370</sup> بماند.»

«رسول خدا (ص): اگر زن نمازهای پنجگانه را بخواند و روزه رمضان بگیرد و خود را از زنا نگه دارد و اطاعت شوهرش کند، از هر دری که بخواهد به بهشت می رود.»<sup>۳۷۱</sup>

«رسول خدا (ص): از گلهای لجنزار بپرهیزید! گفتند: گلهای لجنزار چیستند؟ فرمود: زنان زیبا که<sup>372</sup> در خانوادهاى پست و بد تربیت شده اند.»

«از جمله دعاهاى رسول خدا (ص) این بود: خدا یا! بتو پناه می برم از زنیکه قبل از اینکه پیرشوم مرا پیر کند!»<sup>۳۷۳</sup>

**«رسول خدا (ص): حقّ مرد بر زن آنستکه زن برای شویش چراغ روشن کند و غذای خوب تهیه نماید و تا در ب حیاط، به استقبالش شتابد و به او خوش آمد گوید و طشت و حوله آورد و دست او را بشوید و جز بخاطر علّتی و عذری، خود را از شویش منع ننماید.»<sup>374</sup>**

«روایت شده که: زنی خدمت حضرت رسول (ص) آمد و از حق شوهر بر زن سؤال کرد. حضرت فرمود: آنقدر زیاد است که نمی توان همه آنها را گفت! اولی از جمله حقها آن است که زن بدون اجازه شوهر روزه مستحبی نگیرد و از خانه بیرون نرود و به نیکوترین بوهای خوش، خود را خوشبو کند و بهترین لباسهای خود را بپوشد و به بهترین زینت، آرایش کند و هر صبح و شب خود را بر شویش عرضه کند و اگر شویش قصد مقاربت داشت، ممانعت ننماید.»<sup>۳۷۵</sup>

«رسول خدا (ص): هر زنیکه شوهر او را برای جماع صدا بزند و او تأخیر کند تا اینکه شوهر بخواب رود، پیوسته ملائکه او را لعن کنند تا شوهر بیدار شود!»<sup>۳۷۶</sup>

---

<sup>370</sup> مکارم الاخلاق

<sup>371</sup> همان

<sup>372</sup> میزان الحکمه

<sup>373</sup> همان

<sup>374</sup> مکارم الاخلاق

<sup>375</sup> حلیة المتقین

<sup>376</sup> همان

«زنی از رسول خدا (ص) پرسید: چه اجری در آمیزش شوهر با همسرش است؟  
 حضرت فرمود: چون شوهر نزد تو آید، دو ملک او را همراهی کنند و مانند کسی باشد که شمشیر خود را  
 آماده نموده تا در راه خدا بجنگد. و چون با تو نزدیکی کند، گناهانش بریزد مثل برگ که از  
 درخت بریزد و چون غسل کند، از گناهش بیرون آید.»<sup>۳۷۷</sup>

«رسول خدا (ص): بهترین مردان امت من کسانی هستند، که به اهل خانه خود تعدی و ستم روا ندارند و بر  
 آنها<sup>378</sup> رحمت آورند و به آنها ظلم ننمایند.»

«مردی خدمت رسول خدا (ص) آمد و گفت: یا رسول الله! همسری دارم که چون بخانه می روم، به پیشباز  
 می آید و هنگام خارج شدنم، بدرقه ام می کند و اگر مرا اندوهگین ببیند، می گوید: غصه نخور که اگر غم  
 روزی را می خوری، خداوند روزی رسان است و اگر غم آخرت داری خداوند بر غمهایت بیافزاید!  
 حضرت فرمود: به او بشارت بهشت بده و به او بگو که تو یکی از عاملان خداوندی و در هر روز پاداش  
 هفتاد شهید برایت خواهد بود.»<sup>۳۷۹</sup>

«رسول خدا (ص): اگر زنی با خود به خانه شوهر، طلا و نقره و جواهر ببرد. ولی روزی به شوهرش  
 بگوید: تو کی هستی! همه این اموال مال من است! همه اعمالش باطل می شود اگر چه عابدترین مردم  
 باشد. مگر اینکه توبه کند و از شوهرش عذر بخواهد.»<sup>۳۸۰</sup>

«رسول خدا (ص): جهاد زن، خوب شوهر داری کردن است.»<sup>۳۸۱</sup>

«رسول خدا (ص): بیشترین کسیکه بر زن حق دارد، شوهرش است و بیشترین کسیکه بر مرد حق  
 دارد، مادرش است.»<sup>382</sup>

«رسول خدا (ص): سخن مرد که به زنش بگوید: تو را دوست دارم. هیچگاه از دل زن بیرون نرود.»<sup>۳۸۳</sup>

«رسول خدا (ص): مردیکه کنار همسرش بنشیند، در نزد من از اعتکاف در مسجدم بالاتر است.»<sup>۳۸۴</sup>

<sup>377</sup> بحار ج 22، ص 124 . «

<sup>378</sup> مکارم الاخلاق

<sup>379</sup> همان

<sup>380</sup> همان

<sup>381</sup> میزان الحکمه

<sup>382</sup> همان

<sup>383</sup> همان

<sup>384</sup> همان

«رسول خدا(ص): ملعونه است! ملعونه است! زنیکه شوهرش را بیازارد و او را ناراحت کند. و سعادتمند است زنیکه شوهرش را احترام نماید و در همه حالات مطیع او باشد.»<sup>۳۸۵</sup>

«رسول خدا(ص): کسیکه بر بداخلاقی زنش صبر کند، برای هر دفعه صبر کردن، ثواب حضرت ایوب(ع) را به او می دهند.»<sup>۳۸۶</sup>

## طلاق

روایت شده که رسول خدا(ص) واسطه ازدواج زن و مردی شد. بعد از مدتی زن نزد حضرت آمد و از شوهرش شکایت کرد. حضرت فرمود: نکند که می خواهی طلاق بگیری؟ آنوقت نزد خداوند، از الاغ مرده، پست تر می شوی!»<sup>۳۸۷</sup>

خداوند از طلاق نفرت دارد

همانا خداوند جائی که در آن عروسی واقع شود دوست می دارد و جائی که در آن طلاق واقع شود دشمن می دارد، خداوند از هیچ کاری مثل طلاق نفرت ندارد.<sup>۳۸۸</sup>

زنی که شوهرش او را طلاق داده بود و شوهر می خواست پسر زن را از او بگیرد. زن مطلقه خدمت حضرت رسید عرض کرد: یا رسول الله! شکم من جایگاه پرورش این بچه و پستانهایم محل نوشیدنی او و آغوشم بستر گرم اوست و پدرش مرا طلاق داده، الان می خواهد او را از من بگیرد؟ حضرت فرمود: تا شوهر اختیار نکرده ای تو سزاوارتر به نگهداری طفل و حضانت او هستی<sup>[389]</sup>!

<sup>385</sup> همان

<sup>386</sup> همان

<sup>387</sup> مکارم الاخلاق

وسائل ج 15 ص 267<sup>388</sup>

<sup>389</sup> ابو داود ، ج 1 ، 513- مسند حنبل ، ج 6 ، ص 412 ، دار صادر ، بیروت - ابن فهد الحلی ، المذهب البارع ، ج 3 ، ص 501 ، جامعه مدرسین ، قم ، 1411.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به مردی گذر کرد و از او پرسید: زنت را چه کردی؟  
گفت: یا رسول الله! طلاق دادم.

فرمود: بی آنکه بدی و بد رفتاری داشته باشد؟

گفت: آری، بدون بد رفتاری و بدی.

سپس آن مرد، زن دیگری گرفت. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) او را دید. پرسید:  
چه کردی؟ گفت: ازدواج کردم.

سپس، بعد از مدتی او را دید و پرسید: با زنت چه کردی؟ گفت: طلاقش دادم.

حضرت پرسید: بی آنکه بدی و اشکالی داشته باشد؟  
گفت: آری.

بار دیگر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) او را دید و او از ازدواجی دیگر و طلاقی دیگر خبر داد.  
رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود:

خداوند، دشمن می دارد (یا لعنت می کند) هر زن یا مردی را که ذواق و چشنده باشندان الله عزوجل  
ییغض (او یلعن) کل ذواق من الرجال و کل ذواقه من النساء.<sup>390</sup>

وقتی پیامبر خدا شنید که یکی از اصحاب - یعنی ابو ایوب انصاری - می خواهد همسر خود را طلاق  
دهد، فرمود: طلاق ام ایوب، گناه است<sup>391</sup>).

فاطمه بنت قیس بعد از اینکه شوهرش او را سه بار طلاق داده بود، خدمت حضرت اقامه دعوا نمود، که  
شوهرش او را طلاق داده به او نفقه و مسکن نمی دهد. حضرت فرمود: که حق نفقه و مسکن ندارد؛  
زیرا نفقه و مسکن در طلاق رجعی است نه طلاق بائن<sup>392</sup>].

ثواب بارداری و دوران حمل

فروع کافی، ج 6، ص 54<sup>390</sup>

<sup>391</sup> وسائل الشیعه، ج 16، ص 266 و 267.

<sup>392</sup> بخاری، ج 4، ص 151 - مسلم، ج 5، ص 114 - ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج 2، ص 172، دار احیاء تراث العربی، بیروت، 1408.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله: زن از روزیکه حامله شود تا زمانیکه وضع حمل نماید و فرزندش را از شیر بازگیرد، مثل کسی است که درمرز با کافران جهاد می کند! و اگر در این فاصله بمیرد، ثواب شهید را دارد. ۳۹۳

«لَيْسَ لِلصَّبِيِّ لَبَنٌ خَيْرٌ مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ»<sup>۳۹۴</sup>

برای کودک هیچ شیری بهتر از شیر مادر نیست.

«رسول خدا (ص): اگر فرزندان را در روز هفتم ختنه کنید، پاکیزه تر است و زودتر زخم آن بهبود می یابد و گوشت می روید.

و فرمود: زمین از بول شخص ختنه نشده تا چهل روز آلوده است.»<sup>۳۹۵</sup>

«پیامبر اسلام (ص): زن از روزیکه حامله شود تا زمانیکه وضع حمل نماید و فرزندش را از شیر بازگیرد، مثل کسی است که درمرز با کافران جهاد می کند! و اگر در این فاصله بمیرد، ثواب شهید را دارد.»<sup>۳۹۶</sup>

«رسول خدا (ص): خداوند فرموده است: بعزت و جلالم سوگند که هر زن تازه زاء، رطب بخورد، فرزند او را بردبار گردانم.»<sup>۳۹۷</sup>

ابوسلمه گوید: زنی از انصار همسر مردی از انصار بود، شوهرش در جنگ احد به شهادت رسید و از وی فرزندی داشت. عموی بچه اش و مردی دیگر او را از پدرش خواستگاری کردند. پدرش او را به ازدواج مرد بیگانه درآورد و عموی فرزندش را کنار گذارد. دختر نزد پیامبر آمد و گفت: پدرم مرا به ازدواج مردی درآورده که او را نمی خواهم. برادر شوهرم فرزندم را از من می گیرد. پیامبر پدرش را

حلیة المتقین ۳۹۳

بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۷۶<sup>۳۹۴</sup>

مکارم الاخلاق<sup>۳۹۵</sup>

حلیة المتقین<sup>۳۹۶</sup>

همان<sup>۳۹۷</sup>

فراخواند و فرمود: دخترت را به ازدواج فلان مرد درآوردی؟ گفت: بلی، فرمود: تو اختیاردار ازدواج دخترت نیستی [و رو کرد به دختر و فرمود:] برو با برادر شوهرت ازدواج کن.<sup>۳۹۸</sup>

دختری نزد پیامبر آمد و گفت: پدرم مرا به خاطر خصلت‌های شخصی به ازدواج پسر برادرش درآورده است. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اختیار را به دختر داد: آنگاه دختر گفت به این کار پدرم تن می‌دهم. خواستم زنان بدانند پدران نسبت به دختران اختیاردار نیستند.<sup>۳۹۹</sup>

ابن عمر دختر دایی‌اش را به ازدواج عثمان بن مظعون درآورد. مادر دختر نزد رسول خدا رفت و گفت به خدا سوگند دخترم به این ازدواج راضی نیست. رسول خدا دستور داد، دختر جدا شود و فرمود: «زن‌ها را پیش از مشورت با آنان شوهر ندهید. اگر سکوت کردند همان نشانه رضایت است. آنگاه آن دختر با مغیره بن شعبه ازدواج کرد».<sup>۴۰۰</sup>

### گل خوشبو

مردی نزد پیامبر بود، به او خبر دادند که فرزندی برایش متولد شده، رنگ صورتش پرید پیامبر فرمود چه شده؟ گفت: خیر است حضرت فرمود: بگو، گفت: وقتی من می‌آمدم زخم در حال زایمان بود به من خبر دادند که دختر زائیده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: زمین او را بر می‌دارد و آسمان سایه می‌اندازد و خدا روزیش می‌دهد و برای تو هم گلی است که می‌بوئی<sup>۴۰۱</sup> (چرا ناراحتی) الحدیث -.

فرزند خوب و صالح از مهمترین باقیات صالحات والدین می‌باشد.

<sup>398</sup> ابو داود، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ق، ۲۰۰۰ م، ج ۲، ص ۲۳۸.

<sup>399</sup> ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، الطبعة الاولى، ۱۴۲۱ هـ، ج ۱، ص ۶۰۲.

<sup>400</sup> محدث نوری، میرزا حسین، المستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۶۷.

رسول خدا(ص)فرمود:روزی حضرت عیسی(ع)از قبری عبور کرد و مشاهده نمود که صاحب آنرا عذاب می کنند.سال بعد وقتی از آنجا عبور می کرد،متوجه شد که از عذاب خبری نیست!سؤال کرد:خدایا!سال گذشته این شخص را عذاب می کردند ولی امسال از عذاب اثری نیست!خدا به او وحی کرد:ای روح الله!این مرد،فرزند صالحی دارد که امسال راهی را برای مردم ساخته است و یتیمی را پناه داده است!لذا این مرده را بخاطر فرزندش آمرزیدم.<sup>۴۰۲</sup>

**«رسول خدا(ص):در هفت سالگی فرزند را به خواندن نماز تمرین دهید و در ده سالگی در صورت نماز نخواندن،بر آنان سخت گرفته شود و حتی 'آنان را با تنبیه هم شده به نماز وادار کنید.»<sup>۴۰۳</sup>**

رسول خدا صلی الله علیه و آله : کسیکه خدا به او دختری بدهد و او را اذیت نکند و او را کوچک بشمارد و فرزندان پسر را بر او ترجیح ندهد، خدا بخاطر همین دختر، او را به بهشت می برد.<sup>۴۰۴</sup>

و نیز آن رحمت عالمیان صلی الله علیه و آله تاکید کرده اند: "أَكْثَرُوا مِنْ قُبُلِهِ أَوْلَادِكُمْ فَإِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ قُبُلَةٍ دَرَجَةً فِي الْجَنَّةِ مَسِيرَةَ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ؛<sup>۴۰۵</sup>

فرزندان خود را زیاد ببوسید که با هر بوسه ای که شما والدین نثار فرزندان می کنید، درجه ای در بهشت به دست می آورید که طول مسیر آن پانصد سال راه است."

همان 402

مِيزَانُ الْحِكْمَةِ 403

همان 404



از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) چنین روایت شده است :

رحم الله عبداً عان ولده علی بره بالاحسان الیه ، و التالف له ، و تعلیمه ، و تاءدیهه <sup>۴۰۶</sup>

خداوند رحمت کند بنده ای را که به فرزندش کمک کند تا او نیکوکار شود، به وسیله نیکی کردن به او، الفت داشتن و گرم گرفتن با وی و با آموزش و تربیت او.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: رختخواب پسر و پسر، دختر و دختر، پسر را وقتی به سن ده سالگی می رسند باید جدا کرد. <sup>۴۰۷</sup> (زیرا در این سن قوای شهوانی کم می تواند خطرناک باشد بنابراین در سخن و اعمال و لباس پوشیدن و غیره باید رعایت عفاف را کرد).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: پدر نباید با دخترش زیر یک لحاف بخوابد، مادر هم نباید چنین کند. <sup>۴۰۸</sup>

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله نگاهش به طفلی افتاد و فرمود: وای به حال بچه های آخرالزمان از طرف پدرهای ایشان! پرسیدند: یا رسول الله از پدرهای مشرک؟ فرمود: نه از پدرهای مؤمن که واجبات را به فرزندان خود تعلیم نمی دهند، و هر گاه دیگری بخواهد به ایشان تعلیم دهد، مانع می شوند، و خشنود هستند که فرزندانشان از مال و منال دنیا چیزی بدست آورند (ولی به دین اولادشان اهمیت نمی دهند، فقط به فکر رفاه هستند) من از این پدرها بیزارم، آنها هم از من بیزارند. <sup>۴۰۹</sup>

در تاریخ زندگانی و احوالات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که: بسیار می شد که نوزادی را نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می آورند تا او نامگذاری کند و یا برایش دعا بفرماید،

---

مستدرک وسائل الشیعه ، ج 2، ص 626 <sup>406</sup>

وسائل ج 14 ص 171 <sup>407</sup>

بحار ج 101 ص 49 <sup>408</sup>

لئالی الاخبار. <sup>409</sup>

حضرت برای احترام به خانواده طفل، نوزاد را در دامن خود می نهاد، بسا می شد که بچه در دامن حضرت ادرار می کرد و لباس حضرت را آلوده می نمود، برخی از کسانی آنجا فریاد برمی آوردند، (اعتراض می کردند)

حضرت فرمود: ادرار بچه را قطع نکنید (او را نترسانید) و می گذاشت بچه ادرارش را تمام کند، سپس با روی باز دعا می کرد یا نامگذاری می نمود و نمی گذارد خانواده طفل ناراحت شوند، وقتی آنها می رفتند، لباس خویش را می شست.<sup>۴۱۰</sup>

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مردی که دو پسر داشت و یکی را بوسید و دیگری را نبوسید نگاه کرده فرمود: چرا میان آندو به تساوی رفتار نکردی<sup>۴۱۱</sup>

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: (( یلزم الوالدین من العقوق لولد هما ما یلزم الولد لهما من عقوقهما اذا کان الولد صالحا. ))

پدر و مادر هم عاق فرزندان می شوند اگر فرزند صالح باشد همچنانکه فرزند عاق پدر و مادر می شود.<sup>۴۱۲</sup>

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: رحمت خدا بر پدری که فرزندش را در نیکی به پدر یاری دهد، به اینکه از خطایش در گذرد و برای او میان خودش و خدا دعا کند.<sup>۴۱۳</sup> و فرمود: فرزندان خود

---

بحار ج 16 ص 240.<sup>410</sup>

وسائل ج 15 ص 204<sup>411</sup>

وسائل ج 15 ص 199<sup>412</sup>

بحار ج 101 ص 98<sup>413</sup>

را زیاد ببوسید.<sup>۴۱۴</sup>

(( خیر اولادکم البنات ))

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین فرزندان شما دخترانند.<sup>۴۱۵</sup>

رهبر عالیقدر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله در یک جمله زیبا مقام و منزلت حقیقی مادر را چنین بیان می کند: «الجنة تحت اقدام الامهات»<sup>۴۱۶</sup>؛ بهشت زیر پای مادران است. و در جمله ای دیگر فرمود: «تحت اقدام الامهات روضة من رياض الجنة؛ جای قدمهای مادران باغی از باغهای بهشت است.»

هنگامی که از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در مورد قدردانی از مادر سؤال شد، آن حضرت فرمود: «هیئات! هیئات! که بتوانی حق مادر را ادا کنی. هر آینه اگر به اندازه ریگهای بیابان عالج [صحرائی در عربستان] و دانه های باران به مادر خدمت کنی و از وی قدردانی کرده و بنده وار در پیش او بایستی، این همه خدمات تو به اندازه زحمات وی در هنگامی که در رحم او بودی و سنگینی تو را تحمل می کرد نخواهد بود.<sup>۴۱۷</sup>»

ابوذری می گوید: از رسول گرامی اسلام شنیدم که فرمود: «النظر الى علی بن ابیطالب عبادة والنظر الى الوالدین برفاءة ورحمة عبادة والنظر في الصحيفة - یعنی صحيفة القرآن - عبادة والنظر الى الكعبة عبادة»<sup>۴۱۸</sup>؛ نگاه به علی بن ابیطالب عبادت است. نگاه مهرآمیز به پدر و مادر عبادت است. نگاه به صحیفه

---

بخار ج 101 ص 98<sup>414</sup>

بخار ج 101 ص 105 و 91 و 95 و 97.<sup>415</sup>

مستدرک الوسائل، ج 15، ص 181<sup>416</sup>

مستدرک الوسائل، ج 15، ص 203<sup>417</sup>

همان<sup>418</sup>

- یعنی صحیفه قرآن - عبادت است . نگاه به کعبه عبادت است .»

عن النبی (ص) قال : بروا آباءکم یرکم أبناؤکم، وعفوا عن نساء غیرکم تعف  
نساؤکم.<sup>۴۱۹</sup>

رسول خدا ص فرمود: به پدران خود خوبی کنید تا فرزندان شما به شما خوبی نمایند. و نسبت به زنان  
دیگران عفت بورزید تا نسبت به زنان شما عفت بورزند.

عن النبی (ص) قال:  
من أسخط والديه فقد أسخط الله، ومن أغضبهما فقد أغضب الله، وإن أمراك ان تخرج  
من أهلك ومالك فأخرج ولا تحزنهما.<sup>۴۲۰</sup>

رسول خدا ص فرمود: هر که والدین خود را ناراحت کند خدا را ناراحت کرده و هر که آنها را غضبناک  
کند خدا را غضبناک کرده. و اگر آنها به تو امر کردند که از اموالت و خانواده ات بگذری باید  
بگذری و آنها را ناراحت نکنی.

پیامبر (ص): به والدین خود احترام بگذارید تا فرزندان شما هم بشما احترام بگذارند»

«وقتی خواهر رضاعی پیامبر صلی الله علیه و آله به دیدن حضرت آمد، پیامبر برای او احترام فوق  
العاده ای گذاشتند ولی وقتی برادر رضاعی پیامبر آمد حضرت مانند خواهرش به او احترام نکردند .

---

مستدرک الوسائل، ج 2، ص 127، الغرر والحکم، ص 627<sup>419</sup>

مستدرک الوسائل، ج 2، ص 230<sup>420</sup>

اصحاب علت را پرسیدند . حضرت فرمود علت بیشتر احترام کردن من به خواهر رضاعیم این است که او به پدر و مادرش زیاده‌تر نیکی می‌کند .»<sup>۴۲۱</sup>

ان رسول الله (ص) حضر شاباً عند وفاته.

فقال له: قل: لا إله إلا الله فقال: اعتقل لسانه مراراً، فقال لامرأة عند رأسه: هل لهذا أم؟.. قالت: نعم أنا أمه.  
فقال: أسأخطة انت عليه؟.. قالت: نعم، ما كلمته منذ ست حجج.  
قال لها: إرض عنه. قالت: رضى الله عنه يا رسول الله برضاك عنه.  
فقال له رسول الله (ص): قل: لا إله إلا الله، فقالها.. فقال له النبي: ما ترى؟..

قال: أرى رجلاً أسود اللون قبيح المنظر، وسخ الثياب، نتن الرائحة، قد وليني الساعة وأخذ بكظمي، فقال له النبي (ص):

قل: يا من يقبل اليسير ويعفو عن الكثير، أقبل مني اليسير واعف عن الكثير، انك انت الغفور الرحيم!.. فقالها الشاب فقال له: انظر ما ترى؟.. قال: أرى رجلاً أبيض اللون، حسن الوجه، طيب الريح، حسن الثياب، قد وليني وأرى الأسود قد تولى عني.. فقال له: أعد فأعاد فقال له: ما ترى؟.. قال: لست أرى الأسود وأرى الأبيض قد وليني، ثم طفئ (مات) على تلك الحال<sup>۴۲۲</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله بر بالین جوانی که در حال احتضار بود حاضر گردید. آن حضرت کلمه شهادت را به او تلقین فرمود لکن جوان نتوانست بگوید، پرسید: آیا مادر دارد؟ زنی که نزد او: بود عرض کرد

بلی من مادر او هستم. فرمود: آیا بر او غضبناکی؟ گفت: آری شش سال است با او حرف نزده ام. پس آن حضرت خواهش فرمود از او راضی شود. مادر بخاطر آن حضرت از جوان در گذشت. زبان آن جوان به کلمه توحید باز شد. حضرت به او فرمود: چه می بینی؟ گفت مردی سیاه و زشت روی بدبوی، مرا رها نمی کند. حضرت جمله ای یادش دادند و او خواند و عرض کرد: می بینم مردی سفید رنگ خوشروی، خوش بوی و خوش منظر، رو به من آورد و هیولای مهیب اولی از من دور شد. فرمود: همان جمله را تکرار کن. پس از آن گفت

آن هیکل موخّشه به کلّی محو گردید. پس آن حضرت شاد شد و فرمود: خدا او را آمرزید. آنگاه <sup>[1]</sup> جوان از دنیا رفت

هر بار نگاه کردن با تبسم به والدین ثواب حج و عمره دارد.<sup>۴۲۳</sup>

«وقتی خواهر رضاعی پیامبر به دیدن حضرت آمد، پیامبر برای او احترام فوق العاده ای گذاشتند ولی وقتی برادر رضاعی پیامبر آمد حضرت مانند خواهرش به او احترام نکردند. اصحاب علت را پرسیدند. حضرت فرمود علت بیشتر احترام کردن من به خواهر رضاعیم این است که او به پدر و مادرش زیادتر نیکی می کند.»<sup>۴۲۴</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: مردی به حضور رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آمده و عرضه داشت: ای رسول خدا! به کدامیک از بستگانم نیکی کنم؟ فرمود: به مادرت. مرد پرسید: بعد از آن؟ فرمود: به مادرت. برای بار سوم پرسید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مادرت. در نوبت چهارم حضرت فرمود: به پدرت نیکی کن!<sup>۴۲۵</sup>

آورد.<sup>۴۲۶</sup>

معارف قرآن و اهل بیت ع<sup>۴۲۳</sup>  
خانواده نمونه<sup>۴۲۴</sup>

الکافی، ج ۲، ص ۱۵۹<sup>۴۲۵</sup>

اصول کافی، باب البر بالوالدین، حدیث ۱۱<sup>۴۲۶</sup>

از امام سجاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: مردی به حضور حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله شرفیاب شده و اظهار داشت: ای رسول خدا! من مردی گنه کار و آلوده به معصیت هستم و از انجام هیچ گناهی فروگذاری نکرده ام، آیا امید آمرزش برایم هست؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: آیا پدر و مادرت زنده هستند؟ مرد گفت: فقط پدرم زنده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: برو با او خوشرفتاری کن. آن مرد رفت و پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از رفتن او زیر لب زمزمه می کرد که: ای کاش مادرش زنده بود! <sup>۴۲۷</sup>

روزی شخصی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفت: ای رسول خدا! مادرم پیر شده و پیش من زندگی می کند، او را در شت خود حمل کرده، برای رفع حوائجش به این طرف و آن طرف می برم، و از درآمد خویش نیازهای وی را تامین می نمایم، با دست خود او را از آزار و اذیتها محافظت می کنم، با کمال ادب و تعظیم و احترام با او رفتار می نمایم. آیا زحمات وی را تا حدودی جبران کرده ام؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: نه، زیرا شکم او جایگاه تو، پستانهایش منبع تغذیه تو، قدمهایش وسیله حرکت تو، دستهایش محافظ تو، و آغوش او گهواره ات بوده است. او این همه خدمات را با رضایت خاطر برای تو انجام می داد و آرزو می کرد که تو زنده بمانی؛ ولی تو خدماتی را به وی ارائه می دهی، در حالی که انتظار مرگ او را داری <sup>۴۲۸</sup>.

احسان به پدر و مادر

از امام سجاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: مردی به حضور حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله شرفیاب شده و اظهار داشت: ای رسول خدا! من مردی گنه کار و آلوده به معصیت هستم و از انجام هیچ گناهی فروگذاری نکرده ام، آیا امید آمرزش برایم هست؟

مستدرک الوسائل، ج 15، ص 180 <sup>427</sup>

مستدرک الوسائل، ج 15، ص 180 <sup>428</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: آیا پدر و مادرت زنده هستند؟ مرد گفت: فقط پدرم زنده است . پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: برو با او خوشرفتاری کن . آن مرد رفت و پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از رفتن او زیر لب زمزمه می کرد که: ای کاش مادرش زنده بود!<sup>۴۲۹</sup>

روزی شخصی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفت: ای رسول خدا! مادرم پیر شده و پیش من زندگی می کند، او را در شت خود حمل کرده، برای رفع حوائجش به این طرف و آن طرف می برم، و از درآمد خویش نیازهای وی را تامین می نمایم، با دست خود او را از آزار و اذیتها محافظت می کنم، با کمال ادب و تعظیم و احترام با او رفتار می نمایم . آیا زحمات وی را تا حدودی جبران کرده ام؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: نه، زیرا شکم او جایگاه تو، پستانهایش منبع تغذیه تو، قدمهایش وسیله حرکت تو، دستهایش محافظ تو، و آغوش او گهواره ات بوده است . او این همه خدمات را با رضایت خاطر برای تو انجام می داد و آرزو می کرد که تو زنده بمانی؛ ولی تو خدماتی را به وی ارائه می دهی، در حالی که انتظار مرگ او را داری<sup>۴۳۰</sup>

جوان زبانش لال شد!

«روزی پیامبر بر بالین جوانی که در حال احتضار بود، حاضر شد. وقتی شهادتین را به او تلقین نمود، جوان نتوانست زبانش را به شهادتین باز کند و گویا لال شده بود. حضرت، مادرش را خواستند. واز مادرش پرسیدند که آیا از پسر ت راضی هستی؟ زن گفت: یا رسول الله! چهار سال است که باو حرف نزده‌ام!

پیامبر از او خواستند که از فرزندش راضی شود. او هم راضی شد و جوان زبانش باز گردید و شهادتین را جاری کرد و از دنیا رفت»<sup>۴۳۱</sup>

---

مستدرک الوسائل، ج 15، ص 180<sup>429</sup>

مستدرک الوسائل، ج 15، ص 180<sup>430</sup>

همان<sup>431</sup>



- بوسه ای بر درب بهشت و صورت حور العین

روایت است که مردی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: من نذر کرده ام که درب بهشت و صورت حور العین (زنان بهشتی) را ببوسم!

حضرت فرمود: برو پای مادر (به منزله صورت حور العین) و پیشانی پدرت را (بمنزله در بهشت) ببوس.

عرض کرد: پدر و مادرم از دنیا رفته اند، فرمود: قبر آنها را ببوس، عرض کرد: مکان قبر آنها را نمی دانم (شاید در حادثه ای از بین رفته اند که در شهر دفن نشده اند و یا در اثر مرور زمان مکان آن مخفی شده است)،

حضرت فرمود: دو خط روی زمین به صورت دو قبر بکش به نیت قبر پدر و مادر، و سپس آنجا را ببوس<sup>۴۳۲</sup>

عاق والدین

«پیامبر (ص): بوی بهشت از مسیر پانصدسال راه بمشام می رسد ولی بمشام عاق والدین نمی رسد.»<sup>۴۳۳</sup>  
رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نیز فرموده است:  
النظر الى الوالدین براءة و رحمة عبادة<sup>۴۳۴</sup>  
نگاه فرزند به چهره پدر و مادر از روی محبت و شفقت نسبت به آنان، عبادت است.

بوسه ای بر درب بهشت و صورت حور العین

روایت است که مردی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: من نذر کرده ام که درب بهشت و صورت حور العین (زنان بهشتی) را ببوسم!

---

قرۃ العین ص 38.<sup>432</sup>

خانواده نمونه<sup>433</sup>

بحار الانوار، ج 71، ص 73<sup>434</sup>

حضرت فرمود: برو پای مادر (به منزله صورت حور العین) و پیشانی پدرت را (بمنزله در بهشت) ببوس.

عرض کرد: پدر و مادرم از دنیا رفته اند، فرمود: قبر آنها را ببوس، عرض کرد: مکان قبر آنها را نمی دانم (شاید در حادثه ای از بین رفته اند که در شهر دفن نشده اند و یا در اثر مرور زمان مکان آن مخفی شده است)،

حضرت فرمود: دو خط روی زمین به صورت دو قبر بکش به نیت قبر پدر و مادر، و سپس آنجا را ببوس<sup>۴۳۵</sup>

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «من زار قبر والدیه او احدهما کل جمعة فقرا عندهما یس غفر الله له بعدد کل حرف منها»<sup>۴۳۶</sup>؛ هر کس قبر پدر و مادرش یا یکی از آنها را در هر جمعه زیارت کند و در کنار مزار آنان سوره یس بخواند، در مقابل هر حرفی که از این سوره می خواند، خداوند آمرزشی نصیب او می فرماید.

پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «سید الابرار یوم القیامة رجل بر والدیه بعد موتهما»<sup>۴۳۷</sup>؛ سرآمد و سرور ابرار در روز قیامت کسی است که بعد از مرگ پدر و مادرش برای ایشان احسان و نیکی کند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله: کسیکه پیر مسلمانی را احترام کند از فرع اکبر قیامت در امان خواهد بود<sup>۴۳۸</sup>.

---

قرّة العین ص 38. <sup>435</sup>

بحار الانوار، ج 89، ص 293 <sup>436</sup>

بحار الانوار، ج 71، ص 84 <sup>437</sup>  
همان <sup>438</sup>

مهارت ها مربوط به خانواده



محمد تقی صرفی پور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عفاف در خانواده

.. لَا تَقْرُبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ (انعام / ۱۵۱، اعراف / ۳۳)

نزدیک فحشا نشوید چه فحشای ظاهر و چه فحشای باطن

.یکی از ویژگی های مومن پاکدامنی است

قرآن یکی از ویژگی های مؤمنان راستین را، عفاف و پاک دامنی می داند و می فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ  
لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ؛ آنان [مؤمنان] کسانی هستند که دامان خویش را از بی عفتی حفظ می کنند

فرمود: زنی که خود را زینت و خوشبو نماید و از خانه‌اش خارج شود و شوهرش به این کار راضی باشد پیامبر اکرم (ص) فرمود: «هر مردی که زینت کرده بیرون رود، دیوث است! و برای هر قدمی که این زن بر می‌دارد برای شوهرش خانه‌ای در جهنم بنا می‌شود»

رسول خدا (ص) فرمودند: خداوند هفت نفر را لعنت کردند که یکی از آنها مردی است که نسبت به پوشش و عفت همسرش بی‌توجه

است.

یکی از مسائل خیلی مهم خانواده‌ها مسئله پاکدامنی هست پاکدامنی توی خانواده خیلی مهمه .

..وقتی پیامبر تقسیم کار کرد)

روایت است که رسول خدا (ص) در زمینه ی تقسیم کار این گونه داوری کردند: فاطمه (س) را مأمور به انجام امور داخل خانه نمود و علی (ع) را نیز به امور خارج از خانه مامور ساخت. دختر پیامبر از این تقسیم کار فوق العاده خوش حال شد و چنین اظهار داشت: «جز خداوند نمی داند که من از چنین تقسیمی چه قدر خوش حال شدم زیرا پدرم رسول خدا مرا از گریبان گیر شدن با مردان معاف داشته» است.

آقا اکثر مردم ایران رعایت میکنند ولی بعضی از مردم رعایت نمیکنن

میبینی خانم خونه وضع لباساش ... دم در میاد وایمیسه میبینی تمام تشکیلاتش پیدااست مقصر مرد هست ها دخترش میاد بیرون میبینی وضعش خرابه مسئول خانواده مرد هست مگر خانواده ای که مرد نداشته باشه

مرد تذکر بده بحمدلله دیدیم بعضی از مردها وقتی میبینن زنشون دخترشون حجابشون خوب نیست  
تذکر میدن بدخورد میکنن

برخوردم دو جور هست یکی برخورد نرم یکی برخورد سخته

برخورد سخت یعنی یه کتکی چیزی بزنه که خیلی اثر نداره

اما برخورد نرم اینکه با رفتار خودش با تذکرات با نصیحت ها با محبت با کتاب براش بگیره مطالعه  
کنه تشویقش کنه به حجاب

بعضی دخترا زیر بار حجاب نمیرن

یه روز یه اقایی اومد مسجد گفت فلانی خانمم چادری بود حالا میخواد چادرش رو کنار بگذاره  
خانمشم بود دیگه باهاش صحبت کردم

گفتم خانم چرا میخوای چادر رو کنار بگذاری؟؟

این اومده خواستگاری تو چادری بودی حالا چرا میخوای چادر رو کنار بگذاری؟؟

یه چندتا بهونه آورد میخوام برم پیاده روی طاقستان چادر مزاحمه

مهمون میاد چادر مزاحمه

گفتم این حرفا چیه؟ یعنی خانواده ما مهمون میاد توی خونه چادر سرشون نیست؟

بعد انواع چادر ها داریم چادر دانشجویی بگیر چادر عربی بگیر

چادر هایی هستن جمع و جور هیچ مزاحم کار نیست هیچ مزاحم پیاده روی نیست

حضرت زهراء تا آخرین لحظات عمرش چادری بوده

چون چادر که کنار گذاشتی اولش مانتو خوبی هست بعد یه چند وقت یه مانتو به قول معروف هی  
سنت سانت اومد بالا هی کوتاه شد هی چسبان شد هی تحریک کننده شد هی رنگ هاش فلان شد  
هیچ کدام از خانم های اهل بیت مانتویی نبودن همشون چادری بودن تازه صورتشونم نقاب میزدن  
فقط چشاشون پیدا بود

حالا شما نقاب هم نمیخواه بزنی ولی چادر باید داشته باشی

پی زن چادری اگه چادر خواست بذاره کنار آقا زیر بار نره به هیچ عنوان اجازه نده من روز اول  
اومدم خواستگاری چادری بودی باید تا اخرش چادری باشی

اگه گفت مانتو گوش ندین قبول نکنید چه دخترتون چه زنتون چون مانتو آغاز بی حجابی و بد  
حجابی است یه نقطه شروع هست

میگن سیگار آغاز اعتیاد هست قلیون آغاز اعتیاد هست اینم همینجوری هست

.حضرت زهراء چادرش چند جاش وصله داشت ولی هیچ وقت دست از چادرش بر نداشت

امام علی(ع) همچنین فرموده است: هر که مطیع زنش باشد، خدا او را با صورت در آتش می اندازد،  
سؤال شد: در چه چیزی اطاعت کند؟ فرمود: زن درخواست می کند که به حمام و عروسی و مجالس  
.....»عزا برود و لباس نازک به تن نماید، شوهرش هم قبول می کند

**عدم مهمانی های مختلط: اگر مهمان امد باید زنها جدای از مردها بنشینند و مختلط نباشند**

(جوانی که گفت سه روز است گریه می کنم)

روزی جوانی مسجد آمد و به من گفت سه روز است دارم گریه می کنم چون متوجه شدم همسرم با رفیقم ارتباط نامشروع داشته است و.....

بعضی از این ارتباطات بخاطر اختلاط در مهمانی های بین رفقا رخ می دهد. وقتی همه باهم روبروی هم نشسته اند و نگاههای حرام به یکدیگر انداخته می شود از این نگاه ها گاه نطفه روابط نامشروع بسته می شود!

لذا باید در مهمانی ها اطاق زنهار از مردها جدا باشد حتی زن داداش یا خواهر زن یا دختر عمو و دختر دایی و دختر خاله و دختر عمه و..... که اینها فامیلند ولی نامحرمند.

اری یکی از راههای حفظ عفاف، دوری از مهمانی های مختلط است. باید در مهمانی ها، زنهار جدای از مردها باشند. نه اینکه همه در یکجا بنشینند که گاه چشم چرانی ها و میل به نامحرم پیدا میشود و این مهمانی نامبارک می گردد

زهرا مصطفوی دختر حضرت امام: امام در ارتباط با نامحرم خیلی سخت گیرند. الان پسرهای من و « حاج احمد آقا 15، 16 ساله اند و اگر یک روز ما برای ناهار به منزل آقا دعوت شویم، پسرها حق آمدن ندارند و یا اگر هم بیایند، مثلاً ما خانه خانم می نشینیم و سفره می اندازیم و آنها منزل احمد آقا؛ آن هم برای اینکه پسرها و دخترهای اهل فامیل و خانه با هم غذا نخورند. نه فقط سر سفره، بلکه حتی به همدیگر سلام هم نکنند؛ چون واجب نیست، به هر حال آقا این نوع مهمانی رفتن خانمها و آقایان نامحرم و با هم دور سفره نشستن را حرام می دانند



امیرالمومنین علیه السلام در وصیت خود به امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: «با پوشش و حجابی که برای همسرانت قرار می دهی، چشم آنان را از هوس و حرام باز می داری، چرا که حجاب برای آنها ثبات بیشتری به ارمغان می آورد. از خروج بی حساب و بی رویه زنان جلوگیری کن، زیرا مفاسدی دارد؛ و اگر می توانی، کاری کن که همسرانت غیر از تو را نشناسند و با مردان رفت و آمد نداشته باشند

امیرالمومنین علی (ع) می فرماید: « روزی با فاطمه (س) محضر پیامبر خدا (ص) رسیدیم ، دیدیم حضرت به شدت گریه می کند

گفتم: پدر و مادرم به فدایت یا رسول الله! چرا گریه می کنی؟

فرمود: یا علی! آن شب که مرا به معراج بردند ، گروهی از زنان امت خود را در عذاب سختی دیدم ( و از شدت عذابشان گریستم . ) و اکنون گریه ام برای ایشان است

.زنی را دیدم که از موی سر آویزان است و مغز سرش از شدت حرارت می جوشد

.زنی را دیدم که از زبانش آویزان کرده اند و از آب سوزان جهنم به گلوی او می ریزند

.زنی را دیدم که از پستانش آویزان کرده اند

.زنی را دیدم که دست و پایش را بسته اند و مارها و عقربها بر او مسلط هستند

زنی را دیدم که کر و کور و لال بود و در تابوتی از آتش قرار داشت که مغز سرش از سوراخ های بینی اش بیرون می آمد و بدنش از شدت جذام و برص قطعه قطعه شده بود

.زنی را دیدم که ، که از پاهایش در تنور آتشین جهنم آویزان است

.زنی را دیدم که گوشت بدنش را با قیچی های آتشین ریز ریز می کنند

زنی را دیدم که صورت و دستهایش در آتش می سوزد و امعا و احشای داخلی اش را می خورد

زنی را دیدم که سرش سرخوک و بدنش بدن الاغ بود و به هزاران نوع عذاب گرفتار بود

و زنی را به صورت سگ دیدم و آتش از نشیمنگاه او داخل می شود و از دهانش بیرون می آید و  
فرشتگان عذاب عمودهای آتشین بر سر و بدن او می کوبند

حضرت فاطمه (س) عرض کرد: پدر جان! این زنان در دنیا چه کرده بودند که خداوند آنان را چنین  
عذاب می کند؟

رسول خدا (ص) فرمود:

دخترم! زنی که از موی سرش آویخته شده بود، موی سر خود را از نامحرم نمی پوشاند

زنی که از پستانش آویزان بود، زنی است که از حق شوهرش امتناع می ورزیده

...و زنی که از زبانش آویزان بود، شوهرش را با زبان اذیت می کرد

و زنی که گوشت بدن خود را می خورد، خود را برای دیگران زینت می کرد و از نامحرمان پرهیز  
نداشت

و زنی که دست و پایش بسته بود و مارها و عقربها بر او مسلط شده بودند، به وضو و طهارت لباس و  
غسل جنابت و حیض اهمیت نمی داد و نظافت و پاکیزگی را مراعات نمی کرد، و نماز را سبک می  
شمرد و مورد اهانت قرار می داد

و زنی که کر و کور و لال بود ، زنی است که از راه زنا بچه به دنیا می آورد و به شوهرش می گوید . بچه تو است

.و زنی که گوشت بدن او را با قیچی می بریدند ، خود را در اختیار مردان اجنبی می گذاشت

و زنی که صورت و دستانش می سوخت و او او امعا و احشای داخلی خودش را می خورد ، زنی است که واسطه کارهای نامشروع و خلاف عفت و عصمت قرار می گرفت

.و زنی که سرش مانند خوک و بدنش مانند الاغ بود ، او زنی سخن چین و دروغگو بود

و اما زنی که در قیافه سگ بود و آتش از نشیمنگاه او وارد و از دهانش خارج می شد ، زنی خواننده . و حسود بود

سپس فرمودند: وای بر زنی که همسرش از او راضی نباشد و خوشا به حال آن که همسرش از او راضی باشد. « ۱

داستانهای بحارالانوار ، ج ۵ ، ص ۶۹ - زبده  
القصص ، ص ۲۰۲

( 1 )

نظارت بر لباس خانواده

امام صادق علیه السلام: خداوند به یکی از پیامبران وحی کرد که به مومنان بگو که در لباس ، خوراک و آداب و رسوم ، دشمنان خدا را سرمشق قرار ندهید که اگر چنین کنید شما هم مثل آنان دشمنان خدا محسوب می گردید. بهشت جوانان صفحه 477 ، وسائل الشیعه جلد 3 صفحه 279

نباید دختر و پسر لباسهای جلف و تحریک کننده بپوشند. نباید همسر انسان لباس نامناسب بپوشد. لباس نامناسب باعث ایجاد گناه در افراد میشود.

### چرایی وجوب حجاب

حقیقت امر این است که ایجاد محدودیت در ارتباط، نگاه، صحبت کردن، تماس بدنی و نوع پوشش و .... بین زن و مرد نامحرم همگی برای جلوگیری از ایجاد مفاسد مختلف فردی و اجتماعی است که دامن گیر فرد و اجتماع می گردد. خلقت زن به گونه ای است که تمام شئون و رفتارها و اعضا بدن او برای مرد جذاب است. روایت معروف «النساء عورات» به این معنی است که همه شئون زن نیازمند پوشش و حفظ است. زن مظهر زیبایی و جمال الهی است. تمام اعضا و جوارح زن، سخن گفتن زن، راه رفتن زن، زینت زن و..... اگر چه مظهری از خلقت باشکوه الهی است لکن در صورتی که در غیر از روابط نظام مند و قانونمند خانواده ظهور و بروز پیدا کند شکل روابط را از روابط عقلایی و تعالی بخش فردی و اجتماعی به انحرافات جنسی و شهوت آلود تغییر می دهد. این تاثیر پذیری در مرحله اول از طرف مردان بسیار شدیدتر است.

از نظر علم و تجربه ثابت است که نگاه و لمس از عوامل اصلی و ناخود آگاه تحریک و ترشح غدد و هورمونهای جنسی است. نگاه و یا لمس نامحرم هر چند اگر بدون قصد تلمذ باشد عمل طبیعی و غریزی خود را انجام می دهد و زمینه تحریک شهوت انسان را در همان زمان یا بعد از آن ایجاد می کند. تحریک غریزه جنسی به گونه نامشروع نیز آثار شوم و نکبت بار فراوانی بر ابعاد مختلف انسان و جامعه بشری ایجاد می نماید. اسراف، انحراف و هدر رفتن نیروهای فکری، اجتماعی و معنوی انسان، زمینه سازی سردی روابط خانوادگی، حالت حسرت و ناکامی، از دست دادن آرامش روانی، میل به گناه (لواط، زنا، استمناء و....) و بالاخره گرایش به گناهان مختلف از جمله آثار سوء نگاه و لمس

حرام است که در عرصه زندگی فردی، خانوادگی و اجتماع ظاهر می گردد.

در ادامه به برخی از این حکمت ها در آموزه های قرآن و اهل بیت علیهم السلام اشاره می نمایم.  
برخی از این روایات اگر چه در مورد نگاه است لکن به طریق اولی شامل لمس نامحرم نیز می گردد.  
قرآن کریم در آیه 30 و 31 سوره نور بعد از اینکه به مسلمانان امر می کند که از نگاه به نامحرم 1.  
بپرهیزند مسئله پاکدامنی را مطرح می نماید. این نشان دهنده آن است که پاکدامنی انسان ارتباط  
مستقیم با حفظ نگاه حرام دارد.

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ؛ به مؤمنان بگو چشمهای خود را (از نگاه به «  
» نامحرمان) فروگیرند، و عفاف خود را حفظ کنند

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ؛ و به آنان با ایمان بگو چشمهای خود را «  
» (از نگاه هوس آلود) فروگیرند، و دامن خویش را حفظ کنند

امام علی علیه السلام می فرماید: چشم پیش قراول دل، جلودار فتنه، دام شیطان و نگاه حرام سبب 2.  
کاشتن بذر شهوت و نهال گناه (زنا و لواط و استمناء و...) است. نگاه به نامحرم باعث سختی زندگی و  
زیادی حسرت و افسوس است

کنترل نگاه سبب باز شدن چشم بر شگفتی های خلقت، زیادی حکمت و علم، آسایش روان، امان از  
هلاکت و گناه و بازدارنده خواهش های نفس است. و هر که نگاهش پاک شود صفاتش نیکو می  
گردد.

3: امام رضا علیه السلام در پاسخ یکی از یارانشان در این موضوع فرمودند.  
نگاه کردن به نامحرم به این علت حرام شده است که باعث تحریک به فساد و ارتکاب اعمال حرام و  
ناشایست می شود

بی شک این مفسده در لمس نامحرم به صورت مضاعف پدیدار می گردد

4: حکمت های معنوی

پیامبر مکرم اسلام صلوات الله علیه: هر که چشم خود را از حرام پر کند خداوند در روز قیامت چشم او را از آتش برگرداند.

پیامبر مکرم اسلام از قول پروردگار خود؛ نگاه به نامحرم از تیرهای زهر آلود ابلیس است. هر که از ترس من آن را ترک کند در عوضش ایمانی به او دهم که حلاوت آن را در دل خویش بیابد.

پیامبر مکرم اسلام صلوات الله علیه: هیچ مسلمانی نیست که نگاهش به زنی بیفتد و چشم خود را پایین اندازد مگر اینکه خدای متعال به او توفیق عبادتی دهد که شیرینی آن را در دل خویش بیابد. [1]

جمع بندی: رفتار هایی مانند نگاه به نامحرم، لمس نامحرم و... در جهت ایجاد انحراف تدریجی در روابط و جهت دهی شهوت آلود به رفتار ها آنقدر خطرناک است که در روایات از نگاه به نامحرم به زنای چشم و از لمس نامحرم به زنای دستان تعبیر شده است.

در پایان گفتاری از شهید مطهری که در کتاب مساله حجاب آمده است را نقل می نمایم. در این گفتار به طور شایسته ای حکمت محدودیت ها در ارتباط و لمس و نگاه و ایجاد حائل بین زن و مرد در ارتباطات اجتماعی را توضیح می دهد.

به عقیده ما ریشه اجتماعی پدید آمدن حریم و حائل میان زن و مرد را در میل به ریاضت، یا میل مرد « به استثمار زن، یا حسادت مرد، یا عدم امنیت اجتماعی، یا عادت زنانگی نباید جستجو کرد و لااقل باید کمتر در اینها جستجو کرد. ریشه این پدیده را در یک تدبیر ماهرانه غریزی خود زن باید جستجو کرد.

به طور کلی بحثی است درباره ریشه اخلاق جنسی زن از قبیل حیا و عفاف، و از آن جمله است تمایل به ستر و پوشش خود از مرد. در اینجا نظریاتی ابراز شده است

دقیق ترین آنها اینست که حیا و عفاف و ستر و پوشش تدبیری است که خود زن با یک نوع الهام برای گرانها کردن خود و حفظ موقعیت خود در برابر مرد به کار برده است. زن با هوش فطری و با یک حس مخصوص به خود دریافته است که از لحاظ جسمی نمی تواند با مرد برابری کند و اگر

بخواهد در میدان زندگی با مرد پنجه نرم کند از عهده زور با زوی مرد بر نمی آید، و از طرف دیگر نقطه ضعف مرد را در همان نیازی یافته است که خلقت در وجود مرد نهاده است که او را مظهر عشق و طلب، و زن را مظهر معشوقیت و مظلومیت قرار داده است. در طبیعت، جنس نر گیرنده و دنبال کننده آفریده شده است. به قول ویل دورانت: «آداب جفتجویی عبارت است از حمله برای تصرف در مردان، و عقب نشینی برای دلیری و فریبندگی در زنان ... مرد طبعاً جنگی و حیوان شکاری است، عملش مثبت و تهاجمی است. زن برای مرد همچون جاذبه ای است که باید آنرا بر باید

وقتی که زن مقام و موقع خود را در برابر مرد یافت و نقطه ضعف مرد را در برابر خود دانست همانطور که متوسل به زیور و خودآرائی و تجمل شد که از آن راه مرد تصاحب کند، متوسل به دور نگهداشتن خود از دسترس مرد نیز شد. دانست که نباید خود را رایگان کند بلکه بایست آتش عشق و طلب او را تیزتر کند و در نتیجه مقام و موقع خود را بالا برد

ویل دورانت می گوید: «حیا امر غریزی نیست بلکه اکتسابی است. زنان دریافتند که دست و دل بازی».

«مایه طعن و تحقیر است و این امر را به دختران خود یاد دادند

ویل دورانت می گوید: «خودداری از انبساط و امساک در بذل و بخشش بهترین سلاح برای شکار مردان است. اگر اعضای نهانی انسان را در معرض عام تشریح می کردند توجه ما به آن جلب می شد ولی رغبت و قصد به ندرت تحریک می گردید. مرد جوان به دنبال چشمان پر از حیا است و بی

«آنکه بداند حس می کند که این خودداری ظریفانه از یک لطف و رقت عالی خبر می دهد

مولوی راجع به تأثیر حریم و حائل میان زن و مرد در افزایش قدرت و محبوبیت زن و در بالا بردن مقام او و در گداختن مرد در آتش عشق و سوز، مثلی لطیف می آورد: آنها را به آب و آتش تشبیه می کند، می گوید مثل مرد مثل آب است و مثل زن مثل آتش، اگر حائل از میان آب و آتش برداشته شود آب بر آتش غلبه می کند و آنرا خاموش می سازد، اما اگر حائل و حاجبی میان آن دو برقرار گردد مثل اینکه آب را در دیگی قرار دهند و آتش در زیر آن دیگ روشن کنند، آنوقت است

که آتش آب را تحت تأثیر خود قرار می دهد، اندک اندک او را گرم می کند و احیاناً جوشش و غلیان در او به وجود می آورد، تا آنجا که سراسر وجود او را تبدیل به بخار می سازد.

مرد برخلاف آنچه ابتدا تصور می رود، در عمق روح خویش از ابتدال زن و از تسلیم و رایگانی او متنفر است. مرد همیشه عزت و استغناء و بی اعتنائی زن را نسبت به خود ستوده است.

به طور کلی رابطه ای است میان دست نارسى و فراق از یک طرف و عشق و سوز و گرانبهائی از طرف دیگر، همچنانکه رابطه ای است میان عشق و سوز از یک طرف و میان هنر و زیبائی از طرف دیگر، یعنی عشق در زمینه فراق ها و دست نارسى ها می شکفتد و هنر و زیبائی در زمینه عشق رشد و نمو می یابد.

برتراند راسل می گوید: «از لحاظ هنر مایه تأسف است که به آسانی به زنان بتوان دست یافت و خیلی بهتر است که وصال زنان دشوار باشد بدون آنکه غیر ممکن گردد.

هم او می گوید: «در جائی که اخلاقیات کاملاً آزاد باشد، انسانی که بالقوه ممکن است عشق شاعرانه ای داشته باشد عملاً بر اثر موفقیت های متوالی به واسطه جاذبه شخصی خود، ندرتاً نیازی به توسل به «عالتیرین تخیلات خود خواهد داشت.

ویل دورانت در لذات فلسفه می گوید: «آنچه بجوئیم و نیاییم عزیز و گران بها می گردد. زیبائی به «قدرت میل بستگی دارد و میل با اقناع و ارضاء، ضعیف و با منع و جلوگیری، قوی می گردد.

از همه عجیب تر سخنی است که یکی از مجلات زنانه از آلفرد هیچکاک - که به قول آن مجله به :حسب فن و شغل فیلم سازی خود درباره زنان تجارب فراوان دارد - نقل می کند. او می گوید

من معتقدم که زن هم باید مثل فیلمی پرهیجان و پرآنتریک باشد، بدین معنی که ماهیت خود را « کمتر نشان دهد و برای کشف خود مرد را به نیروی تخیل و تصور زیاده تری وادارد. باید زنان پیوسته بر همین شیوه رفتار کنند یعنی کمتر ماهیت خود را نشان دهند و بگذارند مرد برای کشف آنها بیشتر «به خود زحمت دهد.



ایضا همان مجله در شماره دیگری از همین شخص چنین نقل می کند: «زنان شرقی تا چند سال پیش به خاطر حجاب و نقاب و روپندی که به کار می بردند خود بخود جذاب می نمودند و همین مسأله جاذبه نیرومندی بدانها می داد ، اما به تدریج با تلاشی که زنان این کشورها برای برابری با زنان غربی از خود نشان می دهند حجاب و پوششی که دیروز بر زن شرقی کشیده شده بود از میان می رود و .»همراه آن از جاذبه جنسی او هم کاسته می شود

می گویند: «مشتاقی است مایه مهجوری». این صحیح است اما عکس آن هم صحیح است که: .»«مهجوری است مایه مشتاقی

امروز یکی از خلأهایی که در دنیای اروپا و امریکا وجود دارد خلأ عشق است. در کلمات دانشمندان اروپائی زیاد این نکته به چشم می خورد که اولین قربانی آزادی و بی بند و باری امروز زنان و مردان ، عشق و شور و احساسات بسیار شدید و عالی است. در جهان امروز هرگز عشق هائی از نوع عشقهای شرقی از قبیل عشق های مجنون و لیلی، و خسرو و شیرین رشد و نمو نمی کند

نمی خواهم به جنبه تاریخی قصه مجنون و لیلی، و خسرو و شیرین تکیه کرده باشم، ولی این قصه های بیان کننده واقعیاتی است که در اجتماعات شرقی وجود داشته است

از این داستانها می توان فهمید که زن بر اثر دور نگه داشتن خود از دسترسی مرد تا کجا پایه خود را بالا برده است و تا چه حد سر نیاز مرد را به آستان خود فرود آورده است؟ قطعا درک زن این حقیقت را در تمایل او به پوشش بدن خود و مخفی کردن خود به صورت یک راز تأثیر فراوان داشته است ما برای پوشش زن و احکام مربوط به تعامل بین زن و مرد در اجتماع از نظر اسلام فلسفه خاصی قائل هستیم که نظر عقلی آن را موجه می سازد و از نظر تحلیل می توان آنرا مبنای حجاب در اسلام دانست.

### سیمای حقیقی مسأله حجاب

حقیقت امر اینست که در مسأله پوشش - و به اصطلاح عصر اخیر حجاب - سخن در این نیست که

آیا زن خوب است پوشیده در اجتماع ظاهر شود یا عریان؟ روح سخن اینست که آیا زن و تمتعات مرد از زن باید رایگان باشد؟ آیا مرد باید حق داشته باشد که از هر زنی در هر محفلی حداکثر تمتعات را به استثناء زنا ببرد یا نه؟

اسلام که به روح مسائل می نگرد جواب می دهد: خیر، مردان فقط در محیط خانوادگی و در کادر قانون ازدواج و همراه با یک سلسله تعهدات سنگین می توانند از زنان به عنوان همسران قانونی کامجویی کنند، اما در محیط اجتماع استفاده از زنان نامحرم ممنوع است. و زنان نیز از اینکه مردان را در خارج از قانون خانوادگی کامیاب سازند به هر صورت و به هر شکل ممنوع می باشند.

درست است که صورت ظاهر مسأله اینست که زن چه بکند؟ پوشیده بیرون بیاید یا عریان؟ یعنی آنکس که مسأله به نام او عنوان می شود زن است، و احياناً مسأله با لحن دلسوزانه ای طرح می شود که آیا بهتر است زن آزاد باشد یا محکوم و اسیر و در حجاب؟ اما روح مسأله و باطن مطلب چیز دیگر است و آن اینکه آیا مرد باید در بهره کشی جنسی از زن، جز از جهت زنا، آزادی مطلق داشته باشد یا نه؟ یعنی آنکه در این مسأله ذی نفع است مرد است نه زن، و لاقلاً مرد از زن در این مسأله ذی نفع تر است. به قول ویل دورانت: «دامنهای کوتاه برای همه جهانیان بجز خیاطان نعمتی است». پس روح مسأله، محدودیت کامیابی ها به محیط خانوادگی و همسران مشروع، یا آزاد بودن کامیابی ها و کشیده شدن آنها به محیط اجتماع است. اسلام طرفدار فرضیه اول است.

از نظر اسلام محدودیت کامیابیهای جنسی به محیط خانوادگی و همسران مشروع، از جنبه روانی به بهداشت روانی اجتماع کمک می کند، و از جنبه خانوادگی سبب تحکیم روابط افراد خانواده و برقراری صمیمیت کامل بین زوجین می گردد، و از جنبه اجتماعی موجب حفظ و استیفاء نیروی کار و فعالیت اجتماع می گردد، و از نظر وضع زن در برابر مرد، سبب می گردد که ارزش زن در برابر مرد بالا رود.

فلسفه احکام مربوط به محدودیت ارتباط و پوشش اسلامی به نظر ما چند چیز است. بعضی از آنها

جنبه روانی دارد و بعضی جنبه خانه و خانوادگی، و بعضی دیگر جنبه اجتماعی، و بعضی مربوط است به بالا بردن احترام زن و جلوگیری از ابتذال او.

احکام مربوط به ارتباط و حجاب در اسلام از یک مسأله کلی تر و اساسی تری ریشه می گیرد و آن اینست که اسلام می خواهد انواع التذاذهای جنسی، چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی اختصاص یابد، اجتماع منحصر برای کار و فعالیت باشد. برخلاف سیستم غربی عصر حاضر که کار و فعالیت را با لذتجویی های جنسی به هم می آمیزد، اسلام می خواهد این دو محیط را کاملاً از یکدیگر تفکیک کند.

:اکنون به شرح چهار قسمت فوق می پردازیم

### آرامش روانی

نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرت و ارتباطات کلامی و جسمانی و ... هیجانها و التهاب های جنسی را افزون می بخشد و تقاضای سکس را به صورت یک عطش روحی و یک خواست اشباع نشدنی در می آورد. غریزه جنسی، غریزه ای نیرومند، عمیق و «دریا صفت» است، هر چه بیشتر اطاعت شود سرکش تر می گردد، همچون آتش که هر چه به آن بیشتر خوراک بدهند، شعله ورت تر می شود. برای درک این مطلب به دو چیز باید توجه داشت

تاریخ همانطوری که از آزمندان ثروت یاد می کند که با حرص و آزی حیرت آور در پی گرد - 1 آوردن پول و ثروت بوده اند و هرچه بیشتر جمع می کرده اند حریصتر می شده اند، همچنین از آزمندانی در زمینه مسائل جنسی یاد می کند. اینها نیز به هیچ وجه از نظر حس تصرف تملک زیبا رویان در یک حدی متوقف نشده اند. صاحبان حرمسراها و در واقع همه کسانی که قدرت استفاده داشته اند چنین بوده اند.

:کریستن سن نویسنده کتاب «ایران در زمان ساسانیان» در فصل نهم کتاب خویش می نویسد

در نقش شکار طاق بستان فقط چند تن از سه هزار زنی که خسرو (پرویز) در حرم داشت می بینیم. «

این شهریار هیچگاه از این میل سیر نمی شد. دوشیزگان و بیوگان و زنان صاحب اولاد را در هر جا نشان می دادند، به حرم خود می آورد. هر زمان که میل تجدید حرم می کرد، نامه ای چند به فرمانروایان اطراف می فرستاد و در آن وصف زن کامل عیار را درج می کرد. پس عمال او هر جا زنی را با وصف نامه مناسب می دیدند، به خدمت می بردند.

از اینگونه جریانها در تاریخ قدیم بسیار می توان یافت. در عصر جدید این جریانها به شکل حرمسرا نیست، به شکل دیگر است، با این تفاوت که در عصر جدید لزومی ندارد کسی به اندازه خسرو پرویز و هارون الرشید امکانات داشته باشد. در عصر جدید به برکت تجدد فرهنگی، برای مردی که یک صد هزارم پرویز و هارون امکانات داشته باشد میسر است که به اندازه آنها از جنس زن بهره کشی کند. هیچ فکر کرده اید که حس «تغزل» در بشر چه حسی است؟ قسمتی از ادبیات جهان عشق و غزل است. در این بخش از ادبیات، مرد، محبوب و معشوق خود را ستایش می کند، به پیشگاه او نیاز می برد، او را بزرگ و خود را کوچک جلوه می دهد، خود را نیاز می برد، او را بزرگ و خود را کوچک جلوه می دهد، خود را نیازمند کوچکترین عنایت او می داند، مدعی می شود که محبوب و معشوق «صد ملک جان به نیم نظر می تواند بخرد، پس چرا در این معامله تقصیر می کند» از فراق او دردمندانه می نالد.

این چیست؟ چرا بشر در مورد سایر نیازهای خود چنین نمی کند؟ آیا تاکنون دیده اید که یک آدم پول پرست برای پول، و یک آدم جاه پرست برای جاه و مقام غزلسرائی کرده است؟! آیا تاکنون کسی برای نان غزلسرائی کرده است؟ چرا هر کسی از شعر و غزل دیگری خوشش می آید؟ چرا همه از دیوان حافظ اینقدر لذت می برند؟ آیا جز این است که همه کس آنرا با زبان یک غریزه عمیق که سراپای وجودش را گرفته است منطبق می بیند؟ چه قدر اشتباه می کنند کسانی که می گویند یگانه عامل اساسی فعالیتهای بشر عامل اقتصاد است

بشر برای عشقهای جنسی خود موسیقی خاصی دارد، همچنانکه برای معنویات نیز موسیقی خاص

دارد، در صورتی که برای حاجت های صرفا مادی از قبیل آب و نان و موسیقی ندارد.  
من نمی خواهم ادعا کنم که تمام عشقها جنسی است و هم هرگز نمی گویم که حافظ و سعدی و  
سایر غزل سرایان صرفا از زبان غریزه جنسی سخن گفته اند. این مبحث، مبحث دیگری است که  
جداگانه باید بحث شود. ولی قدر مسلم اینست که بسیاری از عشقها و غزلها عشق و غزل هائی است  
که مرد برای زن داشته است. همین قدر کافی است که بدانیم توجه مرد به زن از نوع توجه به نان و  
آب نیست که با سیر شدن شکم اقناع شود، بلکه یا به صورت حرص و آز و تنوع پرستی در می آید و  
یا به صورت عشق و غزل. ما بعدا در این باره بحث خواهیم کرد که در چه شرائطی حالت حرص و  
آز جنسی تقویت می شود و در چه شرائطی شکل عشق و غزل پیدا می کند و رنگ معنوی به خود  
می گیرد.

به هر حال اسلام به قدرت شگرف این غریزه آتشین توجه کامل کرده است. روایات زیادی درباره  
خطرناک بودن غریزه ای که مرد و زن را به یکدیگر پیوند می دهد وارد شده است. اسلام تدابیری  
برای تعدیل و رام کردن این غریزه اندیشیده است و در این زمینه هم برای زنان و هم برای مردان،  
تکلیف معین کرده است. محدودیت در ارتباطات کلامی، لمسی، رفتاری، و حفظ پوشش از جمله  
این تکالیف است. یک وظیفه مشترک که برای زن و مرد، هر دو، مقرر فرموده مربوط به نگاه کردن  
است.

**قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم ... قل للمؤمنات یغضضن من ابصارهن و یحفظن  
فروجهن.**

خلاصه این دستور اینست که زن و مرد نباید به یکدیگر خیره شوند، نباید چشم چرانی کنند، نباید  
نگاههای مملو از شهوت به یکدیگر بدوزند، نباید به قصد لذت بردن به یکدیگر نگاه کنند. یک  
وظیفه هم خاص زنان مقرر فرموده است و آن اینست که بدن خود را از مردان بیگانه پوشیده دارند و  
در اجتماع به جلوه گری و دلربائی نپردازند. به هیچ وجه و هیچ صورت و با هیچ شکل و رنگ و بهانه

ای کاری نکنند که موجبات تحریک مردان بیگانه را فراهم کنند. روح بشر فوق العاده تحریک پذیر است. اشتباه است که گمان کنیم تحریک پذیری روح بشر محدود به حد خاصی است و از آن پس آرام می گیرد.

همانطور که بشر - اعم از مرد و زن - در ناحیه ثروت و مقام از تصاحب ثروت و از تملک جاه و مقام سیر نمی شود و اشباع نمی گردد، در ناحیه جنسی نیز چنین است. هیچ مردی از تصاحب زیبا رویان و هیچ زنی از متوجه کردن مردان و تصاحب قلب آنان و بالأخره هیچ دلی از هوس سیر نمی شود و از طرفی تقاضای نامحدود خواه ناخواه انجام ناشدنی است و همیشه مقرون است به نوعی احساس محرومیت. دست نیافتن به آرزوها به نوبه خود منجر به اختلالات روحی و بیماریهای روانی می گردد.

چرا در دنیای غرب این همه بیماری روانی زیاد شده است؟ علتش آزادی اخلاقی و ارتباطی و جنسی و تحریکات فراوان است که به وسیله جرائد و مجلات و سینماها و تئاترها و محافل و مجالس رسمی و غیر رسمی و حتی خیابانها و کوچه ها انجام می شود.

### استحکام پیوند خانوادگی

شک نیست که هر چیزی که موجب تحکیم پیوند خانوادگی و سبب صمیمیت رابطه زوجین گردد، برای کانون خانواده مفید است و در ایجاد آن باید حداکثر کوشش مبذول شود. و بالعکس هر چیزی که باعث سستی روابط زوجین و دلسردی آنان گردد به حال زندگی خانوادگی زیانمند است و باید با آن مبارزه کرد.

اختصاص یافتن استمتاع و التذاذهای جنسی به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج مشروع، پیوند زن و شوهری را محکم می سازد و موجب اتصال بیشتر زوجین به یکدیگر می شود. فلسفه پوشش و ایجاد محدودیت های کلامی و لمسی و ارتباطی و منع کامیابی جنسی از غیر همسر مشروع، از نظر اجتماع خانوادگی اینست که همسر قانونی شخص از لحاظ روانی عامل خوشبخت

کردن او به شمار برود، در حالی که در سیستم آزادی کامیابی، همسر قانونی از لحاظ روانی یک نفر رقیب و مزاحم و زندانبان به شمار می رود و در نتیجه کانون خانوادگی براساس دشمنی و نفرت پایه گذاری می شود.

علت اینکه جوانان امروز از ازدواج گریزانند و هر وقت به آنان پیشنهاد می شود، جواب می دهند که حالا زود است، ما هنوز بچه ایم، و یا به عناوین دیگر از زیر بار آن شانه خالی می کنند همین است. و حال آنکه در قدیم یکی از شیرین ترین آرزوهای جوانان ازدواج بود. جوانان پیش از آنکه به برکت دنیای اروپا کالای زن این همه ارزان و فراوان گردد، «شب زفاف را کم از تخت پادشاهی» نمی دانستند.

ازدواج در قدیم پس از یک دوران انتظار و آرزومندی انجام می گرفت و به همین دلیل زوجین یکدیگر را عامل نیکبختی و سعادت خود می دانستند، ولی امروز کامجوئیهای جنسی در غیر کادر ازدواج به حد اعلی فراهم است و دلیلی برای آن اشتیاقها وجود ندارد.

معاشرتهای آزاد و بی بند و بار پسران و دختران، ازدواج را به صورت یک وظیفه و تکلیف و محدودیت در آورده است که باید آن را با توصیه های اخلاقی و یا احیانا - چنانکه برخی از جرائد پیشنهاد می کنند - با اعمال زور بر جوانان تحمیل کرد.

تفاوت آن جامعه که روابط جنسی را محدود می کند به محیط خانوادگی و کادر ازدواج قانونی، با اجتماعی که روابط آزاد در آن اجازه داده می شود اینست که ازدواج در اجتماع اول پایان انتظار و محرومیت، و در اجتماع دوم آغاز محرومیت و محدودیت است. در سیستم روابط آزاد جنسی، پیمان ازدواج به دوران آزادی دختر و پسر خاتمه می دهد و آنها را ملزم می سازد که به یکدیگر وفادار باشند و در سیستم اسلامی به محرومیت و انتظار آنان پایان می بخشد.

سیستم روابط آزاد اولاً موجب می شود که پسران تا جایی که ممکن است از ازدواج و تشکیل خانواده سر باززنند و فقط هنگامی که نیروهای جوانی و شور و نشاط آنها رو به ضعف و سستی می

نهد، اقدام به ازدواج کنند و در این موقع زن را فقط برای فرزند زادن و احیانا برای خدمتکاری و کلفتی بخواهند، و ثانيا پیوند ازدواجهای موجود را سست می کند و سبب می گردد به جای اینکه خانواده بر پایه یک عشق خالص و محبت عمیق استوار باشد و هر یک از زن و شوهر همسر خود را عامل سعادت خود بدانند بر عکس به چشم رقیب و عامل سلب آزادی و محدودیت ببیند و چنانکه اصطلاح شده است یکدیگر را زندانبان بنامند

وقتی پسر یا دختری می خواهد بگوید ازدواج کرده ام، می گوید برای خودم زندانبان گرفته ام. این تعبیر برای چیست؟ برای اینکه قبل از ازدواج آزاد بود هر کجا بخواهد برود، با هر کس بخواهد برقصد، بلاسد، هیچکس نبود که بگوید بالای چشمت ابرو است. ولی پس از ازدواج این آزادی ها محدود شده است، اگر یک شب دیر به خانه بیاید مورد مؤاخذه همسرش قرار می گیرد که کجا بودی؟ و اگر در محفلی با التهاب با دختری برقصد، همسرش به او اعتراض می کند. واضح است که روابط خانواده در چنین سیستمی تا چه اندازه سرد و سست و غیر قابل اطمینان است

بعضی ها مانند برتراند راسل پنداشته اند که جلوگیری از معاشرتهای آزاد صرفا به خاطر اطمینان مرد نسبت به نسل است، برای حل اشکال، استفاده از وسائل ضد آبستنی را پیشنهاد کرده اند، در صورتی که مسأله، تنها پاکی نسل نیست. مسأله مهم دیگر ایجاد پاکترین و صمیمی ترین عواطف بین زوجین و برقرار ساختن یگانگی و اتحاد کامل در کانون خانواده است. تأمین این هدف وقتی ممکن است که زوجین از هرگونه استمتاع از غیر همسر یا همسران قانونی چشم بپوشند، مرد چشم به زن دیگر نداشته باشد و زن نیز در صدد تحریک و جلب توجه کسی جز شوهر خود نباشد، و اصل ممنوعیت هر نوع کامیابی جنسی در غیر کادر خانواده حتی قبل از ازدواج هم رعایت گردد

به علاوه، زنی که تا اینجا پیش رفته است که به پیروی از امثال راسل و تقلید از صاحبان مکتب «اخلاق نوین جنسی» با داشتن همسر قانونی، عشق خود را در جای دیگر جستجو می کند و با مرد مورد عشق و علاقه خود همبستر می شود، چه اطمینانی هست که به خاطر همسر قانونی که چندان



مورد علاقه اش نیست و سائل ضد آبستنی به کار برد و از مرد مورد عشق و علاقه خود آبستن نشود و فرزند را به ریش همسر قانونی نبندد. قطعاً چنین زنی مایل است که فرزندی که به دنیا می آورد از مرد مورد علاقه اش باشد نه از مردی که فقط به حکم قانون همسر او است و الزاماً به حکم قانون نباید از غیر او آبستن بشود. همچنان مرد نیز طبعاً علاقه مند است که از زن مورد عشق و علاقه اش فرزند داشته باشد نه از زنی که با زور قانون به او پیوند کرده اند. دنیای اروپا عملاً نشان داده است که با وجود وسائل ضد آبستنی، آمار فرزندان غیر مشروع وحشت آور است.

### استواری اجتماع

کشانیدن تمتعات جنسی از محیط خانه به اجتماع، نیروی کار و فعالیت اجتماع را ضعیف می کند. برعکس آنچه که مخالفین حجاب خرده گیری کرده اند و گفته اند: «حجاب موجب فلج کردن نیروی نیمی از افراد اجتماع است» بی حجابی و ترویج روابط آزاد جنسی موجب فلج کردن نیروی اجتماع است.

آنچه موجب فلج کردن نیروی زن و حبس استعدادهای او است حجاب به صورت زندانی کردن زن و محروم ساختن او از فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی است و در اسلام چنین چیزی وجود ندارد. اسلام نه می گوید که زن از خانه بیرون نرود و نه می گوید حق تحصیل علم و دانش ندارد - بلکه علم و دانش را فریضه مشترک زن و مرد دانسته است - و نه فعالیت اقتصادی خاصی را برای زن تحریم می کند. اسلام هرگز نمی خواهد زن بیکار و بیعار بنشیند و وجودی عاطل و باطل بار آید. پوشانیدن بدن به استثناء وجه و کفین مانع هیچگونه فعالیت فرهنگی یا اجتماعی یا اقتصادی نیست. آنچه موجب فلج کردن نیروی اجتماع است آلوده کردن محیط کار به لذتجویی های شهوانی است. آیا اگر پسر و دختری در محیط جداگانه ای تحصیل کنند و فرضاً در یک محیط درس می خوانند دختران بدن خود را بپوشانند و هیچگونه آرایشی نداشته باشند بهتر درس می خوانند و فکر می کنند و به سخن استاد گوش می کنند یا وقتی که کنار هر پسری یک دختر آرایش کرده نشسته باشد؟ آیا

اگر مردی در خیابان و بازار و اداره و کارخانه و غیره با قیافه های محرک و مهیج زنان آرایش کرده دائما مواجه باشد بهتر سرگرم کار و فعالیت می شود یا در محیطی که با چنین مناظری روبرو نشود؟ اگر باور ندارید از کسانی که در این محیط کار می کنند پرسید. هر مؤسسه یا شرکت یا اداره ای که سخت مایل است کارها به خوبی جریان یابد، از این نوع آمیزشها جلوگیری می کند. اگر باور ندارید تحقیق کنید.

حقیقت اینست که این وضع بی حجابی رسوا که در میان ما است و از اروپا و آمریکا هم داریم جلو می افیم از مختصات جامعه های پلید سرمایه داری غربی است و یکی از نتایج سوء پول پرستی ها و شهوترانیهای سرمایه داران غرب است، بلکه یکی از طرق و وسائلی است که آنها برای تخدیر و بی حس کردن اجتماعات انسانی و در آوردن آنها به صورت مصرف کننده اجباری کالاهای خودشان به کار می برند.

### ارزش و احترام زن

قبلا گفتیم که مرد به طور قطع از نظر جسمانی بر زن تفوق دارد، ولی زن از طریق عاطفی و قلبی همیشه تفوق خود را بر مرد ثابت کرده است. حریم نگه داشتن زن میان خود و مرد یکی از وسائل مرموزی بوده است که زن برای حفظ مقام و موقع خود در برابر مرد از آن استفاده کرده است. اسلام زن را تشویق کرده است که از این وسیله استفاده کند. اسلام مخصوصا تأکید کرده است که زن هر اندازه متین تر و با وقارتر و عفیفتر حرکت کند و خود را در معرض نمایش یا ارتباط برای مرد نگذارد بر احترامش افزوده می شود.

بعدا در تفسیر آیات سوره احزاب خواهیم دید که قرآن کریم پس از آنکه توصیه می کند زنان خود را بپوشانند می فرماید: «ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین». یعنی این کار برای اینکه به عفاف شناخته شوند و معلوم شود خود را در اختیار مردان قرار نمی دهند بهتر است، و در نتیجه دور باش و حشمت [آنها مانع مزاحمت افراد سبکسر می گردد. این حکمت در مورد لمس و ارتباط کلامی نیز هست].<sup>2</sup>

:پی نوشت ها

همه روایات از میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری. ماده النظر؛ [1]

.مراجعه کنید به کتاب: مسئله حجاب ص 260. [2]

### داشتن غیرت نسبت به خانواده

مرد توخونه است زنش رو می فرسته برای خرید!) (مرد ماشین داره زنش رو با اژانس می فرسته) (مرد )  
مغازه داره زنش رو در مغازه میذاره تا مشتری زیاد بشه) (مرد تو خونه است در میزنند زنش بره درو باز  
(کنه) (مردانی که زن را به ادارات برای پول می فرستند

فروغ السادات پسندیده ( دختر آیت الله پسندیده) نقل می کند: «یک دفعه من و همسر و آخرین  
دخترم که فکر می کنم پنج سالش بود به قم خدمت امام رفتیم. آقا همیشه خیلی با محبت و علاقه  
برخورد می کردند. وقتی خدمتشان رسیدیم، گفتند: اسم این دختر شما چیه؟ گفتم: فریبا. گفتند: چرا  
چیزی سرش نکردید؟ گفتم: آقا این پنج-شش سالش است. گفتند: باشد، پنج-شش سالش باشد،  
سرش کن، عادت می کند. گفتم: باشد، حتماً

(حضرت امام در مورد حجاب و رو گرفتن خیلی تأکید می کردند). (میریان، پدر مهربان، ص 75

عاطفه اشراقی (نوه امام خمینی)، نقل می کند: «ده سال بیشتر نداشتم که با برادرهایم و پسرخاله ام قایم  
موشک بازی می کردیم، حجاب هم داشتم اما امام یک روز مرا صدا کردند و گفتند: شما هیچ  
تفاوتی [از لحاظ تکلیف شرعی] با خواهرتان ندارید. مگر او با پسرها بازی می کند که شما با پسرها  
(بازی می کنید؟ از آن روز به بعد با پسرها بازی نکردم). (مجله زن روز، شماره 1267، ص 47

## مرد مسول تهیه مخارج خانواده

یکی از آسیب های مربوط به خانواده که به ما خانم ها پیام میدن ، صحبت میکنن ، مراجعه میکنن اینکه مردهایی هستن زن میگیرند بعد خرج زن و بچشون رو نمیدن

مثلا موردی هست کمک گوشت نذری بردیم آقا مادرش ۷۰ سالشه زیر نظر کمیته امداده توی یه خانه درب و داغون زندگی میکنن آقا با زنش و بچه هاش نمیره کار کنه

مادره میره نزول میکنه از همسایه ها قرض میکنه غذای پسرش و با عرووش رو میاره همیشه غذا درست میکنه برای ۵ نفر درست میکنه

حالا این پسر چجور به خودش اجازه میده که این مادر ۷۰ ساله مریضش بره از همسایه ها پول قرض بکنه ، نزول بکنه بیاد

و این قشنگ البته گفت هر روزم بین این و خانمش دعواست

خانمش میگه من طلاق میخوام چجور تو اجازه میدی مادرت خرج ما رو بده پس تو مردی؟

این مشکله بنده در نور آباد که بودم صبح پیامک اومد

خانمی گفته بود آقا من جز شما کسی رو ندارم شوهرم منم رها کرده توی سرمای زمستان اداره برق و گاز اومدن برق و گاز رو قطع کردن من دارم از سرما میلرزم چیکار کنم؟

زنگ زدیم به کمیته آقای نعمتی برق تا زانو تقریبا بود برق

دیدیم راست میگه این خانم تنها توی ساختمان دیگه اونا اومدن برق و گاز رو وصل کردن کمیته امداد یه مقدار کمک کردن ولی اینا مسکنه

خب آقا شما اگه زنت رو نمیخواهی طلاق بده

پس چرا رهات کردی رفتی فرار کردی خودت رو گم و گور کردی

پیامبر لعنت کرده ها لعنت کرده اون مرد هایی که اینجوری بکنن

زن و بچشون رو معطل بکنن و خرجی ندن

یکی بود در زمان پیامبر اینجوری بود نمیرفت کار کنه

آخرش خانمش گفت آقا این پیامبر میگن خیلی بخشنده هست لااقل تو که کار نمیکنی برو از پیامبر ( ) چندتا سکه بگیر

اینم آمد محضر پیامبر همین که اومد بشینه پیامبر فرمود هر کس از ما کم بخواد کمکش میکنیم اما هر کسی که از خدا کمک خواد خدا بی نیازش میکنه فهمید که پیامبر منظورش ایشونه خجالت کشید بگه

رفت خونه خانمش گفت پولی گرفتی؟ گفت پیامبر این حرف رو زد دیگه خجالت کشیدم درخواست کمک کنم گفت پیامبر حرف های خوب خوب زیاد میزنه فردا حتما برو پول بگیر و بیا

فردا آمد دوباره همین ماجرا اتفاق افتاد تا ۳ روز

آخرش رفت پیش همسایه گفت آقا تبر داری قرض بدی؟؟ گفت بفرما تبر

...رفت صحرا مقداری هیزم و چوب آماده کرد و آمد و فروخت و چند سکه آورد و غذای داشتن و

فردا بیشتر کار کرد پس فردا بیشتر کار کرد و یواش یواش وسایل خونه خرید و شتر آبکش خرید تبر گرفت بعد که وضعش خوب شد

بر اثر کار و تلاش رفت محضر پیامبر با زنش

پیامبر فرمود بله من گفتم هرکسی از ما کمک بخواد یک درهم دو درهم اما برای چی این دو درهم برای یک روزتم همیشه

ولی اگه از خدا کمک بخوای خدا الان شما رو بی نیاز کرد

اخوی که از سپاه او مد بیرون همسرم داشتن

دانشگاه درس میخوندن شب تا صبح میرفتن پلاستیک سازی توی قم

صبح تا غروب میرفتن کلید سازی کار میکردن درسم میخوندن

...الان ایشون مشاور معاون وزیر توی وزارت

شب تا صبح کار داشتن ماهم تعجب میکردیم چه نیرویی

خدا کم نیرو نداده به انسان هیچ وقت زن و بچه رو معطل نگذاشته

لعنت به اون مردی که زن و بچش رو معطل بزاره و دنبال کار و تلاش نره

حالا این کشور ماهم کشوریه که شما هیچ شغل دولتی رو که تو بازارم مغازه نداشته باشی حاج اقا کریمی دفتر آقای مکارم گفت یکی اومد گفت آقا من بیکارم گفت بهش پول دادیم یه فرغون تهیه کرد بلال میفروشه بلال (ذرت) از همین درمیاره یه ۱۰ کیلو ۵۰ کیلو میوه میاره تا شب درمیاره اگه کسی اهل کار و تلاش باشه ها

حالا چرا بعضی از مردها اینجورن آیا خانواده مثلا پدر و مادر خوب تربیت نکردن؟ چی بوده؟ چه چیزی باعث شده تن پرورن اینا

میخوان مثل شاهزاده ها باشند! دیدین شاهزاده ها کار نمیکنن

همین شاهزاده پهلوی هم چند روز قبل توی مصاحبه گفت پدر محرومم شاه مرد ۶۳ میلیون دلار برامون گذاشت

۶۳ میلیون دلار از پول بیت المال ، بابا ۳۵ میلیارد دلار شاه از ایران پول خارج کرد ۶۳ میلیون میگفت میلیارد برده شاه

اونم زمانی که دلار ۷ تومن بوده نه ۷ هزار تومن ها ۷ تومن حالا اینجوری

بله احسنت کاخ دارن شرکت نفی دارن خیلی چیز دارن یه جزیره دارن اینا یه جزیره خریدن یه جزیره توی خارج

.خدا لعنتشون کنه همون شاه عذابش رو بیشتر کن هم اینو هم اونو عذاب دنیا و آخرت بده

مرد مسئول ادب خانواده

پیامبر مهربانی فرمودند از وظایف پدر این است که فرزند را ادب بیاموزد!

مقابل یکدیگر پارا دراز نکردن-فحش ندادن-دعوا نکردن-برهنه نشدن مقابل یکدیگر-بالباس زیر {  
مقابل هم ظاهر نشدن

حضرت امام بدون جوراب دیده نشدند..ولی می بینیم بعضی .مردها با شلوارک بیون می آیند!

-صداهای ناجور از خود درنیاوردن و...اینها جزو ادب است

جلوتر از والدین راه نرفتن-رعایت حرمت استاد و افراد سالخورده و رعایت ادب بزرگان...

از الفاظ رکیک دوری کردن-اجتناب از ناسزا گفتن حتی به دشمنان

**در حال راه رفتن غذا نخوردن.** که در روایت آمده درحالا ه رفتن غذا خوردن از پستی است.انوقت ما

می بینیم که دختری هستند که در خیابان بستنی یا ساندویچ می خورند..پسرهایی که تو خیابان راه

می روند و می خورند و...



ایستاده ادرار کردن از بی ادبی است!..قبل از وارد شدن به اتاقی که درش بسته است، در  
بزینید....تو اتوبوس مسافرین نباید حرکات نامناسب انجام بدهند مثلا زن و مرد به ناز و عشوه هم  
پیردازند!

گاهی دیده شده که زن و مردی حالا زن و شوهر هستند یا نه! معلوم نیست. ولی جلو بقیه مسافرها  
حرکات ناشایستی انجام می دهند!....گاهی دیده شده زنها و دخترها تو خیابون گیس و گیس کشی  
راه می اندازند و کلیب و فیلم انها را گرفته در فضای مجازی می گذارند

دخترها جلو برادر و پدر لباسهای تنگ و نامناسب می پوشند! درحالی که خیلی ها می گفتند ما تو  
عمرمون موی سر مادرمون رو ندیدیم چون همیشه پوشیده بودند!....بعضی از مردم از روی ادب اسم  
همسر خود را جلوی دیگران نمی آورند بلکه می گویند مثلا مادر علی این نشانه ادب ان مردم است.  
سینه زنانی که در عزاداری لخت می شوند بی ادبی و بی حیایی هست.....

وقتی در کوچه و خیابان می رویم اگر در خانه ای باز است نباید به داخل ان نگاه کنیم این خلاف  
!ادب است.....بعضی با زیرپوش میاند دم درخانه

بعضی مردها و پسرها طوری شلوار می پوشند که وقتی برای کاری خم میشوند نصف پشت و باسن انها  
!پیدااست مخصوصا تو خیابونا

بعضی خانم ها و دخترها هم لباسی می پوشند که ناف اونها پیدااست!!

شخصی محضر رسول خدا آمد و گفت وقتی من گناه می کردم ایا خدا مرا می دید؟ رسول خدا فرمود  
اری. این شخص انچنان شرمنده شد که ناله ای کرد و از دنیا رفت

## مرد مسئول تربیت دینی خانواده

پیامبر مهربانی فرمود پدر باید به فرزندش قرآن یاد بدهد. باید از هفت سالگی او را به نماز وادار کند. باید بر رفقای او نظارت داشته باشد. نباید بگذارد عمر فرزند تلف شود. مرتب او را نصیحت کند مانند لقمان که نصیحت های او به فرزندش در قرآن سوره لقمان آمده است.

پدر نباید در زمینه تربیت دینی فرزندش بی تفاوت باشد و کوتاهی کند فقط در زمینه مشکلات مادی فرزندش احساس مسولیت نماید و فقط اگر لباس یا کفش نداشت به فکرش باشد.

ما پدرمان به همه برادر خواهرها مون قرآن را تعلیم فرمود و در این زمینه برای ما خیلی زحمت کشید. و هر روز چند ساعت با ما قرآن کار می کرد ابتدا روخوانی قرآن بعد حفظ قرآن...

یک نفر برنج فروش بود وقتی مشتری نداشت قرآن می خواند. از او پرسیدم شما قرآن کجا یاد گرفتی؟ گفت بچه بودیم در روستا زندگی می کردیم پدرمان از شهر یک ملا برای تعلیم قرآن من و داداشم آورد و او به ما قرآن یاد داد.

هر آدمی دیدید قرآن بلد نیت مقصر اولیه پدرش است که در این زمینه کوتاهی کرده است.

همچنین در زمینه نماز فرزندان باز اینجا پدر مسؤل است وقتی خودش نماز نمیخواند یا مسجد نمی آید همین روی فرزند اثر منفی دارد.

خانمی می گفت پسر بیست ساله نماز نمی خواند. پرسیدم پدرش می خواند؟ گفت نه. گفتم اولاً باید وقتی پسر بیست ساله بود رو نمازش کار می گردید دوم اینکه وقتی پدر بی نماز است فرزندهم اینگونه میشود مگر بعضی موارد استثنایی

گندم از گندم بروید جو زجو

اگر فرزند نمازخوان شد به نفع خانواده است چون از خیلی از اسباب ها در امان می ماند والا فرزند بی نماز زمینه کار خلاف دارد و تو کارهای زشت می افتد و آبروی خانواده را میبرد و مشکلات زیادی برای خانواده ایجاد می کند

خانمی مومن و اهل مسجد می گفت شوهرم راننده کامیون است و همیشه در سفر! پسر که بی نماز است! به انواع خلاف ها مثل مشروب خوردی! دوست دختر! و...الوده شده اخیراً خودزنی م به آنها اضافه شده که باقمه و چاقو خود را زخمی می کند!

اری اگر نماز را ترک کردیم زمینه پیروی از گام های شیطان را پیدا می کنیم... پس قدر نماز که یک داروی مجانی ولی دارای اثر معجزه اسا در جلوگیری از انحرافات است را بدانیم و فرزندان خود را از کودکی به نماز وادار نماییم و آنها را نمازخوان بار بیاوریم....

### مرد مسئول سلامت خانواده

پدر در زمینه سلامت جسم و روح اعضای خانواده مسؤل است..جلو ازدواج فامیلی را بگیرد زیرا بیش از شصت درصد معلولین کشور بخاطر ازدواج فامیلی است

پدر باید جلو مصرف خوراکی های مضر را بگیرد.پدری می گفت پسر من هر روز باید نوشابه بخورد!خب بعدش دیابت و انواع مرضها سراغش می اید و زحمتش به دوش والدین است

پدر باید خانواده را سحرخیز بار بیاورد. کسانی که زود می خوابند و زود بیدار میشوند از بقیه سالم ترند

نباید پدر. در درمان بیماری انها بی تفاوت باشد به موقع درمان کند تا دچار مشکل نشوند.

..همیشه سیب و عسل و گردو تهیه کند و خانواده را به خوردن خوردنی های مفید تشویق نماید...

### اثرات بسیار خطرناک بسته شدن نطفه در مکان یا زمانهای نامناسب

رعایت نکردن دستورات اسلام درباره زمانها و مکانهای مکروه درموقع بسته شدن نطفه گاهی باعث تولد فرزندان که جسم ویا روح معیوب دارند میشود

در مکارم الاخلاق طبرسی وبحار این چنین آمده که : رسول خدا به علی فرمود

یا علی! به هنگام آمیزش سخن مگوی، که اگر فرزندی در آن حال متولد شود، از لال شدن ایمن نباشد. همچنین نباید کسی در عورت همسر بنگرد که نگاه به عورت او، موجب نابینایی (کوری) فرزند می شود. یا علی! با همسر خود با یاد و میل زنان دیگر جماع مکن، که می ترسم اگر فرزندی پا بگیرد، دیوانه وابنه ای و در صفت زنان باشد. یا علی! کسی که جُنُب است یا همسرش در بستر می باشد، قرآن نخواند، که می ترسم آتش فرود آید و هر دو را بسوزاند.

یا علی! نزدیکی مکن مگر آن که تو و همسرت هر یک دستمال و پارچه ای جداگانه داشته باشید و با یک چیز خود را پاک نکنید که شهوت بر شهوت ننشیند و بین شما عداوت انگیزد و کارتان به طلاق انجامد.

یا علی! ایستاده جماع مکن که این کار الاغ است، و اگر فرزندی در این حال به وجود آید، در بستر بول نماید و چون الاغ همه جا بول کند.

یا علی! زیر دخت میوه دار نزدیکی مکن که اگر فرزندی حاصل شود، جلاد یا آدمکش و یا کاهن شود.

یا علی! در برابر خورشید و آفتاب نزدیکی مکن، مگر آن که خود را از نور با پرده ای بپوشانید. در غیر این صورت اگر فرزندی به دنیا آید، همواره در فقر و نکبت به سر برد.

یا علی! بر پشت بام جماع مکن که حاصل آن، فرزندی منافق و ریاکار و بدعت گذار باشد.

یا علی! بین اذان و اقامه جماع مکن که در این صورت اگر فرزندی پدید آید، به خونریزی حریص باشد.

یا علی! با زن حامله ات جز با وضو نزدیکی مکن که اگر فرزندی متولد شود، کوردل و بخیل گردد

یا علی! در شب عید فطر جماع مکن که حاصل آن فرزندی شرور باشد. در شب عید قربان جماع مکن که اگر فرزندی به هم رسد، شش انگشت و چهار انگشت شود. همچنین در شب نیمه شعبان نزدیکی مکن که حاصل آن فرزندی آبله رو و زشت منظر و زشت مو خواهد بود

یا علی! در اواخر هر ماه - دو روز مانده به آخر ماه - جماع مکن که اگر فرزندی شود یاور ستمکاران باشد و گروه مردمان را به هلاکت رساند

یا علی! شبی که عزم مسافرت داری، جماع مکن که اگر فرزندی به دنیا آید، مالش را به نا حق مصرف کند؛ زیرا تبذیر کنندگان برادر شیطانند. در طریق سفر تا سه شبانه روز از آغاز سفر نزدیکی مکن که اگر فرزندی متولد شود، معین و یاور ستمکاران گردد

یا علی! شب های دوشنبه آمیزش کن که اگر فرزندی حاصل شود، حافظ قرآن گردد و به قسمت خدا خوشنود باشد

یا علی! اگر شب های سه شنبه جماع کنی و فرزندی آید، شهادت روزی او گردد پس از آن که به یگانگی خدا و نبوت من شهادت دهد، و خداوند با مشرکان عذابش نکند و دهانش خوشبو باشد. این فرزند رحم دل و دست و دل باز است و زبانش از دروغ و بهتان پاک خواهد بود

یا علی! اگر شب پنجشنبه آمیزش کنی و فرزندی به وجود آید، یا حاکم و یا عالم گردد. اگر روز پنجشنبه به هنگام رفتن خورشید از وسط آسمان نزدیکی کنی و فرزندی پا بگیرد، شیطان به او نزدیک نگردد و پر فهم باشد و خداوند سلامت دین و دنیا را روزی اش سازد

یا علی! اگر شب جمعه جماع کنی و در اثر آن فرزندی پدید آید، سخنگو و حرف زن باشد. و اگر  
روز جمعه پس از عصر نزدیکی کنی، دانشمند و معروف و مشهور گردد ان شاء الله تعالی

یا علی! در ساعت اول شب جماع مکن که ایمن نیستی فرزندت ساحر شود و دنیا را بر آخرت  
برگزیند

یا علی! وصیت مرا حفظ کن، چنان که من از برادرم جبرئیل حفظ کردم (مکارم الأخلاق، ص 209-  
(211؛ بحار الأنوار، ج 103، ص 282-283)

## خانواده در قرآن و حدیث





محمد تقی صرفی پور





## مقدمه

حمد مخصوص خداوند جمیل و حکیم است و صلوات خدا بر افضل انبیاء حضرت محمد و خاندان با فضیلتش باد.

خانواده شامل پدر و مادر و فرزنان است که اگر درست شود جامعه درست می گردد مخصوصا اگر مادر به وظیفه خود عمل نماید در سعادت جامعه نقش مهمی ایفا می شود.

قرآن کریم پیوند زناشوئی را بعنوان عامل آرامش روانی و عامل ایجاد محبت و مودت بین زوجین می داند و آن را آیه و نشانه وجود پروردگار دانسته است.

قرآن کریم زن و شوهر را لباس هم معرفی کرده است یعنی همانگونه که لباس عیوب را می پوشاند و انسان را از سرما و گرما حفظ می نماید و زینت انسان است زوجین نسبت به هم باید این چنین باشند.

در روایات آمده که بزرگترین استفاده مرد مسلمان بعد از اسلام، داشتن همسری است که وقتی به او نگاه می کند خوشحال شود. وقتی به او فرمان می دهد اطاعت کند وقتی نیست حافظ عفت خویش و حافظ اموال شویش باشد.

در جای دیگری می فرماید هیچ نهادی در پیشگاه الهی دوست داشتنی تر از پیوند زناشوئی و نهاد خانواده نیست.

از طرفی اسلام صحنه خانواده را همچون صحنه جهاد دانسته بطوری که خدمت زن در منزل مجاهدت محسوب شده و ارزش دادن یک ظرف آب خوردن به شوهر را از یکسال روزه داری و شب زنده داری برتر می داند.

در این کتاب به مسائل مختلف خانواده پرداخته می شود. امید است مفید واقع گردد.

## خانواده در قرآن وحدیث

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (سوره روم، آیه 21).

از جمله نشانه‌های پروردگار آن است که از جنس خودتان برایتان همسرانی آفرید تا با ازدواج با او آرامش پیدا کنید و بین شما مودت و محبت قرار داد و این نشانه‌هایی برای متفکرین است.

نهاد خانواده از مقدس‌ترین نهادها و بناهایی است که در کره زمین وجود دارد. خانواده محور همه تلاشها و فعالیتهای بشر است. همه وزارتخانه‌ها برای خدمت رسانی به خانواده تشکیل شده و کار می‌کنند. مجلس و قوه قضائیه و دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌ها حتی حوزه‌های علمیه برای خدمت به خانواده فعالیت می‌نمایند. خانواده دارای سه رکن اساسی است. پدر، مادر و فرزندان.

هر کدام از این سه رکن وظایفی به گردن دارند که اگر درست انجام دهند خانواده به سعادت می‌رسد و اگر خانواده‌ها خوب عمل کنند، جامعه هم سعادتمند خواهد بود. برعکس اگر خانواده‌ها متزلزل شوند جامعه نیز دچار تزلزل خواهد شد.

### رعایت حقوق همسر

تقریباً اکثر انسانها ازدواج می‌کنند و سالهای سال را با همسرانشان بسر می‌برند. این اجتماع کوچک خانواده که از دونفر شروع شده و با تولد احتمالی فرزندان کمی بزرگتر می‌شود، نیاز به رعایت قوانینی دارد تا دچار آفتها نشود و همچنان مانند روز اول مستحکم، به مسیر خود ادامه دهد.

«از نشانه‌های پروردگار آنست که همسری از جنس خودتان خلق کرد تا با او به آرامش برسید.»<sup>(2)</sup>

از این آیه می‌فهمیم که عالیت‌ترین هدف زوجیت، انس و الفت و مهربانی بین دو زوج می‌باشد.

از این انس و الفت بین زن و شوهر است که روابط خویشاوندی و نسب را در میان انسانها برقرار می‌کند و خانواده‌ها بوجود می‌آیند و از روابط بین خانواده‌ها، زندگی اجتماعی و تمدن حاصل می‌شود. آنجا که هدف از بوجود آمدن اجتماع را این گونه بیان می‌کند:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ» (حجرات 13).

«ای مردم! ما شما را از زن و مرد آفریدیم و شما را خانواده‌ها و قبیله‌ها و طائفه‌ها قرار دادیم تا بدانید که گرامی‌ترین شما نزد خدا، باتقواترین شماست.»

که در این آیه شریفه، هدف از خلقت انسانها و تشکیل خانواده‌ها و جوامع را، معرفت به این نکته که هر که تقوایش بیشتر است، در نزد خدا گرامی‌تر است، می‌داند.

بعضی خانواده‌ها شجره طیبه‌ای هستند که افراد بزرگواری را تربیت کرده و همگی به خدمت به جامعه مشغول هستند همانند شجره اهل بیت و شجره علماء و افرادی که فرزندان‌شان دانشمند، معالم و طبیب، مهندس و بازاری متدین و روستایی متعهد نظامی با تقوا و غیره هستند. و متأسفانه بعضی از خانواده‌ها شجره خبیثه‌ای هستند که اکثر یا همه اعضای خانواده شرور و فاسد و ضد جامعه می‌باشند. همانند شجره بنی امیه و خانواده‌هایی که فرزندان‌شان قاجاقچی و دزد و فاسد و جنایتکار می‌شوند.

در دین اسلام زن جایگاهی برابر با مرد دارد. همانطور که اگر مرد، عمل صالح انجام دهد و تقوا پیشه کند، رستگار است. زن نیز چنانچه پرهیز از گناه بکند، سعادت‌مند خواهد شد.

سه دلیل بر این مطلب وجود دارد:

1- با توجه به اینکه ارزش هرانسانی به روح است، مرد وزن بودن نسبت به جسم معتبر است ولی روح مذکر و مؤنث ندارد. پس حقیقت انسان، نه مذکر است و نه مؤنث.

2- مرد وزن بودن در ارزشها و ارزشمندها اثری ندارد. مثلاً آیاتی که علم را ارزش می‌داند و جهل را ضد ارزش، ایمان را ارزش می‌داند و کفر را ضد ارزش، عزّت و ذلّت، سعادت و شقاوت، فضیلت و رذیلت، حق و باطل، صدق و کذب، تقوی و فجور، اطاعت و عصیان، انقیاد و تمرد، غیبت و عدم غیبت، امانت و خیانت را بعنوان مسائل ارزشی و ضد ارزشی می‌داند، هیچکدام از این اوصاف نه مذکّرند و نه مؤنث، زیرا موصوف این اوصاف، هرگز بدن نیست.

3- در خطابات الهی هم، ذکوریت و انوشت اثری ندارد. مانند: «کل امرء بما کسب رهین»<sup>(1)</sup> هر کسی در گرو عملش است.

«لَيْسَ لِلْأُنْثَىٰ نَصٌّ إِلَّا مَا سَعَىٰ» انسان فقط نتیجه تلاش خود را می‌بیند.

«أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ»

من (خدا) عمل هیچ کسی را چه زن و چه مرد، ضایع نمی‌کنم.

و در مواردی که قرآن کریم با صراحت نام زن و مرد را می‌برد، علتش آنست که می‌خواهد افکار جاهلی قبل از اسلام را تخطئه کند. زیرا آنها عقیده داشتند که عبادت و فضائل مال مردهاست و بین زن و مرد فرق است.<sup>(2)</sup>

**فرقی بین زن و مرد در عمل و پاداش نیست**

با تفحص در قرآن کریم در می‌یابیم که در عبادت و عمل صالح و پاداشها فرقی بین زن و مرد نیست. از جمله:

(انّ المسلمين والمسلمات والمؤمنين والمؤمنات والقانتين والقانتات والصادقين والصادقات والصابرين والصابرات والخاشعين والخاشعات والمتصدّقين والمتصدّقات والصائمين والصائمات والحافظين فروجهم والحافظات والذاكرين الله كثيراً والذاكرات أعدّ لهم مغفرةً وأجرًا عظيمًا).<sup>(3)</sup>

«همانا مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان عابد و زنان عابده، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صبور و زنان صبور، مردان خاشع و زنان خاشعه، مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده، مردان روزه دار و زنان روزه دار، مردان حفظ کننده اندامهای خود از حرام و زنان حفظ کننده، مردان بسیار ذکر گوینده و زنان ذکر گوینده، خداوند برای آنان آمرزش و پاداش عظیمی آماده نموده است.»

و یا در آیه:

«لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ».<sup>(4)</sup>

«نصیب مردان و زنان آنچه‌ای است که آنرا کسب می کنند.»

و یا در آیه: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ».<sup>(1)</sup>



1. سوره طور، آیه 21.

2. زن در آئینه جلال و جمال الهی.

3. سوره احزاب، آیه 35.

4. سوره نساء، آیه 32.

---

هر مرد وزن مؤمنی که عمل صالح انجام دهد، ما به او زندگی پاکی داده و بهترین پاداش را به اعمال آنها می دهیم.

و یا در آیه:

«يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»<sup>(2)</sup>

روزی که (قیامت) می بینی نور مردان و زنان مؤمن، در پیش رو و سمت راستشان روشن می باشد. امروز بشارت باد بر شما به بهشت هائی که نهرها از زیر آنها جاری است و همیشه در بهشتند و این همان رستگاری عظیم است.

## زنان نمونه در قرآن کریم

دو نفر زن نمونه در خوبی و بدی

دربین زنان عالم، زنان یکتاپرست و عاشق خدا فراوان بودند که خداوند سبحان از دونفر از آنان تعریف کرده است. یکی حضرت مریم س و یکی اسیه زن فرعون.

«وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةً فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كُتِبَ عَلَيْهَا إِتْقَانُ الْعَمَلِ الْإِسْلَامِ وَ حَقَّقَتْ الْفِرْعَوْنَ فِي يَوْمِئِذٍ إِنَّهَا كَانَتْ مِنْ الْإِنسَانِ السَّاجِدِينَ»<sup>(3)</sup>.

خداوند برای آنهایی که ایمان آورده‌اند، زن فرعون را مثال می‌زند که گفت: بار خدایا برایم در بهشت در جوار خویش خانه‌ای بنا کن و مرا از فرعون و اعمالش نجات بده! و مرا از دست ستمکاران راحت کن! و حضرت مریم دختر عمران که خود را از حرام حفظ نمود و ما از روحمان در او دمیدیم و او سخنان و کتابهای الهی را تصدیق نموده و از عبادت کنندگان بود.

### توضیح

آسیه زن فرعون به خدای یکتا ایمان آورد و از ثروت و رفاه و پادشاهی شوهرش دست کشید. بدستور فرعون او را شکنجه کردند. از جمله او را به چهارمیخ بستند و در آفتاب انداختند و سنگی بر سینه او قرار دادند. در این موقع، آسیه از خدا نجات خود را تقاضا نمود و خداوند سبحان هم قبل از اینکه شکنجه او را اذیت نماید، او را قبض روح کرد. او از جمله چهار زن برگزیده زنان جهان است. در آیه فوق خداوند سبحان او را نمونه ایمان می‌داند.

در روایت است «هر زنی که بر اخلاق بد شوهرش صبر کند، خداوند سبحان ثواب حضرت آسیه را به او بدهد.»<sup>(4)</sup>

زن دومی که خدا او را نمونه ایمان می‌داند، حضرت مریم علیها السلام است.

او که مادر حضرت عیسی علیه السلام است در این آیه با چند عبارت مدح شده است.

1 - او زنی بوده که خود را با وجود زیبایی و مجرد بودن و امکان گناه، از حرام حفظ کرد

2 - خداوند سبحان با اعجازش او را بدون اینکه با مردی تماس داشته باشد، به حضرت عیسی علیه السلام باردار نمود.

3 - او کلمات خداوند سبحان و کتابهای آسمانی او را تأیید کرده و به آن ایمان داشت.

4 - او جزء عبادت کنندگان بوده است.

اما در قرآن کریم از دو زنی که متأسفانه در کفر نمونه بوده‌اند، نام برده است. زنانی که بخاطر همسری با پیامبران می‌توانسته‌اند الگوهای ایمان و تقوا باشند ولی بدلیل همراهی با کافران، از رحمت الهی دور شده و به آتش کفرشان سوختند:

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَةً نُوحٍ وَ امْرَأَةً لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاحِلِينَ<sup>(1)</sup>.

خداوند برای آنانکه کافر شدند، زن نوح و زن لوط را مثال می‌زند که این دونفر همسر

دوتا بنده صالح ما بودند اما به شوهرانشان خیانت کردند و همسریشان با پیامبران، هیچ

---

1. سوره نحل، آیه 97.

2. سوره حدید، آیه 12.

3. سوره تحریم، آیات 12 - 11.

4. معارف و معاریف، ج 3؛ بحار، ج 103، ص 247.

---

»

سودی برایشان نداشت و از عذاب خدا نسبت به آنها جلوگیری نکرد و به آنها دستور داده شد که با جهنمیان (قوم لوط و قوم نوح) به آتش داخل شوید .

توضیح

«در روایت آمده است که زن نوح بنام «وائله»، کافر بود و به مردم می گفت: نوح دیوانه است . و اگر کسی به نوح ایمان می آورد، فوراً به سران مشرکین خبر می داد» .

زن لوط بنام «واهله»، مردم را از مهمانهای لوط با خبر می کرد تا مردم آنها را اذیت نمایند!  
و هر که به لوط ایمان می آورد، به مردم خبر می داد و آنها هم آن شخص مؤمن را  
می کشتند.

بخاطر این خیانتشان، بر سر زن لوط سنگ بارید و زن نوح هم غرق شد.<sup>(2)</sup>

نظر گوستاولوبون مورخ فرانسوی

«اسلام وضع اجتماعی و شئونات زن را بر خلاف پندارهای باطل برخی از اروپائیان، زبه  
مقدار بسیار زیادی بالا برد، و قرآن کریم در قسمت ارث، حقوقی که به زنان بخشیده،  
بهتر از بسیاری از قوانین اروپاست... آری اسلام مانند برخی از قوانینی که در اروپا  
هست، طلاق را جایز دانسته لکن این معنی را شرط کرده که باید با زنان مطلقه به نیکی  
و عدالت رفتار شود، برای اینکه این معنی را بهتر درک کنیم، باید وضع زن قبل از اسلام  
و بعد از آن را بررسی کنیم (و در مقایسه، نتیجه را به دست آوریم)...

پیش از آمدن اسلام، مردها زن را موجودی متوسط میان حیوان و انسان، می دانستند، یعنی  
زن را فقط وسیله ای برای پیدایش نسل و خدمتکاری می دانستند، و دختردارشدن را برای  
خود مصیبتی می پنداشتند، و رسم دخترگوشی به طوری رایج شده بود که همچنان که سگ  
را در آب می انداختند، دخترها را زنده به گور می کردند و شیوع این عادت را از  
صحبت هایی که میان قیس رئیس قبیله بنی تمیم و حضرت محمد صلی الله علیه و آله رد و بدل  
شد، می توانید بفهمید:

روزی قیس دید که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله یکی از دختران خود را روی زانوانش  
نشاند است، از او پرسید: «این گوسفند بچه چیست، که این چنین او را می بویی؟»

حضرت فرمود: «این دختر من است.»

قیس گفت: به خدا سوگند من دخترهای زیادی داشتم و همه را زنده به گور کردم و هیچ کدام را این گونه نبوئیدم!

حضرت محمد صلی الله علیه و آله فریاد زد: «وای بر تو! خدا رحم را از دل تو بیرون برده، و قدر بهترین نعمتهایی را که خداوند سبحان به انسان عنایت کرده شناختی.»

گوستاو لوبون پس از ذکر مطالبی می نویسد: «تنزل مقام زن ربطی به اسلام ندارد، زیرا اسلام مقام زن را ارجمند ساخته و برتری داده است... اسلام نخستین دینی است که اقدام به این کار کرد.»<sup>(1)</sup>

---

1. سوره تحریم، آیه 10. 2. تفسیر مخزن العرفان 402/12

زن نور چشم است!

در سخنان بزرگان دین مخصوصاً رسول مکرم اسلام بارها و بارها از زنان در موارد مختلف ذکر شده است. برخلاف بعضی از ادیان و مکتبها که زن را شرّ و بد می دانند، پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله زن را نور چشم خود می دانست و در آخرین لحظات عمر شریفش، در مورد رعایت حال زنان توصیه و سفارش فرمود.

نماینده زنان در حضور رسول خدا (صلی الله علیه و آله)

«روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در جمع اصحاب و یاران نشسته بودند که اسماء بنت یزید انصاری، به حضور پیغمبر صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: من نماینده زنان هستم تا از شما سؤالی بپرسم، و این فقط سؤال زنان انصار و مدینه نیست بلکه هیچ زنی در شرق و غرب عالم نیست مگر اینکه وقتی سؤال مرا بشنود، آن را می پذیرد. پس من در حقیقت نماینده همه زنان عالم هستم! پدر و مادرم و خودم فدای شما ای رسول خدا.

حقیقتاً خداوند سبحان شمارا به پیامبری بسوی زنان و مردان مبعوث نمود، ما هم به تو و خدایت، ایمان آوردیم، و بدرستی که ما زنان، خانه نشین و در حجاب و محدود هستیم. غرائز جنسی شما مردها را برطرف می کنیم و فرزندان شما را بزرگ می نماییم! آن وقت شما مردها چند امتیاز بر ما زنها دارید: شما در نماز جمعه و جماعت و عیادت مریضها و تشییع جنازه و حج پیایی و از همه بالاتر در جهاد شرکت می کنید! وقتی یکی از شما برای حج و عمره و جهاد، خارج می شوید، ما اموال شما را حفظ می کنیم، لباسهای شما را می بافیم، بچه های شما را بزرگ می کنیم در حالی که در اجر و ثواب کارهای شما شریک نیستیم!

در این موقع حضرت با تمام صورت به اصحابش متوجه شد و فرمود: آیا شما تاکنون زنی این چنین دیده اید که به این خوبی مسائل دینش را پرسد؟

اصحاب گفتند: ما فکر نمی کردیم زنی به این مرتبه برسد!

سپس پیغمبر به طرف آن زن توجه کرد و فرمود: ای خانم! خوب بفهم و به همه زنان اعلام کن! بدرستی که خوب شوهرداری کردن زن و جلب رضایت شوهر و موافق او عمل نمودن، مساوی و معادل همه این کارهای خیری است که مردان انجام می دهند!

آن زن در حالی که زبان را به لا اله الا الله بلند کرده بود نزد زنان برگشت.<sup>(2)</sup>

## سفارشات اسلام درباره زنان

در آیات و روایات سفارشات متعددی درباره رعایت حقوق زنان شده است که به تعدادی اشاره می گردد:

اول: «عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ».<sup>(3)</sup> یعنی با خوبی با زنان معاشرت کنید.

مطلب فوق شامل مشارکت مرد با همسرش در خدمات خانه و استحباب وسعت در خریدنی و آشامیدن و مسکن و لباس و دادن هدایای خوب دربرگشت از سفر و در اعیاد و گذشت از

1. زنان مردآفرین، ص 22. 2. خانواده نمونه - میزان الحکمه 2869/4. 3. سوره نساء، آیه 19.

---

خطاهایش و اینکه مرد هم بالباس خوب و بوی خوش با همسرش روبرو شود و عدالت در بین زنان اگر چند همسری باشد و ... می شود.

دوم: «وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ».<sup>(1)</sup> و «وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ».<sup>(2)</sup>



یعنی برای اینکه مجبور شوند از حق خود دست بردارند به زنها سخت گیری نکنید و اذیت نرسانید .

از امام صادق علیه السلام روایت شده که علت نزول آیه فوق آن بود که گاهی مردی عیال خود را می زد تا زن همه حقوق خود را اعم از مهریه و مخارج عدّه و غیره را حلال کند .

سوم: «فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ»<sup>(3)</sup>.

یعنی هرگاه زنان شما بچه های شمارا شیر می دهند، می توانند از شوهر مزد بخوانند .

چهارم: اسلام سفارش کرده که برای حضانت و نگاهداری اولاد مادران سزاوارترند و زن می تواند دختر را تا هفت سالگی و پسر را تا دوسالگی خود بزرگ نماید .

پنجم: «وَأَتَيْتُمُ إِحْدَاهُنَّ قِنطَاراً فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئاً»<sup>(4)</sup>.

یعنی مهر زن را باید مرد بدهد حتی اگر مهریه پوست گاوی پراز سکه طلا باشد !

ششم: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ»<sup>(5)</sup>.

یعنی باید مرد، نفقه همسرش را بدهد .

هفتم: «وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا»<sup>(6)</sup>.

یعنی در صورت بروز اختلاف بین زن و مرد باید یک نفر از فامیل مرد و یک نفر از فامیل زن، جلسه بگیرند و اختلاف بین این دو را حل کنند .

هشتم: «فَامْسَاكُ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحُ بِإِحْسَانٍ»<sup>(7)</sup>.

یعنی با زنان خوشرفتاری بنمائید و از آنها نگه داری کنید و اگر می‌خواهید طلاق بدهید به آنها ظلم نکرده و حق آنها را بدهید.

نهم: «وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا»<sup>(8)</sup>.

یعنی اگر زنان از شوهر اطاعت نکردند و ناشزه شدند، آنها را نصیحت کنید و اگر باز هم تمکین نکرد، در رختخواب به او پشت کنید و اگر باز هم عصیان نمود، آنها را (با چوب مسواک) بزنید!

دهم: «عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: زَنْ رِيحَانَةٌ اسْتَ نَه قَهْرْمَانَه! پَس بَا اُو دَر هِر حَالِي مَدَارَا نِمَا وَمَصَاحِبِ خُوبِي بَا اُو بَاش تَا زَنْدَگِيت صَفَايَا بَد.»<sup>(9)</sup>

یعنی باید با زن با کمال احترام و احترام رفتار کرد و بویید! نه آنکه در زیر دست و پا نرم کرد و کویید!

یازدهم: طبق روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله به زنان اجازه داده شده که اگر شویش به او نفقه نداد، (با شرایطی) بدون اجازه او باندازه مخارج از اموالش بردارد.

دوازدهم: جهاد را از زنان برداشته و بجایش آنها را به حجاب، نقاب، ستر و عفاف و حمل و رضع. تمشیت و تدبیر منزل فرمان داده است. که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جهاد زن خوب شوهرداری کردن است.

---

1. سوره طلاق، آیه 6.

2. سوره نساء، آیه 16.

3. سوره طلاق، آیه 6.

4. سوره نساء، آیه 20.

5. سوره نساء، آیه 25.

6. سوره نساء، آیه 35.

7. سوره بقره، آیه 229.

8. سوره نساء، آیه 34.

9. من لایحضره الفقیه، ج 3، ص 556.

---

سیزدهم: در احکام نسبت به زنان تسهیلاتی در نظر گرفته که در هیچ دینی این چنین نیست . از جمله قبول توبه زن مرتد، تسهیل در تطهیر بول کودک در حال شیرخوارگی، اجازه خوردن روزه در رمضان نسبت به زن حامله یا شیردهنده، اینکه مسجد زن خانه اش است، نفقه فرزندان بر مرد است نه زن و ...

چهاردهم: زن از دوران بارداری تا وضع حمل کند و دوران شیردهی را پشت سر بگذارد همه اینها برایش حکم جهاد با دشمنان اسلام را دارد و اگر خدای نکرده در این فاصله بمیرد، شهید محسوب می گردد .

پانزدهم: زن مسلمانی که خوب شوهرداری کند و بر سختیهای زندگی صبر نماید اجر شهدا را می برد..

شانزدهم: به مردان تذکر داده شده که نیازهای عاطفی زنانشان را برآورده نمایند.

فاشفقوا علیهن و طیبوا قلوبهن<sup>(1)</sup>

به زنان مهربان باشید و دلهای آنان را پاکیزه و بدون آلودگی بنمائید.

هفدهم: به مردان تذکر داده شده با همسرانشان مدارا نمایند. فدارها علی کل حال

هیجدهم: اگر زن رفتار نامناسبی داشت مرد عفو کند. وان جهلت غفرلها

نوزدهم: زنان امانت هستند. پس مرد خوب امانت داری کند. علی ع: انهن امانه<sup>(2)</sup>

بیستم: خدا رحمت می فرستد بر مردی که با زنش خوب برخورد کند

.رحم الله عبدا احسن فیما بینہ و بین زوجته<sup>(3)</sup>

یست و یکم: اکثر اهل بهشت زنان مستضعف هستند. اکثر اهل الجنة المستضعفین النساء علم

الله ضعفهن فرحمهن<sup>(4)</sup>

بیست و دوم: هر مردی که با خانواده خود خوب تا کند خدا عمرش را زیاد می کند. من  
حَسُنَ برّه باهله زادالله فی عمره<sup>(5)</sup>

بیست و سوم: مردی که به زنش نیکی می کند کریم است و هر که به زنش اهانت کند لئیم  
است.<sup>(6)</sup>

بیست و چهارم: هر چقدر ایمان مرد بیشتر شود علاقه اش به همسرش بیشتر می گردد.<sup>(7)</sup>  
بیست و پنجم: مهریه را نقدا پرداخت کنید تا زن هر چه دوست دارد با آن بخرد.

انا نتزوج النساء فنعطيهن مهورهن فيشترين ما شئن ليس لنا منه شيء.

بیست و ششم: دعای مرد به همراه خانواده اش مستجاب است. فان اَبی اذا حزّنه امر جمع النساء  
و الصبیان ثم دعا و اٰمنوا<sup>(8)</sup>

امام صادق ع فرمود هرگاه پدرم از چیزی ناراحت و غمگین می شد همسر و فرزندان را  
جمع می کرد و دعا می نمود و آنها آمین می گفتند.

### رفتارهای سازنده زن و شوهر

1- گفتگوهای اعضای خانواده باهم باید محترمانه باشد. بهم ابراز دوستی و محبت کنند. قول  
الرجل للمراه انی احبک لا یذهب من قلبها ابدا<sup>(9)</sup>

باید از کارهای نیکی که برای آنها انجام می گیرد از کننده کار تشکر کنند. وان اشکرلی  
ولو الدیك<sup>(10)</sup>

2-زوجین واعضاءخانواده هم را مسخره نکنند.بهم نق نزنند.با هم مجادله نکنند.از انتقاد تند ازهم دوری کنند.

3-لباس و آراستگی زوجین مهم است و باید هرد درمقابل هم آراسته ظاهر شوند.نشستن در کنارهم آرامبخش و باعث رحمت الهی است.

---

1 . مستدرک وسائل ص 251

2 . مستدرک ج 14 ص 251

3 . وسائل ج 14 ص 122

4 . وسائل ج 14 ص 121

5 . بحارج 100 ص 225

6 . نهج الفصاحه ص 318

7 . وسائل ج 14 ص 9

8 . کافی ج 2 ص 487

9 . وسائل ج 14 ص 10

10 . لقمان 14

---

پیامبر اعظم ص: جلوس المرء عند عیاله احبّ الی الله من اعتکاف فی مسجدی.

نشستن زن کنار شویش از اعتکاف در مسجد من در نزد خدا بالاتر است.<sup>(1)</sup>

4- مرد در امور خانه با زنش همکاری کند که هم فایده دنیوی و هم اخروی دارد.

پیامبر اعظم ص: اگر مرد به زنش کمک کند پاداش پیامبرانی چون داود و یعقوب و عیسی را به او می دهند. و یک ساعت کار در خانه مساوی عبادت فراوانی است.<sup>(2)</sup>

5- وقتی زن بیمار می شود نیاز به توجه بیشتری دارد و مرد باید خود را از او پرستاری کند.

6- خوب خرج کردن هم از جمله رفتار سازنده مرد می باشد. مرد باید با مدیریت صحیح نگذارد خیلی برای خانواده مشکل مالی درست شود مخصوصا اگر دارا است بخل نورزد.

پیامبر اعظم فرمود: از ما نیست کسی که از جهت مال و ثروت در وسعت باشد لیکن بر اهل و عیالش سختگیری کند.

و باز فرمود: عیال مرد اسیران او هستند. پس هر که خدا به او نعمتی داده باید مخارج اسیرانش را توسعه دهد والا ممکن است نعمتهایش گرفته شود..

امام کاظم ع فرمود: اسراف و سخت گیری در خرج نسبت به خانواده هر دو مکروه هستند.

و امام رضا ع فرمود: سزاوار است مرد در مخارج اهل و عیالش توسعه دهد تا منتظر مرگش نباشند.<sup>(3)</sup>

7- زن در حوادث سخت کاری شوهرش یاور او باشد و شوهر را فقط برای روزهای راحتی نخواهد.

وقتی زندگی زهرای مرضیه را ورق می‌زنیم می‌بینیم در جنگ اُحُد که علی ع مجروح شده بود این فاطمه بود که زخم‌های او را درمان می‌کرد و کوفتگی بدن علی ع را می‌زدود و حامی علی ع بود. درهمه جا و تا آخر عمر هیچگاه شوهرش را تنها نگذاشت.

8- خوش اخلاقی زوجین از مهمترین دلایل استحکام خانواده است. مردانی که عصبی هستند و زودرنج می‌باشند از زندگی لذتی نمی‌برند و همسر آنها از او در عذاب است! همچنین زنانی که بداخلاق و زبان دراز و عصبی هستند کاری می‌کنند که شوهر از منزل فراری می‌شود.

خانمی شکایت کرده بود که مدتی است شوهرم با من حرف نمی‌زند و مخارج من را بوسیله مادرش می‌فرستد. وقتی علت این کار را از مرد پرسیدند جواب داد چون از دست بداخلاقی زن به تنگ آمده‌ام لذا با او قهر کرده‌ام.

گاهی بداخلاقی زوجین کار را به جاهای باریک می‌کشاند. در خبرها آمده بود که مرد بیست و دو ساله‌ای همسر خود را به این علت که او را خر صدا زده بود با چاقو کشت.

9- تربیت فرزندان به دوش هر دو پدر و مادر می‌باشد و فقط به عهده پدر یا مادر نیست.

لذا از طرفی می‌فرماید: الجنه تحت اقدام الامهات. بهشت زیر پای مادران است. از طرفی فرمود: وای بر پدران در آخر الزمان! پرسیدند چرا؟ فرمود: فرزندان را می‌خواهند کارهای



خوب انجام دهند پدران مانع می شوند و انتظار دارند فرزندان آنها در پول درآوردن زرننگ باشند. نه در عبادت و بندگی و کارهای خیر!

---

1. آثار الصادقین ج 15 ص 293

2. بحار ج 101 ص 132

3. مسند امام رضا ع 208/2

---

## دو عامل اساسی اختلافات زوجین

1- عدم آگاهی زوجین از وظایف یکدیگر و جایگاه یکدیگر از عوامل اختلاف خانواده‌ها می‌باشد. مثلاً زن خود را شریک صد درصد شوهر می‌داند و اعتقاد دارد هر کاری شوهر می‌خواهد بکند باید با موافقت او باشد! زن در فکر تسخیر مرد است تا مرد همه کارهایش را با اجازه او انجام دهد. مردی می‌گفت چهار سال است زنم اجازه نمی‌دهد با مادرم ملاقات کنم!

همچنین مردانی هستند که خیال می‌کنند زن کلفت اوست و باید همه کارهای خانه را انجام دهد و اگر در یک مورد کم کاری کرد زن را محاکمه می‌نماید! در حالی که زن وظیفه کار کردن در منزل را ندارد حتی می‌تواند برای شیر دادن به کودک از شوهرش مزد درخواست کند.

2- هم‌شان نبودن زوجین یکی دیگر از آسیب‌هاست. فاصله مادی زیاد بین زوجین. فاصله تحصیلی زیاد. فاصله از جهت زیبایی. فاصله از جهت دینداری.

زن و ارزشها

«اساسی‌ترین کار و پایه و حرکت و فکر اسلامی در مورد عدالت خانمها، مبارزه با تفکر ناقص، طفیلی و دست دوم بودن زن در جامعه که بر اساس برداشتهای فلسفی و بینشهای حاکم بر جوامع آن روز بوده و شناخت زن بعنوان انسان مستقل، کامل و همسنگ با مرد می‌باشد.

در بسیاری از آیات قرآن کریم این مسئله مطرح شده که خانمها همانند آقایان انسانی کامل و از یک جنس هستند و از این جهت بین آنها تفاوتی نیست و در انسانیت هیچ تفاوتی بین مرد و زن نیست»<sup>(1)</sup>

«در تبیین کلام پیامبر پیرامون زن، تعبیرات بسیار جالبی وجود دارد که البته ممکن است . گاهی اغراق نیز در آن باشد . که اینگونه اغراقها از معصوم ایرادی ندارد . یعنی در جایی برای توجه دادن مردم لازم است که مطلب را قدری شدید بیان کرد . این شدت در این مورد از فصاحت است و دروغ محسوب نمی شود و منافاتی هم با منطق معصوم ندارد، بلکه اینگونه شدتها در هر موردی که می بینید در کلمات قرآن کریم و کلمات ائمه معصومین و انبیاء علیهم السلام دیده می شود، علتش این است که شرائط ایجاب می کرده تا مقداری فشار بیاورند که این نشانه فصاحت گوینده است .

یکی از تعبیرات پیامبر صلی الله علیه و آله این است که «علیٌ خیرکم لئنسائه و انا خیرکم لئنسائی» علی علیه السلام از نظر رفتار با زنانش بهترین است و بعد هم پیامبر خودش را می فرمایند که «من الگوی زندگی هستم با زنان خودم به بهترین وجه رفتار می کنم»

در جامعه ای که زن را آنقدر تحقیر می کرده اند که خبر ولادت یک دختر، والدینش را به بهترین مصیبتها گرفتار می کرده و جامعه قادر به تحمل وجود زن نبوده، پیامبر می فرماید که «معیار ارزشها برخورد خوب با زنها است .» البته چیزهای دیگری مثل تقوی و علم محور ارزشها هستند ولی پیامبر برای اینکه بر شخصیت زنان تأکید کند چنین تعبیری را آورده است .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «ما زال جبرئیل یوصینی بالمرأة حتی ظننتُ أنه لا ینبغی طلاقها الا من فاحشهٌ بینة»

«جبرئیل اینقدر درباره زنها به من سفارش کرده که فکر کردم هیچ زنی را نمی شود طلاق داد مگر اینکه مرتکب فاحشه علنی شده باشد.»

منظور پیامبر این بود که احیاء شخصیت زن در برنامه اسلام تا به حدی بوده که جبرئیل دائماً به پیامبر توصیه می نمود .

در روایت دیگری که نمونه ای است از احادیث بسیاری درباره حقوق زن و خوشرفتاری با او، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: «انَّ اللهَ تبارک و تعالی علی الاناث ارف منه علی الذکور وما من رجلٍ یدخل فرحاً علی المرأةَ بینها و بینه حرمة الا وفرحه الله یوم القيامة».

«می فرمایند که: خداوند اصلاً نسبت به زنها رأفت بیشتری دارد. هر مردی که موفق شد خانم محرم خودش را دلشاد کند واندوه او را برطرف کند، خداوند روز قیامت او را شاد می گرداند.»<sup>(1)</sup>

«اسماء بنت عمیس اول همسر جعفر طیار بود . بعد همسر ابابکر سپس همسر علی بن ابی طالب علیه السلام شد . این زن یکتا پرست درمکه با مشرکین مبارزه می کرد سپس به حبشه هجرت نمود و بعد به مدینه رفته و در جنگها شرکت می کرد .

وقتی از حبشه به مدینه آمد (ظاهراً در سال هفتم هجری یعنی بعد از فتح خیبر) اولین مسئله ای که در جمع خانمها مطرح کرد، این بود که آیا در قرآن کریم چیزی درباره زنان هست؟ آنهایی که حاضر بودند گفتند که ما نمی دانیم، او خود به محضر پیامبر رفت و مسئله را مطرح کرد و گفت که مادر همه جا شریک و همراه شما هستیم . در میدان مبارزه و جهاد وزندگی شرکت داریم و بچه ها را نیز بزرگ می کنیم . پس چرا در قرآن کریم اشاره ای در مورد ما نیست؟

این آیه در این مورد نازل شده است: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ».<sup>(2)</sup>

در این آیه ده صفت از صفات زن و مرد را بیان می کند «اسلام، ایمان، صبر، خشوع، عبادت، ذکر، عفت و . . .»<sup>(3)</sup>

«یکی از معجزات آفرینش این است که تقریباً در دنیا همیشه عدد زن و مرد مساوی است . گاهی ممکن است در یک جا دوتا پنج درصد زن و یا مرد زیاد بشود و یا حوادث اینهارا

کم و زیاد بکند ولی در مجموع زن و مرد تقریباً مساوی هستند و این نشان دهنده برنامه ریزی و عدم تصادف است.»

## ازدواج در قرآن و حدیث

«وَأَنْكِحُوا الْأَيَّامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»<sup>(4)</sup>

دختر و پسرهای صالح را بازدواج هم در بیاورید که اگر فقیر باشند خداوند آنها را بی نیاز می کند و خداوند در روزی دادن بسیار بخشنده و همچنین بسیار دانا است.

سنتهای ازدواج اسلامی در روایات

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله : هر که ازدواج کند، نصف دین خود را حفظ کرده است و در نصف دیگر باید تقوا پیشه کند . (مستدرک الوسائل، ج 14، ص 154).

امام صادق علیه السلام فرمودند:

هر کس از ترس فقر ازدواج نکند نسبت به لطف خداوند بدگمان شده است. چرا که خداوند می فرماید: اگر آنان فقیر باشند خداوند از فضل و کرم خود بی نیازشان می کند.

(من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 251)

---

1. زن و عدالت اجتماعی.

2. سوره احزاب، آیه 35.

3. زن و عدالت اجتماعی.

4. سوره نور، آیه 32.

---

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

درهای رحمت آسمان، در چهار وقت گشوده می شود:

1- موقع بارش باران.

2- زمانی که فرزند به چهره پدر و مادرش می نگرد.

3- هنگام گشوده شدن در کعبه.

4- هنگام برپایی مراسم عقد و عروسی.

(بحار الانوار، ج 103، ص 221)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

بیشترین اهل جهنم انسانهای بی همسر هستند.

(من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 251)

امام صادق علیه السلام فرمودند:

کسی که مجردی را تزویج کند و امکان ازدواج او را فراهم نماید از کسانی است که در قیامت خداوند به آنان نظر لطف می کند.

(وسائل الشیعه، ج 20، ص 45)

امام کاظم علیه السلام فرمودند:

سه دسته در روز قیامت، روزی که سایه و پناهی جزء سایه خداوند نیست، در سایه و پناه خدا هستند:

1- شخصی که زمینه ازدواج برادر مسلمانش را آماده نماید.

2- فردی که به برادر مسلمانش خدمت کند.

3- کسی که سر برادر مسلمانش را بپوشاند.

(وسائل الشیعه، ج 20، ص 46)

امام صادق علیه السلام فرمودند:

چهار کس در قیامت مورد نظر پروردگارند:



1- آنکه چون طرف معامله پشیمان شود، معامله را برگرداند.

2- کسی که غم از دل فردی برگیرد.

3- کسی که برده‌ای را آزاد کند.

4- کسی که بی همسران را به ازدواج درآورد.

(وسائل الشیعه، ج 20، ص 46)

حضرت علی علیه السلام فرمودند:

---

از بهترین شفاعتها، شفاعت بین دو نفر در امر ازدواج است تا اینکه خداوند آنان را مجذوب یکدیگر گرداند.

(تهذیب، ج 7، ص 405، وسائل الشیعه، ج 20، ص 45)

از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است:

هر که با زنی به خاطر مالش ازدواج کند، خداوند او را به مال وی واگذار می‌کند، و هر که با او به خاطر جمال و ز?بائی?اش ازدواج نماید، در او چیزی را که خوشایند او نیست، خواهد دید، و هر که با وی به خاطر دینش ازدواج کند، خداوند تمامی این مزایا را برای او جمع می‌کند.

(وسائل الشیعه، ج 14، ص 31)

امام صادق علیه السلام فرمودند:

مانعی ندارد که مرد قامت و صورت زنی را که قصد ازدواج با او دارد، ببیند.

(وسائل الشیعه، ج 20، ص 88)

امام رضا علیه السلام (خطاب به دختران) فرمودند:

هنگامی که مردی از شما خواستگاری کرد که از دین و اخلاق او راضی بودید به ازدواج با او رضایت دهید. و مبدا فقر او تو را از این رضایت باز دارد و...

(میزان الحکمه، ج 4، ص 280)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

وقتی که اشخاص هم شان به خواستگاری دختران شما آمدند، به آنها دختر دهید و در کار آنها منتظر حوادث نباشید.

(نهج الفصاحه، ص 37، ح 193)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

پس از اسلام، هیچ نعمتی برای مرد بهتر از زن مسلمانی نیست که هر گاه به او بنگرد، مسرورش کند و هر گاه به او فرمان دهد، اطاعتش نماید و در غیاب او حافظ ناموس و مالش باشد.

(من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 255)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

بپرهیزید از سبزه‌هایی که در مزبله می‌روید. عرض شد: یا رسول الله! سبزه‌هایی که در مزبله می‌روید چیست؟ حضرت (ص) فرمودند: زن زیبایی که در خانواده پست و ناشایست بوجود آمده باشد.

(من لا حضره الفقیه، ج 3، ص 256، مکارم الاخلاق، ص 205)

شخصی از امام صادق علیه السلام سوءال کرد:

من می‌خواهم با زنی ازدواج کنم ولی پدر و مادرم مایلند با دیگری ازدواج کنم. امام علیه السلام فرمودند: با زنی که خودت مایل هستی ازدواج کن، و زنی را که پدر و مادرت بدون رضایت تو انتخاب کرده‌اند، رها کن.

(تهذیب، الاحکام، ج 7، ص 392)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

از نشانه‌های برکت زن آن است که خواستگارش بی تکلف و آسان انجام گیرد.

(کنز العمال، ج 16، ص 322، ح 44721)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

---

شرابخوار اگر تقاضای ازدواج کرد قبول نکنید.

(وسائل الشیعه، ج 20، ص 79)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

سور دادن و اطعام در ازدواج، از سنت پیامبران است.

(فروع کافی، ج 5، ص 367)

حضرت علی علیه السلام فرمودند:

مهریه زنهارا سنگین نگیرید که موجب کدورت و دشمنی گردد.

(وسائل الشیعه، ج 15، ص 11)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

اگر تمام چیزهایی که در روی زمین از طلا و نقره وجود دارد و زن آنها را به خانه شوهرش بیاورد. آنگاه یک روز از روزها بر سر شوهرش منت بگذارد و بگوید تو کیستی؟ این اموال مال من است. در این صورت اجر و عمل زن از بین می رود اگر چه از عابدترین مردم باشد. مگر اینکه توبه کند و برگردد و از شوهرش عذرخواهی کند.

(مکارم الاخلاق، باب 8، ص 202)

امام صادق علیه السلام فرمودند:

خداوند خانه ای را که در آن عروسی انجام گرفته، دوست می دارد.

(وسائل الشیعه، ج 22، ص 7)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم امر فرمود، دختران عبدالمطلب و زنان مهاجر و انصار در شب عروسی حضرت فاطمه علیها السلام به همراه او بروند و شادی کنند، شعر و سرود بخوانند، تکبیر و حمد بگویند. و از گفتن حرفهایی که خدا بدان راضی نیست، پرهیزند.

(مستدرک الوسائل، ج 14، ص 198)

امام کاظم علیه السلام فرمودند:

هر زنی که به شوهرش قدری آب آشامیدنی بدهد، پاداش آن از عبادت یک ساله بالاتر است.

(وسائل الشیعه، ج 20، ص 172)

قال النبی (ص): النکاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی (8)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ازدواج سنت من است که هر که از سنت من دوری کند از من نیست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ما بنی فی الإسلام بناء أحب إلى الله عز وجل من التزویج (10)

هیچ بنایی در اسلام در نزد خدا محبوب تر از بنای ازدواج نیست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم: تزوجوا و لا تطلقوا فان الطلاق یهز العرش. (11)

ازدواج بکنید ولی طلاق ندهید که طلاق عرش را می لرزاند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم: صلاة من متزوج خیر من اربعین صلاة من عزب.(12)

نماز آدم متأهل از نماز فرد مجرد چهل برابر ثوابش بیشتر است.

قال النبی (ص) اعلنوا النکاح (13)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم: ازدواج را علنی بگیرید.

قال النبی (ص) الکاد علی عیاله کالمجاهد فی سبیل الله.(15)

کسی که برای معاش خانواده اش تلاش می کند همانند رزمنده اسلام است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم: من دخل السوق فاشتری تحفه فحملها إلى عیاله کان کحامل صدقة إلى قوم محاويج و لیبدأ بالإناث قبل الذکور، فإنه من فرح انثی فکأنما أعتق رقبة من ولد إسماعیل.(16)

مردی که بازار می رود و برای خانواده اش خرید می کند ثوابش همانند فردی است که برای نیازمندان صدقه می برد و وقتی به منزل رسید آن آذوقه را اول به دخترها بدهد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم: عیال الرجل أسراؤه و أحب العباد إلى الله عزوجل أحسنهم صنيعا إلى أسرائه.(24)

همسر مرد همانند اسیران او هستند و محبوب ترین بنده در نزد خدا شخصی است که به اسرایش بیشتر محبت کند.

- (8) تقارير، تقرير بحث الكلبي يگانی، ج 2، ص 129
- (9) الهداية، الشيخ الصدوق، ص 257
- (10) الهداية، الشيخ الصدوق، ص 257
- (11) مسند زيد بن علي، زيد بن علي، ص 505
- (12) مسند زيد بن علي، زيد بن علي، ص 505
- (13) جامع الشتات، الميرزا القمي، ج 2، ص 377
- (14) المذهب البارع، ابن فهد الحلبي، ج 3، ص 167
- (15) فقه الرضا، علي بن بابويه، ص 208
- (16) مستدرک سفینه البحار، الشيخ علي النمازي، ج 10، ص 435
- (17) المذهب البارع، ابن فهد الحلبي، ج 3، ص 167
- (18) المذهب البارع، ابن فهد الحلبي، ج 3، ص 169
- (19) المذهب البارع، ابن فهد الحلبي، ج 3، ص 167
- (20) المذهب البارع، ابن فهد الحلبي، ج 3، ص 169
- (21) العروة الوثقى، السيد اليزدي، ج 2، ص 799
- (22) بدائع الصنائع، الكاشاني، ج 2، ص 247

23) جامع المدارك، السيد الخوانساری، ج 4، ص 434

24) مكارم الأخلاق، الشيخ الطبرسی، ص 217

25) بدائع الصنائع، الكاشانی، ج 2، ص 247

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هنگامی که به عروسی دعوت می شوید با کندی بروید که در آنجا از دنیا یاد می شود و اگر به تشییع جنازه دعوت شدید، با سرعت بروید که در آنجا، آخرت بیاد می آید. <sup>(1)</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله : ولیمه فقط در پنج چیز مستحب است: ازدواج، ولادت، ختنه، حج و خرید خانه. <sup>(2)</sup>

مهریه

علی علیه السلام : مهرها را سنگین نگیرید که باعث دشمنی می شود. <sup>(3)</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله : زنی که قبل از عروسی، مهرش را ببخشد، خداوند سبحان برای هر دیناری، ثواب آزاد کردن یک بنده را به او می دهد.

امام ششم علیه السلام : دزدها سه دسته اند. اول کسی که زکات نمی دهد. دوم کسی که مهر زنش را نمی پردازد. سوم کسی که قرض کرده ولی قرضش را نمی پردازد.

علی علیه السلام : مهریه زنهارا زیاد نگیرید که باعث کینه و دشمنی می شود. <sup>(4)</sup>



رسول خدا صلی الله علیه و آله : کسی که مهر زنش را ندهد، در نزد خدا زناکار محسوب می شود! و خداوند سبحان در قیامت به او می گوید: بنده ام! کنیزم را برایت طبق عهدهی حلال نمودم ولی تو به عهدهت عمل نکردی! در این موقع خداوند سبحان حق زن را از مرد طلب می کند و از ثوابهای مرد به زن می دهد. و اگر همه حسنات مرد را داد ولی حق زن کامل نشد، خداوند سبحان امر می کند مرد را به جهنم بیاندازند!<sup>(5)</sup>

چه کسی سرپرست خانواده است؟

اسلام مرد را رئیس و سرپرست خانواده می داند و وظیفه او را رفع احتیاجات خانواده و اداره امور مختلف منزل دانسته و اطاعت از دستورات او را (اگر بر خلاف دستورات خدا و رسول او نباشد) از طرف اعضای خانواده، لازم می داند.

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» .  
(نساء 34)

مردان سرپرستی و کارگذاری زنان را برعهده دارند، بخاطر برتری که خداوند بعضی (مردان) را بر بعضی (زنان) داده است، و به خاطر نفقه ای که از اموالشان می پردازند.

«پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: اگر زن از خانه خارج شود در حالی که شوهرش از او ناراضی باشد، تمام فرشتگان او را لعنت می کنند تا زمانی که به خانه برگردد» .

و در سخن دیگر فرمود: اگر شوهر از زنش ناراضی باشد، عبادتهایش قبول نمی شود تا زمانی که شوهر از او راضی شود.<sup>(6)</sup>

مردی که باید در مسایل مهم زندگی تابع زن باشد و در حقیقت زن تصمیم گیرنده است، از نظر اجتماعی و روانی دارای مشکلاتی می شود. مثلاً مرد تمایل دارد که به سفر بروند ولی

---

1. میزان الحکمه 2/1189. 2. میزان الحکمه - بحار الانوار 73/157. 3. بحار الانوار 100/237.

4. بحار الانوار، ج 103. 5. میزان الحکمه 4/3379. 6. خانواده نمونه - من لایحضره الفقیه 4/14.

زن مخالفت می کند. مرد دوست ندارد که زنش لباس

نامناسب بپوشد ولی زن می پوشد. مرد دوست ندارد زن فلان خرج را بکند و یا وسایل غیر ضرور را که بار مالی سنگین دارد بخرد ولی زن این کار را می کند! مرد دوست ندارد زن بدون اجازه او از خانه خارج شده و در زمانی که او به همسرش نیاز دارد، او در خانه نباشد ولی زن بدون اجازه بیرون رفته و این کار بارها و بارها تکرار می شود. و صدها نمونه از برآورده نشدن خواسته های مرد در خانه هایی که زن سالاری است. و این بتدریج به شکست این گونه خانواده ها کمک می نماید. اگر چه باید مرد هم به خواسته های شرعی و قانونی زن تن در دهد.

به امام کاظم علیه السلام گفته شد: مردی به زنش می گوید که اختیار تو با خودت است! آیا این حرف صحیح است؟ امام فرمود: خیر این حرف باطل است. زیرا خداوند سبحان این حق را برای مرد قرار داده است و کسی نمی تواند این حق را از مرد بگیرد.

سپس امام آیه (الرجال قوامون على النساء...) را تلاوت فرمودند.<sup>(1)</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله : اگر زنی با خود به خانه شوهر، طلا و نقره و جواهر ببرد . ولی روزی به شوهرش بگوید: تو کی هستی ! همه این اموال مال من است ! همه اعمالش باطل می شود اگر چه عابدترین مردم باشد . مگر اینکه توبه کند و از شوهرش عذر بخواهد .<sup>(2)</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله : جهاد زن، خوب شوهرداری کردن است .<sup>(3)</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله : بیشترین کسی که بر زن حق دارد، شوهرش است و بیشترین کسی که بر مرد حق دارد، مادرش است .<sup>(4)</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله : سخن مرد که به زنش بگوید: تورا دوست دارم . هیچگاه از دل زن بیرون نرود .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : ملعون است ! ملعون است ! زنی که شوهرش را بیازارد و او را ناراحت کند . و سعادتمند است زنی که شوهرش را احترام نماید و در همه حالات مطیع او باشد .<sup>(5)</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله : کسی که بر بداخلاقی زنش صبر کند، برای هر دفعه صبر کردن، ثواب حضرت ایوب علیه السلام را به او می دهند .<sup>(6)</sup>

با توجه به اینکه شوهر سرپرست خانواده است، زن باید مطیع او باشد تا قوام زندگی حفظ شود . زن نافرمان باعث بهم ریختن زندگی می شود . و در این خانه ها، فرزندان خوبی تربیت نمی شوند .

رسول خدا صلی الله علیه و آله به حواء که زیباترین زن بود، گفت:

ای حواء! اگر زنی با عصبانیت رویش را از شویش برگرداند، با خاکستر جهنم که بر چشمانش سر مه کشند، عذاب می شود.

ای حواء! قسم به خدایی که مرا به پیامبری مبعوث کرد، اگر زنی لباس شوهرش را پاره کند و یا مویش را بکند، میخهای آتشین جهنم بر کفه دستهایش فروبرند.

ای حواء! قسم به خدایی که مرا به حق مبعوث کرد، هر زنی که بدون اجازه شوهرش از

- 
1. خانواده نمونه - التهذیب الاحکام 88/8 2. مکارم الاخلاق/202 3. میزان الحکمه 452/1 4. میزان الحکمه
  - الخصال 587/2 5. میزان الحکمه - کنز الفوائد 1501 6. میزان الحکمه - مکارم الاخلاق/213

خانه بیرون رود و در عروسی شرکت نماید، براو لعنت نازل شود و برای هر قدمش، چهل معصیت نویسند...

ای حواء! قسم به خدایی که مرا به پیامبری مبعوث کرد، اگر زنی بدون اجازه شوهر خود در خارج از خانه نماز بخواند همان نماز را بر صورتش می زنند...

ای حواء! هر زنی که غیر روزه رمضان بدون اجازه شوهر روزه بگیرد، از گناهکاران است

ای حواء! اگر زنی بدون اذن شوهر صدقه بدهد، برای زن گناه و برای شوهر ثواب می نویسند.

ای حواء! خلیفه خدا بر زن، شوهرش (شوهر مؤمن) است. پس اگر شوهر از او راضی باشد، خداهم از او راضی است و اگر ناراحت باشد، خداهم از او خشمگین می شود.

ای حواء! هرزنی که نمازش را بخواند و خانه دار باشد و از شویش اطاعت نماید، خداوند سبحان گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد.

ای حواء! زن نباید از شوهر کاری فوق طاقتش بخواهد و نباید شکایت او را به بیگانه و خودی ببرد.<sup>(1)</sup>

#### 4- زن مسئول امور خانه:

از طرفی اسلام مسئولیت اداره خانه و امور خانه داری را به عهده زن گذاشته است. آنچنان که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«زن سرپرست خانه شوهرش بوده و مسئول است».

چونکه پیوند شد، به نازش دار      بر سر خانه سرفرازش دار

تو در آیی ز در سلامش کن      او در آید، تو احترامش کن

هرزمانش به دلنوازی کوش      وقت خلوت به لطف و بازی کوش

صاحب رخت و چیزدار او را      پیش مردم عزیزدار او را

از سخنهای خوب و گفتن خوش      به نماز و به طاعتش درکش<sup>(2)</sup>

باتوجه به روایات معصومین، متوجه می شویم که از نظر اسلام، خوب است زن به اموری مشغول شود که تماس او را با جنس مخالف محدود سازد. مثلاً جهاد از زنان برداشته شده است و تهیه آذوقه و مسکن و لباس به عهده مرد قرار دارد.

عیادت مریض و تشییع جنازه و بقیه امور اجتماعی که برای مردان بسیار سفارش شده است، برای زنان سفارشی از طرف بزرگان دین نشده است، بلکه به زنان رخصت داده شده است که در این امور شرکت نکنند. اما از آن طرف برای اداره امور منزل و مشغول شدن به تربیت کودکان و تعلیم و آموزش و رفع احتیاجات شوهر بسیار سفارش شده است.

### حقوق زن و شوهر

زن و شوهر کدام بر یکدیگر حقوقی دارند.

باید گفت که حقوق شوهر بر زنش به شرح زیر است:

## 1 - اطاعت از شوهر:

یعنی زن باید مطیع شوهرش باشد و با او مخالفت نکند و بدون اجازه او دخل و تصرف انجام ندهد.

زن پرهیزکار طاعت دوست      با توچومغز باشد اندر پوست

زن ناپارسا شکنج دلست      زود دفعش بکن، که رنج دلست<sup>(3)</sup>

## 2 - خارج نشدن از خانه بدون اجازه شوهر:

«امام صادق علیه السلام فرمود: در عهد رسول خدا صلی الله علیه و آله ، مردی از انصار قصد مسافرت داشت، هنگام خارج شدن از خانه به همسرش گفت: تا من برنگشته‌ام از خانه بیرون نرو، چندی بعد، پدر زن بیمار شد. این زن شخصی را خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله فرستاد

---

1 . خانواده نمونه - مستدرک الوسائل 274/14

2 . اوحدی مراغه‌ای. 3 . اوحدی مراغه‌ای .

---

که شوهرم گفته از خانه خارج نشو ولی اکنون پدرم بیمار شده است . می توانم به عیادت او بروم؟ حضرت جواب فرمود که در خانه بمان و از شویت اطاعت کن ! چند روز بعد

خبر رحلت پدرش را به او دادند . باز به پیامبر صلی الله علیه و آله پیغام داد که آیا می توانم بر جنازه پدرم حاضر شوم؟ حضرت جواب داد که در خانه بمان و از شویت اطاعت کن ! تا اینکه پدرش را بخاک سپردند . وقتی شوهر از سفر آمد با زنش نزد پیامبر رفت . پیامبر صلی الله علیه و آله به زن بشارت داد که در مقابل اطاعت تو از شوهرت، خداوند سبحان تو و پدرت را آمرزید .<sup>(1)</sup>

3 - هر زمان شوهر به او نیاز داشت، تمکین کند:

4 - لباس و ظاهر خود را با بهترین وجه بپاراید .

5 - اسرار خانه را برای زنان فامیل و همسایگان نقل نکند .

6 - بر اخلاق بد شوهرش صبر نماید .

«پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«هر زنی که بر اخلاق بد شوهرش صبر کند، خداوند سبحان ثواب حضرت آسیه را به او بدهد .»<sup>(2)</sup>

7 - با اخلاق خوب با شوهرش روبرو شود:

«مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای رسول خدا ! همسری دارم که چون به خانه می روم به پیشبازم می آید و هنگام خارج شدن، بدرقه ام می کند . اگر مرا ناراحت



ببیند می گوید: ناراحت نباش! که اگر غم روزی را می خوری، خدا روزی رسان است. و اگر غم آخرت داری، خدا غمهایت را زیاد کند!

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«به او بشارت بهشت بده! و به او بگو که تو یکی از عاملان خدایی که در هر روز، پاداش هفتاد شهید برای تو خواهد بود.»

«حسین بن علاء می گوید: در خدمت امام صادق علیه السلام بودم که مردی آمد و از زنش شکایت کرد. امام فرمود: برو و زنت را بیاور! آن مرد رفت و با همسرش برگشت. امام به آن زن فرمود: شوهرت چه می گوید؟ زن گفت: خدا چنین و چنانش بکند! امام فرمود: اگر بر این حال بمانی و اخلاقت را با شویت درست نکنی، سه روز بیشتر زنده نمانی! زن گفت: می خواهم هرگز صورتش را نبینم! امام به آن مرد فرمود: دست زنت را بگیر و برو که بیشتر از سه روز زنده نمی ماند!

آن دو رفتند، بعد از سه روز آن زن از دنیا رفت»<sup>(3)</sup>

---

1. خانواده نمونه - مکارم الاخلاق/216 2. خانواده نمونه - مکارم الاخلاق/213

3. خانواده نمونه - الخرائج والجرائح/611/2

حقوق زن بر شوهر

1 - تهیه نیازهای روزانه غذائی و پوشاکی و مسکن همسر

2 - با اخلاق خوب با همسر برخورد کند .

3 - اشتباهات همسر را نادیده بگیرد .

4 - شبها وی را رها نکند

5 - حداقل چهارماه یکبار زن حق همبستری دارد .

«پیامبر صلی الله علیه و آله : بهترین مردان امت من کسانی هستند که به اهل خانه خود ستم نمی کنند و بر آنها رحم آورند و به آنها ظلم ننمایند»

نشوز زن

«علامتهای نشوز زن که باعث می شود زن از حق نفقه محروم شود: عدم تمکین از شوهر، ترک نظافت و آرایش خود، بیرون رفتن از خانه بدون اجازه شوهر»

زنان در آئینه روایات

1 - جابر گفت: نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله بودیم که صحبت از زنان و برتری بعضی از زنان بر زنان دیگر شد . حضرت فرمود: من به شما بگویم؟ گفتیم: آری! فرمود: «بهترین زنان شما آنان هستند که بچه زاء، با محبت، با حجاب، عزیز در میان خانواده اش و مطیع در مقابل شوهرش، زینت کننده برای شوهرش و پوشیده در مقابل غیر شوهر باشند . آنانکه سخن شوهر را گوش داده و امرش را اطاعت نموده و در خلوت با شوهر خود را در اختیار شویش می گذارد و ...

سپس فرمود: آیا شما را از بدترین زنانان آگاه نکنم؟ گفتند:

آری بفرمائید!

فرمود: بدترین زنانان آنان هستند که در میان خانواده‌اش مطیع ولی در مقابل شوهرش مغرور و سخت است، عقیم و کینه‌ای بوده که وقتی شوهرش نیست، از زینتهای زشت دوری نمی‌کند! و هنگام خلوت با شوهر، خود را از او منع می‌کند، مانند مرکبی که از سوار شدن صاحبش جلوگیری می‌کند، عذر شوهر را نمی‌پذیرد و خطای شویش را نمی‌بخشد»<sup>(1)</sup>

امام ششم علیه‌السلام: «بهترین زنان شما آن زنی است که هرگاه به او عطا می‌شود تشکر می‌کند و اگر به او ندهند نیز راضی باشد».

و فرمود: «بدترین زنان شما زن کم‌حیاء، عبوس، فحّاش و سخن‌چین است».<sup>(2)</sup>

رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله: «هرچه ایمان انسان بیشتر می‌شود، علاقه‌اش به زن نیز بیشتر می‌شود»<sup>(3)</sup>

امام ششم علیه‌السلام: «زن قابل‌ارزش گذاری نیست! نه خوبش و نه بدش. اما زنهای خوب ارزششان طلا و نقره نیست، بلکه او از طلا و نقره بالاتر است. و اما زنهای بد، ارزششان خاک هم نیست! خاک از او بهتر است».<sup>(4)</sup>

رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله: «برای زن اذان و اقامه گفتن نیست. از زن، شرکت در جمعه و جماعات، عیادت مریض و تشییع جنازه، لبیک گفتن با صدای بلند در حج، باتندی بین

صفا و مروه راه رفتن، دست زدن به حجر الاسود، داخل کعبه رفتن، تراشیدن موی سر، قاضی شدن، حاکم شدن، مورد مشورت قرار گرفتن، ذبح کردن مگر در ضرورت، برداشته شده است.

او در وضو اول داخل دستها را وضوء دهد، ولی مرد از پشت دست شروع نماید. زن در هنگام نماز پاهایش را بهم بچسباند. زن حق ندارد بدون اجازه شوهر از خانه بیرون برود. و بدون اجازه او روزه مستحبی بگیرد. او نباید با نامحرم دست دهد و یا با نامحرم بیعت کند مگر از پشت لباس. او حج مستحبی را باید با اجازه شوهر بجای آورد. نباید سوار اسب شود مگر در ضرورت. ارث و دیه زن نصف ارث و دیه مرد است، هنگام نماز بر بدن زن، امام مقابل سینه او بایستد ولی در مرد، مقابل سرش بایستد، رضایت شوهر از زن، از هر شفيعی در نزد خداوند سبحان برای او بهتر است<sup>(1)</sup>

---

1. خوبی ها و بدی ها - روضه الواعظین 375/2 2. خوبی ها و بدی ها -

بحار الانوار 240/100 3. خوبی ها و بدی ها - نوادر راوندی 12/

4. خوبی ها و بدی ها - الکافی 332/5

شخصی از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: ای رسول خدا! آیا برای زن جهاد نیست؟ فرمود:

«آری، زن از وقت حامله شدن تا زائیدن و تا بچه را از شیر گرفتن، ثواب مجاهد در راه خدا را دارد و اگر در این بین بمیرد، مقام شهید را دارد».<sup>(2)</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله : «اگر زن پنج نماز خود را بجای آورد و روزه ماه مبارک رمضان را بگیرد و دامن از ناپاکی نگه دارد و شوهرش را اطاعت کند، از هر دری که بخواهد می تواند داخل بهشت شود»

و فرمود: «زن صالحه از هزار مرد غیر صالح بهتر است».<sup>(3)</sup>

## تربیت فرزندان

### وظایف مادر نمونه نسبت به فرزندان

بعد از ادای وظیفه زن نسبت به شویش، وظیفه مهم فرزند داری مطرح می شود. اهم این مسئولیت بشرح زیر است:

#### 1- انعقاد نطفه در وقتی که نیکو است.

#### 2- هنگام آمیزش با طهارت بوده و مسائل سفارش شده در باره آمیزش را رعایت نماید

«امام صادق (ع): در خانه ای که طفلی وجود دارد، با همسر خود مقاربت نکنید، که آن طفل زناکار می شود و یا فرزندیکه بدنیا می آید، زناکار می شود.»

#### 3- در ایام بارداری بر رعایت طهارت و عبادت مداومت نماید.

«شیخ مرتضی انصاری، یکی از فقها و دانشمندان بزرگ شیعه است. وقتی پس از سالها تحصیل و کوشش به مقام اجتهاد و زعامت نائل آمد، مردم به مادر شیخ تبریک گفتند که فرزندت به مقام اجتهاد و مرجعیت رسیده است.

آن مادر گفت: زحمتی که من در تربیت فرزندم کشیدم، اگر به مقام پیامبری هم می رسید، تعجب نمی کردم، چه رسد به مقام اجتهاد!

مردم از شنیدن این سخن تعجب کرده و گفتند: مگر در تربیت فرزندت چه کرده ای که دیگران نکرده اند؟

مادر شیخ پاسخ داد: بیان زحماتی که من در تربیت او کشیده‌ام، از حوصله شما بیرون است ولی به عنوان نمونه می‌گویم که هیچ گاه بدون طهارت و وضو پستان به دهانش نگذاشتم.

وقتی مادر شیخ رحلت کرد، دیدند که شیخ بر بالین مادر، زار زار می‌گریه. یکی از شاگردان در مقام دلجوئی گفت: جناب استاد! شما با این مقام علمی که دارید شایسته نیست بر بالین پیرزنی این گونه اشک بریزید!

شیخ در پاسخ او فرمود: شما هنوز به مقام والای مادر پی نبرده‌اید! تربیت صحیح و زحمات فراوان مادر بود که مرا به اینجا رسانید! «الگوهای تربیت ص 36»

#### **4- در ایام بارداری از دعوا و درگیری و جوش و خروش بپرهیزد.**

روانشناسان گفته‌اند که آرامش مادر در دوران بارداری به آرام بودن اعصاب فرزند کمک شایان می‌کند و مادرانیکه در دوران حاملگی درگیری فکری و آشوبهای ذهنی دارند، فرزندان عصبانی و اهل خشونت و دعوا بدنی می‌آورند.

#### **5- در ایام بارداری و در دوران شیرخوارگی نوزاد، از لقمه حرام و از استعمال مواد مخدر و مشروبات الکلی دوری کند.**

«زنی در حالیکه کودک فلج و ناقص و کوری در آغوش داشت، نزد رسول خدا آمد، و گفت: ای پیامبر خدا! مگر نمی‌گویید که خدا عادل است و به کسی ظلم نمی‌کند؟  
فرمود: آری.

زن گفت: اما خدا به من ظلم کرده و چنین کودکی به من داده است!

پیامبر لحظه‌ای درنگ نمود و سپس فرمود: آیا شوهرت هنگام آمیزش باتو، شراب خورده بود؟

زن پاسخ داد: آری!

حضرت فرمود: پس جز خودت، کسی دیگر را سرزنش نکن!»

## 6- در ایام بارداری از معاشرت زیاد با مردم دوری کند و بیشتر با شوهرش باشد.

ثابت شده است که اگر زن در دوران بارداری بیشتر به شوهرش نگاه کند و با او باشد، کودک شکل و شمایل پدرش را بخود می گیرد.

## 7- بعد از تولد علاوه بر گفتن اذان و اقامه در گوش کودک، و دادن عقیقه کودک، در هنگام شیردادن به نوزاد حتی المقدور با طهارت باشد.

«وقتی به امام سجاد (ع) تولد کودکی را بشارت می دادند، از پسر یا دختر بودنش نمی پرسید. بلکه سؤال می کرد: آیا سالم است؟ اگر می گفتند آری.

آنگاه می فرمود: الحمد لله الذی لم یخلق منی شیئاً مشوهاً: شکر خدایی را که از من فرزند معیوبی متولد ننمود.»

«امام ششم (ع): عقیقه نوزاد بر ثروتمند و فقیر واجب است و فقیر اگر نتوانست، چنانچه بعدها برایش مقدور شد، عقیقه کند.»

«از امام ششم راجع به عقیقه سؤال شد. فرمود: گوسفند یا گاو یا شتر برای او قربانی کنند و بعد از عقیقه، بر کودک نام گذارند و روز هفتم سر او را بتراشند و به وزن مویش، طلا یا نقره صدقه دهند و اگر پسر است حیوان نر و اگر دختر است، حیوان ماده قربانی کنند.»

«امام ششم (ع): هر کودکی در گرو عقیقه است. و عقیقه از قربانی واجب تر است.»



«عمر بن بزید می گوید: در سن پیری بودم که به امام صادق (ع) عرض کردم که: بخدا سوگند! نمی دانم که وقتی متولد شدم، پدرم برایم عقیقه کرد یا خیر؟ امام فرمود: الان برو و برای خودت عقیقه کن! منم در سن پیری برای خود عقیقه نمودم.»

«امام ششم (ع): مادر از عقیقه فرزندش نخورد.»

«یکی از بزرگان نقل می کند: چند روز قبل از شهادت «شیخ فضل الله نوری» در زندان با او ملاقات نمودم. به ایشان عرض کردم که پسر شما خیلی لایالی است و بر ضدّ شما کار می کند. شیخ شهید فرمود:

این موضوع را از قبل می دانستم. و افزود: این پسر در نجف بدنیا آمد و مادرش شیر نداشت. از این رو، مجبور شدیم که برای شیردان او زنی را پیدا کنیم. زنی پیدا شد و این کودک مدت زیادی از شیر آن زن تغذیه کرد. اما ناگهان فهمیدیم که آن زن بسیار لایالی و بی عفت است و کینه علی (ع) را به دل دارد. از همان وقت دریافتیم که سعادتمند شدن این پسر، کاری بسیار مشکل است!

**8- در اسم گذاری فرزند از نامهایی که اسلام سفارش کرده است استفاده نماید.**

«رسول خدا (ص): کسیکه خداوند به او چهار پسر بدهد و نام مرا بر یکی از آنها نگذارد، بر من ظلم کرده است.»

مسئول فرهنگی سفارت ایران در نروژ:

وقتی رهبر کمونیست نروژ مسلمان شد، بعد از مدتی «آنا بریت» همسرایشان با من تماس گرفت و گفت: می خواهم مسلمان شوم.

من شگفت زده شدم و خدا را سپاس گفتم. آنا بریت گفت: من چادر می خواهم!

گفتم: پوشیده بودن کافی است. چرا چادر می‌خواهی؟ (چرا که ترسیدم با جوی که در آن جا علیه چادر بود توان تحمل این سختی‌ها را نداشته باشد).

اما او باز هم تأکید کرد:

می‌خواهم با لباس رزم زنان ایرانی که الگو و سمبل من بوده‌اند  
شهادتین را بگویم.

به او گفتم: چه اسمی را انتخاب کرده‌اید؟

گفت: زینب.

گفتم چرا؟

گفت تحقیق کرده‌ام دیدم حضرت زینب-سلام الله علیها- زن  
صبور، مقاوم و کاملی بوده است.»

**9- کودک را با خود به مساجد و مجالس سوگواری امام حسین (ع)  
و دیگر مجالس مذهبی ببرد.**

کودک‌انی که در زیارتگاهها و مراسم موالید و عزاداری اهل بیت (ع) و مساجد حضور می‌یابند، از برکات این مجالس مستفیض خواهند شد و علاقه به اهل بیت (ع) در وجود آنها ریشه پیدا می‌کند و گاه آثار مثبت مهمی در زندگی آنها بجا می‌گذارد.

«حضرت زهرا (س) برای اینکه فرزندانش در شبهای احیاء خوابشان نبرد، روز قبل آنها را می‌خواباندند و همچنین موقع احیاء اگر فرزندی خوابش می‌برد، آب به صورتش می‌زدند. تا از فیض شب قدری بهره‌نمانند.)

(امام باقر (ع) بعد از نماز صبح نمی‌گذاشتند نوجوانان بخوابند بلکه اگر قرآن بلد بودند می‌فرمودند قرآن بخواند و هر که بلد نبود می‌فرمودند ذکر بگویند. و این تا طلوع آفتاب ادامه داشت)

## **10- خود نماز بخواند و فرزندش را هم به نماز سفارش کند.**

«رسول خدا(ص): نخستین چیزی که در قیامت از زن می پرسند، نماز است و سپس درباره شوهرش (اگر ازدواج کرده بوده) که چگونه باشوهرش رفتار می نموده است.»

## **11- اگر فرزند دختر است، اهمیت حجاب را در مناسبت های مختلف به او گوشزد نماید و نگذارد که با لباس نامناسب در کوچه و خیابان ظاهر شود.**

حجاب دختر تا اندازه زیادی به حجاب مادر و طرز فکر و تقید مادر به حجاب بر می گردد. چه بسا مادرانی که خود حجابی دارند ولی از کودکی دختران خود را همچون عروسک! زینت و آرایش نموده و با خود در کوی و برزن و مجالس عروسی و مهمانی ها به نمایش می گذارند اما نمی دانند که چگونه دختر خود را از راه عفت و حیا دور کرده و او را به انحرافات سوق می دهند.

## **12- برای آموزش قرآن به فرزندش برنامه ریزی کند.**

از برکات نظام جمهوری اسلامی ایران این است که صدها کودک حافظ کل قرآن و هزاران نوجوان آشنا به قرآن تربیت کرده است. مادر باید در مورد تعلیم قرآن به فرزندش همواره تأکید وجدیت داشته باشد همانطور که در مورد لباس و غذای کودکش توجه دارد.

«پیامبر(ص): هر که در کودکی قرآن بخواند، به حکمت دست یافته است.»

## **13- در ایام نوجوانی نظارت کامل بر معاشرت فرزندش داشته باشد.**

«فرمانده نیروی انتظامی: 75 درصد انحرافات نوجوانان در بین راه مدرسه تا خانه رخ می دهد.»

متأسفانه جوانانی هستند که بوسیله سی دی ای فاسد و مجالس و دوستان فاسد، به فساد اخلاق مبتلا شده و در کمین نوجوانان معصوم و بی اطلاع هستند تا آنان را شکار کنند. لذا به مادران و پدران باید هشدار داد که تا زمانی که نوجوان به رشد عقلی بالایی نرسیده نظارت کامل و صد درصد بر معاشرت فرزندانشان اعم از دختر و پسر نموده و لحظه ای از آنان غافل نباشند. حاضر نشوند شبی به بهنه دوست و رفیق در خارج از خانه بمانند و یا با دوستان به مسافرت بروند و خلاصه دور از دید والدین دلسوز خود باشند. همانطور که باغبان مدتها زحمت می کشد تا گلهايش به ثمر برسند والدین باید از راحتی خود چشم پیوشند و مواظب روحيات فرزندانشان باشند.

## **14- به فرزندان محبت کند تا گول محبت های ظاهری دیگران را نخورند. ولی در محبت زیاده روی نکند!**

«رسول خدا (ص): کسیکه فرزندش را ببوسد یک حسنه دارد و اگر او را خوشحال کند، روز قیامت خدا او را خوشحال می کند و کسیکه به فرزندش قرآن بیاموزد، روز قیامت پدر و مادر کودک را ندا نموده و دو حله بهشتی از نور، بر تن آنان می نمایند که از نورش صورت اهل محشر روشن می شود.»

«رسول خدا (ص): فرزند صالح گلی از گلهای بهشت است.»

«رسول خدا (ص): کسیکه خدا به او دختری بدهد و او را اذیت نکند و او را کوچک شمارد و فرزندان پسر را بر او ترجیح ندهد، خدا بخاطر همین دختر، او را به بهشت می برد.»

اگر چه اکثر مادران به فرزندانشان محبت دارند و کم هستند مادرانی که بخاطر لذات نامشروع، فرزندانشان را مورد آزار واذیت قرار می دهند ولی باید این محبت متعادل باشد و اگر از حد خود خارج شد، عواقب سوئی ایجاد می نماید. محبتها و تنبیه ها و تشویق ها باید عادلانه باشد و از حد خود تجاوز ننماید و الا آثار خطرناکی بر روحیات فرزند وارد می کند. به نامه یک فرزند بزهکار که از بازداشتگاه برای مادرش ارسال نموده توجه کنید:

«این نامه ای است که یک پسر بزهکار از زندان برای مادرش نوشته است:

مادر! امروز هنگامی که با دونفر از دوستانم در یکی از خانه های نارمک تهران سرگرم دزدی اثاث خانه ای بودیم، توسط پلیس دستگیر شدیم و چون برای بار دوم می خواهند مرا به جرم دزدی به زندان ببرند، می خواهم امشب از این گوشه بازداشتگاه با تو درد دل کنم و بگویم:

تو گناهکاری! تو باعث تمام بدبختی های من هستی! تو خیلی مرا دوست داشتی و همین محبت کور کورانه مرا به روز سیاه نشاند. آن روز که پدرم به این خاطر که دست در جیبش کرده بودم، می خواست مرا تنبیه کند ولی تو جلو دزدی و نگذاشتی که او مرا تنبیه کند و گفتی: این پسر کوچولوی من است! و هر دفعه این صحنه تکرار شد!

مادر! من شبها دیر به خانه می آمدم، اما تو چیزی از من نمی پرسیدی، حتی این موضوع را از پدرم پنهان می کردی! تو مرا از معاشرت با جوانان هرزه منع نکردی و حتی وقتی فهمیدی که من دزدی می کنم، مانع من نشدی و فقط گفتی: کاری نکن که پدرت بفهمد!

مادر! من تو را می بخشم، اما آنچه در حق من کردی، در باره برادر کوچکم نکن!»

آثار سوء بی توجهی والدین در تربیت فرزندانشان را باید در کوچه و بازار و در بدحجابی و لنگاری دختران و در پوشیدن لباسهای غربی پسران و در ایجاد مزاحمت های خیابانی برای دختران و در زندانها و آثارهای دزدی و قتل و تشکیل باندهای مخوف و باندهای فساد اخلاق به وضوح مشاهده نمود! که گاهی پدر و مادر یک جوان قاتل انگشت به دهان می گیرند که چرا این جور شد؟! چطور فرزند ما مرتکب این قتل و جنایت شد؟! در حالی که عامل اصلی جرمهای جوانان و ادین هستند. آنها در تربیت فرزندشان کوتاهی کردند. و باید خودشان را سرزنش نمایند.

**15- خود راستگو و متواضع و سخاوتمند و عقیف و با حجاب و شوهردار و طالب علم و امانتدار و اهل صله رحم و... باشد تا فرزندانش نیز این چنین باشند.**

«وقتی در قم، مادر سه شهید در تشییع فرزند سومش حاضر شده بود، در میان بانوان و در مقابل جنازه فرزند شهیدش، ایستاد و سخنرانی کرد. نخست خطاب به جنازه، این بیت را خواند:

بشکست اگر دل من بفدای چشم مست سر خم می سلامت، شکند اگر سبویی یعنی: امام به سلامت باشند، دل شکسته ام به فدای چشمهای تو.

بعد چنین گفت:

پسرم! نور دیده ام... سومین پسر بودی که تو را نثار راه قرآن نمودم. امروز، نخستین روز بهار به دیدار گل ارغوانی و پرپر آمده ام، پیکر دوبرادر شهیدت را سال قبل دیدم، برای دیدار پیکر تو، نخست اجازه نمی دادند، ولی وقتی دیدند، صبر و استقامت من خوب است، اجازه دادند، من وقتی پیکر تو را دیدم، از ته دل خشنود شدم که (به دلخواه من شهید شدی) زیرا دلم می خواست تو در راه خدا قطعه قطعه شوی و چنین شد.

سپس این بانوی شجاع دستهایش را بطرف آسمان بلند کرد و چنین گفت: خدا یا! تو را شکر و سپاس می گویم که فرزندم در این آزمایش الهی، این گونه، سرافراز و پیروز و روسفید، بیرون آمد...»

## 16- آئین شوهرداری را به دخترانش آموزش دهد.

مادر باید شوهر داری را به دخترانش یاد دهد تا آنها با استفاده از تجربیات چند ساله او زندگی موفق داشته باشند.

«وقتی قرار شد که ایاس دختر عوف به خانه شوهر برود، مادرش او را این چنین نصیحت کرد:

دخترم! تو از خانه ای که با آن انس گرفته ای به خانه ای ناآشنای روی. پس در برابر همسرت فروتن باش تا با او انس بگیری. و برای اینکه پشتیبان و کمک کار داشته باشی به این اندرزها عمل نما!

اهل قناعت باش. دستورهای همسرت را بشنو و انجام بده. در برابرش خود را آراسته کن تا وقتی بتو نگاه می کند ناراحت نشود. خود را معطر کن تا بوی تو برایش بهترین بو باشد. هنگام گرسنگی از او با غذا پذیرائی کن زیرا در هنگام گرسنگی انسان در هیجان و ناراحتی است. هنگام استراحت او را یاری کن زیرا ممکن است از بی خوابی خشمگین شود. در نبودنش از مالش نگه داری کن. در کارها به او کمک نما. اسرار او را فاش نکن و گرنه مطمئن باش که درمان نخواهی بود. هنگام ناراحتی او نخند و هنگام خوشحالی او ناراحت نباش.»

## 17- اگر خواستگار مؤمن و خوش اخلاقی برای دخترش آمد، مانع تراشی نکند.

طبق آمار تازه، در حال حاضر 3/5 میلیون دختر شوهر نکرده در ایران زندگی می کنند. و همین آمار درباره پسران مجرد نیز صدق می نماید. راستی با وجود غریزه جنسی در جوانان و وجود همسران هم شأن چرا باید این جوانان مجرد زندگی بکنند و گرفتار آثار سوء مجرد بودن باشند؟ آیا غیر از رسم و رسومات غیر اسلامی و غیر واقعی، مانع دیگری است؟ مهریه های بالا! خرج های سنگین! بهانه های مختلف! که متأسفانه به خانواده های متدین و مذهبی هم سرایت کرده است و حتماً باید در تالارها و هتل های گران قیمت مراسم را برگزار نمایند. ولی اسلام عزیز این رسومات را قبول ندارد.

«امام رضا(ع): اگر مؤمنی به خواستگاری دختری برود و پانصد درهم جهت مهر پیشنهاد کند ولی آنان بیشتر بخواهند و این مقدار را نپذیرفته به او دختر ندهند، بر او ستم کرده و خداوند پدر آن خانواده را از حورالعین محروم می کند»

و پیامبر(ص) فرمود: اگر کسی که از دین و اخلاقش راضی هستید به خواستگاری بیاید و دختر ندهید، فساد بزرگی پدید می آید!

## 18- فرزندان را به ازدواج هم شأن خودشان دریاورد.

«دختر و پسر از خانواده متدین باید با هم شأن خود ازدواج کنند و دختر و پسر از خانواده بی اعتنا به دین نیز همچین».

«والطیبات للطیبین والخبیثات للخیثین» نور 26

دختر پاک و مؤمن برای پسر پاک و مؤمن و دختر ناپاک و بی دین برای پسر ناپاک و بی دین لایق هستند.»

## 19- دخترش را به فاسق و فاجر و شرابخوار شوهر ندهد!

مادر نباید گول عناوین وظواهر و پول و ثروت داماد و خانواده‌اش را بخورد و بدون توجه به رعایت مسائل اخلاقی از طرف داماد، دخترش را به خانه آلوده بفرستد.

«دختری بعد از دوماه عروسی به خانه پدر برگشت و اعلام کرد که متوجه شده شوهرش معتاد است و او بزور طلاهایش را گرفته و فروخته است. و با گریه می گفت که بعد از دوماه بیوه شدم!

اگر علت این مسئله بررسی شود مشخص می شود که متأسفانه پدر و مادر دختر در هنگام خواستگاری داماد! بفکر نماز و تدین داماد نبودند و فقط چشم به ظواهر زندگی او و قدرت مالی و قیافه ظاهری او داشته اند

لذا باید تاوان سنگینی را برای این بی توجهی بپردازند!»

«پیامبر (ص): کسیکه دخترش را به بی دین شوهر بدهد، روزی هزار بار لعنت بر او نازل می شود.»

«امام رضا (ع): اگر دختر به شرابخوار بدهید، گویا او را به زنا واداشته اید!»

و...

## وظایف مردان:

### 1- انتخاب همسری شایسته برای خود.

او باید برای خود زنی را انتخاب کند که علاوه بر زیبایی ظاهری و مهریه کم، دارای اخلاق حمیده و ایمان و تقوا باشد. زیرا او قرار است مادر فرزندان او شود پس ببیند چه کسی را برای این کار انتخاب می کند.

«امیر مؤمنان علی (ع): در آخر الزمان که نزدیک قیامت و بدترین زمانهاست، زنانی پیدا بشوند که خیابان گرد، از دین بیگانه، دنباله رو فتنه ها و هوسها و پیرو شهوات و شتابان بسوس لذتها و حلال کننده حرامها باشند! اینان به دوزخ گرفتار ابدی شوند.»

«رسول خدا (ص): از گلهای لجنزار پرهیزید! گفتند: گلهای لجنزار چیستند؟ فرمود: زنان زیبا که در خانواده های پست و بد تربیت شده اند.»



«از جمله دعا‌های رسول خدا (ص) این بود: خدا یا! بتو پناه می‌برم از زنیکه قبل از اینکه پیرشوم مرا پیر کند!»

«امام صادق (ع): زن قلاده است پس دقت کن چه قلاده‌ای به گردنت می‌بندی!»

## 2- دوری از انحرافات اخلاقی قبل و بعد از ازدواج

### 3- رعایت سفارشات اسلام در مورد آمیزش جنسی

«آمیزش در مواقع و حالات زیر چنانچه منجر به انعقاد نطفه شود مکروه بوده و آثار زیانباری را در پی دارد:

روبه قبله و پشت به قبله، هنگام هلال و بدر و محاق ماه (شب چهارده) - در برابر آفتاب - عریان - ایستاده - در اول و وسط و آخر ماه که باعث جنون و جذام و صرع در مادر بچه می‌شود - بعد از ظهر که موجب قیچی می‌شود - صحبت کردن موقع آمیزش که موجب لال بودن بچه می‌شود - نگاه کردن به عورت زن که موجب کوری فرزند می‌شود - قرآن خواندن با حال جنابت - با یک دستمال تمیز کردن زن و شوهر خود را که باعث جدایی زن و شوهر می‌شود - نزدیکی در شب عید فطر که باعث شرور شدن بچه می‌شود - نزدیکی شب عید قربان که باعث نقصان در انگشتان بچه می‌شود - در زیر درخت که کودک قاتل می‌شود - بین اذان و اقامه - شب نیمه شعبان که کودک زشت می‌شود - دوروزمانده به آخر ماه - بالای پشت بام - در کشتی - بعد از جنب شدن - در حال حیض - شب چهارشنبه - در موقعی که کودک در خانه باشد»

## 4- کمک به همسر برای رعایت آداب ولادت و نامگذاری و ولیمه

«از امام ششم راجع به عقیقه سؤال شد. فرمود: گوسفند یا گاو یا شتر برای او قربانی کنند و بعد از عقیقه، بر کودک نام گذارند و روز هفتم سر او را بتراشند و به وزن مویش، طلا یا نقره صدقه دهند و اگر پسر است حیوان نر و اگر دختر است، حیوان ماده قربانی کنند.»

«رسول خدا(ص): کسیکه خداوند به او چهار پسر بدهد و نام مرا بر یکی از آنها نگذارد، بر من ظلم کرده است.»

«رسول خدا(ص): فرزند بر پدر حقوقی دارد و پدر نیز بر فرزند حقوقی دارد. اما حق پدر بر فرزند آنستکه در هر

چیزی بجز معصیت، مطیع پدر باشد. و حقوق فرزند بر پدر آنستکه برای فرزندش **نام نیکو** بگذارد و **ادب**

**نیکو** به او بیاموزد و **قرآن** را به او تعلیم نماید.»

«روایت شده وقتی به امام سجّاد(ع) بشارت ولادتی را می دادند، از پسر و یا دختر بودنش سؤال نمی کرد، بلکه می

پرسید: آیا سالم است؟ و هنگامیکه می گفتند: آری! می فرمود:

الحمد لله الذی لم یخلق منّی شیئاً مشوهاً. **شکر خدایی را که فرزند مرا معیوب متولد**

**نفرمود.**»

«امام هفتم(ع): اولین نیکی انسان به فرزندش، گذاشتن نام نیک بر او است.»

## 5- محبت به فرزندان و همراه بردن فرزندان به تفریحات سالم

محبت والدین به فرزندان باعث استحکام خانواده می شود و چشم آنها را بر محبتهای ظاهری خارج از

خانه می بندد.

«رسول خدا(ص): کسیکه فرزندش را ببوسد یک حسنه دارد و اگر او را خوشحال کند، روز قیامت خدا او را

خوشحال می کند و کسیکه به فرزندش قرآن بیاموزد، روز قیامت پدر و مادر کودک را ندا نموده و دو حله بهشتی

از نور، بر تن آنان می نمایند که از نورش صورت اهل محشر روشن می شود.»

«رسول خدا(ص): خداوند دوست دارد که آنچنان بین فرزندان با عدالت رفتار نمائید که حتی 'در بوسیدن آنها

نیز مساوات باشد.»

«امام ششم(ع): همانا خداوند بر بنده ای که علاقه زیاد به فرزندش دارد، رحم می کند.»

«پیامبر(ص): بچه هارا دوست بدارید و بر آنها ترحم داشته باشید.»

«امام هفتم(ع): خدا در چیزی همانند غضب برای کودکان و زنان غضب نمی کند.»

«سعد بن معاذ»

## 5- استفاده از درآمد حلال برای خورد و خوراک خانواده

لقمه حلال در تربیت سالم انسان نقش مهمی دارد همانگونه که لقمه‌های حرام در انحراف انسانها آثار مهمی دارد.

«در حدیث قدسی است که ایمان ده جزء دارد و هفت جزئش کسب درآمد حلال است»

«در حدیث قدسی است که کسیکه اهمیت نمی‌دهد از چه جایی درآمد کسب کند، منہم اهمیت نمی‌دهم که او را از چه دری وارد جهنم نمایم!»

رسول خدا: هر که از حلال بخورد ملکی بر بالای سرش بایستد و برایش استغفار کند تا زمانی که از غذا دست بکشد.»

## 6- آشنا کردن فرزند با خدا و آموزه‌های مذهبی

برای پرورش حس مذهبی فرزندان باید چند مرحله را طی کرد:

- 1- آنها را با استدلال ساده با خدا آشنا نماییم.
- 2- خدا را با صفات نیکویش مانند رحمان و رحیم و آمرزنده بودن معرفی کنیم.
- 3- از دوستی خدا با آنها حرف بزنیم. «ای پیامبر بگو: اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا هم شما را دوست داشته و گناهانتان را ببامرزد و خدا آمرزنده و مهربان است». آل عمران 31
- 4- نوجوانان را به عبادات واجب و مستحب عادت داده و نماز را از هفت سالگی به آنها آموزش دهیم.

اگر پرورش مذهبی نوجوان از دوازده سالگی بدرستی انجام پذیرد، او در 16 سالگی یک فرد معتقد و با ایمان خواهد بود و با این احساس می‌تواند در مقابل تمایلات نفسانی و شهوات، مقاومت کند و از تندروی و طغیان برکنار بماند. اما برعکس، نوجوانی که احساسات مذهبی‌ش مورد حمایت و پرورش قرار نگرفته و احياناً سرکوب شده باشد، نوجوانی که خواهش معنوی‌ش ارضاء نگشته و نور ایمان، ضمیرش را روشن ننموده باشد، در 16 سالگی

محکوم تمایلات غریزی و شهوی خواهد بود و عواطف مذهبی پرورش نیافته‌اش قادر نیست او را درمقابل انحرافات ایمنی بخشد.

عبادات واجب و مستحبی که در اسلام تشریح شده و همچنین دعا و نیایش در پیشگاه الهی از عوامل مؤثر در تحکیم دوستی و محبت پروردگار است. نماز ارتباط دهنده انسان به خالقش می‌باشد. نماز گزار روزی چند بار به پیشگاه خدا می‌رود و مراتب دوستی خود را بامحبوبش تجدید می‌کند.

اگر گناہانی کرده آنها را بوسیله نماز پاک می‌کند و اگر چند قدمی از خدایش دور شده، بوسیله نماز بعدی به خدایش برمی‌گردد. خدای واقعی آنقدر رحمت و عطاوت دارد که باب توبه بر روی همه گشوده‌است. اگر انسان آلودگی پیدا کرد، راه بازگشت به پاکی و خدا باز است. حتی اگر توبه را شکست و باز آلوده شد، باز هم راه بازگشت دارد وباصطلاح: اگر صدبار توبه شکستی باز آی! خالق که در گرفتاریها وسختیهای زندگی، تکیه‌گاه انسان است.

علی 7 می‌فرماید: «ای! مَنْ عَلَيْهِ مُعْوَلٍ! ای تکیه‌گاه من! «ای! مَنْ إِلَيْهِ شَكْوَتُ أَحْوَالِي! ای کسی که گرفتاریهایم را فقط به او می‌گویم. این دین صحیح و ایمان واقعی است که انسانها را از انحرافات و آلودگیها دور و پاک کرده و آنها را سعادتمند می‌نماید.

اما بدبختانه دنیای امروز به تمایلات مذهبی جوانان نه تنها کار ندارد بلکه با انواع برنامه‌های انحرافی این حس را در میان جوانان از بین می‌برد. دنیای غرب آنطور که برای یک کالای صنعتی سرمایه گذاری کرده و اهمیت قائل می‌شود، برای تربیت صحیح و پرورش حس مذهبی ارزش وارجی قائل نمی‌شود.

## 7- تربیت فرزند بر اساس تربیت دینی

اولین نکته برای آرامش خانواده و دوری از رفتارهای ناپسند جوان، شناخت روان جوان و آگاهی از مقتضیات جوانی است. فرزند جوان، مطابق میل طبیعی، عاشق استقلال و تشخیص است. می‌خواهد هرچه زودتر خود را از محدودیتهای دوران کودکی رها سازد و به گروه بزرگسالان پیوندد و مانند آنان مستقل باشد. او خواسته خود را بر زبان نمی‌آورد! ولی اگر به مقصود خود نائل نشود و به حق طبیعی خود، دست نیابد، سرکشی و طغیان می‌کند، به کارهای غیر عادی دست می‌زند، بد رفتار و تندخو می‌شود و با زبان حال می‌گوید:

به شخصیت من احترام بگذارید! مرا مستقل و آزاد بشناسید! با من همانند یک فرد بزرگ برخورد کنید!

در سخن پیامبر 6 است که فرمود: «فرزند، هفت سال آقا است. هفت سال بنده است و هفت سال هم وزیر است».

طفل هفت سال اول بر پدر و مادرش حکومت می‌کند! زیرا فکرش نارسا و جسمش ناتوان است. پدر و مادر باید با دیده رأفت به او نظر کنند و ناچارند که خواسته‌های او را برآورده سازند.

در هفت سال دوم، تغییرات قابل ملاحظه‌ای در تن و روان کودک پدیدمی‌آید. جسمش قوی می‌شود و درکش رشد می‌کند و تا اندازه‌ای خویها و بدیها را می‌فهمد. لذا مورد مؤاخذه والدین و مربی و آموزگار قرار می‌گیرد. و چون عقلش بخوبی شکفته نشده و صلاح و فساد خود را به درستی تشخیص نمی‌دهد، پدر و مادر آمرانه به او تذکر داده و او باید فرمان والدین را اطاعت کند.

اما در هفت سال سوم نشانه‌های جوانی و بزرگسالی در او پدیدمی‌آید. لذا احساس مسئولیت می‌کند و در تدبیر زندگی همکار والدین می‌باشد.

از بکار بردن کلمه وزیر چند نکته را می‌فهمیم:

الف - جوان تشخص طلب و استقلال جواست.

ب - نباید با او آمرانه برخورد کرد.

هیچ چیز بیش از حق رأی در تربیت آنان مؤثر نیست. باید در خانه و مدرسه به آنها حق اظهار عقیده داده شود. البته استقلال دادن به جوان به این معنا نیست که وی در تمام اعمالش آزاد باشد تا به میل خود به هر محیط فاسدی برود، زیرا جوان که عقلش نسبت به احساساتش ضعیف است، همواره در معرض سقوط قرار دارد. جوان اغلب پایان کار را نمی‌بیند و از تشخیص بسیاری از بدیها و خویها عاجز است. پس مراد از وزیر بودنش آن است که هم شخصیتش مورد احترام باشد و هم اختیار صد در صد نداشته باشد، بلکه تصمیم نهایی با والدین است.

سختگیری بی مورد، زورگویی و ستم، تعدی و خشونت والدین نسبت به جوان یکی از دو نتیجه را به بار می‌آورد:

الف - جوان بر اثر فشارهای طاقت فرسای روحی و نظارتهای خسته کننده والدین، نیروی مقاوت خود را از دست داده و تسلیم شرائط موجود می‌شود. او اگر چه سازگار و سرزیر می‌شود ولی استعدادهای خود را از دست می‌دهد و یک انسان نالایق بار می‌آید.

ب - جوان در مقابل سختگیری‌ها می‌ایستد که در نتیجه باعث اختلاف در خانواده می‌شود. عریضه‌ها و فریادها، تندی و خشونت، اشک و زاری، هیجان و ناراحتی برنامه عادی چنین خانه‌هایی خواهد بود!

بعضی پدران بخاطر عقده خود کم‌بینی، خشن و تندخو هستند. برای ابراز قدرت در خانه، با اهل منزل بدرفتاری می‌کنند، فریاد می‌کشند، دشنام می‌دهند. گاهی بچه‌ها را کتک می‌زنند! و گاهی در محیط منزل ایجاد رعب و هراس می‌کنند! لغزش یا اشتباه کوچک را بزرگ تلقی کرده و چشم‌پوشی نمی‌کنند. مثلاً پدر اگر بخواهد بخواهد، انتظار دارد که همه اهل خانه ساکت باشند و اگر صدایی بلند شود، طوفان پیا می‌کند! ولی اگر دیگران خواب باشند، استراحت دیگران برایش ارزشی ندارد! کودکان این خانه‌ها بر اثر سختگیری بی مورد والدین،

خشمگین و عصبی بار می آیند و همواره در خود احساس حقارت نموده و این حس بصورت عقده در آنها باقی می ماند!

البته تا کوچک هستند نمی توانند در مقابل رفتار خشن پدر نیرومند خود عکس العملی نشان دهند، اما زمانی که پا به سن جوانی می گذارند، برای اینکه در خانه بخاطر عقده حقارت خود، ابراز وجود کنند، کانون خانواده را به محل مشاجره و ناسازگاری تبدیل کرده و کار به آنجایی کشد که فرزند در مقابل پدر می ایستد! راه حل این معضل به دو طرف برمی گردد. دو طرف باید خودسری و لجاج را ترک کنند و از تمایلات نادرست خویش چشم پیوشند تا بتوانند با همکاری یکدیگر مشکلات را حل کنند.

در بررسی روی 105 پسر و دختر جوان که خلاف بزرگی را انجام داده بودند، متوجه شدند که تقریباً 91 درصد جوانان مجرم از اختلالات عاطفی شدید رنج می برند. یعنی هم از حیث عاطفی مورد بی مهری قرار گرفته بودند و هم احساس ناامنی و حقارت داشتند!

عکس العمل والدین در برخورد با خلاف فرزندشان!

چنانچه فرزند عمل خلافی را انجام داد چگونه باید با آن برخورد نمود؟ مثلاً خانمی در تماس با مشاوره اظهار داشت که مدتی است، متوجه شده که پسر دیرستانیش استمناء می کند! تکلیف این مادر چیست؟ در پاسخ باید گفت که مراحمی در برخورد با این خلفها وجود دارد که اگر رعایت شود شاید موفقیت آمیز باشد. یکی مسئله توجه به ازدواج جوانان است که در هنگام نیاز جنسی آنان، باید بفکر راه و چاره بود و دیگری آشنا کردن آنها با حرام و حلال اسلام و اینکه این اعمال، چقدر زشت بوده و عواقب بد دنیوی و اخروی دارد و در غیر این دو مورد نیز باید مراحل تشویق و تنبیه برای ترک این اعمال انجام شود.

«در روایت است که پسران وقتی به شش سالگی رسیدند نباید در یک بستر بخوابند.»

«کودکت را تا هفت سال آزاد بگذار سپس هفت سال مداوم با او کار تربیتی بکن. اگر به تربیت تن داد سعادت مند است والا در او خیری نیست!»

## 8- تأکید بر نماز خواندن فرزند

«وامر اهلك بالصلاة واصطبر عليها» طه 132

یعنی خانواده ات را امر به نماز نما و بر این مسئله مداومت کن.

**مسئله نماز از مهمترین نشانه‌های تربیت صحیح است. در خانه‌ای که والدین نماز**

خوانده و تا کودک به سن بالا برسد مرتب او را به خواندن نماز امر می‌نمایند، امید به هدایت و سعادت فرزند هزاران باریشتر است تا خانه‌ای که اگر چه پدر و مادر خود اهل نمازند ولی فرزندان خود را رها کرده‌اند و باصطلاح آنان را آزاد گذاشته‌اند تا خود مسیر درست را انتخاب نمایند و این بزرگترین اشتباه سرپرست خانواده است که نوجوانی را که اصلاً نمی‌تواند خیر و صلاح خود را تشخیص دهد و از طرفی نماز زحمتی برای اوست، آزاد بگذارند به این امید که روزی برسد که خود نوجوان به نماز گرایش پیدا کند!

خداوند در قرآن کریم به پدران دستور می‌دهد که خود و خانواده خود را از جهنم نجات دهید:

**«یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم واهلیکم نارا و قودها الناس والحجاره» تحریم 6**

ای مؤمنین! خود و خانواده تان را از آتش جهنم دور نگه دارید.

**«رسول خدا(ص): در هفت سالگی فرزند را به خواندن نماز تمرین دهید و در ده سالگی در صورت نماز نخواندن، بر آنان سخت گرفته شود و حتی آنان را با زدن هم شده به نماز وادار کنید.»**

## **9- نظارت کامل بر معاشرت فرزندش**

«امام پنجم(ع): با کسی معاشرت کن که تو را می‌گریاند و خیر خواه توست! و با کسی که تو را می‌خنداند و فریب می‌دهد، معاشرت منما!»

«امام هفتم(ع): از مواضع تهمت و شک پرهیزید و حتی در کوچه با مادر خود نایستید! زیرا همه نمی‌دانند که این زن مادر توست!»

«علی(ع): بدترین رفیق کسی است که معصیت خدا را در نظر تو، خوب جلوه دهد!»

«امام سجاد(ع): با چند رفیق رفیق نباش! 1- دروغگو که مثل سرابست و با دروغهای خود، تو را فریب می‌دهد و دور را برای تو نزدیک و نزدیک را برای تو، دور می‌کند. 2- فاسق که تو را به یک وعده غذا بلکه کمتر، می‌فروشد! 3- بخیل که تو را در هنگام سختی، رهامی کند. 4- احمق که می‌خواهد بتو سود برساند ولی زیان می‌رساند.»

## 10- نظارت بر استفاده فرزندان از رسانه‌های صوتی و تصویری و رایانه و استفاده از موسیقی مبتذل و شرکت در پارتی‌های منحرف کننده

1- «پیامبر اسلام (ص): غنا (موسیقی حرام) پلّه کان زنا است.»

2- «امام صادق (ع): خبیث‌ترین مخلوق خدا، غنا (موسیقی حرام) است. و بدترین مخلوق خدا غنا است که باعث فقر و نفاق می‌شود.»

3- «امام صادق (ع): خانه‌ای که در آن غنا (موسیقی حرام) باشد، از فاجعه ایمن نمی‌باشد و دعا در این خانه مستجاب نمی‌شود و ملائکه به این خانه وارد نمی‌گردند.»

10- «امام خمینی: از جمله چیزهایی که مغز جوانها را تخدیر می‌کند، موسیقی است... انسان را از جدیت بیرون می‌برد. یک جوانی که عادت کرده روزی چند ساعت را با موسیقی سروکار داشته باشد، از مسائل جدی به کلی غافل می‌شود.»

## ضعف اعصاب و اختلال حواس و بی ارادگی از عوارض موسیقی

«دکتر ولف آدلر، پروفیسور دانشگاه کلمبیا می‌گوید: بهترین و دلکش‌ترین نو اهای موسیقی، شوم‌ترین آثار را روی سلسله اعصاب انسان باقی می‌گذارد.»

«دکتر آلکسیس: اصولاً شنیدن موسیقی و کنسرت، در اعصاب اثر تخدیری ایجاد می‌کند. این اثر گاهی آنچنان شدید است که شنونده را مانند افراد بهت زده می‌سازد و لذت فوق العاده‌ای که افراد از آن می‌برند از همین اثر تخدیری است و روشن است که اینگونه تخدیرها زیانهای فراوانی دارد و اگر شدت یابد گاهی ممکن است عقل و اندیشه را اسیر جذبه آهنگهای تند موسیقی کند و دیگر نتواند خوب و بد را از هم تشخیص دهد و بی پروا دست به حرکات و اعمال ناشایست بزند و در آن حال نتواند به عواقب وخیم آن بیاندیشد.»

گاهی موسیقی باعث جنایت می‌شود.

## 11- جدیت در امر ازدواج فرزندان



«رسول خدا(ص): اگر فرزند خواستار ازدواج باشد و پدر توانائی مخارج ازدواج او را ندارد ولی امتناع کند و فرزند مجردش به معصیت و گناه آلوده شود، معصیت او را در نامه عمل پدرش می نویسند.»

## 12- جدیت در امر یاد دادن قرآن و آداب اسلامی مانند:

آداب معاشرت، آداب خوردن و آشامیدن، آداب ازدواج، آداب تجارت و معاملات، تاریخ اسلام و تاریخ ایران و صدها مورد اطلاعات مفیدی که بر اساس آنها، اعتقادات و روش زندگی فرزندان بنا نهاده می شود.

«یکی از مؤمنین می گفت که وقتی ما بچه بودیم در روستا زندگی می کردیم، پدرمان ملایی را از شهر آورد و خرج مسکن و غذا و حقوقش را به عهده گرفت تا او در چندماه بما قرآن بیاموزد. و او هم این کار را انجام داد و ما دو برادر قرآن را در کودکی فرا گرفتیم»

## 13- رعایت پوشش کامل در موقع عمل زناشوئی

«مشاهده عمل زناشوئی والدین، پوشش نامناسب محارم و... از عوامل انحراف فرزندان است.»

«جوان 27 ساله ای که پس از سرقت جواهرات و ربودن دختر چهارده ساله دختر خردسال و تجاوز به برخی از آنان دستگیر شده بود، پس از محاکمه در دادگاه 142 کیفری یک تهران، به دو بار اعدام و سه سال زندان و تعزیر و پرداخت مهرالمثل محکوم شد.»

بر اساس تحقیقات باز پرس، این جوان دارای انحرافات اخلاقی بوده و بر اساس اعترافات خودش، در گذشته، وی بارها مورد سوءاستفاده افراد قرار گرفته است.

به گزارش خبرنگار قضایی، دستگیری متهم به دنبال اعلام شکایت بستگان یک دختر هشت ساله به مأموران حوزه انتظامی 28 تهران صورت گرفت. با طرح این موضوع، پرونده‌ای در دادسرا تشکیل شد و بازپرس دستور داد در این باره بیشتر تحقیق شود.

مأموران با کمک دختر بچه به محل رفتند و پس از چند روز پیگیری، خانه «مصطفی» را شناسایی و او را دستگیر کردند. متهم در بازجویی به ربودن چهارده دختر بچه و سرقت طلاهای کودکان معصوم و تجاوز به برخی از آنان اعتراف کرد.

این جوان منحرف، در بیان علل انحراف اخلاقی خویش گفت: در خانواده من مسائل خلاف زیادی وجود داشت، به طوری که من ارتباط‌های آمیزشی و روابط جنسی پدر و مادرم را مشاهده می‌کردم و آنها ابایی از این موضوع نداشتند! پدر و مادرم، بعضی وقتها بدون لباس در برابر من ظاهر می‌شدند و این مسائل مرا تحریک می‌کرد و به انحراف اخلاقی سوق می‌داد...

طبق نظر صریح کارشناسان روانشناسی کودک، تماشای صحنه‌های مهیج جنسی، چه در خانواده و چه در فیلمهای سینمایی و... مانند دادن چلو کباب به یک نوزاد است، چرا که با این تحریکات، کودک در معرض بلوغ زود رس قرار می‌گیرد و حساسیت و کنجکاوی او را به روابط بزرگترها بویژه پدر و مادر بر می‌انگیزد. و از این جاست که زمینه‌های انحراف اخلاقی کودکان و نوجوانان آغاز می‌گردد.

## **14- شرکت در نماز جمعه و جماعت و مراسمات دینی به همراه فرزندان**

پدرانی که خود در مجالس معنوی شرکت می‌کنند و فرزندان خود را نیز به همراه می‌برد، می‌تواند امیدوار باشد که آینده فرزندان، از نظر دوری از انحرافات اخلاقی، آینده سالمی خواهد بود. ولی پدرانیکه خود هیچگاه پا به مسجد و عبادتگاه الهی نگذاشته‌اند و غرورشان اجازه نمی‌دهد که در مقابل پروردگارشان سجده نمایند، چگونه امید دارند که فرزندان خوبی و سالمی تربیت کنند؟ مسجد محلی است که در آن انسانهای والا تربیت می‌شود.

مسجد سنگر اسلام است. مسجد محل ملاقات مؤمنین و وحدت و صمیمیت آنان است. اگر چه گاهی افراد منافق هم در مسجد پیدامی‌شوند یا افرادی که از شرکت در مسجد مقاصد شومی را در ذهن دارند ولی اکثر

نمازگزاران کسانی هستند که بدون قصد دنیایی و فقط برای اطاعت از خدایشان در مسجد و مراسمات مذهبی حضور پیدامی کنند و خداوند هم طبق وعده هایی که داده است در دنیا و آخرت از آنان حمایت می کند:

### «ان الله يدافع عن الذين آمنوا» حج 39

خداوند از مؤمنین دفاع خواهد کرد.

## حجاب زن

یکی از دستورات مهم قرآن کریم درباره زنان، در مورد لزوم حجاب آنان است. حجاب زن به هیچ عنوان علامت عقب ماندگی یا اسارت و یا زیر دستی او نیست بلکه چون زن مانند گوهر گرانبهائی است که باید از دستبرد دزدان در امان بماند لذا بوسیله حجاب، هم حفظ می شود و هم ارزشش افزون می گردد و هم در این آزمایش الهی سربلند بیرون می آید.

از جمله آیات قرآن کریم درباره حجاب آیات زیر است.

آیه اول: «ای پیامبر! به زنان با ایمان بگو: چشم های خود را (از نگاه هوس آلود) فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است، آشکار ننمایند و اطراف روسری های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) ...»<sup>(4)</sup>

آیه دوم: «ای زنهای پیغمبر! شما مثل افراد عادی نیستید. بایستی مراتب تقوی و پارسایی را کاملاً رعایت نموده و بدون کم و زیاد، تمام دستورات خدا را عملی کنید. بنابراین اگر

واقعاً شماها پرهیزکار و خداترسید، پس در گفتارتان نرمی و فروتنی نکنید و صدای خود را نازک ننمائید تا اشخاصی که دلشان مریض است و اسیر دست شهوتند، از صدای نرم و نازک شما تحریک نشده و میل و طمع به شما نکنند و در وقت لزوم باید طوری بادرستی

---

1. خوبی‌ها و بدی‌ها - الخصال 585/2 2. خوبی‌ها و بدی‌ها - مکارم الاخلاق/234

3. خوبی‌ها و بدی‌ها - ارشادالقلوب 175/1 4. سوره نور، آیه 31.

و خوشونت صحبت کنید که پسند خدا و رسول بوده و موجب فتنه و لغزش و میل و تحریک مردم نشود. و باید در خانه‌های خود قرار گیرید و زینتهای خود را اظهار نکنید همانطور که کافران پیشین خود را به نمایش می گذاشتند و نماز را برپا دارید و زکات بدهید و از خدا و رسول اطاعت نمائید.<sup>(1)</sup>

آیه سوم: «وقتی از زنهای پیغمبر چیزی می طلبید از پشت پرده از ایشان بخواهید. این طور برای دلهای شما و دلهای آنها پاک تر است»<sup>(2)</sup>

آیه چهارم: «ای پیغمبر! به زنان و دختران خود و زنهای مؤمنین بگو که جلباب (چادر) بر سر خود بپوشانند که این پوشش در فرق زنهای خوب از زنهای نانجیب نزدیکتر و مؤثرتر است باعث میشود زنهای مؤمنه توسط افراد فاسد اذیت نشوند و نسبت به گذشته ها چون قصد

سویی نداشته‌اند یا چون توبه کنند، خداوند سبحان بخشاینده و مهربان است. و اگر منافقین و آنهایی که در دلشان مرض است و آنهایی که حرفهای مضر در بین مردم اشاعه میدهند از این اعمال دست نکشند، تو را بر آنها مسلط می‌کنیم که بر آنها فشار بیاوری بطوری که نتوانند در مدینه در همسایگی تو بمانند مگر زمان اندکی. در حالی که اینها ملعونند و دستور است که هر کجا اینها یافت شوند، آنها را بگیرند و به خوارترین و سخت‌ترین وجهی بکشند. سنت الهی در مورد اهل نفاق، در هر عصری همین بوده و خواهد بود و به هیچ وجه ممکن، این آیین در مورد اینها تغییر نمی‌شود.<sup>(3)</sup>

اما احادیث درباره لزوم حجاب زن فراوان است که به چند روایت اشاره می‌شود:

«حضرت زهرا علیها السلام: بهترین زنان کسانی هستند که نه آنها مردان نامحرم را ببینند و نه مردان نامحرم آنها را ببینند.»<sup>(4)</sup>

«سخن گفتن با زن نامحرم از دامهای شیطان است»<sup>(5)</sup>

«از جمله بیعتهایی که پیامبر صلی الله علیه و آله از زنان گرفت این بود که در خلوت با مردان مسافرت و نشست و برخاست نکنند.»<sup>(6)</sup>

«پیامبر صلی الله علیه و آله: ای حواء! زینت خود را برای غیر شوهرت ظاهر نکن. برای زن حلال نیست که مچ و پایش را برای مردی غیر شویش آشکار کند. که اگر چنین کرد، همیشه در لعنت الهی است و فرشتگان او را لعن کرده و عذابی دردناک برایش مهیا می‌شود.»<sup>(7)</sup>

«امام علی علیه السلام : ای بندگان خدا ! بدانید که گفتگو و اختلاط مردان با زنان نامحرم، سبب مصیبت و گرفتاری شده و دلها را منحرف می سازد و پیوسته به زنان چشم دوختن، نور دیده را خاموش می گرداند و همچنین با گوشه چشم به زنان نگاه کردن از حيله و دامهای شیطان است»<sup>(8)</sup>

«امام علی علیه السلام : ای مردم عراق ! باخبر شده ام که زنان شما در راه با مردان برخورد می کنند، آیا حیا و شرم نمی کنید؟

و در حدیث دیگری فرمود: آیا حیا نمی کنید و غیرت نمی ورزید که زنانتان به بازار می روند و با افراد بی ایمان مواجه می شوند؟»<sup>(9)</sup>

---

1. سوره احزاب، آیه 32. 2. سوره احزاب، آیه 53. 3. سوره احزاب، آیه 59.

4. فضائل الخمسة عن الصحاح الستة 154/3 5. مستدرک، 273/14.

6. مستدرک الوسائل، 133/14. 7. مستدرک، 549/2. 8. بحار، 291/74. 9. وسائل، 176/14.

باید که بگیرد رو هر زن که مسلمان است زیرا که حجاب زن در سوره قرآن است

هم عصمت و هم عفت در پرده نسوان است قانون حیا چون سر بر پیکرایمان است

ما ملت ایرانیم امروز مسلمانیم  
هم شیعه اخلاص و هم تابع قرآنیم  
جز قاعده اسلام ما هیچ نمی دانیم  
در روز قیامت هم جویای شفیعیانیم

### شعر دیگر

ای زن ای سرو ناز و باغ وجود  
نور بخشنده چراغ وجود  
تا تو در راه خیر پیش روی  
راست رو باش تا ز ره نروی  
پاکی اندوز و راستی آموز  
بعد از آن هر چه خواستی آموز  
آن که مذهب نهاد و آیین کرد  
راستی را ملازم دین کرد  
خانه دل ز غیر شو پرداز  
از همه کارها بدو پرداز  
روی از غیر شوی خویش بپوش  
جان فدای تو! روی خویش بپوش!  
زان که تا رُخ ز پرده برفکنی  
پرده از روی شرم برفکنی  
گر شوی عیش جو و عشرت خواه  
جان به انواع فسق کرده تباه  
آری آن زن که بی حجاب آمد  
عاقبت خانمان خراب آمد  
بلکه از رُخ چو پرده بر دارد  
یک جهان فتنه ها ز پی دارد

|                          |                            |
|--------------------------|----------------------------|
| بهترین علم زن نجابت اوست | وین قبا دوخته به قامت اوست |
| علم زن چیست حاصل آوردن   | پس از آتش به لطف پروردن    |
| خانه را رشک بوستان کردن  | آنچه شایسته است آن کردن    |
| روز و شب در پی محبت شوی  | ایستادن زجان به خدمت شوی   |
| شرط خدمت به جای آوردن    | شوی را مهربان به خود کردن  |

سخن بوعلی سینا

«بوعلی سینا در کتاب سیاست خود می‌نویسد: بر مردان لازم است که زنان را به تربیت اولاد و تدبیر خانه مشغول نموده، وسایل پوشش و حیای او را مهیا نمایند که اگر زن بیکار و به تدبیر منزل مشغول نباشد، قهراً میل نمایش و اسراف در زینت و لهو نموده و بدین واسطه از وظیفه طبیعی خود خارج شده و با حقوق و کرامت مرد مخالفت می‌کند.»<sup>(1)</sup>

آرامش روانی

استاد شهید مطهری :

«نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرتهای بی‌بند و بار، هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی را فزونی می‌بخشد و تقاضای سکس را به صورت یک عطش روحی و یک خواست اشباع نشدنی در می‌آورد. غریزه جنسی، غریزه‌ای نیرومند، عمیق، و «دریافت» است، هرچه



بیشتر اطاعت شود، سرکش تر می گردد، همچون آتش که هر چه به آن بیشتر خوراک بدهند، شعله ورتر می شود. برای درک این مطلب به دوچیز باید توجه داشت:

## 1. رسائل حجابیه، ج 2، ص 1080.

1 - تاریخ همان طوری که از آزمندان ثروت یاد می کند که با حرص و آزی حیرت آور در

پی گرد آوردن پول و ثروت بوده اند و هر چه بیشتر جمع می کرده اند، حریص تر می شده اند، همچنین از آزمندانی که در زمینه مسائل جنسی یاد می کند، که به هیچ وجه از نظر حسّ تصرف و تملک زیارویان در یک حدی متوقف نشده اند. صاحبان حرمسراها و در واقع همه کسانی که قدرت استفاده داشته اند، چنین بوده اند.

در زمان جدید هم به برکت تجلّد فرنگی، برای مردی که یک صد هزارم خسرو پرویز (که سه هزار زن در حرمسرا داشته است) و هارون الرشید، امکانات داشته باشد، میسر است که باندازه آن ها از جنس زن بهره کشی کند.

2 - هیچ فکر کرده اید که حسّ «تغزل» در بشر چه حسّی است؟ قسمتی از ادبیات جهان عشق و غزل است. در این بخش از ادبیات، مرد، محبوب و معشوق خود را می ستاید. به پیشگاه او نیاز می برد، او را بزرگ و کوچک جلوه می دهد، خود را نیازمند کوچکترین

عنایت او می‌داند، مدعی می‌شود که محبوب و معشوق «صد مُلک جان به نیم نظر می‌تواند بخرد، پس چرا در این معامله تقصیر می‌کند» از فراق او دردمندانه می‌نالد .

این چیست؟ چرا بشر در مورد سایر نیازهای خود چنین نمی‌کند؟ آیا تاکنون دیده اید که یک آدم پول پرست برای پول، یا یک آدم جاه پرست برای جاه و مقام، غزلسرایی کند؟ ! آیا تاکنون کسی برای نان غزلسرایی کرده است؟ چرا هرکسی از شعر و غزل دیگری خوشش می‌آید؟ چرا همه از دیوان حافظ اینقدر لذت می‌برند؟ آیا جز این است که همه کس آن را با زبان یک غریزه عمیق که سراپای وجودش را گرفته است منطبق می‌بیند؟ چقدر اشتباه می‌کنند کسانی که می‌گویند یگانه عامل اساسی فعالیت‌های بشر عامل اقتصاد است !!

بشر برای عشق‌های جنسی خود موسیقی خاصی دارد، همچنان که برای معنویات نیز موسیقی خاص دارد، در صورتی که برای حاجت‌های صرفاً مادی از قبیل آب و نان موسیقی ندارد .

من نمی‌خواهم ادعا کنم که تمام عشق‌ها جنسی است و هم هرگز نمی‌گویم که حافظ و سعدی و سایر غزلسرایان صرفاً از زبان غریزه جنسی سخن گفته اند . این مبحث، مبحث دیگری است که جداگانه باید بحث شود .

ولی قدر مسلم این است که بسیاری از عشق‌ها و غزل‌ها، عشق و غزل‌هایی است که مرد برای زن داشته است . همین قدر کافی است که بدانیم توجه مرد به زن از نوع توجه به نان و آب نیست که با سیرشدن شکم اقناع شود، بلکه یا به صورت حرص و آرزو و تنوع پرستی در می‌آید و یا به صورت عشق و غزل .

اسلام به قدرت شگرف این غریزه آتشین توجه کامل کرده است . روایات زیادی درباره خطرناک بودن «نگاه»، خطرناک بودن خلوت با زن، و بالاخره خطرناک بودن غریزه‌ای که مرد وزن را به یکدیگر پیوند می‌دهد، وارد شده است .

اسلام تدابیری برای تعدیل و رام کردن این غریزه اندیشیده است و در این زمینه، هم برای زنان و هم مردان تکلیف معین کرده است . یک وظیفه مشترک که برای زن و مرد هر دو مقرر فرموده مربوط به نگاه کردن است:

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوْا مِنْ ابْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوْا فُرُوْجَهُمْ... قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ ابْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوْجَهُنَّ .

خلاصه این دستور این است که زن و مرد نباید به یکدیگر خیره شوند، نباید چشم چرانی کنند، نباید نگاه‌های مملو از شهوت به یکدیگر بدوزند، نباید به قصد لذت بردن به یکدیگر نگاه کنند . یک وظیفه خاص هم برای زنان مقرر فرموده است و آن این است که بدن خود را از مردان بیگانه پوشیده دارند و در اجتماع به جلوه گری و دلربایی نپردازند، به هیچ وجه و هیچ صورت و با هیچ شکل و رنگ و بهانه‌ای کاری نکنند که موجبات تحریک مردان بیگانه را فراهم کنند .

روح بشر فوق العاده تحریک پذیر است . اشتباه است که گمان کنیم تحریک پذیری روح بشر، محدود به حد خاصی است و از آن پس آرام می‌گیرد .

همان طور که بشر - اعم از زن و مرد - در ناحیه ثروت و مقام از تصاحب ثروت و از تملک جاه و مقام سیر نمی‌شود و اشباع نمی‌گردد، در ناحیه جنسی نیز چنین است . هیچ مردی از

تصاحب زیبا رویان و هیچ زنی از متوجه کردن و تصاحب قلب آنان و بالاخره هیچ دلی از هوس سیر نمی‌شود .

واز طرفی تقاضای نامحدود خواه ناخواه انجام ناشدنی است و همیشه مقرون است به نوعی احساس محرومیت . دست نیافتن به آرزوها به نوبه خود منجر به اختلال روحی و بیماریهای روانی می‌گردد .

چرا در دنیای غرب اینهمه بیماری روانی زیاد شده است؟ علتش آزادی اخلاقی جنسی و تحریکات فراوان سکسی است که بوسیله جراید و مجلات و سینماها و تئاترها و محافل و مجالس رسمی و غیر رسمی و حتی خیابان‌ها و کوچه‌ها انجام می‌شود .

اما علت اینکه در اسلام دستور پوشش اختصاص به زنان یافته است این است که میل به خود نمائی و خود آرائی مخصوص زنان است . از نظر تصاحب قلب‌ها و دل، مرد شکار است و زن شکارچی ! همچنان که از نظر تصاحب جسم و تن، زن شکار است و مرد شکارچی ! میل زن به خود آرائی از این نوع حس شکار چیگری او ناشی می‌شود . در هیچ جای دنیا سابقه ندارد که مردها لباس‌های بدن نما و آرایش‌های تحریک کننده به کار برند . این زن است که به حکم طبیعت خاص خود می‌خواهد دلبری کند و مرد را دلباخته و در دام علاقه به خود اسیر سازد . لهذا انحراف تبرج و برهنگی از انحراف‌های مخصوص زنان است و دستور پوشش هم برای آنان مقرر گردیده است .<sup>(1)</sup>

«شرافت زن اقتضا می‌کند که هنگامی که از خانه بیرون می‌رود، متین و سنگین و باوقار باشد، در طرز رفتار و لباس پوشیدنش هیچ گونه عمدی که باعث تحریک و تهییج شود به کار نبرد، عملاً مرد را به سوی خود دعوت نکند، زباندان لباس نپوشد، زباندان راه نرود،

زباندار و معنی‌دار به سخن خود آهنگ ندهد، چه آنکه گاهی اوقات ژست‌ها سخن می‌گویند، راه رفتن انسان سخن می‌گوید، طرز حرف زدنش یک حرف دیگری می‌زند  
«<sup>(2)</sup>

«ما انکار نمی‌کنیم که دسترسی نداشتن به زن موجب انحراف می‌شود و باید شرائط ازدواج قانونی را سهل کرد، ولی بدون شک آن مقدار که تبرّج و خود نمائی زن در اجتماع و معاشرت‌های آزاد سبب انحراف جنسی می‌شود، به مراتب بیشتر از آن است که محرومیت و دست‌نارسی سبب می‌گردد.<sup>(3)</sup>»

### تاج افتخار

|                                     |                              |
|-------------------------------------|------------------------------|
| تاروپودش باتومیگوید سخن             | بشنو از چادر که در توصیف زن  |
| تاشرافت را به عصمت بافته            | تاروپودم را شرافت تافته      |
| دختران دُرند و چادر چون صدف         | در کلاس حفظ تقوا و شرف       |
| زانکه زن را زینت زن، چادر است       | بهترین سرمایه زن چادر است    |
| دختران را هست تاج افتخار            | حفظ چادر در سرای اقتدار      |
| شیوه زهرا و درس زینب است            | حفظ چادر، حفظ دین و مذهب است |
| روسفیدی نزد زهرا علیهاالسلام می‌کند | حفظ چادر سدّ فحشا می‌کند     |

حفظ چادر چاره ساز کارهاست      حافظ گُل از هجوم خارهاست  
حفظ چادر زخمها را مرهم است      دست ردّ بر سینه نامحرم است (ژولیده)

ارزش و جایگاه حجاب و عفاف

یقیناً دستور خداوند مبنی بر وجوب حجاب زنان، بخاطر فوایدی است که از این مسئله

1. مسأله حجاب. 2. همان 3. همان

نصیب بشریت می گردد و از طرفی بخاطر دوری از ضررها و خساراتی است که برهنگی  
وبی حجابی به انسانها وارد می کند.

حجاب عامل استحکام خانواده ها می باشد. اگر در جامعه ای حجاب زنان رعایت گردد  
جوانان به ازدواج گرایش پیدا کرده و آمار ازدواج بالا می رود. آمار طلاق کاهش  
می یابد. زیرا

تنها راه اطفاء غرایز را در ازدواج می بینند. اما در جامعه ای که برهنگی و بی حجابی رواج  
دارد ارتباطات نامشروع زیاد شده و بالطبع ازدواج کاهش می یابد و کانون خانواده هایی که  
تشکیل شده متزلزل می شود چه بسا شوهر با زنان هرزه دیگری ارتباط برقرار کند. چه بسا  
زن در خفا با مردان دیگر ارتباط برقرار نماید.

حجاب باعث حفظ آرامش روانی افراد جامعه و عامل پاکی دلها می شود.

قرآن کریم، حجاب را عامل پاکی دل و روح می‌داند.

در سوره احزاب آیه 53 می‌فرماید: اگر از زنان پیامبر چیزی خواستید دریافت کنید از پشت پرده باشد که این هم برای پاکی دل شما و هم آنان بهتراست. ذالکم اطهر لقلوبکم وقلوبهنّ

وقتی چشم چرانی صورت بگیرد یا زنان با لباسهای نامناسب ظاهر شوند افکار زن و مرد به هم مشغول شده و دلها آلوده می‌شود. صفای دل از بین می‌رود. گاهی مسئله خیانت زن و مرد پیش می‌آید و همه این مشکلات بخاطر عدم رعایت حجاب توسط زنان می‌باشد.

حجاب عامل تقرب الهی است. یقیناً زنانی که با حجاب هستند و عفاف دارند مورد عنایت پروردگار قرار می‌گیرند و برعکس، زنانی که عفت ندارند یا با برهنگی و بی حجاب در مقابل مردان ظاهر می‌شوند مورد نظر لطف الهی قرار ندارند و دعایشان مستجاب نمی‌شود و اعمال خوبی که انجام دهند قبول نمی‌شود. و این کاملاً در روایات مربوط به حجاب ذکر شده است. زنان بی حجاب جایگاهی در نزد خداوند سبحان ندارند مگر اینکه توبه کنند و خود را اصلاح نمایند که موارد زیادی بوده که از زنان و دختران غربی یا زنان رقاص یا خواننده عربی که توبه کرده و به عفاف و حجاب و پاکدامنی برگشته‌اند و مورد لطف خداوند قرار گرفته‌اند.

حجاب زنان باعث بالا رفتن ارزش و عزت و کرامت زنان است ولی بی حجابی ارزش زن را تا حد یک وسیله جنسی پایین می‌آورد.

حجاب زنان مسلمان سلاح آنان در مقابل فرهنگ منحط غرب است. زنان با حجاب در حقیقت با حجاب خود در حال مبارزه با شیاطین و مفسدان و شهوت طلبان و مستکبرین هستند لذا قدرتمندان فاسد هم در این جنگ پنهانی از ابزارهایی چون اخراج از مدرسه

ودانشگاه و ادارات و کارخانجات و جاهای دیگر استفاده می کنند. ولی استقامت زنان باحجاب باعث شده که دشمنان حجاب تاکنون در بی حجاب کردن زنان باعفاف و باحجاب موفق نشوند.

### آثار زیانبار بی حجابی و بی عفتی

افزایش بیماران روانی و افزایش افسردگی و خودکشی و قتل و جنایت و خیانت به همسر و تولد فرزندان نامشروع و از هم پاشیده شدن کانون خانواده ها و افزایش طلاق، فرار دختران از کانون خانواده ها، تجاوز و هتک حرمت زنان بدون تاثیر از بی حجابی زنان نیست.

در هر جامعه ای که زنان بی حجاب ظاهر شوند و عفاف در آن جامعه حاکم نباشد باید منتظر افزایش آسیبهای اجتماعی باشیم.

پایین آمدن سطح اخلاق زنان در غرب که در برهنگی و اختلاط بدون قید و شرط با مردان بصورت آشکار دیده می شود باعث شده که آمار حیرت آوری از بالا رفتن خودکشی و هتک حرمت زنان و و گسترش بیماری های جنسی امثال آن در غرب اعلام گردد.

در امریکا بیش از 650 بیمارستان مخصوص امراض جنسی وجود دارد! همچنین در امریکا در هر یک دقیقه یک نفر دست به خودکشی می زند! در فرانسه از هر هزار نفر فقط 6 نفر ازدواج می کنند! و در این کشور سالی 35 هزار نفر خودکشی می کنند! در آلمان بیش از 50 درصد مردان مجرد زندگی می کنند! ژاپن بیشترین آمار خودکشی در جهان را دارد!

البته اینها اگر به دستورات اسلام عمل می کردند به این روز نمی افتادند ولی چه باید کرد که دولتمردان کشورهای صنعتی و غربی همگی بی دین هستند و اعتقادی به دستورات



خداوند ندارند پس چگونه انتظار می‌رود که به دستورات اسلام عزیز که همگی نسخه‌های شفا بخش هستند عمل کنند؟

اما در جوامعی که زنان حجاب و عفاف دارند مخصوصاً به قوانین اسلام عمل می‌کنند به ندرت این آسیبها در طول هفته و ماه اتفاق می‌افتد. آمار خود کشی در ایران به هیچ وجه قابل مقایسه با کشورهای غربی نیست. همچنین آمار دیگر آسیبهای اجتماعی در کشورمان بسیار پایین تر از کشورهای غربی است. و آسیبهای هم که در کشورمان وجود دارد از ناحیه زنان و مردانی است که به دستورات اسلام عمل نمی‌کنند. والا در میان مؤمنین و مؤمنات، آسیبهای اجتماعی و مفسد اخلاقی بسیار کم است و به ندرت اتفاق می‌افتد.

### نکوهش طلاق

در دین اسلام طلاق فقط در ضرورت مباح است آنهم بدترین مباح! و باید تا آنجا که زن و شوهر می‌توانند از طلاق دوری کنند زیرا طلاق آثار زیانباری برای جامعه مسلمین در پی دارد.

### اما علل طلاق

- 1 - ازدواج‌های اجباری که به اجبار والدین دختر یا پسر سر گرفته است احتمال طلاق در آن وجود دارد.
- 2 - عدم رعایت کفو و هم‌شان بودن یعنی باید زن و مرد هم‌شان باشند در زیبایی. در سواد و تحصیلات. در امکانات مادی. در نسب و حسب. در اخلاق و تقوا.

3 - ازدواج‌هایی که بر اثر چشم چرانی دختر و پسر بوجود می‌آید نیز در معرض خطر طلاق است .

4 - عدم تحقیق درباره هم، قبل از ازدواج منجر به مشکلاتی بعد از ازدواج از جمله طلاق می‌گردد .

5 - باید زن و شوهر بعد از جاری شدن صیغه ازدواج که خود یک پیمان الهی است نسبت بهم وفادار باشند و خدای نکرده اگر قبل از ازدواج با کسی ارتباط یا دوستی داشته‌اند دیگر بعد از ازدواج آن را فراموش کنند و فقط به همسر خود بیاندیشند و به او عشق و علاقه بورزند . اما وقتی وفادار نباشند و همسر متوجه شود، محبتش از بین می‌رود و اختلاف بین خانواده پدید می‌آید .

6 - دخالت‌های بیجای والدین دختر یا پسر در زندگی فرزندان باعث اختلاف و در نتیجه مسئله طلاق مطرح می‌شود .

7 - عدم آشنایی زن و شوهرها با وظایف خود نیز باعث اختلاف می‌گردد . که در بخش خانواده به این وظایف اشاره شده است .

احترام به سالمندان

در مکتب اسلام برای سالمندان جایگاه ویژه‌ای در نظر گرفته شده است . در سوره اسراء آمده است

وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا مَعْرُوفًا ۖ إِنَّمَا يَبْلُغَنَّ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ

اگر یکی از والدینت یا هردویشان به سالخوردگی رسید پس مبادابه آنهاحتی اُف بگویی و آنها را نرنجان و با آنان با خوبی حرف بزنی.<sup>(1)</sup>

این یکی از آزمونهای الهی است که گاهی خداوند سبحان بوسیله پدر یا پدربزرگ و یا مادر و یا مادر بزرگ سالخورده و ناتوان از فرزندان و نوه هایشان بعمل می آورد. که چگونه وجود اینها را تحمل می کنند. البته در کشور ایران در اکثر خانواده ها، بخاطر خوی ایرانی و اسلامی بودن برای پیران بعنوان بزرگان فامیل احترام خاصی قائلند و از آنها خوب مواظبت و پذیرایی می نمایند.

سالخوردگان در این ایام به احترام بیشتری نیاز دارند. آنها بخاطر اینکه دیگر از کار و تلاش بازنشسته شده اند گاهی در خود احساس تنهایی می نمایند لذا باید با آنها بیشتر گرم گرفت و با تحمل و صبر به سخنان آنان گوش داد مخصوصا اگر دچا نقص در حواس پنجگانه هستند باید بیشتر به آنها رسیدگی نمود. و حتی غرغره های آنان را تحمل نمود.

امام ششم علیه السلام: ای میسر! اگر می خواهی عمرت زیاد شود به پدر و مادر پیرت نیکی کن.<sup>(2)</sup>

لازم نیست که سالمند از بستگان انسان باشد. بلکه باید به هر پیرمسلمانی احترام گذاشت.

رسول خدا صلی الله علیه و آله: کسی که پیر مسلمانی را احترام کند از فرع اکبر قیامت در امان خواهد بود.<sup>(1)</sup>

اما عده‌ای از فرزندان هستند که اجر و ثواب نگه داری از پیران رافراموش کرده و آنان را به طرق مختلف اذیت می‌کنند. به آنان بی‌اعتنایی نموده و آنها را و بال گردن خود و یک عضو اضافه خانواده فرض می‌کنند که این برخوردها ضربات سختی بر روح و روان پیران وارد کرده و گاهی باعث مرگ زودرس آنان و باصطلاح دق مرگ شدنشان می‌شود. که باید عاملین این اذیت و آزارها در انتظار عذاب دنیوی و اخروی الهی باشند.

گویند وارثین شخصی برای پدرشان خیرات و مبرات نمی‌کردند. نصیحت کننده‌ای به

1. خوبی‌ها و بدی‌ها. 2. خوبی‌ها و بدی‌ها - بحار الانوار 87/71

آنان گفت که اگر برای پدرتان کارهای خیر نکنید او در قبر می‌سوزد! آنان گفتند: اگر

یکنفر بسوزد بهتر است که ما ده نفر بسوزیم!

در فرهنگ غرب بی‌اعتنایی به سالمندان یک امر عادی و فراوان است و هیچ جایگاهی برای سالمندان در بین خانواده‌ها در نظر گرفته نشده است.

نماینده آیه الله بروجردی در آلمان گفته بود که برای عیادت مسلمانی به بیمارستان می‌رفتیم. در اتاق آن مریض یکی از پیرمردهای آلمانی بستری بود. روزی از ما پرسید که شما با این مسلمانی که مرتب به عیادت او می‌آیید نسبتی دارید؟ گفتیم خیر بلکه او برادر مسلمان است. او گفت با اینکه زن و بچه من در همین شهر هستند ولی تاکنون به عیادت من نیامده‌اند!

احترام به سالمندان منحصر به خویشان نیست بلکه باید به هر پیری احترام گذاشت .

روایت شده که امیرالمؤمنین علیه السلام در شهر کوفه چشمش به پیرمردی یهودی افتاد که مشغول گدایی بود . حضرت از او پرسید چرا گدایی می کند؟ گفت تا جوان بودم کار کردم ولی اکنون قادر به کار نیستم . امام دستور داد تا از بیت المال مسلمین برای او حقوق مقرر فرمودند .<sup>(2)</sup>

نقل شده که عده ای به دیدار امام صادق علیه السلام رفتند . امام به آنها گفت چرا بما ظلم می کنید؟ آنها گفتند که ما چه ظلمی بشما کرده ایم؟ فرمود در راه آمدن به مدینه پیر کردی که همراحتان است از خستگی پیاده آمدن به جوانی که سوار اسب بود گفت اگر می شود مرا هم سوار کن که خیلی خسته شده ام . ولی او جواب نداد و اعتنایی به آن پیرمرد ننمود . و این ظلم به ما حساب می شود .<sup>(3)</sup>

### تربیت فرزندان

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظُ شِدَادٍ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ».<sup>(4)</sup>

ای مؤمنین ! خود و خانواده تان را از آتش جهنم دور نگه دارید .

در مورد فرزندان و حقوق آنان بر گردن والدین و حقوق والدین بر گردن فرزندان مطالب جالبی نقل می کنیم.

اسلام به داشتن فرزندان تشویق و ترغیب فرموده و از زنان بسیار بچه زا تعریف نموده است و فرموده فرزند زیاد بیاورید تا در قیامت امت اسلامی از سایر امت‌ها بیشتر باشند .

### ثواب بارداری و دوران حمل

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله : زن از روزی که حامله شود تا زمانی که وضع حمل نماید

1. خوبی‌ها و بدی‌ها - ثواب الاعمال/189 ذ 2. خوبی‌ها و بدی‌ها .

3. خوبی‌ها و بدی‌ها . 4. سوره تحریم، آیه 6.

و فرزندش را از شیر بازگیرد، مثل کسی است که درمرز با کافران جهاد می کند ! و اگر در این فاصله بمیرد، ثواب شهید را دارد .<sup>(1)</sup>

در روایت است که شخصی که بچه دار نمی شود، این آیه را بطور مرتب در سجده بخواند:  
«رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ . رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ» .<sup>(2)</sup>

ابرش کلبی به امام پنجم علیه السلام عرض کرد که: خانواده ام بچه دار نمی شوند . حضرت فرمود: هر روز یا هر شب، صد مرتبه استغفار کن!<sup>(3)</sup>

شخصی خدمت امام صادق علیه السلام رفت و گفت: ای فرزند رسول خدا ! من هشت دختر دارم . ولی پسری ندارم ! دعا بفرمایید خداوند سبحان بمن پسری عنایت کند .

امام فرمود: چون خواستی با همسرت نزدیکی کنی، دست راست را بر ران چپ زن بگذار و سورة قدر را هفت بار بخوان!

وقتی هم که آثار حاملگی پیدا شد، در موقع شب، وقتی همسرت پهلوی به پهلوی شد، دست راست را بر ران راست او بگذار و سورة قدر را هفت بار بخوان!

راوی می گوید: بدستور امام عمل کردم، و خداوند سبحان بمن پسر عنایت کرد. دیگران هم به این طریق عمل کردند، و خداوند سبحان به آنان هم پسر عنایت فرمود.<sup>(4)</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند سبحان فرموده است: بعزت و جلالم سوگند که هر زن تازه زای، رطب بخورد، فرزند او را بردبار گردانم.<sup>(5)</sup>

روایت شده وقتی به امام سجّاد علیه السلام بشارت ولادتِ رامی دادند، از پسر و یا دختر بودنش سؤال نمی کرد، بلکه می پرسید: آیا سالم است؟ و هنگامی که می گفتند: آری! می فرمود: (الحمد لله الذی لم یخلق منی شیئاً مشوهاً)<sup>(6)</sup>

شکر خدایی را که فرزند مرا معیوب متولد نفرمود.

«وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ»<sup>(7)</sup>

سفارش والدین را به انسان می کنیم که مادر مدتی شمارا در شکم حمل کرد سپس دوسال شیرداد. پس ابتدا شکر من سپس والدینت را بکن که عاقبت نزد من خواهی آمد.

## نقش والدین در سعادت و شقاوت فرزندان

---

1. حلیه المتقین - مکارم الاخلاق/234
2. حلیه المتقین - بحار الانوار 83/101 3. حلیه المتقین - الکافی 8/6
4. مکارم الاخلاق/225 5. حلیه المتقین - بحار الانوار 135/63
6. حلیه المتقین - الکافی 21/6 7. سوره لقمان، آیه 14.

1- تربیت خوب فرزند ثوابهای عظیمی دارد زیرا والدین باید سختی‌ها و مجاهدت‌های زیادی انجام دهند تا فرزندان به سعادت برسند.

2- والدین در ابعاد مختلف تربیتی از قبیل جسمانی، روانی، رفتاری و دینی نقش آفرین هستند.

3- نقش محبت به فرزندان در سعادت فرزندان بسیار اثرگذار است. بشرط اینکه اعتدال در آن رعایت شود. همچنین رعایت عدالت در محبت به فرزندان مسئله مهمی می‌باشد.

4- اقتدار والدین نیز باید همراه با محبت باشد تا برنامه‌های تربیتی آنها مورد مسامحه قرار نگیرد. والا اگر اقتدار نباشد فرزندان نافرمانی می‌کنند که پیامبر اعظم ص فرمود: خدایا بتو پناه می‌برم از فرزندی که خدایم باشد!<sup>(1)</sup> یعنی فرزند به والدین امر و نهی کد.



5- در برخورد تنبیهی با فرزند باید ترتیب رعایت شود بدین صورت که در صورت تخلف فرزند، ابتدا با قهر والدین و در صورت عدم تاثیر استفاده از حالات چهره و نگاههای تند به فرزند و در مرحله بعد تذکر در خلوت سپس محروم کردن از مزایایی مثل تفریح و پول توجیبی بعد از آن وادار کردن به کارهای خدماتی منزل و در آخر تنبیه بدنی که نباید باعث سرخ و کبود شدن بدن شود.

اگرچه در زندگی ائمه ع دیده نشده که فرزندانشان را تنبیه کرده باشند.

6- در هفت سال اول بجز بازی نباید برنامه آموزشی از کودک انتظار داشت.

امام کاظم ع فرمود: مستحب است فرزند در کودکی به بازی و جست و خیز پردازد تا در بزرگسالی حلیم گردد.<sup>(2)</sup>

والدین خوبست با کودکان بازی کنند. علی ع فرمود: هر که فرزندی دارد با او کودکی کند.<sup>(3)</sup>

7- فضای منزل باید امن باشد والا تربیت با مشکل روبرو می گردد پس اگر زوجین باهم درگیری دارند دور از فرزندان باشد.

8- تحقیر فرزندان و سرنش آنها در حضور دیگران مخصوصا آزار کودک گاه منتهی به ضررهای بزرگی در سنین بالا می گردد. جوانی که 50 کودک را مورد تجاوز سپس قتل قرار داده بود بعد از دستگیری اعلام کرد تصمیم داشتم هزار کودک را اینگونه از بین ببرم زیرا در کودکی بمن تجاوز شد.

کودکان را با عزت نفس باریاورید. برخلاف بعضی کولیا که فرزندان شان را از همان  
کودکی گدا بار می آورند!

9- از هفت سالگی به بعد باید مراقبت بیشتری از نوجوان بعمل آید زیرا او ساعاتی را از  
خانواده دور می شود.

امام فرمود: الزمه نفسک سبع سنين ثم ضمّه اليك سبع سنين<sup>(4)</sup>

دو تا هفت سال از او مراقبت نما!

10- وادار کردن نوجوان به نماز از مهمترین برنامه تربیتی والدین است. که بقدری این  
مسئله مهم است که پیامبر رحمت فرمود اگر نوجوان بعد از 7 یا 9 سالگی به هیچ وجه  
حاضر به نماز خواندن نشد او را با تنبیه وادار کنید تا نماز بخواند.

زیرا آنقدر در نماز فوائد است که در این مورد زور و اجبار بلامانع است. البته تنبیهی که به  
آسیب بدنی و روحی منجر نگردد.

عقیقه و ولیمه

امام ششم علیه السلام : عقیقه نوزاد بر ثروتمند و فقیر واجب است و فقیر اگر نتوانست، چنانچه  
بعدها برایش مقدور شد، عقیقه کند.<sup>(1)</sup>

امام ششم علیه السلام : عقیقه نوزاد مثل قربانی نیست . لذا هر گوسفندی باشد، خوب است .  
البته هر چه فربه تر باشد، بهتر است.<sup>(2)</sup>

امام ششم علیه السلام : یکچهارم گوشت عقیقه را به قابله دهند و اگر قابله نبود، به مادر طفل دهند تا به هر که می خواهد، بدهد . و حداقل ده نفر از گوشت عقیقه استفاده نمایند . و اگر بیشتر از ده نفر باشند، بهتر است .<sup>(3)</sup>

از امام ششم راجع به عقیقه سؤال شد . فرمود: گوسفند یا گاو یا شتر برای او قربانی کنند و بعد از عقیقه، بر کودک نام گذارند و روز هفتم سر او را بتراشند و به و زن مویش، طلا یا نقره صدقه دهند و اگر پسر است حیوان نر و اگر دختر است، حیوان ماده قربانی کنند .<sup>(4)</sup>

امام ششم علیه السلام : هر کودکی در گرو عقیقه است . و عقیقه از قربانی واجب تر است .<sup>(5)</sup>

1 . بحارج 81 ص 186 2 . بحارج 42 ص 214 3 . وسائل ج 15 ص 203

4 . وسائل ج 15 ص 193

عمر بن بزید می گوید: در سن پیری بودم که به امام صادق علیه السلام عرض کردم که: بخدا سوگند! نمی دانم که وقتی متولد شدم، پدرم برایم عقیقه کرد یا خیر؟ امام فرمود: الان برو و برای خودت عقیقه کن! من هم در سن پیری برای خود عقیقه نمودم.<sup>(6)</sup>

امام ششم علیه السلام: مادر از عقیقه فرزندش نخورد.<sup>(7)</sup>

آداب مربوط به فرزندان

نام گذاری نیکو، قربانی کردن، تعلیم قرآن کریم، یاد دادن آداب نیکو، کمک به ازدواج فرزندان، تاکید بر نماز خواند فرزندان از جمله حقوق فرزندان بر والدین است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله: کسی که خداوند سبحان به او چهار پسر بدهد و نام مرابری یکی از آنها نگذارد، بر من ظلم کرده است.<sup>(8)</sup>

امام کاظم علیه السلام: فقر در خانه ای که اسم فرزندان، محمد یا احمد یا علی یا حسن یا حسین یا جعفر یا طالب یا عبدالله و یا فاطمه باشد، وارد نمی گردد.<sup>(9)</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله: فرزند بر پدر حقوقی دارد و پدر نیز بر فرزند حقوقی دارد. اما حق پدر بر فرزند آنست که در هر چیزی بجز معصیت، مطیع پدر باشد. و حقوق فرزند بر پدر آنست که برای فرزندش نام نیکو بگذارد و ادب نیکو به او بیاموزد و قرآن کریم را به او تعلیم نماید.<sup>(10)</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله : اگر فرزند خواستار ازدواج باشد و پدر توانایی مخارج ازدواج او را دارد ولی امتناع کند و فرزند مجردش به معصیت و گناه آلوده شود، معصیت او را در نامه پدرش می نویسند .<sup>(11)</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله : در هفت سالگی فرزند را به خواندن نماز تمرین دهید و در ده سالگی در صورت نماز نخواندن، بر آنان سخت گرفته شود و حتی آنان را با زدن هم شده به نماز وادار کنید .<sup>(12)</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله : کسی که فرزندش را ببوسد یک حسنه دارد و اگر او را خوشحال کند، روز قیامت خدا او را خوشحال می کند و کسی که به فرزندش قرآن بیاموزد، روز قیامت پدر و مادر کودک را ندا نموده و دو حله بهشتی از نور، برتن آنان می نمایند که از نورش صورت اهل محشر روشن می شود .<sup>(13)</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله : فرزند صالح گلی از گلهای بهشت است .<sup>(14)</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله : کسی که خدا به او دختری بدهد و او را اذیت نکند و او را کوچک نشمارد و فرزندان پسر را بر او ترجیح ندهد، خدا بخاطر همین دختر، او را به بهشت می برد .<sup>(15)</sup>

---

1. حلیۃ المتقین - مکارم الاخلاق/226 2. حلیۃ المتقین - مکارم الاخلاق/227

3. مکارم الاخلاق/227 4. مکارم الاخلاق/227 5. الکافی/6/25 6. مکارم الاخلاق/226

7. بحار الانوار 252/10 8. بحار الانوار . 9. الكافي 19/6 10. میزان  
الحكمة 3678/4

11. میزان الحكمة. 12. میزان الحكمة-مكارم الاخلاق/222 13. میزان  
الحكمة 3669/4

14. میزان الحكمة 3671/4 15. میزان الحكمة 3672/4 16. میزان الحكمة 3672/4

---

رسول خدا صلی الله علیه و آله : دختران حسنا تندر و پسران نعمتند و بر حسنات ثواب داده می شود  
. ولی از نعمتها سؤال می شود .<sup>(16)</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند سبحان دوست دارد که آنچنان بین فرزندان با عدالت  
رفتار نمایند که حتی در بوسیدن آنها نیز مساوات باشد .<sup>(1)</sup>

امام ششم علیه السلام : میراث خداوند سبحان به بنده مؤمنش، فرزند صالحی است که برای  
پدرش طلب آمرزش کند .<sup>(2)</sup>

در روایت است که پسران وقتی به شش سالگی رسیدند نباید در یک بستر بخوابند .<sup>(3)</sup>

ختان

امام ششم علیه السلام : کسی که ختنه نکرده نباید پیشنمازی مردم را بکند و شهادتش قبول نیست و اگر مُرد بر او نماز نخوانند ! زیرا بزرگترین سنت پیامبر صلی الله علیه و آله را ترک کرده است .<sup>(4)</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله : اگر فرزندانِتان را در روز هفتم ختنه کنید، پاکیزه تر است و زودتر زخم آن بهبود می یابد و گوشت می روید .

و فرمود: زمین از بول شخص ختنه نشده تا چهل روز آلوده است .<sup>(5)</sup>

چگونه با پدر و مادر و فامیل برخورد نماییم؟

استحکام کانون خانواده ها وابسته به درست برخورد کردن با اعضای خانواده است . کسانی که دستورات بزرگان دین را در این مورد رعایت می کنند معمولاً خانواده های موفق دارند .

پدر و مادر علت ظاهری بدنیا آمدن هر انسانی هستند لذا خداوند سبحان که علت اصلی وجود هر شخصی است، فرموده است که:

واذ بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که فقط الله را پرستند و به والدین نیکی کنند.<sup>(6)</sup>

نیکی به پدر و مادر

پدر و مادر علت ظاهری بدنیا آمدن هر انسانی هستند لذا خداوند سبحان که علت اصلی وجود هر شخصی است، فرموده است که:

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَآئِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ  
وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنتُمْ  
مُعْرِضُونَ»<sup>(7)</sup> 83

«واز بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که فقط الله را پرستند و به والدین نیکی کنند»<sup>(8)</sup>

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ قُلْ مَا أَنفَقْتُ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ  
السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ»<sup>(9)</sup> 215

«بگو انفاق آن است که صرف پدر و مادر و فامیل‌های انسان شود.»

وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ  
ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا  
يُحِبُّ مَن كَانَ مُخْتَلًا فَخُورًا»<sup>(10)</sup> 36

«خدا را عبادت کنید و برایش شریک نگیرید و به والدین نیکی کنید»

«نباید برای خدا شریک بگیرید و باید به پدر و مادر نیکی کنید»<sup>(11)</sup>

«ابراهیم گفت: خدای ما! مرا و پدر و مادرم و مؤمنین را پیامرز»<sup>(12)</sup>

«خدا دستور داد که او را به یگانگی پرستید و به پدر و مادر نیکی نمائید.»<sup>(13)</sup>

«خدا در مورد یحیی فرمود: او به پدر و مادرش نیکی می کرد»<sup>(14)</sup>

«عیسی گفت: من به مادرم نیکی می کنم»<sup>(15)</sup>



«ما به انسان وصیت کردیم که به پدر و مادرش نیکی بکند».<sup>(16)</sup>

---

1. میزان الحکمة 3673/4 2. میزان الحکمة 3671/4 3. حلیة المتقین - مکارم الاخلاق/ 223 4. حلیة المتقین - علل الشرایع 327/2 5. مکارم الاخلاق - الکافی 35/6
6. سوره بقره، آیه 83. 7. بقره 8. سوره بقره، آیه 83. 9. سوره بقره، آیه 215.
10. سوره نساء، آیه 36. 11. سوره انعام، آیه 151. 12. سوره ابراهیم، آیه 41.
13. سوره اسراء، آیه 23. 14. سوره مریم، آیه 14. 15. سوره مریم، آیه 32.
16. سوره عنکبوت، آیه 8. 17. سوره لقمان، آیه 14. 18. سوره نوح، آیه 28.

«و آدمی را درباره پدر و مادرش سفارش کردیم - مادرش او را درنا توانی حمل کرد و دو سال او را شیرداد- که مرا و پدر و مادرت را شکر نما»<sup>(17)</sup>

«نوح گفت: خدایا! مرا و پدر و مادرم و هر مؤمنی که به خانه ام می آید را بیامرز»<sup>(18)</sup>

که خداوند سبحان در بعضی از این آیات بعد از توحید، احترام به پدر و مادر را ذکر فرمود.

نیکی به پدر و مادر آثار سازنده‌ای در جامعه دارد. از جمله این آثار میتوان به مستحکم شدن کانون خانواده‌ها و در نتیجه به استحکام جامعه منجر می‌شود، اشاره کرد.

از نظر روانی نیز فرزندان این خانواده‌ها در سلامت و آرامش خوبی هستند.

همچنین نیکی فرزندان به والدین باعث نیکی فرزندانشان به آنها می‌شود.

«پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله: به والدین خود احترام بگذارید تا فرزندان شما هم بشما احترام بگذارند»<sup>(1)</sup>

«امام ششم علیه‌السلام: ای میسر! اگر می‌خواهی عمرت زیاد شود به پدر و مادر پیرت نیکی کن.»<sup>(2)</sup>

رضایت والدین از فرزندان مؤمن باعث رضایت خدا می‌شود. و از جمله دعا‌های مستجاب، دعای پدر برای فرزند صالح است.

با دعای پدر، علامه شد!

«پدر علامه مجلسی بنام حجة الاسلام محمد تقی مجلسی شبی در سحر مشغول مناجات بود. ناگاه احساس کرد که در این حالت دعایش مستجاب است. بفکر فرو رفت تا چه دعائی بکند. در این حال گریه پسرش محمد باقر بلند شد. پدر دعا کرد که خدایا! پسر مرا فقیه قرار بده!

این پسر بزرگ شد و از فقهای بزرگ اسلام گردید.»<sup>(3)</sup>

نگاه با محبت به والدین نیز علاوه بر آثار مثبت دنیوی، ثواب اخروی نیز دارد . حتی برای  
هر بار نگاه با محبت به والدین اگرچه بارها تکرار شود ثواب یک حج مستحبی نوشته  
می شود .

کسی که گناہانی مرتکب شود چنانچه پشیمان شده باشد، بهتر است برای مقبول شدن توبه  
خود، به والدین خود محبت نماید .

همچنین نیکی به والدین باعث تقرب الی الله می گردد .

نیکی به مادر او را هم ردیف موسی علیه السلام کرد

روزی موسی علیه السلام از خدا خواست که همنشین او را در بهشت به او نشان دهد .

خدا به او وحی کرد که همنشین تو در بهشت فلان مرد قصاب است. حضرت موسی  
علیه السلام سراغ قصاب مذکور رفت و به او گفت که آیا مهمان نمی خواهی؟ قصاب  
جواب داد چرا می خواهم . او حضرت موسی علیه السلام را بخانه خود برد. حضرت موسی  
علیه السلام که او را زیر نظر داشت دید که ابتدا از زنبیلی پایین آورد که در آن پیرزنی  
فرتوت بود. جوان دست و صورت پیرزن را شست و به او غذا داد . بعد دوباره اورادر  
زنبیل گذاشته و در حالی که لبهای پیرزن حرکت می کرد، زنبیل را به سقف آویزان کرد .  
سپس قصاب برای موسی علیه السلام غذا آورد . بعد از صرف غذا، موسی علیه السلام از  
قصاب پرسید: این پیرزن کیست؟

گفت: مادرم است که چون خدمتکاری ندارم، خودم او را تروخشک می کنم . موسی  
علیه السلام پرسید: وقتی می خواستی مادرت را در زنبیل بگذاری او چه گفت؟

گفت: هرگاه او را تروخشک می کنم در حق من دعا می کند و می گوید: خداتورا با موسی در بهشت همنشین کند. <sup>(4)</sup>

بزرگان دین به کسانی که نسبت به والدین خود احترام می گذاشتند، با احترام برخورد می نمودند و نسبت به کسانی که به والدین خود جفا می نمودند، با خشم و یا بی اعتنائی برخورد می کردند.

«وقتی خواهر رضاعی پیامبر صلی الله علیه و آله به دیدن حضرت آمد، پیامبر برای او احترام فوق العاده ای گذاشتند ولی وقتی برادر رضاعی پیامبر آمد حضرت مانند خواهرش به او احترام نکردند. اصحاب علت را پرسیدند. حضرت فرمود علت بیشتر احترام کردن من به خواهر رضاعیم این است که او به پدر و مادرش زیاده تر نیکی می کند.» <sup>(5)</sup>

محبت باعث مسلمان شدن

«زکریا که مسیحی بود، مسلمان و شیعه شد. امام صادق علیه السلام به او سفارش کرد که اگرچه پدر و مادرش مسیحی هستند ولی احترام به آنها را ترک نکن! وقتی زکریا بیشتر از قبل به پدر و مادرش نیکی می کرد، مادرش از این برخورد او خوشحال شد و تمایل پیدا کرد که او هم مسلمان شود. او از پدرش خواست که شهادتین را به او یاد دهد تا او هم اسلام بیاورد. و این چنین بود که با برخورد اسلامی، مادر زکریا اسلام آورد.

امام علیه السلام به او دعای مشلول را یاد دادند که آنرا بخواند. او این دعا را خواند و پیامبر را در خواب دید که حضرت دستی برپاهای او کشید و او شفا یافت.» <sup>(6)</sup>

«امام سجاد علیه السلام دیدند که نوجوانی بنحوی ادبانه‌ای به پدرش تکیه کرده است . بعد از این امام هیچگاه با آن جوان صحبت نکردند تا جوان از دنیا رفت .»

از صاحب قصر سؤال کرد . گفتند: مال فلان نجّار شیرازی است . ناگاه صاعقه‌ای آمد وقصر را تبدیل به خاکستر کرد .

روز بعد ملا علی کازرونی سراغ نجّار رفت و گفت: دیشب چه کار کردی؟ گفت: هیچ! ملاّ او را قسم داد . نجّار گفت: شب قبل با مادرم دعوا کردم و کار به زدن و کتک کاری کشید.<sup>(1)</sup>

سفر غیر ضروری فرزندان با مخالفت پدر یا مادر ممنوع بوده و سفر معصیت حساب می‌شود .

1. خانواده نمونه . وسائل الشیعه 356/20 . 2. خانواده نمونه . 3. داستانهای از زندگی علما . 4. بحار، ج 74 . 5. خانواده نمونه - الکافی 161/2

همچنین با پدر و مادر بلند صحبت کردن بی ادبانه، جلوتر از آنان راه رفتن، به آنها اُف گفتن، آنها را تحقیر کردن و .. در اسلام ممنوع است .

«روزی یکی از وزرا با پدرش خدمت امام خمینی رحمه الله رسید و خود جلوتر رفت و دست امام را بوسید سپس پدرش را معرفی کرد. امام امت به او فرمود: چرا جلوتر از پدرت راه رفتی؟»<sup>(2)</sup>

### توفیق اجباری در نیکی به والدین

«عبید زاکانی از شعرای ایران، چهار پسر داشت که به او که وضع نابسامان مالی داشت، کمک نمی کردند. روزی عبید تصمیمی گرفت و پسرانش را جداگانه خواست و به هر کدام گفت: من خمره طلائی پنهان کرده‌ام که در نظر دارم بعد از مرگم بتو برسد! پسرها با شنیدن این سخن، رفتارشان با پدر عوض شد و همه روزه برای او آذوقه می آوردند.

عبید تا آخر عمر زندگی خوشی داشت. اما وقتی بعد از مردن عبید به محل خمره رفتند، دیدند که فقط کاغذی در خمره است که بر روی آن نوشته شده است:

خدا داند و من دانم و تو دانی      که فلوس هیچ ندارد عبید زاکانی<sup>(3)</sup>!

از نظر اسلام چنانچه والدین نیازمند و فرزندان متمکن باشند، واجب است که مخارج پدر و مادرشان را بدهند.

حقوق والدین بر فرزندان فقط مربوط به زمان حیات آنان نمی شود و باید بعد از رحلتشان نیز همواره بفکر آنان بوده و برای ایام برزخ مرتب آذوقه‌های معنوی از قبیل نماز قضاء، صدقات، کارهای خیر بنیت آنان و پاک کردن بدهکاریهای آنان فرستاد.

متأسفانه در فرهنگ ما طوری عمل می‌شود که واجبات فدای مستحبات می‌گردد. کسی که از دنیا می‌رود بجای اینکه واجبات او را که دستش از دنیا کوتاه شده ادا کنند و مخصوصاً حق الناس اگر براوست ادا کنند، بفکر غذا دادن و گاهی خودنمائی‌های ضرر‌آور می‌افتند. چندین روز بستگان عزادار میت سفره می‌اندازند و پولهایی که گاهی با عدم رضایت قلبی تهیه شده صرف امری که حتی استحباب آن ثابت نشده می‌نمایند.

گاهی مخارج آنچنان بالاست که تا مدتها زیر بار قرض می‌روند. حال آنکه در سنت اسلام وارد شده که تاسه روز مردم برای تعزیت و تسلیت به دیدن اقوام میت بروند و موقع غذا که می‌شود، همسایگان و فامیله‌ها، برای بستگان درجه اول میت غذا ببرند.

و اگر بخواهند در حق میت خوبی کنند باید ابتدا بدهکاریهای مالی او را پاک کنند. سپس نمازها و روزها و حج‌هایی که بعهده داشته بطریقی ادا نمایند. سپس ارث را طبق شریعت اسلام تقسیم نمایند و اگر می‌خواهند پولی برای او صرف کنند خرج کارهای دائمی مثل چاپ کتب مفید، ساختن مدرسه و درمانگاه و بیمارستان و مسجد و حوزه علمیه و کتابخانه و ... نمایند.

امام پنجم علیه السلام: سرور و آقای نیکان در قیامت، شخصی است که بعد از رحلت پدر و مادرش، نیز به آنان نیکی کرده است - آنان را فراموش ننموده است -.

«شخصی به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: نذر کرده‌ام آستانه بهشت را ببوسم. حال چه کنم؟»

فرمود: پای مادر و پیشانی پدر را ببوس تا به نذرت عمل کرده باشی. و اگر از دنیا رفته‌اند، قبر آنان را ببوس.»

دستور العمل برخورد با والدین

فرزندان باید در مقابل والدین خود اینگونه عمل نمایند تا سعادتمند باشند:

با محبت به آنها نگاه کند .

صدایش را بر آنها بلند ننماید .

حرف آنها را در غیر واجب و حرام، بکار بیندد .

با مخالفت آنها به سفر غیر ضروری نرود .

در رفع احتیاجات آنها بکوشد .

---

1. مفاتیح الجنان. 2. داستانهای شگفت. 3. خانواده نمونه .

4. ارزش پدر و مادر .

جلوتر از آنها در کوچه و خیابان گام برندارد .

برای آنها دعا کند و از خداوند سبحان آمرزش آنها را بخواهد .

تا زنده هستند آنها را از خود ناراضی نگرداند و بعد از رحلت آنها همیشه بیاد آنان بوده

و برایشان دعا کرده و به نیت آنان کارهای خیر بجا آورد .



با عمل به این سفارشات می توان گفت که از نظر روانی نیز فرزندان این خانواده ها در سلامت و آرامش خوبی هستند .

پایان

# بررسی مسائل خانواده

خانواده

حمد مخصوص خداوند جمیل و حکیم است و صلوات خدا بر افضل انبیاء حضرت محمد و خاندان با فضیلتش باد.

خانواده شامل پدر و مادر و فرزندان یکی از مقدس ترین نهادها در بین بشر است که اگر درست شود جامعه درست می و اگر نادرست باشد جامعه نادرست خواهد شد.

قرآن کریم پیوند زناشوئی را بعنوان عامل آرامش روانی و عامل ایجاد محبت و مودت بین زوجین می داند و آن را آیه و نشانه وجود پروردگار دانسته است.

همچنین قرآن کریم زن و شوهر را لباس هم معرفی کرده است یعنی همانگونه که لباس عیوب را می پوشاند و انسان را از سرما و گرما حفظ می نماید و زینت انسان است زوجین نسبت به هم باید این چنین باشند.

در روایات آمده که بزرگترین استفاده مرد مسلمان بعد از اسلام، داشتن همسری است که وقتی به او نگاه می کند خوشحال شود. وقتی به او کاری را واگذار می کند انجام دهد. وقتی نیست حافظ عفت خویش و حافظ اموال شویش باشد.

در جای دیگری می فرماید هیچ نهادی در پیشگاه الهی دوست داشتنی تر از پیوند زناشوئی و نهاد خانواده نیست.

از طرفی اسلام صحنه خانواده را همچون صحنه جهاد دانسته بطوری که خدمت زن در منزل مجاهدت محسوب شده و ارزش دادن یک ظرف آب خوردن به شوهر را از یکسال روزه داری و شب زنده داری برتر می داند.

\*\*\*

## نهاد مقدس خانواده

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَكَرُونَ» (21 روم)

از جمله نشانه‌های پروردگار آن است که از جنس خودتان برایتان همسرانی آفرید تا با ازدواج با او آرامش پیدا کنید و بین شما مودت و محبت قرار داد و این نشانه‌هایی برای متفکرین است.

نهاد خانواده از مقدس‌ترین نهادها و بناهایی است که در کره زمین وجود دارد. خانواده محور همه تلاشها و فعالیتهای بشر است. همه وزارتخانه‌ها برای خدمت رسانی به خانواده تشکیل شده و کار می‌کنند. مجلس و قوه قضائیه و دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌ها حتی حوزه‌های علمیه برای خدمت به خانواده فعالیت می‌نمایند.

خانواده دارای سه رکن اساسی است. پدر، مادر و فرزندان.

هر کدام از این سه رکن وظایفی به گردن دارند که اگر درست انجام دهند خانواده به سعادت می‌رسد و اگر خانواده‌ها خوب عمل کنند، جامعه هم سعادتمند خواهد بود. برعکس اگر خانواده‌ها متزلزل شوند جامعه نیز دچار تزلزل خواهد شد.

## رعایت حقوق همسر

تقریباً اکثر انسانها ازدواج می کنند و سالهای سال را با همسرانشان بسر می برند . این اجتماع کوچک خانواده که از دونفر شروع شده و با تولد احتمالی فرزندان کمی بزرگتر می شود، نیاز به رعایت قوانینی دارد تا دچار آفتها نشود و همچنان مانند روز اول مستحکم، به مسیر خود ادامه دهد .

### قوانین حاکم بر خانواده

- 1-وجود محبت بین زن و شوهر
- 2-سرپرست بودن شوهر
- 3-اطاعت زن از شوهر
- 4-مساوی بودن جایگاه زن با مرد در ارزشها و شخصیت
- 5-تامین نیازهای خانواده بعهده مرد است
- 6-شوهر با همسرش خوب رفتار کند
- 7-به مردان تذکر داده شده با همسرانشان مدارا نمایند
- 8-گفتگوهای اعضای خانواده باهم باید محترمانه باشد
- 9-باید هر دو درمقابل هم آراسته ظاهر شوند
- 10-مرد در امور خانه با زنش همکاری کند

قوانین حاکم بر خانواده از دیدگاه اسلام

### قانون اول (وجود محبت بین زن وشوهر):

«از نشانه‌های پروردگار آنست که همسری از جنس خودتان خلق کرد تا با او به آرامش برسید. و بین شما مهربانی و محبت ایجاد نمود» (روم<sup>21</sup>)

از این آیه می‌فهمیم که عالیت‌ترین هدف زوجیت، انس و الفت و مهربانی بین دو زوج می‌باشد. و این هدف فقط در بین انسانها تحقق پیدا می‌کند و در بین حیوانات نیست.

از این انس و الفت بین زن و شوهر است که روابط خویشاوندی و نسب را در میان انسانها برقرار می‌کند و خانواده‌ها بوجود می‌آیند و از روابط بین خانواده‌ها، زندگی اجتماعی و تمدن حاصل می‌شود.

این یک معجزه بزرگ الهی است که زن وشوهر قبل از ازدواج گاهی از کنار هم رد می‌شوند و یا باهم در مکانی روبرو می‌شوند هیچگونه علاقه نسبت به هم احساس نمی‌کنند و باهم بیگانه اند ولی وقتی باهم ازدواج کردند به هم علاقه مند شده و گاه تا مرز عشق و عاشقی پیش می‌روند و بهم می‌گویند: بدون تو من می‌میرم!

و در بعضی موارد اینگونه بوده است که وقتی مرد از دنیا رفته بعد از مدت کوتاهی گاهی هنوز چهل روز نشده زن هم از دنیا رفته است و برعکس هم اتفاق افتاده است.

وباید از این معجزه الهی چند نکته کلیدی را نتیجه گیری کنیم:

1- از این معجزه پی به وجود خالق حکیم و عظیم می بریم. خالق که ذره ای از رحمت بیکران خود را در وجود زن و شوهر قرار می دهد. و محبت بین زن و شوهر از طرف پروردگار ایجاد گردیده است. برای همین سفارش شده است شب زفاف، عروس و داماد در حجله دور کعت نماز بخوانند. و حضرت زهراء سلام الله علیها، در شب زفاف به همراه شوهرش تا صبح نماز خواندند. در حالی که متأسفانه در اکثر عروسی ها، شب زفاف، شب گناه کردن است. شراب می خورند. چشم چرانی می کنند. درست در دست نامحرم می گذارند. ترانه و موسیقی حرام پخش می کنند و انواع کارهای زشت دیگر انجام می دهند. در نتیجه این عروسیها مبارک نمی گردد!

2- نکته دوم اینکه باید زن و شوهر بهم محبت داشته باشند. و بهم ابراز علاقه کنند. و زندگی بانشاط و سروری داشته باشند و نگذارند مسائل جزئی یا کلی در بین آنها کدورت ایجاد کند. زن و شوهری که زندگی بانشاطی دارند حتما فرزندان بانشاطی خواهند داشت و زن و شوهری که زندگی با کدورت و عصبانیت و درگیری و نزاع دارند حتما فرزندان عصبی خواهند داشت.

مرد باید به همسرش محبت داشته باشد زیرا خداوند زن را موجودی عاطفی آفریده که وقتی شویش به او ابراز علاقه کند او هم در مقابل همه وجودش را فدای شوهر می کند. نباید مرد کاری بکند که زن را بگریاند و ناراحت کند. که خداوند عنایت خاصی به



زنها دارد زیرا آنها زیر دست مرد هستند و از خود سرمایه و قدرتی ندارند. و همه زحمات  
فرزند داری و خانه داری به دوش آنهاست. لذا در روایت است:

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «انَّ اللهَ تبارک و تعالی علی الاناثِ اَرأفُ منه علی الذکور وما مِنْ رجلٍ یدخلُ فرحاً علی المرأةَ بینها و بینه حرمةٌ الا و فرحه الله یوم القیامة».

خداوند تبارک و تعالی نسبت به زنها رووف تر از مردهاست و هر مردی که به فامیل  
محرمش خوشحالی برساند خدا در قیامت او را خوشحال خواهد نمود. ( زن و عدالت  
اجتماعی.)

پیامبر اعظم ص فرمود: جلوس المرء عند عیاله احبّ الی الله من اعتکاف فی مسجدی.  
نشستن زن کنار شویش از اعتکاف در مسجد من در نزد خدا بالاتر است.<sup>1</sup> آثار الصادقین  
ج 15 ص 293

. برای همین سفارش شده که دختر به مردی بدهید که باتقوا باشد زیرا از زنش را دوست  
داشته باشد به او محبت می کند و اگر دوست نداشته باشد او را اذیت نمی کند و نمی  
رنجانند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم: عیال الرجل أسراؤه و أحب العباد إلی الله عزوجل  
أحسنهم صنیعاً إلی أسرائه. ( مکارم الأخلاق، الشیخ الطبرسی، ص 217)

همسر مرد همانند اسیران او هستند و محبوب ترین بنده در نزد خدا شخصی است که به  
اسرایش بیشتر محبت کند.

## قانون دوم: (سرپرست بودن شوهر)

خداوند در قرآن کریم فرمود: الرجال قوامون على النساء (نساء 32)

یعنی مردها سرپرست زنهایشان هستند.

در خانواده، پدر مسئولیت ویژه‌ای بر عهده دارد که خداوند به عهده او گذاشته است و آن سرپرستی خانواده خویش می‌باشد. در کشور ما در بسیاری از خانواده‌ها مخصوصاً در زمان گذشته به این مسئولیت عمل می‌شد و پدر جایگاه خویش را داشت ولی اخیراً بدلیل شعارهای فمینیستی وزن گرائی بعضی و بدلیل تقلید از فرهنگ غرب و بدلیل عدم اطلاع شوهران از مسئولیت خویش، در بعضی از خانواده‌ها وضع برعکس شده است و با وجود حضور مرد، زن سرپرست خانواده می‌باشد!

اگر چه سرپرست بودن مرد، علامت برتری او بر زن در نزد خداوند نیست ولی با ایفای این مسئولیت توسط اوست که خانواده‌ها از فروپاشی مصون می‌مانند و اسیر عواطف زنانه نمی‌شوند و در حوادث مهم از ادامه مسیر باز نمی‌مانند

مردی که باید در مسائل مهم زندگی تابع زن باشد و در حقیقت زن تصمیم گیرنده است، از نظر اجتماعی و روانی دارای مشکلاتی می‌شود. مثلاً مرد تمایل دارد که بسفر بروند ولی زن مخالفت می‌کند و سفر انجام نمی‌شود. مرد دوست دارد فلان شغل را اختیار کند ولی زن آن را نمی‌پسندد. مرد می‌خواهد فلان مهمانی را بدهد ولی زن مخالفت می‌کند و برعکس مرد دوست ندارد زنش به فلان مهمانی برود ولی زن می‌رود! مرد دوست ندارد زنش فلان لباس را (نامناسب) بپوشد ولی

زن می‌پوشد. مرد دوست ندارد زن فلان خرج را بکند و یا وسایل غیر ضرور را که بار مالی سنگین دارد بخرد ولی زن این کار را می‌کند! مرد دوست ندارد زن بدون اجازه او از خانه خارج شده و در زمانی که او به همسرش نیاز دارد، او در خانه نباشد ولی زن بدون اجازه بیرون رفته و این کار بارها و بارها تکرار می‌شود. و صدها نمونه از برآورده نشدن خواسته‌های مرد در خانه‌هایی که زن سالاری است. و این بتدریج به شکست این گونه خانواده‌ها کمک می‌نماید. اگر چه باید مرد هم به خواسته‌های شرعی و قانونی زن تن در دهد.

«به امام کاظم (ع) گفته شد: مردی به زنش می‌گوید که اختیار تو با خودت است! آیا این حرف صحیح است؟ امام فرمود: خیر این حرف باطل است. زیرا خدا این حق را برای مرد قرار داده است و کسی نمی‌تواند این حق را از مرد بگیرد.

سپس امام آیه «الرجال قوامون على النساء...» را تلاوت فرمودند.» (التهدیب الاحکام 8/88 )

### 3- اطاعت زن از شوهر

با توجه به اینکه شوهر سرپرست خانواده است، زن باید مطیع او باشد تا قوام زندگی حفظ شود. زن نافرمان باعث بهم ریختن زندگی می‌شود. و در این خانه‌ها، فرزندان خوبی تربیت نمی‌شوند.

#### سخن پیامبر به یکی از زنان درباره وظایف زنها

«رسول خدا (ص) به حواء که زیباترین زن بود، گفت:

ای حواء! اگر زنی با عصبانیت رویش را از شویش برگرداند، با خاکستر جهنم که بر چشمانش سرمه کشند، عذاب می‌شود.

ای حواء! قسم به خدایی که مرا به پیامبری مبعوث کرد، اگر زنی لباس شوهرش را پاره کند و یا مویش را بکند، میخهای آتشین جهنم بر کف دستهایش فروبرند.

ای حواء! قسم به خدایی که مرا به حق مبعوث کرد، هرزنی که بدون اجازه شوهرش از خانه بیرون رود و در عروسی شرکت نماید، براو لعنت نازل شود و برای هر قدمش، چهل معصیت نویسند...

ای حواء! قسم به خدایی که مرا به پیامبری مبعوث کرد، اگر زنی بدون اجازه شوهر خود در خارج از خانه نماز بخواند همان نماز را بر صورتش می زنند...

ای حواء! هرزنی که غیر روزه رمضان بدون اجازه شوهر روزه بگیرد، از گناهکاران است.

ای حواء! اگر زنی بدون اذن شوهر صدقه بدهد، برای زن گناه و برای شوهر ثواب می نویسند.

ای حواء! خلیفه خدا بر زن، شوهرش (شوهر مؤمن) است. پس اگر شوهر از او راضی باشد، خداهم از او راضی است و اگر ناراحت باشد، خداهم از او خشمگین می شود.

ای حواء! هرزنی که نمازش را بخواند و خانه دار باشد و از شویش اطاعت نماید، خدا گناهان گذشته و آینده او را بیاورد.

ای حواء! زن نباید از شوهر کاری فوق طاقتش بخواهد و نباید شکایت او را به بیگانه و خودی ببرد.

ای حواء! قسم به خدایی که مرا به پیامبری مبعوث کرد، هر زنیکه در شدت و سختی و در راحتی و خوشی از شوهرش اطاعت کند، خدا او را با همسر حضرت ایوب (ع) محشور کند.

ای حواء! زینت خود را بر غیر شوهرت ظاهر ننما! ای حواء! حلال نیست که زن معج خود را بر غیر شوهرش آشکار کند که اگر چنین کند، همیشه در لعن الهی خواهد بود.

ای حواء! قسم به خدایی که مرا به راستی به نبوت مبعوث نمود، حق مرد بر زن آنست که هرگاه او را بخواند، شویش را راضی کند. و هر

گاه امری به نماید، مخالفت نکند. و در حالیکه شوهرش از او ناراضی است، راحت در بستر ن خوابد اگر چه شوهر به او ظلم کرده باشد. و هر موقع شوهر او را برای هم خوابگی خواست، خود را از شوهرش منع نکند اگر چه بر جهاز شتر باشد.

ای حواء! بر زن واجب است که شوهر را از خود راضی نگه دارد و اگر شویش از او ناراحت شد، نه تنها نباید زن با غضب به شوهر نگاه کند بلکه باید خود را بر پای شوهر بیاندازد و ببوسد و بر سر و صورتش دست بکشد تا خدا هم از او راضی شود.

ای حواء! حق زن بر مرد این است که شکم زن را سیر کند و لباس برایش فراهم کند و به او نماز و روزه و زکات را بیاموزد.

ای حواء! قسم به خدایی که مرا به حق مبعوث کرد، هر آینه در معراج در بازدید از جهنم دیدم که اکثر اهل جهنم زنانند. علت را از جبرئیل پرسیدم. گفت زیرا به نعمت کافر شده اند. زیرا هرگاه شوهر در تمام زندگی به اینها نیکی می نماید ولی یک کاری خلاف نظر آنها انجام دهد، می گویند ما از این مرد خیری ندیدیم!

ای حواء! حق مرد بر زن آنست که از خانه بیرون نرود و شوهرش را دوست بدارد و با او مهربانی کند و از ناراحت کردن او خودداری کند و به عهد او وفا نماید و به او اهانت نکند و سعایت او را ننماید و در مالش خیانت نکند و در حضور شوهر زینت کند و نمازش را بخواند و غسل جنابت و حیض و استحاضه خود را مواظب باشد و اگر این امور را بجا آورد در قیامت بصورت بکر و نورانی محشور میشود. پس اگر شوهرش جزء بهشتی ها باشد، این زن در بهشت هم همسر شوهرش می باشد و در غیر این صورت همسر یکی از شهیدان میشود.

ای حواء! در زمانیکه شوهرت نیست، خود را معطر نکن.

ای حواء! هر کدام از شما زنها، مؤمن به خدا و روز جزا باشید، نباید برای غیر شوهرش زینت کند و نباید چادر خود را بر غیر شوهر باز کند که در این صورت، دین خود را فاسد نموده است و خدا را به غضب در آورده است

ای حواء! برای هیچ زنی حلال نیست که پسر بالغی را بداخل اطاقش بیاورد. و نباید پر کند چشمش را از نگاه به آن پس و پسر هم نباید چشمش را پر از نگاه به زن کند و جایز نیست که با آن پسر سر یک سفره بنشیند و با او آب بخورد مگر اینکه به زن محرم باشد و در حضور شوهرش باشد.

در این موقع عایشه گفت: یا رسول الله! اگر چه پسر، غلام باشد؟ فرمود: اگر چه غلام باشد.

ای حواء! هر زنی که برای شوهر چیزی بیاورد که او را خوشحال کند، در بهشت از هر رنگی، غذای بهشتی به زن می دهند و می گویند این در مقابل آن چیزی است که در دنیا انجام دادی.

ای حواء! ...

در این موقع حواء عرض کرد: یا رسول الله! اینها حقوق مرد بر زن بود. زن چه حقی بر مرد دارد؟

فرمود: جبرئیل آنقدر درباره زنها بمن سفارش کرد که گمان کردم حتی اُف گفتن به زن جایز نباشد. و جبرئیل گفت: ای محمد! از خدا درباره زنان

پروا کن. برای اینکه زنها در دست شما ضعیف هستند.

آنها بر شما حق واجب دارند زیرا مضاجعت با ایشان برای شما حلال شده و برای اینکه زنهایتان، کودکان شمارا در شکم خود حمل می کنند تا اینکه وضع حمل می کنند.

پس با آنان مهربانی کنید و دل آنها را بدست آورید و آنها را عصبانی نکنید و مهریه را اگر به آنها داده اید با زور از آنها پس نگیرید که در این صورت عذاب می شوید. پس هر مردی که به صورت زنش سیلی بزند، خدا دستور می

دهد که مالک جهنم هفتاد ضربه در آتش بر او بزند. و هر مردی که دستش را برای زدن بر سر زن مسلمانی فرود آورد، خدا دو دست او را به میخهای آتشین جهنم می کوبد... «رسائل حجابیه ج 2 ص 947». (مستدرک)

الوسائل 14/274

\*\*\*

بهشتی شد

«امام صادق (ع) فرمود: در عهد رسول خدا (ص)، مردی از انصار قصد مسافرت داشت، هنگام خارج شدن از خانه به همسرش گفت: تا من برگشته‌ام از خانه بیرون نرو، چندی بعد، پدر زن بیمار شد. این زن شخصی را خدمت پیامبر (ص) فرستاد که شوهرم گفته از خانه خارج نشو ولی اکنون پدرم بیمار شده است. می‌توانم به عیادت او بروم؟ حضرت جواب فرمود که در خانه بمان و از شویت اطاعت کن! چند روز بعد خبر رحلت پدرش را به او دادند. باز به پیامبر (ص) پیغام داد که آیامی‌توانم بر جنازه پدرم حاضر شوم؟ حضرت جواب داد که در خانه بمان و از شویت اطاعت کن! تا اینکه پدرش را بخاک سپردند. وقتی شوهر از سفر آمد بازنش نزد پیامبر رفت. پیامبر (ص) به زن بشارت داد که در مقابل اطاعت تو از شوهرت، خداوند تو و پدرت را آمرزید.» (مکارم الاخلاق/ 216)

پیامبر ص فرمود: اگر شوهر از زنش ناراضی باشد، عبادت‌هایش قبول نمی‌شود تا زمانی که شوهر از او راضی شود (من لایحضره الفقیه 4/14)

«روایت شده که: زنی خدمت حضرت رسول (ص) آمد و از حق شوهر برزن سؤال کرد.

حضرت فرمود: آنقدر زیاد است که نمی‌توان همه آنها را گفت! ولی از جمله حقها آن است که زن بدون اجازه شوهر روزه مستحبی نگیرد و از خانه بیرون نرود و به نیکوترین بوهای خوش، خود را خوشبو کند و بهترین لباسهای خود را بپوشد و به بهترین زینت، آرایش کند و هر صبح و شب خود را بر شویش عرضه کند و اگر شویش قصد مقاربت داشت، ممانعت ننماید.» (فرشته زمینی)

«رسول خدا (ص): هر زنیکه شوهر او را برای جماع صدا بزند و او تأخیر کند تا اینکه شوهر بخواب رود، پیوسته ملائکه او را لعن کنند تا شوهر بیدار شود!». «(فرشته زمینی)

«زنی از رسول خدا (ص) پرسید: چه اجری در آمیزش شوهر با همسرش است؟

حضرت فرمود: چون شوهر نزد تو آید، دو ملک او را همراهی کنند و مانند کسی باشد که شمشیر خود را آماده نموده تا در راه خدا بجنگد. و چون باتو نزدیکی کند، گناهانش بریزد مثل برگ که از درخت بریزد و چون غسل کند، از گناهش بیرون آید. «(فرشته زمینی)

رسول خدا صلی الله علیه و آله : جهاد زن، خوب شوهرداری کردن است. (میزان الحکمه 452/1)

رسول خدا صلی الله علیه و آله : بیشترین کسی که بر زن حق دارد، شوهرش است و بیشترین کسی که بر مرد حق دارد، مادرش است. (میزان الحکمه - الخصال 587/2)

رسول خدا صلی الله علیه و آله : ملعون است ! ملعون است ! زنی که شوهرش را بیازارد و او را ناراحت کند . و سعادتمند است زنی که شوهرش را احترام نماید و در همه حالات مطیع او باشد . (کنز الفوائد 1501)

«پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«هر زنی که بر اخلاق بد شوهرش صبر کند، خداوند سبحان ثواب حضرت آسیه را به او بدهد.» (مکارم الاخلاق/213)

«حسین بن علاء می گوید: در خدمت امام صادق علیه السلام بودم که مردی آمد و از زنش شکایت کرد . امام فرمود: برو و زنت را بیاور ! آن مرد رفت و با همسرش برگشت . امام به آن زن فرمود: شوهرت چه می گوید؟ زن گفت: خدا چنین و چنانش بکند ! امام فرمود: اگر بر این حال بمانی و اخلاقت را با شویت درست نکنی، سه روز بیشتر زنده نمانی ! زن گفت: می خواهم هرگز صورتش را نبینم ! امام به آن مرد فرمود: دست زنت را بگیر و برو که بیشتر از سه روز زنده نمی ماند !

آن دو رفتند، بعد از سه روز آن زن از دنیا رفت»<sup>۱</sup> الخرائج والجرائح 611/2 (

جابر گفت: نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله بودیم که صحبت از زنان و برتری بعضی از زنان بر زنان دیگر شد. حضرت فرمود: من به شما بگویم؟ گفتیم: آری! فرمود: «بهترین زنان شما آنان هستند که بچه زاء، بامحبت، با حجاب، عزیز در میان خانواده اش و مطیع در مقابل شوهرش، زینت کننده برای شوهرش و پوشیده در مقابل غیر شوهر باشند. آنانکه سخن شوهر را گوش داده و امرش را اطاعت نموده و در خلوت با شوهر خود را در اختیار شویش می گذارد و...»

سپس فرمود: آیا شما را از بدترین زنان آن آگاه نکنم؟ گفتند:

آری بفرمائید!

فرمود: بدترین زنان آنان هستند که در میان خانواده اش مطیع ولی در مقابل شوهرش مغرور و سخت است، عقیم و کینه ای بوده که وقتی شوهرش نیست، از زینتهای زشت دوری نمی کند! و هنگام خلوت با شوهر، خود را از او منع می کند، مانند مرکبی که از سوار شدن صاحبش جلوگیری می کند، عذر شوهر را نمی پذیرد و خطای شویش را نمی بخشد»<sup>۲</sup> روضة الواعظین 375/2 (

امام ششم علیه السلام: «بهترین زنان شما آن زنی است که هرگاه به او عطا می شود تشکر می کند و اگر به او ندهند نیز راضی باشد».

و فرمود: «بدترین زنان شما زن کم حياء، عبوس، فحّاش و سخن چین است».

بحار الانوار 240/100 (



رسول خدا صلی الله علیه و آله : «هرچه ایمان انسان بیشتر می شود، علاقه اش به زن نیز بیشتر می شود» نوادر راوندی/12<sup>(1)</sup>

امام ششم علیه السلام : «زن قابل ارزش گذاری نیست ! نه خوبش و نه بدش . اما زنهای خوب ارزششان طلا و نقره نیست، بلکه او از طلا و نقره بالاتر است . و اما زنهای بد، ارزششان خاک هم نیست ! خاک از او بهتر است .» الکافی 332/5<sup>(2)</sup>

شخصی از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: ای رسول خدا ! آیا برای زن جهاد نیست؟ فرمود:

«آری، زن از وقت حامله شدن تا زائیدن و تا بچه را از شیر گرفتن، ثواب مجاهد در راه خدا را دارد و اگر در این بین بمیرد، مقام شهید را دارد».<sup>(2)</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله : «اگر زن پنج نماز خود را بجای آورد و روزه ماه مبارک رمضان را بگیرد و دامن از ناپاکی نگه دارد و شوهرش را اطاعت کند، از هر دری که بخواهد می تواند داخل بهشت شود»

و فرمود: «زن صالحه از هزار مرد غیر صالح بهتر است».<sup>(3)</sup>

وظیفه اصلی زن این است که هرزمان شوهر به همسرش نیاز داشت، تمکین کند والا ناشزه می شود.

**«عوامل نشوز زن که باعث می شود زن از حق نفقه محروم شود:**

عدم تمکین از شوهر، ترک نظافت و آرایش خود، بیرون رفتن از خانه بدون اجازه شوهر»

«خانمی به زن دیگری گفته بود. ما زنهای فلان محل زیاد به شوهرمان رو نمی دهیم! یعنی در بسیاری از مواقع که شوهر نیاز به زن دارد، زن به بهانه ای از این امر دوری می نماید و این یکی از علل چشم چرانی مردهای متأهل است که در منزل اشباع نشده اند لذا در خارج از منزل گرسنه و حریص می شوند!»

البته مردانی هستند که خیال می کنند زن کلفت اوست و باید همه کارهای خانه را انجام دهد و اگر در یک مورد کم کاری کرد زن را محاکمه می نماید! در حالی که زن وظیفه کار کردن در منزل را ندارد حتی می تواند برای شیردادن به کودک از شوهرش مزد درخواست کند.

نماینده زنان در حضور رسول خدا (صلی الله علیه و آله)

«روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در جمع اصحاب و یاران نشسته بودند که اسماء بنت یزید انصاری، به حضور پیغمبر صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: من نماینده زنان هستم تا از شما سؤالی بپرسم، و این فقط سؤال زنان انصار و مدینه نیست بلکه هیچ زنی در شرق و غرب عالم نیست مگر اینکه وقتی سؤال مرا بشنود، آن را می پذیرد. پس من در حقیقت نماینده همه زنان عالم هستم! پدر و مادرم و خودم فدای شما ای رسول خدا.

حقیقتاً خداوند سبحان شمارا به پیامبری بسوی زنان و مردان مبعوث نمود، ما هم به تو و خدایت، ایمان آوردیم، و بدرستی که ما زنان، خانه نشین و در حجاب و محدود هستیم. غرائز جنسی شما مردها را برطرف می کنیم و فرزندان شما را بزرگ می نماییم! آن وقت شما مردها چند امتیاز بر ما زنها دارید: شما در نماز جمعه و جماعت و عیادت مریضها و تشییع جنازه و حج پیایی و از همه بالاتر در جهاد شرکت می کنید! وقتی یکی از شما برای

حج و عمره و جهاد، خارج می شوید، ما اموال شما را حفظ می کنیم، لباسهای شما را می بافیم، بچه های شما را بزرگ می کنیم در حالی که در اجر و ثواب کارهای شما شریک نیستیم!

در این موقع حضرت با تمام صورت به اصحابش متوجه شد و فرمود: آیا شما تاکنون زنی این چنین دیده اید که به این خوبی مسائل دینش را پرسد؟

اصحاب گفتند: ما فکر نمی کردیم زنی به این مرتبه برسد!

سپس پیغمبر به طرف آن زن توجه کرد و فرمود: ای خانم! خوب بفهم و به همه زنان اعلام کن! بدرستی که خوب شوهرداری کردن زن و جلب رضایت شوهر و موافق او عمل نمودن، مساوی و معادل همه این کارهای خیری است که مردان انجام می دهند!

آن زن در حالی که زبان را به لا اله الا الله بلند کرده بود نزد زنان برگشت. <sup>(۱)</sup> میزان الحکمه 4/2869 <sup>(۲)</sup>

صبر عجیب زن چادر نشین

اصمعی وزیر خلیفه عباسی در بیابان به خیمه ای رسید. زنی جوان و صاحب جمال درخیمه بود. اصمعی از او آب طلبید. زن گفت: شوهرم نیست و اجازه ندارم به شما آب بدهم. ولی اجازه شیر این بز بدست خودم است. زن از شیر به اصمعی داد. در این موقع یک سیاهی از دور پیداشد. زن گفت: شوهرم است که از صحرا برمی گردد. وقتی شتر سوار رسید، زن باستقبال او رفت و بر او سلام کرد، پاهای او را شست و... ولی هر چه زن محبت می کرد، مرد که قیافه زشتی داشت و یک پایش لنگ بود، با بد اخلاقی به او جواب می داد. تا اینکه مرد وارد خیمه شد و نگاه غضبناکی به اصمعی نمود و به آخر خیمه رفت. اصمعی به زن گفت: حیف نیست شما با این امتیازات، با همچو مردی زندگی می کنی؟ زن گفت: من از شما که وزیر خلیفه هستی تعجب می کنم که می خواهی بین من و شوهرم جدائی بیافکنی! اگر من با این مرد زندگی می کنم برای این است که می خواهم به روایت پیامبر (ص) عمل کرده باشم که فرمود: ایمان دو نیمه است. نیمه ای شکر و یک

نیمه‌اش صبر است. من خدا را بر نعمتهایش شکر گفته و بر سختی‌های زندگی صبر می‌نمایم. و امید به پادشاهی آخرت دارم.» (فرشته زمینی)

آن سلمه از پیامبر دربارهٔ ثواب خدمت زن به شوهرش پرسید. حضرت فرمود:

«وقتی زن در خانه کار می‌کند و مثلاً وسیله‌ای را از جایی برمی‌دارد و در جای دیگر می‌گذارد، در این حال خداوند به او نظر می‌کند. و هر که خدا به او نظر کند، او را عذاب نمی‌کند.» (فرشته زمینی)

#### 4- مساوی بودن جایگاه زن با مرد در ارزشها و شخصیت

در دین اسلام زن جایگاهی برابر با مرد دارد. همانطور که اگر مرد، عمل صالح انجام دهد و تقوا پیشه کند، رستگار است. زن نیز چنانچه پرهیز از گناه بکند، سعادتمند خواهد شد.

سه دلیل بر این مطلب وجود دارد:

1 - با توجه به اینکه ارزش هر انسانی به روح است، مرد وزن بودن نسبت به جسم معتبر است ولی روح مذکر و مؤنث ندارد. پس حقیقت انسان، نه مذکر است و نه مؤنث.

2 - مرد وزن بودن در ارزشها و ارزشمندها اثری ندارد. مثلاً آیاتی که علم را ارزش می‌داند و جهل را ضد ارزش، ایمان را ارزش می‌داند و کفر را ضد ارزش، عزت و ذلت، سعادت و شقاوت، فضیلت و رذیلت، حق و باطل، صدق و کذب، تقوی و فجور، اطاعت و عصیان، انقیاد و تمرد، غیبت و عدم غیبت، امانت و خیانت را بعنوان مسائل ارزشی

و ضد ارزشی می داند، هیچکدام از این اوصاف نه مذکرند و نه مؤنث، زیرا موصوف این اوصاف، هرگز بدن نیست .

3- در خطابات الهی هم، ذکورت و انوشت اثری ندارد . مانند: «کل امرء بما کسب رهین»<sup>(1)</sup> هر کسی در گرو عملش است .

«لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» انسان فقط نتیجه تلاش خود را می بیند .

«أَنْتَى لَا أَضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى»

من (خدا) عمل هیچ کسی را چه زن و چه مرد، ضایع نمی کنم .

و در مواردی که قرآن کریم با صراحت نام زن و مرد را می برد، علتش آنست که می خواهد افکار جاهلی قبل از اسلام را تخطئه کند . زیرا آنها عقیده داشتند که عبادت و فضائل مال مردهاست و بین زن و مرد فرق است .<sup>(2)</sup>

فرقی بین زن و مرد در عمل و پاداش نیست

با تفحص در قرآن کریم در می یابیم که در عبادت و عمل صالح و پاداشها فرقی بین زن و مرد نیست . از جمله:

(أَنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيراً وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَاجْراً عَظِيماً).<sup>(3)</sup>

«همانا مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان عابد و زنان عابده، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صبور و زنان صبور، مردان خاشع و زنان خاشعه، مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده، مردان روزه دار و زنان روزه دار، مردان حفظ کننده اندامهای خود از حرام و زنان حفظ کننده، مردان بسیار ذکر گوینده و زنان ذکر گوینده، خداوند برای آنان آمرزش و پاداش عظیمی آماده نموده است.»

و یا در آیه:

«لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ»<sup>(4)</sup>.

«نصیب مردان و زنان آنچه‌ای است که آنرا کسب می کنند.»

و یا در آیه: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»<sup>(1)</sup>.

هر مرد وزن مؤمنی که عمل صالح انجام دهد، ما به او زندگی پاک و بهترین پاداش را به اعمال آنها می دهیم.

1. سوره طور، آیه 21.

2. زن در آئینه جلال و جمال الهی.

3. سوره احزاب، آیه 35.

و یا در آیه:

«يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»<sup>(2)</sup>

روزی که (قیامت) می بینی نور مردان و زنان مؤمن، در پیش رو و سمت راستشان روشن می باشد. امروز بشارت باد بر شما به بهشتی که نهرها از زیر آنها جاری است و همیشه در بهشتند و این همان رستگاری عظیم است.

فرقی بین زنان و مردان مومن قائل نشده است.

---

1. سوره نحل، آیه 97.

2. سوره حدید، آیه 12.

5-تأمین نیازهای خانواده بعهده مرد است

وقتی مردی با زنی ازدواج می کند موظف است، همه نیازهای زنش را تامین کند که شامل مخارج خورد و خوراک و لباس و مسکن و دارو و درمان است. و نباید در این کار مسامحه کند.

بعضی از مردها با اینکه وضعشان خوب است ولی نسبت به خانواده سخت گیری می کنند. خانمی می گفت شوهرم بازاری است ولی حاضر نیست هزینه ترمیم دندانهایم را بدهد!

مرد باید با مدیریت صحیح نگذارد خیلی برای خانواده مشکل مالی درست شود مخصوصا اگر دارا و متمکن است بخل نورزد.

خدا می فرماید: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ». (نساء، آیه 25).

یعنی باید مرد، نفقه همسرش را بدهد

پیامبر اعظم فرمود: از ما نیست کسی که از جهت مال و ثروت در وسعت باشد لیکن بر اهل و عیالش سختگیری کند.

و باز فرمود: عیال مرد اسیران او هستند. پس هر که خدا به او نعمتی داده باید مخارج اسیرانش را توسعه دهد والا ممکن است نعمتهایش گرفته شود..

امام کاظم ع فرمود: اسراف و سخت گیری در خرج نسبت به خانواده هر دو مکروه هستند.

و امام رضا ع فرمود: سزاوار است مرد در مخارج اهل و عیالش توسعه دهد تا منتظر مرگش نباشند. (مسند امام رضا ع 2/208)



## 6- شوهر با همسرش خوب رفتار کند

خدا می فرماید: «عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ». (سوره نساء، آیه 19) یعنی با خوبی با زنان معاشرت کنید .

مطلب فوق شامل مشارکت مرد با همسرش در خدمات خانه و استحباب وسعت در خردنی و آشامیدن و مسکن و لباس و دادن هدایای خوب دربرگشت از سفر و در اعیاد و گذشت خطاهایش و اینکه مرد هم بالباس خوب و بوی خوش با همسرش روبرو شود و عدالت در بین زنان اگر چند همسری باشد و ... می شود .

در روایت است که خدا رحمت می فرستد بر مردی که با زنش خوب برخورد کند و باز در روایت است هر مردی که با خانواده خود خوب تا کند خدا عمرش را زیاد می کند و در روایت است مردی که به زنش نیکی می کند کریم است و هر که به زنش اهانت کند لئیم است.<sup>(6)</sup>

عاقبت بد اخلاقی با همسر

سعد بن معاذ، از فرماندهان سپاه اسلام، بشهادت رسید. رسول خدا (ص) تشییع با شکوهی از او بعمل آورد و خود شخصا او را دفن نمود.

بعد از دفن، مادر سعد خطاب به قبر گفت: ای سعد! بهشت بر تو گوارا

باد! رسول خدا (ص) فرمود: این را نگو! گفت: چرا؟ فرمود: او الان فشار قبر

سختی دید! سؤال کردند: برای چه؟ فرمود: او با خانواده خود بد اخلاقی

می کرده است! (خانواده نمونه)

«پیامبر (ص): بهترین مردان امت من کسانی هستند که به اهل خانه خودستم نمی کنند و بر آنها رحم

آورند و به آنها ظلم ننمایند» (خانواده نمونه)

اسلام به مردان تذکر داده که نیازهای عاطفی زنانشان را برآورده نمایند.

در روایت است: فاشفقوا علیهن و طیبوا قلوبهن (مستدرک وسائل ص 251)

با زنان مهربان باشید و دل‌های آنان را پاکیزه و بدون آلودگی بنمائید.

در روایت است: خدا رحمت می فرستد بر مردی که با زنش خوب برخورد کند. رحم الله

عبدا احسن فیما بینہ و بین زوجته (وسائل ج 14 ص 122)

در روایت است: هر مردی که با خانواده خود خوب تا کند خدا عمرش را زیاد می کند. من

حسن برّه باهله زاد الله فی عمره (بحار ج 100 ص 225)

در روایت است: مردی که به زنش نیکی می کند کریم است و هر که به زنش اهانت کند

لثیم است. (نهج الفصاحه ص 318)

در روایت است: هر چه قدر ایمان مرد بیشتر شود علاقه اش به همسرش بیشتر می گردد.

وسائل ج 14 ص 9

در روایت است: قول الرجل للمرأة انی احبک لایذهب من قلبها ابدا' (وسائل ج 14 ص 10)

اگر مردی به زنش بگوید تو را دوست دارم هرگز از قلب زن فراموش نمی شود.

## 7- به مردان تذکر داده شده با همسرانشان مدارا نمایند

حتما در طول زندگی، اختلافاتی بین زن و شوهر سرمسائل گوناگون پیش می آید. در این موارد باید باهم مدارا نمایند و همدیگر را تحمل کنند و از اشتباهات یکدیگر بگذرند. تا در استحکام خانواده خللی ایجاد نگردد.

«اسحاق بن عمار از امام ششم (ع) پرسید: حق زن بر شوهر چیست؟

امام فرمود: مرد باید شکم همسرش را سیر کند. بدنش را بپوشاند. اگر نادانی کرد از او بگذرد. ابراهیم

خلیل از تند خوئی ساره به خداوند شکایت کرد! خدا به او وحی کرد: زن همانند استخوان

دنده است! اگر بخواهی راستش بکنی، می شکند و اگر با او همچنان مدارا کنی، از او بهره مند می شوی!»

(خانواده نمونه)

## 8- گفتگوهای اعضای خانواده باهم باید محترمانه باشد

زن و شوهر باید مراعات یکدیگر را کرده و با ادبیات نرم با یکدیگر سخن بگویند و بهم پرخاش نکنند و حرمت هم را حفظ نمایند.

مردانی که عصبی هستند و زودرنج می باشند از زندگی لذتی نمی برند و همسر آنها از او در عذاب است!

همچنین زنانی که بد اخلاق و زبان دراز و عصبی هستند کاری می کنند که شوهر از منزل فراری می شود.

خانمی شکایت کرده بود که مدتی است شوهرم با من حرف نمی زند و مخارج من را بوسیله مادرش می فرستد. وقتی علت این کار را از مرد پرسیدند جواب داد چون از دست بد اخلاقی زن به تنگ آمده ام لذا با او قهر کرده ام.

گاهی بد اخلاقی زوجین کار را به جاهای باریک می کشاند. در خبرها آمده بود که مرد بیست و دو ساله ای همسر خود را به این علت که او را خر صدا زده بود با چاقو کشت.

می فرمایند که: خداوند اصلاً نسبت به زنهارأفت بیشتری دارد. هر مردی که موفق شد خانم محرم خودش را دلشاد کند و اندوه او را برطرف کند، خداوند روز قیامت او را شاد می گرداند.<sup>(1)</sup>

## 9- باید هر دو در مقابل هم آراسته ظاهر شوند

همانطور که زن باید خود را در مقابل شوهر بیاراید و آراسته باشد، مرد هم وظیفه دارد در مقابل زنش، آراسته باشد. لذا بزرگان دین ما همیشه خود را خوشبو می نمودند بطوری که یک سوم درآمد پیامبر اسلام ص خرج عطر می شد.

و بزرگان دین سفارش کردند که مرد باید در مقابل زنش آراسته باشد والا مشکلاتی پیش می آید همانطور که در بنی اسرائیل مردها آراسته نبودند و زنهایشان منحرف شدند.

در یکی از پرونده های خانواده، زن شکایت کرده بود که شوهرش می خواهد زن دوم بگیرد. مرد را خواستند و از او پرسیدند چرا می خواهی همسر دوم بگیری؟ مرد جواب داد این زن برخورد خوبی بامن ندارد. از سرکار می آیم سلام می کنم جواب نمی دهد. کنارش می نشینم بجای بوی خوش، بوی پیاز و سیب زمینی می دهد! لباسهایش نامناسب است با اینکه لباسهای خوب برای او خریده ام.

## 10- مرد در امور خانه با زنش همکاری کند

از نظر شرعی زن وظیفه ندارد کارهای خانه را انجام دهد تنها وظیفه او تمکین در امور جنسی اسا و اینکه بدون اجازه بیرون نرود. اما زنهای مسلمان اکثرا در خانه کار می کنند و زحمات زیادی را متحمل می کنند مخصوصا وقتی مهمان می آید یا عید می شود و باید خانه تکانی کنند لذا خوب است مرد تا آنجائی که می تواند به همسرش کمک نماید.

پیامبر اعظم ص: اگر مرد به زنش کمک کند پاداش پیامبرانی چون داود و یعقوب و عیسی را به او می دهند. و یک ساعت کار در خانه مساوی عبادت فراوانی است



مسائل مربوط به ازدواج

«وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»<sup>(4)</sup>.

دختر و پسرهای صالح را بازدواج هم دریاورید که اگر فقیر باشند خداوند آنها را بی نیاز می کند و خداوند در روزی دادن بسیار بخشنده و همچنین بسیار دانا است.

یکی از مهمترین مسائل جوانان مساله ازدواج است. اگر این مساله درست انجام بگیرد باعث سعادت و اگر درست انجام نگیرد باعث مشکلات بزرگی خواهد شد. ازدواج نباید سخت صورت بگیرد بلکه باید آسان باشد. والدین دختران باید به خواستگاران سخت گیری نکنند. باید دختر درابتدای نوجوانی ازدواج کند و به بهانه دانشگاه و ادامه تحصیل ، جلو ازدواج او گرفته نشود. باید افراد معتمد هر شهری بنشینند و بنیاد ازدواج تاسیس کنند و با استفاده از طرح ها و برنامه ها در ازدواج جوانان تسریع کنند. بعضی از جوانان وقتی نتوانند ازدواج کنند دچار افسردگی می شوند. از مردم و جامعه زده می شوند. گاهی با خدا قطع رابطه می کنند و در دین دچار شک می شوند... گاهی خیال می کنند بختشان بوسیله سحر و جادو بسته شده است و مشتری فالگیرها و دعانویس های کذاب می شوند. درحالی که این صحت ندارد.

**اسلام عزیز دوش شرط برای خواستگار در نظر گرفته است یکی خوش اخلاق بودن و دیگری مومن بودن است.**

چنانچه این دوش شرط موجود بود باید پدر دختر با ازدواج او موافقت کند که در این صورت جامعه در مسیر درست حرکتش را ادامه می دهد ولی اگر قبول نکنند و شرایط دیگری به عنوان یک فرهنگ در جامعه بوجود بیاید. شرایطی مثل شغل داشتن. وضع مالی خوب داشتن. مهریه سنگین و امثال آن.



در این صورت طبق روایات جامعه به دردی بی درمان مبتلا می شود که ما داریم آثار این درد را در کشورمان می بینیم. چندین میلیون زن بیوه به همراه چندین میلیون دختران سن بالا و ازدواج نکرده. از آن طرف چندین میلیون پسر سن بالا که تمایلی به ازدواج ندارند زیرا شرایط ازدواج ها سخت است و آنها هم چون شغل ندارند بعضاً دنبال زن کارمند و شاغل می گردند.

نتیجه این می شود که در هر خانه ای چندین پسر و دختر مجرد زندگی می کنند که نتوانسته اند برای نیازهای جنسی مشروع خود کاری بکنند.

در این رابطه به چند روایت اشاره می نمائیم:

امام صادق علیه السلام فرمودند:

هر کس از ترس فقر ازدواج نکند نسبت به لطف خداوند بدگمان شده است. چرا که خداوند می فرماید: اگر آنان فقیر باشند خداوند از فضل و کرم خود بی نیازشان می کند.

(من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 251)

\*\*\*

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

بیشترین اهل جهنم انسانهای بی همسر هستند.

(من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 251)

\*\*\*

امام صادق علیه السلام فرمودند:

کسی که مجردی را تزویج کند و امکان ازدواج او را فراهم نماید از کسانی است که در قیامت خداوند به آنان نظر لطف می کند.

(وسائل الشیعه، ج 20، ص 45)

\*\*\*

از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است:

هر که با زنی به خاطر مالش ازدواج کند، خداوند او را به مال وی واگذار می کند، و هر که با او به خاطر جمال و زیبایی اش ازدواج نماید، در او چیزی را که خوشایند او نیست، خواهد دید، و هر که با وی به خاطر دینش ازدواج کند، خداوند تمامی این مزایا را برای او جمع می کند.

(وسائل الشیعه، ج 14، ص 31)

\*\*\*

امام رضا علیه السلام (خطاب به دختران) فرمودند:

هنگامی که مردی از شما خواستگاری کرد که از دین و اخلاق او راضی بودید به ازدواج با او رضایت دهید. و مبادا فقر او تو را از این رضایت باز دارد و...

(میزان الحکمه، ج 4، ص 280)

\*\*\*

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

وقتی که اشخاص هم شان به خواستگاری دختران شما آمدند، به آنها دختر دهید و در کار آنها منتظر حوادث نباشید.

(نهج الفصاحه، ص 37، ح 193)

\*\*\*

شخصی از امام صادق علیه السلام سوءال کرد:

من می خواهم با زنی ازدواج کنم ولی پدر و مادرم مایلند با دیگری ازدواج کنم. امام علیه السلام فرمودند: با زنی که خودت مایل هستی ازدواج کن، و زنی را که پدر و مادرت بدون رضایت تو انتخاب کرده اند، رها کن.

(تهذیب، الاحکام، ج 7، ص 392)

\*\*\*

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

از نشانه های برکت زن آن است که خواستگارش بی تکلف و آسان انجام گیرد.

(کنز العمال، ج 16، ص 322، ح 44721)

\*\*\*

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

شرابخوار اگر تقاضای ازدواج کرد قبول نکنید.

(وسائل الشیعه، ج 20، ص 79)

\*\*\*

حضرت علی علیه السلام فرمودند:

مهریه زن‌ها را سنگین نگیرید که موجب کدورت و دشمنی گردد.

(وسائل الشیعه، ج 15، ص 11)

\*\*\*

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم امر فرمود، دختران عبدالمطلب و زنان مهاجر و انصار در شب عروسی حضرت فاطمه علیها السلام به همراه او بروند و شادی کنند، شعر و سرود بخوانند، تکبیر و حمد بگویند. و از گفتن حرف‌هایی که خدا بدان راضی نیست، پرهیزند.

(مستدرک الوسائل، ج 14، ص 198)

\*\*\*

علی علیه السلام : مهرها را سنگین نگیرید که باعث دشمنی می شود . (بحار الانوار 237/100)

رسول خدا صلی الله علیه و آله : کسی که مهر زنش را ندهد، در نزد خدا زنا کار محسوب می شود ! و خداوند سبحان در قیامت به او می گوید: بنده ام ! کنیزم را برایت طبق عهدهی حلال نمودم ولی تو به عهدهت عمل نکردی ! در این موقع خداوند سبحان حق زن را از مرد طلب می کند و از ثوابهای مرد به زن می دهد . و اگر همه حسنات مرد را داد ولی حق زن کامل نشد، خداوند سبحان امر می کند مرد را به جهنم بیاورند ! (میزان الحکمه 4/3379)

\*\*\*

«رسول خدا (ص) فرمود: زن تا زمانی که شوهر ندارد مسکین است گفتند: یا رسول الله! اگر چه پولدار باشد؟ فرمود: آری! سپس این آیه را تلاوت کرد: **الرجال قوامون على النساء...**»

«رسول خدا (ص) فرمود: بهترین زنان آن کسی است که وقتی بتو (شوهر) نگاه می کند، تو را خوشحال نماید و اگر به او امر کردی، اطاعت کند و اگر نزدش نبودی، خود و مالت را از غیر محافظت نماید.

سپس رسول خدا (ص) این آیه را تلاوت فرمود: **الرجال قوامون على النساء....**» (تفسیر منهج الصادقین - ذیل آیه 32 نساء)

\*\*\*

### نصیحتهای یک مادر به دخترش

«وقتی قرار شد که ایاس دختر عوف به خانه شوهر برود، مادرش او را این چنین نصیحت کرد:

دخترم! تو از خانه‌ای که با آن انس گرفته‌ای به خانه‌ای ناآشنای روی. پس در برابر همسرت فروتن باش تا با او انس‌گیری. و برای اینکه پشتیبان و کمک کار داشته باشی به این اندرزها عمل نما!

اهل قناعت باش. دستورهای همسرت را بشنو و انجام بده. در برابرش خود را آراسته کن تا وقتی بتو نگاه می‌کند ناراحت نشود. خود را معطر کن تا بوی تو برایش بهترین بو باشد. هنگام گرسنگی از او با غذا پذیرائی کن زیرا در هنگام گرسنگی انسان در هیجان و ناراحتی است. هنگام استراحت او را یاری کن زیرا ممکن است از بی‌خوابی خشمگین شود. در نبودنش از مالش نگه‌داری کن. در کارها به او کمک نما. اسرار او را فاش نکن و گرنه مطمئن باش که در امان نخواهی بود. هنگام ناراحتی او نخند و هنگام خوشحالی او ناراحت نباش. «زنان مردآفرین ص 36»

\*\*\*

امام رضا 7 فرمود: زنی به امام باقر 7 گفت: من متبتله هستم! حضرت فرمود: در نزد تو تبتل به چه معنی است؟ گفت: یعنی تصمیم دارم که هیچگاه ازدواج نکنم.

امام فرمود: چرا؟ گفت: می‌خواهم به این وسیله دارای فضیلت بشوم. امام فرمود: از این تصمیم برگرد! زیرا اگر در ازدواج نکردن فضیلتی بود، حضرت فاطمه 3 هم قبل از تو این کار را می‌کرد! زیرا هیچکس نمی‌تواند در فضیلتی از فاطمه 3 پیشی بگیرد. (فرشته زمینی)

\*\*\*

امام علی (ع):

«سه صفت در مرد باعث نقص و در زن باعث کمال است. یکی خودخواهی است که اگر زن مغرور باشد، تن بکار زشت ندهد. دوم بخل است که باعث می‌شود از مال شوهرش خوب مواظبت کند. سوم ترس است که بخاطر ترس، از فساد رویگردان شود.» (فرشته زمینی)

\*\*\*

## طلاق

«روایت شده که رسول خدا (ص) واسطه ازدواج زن و مردی شد. بعد از مدتی زن نزد حضرت آمد و از شوهرش شکایت کرد. حضرت فرمود: نکنند که می خواهی طلاق بگیری؟! آنوقت نزد خداوند، از الاغ مرده، پست تر می شوی!» (فرشته زمینی)

## تربیت فرزندان

### وظایف مادر نمونه نسبت به فرزندان

بعد از ادای وظیفه زن نسبت به شویش، وظیفه مهم فرزند داری مطرح می شود. اهم این مسئولیت بشرح زیر است:

#### 1- انعقاد نطفه در وقتیایی که نیکو است.

توصیه شده که زمانی که قرار است نزدیکی به منعقد شدن نطفه بیانجامد این عمل بابرنامه باشد.

آمیزش در مواقع وحالات زیر چنانچه منجر به انعقاد نطفه شود مکروه بوده و آثار زیانباری را در پی دارد:

روبه قبله و پشت به قبله، هنگام هلال و بدر و محاق ماه (شب چهارده) - در برابر آفتاب - عریان - ایستاده - در اول و وسط و آخر ماه که باعث جنون و جذام و صرع در مادر بچه می شود - بعد از ظهر که موجب قیچی می شود - صحبت کردن موقع آمیزش که موجب لال بودن بچه می شود - نگاه کردن به عورت زن که موجب کوری فرزند می شود - قرآن خواندن با حال جنابت - با یک دستمال تمیز کردن زن و شوهر خود را که باعث جدایی زن و شوهر می شود - نزدیکی در شب عید فطر که باعث شرور شدن بچه می شود - نزدیکی شب عید قربان که



باعث نقصان در انگشتان بچه می شود - در زیر درخت که کودک قاتل می شود- بین اذان واقامه - شب نیمه شعبان که کودک زشت می شود - دوروزمانده به آخر ماه - بالای پشت بام - در کشتی - بعد از جنب شدن - در حال حیض - شب چهارشنبه - در موقعی که کودک در خانه باشد»

«در مورد آمیزش جنسی، طبق بیانات ائمه (ع) هر چه انسان با همسرش بیشتر آمیزش داشته باشد، مطلوب است و در این زمینه آمده است که کثرت آمیزش از سنت پیامبران است. علت این سفارش شاید بخاطر این باشد که زن و مردیکه از راه حلال اشباع شده باشند، دیگر چشمشان بدنبال نامحرمان نخواهد بود مگر افرادیکه مریض باشند.» (فرشته زمینی)

## 2- هنگام آمیزش با طهارت بوده و مسائل سفارش شده در باره آمیزش را رعایت نماید

«امام صادق (ع): در خانه ای که طفلی وجود دارد، با همسر خود مقاربت نکنید، که آن طفل زناکار می شود و یا فرزندیکه بدنیامی آید، زناکار می شود.»

## 3- در ایام بارداری بر رعایت طهارت و عبادت مداومت نماید.

«شیخ مرتضی انصاری، یکی از فقها و دانشمندان بزرگ شیعه است. وقتی پس از سالها تحصیل و کوشش به مقام اجتهاد و زعامت نائل آمد، مردم به مادر شیخ تبریک گفتند که فرزندت به مقام اجتهاد و مرجعیت رسیده است.

آن مادر گفت: زحمتی که من در تربیت فرزندم کشیدم، اگر به مقام پیامبری هم می رسید، تعجب نمی کردم، چه رسد به مقام اجتهاد!

مردم از شنیدن این سخن تعجب کرده و گفتند: مگر در تربیت فرزندت چه کرده ای که دیگران نکرده اند؟

مادر شیخ پاسخ داد: بیان زحماتی که من در تربیت او کشیده ام، از حوصله شما بیرون است ولی به عنوان نمونه می گویم که هیچ گاه بدون طهارت و وضو پستان به دهانش نگذاشتم.

وقتی مادر شیخ رحلت کرد، دیدند که شیخ بر بالین مادر، زار زار می‌گریه. یکی از شاگردان در مقام دلجوئی گفت: جناب استاد! شما با این مقام علمی که دارید شایسته نیست بر بالین پیرزنی این گونه اشک بریزید!

شیخ در پاسخ او فرمود: شما هنوز به مقام والای مادر پی نبرده‌اید! تربیت صحیح و زحمات فراوان مادر بود که مرا به اینجا رسانید! «الگوهای تربیت ص 36»

## شیر مادر ناپاک

«یکی از بزرگان نقل می‌کند: چند روز قبل از شهادت «شیخ فضل الله نوری» در زندان با او ملاقات نمودم. به ایشان عرض کردم که پسر شما خیلی لایبالی است و بر ضد شما کار می‌کند.

شیخ شهید فرمود:

این موضوع را از قبل می‌دانستم. وافزود: این پسر در نجف بدنیا آمد و مادرش شیر نداشت. از این رو، مجبور شدیم که برای شیردان او زنی را پیدا کنیم. زنی پیدا شد و این کودک مدت زیادی از شیر آن زن تغذیه کرد. اما ناگهان فهمیدیم که آن زن بسیار لایبالی و بی‌عفت است و کینه‌علی (ع) را به دل دارد.

از همان وقت دریافتیم که سعادتمند شدن این پسر، کاری بسیار مشکل است! «الگوهای تربیت ص 41»

## اثر الکل بر کودک

«زنی در حالیکه کودک فلج و ناقص و کوری در آغوش داشت، نزد رسول خدا آمد، و گفت: ای پیامبر خدا! مگر نمی‌گویند که خدا عادل است و به کسی ظلم نمی‌کند؟

فرمود: آری.

زن گفت: اما خدا به من ظلم کرده و چنین کودکی به من داده است!

پیامبر لحظه‌ای درنگ نمود و سپس فرمود: آیا شوهرت هنگام آمیزش باتو، شراب خورده بود؟

زن پاسخ داد: آری!

حضرت فرمود: پس جز خودت، کسی دیگر را سرزنش نکن! «الگوهای تربیت ص 37»

#### **4- در ایام بارداری از دعوا و درگیری وجوش و خروش بپرهیزد.**

روانشناسان گفته‌اند که آرامش مادر در دوران بارداری به آرام بودن اعصاب فرزند کمک شایان می‌کند و مادرانی که در دوران حاملگی درگیری فکری و آشوبهای ذهنی دارند، فرزندان عصبانی و اهل خشونت و دعوا بدینا می‌آورند.

#### **5- در ایام بارداری و در دوران شیرخوارگی نوزاد، از لقمه حرام و از استعمال مواد مخدر و مشروبات الکلی دوری کند.**

آثار لقمه حرام و یا شراب در بدن انسان بسیار بد است و باعث انحراف انسان از فطرت پاک می‌گردد و همچنین استعمال مواد مخدر در هر انسانی آثار مخربی ببار می‌آورد حال اگر مادر باردار این اعمال را انجام دهد این آثار زیانبار به کودک منتقل می‌شود. و سلامت جسم و جان او را به خطر می‌اندازد.

#### **6- در ایام بارداری از معاشرت زیاد با مردم دوری کند و بیشتر با شوهرش باشد.**

**با تجربه** ثابت شده است که اگر زن در دوران بارداری بیشتر به شوهرش نگاه کند و با او باشد، کودک شکل و شمایل پدرش را بخود می‌گیرد.

**7- بعد از تولد علاوه بر گفتن اذان واقامه در گوش کودک، و دادن عقیقه کودک، در هنگام شیردادن به نوزاد حتی المقدور با طهارت باشد.**

وقتی زن پاک و طاهر باشد و غسلهای واجب خود را انجام دهد و در هنگام شیر دادن به کودک خود، با وضو باشد این امر آثار مثبتی در روح و روان کودک می گذارد بر خلاف زنانی که اکثرا در حال جنابت بسر می برند و غسلهای خود را انجام نمی دهند و همیشه ناپاکند چه انتظاری می رود که فرزندانشان خوب بار بیایند.

**8- در اسم گذاری فرزند از نامهایی که اسلام سفارش کرده است استفاده نماید.**

«رسول خدا(ص): کسیکه خداوند به او چهار پسر بدهد و نام مرا بر یکی از آنها نگذارد، بر من ظلم کرده است.» (خانواده نمونه)

مسئول فرهنگی سفارت ایران در نروژ:

وقتی رهبر کمونیست نروژ مسلمان شد، بعد از مدتی «آنا بریت» همسرایشان با من تماس گرفت و گفت: می خواهم مسلمان شوم.

من شگفت زده شدم و خدا را سپاس گفتم. آنا بریت گفت: من چادر می خواهم!

گفتم: پوشیده بودن کافی است. چرا چادر می خواهی؟ (چرا که ترسیدم با جوی که در آن جا علیه چادر بود توان تحمل این سختی ها را نداشته باشد).

اما او باز هم تأکید کرد:

می‌خواهم با لباس رزم زنان ایرانی که الگو و سبیل من بوده‌اند  
شهادتین را بگویم.

به او گفتیم: چه اسمی را انتخاب کرده‌اید؟

گفت: زینب.

گفتم چرا؟

گفت تحقیق کرده‌ام دیدم حضرت زینب-سلام الله علیها- زن  
صبور، مقاوم و کاملی بوده است.» (عصر امام خمینی)

**9- کودک را با خود به مساجد و مجالس سوگواری امام حسین (ع)  
و دیگر مجالس مذهبی ببرد.**

کودکانی که در زیارتگاهها و مراسم موالید و عزاداری اهل بیت (ع) و مساجد حضور می‌یابند، از برکات  
این مجالس مستفیض خواهند شد و علاقه به اهل بیت (ع) در وجود آنها ریشه پیدا می‌کند و گاه آثار مثبت مهمی  
در زندگی آنها بجا می‌گذارد.

«حضرت زهرا (س) برای اینکه فرزندانش در شبهای احیاء خوابشان نبرد، روز قبل آنها را می‌خواباندند و همچنین  
موقع احیاء اگر فرزندی خوابش می‌برد، آب به صورتش می‌زدند. تا از فیض شب قدری بهره‌نمانند.» (خانواده  
نمونه)

(امام باقر (ع) بعد از نماز صبح نمی‌گذاشتند نوجوانان بخوابند بلکه اگر قرآن بلد بودند می‌فرمودند قرآن  
بخوانند و هر که بلد نبود می‌فرمودند ذکر بگویند. و این تا طلوع آفتاب ادامه داشت) (خانواده نمونه)

**10- خود نماز بخواند و فرزندش را هم به نماز سفارش کند.**

«رسول خدا(ص): نخستین چیزی که در قیامت از زن می پرسند، نماز است و سپس درباره شوهرش (اگر ازدواج کرده بوده) که چگونه باشوهرش رفتار می نموده است.» (خانواده نمونه)

## **11- اگر فرزند دختر است، اهمیت حجاب را در مناسبت های مختلف به او گوشزد نماید و نگذارد که با لباس نامناسب در کوچه و خیابان ظاهر شود.**

حجاب دختر تا اندازه زیادی به حجاب مادر و طرز فکر و تقید مادر به حجاب بر می گردد. چه بسا مادرانی که خود حجابی دارند ولی از کودکی دختران خود را همچون عروسک! زینت و آرایش نموده و با خود در کوی و برزن و مجالس عروسی و مهمانی ها به نمایش می گذارند اما نمی دانند که چگونه دختر خود را از راه عفت و حیا دور کرده و او را به انحرافات سوق می دهند.

## **12- برای آموزش قرآن به فرزندش برنامه ریزی کند.**

از برکات نظام جمهوری اسلامی ایران این است که صدها کودک حافظ کل قرآن و هزاران نوجوان آشنا به قرآن تربیت کرده است. مادر باید در مورد تعلیم قرآن به فرزندش همواره تأکید و جدیت داشته باشد همانطور که در مورد لباس و غذای کودکش توجه دارد.

«پیامبر(ص): هر که در کودکی قرآن بخواند، به حکمت دست یافته است.»

## **13- در ایام نوجوانی نظارت کامل بر معاشرت فرزندش داشته باشد.**

«یکی از مسئولین نیروی انتظامی: 75 درصد انحرافات نوجوانان در بین راه مدرسه تا خانه رخ می دهد.»

متأسفانه جوانانی هستند که بوسیله سی دی ای فاسد و مجالس و دوستان فاسد، به فساد اخلاق مبتلا شده و در کمین نوجوانان معصوم و بی اطلاع هستند تا آنان را شکار کنند. لذا به مادران و پدران باید هشدار داد که تا زمانی که نوجوان به رشد عقلی بالایی نرسیده نظارت کامل و صد درصد بر معاشرت فرزندان اعم از دختر و پسر نموده و لحظه ای از آنان غافل نباشند. حاضر نشوند شبی به بهنه دوست و رفیق در خارج از خانه بمانند و یا با دوستان به مسافرت بروند و خلاصه دور از دید والدین دلسوز خود باشند. همانطور که باغبان مدتها زحمت می کشد تا گلهايش به ثمر برسند والدین باید از راحتی خود چشم پیوشند و مواظب روحیات فرزندان باشند.

## **14- به فرزندان محبت کند تا گول محبت های ظاهری دیگران را نخورند. ولی در محبت زیاده روی نکند!**

«رسول خدا (ص): کسیکه فرزندش را ببوسد یک حسنه دارد و اگر او را خوشحال کند، روز قیامت خدا او را خوشحال می کند و کسیکه به فرزندش قرآن بیاموزد، روز قیامت پدر و مادر کودک را ندا نموده و دو حله بهشتی از نور، بر تن آنان می نمایند که از نورش صورت اهل محشر روشن می شود.»  
(خانواده نمونه)

«رسول خدا (ص): فرزند صالح گلی از گلهای بهشت است.» (خانواده نمونه)

«رسول خدا (ص): کسیکه خدا به او دختری بدهد و او را اذیت نکند و او را کوچک شمارد و فرزندان پسر را بر او ترجیح ندهد، خدا بخاطر همین دختر، او را به بهشت می برد.» (خانواده نمونه)

اگر چه اکثر مادران به فرزندان محبت دارند و کم هستند مادرانی که بخاطر لذات نامشروع، فرزندان را مورد آزار و اذیت قرار می دهند ولی باید این محبت متعادل باشد و اگر از حد خود

خارج شد، عواقب سوئی ایجاد می نماید. محبتها و تنبیه ها و تشویق ها باید عادلانه باشد و از حد خود تجاوز ننماید  
والاً آثار خطرناکی بر روحیات فرزند وارد می کند. به نامه یک فرزند بزهکار که از بازداشتگاه برای مادرش  
ارسال نموده توجه کنید:

«این نامه ای است که یک پسر بزهکار از زندان برای مادرش نوشته است:

مادر! امروز هنگامی که با دونفر از دوستانم در یکی از خانه های نارمک تهران سرگرم دزدی ائاث  
خانه ای بودیم، توسط پلیس دستگیر شدیم و چون برای بار دوم می خواهند مرا به جرم دزدی به زندان  
ببرند، می خواهم امشب از این گوشه بازداشتگاه با تو درد دل کنم و بگویم:

تو گناهکاری! تو باعث تمام بدبختی های من هستی! تو خیلی مرا دوست داشتی و همین محبت کورکورانه مرا به  
روز سیاه نشاند. آن روز که پدرم به این خاطر که دست در جیبش کرده بودم، می خواست مرا تنبیه کند ولی تو  
جلو دزدی و نگذاشتی که او مرا تنبیه کند و گفتی: این پسر کوچولوی من است! و هر دفعه این صحنه تکرار شد!

مادر! من شبها دیر به خانه می آمدم، اما تو چیزی از من نمی پرسیدی، حتی این موضوع را از پدرم  
پنهان می کردی! تو مرا از معاشرت با جوانان هرزه منع نکردی و حتی وقتی فهمیدی که من دزدی می کنم، مانع  
من نشدی و فقط گفتی: کاری نکن که پدرت بفهمد!

مادر! من تو را می بخشم، اما آنچه در حق من کردی، در باره برادر کوچکم نکن! « کیهان ش 6458»

آثار سوء بی توجهی والدین در تربیت فرزندان شان را باید در کوچه و بازار و در بدحجابی و لنگاری  
دختران و در پوشیدن لباسهای غربی پسران و در ایجاد مزاحمت های خیابانی برای دختران و در زند آنها و آما ترهای  
دزدی و قتل و تشکیل باندهای مخوف و باندهای فساد اخلاق به وضوح مشاهده نمود! که گاهی پدر و مادر یک  
جوان قاتل انگشت به دهان می گیرند که چرا این جور شد؟! چطور فرزند ما مرتکب این قتل و جنایت  
شد؟! در حالی که عامل اصلی جرمهای جوانان و ادین هستند. آنها در تربیت فرزندشان کوتاهی کردند. و باید  
خودشان را سرزنش نمایند.

**15- خود راستگو و متواضع و سخاوتمند و عقیف و با حجاب و شوهر دار**  
**و طالب علم و امانت دار و اهل صله رحم و... باشد تا فرزندانش نیز این**  
**چنین باشند.**

«وقتی در قم، مادر سه شهید در تشییع فرزند سومش حاضر شده بود، در میان بانوان و در مقابل جنازه  
فرزند شهیدش، ایستاد و سخنرانی کرد. نخست خطاب به جنازه، این بیت را خواند:



بشکست اگر دل من بفدای چشم مستت سر خم می سلامت، شکند اگر سبویی یعنی: امام به سلامت باشند، دل شکسته ام به فدای چشمهای تو.

بعد چنین گفت:

پسرم! نور دیده ام... سومین پسر بودی که تو را نثار راه قرآن نمودم. امروز، نخستین روز بهار به دیدار گل ارغوانی و پرپر آمده ام، پیکر دوبرادر شهیدت را سال قبل دیدم، برای دیدار پیکر تو، نخست اجازه نمی دادند، ولی وقتی دیدند، صبر و استقامت من خوب است، اجازه دادند، من وقتی پیکر تو را دیدم، از ته دل خشنود شدم که (به دلخواه من شهید شدی) زیرا دلم می خواست تو در راه خدا قطعه قطعه شوی و چنین شد.

سپس این بانوی شجاع دستهایش را بطرف آسمان بلند کرد و چنین گفت: خدا یا! تو را شکر و سپاس می گویم که فرزندم در این آزمایش الهی، این گونه، سرافراز و پیروز و روسفید، بیرون آمد...» «زنان مرد آفرین ص 208»

## 16- آئین شوهرداری را به دخترانش آموزش دهد.

مادر باید شوهر داری را به دخترانش یاد دهد تا آنها با استفاده از تجربیات چند ساله او زندگی موفق داشته باشند.

«وقتی قرار شد که ایاس دختر عوف به خانه شوهر برود، مادرش او را این چنین نصیحت کرد:

دخترم! تو از خانه ای که با آن انس گرفته ای به خانه ای ناآشنای روی پس در برابر همسرت فروتن باش تا با او انس بگیری. و برای اینکه پشتیبان و کمک کار داشته باشی به این اندرزها عمل نما!

اهل قناعت باش. دستوره های همسرت را بشنو و انجام بده. در برابرش خود را آراسته کن تا وقتی بتو نگاه می کند ناراحت نشود. خود را معطر کن تا بوی تو برایش بهترین بو باشد. هنگام گرسنگی از او با غذا پذیرائی کن زیرا در هنگام گرسنگی انسان در هیجان و ناراحتی است. هنگام استراحت او را یاری کن زیرا ممکن است از بی خوابی خشمگین شود. در نبودنش از مالش نگه داری کن. در کارها به او کمک نما. اسرار او را فاش نکن و گرنه مطمئن باش که در امان نخواهی بود. هنگام ناراحتی او نخند و هنگام خوشحالی او ناراحت نباش.» (خانواده نمونه)

## 17- اگر خواستگار مؤمن و خوش اخلاقی برای دخترش آمد، مانع تراشی نکند.

طبق آمار تازه، در حال حاضر 3/5 میلیون دختر شوهر نکرده در ایران زندگی می کنند. و همین آمار درباره پسران مجرد نیز صدق می نماید. راستی با وجود غریزه جنسی در جوانان و وجود همسران هم شأن چرا باید این جوانان مجرد زندگی بکنند و گرفتار آثار سوء مجرد بودن باشند؟ آیا غیر از رسم و رسومات غیر اسلامی و غیر واقعی، مانع دیگری است؟ مهریه های بالا! خرج های سنگین! بهانه های مختلف! که متأسفانه به خانواده های متدین و مذهبی هم سرایت کرده است و حتماً باید در تالارها و هتل های گران قیمت مراسم را برگزار نمایند. ولی اسلام عزیز این رسومات را قبول ندارد.

«امام رضا(ع): اگر مؤمنی به خواستگاری دختری برود و پانصد درهم جهت مهر پیشنهاد کند ولی آنان بیشتر بخواهند و این مقدار را نپذیرفته به او دختر ندهند، بر او ستم کرده و خداوند پدر آن خانواده را از حورالعین محروم می کند» (خانواده نمونه)

و پیامبر(ص) فرمود: اگر کسی که از دین و اخلاقش راضی هستید به خواستگاری بیاید و دختر ندهید، فساد بزرگی پدید می آید! (خانواده نمونه)

## 18- فرزندان را به ازدواج هم شأن خودشان دریاورد.

«دختر و پسر از خانواده متدین باید با هم شأن خود ازدواج کنند و دختر و پسر از خانواده بی اعتنا به دین نیز همچنین.

«والطیبات للطیبین والخییئات للخییثین» نور 26

دختر پاک و مؤمن برای پسر پاک و مؤمن و دختر ناپاک و بی دین برای پسر ناپاک و بی دین لایق هستند.»

## 19- دخترش را به فاسق و فاجر و شرابخوار شوهر ندهد!

مادر نباید گول عناوین و ظواهر و پول و ثروت داماد و خانواده اش را بخورد و بدون توجه به رعایت مسائل اخلاقی از طرف داماد، دخترش را به خانه آلوده بفرستد.

«دختری بعد از دوماه عروسی به خانه پدر برگشت و اعلام کرد که متوجه شده شوهرش معتاد است و او بزور طلاهایش را گرفته و فروخته است. و با گریه می گفت که بعد از دوماه بیوه شدم!

اگر علت این مسئله بررسی شود مشخص می شود که متأسفانه پدر و مادر دختر در هنگام خواستگاری داماد! بفکر نماز و تدین داماد نبودند و فقط چشم به ظواهر زندگی او و قدرت مالی و قیافه ظاهری او داشته اند

لذا باید تاوان سنگینی را برای این بی توجهی بیردازند!»

«پیامبر (ص): کسیکه دخترش را به بی دین شوهر بدهد، روزی هزار بار لعنت بر او نازل می شود.» (خانواده

نمونه)

«امام رضا (ع): اگر دختر به شرابخوار بدهید، گویا او را به زنا و اداشته اید!» (خانواده نمونه)

و...

## وظایف مردان:

### 1- انتخاب همسری شایسته برای خود.

او باید برای خود زنی را انتخاب کند که علاوه بر زیبایی ظاهری و مهریه کم، دارای اخلاق حمیده و ایمان و تقوا باشد. زیرا او قرار است مادر فرزندان او شود پس ببیند چه کسی را برای این کار انتخاب می کند.

«امیرمؤمنان علی (ع): در آخر الزمان که نزدیک قیامت و بدترین زمانهاست، زنانی پیدا بشوند که خیابان گرد، از دین بیگانه، دنباله رو فتنه ها و هوسها و پیرو شهوات و شتابان بسوس لذتها و حلال کننده حرامها باشند! اینان به دوزخ گرفتار ابدی شوند.» (خانواده نمونه)

«رسول خدا(ص): از گلهای لجنزار پرهیزید! گفتند: گلهای لجنزار چیستند؟ فرمود: زنان زیبا که در خانواده‌های پست و بدتریت شده‌اند.»  
(خانواده نمونه)

«از جمله دعا‌های رسول خدا(ص) این بود: خدایا! بتو پناه می‌برم از زنیکه قبل از اینکه پیرشوم مرا پیر کند!» (خانواده نمونه)

«امام صادق(ع): زن قلاده است پس دقت کن چه قلاده‌ای به گردنت می‌بندی!» (خانواده نمونه)

## 2- دوری از انحرافات اخلاقی قبل و بعد از ازدواج

## 3- رعایت سفارشات اسلام در مورد آمیزش جنسی

«آمیزش در مواقع و حالات زیر چنانچه منجر به انعقاد نطفه شود مکروه بوده و آثار زیانباری را در پی دارد:

روبه قبله و پشت به قبله، هنگام هلال و بدر و محاق ماه (شب چهارده) - در برابر آفتاب - عریان - ایستاده - در اول و وسط و آخر ماه که باعث جنون و جذام و صرع در مادر بچه می‌شود - بعد از ظهر که موجب قیچی می‌شود - صحبت کردن موقع آمیزش که موجب لال بودن بچه می‌شود - نگاه کردن به عورت زن که موجب کوری فرزند می‌شود - قرآن خواندن با حال جنابت - با یک دستمال تمیز کردن زن و شوهر خود را که باعث جدایی زن و شوهر می‌شود - نزدیکی در شب عید فطر که باعث شرور شدن بچه می‌شود - نزدیکی شب عید قربان که باعث نقصان در انگشتان بچه می‌شود - در زیر درخت که کودک قاتل می‌شود - بین اذان و اقامه - شب نیمه شعبان که کودک زشت می‌شود - دوروزمانده به آخر ماه - بالای پشت بام - در کشتی - بعد از جنب شدن - در حال حیض - شب چهارشنبه - در موقعی که کودک در خانه باشد» (فرشته زمینی)

## 4- کمک به همسر برای رعایت آداب ولادت و نامگذاری و ولیمه

«از امام ششم راجع به عقیقه سؤال شد. فرمود: گوسفند یا گاو یا شتر برای او قربانی کنند و بعد از عقیقه، بر کودک نام گذارند و روز هفتم سر او را بتراشند و به وزن مویش، طلا یا نقره صدقه دهند و اگر پسر است حیوان نر و اگر دختر است، حیوان ماده قربانی کنند.»

«رسول خدا (ص): کسیکه خداوند به او چهار پسر بدهد و نام مرا بر یکی از آنها نگذارد، بر من ظلم کرده است.»

«رسول خدا (ص): فرزند بر پدر حقوقی دارد و پدر نیز بر فرزند حقوقی دارد. اما حق پدر بر فرزند آنستکه در هر چیزی بجز معصیت، مطیع پدر باشد. و حقوق فرزند بر پدر آنستکه برای فرزندش **نام نیکو** بگذارد و **ادب نیکو** به او بیاموزد و **قرآن** را به او تعلیم نماید.» (خانواده نمونه)

«امام هفتم (ع): اولین نیکی انسان به فرزندش، گذاشتن نام نیک بر او است.» (خانواده نمونه)

## 5- محبت به فرزندان و همراه بردن فرزندان به تفریحات سالم

محبت والدین به فرزندان باعث استحکام خانواده می شود و چشم آنها را بر محبتهای ظاهری خارج از خانه می بندد.

«رسول خدا (ص): کسیکه فرزندش را ببوسد یک حسنه دارد و اگر او را خوشحال کند، روز قیامت خدا او را خوشحال می کند و کسیکه به فرزندش قرآن بیاموزد، روز قیامت پدر و مادر کودک را ندا نموده و دو حله بهشتی از نور، بر تن آنان می نمایند که از نورش صورت اهل محشر روشن می شود.» (خانواده نمونه)

«رسول خدا (ص): خداوند دوست دارد که آنچنان بین فرزندان با عدالت رفتار نمائید که حتی 'در بوسیدن آنها نیز مساوات باشد.» (خانواده نمونه)

«امام ششم (ع): همانا خداوند بر بنده ای که علاقه زیاد به فرزندش دارد، رحم می کند.» (خانواده نمونه)

«پیامبر (ص): بچه هارا دوست بدارید و بر آنها ترحم داشته باشید.» (خانواده نمونه)

«امام هفتم (ع): خدا در چیزی همانند غضب برای کودکان و زنان غضب نمی کند.» (خانواده نمونه)

»

## 5- استفاده از درآمد حلال برای خورد و خوراک خانواده

لقمه حلال در تربیت سالم انسان نقش مهمی دارد همانگونه که لقمه های حرام در انحراف انسانها آثار مهمی دارد.

«در حدیث قدسی است که ایمان ده جزء دارد و هفت جزئش کسب درآمد حلال است»

«در حدیث قدسی است که کسیکه اهمیت نمی دهد از چه جایی درآمد کسب کند، منہم اهمیت نمی دهم که او را از چه دری وارد جهنم نمایم!» (خانواده نمونه)

رسول خدا: هر که از حلال بخورد ملکی بر بالای سرش بایستد و برایش استغفار کند تا زمانی که از غذا دست بکشد.» (خانواده نمونه)

## 6- آشنا کردن فرزند با خدا و آموزه های مذهبی

برای پرورش حس مذهبی فرزندان باید چند مرحله را طی کرد:

1- آنها را با استدلال ساده با خدا آشنا نمایم.

2- خدا را با صفات نیکویش مانند رحمان و رحیم و آمرزنده بودن معرفی کنیم.

3- از دوستی خدا با آنها حرف بزنیم. «ای پیامبر بگو: اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا هم شما را دوست داشته و گناهانتان را ببامرزد و خدا آمرزنده و مهربان است.» آل عمران 31

4- نوجوانان را به عبادات واجب و مستحب عادت داده و نماز را از هفت سالگی به آنها آموزش دهیم.

اگر پرورش مذهبی نوجوان از دوازده سالگی بدرستی انجام پذیرد، او در 16 سالگی یک فرد معتقد و با ایمان خواهد بود و با این احساس می‌تواند در مقابل تمایلات نفسانی و شهوات، مقاومت کند و از تندروی و طغیان برکنار بماند. اما برعکس، نوجوانی که احساسات مذهبی‌ش مورد حمایت و پرورش قرار نگرفته و احياناً سرکوب شده باشد، نوجوانی که خواهش معنوی‌ش ارضاء نگشته و نور ایمان، ضمیرش را روشن ننموده باشد، در 16 سالگی محکوم تمایلات غریزی و شهوی خواهد بود و عواطف مذهبی پرورش نیافته‌اش قادر نیست او را در مقابل انحرافات ایمنی بخشد.

عبادات واجب و مستحبی که در اسلام تشریح شده و همچنین دعا و نیایش در پیشگاه الهی از عوامل مؤثر در تحکیم دوستی و محبت پروردگار است. نماز ارتباط دهنده انسان به خالقش می‌باشد. نماز گزار روزی چند بار به پیشگاه خدا می‌رود و مراتب دوستی خود را با محبوبش تجدید می‌کند.

اگر گناہانی کرده آنها را بوسیله نماز پاک می‌کند و اگر چند قدمی از خدایش دور شده، بوسیله نماز بعدی به خدایش برمی‌گردد. خدای واقعی آنقدر رحمت و عطاوت دارد که باب توبه بر روی همه گشوده‌است. اگر انسان آلودگی پیدا کرد، راه بازگشت به پاکی و خدا باز است. حتی اگر توبه را شکست و باز آلوده شد، باز هم راه بازگشت دارد و با اصطلاح: اگر صدبار توبه شکستی باز آی! خالق که در گرفتاریها و سختیهای زندگی، تکیه‌گاه انسان است.

علی 7 می‌فرماید: «إِیْ اَمَنْ عَلَیْهِ مُعَوَّلِی!» ای تکیه‌گاه من! «إِیْ اَمَنْ إِلَیْهِ شَكَوْتُ اَخْوَالِی!» ای کسی که گرفتاریهایم را فقط به او می‌گویم. این دین صحیح و ایمان واقعی است که انسانها را از انحرافات و آلودگیها دور و پاک کرده و آنها را سعادتمند می‌نماید.

اما بدبختانه دنیای امروز به تمایلات مذهبی جوانان نه تنها کار ندارد بلکه با انواع برنامه‌های انحرافی این حس را در میان جوانان از بین می‌برد. دنیای غرب آنطور که برای یک کالای صنعتی سرمایه گذاری کرده و اهمیت قائل می‌شود، برای تربیت صحیح و پرورش حس مذهبی ارزش وارجی قائل نمی‌شود.

## 7- تربیت فرزند بر اساس تربیت دینی

اولین نکته برای آرامش خانواده و دوری از رفتارهای ناپسند جوان، شناخت روان جوان و آگاهی از مقتضیات جوانی است. فرزند جوان، مطابق میل طبیعی، عاشق استقلال و تشخص است. می‌خواهد هرچه زودتر خود را از محدودیتهای دوران کودکی رها سازد و به گروه بزرگسالان پیوندد و مانند آنان مستقل باشد. او خواسته خود را بر زبان نمی‌آورد! ولی اگر به مقصود خود نائل نشود و به حق طبیعی خود، دست نیابد، سرکشی و طغیان می‌کند، به کارهای غیر عادی دست می‌زند، بد رفتار و تندخو می‌شود و با زبان حال می‌گوید:

به شخصیت من احترام بگذارید! مرا مستقل و آزاد بشناسید! با من همانند یک فرد بزرگ برخورد کنید!

در سخن پیامبر ص است که فرمود: «فرزند، هفت سال آقا است. هفت سال بنده است و هفت سال هم وزیر است.» (خانواده نمونه)

طفل هفت سال اول بر پدر و مادرش حکومت می کند! زیرا فکرش نارساو جسمش ناتوان است. پدر و مادر باید با دیده رافت به او نظر کنند و ناچارند که خواسته های او را برآورده سازند.

در هفت سال دوم، تغییرات قابل ملاحظه ای در تن و روان کودک پدیدمی آید. جسمش قوی می شود و درکش رشد می کند و تا اندازه ای خویها و بدیها را می فهمد. لذا مورد مؤاخذه والدین و مربی و آموزگار قرار می گیرد. و چون عقلش بخوبی شکفته نشده و صلاح و فساد خود را به درستی تشخیص نمی دهد، پدر و مادر آمرانه به او تذکر داده و او باید فرمان والدین را اطاعت کند.

اما در هفت سال سوم نشانه های جوانی و بزرگسالی در او پدیدمی آید. لذا احساس مسئولیت می کند و در تدبیر زندگی همکار والدین می باشد.

از بکار بردن کلمه وزیر چند نکته را می فهمیم:

الف - جوان تشخیص طلب و استقلال جواست.

ب - نباید با او آمرانه برخورد کرد.

هیچ چیز بیش از حق رأی در تربیت آنان مؤثر نیست. باید در خانه و مدرسه به آنها حق اظهار عقیده داده شود. البته استقلال دادن به جوان به این معنا نیست که وی در تمام اعمالش آزاد باشد تا به میل خود به هر محیط فاسدی برود، زیرا جوان که عقلش نسبت به احساساتش ضعیف است، همواره در معرض سقوط قرار دارد. جوان اغلب پایان کار را نمی بیند و از تشخیص بسیاری از بدیها و خویها عاجز است. پس مراد از وزیر بودنش آن است که هم شخصیتش مورد احترام باشد و هم اختیار صد در صد نداشته باشد، بلکه تصمیم نهایی با والدین است.

سختگیری بی مورد، زورگویی و ستم، تعدی و خشونت والدین نسبت به جوان یکی از دو نتیجه را به بار می آورد:

الف - جوان بر اثر فشارهای طاقت فرسای روحی و نظارت های خسته کننده والدین، نیروی مقاوت خود را از دست داده و تسلیم شرائط موجود می شود. او اگر چه سازگار و سربزیر می شود ولی استعداد های خود را از دست می دهد و یک انسان نالایق بار می آید.

ب - جوان در مقابل سختگیری ها می ایستد که در نتیجه باعث اختلاف در خانواده می شود. عربده ها و فریادها، تندی و خشونت، اشک و زاری، هیجان و ناراحتی برنامه عادی چنین خانه هایی خواهد بود!



بعضی پدران بخاطر عقده خود کم‌بینی، خشن و تندخو هستند. برای ابراز قدرت در خانه، با اهل منزل بدرفتاری می‌کنند، فریاد می‌کشند، دشنام می‌دهند. گاهی بچه‌ها را کتک می‌زنند! و گاهی در محیط منزل ایجاد رعب و هراس می‌کنند! لغزش یا اشتباه کوچک را بزرگ تلقی کرده و چشم‌پوشی نمی‌کنند. مثلاً پدر اگر بخواهد بخوابد، انتظار دارد که همه اهل خانه ساکت باشند و اگر صدایی بلند شود، طوفان پیاپی می‌کند! ولی اگر دیگران خواب باشند، استراحت دیگران برایش ارزشی ندارد! کودکان این خانه‌ها بر اثر سختگیری بی‌مورد والدین، خشمگین و عصبی بار می‌آیند و همواره در خود احساس حقارت نموده و این حس بصورت عقده در آنها باقی می‌ماند!

البته تا کوچک هستند نمی‌توانند در مقابل رفتار خشن پدر نیرومند خود عکس‌العملی نشان دهند، اما زمانی که پا به سن جوانی می‌گذارند، برای اینکه در خانه بخاطر عقده حقارت خود، ابراز وجود کنند، کانون خانواده را به محل مشاجره و ناسازگاری تبدیل کرده و کار به آنجایی کشد که فرزند در مقابل پدر می‌ایستد! راه حل این معضل به دو طرف برمی‌گردد. دو طرف باید خودسری و لجاج را ترک کنند و از تمایلات نادرست خویش چشم‌پوشند تا بتوانند با همکاری یکدیگر مشکلات را حل کنند.

در بررسی روی 105 پسر و دختر جوان که خلاف بزرگی را انجام داده بودند، متوجه شدند که تقریباً 91 درصد جوانان مجرم از اختلالات عاطفی شدید رنج می‌برند. یعنی هم از حیث عاطفی مورد بی‌مهری قرار گرفته بودند و هم احساس ناامنی و حقارت داشتند!

عکس‌العمل والدین در برخورد با خلاف فرزندشان!

چنانچه فرزند عمل خلافی را انجام داد چگونه باید با آن برخورد نمود؟ مثلاً خانمی در تماس با مشاوره اظهار داشت که مدتی است، متوجه شده که پسر دیرستانیش استمناء می‌کند! تکلیف این مادر چیست؟ در پاسخ باید گفت که مراحمی در برخورد با این خلفها وجود دارد که اگر رعایت شود شاید موفقیت آمیز باشد. یکی مسئله توجه به ازدواج جوانان است که در هنگام نیاز جنسی آنان، باید ب فکر راه و چاره بود و دیگری آشنا کردن آنها با حرام و حلال اسلام و اینکه این اعمال، چه قدر زشت بوده و عواقب بد دنیوی و اخروی دارد و در غیر این دو مورد نیز باید مراحل تشویق و تنبیه برای ترک این اعمال انجام شود.

**«در روایت است که پسران وقتی به شش سالگی رسیدند نباید در یک بستر بخوابند.» (خانواده نمونه)**

و در روایت است: «کودکت را تا هفت سال آزاد بگذار سپس هفت سال مداوم با او کار تربیتی بکن. اگر به تربیت تن داد سعادتمند است والا در او خیری نیست!» (خانواده نمونه)

## 8- تأکید بر نماز خواندن فرزند

«وامر اهلك بالصلوة واصطبر عليها» طه 132

یعنی خانواده ات را امر به نماز نما و بر این مسئله مداومت کن.

### مسئله نماز از مهمترین نشانه‌های تربیت صحیح است. در خانه‌ای که والدین نماز

خوانده و تا کودک به سن بالا برسد مرتب او را به خواندن نماز امر می‌نمایند، امید به هدایت و سعادت فرزند هزاران بار بیشتر است تا خانه‌ای که اگر چه پدر و مادر خود اهل نمازند ولی فرزندان خود را رها کرده‌اند و باصلاح آنان را آزاد گذاشته‌اند تا خود مسیر درست را انتخاب نمایند و این بزرگترین اشتباه سرپرست خانواده است که نوجوانی را که اصلاً نمی‌تواند خیر و صلاح خود را تشخیص دهد و از طرفی نماز زحمتی برای اوست، آزاد بگذارند به این امید که روزی برسد که خود نوجوان به نماز گرایش پیدا کند!

خداوند در قرآن کریم به پدران دستور می‌دهد که خود و خانواده خود را از جهنم نجات دهید:

«يا ايها الذين آمنوا قوا انفسكم واهليكم نارا وقودها الناس والحجارة» تحریم 6

ای مؤمنین! خود و خانواده تان را از آتش جهنم دور نگه دارید.

«رسول خدا(ص): در هفت سالگی فرزند را به خواندن نماز تمرین دهید و در

ده سالگی در صورت نماز نخواندن، بر آنان سخت گرفته شود و حتی 'آنان را با

زدن هم شده به نماز وادار کنید.» (خانواده نمونه)

## 9- نظارت کامل بر معاشرت فرزندش

«امام پنجم(ع): با کسی معاشرت کن که تو را می‌گریاند و خیر خواه توست! و با کسی که تو را می‌خنداند

و فریب می‌دهد، معاشرت منما!» (خانواده نمونه)

«امام هفتم(ع): از مواضع تهمت وشک پرهیزید وحتّی ' در کوچه با مادر خود نایستید! زیرا همه نمی دانند که این زن مادر توست!» (خانواده نمونه)

«علی(ع): بدترین رفیق کسی است که معصیت خدا را در نظر تو، خوب جلوه دهد!» (خانواده نمونه)

«امام سجاد(ع): با چند رفیق رفیق نباش! 1- دروغگو که مثل سرابست و با دروغهای خود، تو را فریب می دهد و دور را برای تو نزدیک و نزدیک را برای تو، دور می کند. 2- فاسق که تو را به یک وعده غذا بلکه کمتر، می فروشد! 3- بخیل که تو را در هنگام سختی، رهامی کند. 4- احمق که می خواهد بتو سود برساند ولی زیان می رساند.» (خانواده نمونه)

## **10- نظارت بر استفاده فرزندان از رسانه های صوتی و تصویری و رایانه و استفاده از موسیقی مبتذل و شرکت در پارتی های منحرف کننده**

1- «پیامبر اسلام(ص): غنا(موسیقی حرام) پلّه کان زنا است.» (خانواده نمونه)

2- «امام صادق(ع): خبیث ترین مخلوق خدا، غنا(موسیقی حرام) است. و بدترین مخلوق خدا غنا است که باعث فقر و نفاق می شود.» (خانواده نمونه)

3- «امام صادق(ع): خانه ای که در آن غنا(موسیقی حرام) باشد، از فاجعه ایمن نمی باشد و دعا در این خانه مستجاب نمی شود و ملائکه به این خانه وارد نمی گردند.» (خانواده نمونه)

10- «امام خمینی: از جمله چیزهایی که مغز جوانها را تخریب می کند، موسیقی است... انسان را از جدیت بیرون می برد. یک جوانی که عادت کرده روزی چند ساعت را با موسیقی سروکار داشته باشد، از مسائل جدی به کلی غافل می شود.» (خانواده نمونه)

## **ضعف اعصاب و اختلال حواس و بی ارادگی از عوارض موسیقی**

«دکتر ولف آدلر، پروفیسور دانشگاه کلمبیا می گوید: بهترین و دلکش ترین نو اهای موسیقی، شوم ترین آثار را روی سلسله اعصاب انسان باقی می گذارد.»

«دکتر آلکسیس: اصولاً شنیدن موسیقی و کنسرت، در اعصاب اثر تخدیری ایجاد می کند. این اثر گاهی آنچنان شدید است که شنونده را مانند افراد بهت زده می سازد و لذت فوق العاده ای که افراد از آن می برند از همین اثر تخدیری است و روشن است که اینگونه تخدیرها زیانهای فراوانی دارد و اگر شدت یابد گاهی ممکن است عقل و اندیشه را اسیر جذبه آهنگهای تند موسیقی کند و دیگر نتواند خوب و بد را از هم تشخیص دهد و بی پروا دست به حرکات و اعمال ناشایست بزند و در آن حال نتواند به عواقب وخیم آن بیاندیشد.»

گاهی موسیقی باعث جنایت می شود.

## 11- جدیت در امر ازدواج فرزندان

«رسول خدا (ص): اگر فرزند خواستار ازدواج باشد و پدر توانائی مخارج ازدواج او را ندارد ولی امتناع کند و فرزند مجردش به معصیت و گناه آلوده شود، معصیت او را در نامه عمل پدرش می نویسند.» (خانواده نمونه)

## 12- جدیت در امر یاد دادن قرآن و آداب اسلامی مانند:

آداب معاشرت، آداب خوردن و آشامیدن، آداب ازدواج، آداب تجارت و معاملات، تاریخ اسلام و تاریخ ایران و صدها مورد اطلاعات مفیدی که براساس آنها، اعتقادات و روش زندگی فرزندان بنا نهاده می شود.

«یکی از مؤمنین می گفت که وقتی ما بچه بودیم در روستا زندگی می کردیم، پدرمان ملایی را از شهر آورد و خرج مسکن و غذا و حقوقش را به عهده گرفت تا او در چندماه بما قرآن بیاموزد. و او هم این کار را انجام داد و ما دو برادر قرآن را در کودکی فرا گرفتیم»

## 13- رعایت پوشش کامل در موقع عمل زناشوئی

«مشاهده عمل زناشویی والدین، پوشش نامناسب محارم و... از عوامل انحراف فرزندان است».

«جوان 27 ساله‌ای که پس از سرقت جواهرات و ربودن دختر چهارده ساله دختر خردسال و تجاوز به برخی از آنان دستگیر شده بود، پس از محاکمه در دادگاه 142 کیفری یک تهران، به دو بار اعدام و سه سال زندان و تعزیر و پرداخت مهرالمثل محکوم شد.

بر اساس تحقیقات بازپرس، این جوان دارای انحرافات اخلاقی بوده و بر اساس اعترافات خودش، در گذشته، وی بارها مورد سوءاستفاده افراد قرار گرفته است.

به گزارش خبرنگار قضایی، دستگیری متهم به دنبال اعلام شکایت بستگان یک دختر هشت ساله به مأموران حوزه انتظامی 28 تهران صورت گرفت. با طرح این موضوع، پرونده‌ای در دادسرا تشکیل شد و بازپرس دستور داد در این باره بیشتر تحقیق شود.

مأموران با کمک دختر بچه به محل رفتند و پس از چند روز پیگیری، خانه «مصطفی» را شناسایی و او را دستگیر کردند. متهم در بازجویی به ربودن چهارده دختر بچه و سرقت طلاهای کودکان معصوم و تجاوز به برخی از آنان اعتراف کرد.

این جوان منحرف، در بیان علل انحراف اخلاقی خویش گفت: در خانواده من مسائل خلاف زیادی وجود داشت، به طوری که من ارتباط‌های آمیزشی و روابط جنسی پدر و مادرم را مشاهده می‌کردم و آنها ابایی از این موضوع نداشتند! پدر و مادرم، بعضی وقتها بدون لباس در برابر من ظاهر می‌شدند و این مسائل مرا تحریک می‌کرد و به انحراف اخلاقی سوق می‌داد...

طبق نظر صریح کارشناسان روانشناسی کودک، تماشای صحنه‌های مهیج جنسی، چه در خانواده و چه در فیلمهای سینمایی و... مانند دادن چلو کباب به یک نوزاد است، چرا که با این تحریکات، کودک در معرض بلوغ زود رس قرار می‌گیرد و حساسیت و کنجکاوی او را به روابط بزرگترها بویژه پدر و مادر بر می‌انگیزد. و از این جاست که زمینه‌های انحراف اخلاقی کودکان و نوجوانان آغاز می‌گردد.

## 14- شرکت در نماز جمعه و جماعت و مراسمات دینی به همراه

### فرزندان

پدرانی که خود در مجالس معنوی شرکت می‌کند و فرزندان خود را نیز به‌مراه می‌برد، می‌تواند امیدوار باشد که آینده فرزندان، از نظر دوری از انحرافات اخلاقی، آینده سالمی خواهد بود. **ولی پدرانیکه خود هیچگاه پا به مسجد و عبادتگاه الهی نگذاشته‌اند و غرورشان اجازه نمی‌دهد که در مقابل پروردگارشان سجده نمایند، چگونه امید دارند که فرزندان خوبی و سالمی تربیت کنند؟ مسجد محلی است که در آن انسانهای والا تربیت می‌شود.**

مسجد سنگر اسلام است. مسجد محل ملاقات مؤمنین و وحدت و صمیمیت آنان است. اگرچه گاهی افراد منافق هم در مسجد پیدامی‌شوند یا افرادی که از شرکت در مسجد مقاصد شومی را در ذهن دارند ولی اکثر نمازگزاران کسانی هستند که بدون قصد دنیایی و فقط برای اطاعت از خداشان در مسجد و مراسمات مذهبی حضور پیدامی‌کنند و خداوند هم طبق وعده‌هایی که داده است در دنیا و آخرت از آنان حمایت می‌کند:

**«ان الله يدافع عن الذين آمنوا» حج 39**

خداوند از مؤمنین دفاع خواهد کرد.

## حجاب زن

یکی از دستورات مهم قرآن کریم درباره زنان، در مورد لزوم حجاب آنان است. حجاب زن به هیچ عنوان علامت عقب ماندگی یا اسارت و یا زیر دستی او نیست بلکه چون زن مانند گوهر گرانبهائی است که باید از دستبرد دزدان در امان بماند لذا بوسیله حجاب، هم حفظ می شود و هم ارزشش افزون می گردد و هم در این آزمایش الهی سربلند بیرون می آید. از جمله آیات قرآن کریم درباره حجاب آیات زیر است.

آیه اول: «ای پیامبر! به زنان با ایمان بگو: چشم های خود را (از نگاه هوس آلود) فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است، آشکار ننمایند و اطراف روسری های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) ...»<sup>(4)</sup>

آیه دوم: «ای زنهای پیغمبر! شما مثل افراد عادی نیستید. بایستی مراتب تقوی و پارسایی را کاملاً رعایت نموده و بدون کم و زیاد، تمام دستورات خدا را عملی کنید. بنابراین اگر واقعاً شماها پرهیزکار و خداترسید، پس در گفتار تان نرمی و فروتنی نکنید و صدای خود را نازک ننمائید تا اشخاصی که دلشان مریض است و اسیر دست شهوتند، از صدای نرم و نازک شما تحریک نشده و میل و طمع به شما نکنند و در وقت لزوم باید طوری بادرستی

---

1. خوبی ها و بدی ها - الخصال 2/585. 2. خوبی ها و بدی ها - مکارم الاخلاق/234

3. خوبی ها و بدی ها - ارشاد القلوب 1/175. 4. سوره نور، آیه 31.

و خوشونت صحبت کنید که پسند خدا و رسول بوده و موجب فتنه و لغزش و میل و تحریک مردم نشود. و باید در خانه‌های خود قرار گیرید و زینتهای خود را اظهار نکنید همانطور که کافران پیشین خود را به نمایش می گذاشتند و نماز را برپا دارید و زکات بدهید و از خدا و رسول اطاعت نمائید.»<sup>(1)</sup>

آیه سوم: «وقتی از زنهای پیغمبر چیزی می طلبید از پشت پرده از ایشان بخواهید. این طور برای دلهای شما و دلهای آنها پاک تر است»<sup>(2)</sup>

آیه چهارم: «ای پیغمبر! به زنان و دختران خود و زنهای مؤمنین بگو که جلباب (چادر) بر سر خود بیاندازند که این پوشش در فرق زنهای خوب از زنهای نانجیب نزدیکتر و مؤثرتر است باعث میشود زنهای مؤمنه توسط افراد فاسداذیت نشوند و نسبت به گذشته ها چون قصد سوئی نداشته‌اند یا چون توبه کنند، خداوند سبحان بخشاینده و مهربان است. و اگر منافقین و آنهایی که در دلشان مرض است و آنهایی که حرفهای مضر در بین مردم اشاعه میدهند از این اعمال دست نکشند، تو را بر آنها مسلط می کنیم که بر آنها فشار بیاوری بطوری که نتوانند در مدینه در همسایگی تو بمانند مگر زمان اندکی. در حالی که اینها ملعونند و دستور است که هر کجا اینها یافت شوند، آنها را بگیرند و به خوارترین و



سخت‌ترین وجهی بکشد. سنت الهی در مورد اهل نفاق، در هر عصری همین بوده و خواهد بود و به هیچ وجه ممکن، این آیین در مورد اینها تغییر نمی‌شود.<sup>(3)</sup>

اما احادیث درباره لزوم حجاب زن فراوان است که به چند روایت اشاره می‌شود:

«حضرت زهرا علیهاالسلام: بهترین زنان کسانی هستند که نه آنها مردان نامحرم را ببینند و نه مردان نامحرم آنها را ببینند.»<sup>(4)</sup>

«سخن گفتن با زن نامحرم از دامهای شیطان است»<sup>(5)</sup>

«از جمله بیعت‌هایی که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از زنان گرفت این بود که در خلوت با مردان مسافرت و نشست و برخاست نکنند.»<sup>(6)</sup>

«پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله: ای حواء! زینت خود را برای غیر شوهرت ظاهر نکن. برای زن حلال نیست که مچ و پایش را برای مردی غیر شویش آشکار کند. که اگر چنین کرد، همیشه در لعنت الهی است و فرشتگان او را لعن کرده و عذابی دردناک برایش مهیا می‌شود.»<sup>(7)</sup>

«امام علی علیه‌السلام: ای بندگان خدا! بدانید که گفتگو و اختلاط مردان با زنان نامحرم، سبب مصیبت و گرفتاری شده و دل‌ها را منحرف می‌سازد و پیوسته به زنان چشم دوختن، نور دیده را خاموش می‌گرداند و همچنین با گوشه چشم به زنان نگاه کردن از حيله و دامهای شیطان است»<sup>(8)</sup>

«امام علی علیه السلام : ای مردم عراق ! باخبر شده ام که زنان شما در راه با مردان برخورد می کنند، آیا حیا و شرم نمی کنید؟

و در حدیث دیگری فرمود: آیا حیا نمی کنید و غیرت نمی ورزید که زنانتان به بازار می روند و با افراد بی ایمان مواجه می شوند؟»<sup>(9)</sup>

---

1. سوره احزاب، آیه 32. 2. سوره احزاب، آیه 53. 3. سوره احزاب، آیه 59.

4. فضائل الخمسة عن الصحاح الستة 154/3. 5. مستدرک، 273/14.

6. مستدرک الوسائل، 133/14. 7. مستدرک، 549/2. 8. بحار، 291/74. 9. وسائل، 176/14.

باید که بگیرد رو هر زن که مسلمان است زیرا که حجاب زن در سوره قرآن است

هم عصمت و هم عفت در پرده نسوان است قانون حیا چون سر بر پیکرایمان است

ما ملت ایرانیم امروز مسلمانیم هم شیعه اخلاص و هم تابع قرآنیم

جز قاعده اسلام ما هیچ نمی دانیم در روز قیامت هم جویای شفیعیانیم

شعر دیگر

ای زن ای سرو ناز و باغ وجود

نور بخشنده چراغ وجود

تا تو در راه خیر پیش روی

راست رو باش تا ز ره نروی

پاکی اندوز و راستی آموز

بعد از آن هر چه خواستی آموز

آن که مذهب نهاد و آیین کرد

راستی را ملازم دین کرد

خانه دل ز غیر شو پرداز

از همه کارها بدو پرداز

روی از غیر شوی خویش بپوش

جان فدای تو! روی خویش بپوش!

زان که تا رُخ ز پرده برفکنی

پرده از روی شرم برفکنی

گر شوی عیش جو و عشرت خواه

جان به انواع فسق کرده تباه

آری آن زن که بی حجاب آمد

عاقبت خانمان خراب آمد

بلکه از رُخ چو پرده بر دارد

یک جهان فتنه ها ز پی دارد

بهترین علم زن نجابت اوست

وین قبا دوخته به قامت اوست

علم زن چیست حاصل آوردن

پس از آنش به لطف پروردن

خانه را رشک بوستان کردن

آنچه شایسته است آن کردن

ایستادن زجان به خدمت شوی

روز و شب در پی محبت شوی

شوی را مهربان به خود کردن

شرط خدمت به جای آوردن

سخن بوعلی سینا

«بوعلی سینا در کتاب سیاست خود می‌نویسد: بر مردان لازم است که زنان را به تربیت اولاد و تدبیر خانه مشغول نموده، وسایل پوشش و حیای او را مهیا نمایند که اگر زن بیکار و به تدبیر منزل مشغول نباشد، قهراً میل نمایش و اسراف در زینت و لهو نموده و بدین واسطه از وظیفه طبیعی خود خارج شده و با حقوق و کرامت مرد مخالفت می‌کند.»<sup>(1)</sup>

آرامش روانی

استاد شهید مطهری :

«نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرتهای بی‌بند و بار، هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی را فزونی می‌بخشد و تقاضای سکس را به صورت یک عطش روحی و یک خواست اشباع نشدنی در می‌آورد. غریزه جنسی، غریزه‌ای نیرومند، عمیق، و «دریافت» است، هر چه بیشتر اطاعت شود، سرکش‌تر می‌گردد، همچون آتش که هر چه به آن بیشتر خوراک بدهند، شعله‌ورتر می‌شود. برای درک این مطلب به دوچیز باید توجه داشت:

1 - تاریخ همان طوری که از آزمندان ثروت یاد می کند که با حرص و آزی حیرت آور

در

پی گرد آوردن پول و ثروت بوده اند و هر چه بیشتر جمع می کرده اند، حریص تر می شده اند، همچنین از آزمندانی که در زمینه مسائل جنسی یاد می کند، که به هیچ وجه از نظر حسّ تصرف و تملک زیارویان در یک حدی متوقف نشده اند . صاحبان حرمسراها و در واقع همه کسانی که قدرت استفاده داشته اند، چنین بوده اند .

در زمان جدید هم به برکت تجدد فرنگی، برای مردی که یک صد هزارم خسرو پرویز (که سه هزار زن در حرمسرا داشته است) و هارون الرشید، امکانات داشته باشد، میسر است که باندازه آن ها از جنس زن بهره کشی کند .

2 - هیچ فکر کرده اید که حسّ «تغزل» در بشر چه حسّی است؟ قسمتی از ادبیات جهان عشق و غزل است . در این بخش از ادبیات، مرد، محبوب و معشوق خود را می ستاید . به پیشگاه او نیاز می برد، او را بزرگ و کوچک جلوه می دهد، خود را نیازمند کوچکترین عنایت او می داند، مدعی می شود که محبوب و معشوق «صد مُلک جان به نیم نظر می تواند بخرد، پس چرا در این معامله تقصیر می کند» از فراق او دردمندانه می نالد .

این چیست؟ چرا بشر در مورد سایر نیازهای خود چنین نمی کند؟ آیا تاکنون دیده اید که یک آدم پول پرست برای پول، یا یک آدم جاه پرست برای جاه و مقام، غزلسرایی کند؟! آیا تاکنون کسی برای نان غزلسرایی کرده است؟ چرا هر کسی از شعر و غزل دیگری خوشش می آید؟ چرا همه از دیوان حافظ اینقدر لذت می برند؟ آیا جز این است که همه

کس آن را با زبان یک غریزه عمیق که سراپای وجودش را گرفته است منطبق می‌بیند؟  
چقدر اشتباه می‌کنند کسانی که می‌گویند یگانه عامل اساسی فعالیتهای بشر عامل اقتصاد  
است !!

بشر برای عشق‌های جنسی خود موسیقی خاصی دارد، همچنان که برای معنویات نیز  
موسیقی خاص دارد، در صورتی که برای حاجت‌های صرفاً مادی از قبیل آب و نان  
موسیقی ندارد.

من نمی‌خواهم ادعا کنم که تمام عشق‌ها جنسی است و هم هرگز نمی‌گویم که حافظ  
و سعدی و سایر غزلسرایان صرفاً از زبان غریزه جنسی سخن گفته‌اند. این مبحث، مبحث  
دیگری است که جداگانه باید بحث شود.

ولی قدر مسلم این است که بسیاری از عشق‌ها و غزل‌ها، عشق و غزل‌هایی است که مرد برای  
زن داشته است. همین قدر کافی است که بدانیم توجه مرد به زن از نوع توجه به نان و آب  
نیست که با سیرشدن شکم اقناع شود، بلکه یا به صورت حرص و آرزو و تنوع پرستی در  
می‌آید و یا به صورت عشق و غزل.

اسلام به قدرت شگرف این غریزه آتشین توجه کامل کرده است. روایات زیادی درباره  
خطرناک بودن «نگاه»، خطرناک بودن خلوت با زن، و بالاخره خطرناک بودن غریزه‌ای  
که مرد وزن را به یکدیگر پیوند می‌دهد، وارد شده است.

اسلام تدابیری برای تعدیل و رام کردن این غریزه اندیشیده است و در این زمینه، هم برای  
زنان و هم مردان تکلیف معین کرده است. یک وظیفه مشترک که برای زن و مرد هر دو  
مقرر فرموده مربوط به نگاه کردن است:

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ... قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ.

خلاصه این دستور این است که زن و مرد نباید به یکدیگر خیره شوند، نباید چشم چرانی کنند، نباید نگاه‌های مملو از شهوت به یکدیگر بدوزند، نباید به قصد لذت بردن به یکدیگر نگاه کنند. یک وظیفه خاص هم برای زنان مقرر فرموده است و آن این است که بدن خود را از مردان بیگانه پوشیده دارند و در اجتماع به جلوه گری و دلربایی نپردازند، به هیچ وجه و هیچ صورت و با هیچ شکل و رنگ و بهانه‌ای کاری نکنند که موجبات تحریک مردان بیگانه را فراهم کنند.

روح بشر فوق العاده تحریک پذیر است. اشتباه است که گمان کنیم تحریک پذیری روح بشر، محدود به حد خاصی است و از آن پس آرام می‌گیرد.

همان طور که بشر - اعم از زن و مرد - در ناحیه ثروت و مقام از تصاحب ثروت و از تملک جاه و مقام سیر نمی‌شود و اشباع نمی‌گردد، در ناحیه جنسی نیز چنین است. هیچ مردی از تصاحب زیبا رویان و هیچ زنی از متوجه کردن و تصاحب قلب آنان و بالاخره هیچ دلی از هوس سیر نمی‌شود.

واز طرفی تقاضای نامحدود خواه ناخواه انجام ناشدنی است و همیشه مقرون است به نوعی احساس محرومیت. دست نیافتن به آرزوها به نوبه خود منجر به اختلال روحی و بیماریهای روانی می‌گردد.

چرا در دنیای غرب اینهمه بیماری روانی زیاد شده است؟ علتش آزادی اخلاقی جنسی و تحریکات فراوان سکسی است که بوسیله جراید و مجلات و سینماها و تئاترها و محافل و مجالس رسمی و غیر رسمی و حتی خیابانها و کوچهها انجام می‌شود.

اما علت اینکه در اسلام دستور پوشش اختصاص به زنان یافته است این است که میل به خود نمائی و خود آرائی مخصوص زنان است. از نظر تصاحب قلبها و دل، مرد شکار است و زن شکارچی! همچنان که از نظر تصاحب جسم و تن، زن شکار است و مرد شکارچی! میل زن به خود آرائی از این نوع حس شکار چیگری او ناشی می‌شود. در هیچ جای دنیا سابقه ندارد که مردها لباسهای بدن نما و آرایشهای تحریک کننده به کار برند. این زن است که به حکم طبیعت خاص خود می‌خواهد دلبری کند و مرد را دلباخته و در دام علاقه به خود اسیر سازد. لهذا انحراف تبرج و برهنگی از انحرافهای مخصوص زنان است و دستور پوشش هم برای آنان مقرر گردیده است.<sup>(1)</sup>

«شرافت زن اقتضا می‌کند که هنگامی که از خانه بیرون می‌رود، متین و سنگین و باوقار باشد، در طرز رفتار و لباس پوشیدنش هیچ گونه عمدی که باعث تحریک و تهییج شود به کار نبرد، عملاً مرد را به سوی خود دعوت نکند، زباندان لباس نپوشد، زباندان راه نرود، زباندان و معنی دار به سخن خود آهنگ ندهد، چه آنکه گاهی اوقات ژست‌ها سخن می‌گویند، راه رفتن انسان سخن می‌گوید، طرز حرف زدنش یک حرف دیگری می‌زند»<sup>(2)</sup>.

«ما انکار نمی‌کنیم که دسترسی نداشتن به زن موجب انحراف می‌شود و باید شرائط ازدواج قانونی را سهل کرد، ولی بدون شک آن مقدار که تبرج و خود نمائی زن در



اجتماع و معاشرت‌های آزاد سبب انحراف جنسی می‌شود، به مراتب بیشتر از آن است که محرومیت و دست‌نارسی سبب می‌گردد.<sup>(3)</sup>

### تاج افتخار

|                                               |                              |
|-----------------------------------------------|------------------------------|
| تاروپودش باتوم‌گوید سخن                       | بشنو از چادر که در توصیف زن  |
| تاشرافت را به عصمت بافته                      | تاروپودم را شرافت تافته      |
| دختران دُرند و چادر چون صدف                   | در کلاس حفظ تقوا و شرف       |
| زانکه زن را زینت زن، چادر است                 | بهترین سرمایه زن چادر است    |
| دختران را هست تاج افتخار                      | حفظ چادر در سرای اقتدار      |
| شیوه زهرا و درس زینب است                      | حفظ چادر، حفظ دین و مذهب است |
| روسفیدی نزد زهرا علیها السلام می‌کند          | حفظ چادر سدّ فحشا می‌کند     |
| حافظ گل از هجوم خارهاست                       | حفظ چادر چاره ساز کارهاست    |
| دست ردّبر سینه نامحرم است <sup>(زولیده)</sup> | حفظ چادر زخمها را مرهم است   |

### ارزش و جایگاه حجاب و عفاف

یقیناً دستور خداوند مبنی بر وجوب حجاب زنان، بخاطر فوایدی است که از این مسئله

## 1. مسأله حجاب. 2. همان 3. همان

نصیب بشریت می گردد و از طرفی بخاطر دوری از ضررها و خساراتی است که برهنگی و بی حجابی به انسان ها وارد می کند.

حجاب عامل استحکام خانواده ها می باشد. اگر در جامعه ای حجاب زنان رعایت گردد جوانان به ازدواج گرایش پیدا کرده و آمار ازدواج بالا می رود. آمار طلاق کاهش می یابد. زیرا آنها راه اطفاء غرایز را در ازدواج می بینند. اما در جامعه ای که برهنگی و بی حجابی رواج دارد ارتباطات نامشروع زیاد شده و بالطبع ازدواج کاهش می یابد و کانون خانواده هایی که تشکیل شده متزلزل می شود چه بسا شوهر با زنان هرزه دیگری ارتباط برقرار کند. چه بسا زن در خفا با مردان دیگر ارتباط برقرار نماید.

حجاب باعث حفظ آرامش روانی افراد جامعه و عامل پاکی دلها می شود.

قرآن کریم، حجاب را عامل پاکی دل و روح می داند.

در سوره احزاب آیه 53 می فرماید: اگر از زنان پیامبر چیزی خواستید دریافت کنید از پشت پرده باشد که این هم برای پاکی دل شما وهم آنان بهتر است. ذالکم اطهر لقلوبکم وقلوبهنّ

وقتی چشم چرانی صورت بگیرد یا زنان با لباسهای نامناسب ظاهر شوند افکار زن و مرد به هم مشغول شده و دلها آلوده می شود. صفای دل از بین می رود. گاهی مسئله خیانت زن و مرد پیش می آید و همه این مشکلات بخاطر عدم رعایت حجاب توسط زنان می باشد.

حجاب عامل تقرب الهی است. یقیناً زنانی که با حجاب هستند و عفاف دارند مورد عنایت پروردگار قرار می گیرند و برعکس، زنانی که عفت ندارند یا با برهنگی و بی حجاب در

مقابل مردان ظاهر می شوند مورد نظر لطف الهی قرار ندارند و دعایشان مستجاب نمی شود و اعمال خوبی که انجام دهند قبول نمی شود. و این کاملاً در روایات مربوط به حجاب ذکر شده است. زنان بی حجاب جایگاهی در نزد خداوند سبحان ندارند مگر اینکه توبه کنند و خود را اصلاح نمایند که موارد زیادی بوده که از زنان و دختران غربی یا زنان رقاص یا خواننده عربی که توبه کرده و به عفاف و حجاب و پاکدامنی برگشته اند و مورد لطف خداوند قرار گرفته اند.

حجاب زنان باعث بالارفتن ارزش و عزت و کرامت زنان است ولی بی حجابی ارزش زن را تا حد یک وسیله جنسی پایین می آورد.

حجاب زنان مسلمان سلاح آنان در مقابل فرهنگ منحط غرب است. زنان با حجاب در حقیقت با حجاب خود در حال مبارزه با شیاطین و مفسدان و شهوت طلبان و مستکبرین هستند لذا قدرتمندان فاسد هم در این جنگ پنهانی از ابزارهایی چون اخراج از مدرسه و دانشگاه و ادارات و کارخانجات و جاهای دیگر استفاده می کنند. ولی استقامت زنان با حجاب باعث شده که دشمنان حجاب تاکنون در بی حجاب کردن زنان با عفاف و با حجاب موفق نشوند.

## آثار زیانبار بی حجابی و بی عفتی

افزایش بیماران روانی و افزایش افسردگی و خودکشی و قتل و جنایت و خیانت به همسر و تولد فرزندان نامشروع و از هم پاشیده شدن کانون خانواده ها و افزایش طلاق، فرار دختران از کانون خانواده ها، تجاوز و هتک حرمت زنان بدون تاثیر از بی حجابی زنان نیست.

در هر جامعه‌ای که زنان بی حجاب ظاهر شوند و عفاف در آن جامعه حاکم نباشد باید منتظر افزایش آسیبهای اجتماعی باشیم.

پایین آمدن سطح اخلاق زنان در غرب که در برهنگی و اختلاط بدون قید و شرط با مردان بصورت آشکار دیده می‌شود باعث شده که آمار حیرت آوری از بالا رفتن خودکشی و هتک حرمت زنان و گسترش بیماری‌های جنسی امثال آن در غرب اعلام گردد.

در امریکا بیش از 650 بیمارستان مخصوص امراض جنسی وجود دارد! همچنین در امریکا در هر یک دقیقه یک نفر دست به خودکشی می‌زند! در فرانسه از هر هزار نفر فقط 6 نفر ازدواج می‌کنند! و در این کشور سالی 35 هزار نفر خودکشی می‌کنند! در آلمان بیش از 50 درصد مردان مجرد زندگی می‌کنند! ژاپن بیشترین آمار خودکشی در جهان را دارد!

البته اینها اگر به دستورات اسلام عمل می‌کردند به این روز نمی‌افتادند ولی چه باید کرد که دولتمردان کشورهای صنعتی و غربی همگی بی دین هستند و اعتقادی به دستورات خداوند ندارند پس چگونه انتظار می‌رود که به دستورات اسلام عزیز که همگی نسخه‌های شفا بخش هستند عمل کنند؟

اما در جوامعی که زنان حجاب و عفاف دارند مخصوصا به قوانین اسلام عمل می‌کنند به ندرت این آسیبها در طول هفته و ماه اتفاق می‌افتد. آمار خودکشی در ایران به هیچ وجه قابل مقایسه با کشورهای غربی نیست. همچنین آمار دیگر آسیبهای اجتماعی در کشورمان بسیار پایین تر از کشورهای غربی است. و آسیبهایی هم که در کشورمان وجود دارد از ناحیه زنان و مردانی است که به دستورات اسلام عمل نمی‌کنند. والا در میان مؤمنین و مؤمنات، آسیبهای اجتماعی و مفسد اخلاقی بسیار کم است و به ندرت اتفاق می‌افتد.

## نکوهش طلاق

در دین اسلام طلاق فقط در ضرورت مباح است آنهم بدترین مباح! و باید تا آنجا که زن وشوهر می توانند از طلاق دوری کنند زیرا طلاق آثار زیانباری برای جامعه مسلمین در پی دارد.

## اما علل طلاق

- 1- ازدواج های اجباری که به اجبار والدین دختر یا پسر، سر گرفته شده است احتمال طلاق در آن وجود دارد.
- 2- عدم رعایت کفو و هم شان بودن یعنی باید زن و مرد هم شان باشند در زیبایی. در سواد و تحصیلات. در امکانات مادی. در نسب و حسب. در اخلاق و تقوا.
- 3- ازدواج هایی که بر اثر چشم چرانی دختر و پسر بوجود می آید نیز در معرض خطر طلاق است.
- 4- عدم تحقیق درباره هم، قبل از ازدواج منجر به مشکلاتی بعد از ازدواج از جمله طلاق می گردد.
- 5- باید زن وشوهر بعد از جاری شدن صیغه ازدواج که خود یک پیمان الهی است نسبت بهم وفادار باشند و خدای نکرده اگر قبل از ازدواج با کسی ارتباط یا دوستی داشته اند دیگر بعد از ازدواج آن را فراموش کنند و فقط به همسر خود بیاندیشند و به او عشق و علاقه

بورزند . اما وقتی وفادار نباشند و همسر متوجه شود، محبتش از بین می‌رود و اختلاف بین خانواده پدید می‌آید .

6 - دخالت‌های بیجای والدین دختر یا پسر در زندگی فرزندان باعث اختلاف و در نتیجه مسئله طلاق مطرح می‌شود .

7 - عدم آشنایی زن و شوهرها با وظایف خود نیز باعث اختلاف می‌گردد . که در بخش خانواده به این وظایف اشاره شده است .

### احترام به سالمندان

در مکتب اسلام برای سالمندان جایگاه ویژه‌ای در نظر گرفته شده است . در سوره اسراء آمده است

وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا مَعْرُوفًا ۚ إِنَّمَا يَبْغُ الْكَبِيرُ أَحَدُهُمَا ۚ وَكَلاَهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٌ

اگر یکی از والدینت یا هردوشان به سالخورده‌گی رسید پس مبادابه آنها حتی اُف بگویی و آنها را نرنجان و با آنان با خوبی حرف بزنی .<sup>(1)</sup>

این یکی از آزمون‌های الهی است که گاهی خداوند سبحان بوسیله پدر یا پدربزرگ و یا مادر و یا مادر بزرگ سالخورده و ناتوان از فرزندان و نوه هایشان بعمل می‌آورد . که چگونه وجود اینها را تحمل می‌کنند . البته در کشور ایران در اکثر خانواده‌ها، بخاطر خوی ایرانی و اسلامی بودن برای پیران بعنوان بزرگان فامیل احترام خاصی قائلند و از آنها خوب مواظبت و پذیرایی می‌نمایند .

سالخوردگان در این ایام به احترام بیشتری نیاز دارند . آنها بخاطر اینکه دیگر از کار و تلاش بازنشسته شده‌اند گاهی در خود احساس تنهایی می‌نمایند لذا باید با آنها بیشتر گرم گرفت و با تحمل و صبر به سخنان آنان گوش داد مخصوصا اگر دچا نقص در حواس پنجگانه هستند باید بیشتر به آنها رسیدگی نمود . و حتی غرغره‌ای آنان را تحمل نمود .

امام ششم علیه‌السلام : ای میسر ! اگر می‌خواهی عمرت زیاد شود به پدر و مادر پیرت نیکی کن .<sup>(2)</sup>

لازم نیست که سالمند از بستگان انسان باشد . بلکه باید به هر پیر مسلمانی احترام گذاشت .

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله : کسی که پیر مسلمانی را احترام کند از فزع اکبر قیامت در امان خواهد بود .<sup>(1)</sup>

اما عده‌ای از فرزندان هستند که اجر و ثواب نگه داری از پیران را فراموش کرده و آنان را به طرق مختلف اذیت می‌کنند . به آنان بی‌اعتنایی نموده و آنها را و بال گردن خود و یک عضو اضافه خانواده فرض می‌کنند که این برخوردها ضربات سختی بر روح و روان پیران وارد کرده و گاهی باعث مرگ زودرس آنان و باصطلاح دق مرگ شدنشان می‌شود . که باید عاملین این اذیت و آزارها در انتظار عذاب دنیوی و اخروی الهی باشند .

گویند وارثین شخصی برای پدرشان خیرات و مبرات نمی‌کردند . نصیحت کننده‌ای به

آنان گفت که اگر برای پدرتان کارهای خیر نکنید او در قبر می‌سوزد! آنان گفتند: اگر یکنفر بسوزد بهتر است که ما ده نفر بسوزیم!

در فرهنگ غرب بی‌اعتنایی به سالمندان یک امر عادی و فراوان است و هیچ جایگاهی برای سالمندان در بین خانواده‌ها در نظر گرفته نشده است.

نماینده آیه الله بروجردی در آلمان گفته بود که برای عیادت مسلمانی به بیمارستان می‌رفتیم. در اتاق آن مریض یکی از پیرمردهای آلمانی بستری بود. روزی از ما پرسید که شما با این مسلمانی که مرتب به عیادت اومی‌آیید نسبتی دارید؟ گفتیم خیر بلکه او برادر مسلمان است. او گفت با اینکه زن و بچه من در همین شهر هستند ولی تاکنون به عیادت من نیامده‌اند!

احترام به سالمندان منحصر به خویشان نیست بلکه باید به هر پیری احترام گذاشت.

روایت شده که امیرالمؤمنین علیه‌السلام در شهر کوفه چشمش به پیرمردی یهودی افتاد که مشغول گدایی بود. حضرت از او پرسید چرا گدایی می‌کند؟ گفت تا جوان بودم کار کردم ولی اکنون قادر به کار نیستم. امام دستور داد تا از بیت المال مسلمین برای او حقوق مقرر فرمودند.<sup>(2)</sup>

نقل شده که عده‌ای به دیدار امام صادق علیه‌السلام رفتند. امام به آنها گفت چرا بما ظلم می‌کنید؟ آنها گفتند که ما چه ظلمی بشما کرده‌ایم؟ فرمود در راه آمدن به مدینه پیر کردی که همراهمان است از خستگی پیاده آمدن به جوانی که سوار اسب بود گفت اگر می‌شود



مراهم سوار کن که خیلی خسته شده‌ام . ولی او جواب نداد و اعتنایی به آن پیرمرد ننمود . و این ظلم به ما حساب می‌شود .<sup>(3)</sup>

1 . خوبی‌ها و بدی‌ها - ثواب الاعمال/189 ذ 2 . خوبی‌ها و بدی‌ها .

3 . خوبی‌ها و بدی‌ها . 4 . سوره تحریم، آیه 6.

فرزندان (2)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَاراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ»<sup>(4)</sup>

ای مؤمنین! خود و خانواده تان را از آتش جهنم دور نگه دارید .

در مورد فرزندان و حقوق آنان بر گردن والدین و حقوق والدین بر گردن فرزندان مطالب جالبی نقل می کنیم.

اسلام به داشتن فرزندان تشویق و ترغیب فرموده و از زنان بسیار بچه زا تعریف نموده است و فرموده فرزند زیاد بیاورید تا در قیامت امت اسلامی از سایر امت ها بیشتر باشند .

ثواب بارداری و دوران حمل

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله : زن از روزی که حامله شود تا زمانی که وضع حمل نماید

1 . خوبی ها و بدی ها - ثواب الاعمال/189 ذ 2 . خوبی ها و بدی ها .

3 . خوبی ها و بدی ها . 4 . سوره تحریم، آیه 6.

و فرزندش را از شیر بازگیرد، مثل کسی است که درمرز با کافران جهاد می کند! و اگر در این فاصله بمیرد، ثواب شهید را دارد. <sup>(1)</sup>

در روایت است که شخصی که بچه دار نمی شود، این آیه را بطور مرتب در سجده بخواند:

«رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ . رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ» <sup>(2)</sup>.

\*\*\*

ابرش کلبی به امام پنجم علیه السلام عرض کرد که: خانواده‌ام بچه دار نمی‌شوند. حضرت فرمود: هر روز یا هر شب، صد مرتبه استغفار کن!<sup>(3)</sup>

\*\*\*

شخصی خدمت امام صادق علیه السلام رفت و گفت: ای فرزند رسول خدا! من هشت دختر دارم. ولی پسری ندارم! دعا بفرمایید خداوند سبحان بمن پسری عنایت کند. امام فرمود: چون خواستی با همسرت نزدیکی کنی، دست راست را بر ران چپ زن بگذار و سوره قدر را هفت بار بخوان!

وقتی هم که آثار حاملگی پیدا شد، در موقع شب، وقتی همسرت پهلو به پهلو شد، دست راست را بر ران راست او بگذار و سوره قدر را هفت بار بخوان!

راوی می‌گوید: بدستور امام عمل کردم، و خداوند سبحان بمن پسر عنایت کرد. دیگران هم به این طریق عمل کردند، و خداوند سبحان به آنان هم پسر عنایت فرمود.<sup>(4)</sup>

\*\*\*

رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند سبحان فرموده است: بعزت و جلالم سوگند که هر زن تازه زاده را، رطب بخورد، فرزند او را بردبار گردانم.<sup>(5)</sup>

\*\*\*

روایت شده وقتی به امام سجّاد علیه السلام بشارت ولادتِ رامی دادند، از پسر و یا دختر بودنش سؤال نمی کرد، بلکه می پرسید: آیا سالم است؟ و هنگامی که می گفتند: آری! می فرمود: (الحمد لله الذی لم یخلق منی شیئاً مشوهاً)<sup>(6)</sup>

شکر خدایی را که فرزند مرا معیوب متولد نفرمود .

\*\*\*

## نقش والدین در سعادت و شقاوت فرزندان

«وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ»<sup>(7)</sup>

سفارش والدین را به انسان می کنیم که مادر مدتی شما را در شکم حمل کرد سپس دو سال شیر داد . پس ابتدا شکر من سپس والدینت را بکن که عاقبت نزد من خواهی آمد.

---

1. حلیة المتقین - مکارم الاخلاق/234

2. حلیة المتقین - بحار الانوار 83/101 3. حلیة المتقین - الکافی 8/6

4. مکارم الاخلاق/225 5. حلیة المتقین - بحار الانوار 135/63

6. حلیۃ المتقین - الکافی 21/6 7. سوره لقمان، آیه 14.

1- تربیت خوب فرزند ثوابهای عظیمی دارد زیرا والدین باید سختی‌ها و مجاهدت‌های زیادی انجام دهند تا فرزندان به سعادت برسند.

2- والدین در ابعاد مختلف تربیتی از قبیل جسمانی، روانی، رفتاری و دینی نقش آفرین هستند.

3- نقش محبت به فرزندان در سعادت فرزندان بسیار اثرگذار است. بشرط اینکه اعتدال در آن رعایت شود. همچنین رعایت عدالت در محبت به فرزندان مسئله مهمی می‌باشد.

4- اقتدار والدین نیز باید همراه با محبت باشد تا برنامه‌های تربیتی آنها مورد مسامحه قرار نگیرد. والا اگر اقتدار نباشد فرزندان نافرمانی می‌کنند که پیامبر اعظم ص فرمود: خدایا بتو پناه می‌برم از فرزندی که خدایم باشد!<sup>(1)</sup> یعنی فرزند به والدین امر و نهی کد.

5- در برخورد تنبیهی با فرزند باید ترتیب رعایت شود بدین صورت که در صورت تخلف فرزند، ابتدا با قهر والدین و در صورت عدم تاثیر استفاده از حالات چهره و نگاههای تند به فرزند و در مرحله بعد تذکر در خلوت سپس محروم کردن از مزایایی مثل تفریح و پول توجیبی بعد از آن وادار کردن به کارهای خدماتی منزل و در آخر تنبیه بدنی که نباید باعث سرخ و کبود شدن بدن شود.

اگرچه در زندگی ائمه ع دیده نشده که فرزندان‌شان را تنبیه کرده باشند.

6- در هفت سال اول بجز بازی نباید برنامه آموزشی از کودک انتظار داشت.

امام کاظم ع فرمود: مستحب است فرزند در کودکی به بازی و جست و خیز پردازد تا در بزرگسالی حلیم گردد.<sup>(2)</sup>

والدین خوبست با کودکان بازی کنند. علی ع فرمود: هر که فرزندی دارد با او کودکی کند.<sup>(3)</sup>

7- فضای منزل باید امن باشد والا تربیت با مشکل روبرو می گردد پس اگر زوجین باهم درگیری دارند دور از فرزندان باشد.

8- تحقیر فرزندان و سرنش آنها در حضور دیگران مخصوصا آزار کودک گاه منتهی به ضررهای بزرگی در سنین بالا می گردد. جوانی که 50 کودک را مورد تجاوز سپس قتل قرار داده بود بعد از دستگیری اعلام کرد تصمیم داشتم هزار کودک را اینگونه از بین ببرم زیرا در کودکی بمن تجاوز شد.

کودکان را با عزت نفس باریاورید. برخلاف بعضی کولها که فرزندان شان را از همان کودکی گدا بار می آورند!

9- از هفت سالگی به بعد باید مراقبت بیشتری از نوجوان بعمل آید زیرا او ساعاتی را از خانواده دور می شود.

امام فرمود: الزمه نفسک سبع سنين ثم ضمّه اليك سبع سنين<sup>(4)</sup>

دو تا هفت سال از او مراقبت نما!

10- وادار کردن نوجوان به نماز از مهمترین برنامه تربیتی والدین است. که بقدری این مسئله مهم است که پیامبر رحمت فرمود اگر نوجوان بعد از 7 یا 9 سالگی به هیچ وجه حاضر به نماز خواندن نشد او را با تنبیه وادار کنید تا نماز بخواند.

زیرا آنقدر در نماز فوائد است که در این مورد زور و اجبار بلامانع است. البته تنبیهی که به آسیب بدنی و روحی منجر نگردد.

### عقیقه و ولیمه

امام ششم علیه السلام : عقیقه نوزاد بر ثروتمند و فقیر واجب است و فقیر اگر نتوانست، چنانچه بعدها برایش مقدور شد، عقیقه کند. <sup>(1)</sup>

امام ششم علیه السلام : عقیقه نوزاد مثل قربانی نیست. لذا هر گوسفندی باشد، خوب است. البته هر چه فربه تر باشد، بهتر است. <sup>(2)</sup>

امام ششم علیه السلام : یکچهارم گوشت عقیقه را به قابله دهند و اگر قابله نبود، به مادر طفل دهند تا به هر که می خواهد، بدهد. و حداقل ده نفر از گوشت عقیقه استفاده نمایند. و اگر بیشتر از ده نفر باشند، بهتر است. <sup>(3)</sup>

از امام ششم راجع به عقیقه سؤال شد. فرمود: گوسفند یا گاو یا شتر برای او قربانی کنند و بعد از عقیقه، بر کودک نام گذارند و روز هفتم سر او را بتراشند و به و زن مویش، طلا یا نقره صدقه دهند و اگر پسر است حیوان نر و اگر دختر است، حیوان ماده قربانی کنند. <sup>(4)</sup>

امام ششم علیه السلام : هر کودکی در گرو عقیقه است. و عقیقه از قربانی واجب تر است. <sup>(5)</sup>



1. بحارج 81ص 186 2. بحارج 42ص 214 3. وسائل ج 15ص 203

4. وسائل ج 15ص 193

عمر بن بزید می گوید: در سن پیری بودم که به امام صادق علیه السلام عرض کردم که: بخدا سوگند! نمی دانم که وقتی متولد شدم، پدرم برایم عقیقه کرد یا خیر؟ امام فرمود: الان برو و برای خودت عقیقه کن! منهم در سن پیری برای خود عقیقه نمودم.<sup>(6)</sup>

امام ششم علیه السلام: مادر از عقیقه فرزندش نخورد.<sup>(7)</sup>

آداب مربوط به فرزندان

نام گذاری نیکو، قربانی کردن، تعلیم قرآن کریم، یاد دادن آداب نیکو، کمک به ازدواج فرزندان، تاکید بر نماز خواند فرزندان از جمله حقوق فرزندان بر والدین است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله: کسی که خداوند سبحان به او چهار پسر بدهد و نام مرابری یکی از آنها نگذارد، بر من ظلم کرده است.<sup>(8)</sup>

امام کاظم علیه السلام : فقر در خانه‌ای که اسم فرزندان، محمد یا احمد یا علی یا حسن یا حسین یا جعفر یا طالب یا عبدالله و یا فاطمه باشد، وارد نمی‌گردد. <sup>(9)</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله : فرزند بر پدر حقوقی دارد و پدر نیز بر فرزند حقوقی دارد. اما حق پدر بر فرزند آنست که در هر چیزی بجز معصیت، مطیع پدر باشد. و حقوق فرزند بر پدر آنست که برای فرزندش نام نیکو بگذارد و ادب نیکو به او بیاموزد و قرآن کریم را به او تعلیم نماید. <sup>(10)</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله : اگر فرزند خواستار ازدواج باشد و پدر توانایی مخارج ازدواج او را ندارد ولی امتناع کند و فرزند مجردش به معصیت و گناه آلوده شود، معصیت او را در نامه پدرش می‌نویسند. <sup>(11)</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله : در هفت سالگی فرزند را به خواندن نماز تمرین دهید و در ده سالگی در صورت نماز نخواندن، بر آنان سخت گرفته شود و حتی آنان را با زدن هم شده به نماز وادار کنید. <sup>(12)</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله : کسی که فرزندش را ببوسد یک حسنه دارد و اگر او را خوشحال کند، روز قیامت خدا او را خوشحال می‌کند و کسی که به فرزندش قرآن بیاموزد، روز قیامت پدر و مادر کودک را ندا نموده و دو حله بهشتی از نور، برتن آنان می‌نمایند که از نورش صورت اهل محشر روشن می‌شود. <sup>(13)</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله : فرزند صالح گلی از گلهای بهشت است. <sup>(14)</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله : کسی که خدا به او دختری بدهد و او را اذیت نکند و او را کوچک نشمارد و فرزندان پسر را بر او ترجیح ندهد، خدا بخاطر همین دختر، او را به بهشت می برد .<sup>(15)</sup>

---

1. حلیۃ المتقین - مکارم الاخلاق/226 2. حلیۃ المتقین - مکارم الاخلاق/227
  3. مکارم الاخلاق/227 4. مکارم الاخلاق/227 5. الکافی/25/6 6. مکارم الاخلاق/226
  7. بحار الانوار/252/10 8. بحار الانوار . 9. الکافی/19/6 10. میزان الحکمة/3678/4
  11. میزان الحکمة. 12. میزان الحکمة - مکارم الاخلاق/222 13. میزان الحکمة/3669/4
  14. میزان الحکمة/3671/4 15. میزان الحکمة/3672/4 16. میزان الحکمة/3672/4
- 

رسول خدا صلی الله علیه و آله : دختران حسنا کنند و پسران نعمتند و بر حسنات ثواب داده می شود . ولی از نعمتها سؤال می شود .<sup>(16)</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند سبحان دوست دارد که آنچنان بین فرزندان با عدالت رفتار نمایید که حتی در بوسیدن آنها نیز مساوات باشد. <sup>(1)</sup>

امام ششم علیه السلام : میراث خداوند سبحان به بنده مؤمنش، فرزند صالحی است که برای پدرش طلب آمرزش کند. <sup>(2)</sup>

در روایت است که پسران وقتی به شش سالگی رسیدند نباید در یک بستر بخوابند. <sup>(3)</sup>

ختان

امام ششم علیه السلام : کسی که ختنه نکرده نباید پیشنمازی مردم را بکند و شهادتش قبول نیست و اگر مرد بر او نماز نخوانند ! زیرا بزرگترین سنت پیامبر صلی الله علیه و آله را ترک کرده است. <sup>(4)</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله : اگر فرزندان تا رادر روز هفتم ختنه کنید، پاکیزه تر است و زودتر زخم آن بهبود می یابد و گوشت می روید .

و فرمود: زمین از بول شخص ختنه نشده تا چهل روز آلوده است. <sup>(5)</sup>

چگونه با پدر و مادر و فامیل برخورد نماییم؟

استحکام کانون خانواده ها وابسته به درست برخورد کردن با اعضای خانواده است . کسانی که دستورات بزرگان دین را در این مورد رعایت می کنند معمولاً خانواده های موفق دارند .

پدر و مادر علت ظاهری بدنیا آمدن هر انسانی هستند لذا خداوند سبحان که علت اصلی وجود هر شخصی است، فرموده است که:

واز بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که فقط الله را پرستند و به والدین نیکی کنند.<sup>(6)</sup>

نیکی به پدر و مادر

پدر و مادر علت ظاهری بدنیا آمدن هر انسانی هستند لذا خداوند سبحان که علت اصلی وجود هر شخصی است، فرموده است که:

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَآئِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنتُمْ مُّعْرِضُونَ<sup>(7)</sup> «83»

«واز بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که فقط الله را پرستند و به والدین نیکی کنند»<sup>(8)</sup>

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ<sup>(9)</sup> «215»

«بگو انفاق آن است که صرف پدر و مادر و فامیل‌های انسان شود.»

وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ مُخْتَلًا فَخُورًا<sup>(10)</sup> «36»

«خدا را عبادت کنید و برایش شریک نگیرید و به والدین نیکی کنید»

«نباید برای خدا شریک بگیرید و باید به پدر و مادر نیکی کنید»<sup>(11)</sup>

«ابراهیم گفت: خدای ما! مرا و پدر و مادرم و مؤمنین را بیامرز»<sup>(12)</sup>

«خدا دستور داد که او را به یگانگی پرستید و به پدر و مادر نیکی نمائید.»<sup>(13)</sup>

«خدا در مورد یحیی فرمود: او به پدر و مادرش نیکی می کرد»<sup>(14)</sup>

«عیسی گفت: من به مادرم نیکی می کنم»<sup>(15)</sup>

«ما به انسان وصیت کردیم که به پدر و مادرش نیکی بکند»<sup>(16)</sup>

- 
1. میزان الحکمة 3673/4 2. میزان الحکمة 3671/4 3. حلیة المتقین - مکارم
  - الاخلاق/223 4. حلیة المتقین - علل الشرایع 327/2 5. مکارم الاخلاق - الکافی 35/6
  6. سوره بقره، آیه 83. 7. بقره 8. سوره بقره، آیه 83. 9. سوره بقره، آیه 215.
  10. سوره نساء، آیه 36. 11. سوره انعام، آیه 151. 12. سوره ابراهیم، آیه 41.
  13. سوره اسراء، آیه 23. 14. سوره مریم، آیه 14. 15. سوره مریم، آیه 32.
  16. سوره عنکبوت، آیه 8. 17. سوره لقمان، آیه 14. 18. سوره نوح، آیه 28.

«و آدمی را درباره پدر و مادرش سفارش کردیم - مادرش او را در ناتوانی حمل کرد و دو سال او را شیر داد- که مرا و پدر و مادرت را شکر نما»<sup>(17)</sup>

«نوح گفت: خدایا! مرا و پدر و مادرم و هر مؤمنی که به خانه ام می آید را بیا مرز»<sup>(18)</sup>

که خداوند سبحان در بعضی از این آیات بعد از توحید، احترام به پدر و مادر را ذکر فرمود .

نیکی به پدر و مادر آثار سازنده ای در جامعه دارد . از جمله این آثار میتوان به مستحکم شدن کانون خانواده ها و در نتیجه به استحکام جامعه منجر می شود، اشاره کرد .

از نظر روانی نیز فرزندان این خانواده ها در سلامت و آرامش خوبی هستند .

همچنین نیکی فرزندان به والدین باعث نیکی فرزندانشان به آنها می شود .

«پیامبر صلی الله علیه و آله : به والدین خود احترام بگذارید تا فرزندان شما هم بشما احترام بگذارند»<sup>(1)</sup>

«امام ششم علیه السلام : ای میسر ! اگر می خواهی عمرت زیاد شود به پدر و مادر پیرت نیکی کن .»<sup>(2)</sup>

رضایت والدین از فرزندان مؤمن باعث رضایت خدا می شود . و از جمله دعا های مستجاب ، دعای پدر برای فرزند صالح است .

با دعای پدر، علامه شد !

«پدر علامه مجلسی بنام حجه الاسلام محمد تقی مجلسی شبی در سحر مشغول مناجات بود . ناگاه احساس کرد که در این حالت دعایش مستجاب است . بفکر فرو رفت تا چه دعائی بکند . در این حال گریه پسرش محمد باقر بلند شد . پدر دعا کرد که خدایا ! پسر مرا فقیه قرار بده !

این پسر بزرگ شد و از فقهای بزرگ اسلام گردید .»<sup>(3)</sup>

نگاه با محبت به والدین نیز علاوه بر آثار مثبت دنیوی، ثواب اخروی نیز دارد . حتی برای هربار نگاه با محبت به والدین اگرچه بارها تکرار شود ثواب یک حج مستحبی نوشته می شود .

کسی که گناهای مرتکب شود چنانچه پشیمان شده باشد، بهتر است برای مقبول شدن توبه خود، به والدین خود محبت نماید .

همچنین نیکی به والدین باعث تقرب الی الله می گردد .

نیکی به مادر او را هم ردیف موسی علیه السلام کرد

روزی موسی علیه السلام از خدا خواست که همنشین او را در بهشت به او نشان دهد .

خدا به او وحی کرد که همنشین تو در بهشت فلان مرد قصاب است . حضرت موسی

علیه السلام سراغ قصاب مذکور رفت و به او گفت که آیا مهمان نمی خواهی؟ قصاب

جواب داد چرا می خواهم . او حضرت موسی علیه السلام را بخانه خود برد . حضرت موسی



علیه السلام که او را زیر نظر داشت دید که ابتدا از زنبیلی پایین آورد که در آن پیرزنی فرتوت بود. جوان دست و صورت پیرزن را شست و به او غذا داد. بعد دوباره اورادر زنبیل گذاشته و در حالی که لبهای پیرزن حرکت می کرد، زنبیل را به سقف آویزان کرد. سپس قصاب برای موسی علیه السلام غذا آورد. بعد از صرف غذا، موسی علیه السلام از قصاب پرسید: این پیرزن کیست؟

گفت: مادرم است که چون خدمتکاری ندارم، خودم او را تروخشک می کنم. موسی علیه السلام پرسید: وقتی می خواستی مادرت را در زنبیل بگذاری او چه گفت؟

گفت: هر گاه او را تروخشک می کنم در حق من دعا می کند و می گوید: خداتورا با موسی در بهشت همنشین کند. <sup>(4)</sup>

بزرگان دین به کسانی که نسبت به والدین خود احترام می گذاشتند، با احترام برخورد می نمودند و نسبت به کسانی که به والدین خود جفا می نمودند، با خشم و یا بی اعتنائی برخورد می کردند.

«وقتی خواهر رضاعی پیامبر صلی الله علیه و آله به دیدن حضرت آمد، پیامبر برای او احترام فوق العاده ای گذاشتند ولی وقتی برادر رضاعی پیامبر آمد حضرت مانند خواهرش به او احترام نکردند. اصحاب علت را پرسیدند. حضرت فرمود علت بیشتر احترام کردن من به خواهر رضاعیم این است که او به پدر و مادرش زیاده تر نیکی می کند.» <sup>(5)</sup>

محبت باعث مسلمان شدن

«زکریا که مسیحی بود، مسلمان و شیعه شد. امام صادق علیه السلام به او سفارش کرد که اگرچه پدر و مادرت مسیحی هستند ولی احترام به آنها را ترک نکن! وقتی زکریا بیشتر از قبل به پدر و مادرش نیکی می کرد، مادرش از این برخورد او خوشحال شد و تمایل پیدا کرد که او هم مسلمان شود. او از پسرش خواست که شهادتین را به او یاد دهد تا او هم اسلام بیاورد. و این چنین بود که با برخورد اسلامی، مادر زکریا اسلام آورد.

امام علیه السلام به او دعای مشلول را یاد دادند که آنرا بخواند. او این دعا را خواند و پیامبر را در خواب دید که حضرت دستی برپاهای او کشید و او شفا یافت.»<sup>(6)</sup>

«امام سجاد علیه السلام دیدند که نوجوانی بنحوی ادبانه‌ای به پدرش تکیه کرده است. بعد از این امام هیچگاه با آن جوان صحبت نکردند تا جوان از دنیا رفت.»

از صاحب قصر سؤال کرد. گفتند: مال فلان نجّار شیرازی است. ناگاه صاعقه‌ای آمد و قصر را تبدیل به خاکستر کرد.

روز بعد ملا علی کازرونی سراغ نجّار رفت و گفت: دیشب چه کار کردی؟ گفت: هیچ! ملا او را قسم داد. نجّار گفت: شب قبل با مادرم دعوا کردم و کار به زدن و کتک کاری کشید.»<sup>(1)</sup>

سفر غیر ضروری فرزندان با مخالفت پدر یا مادر ممنوع بوده و سفر معصیت حساب می‌شود.

1. خانواده نمونه. وسائل الشیعه 356/20. 2. خانواده نمونه. 3. داستانهای از زندگی علما. 4. بحار، ج 74. 5. خانواده نمونه - الکافی 161/2

همچنین با پدر و مادر بلند صحبت کردن بی ادبانه، جلوتر از آنان راه رفتن، به آنها اُف گفتن، آنها را تحقیر کردن و .. در اسلام ممنوع است .

«روزی یکی از وزرا با پدرش خدمت امام خمینی رحمه الله رسید و خود جلوتر رفت و دست امام را بوسید سپس پدرش را معرفی کرد . امام امت به او فرمود: چرا جلوتر از پدرت راه رفتی؟»<sup>(2)</sup>

توفیق اجباری در نیکی به والدین

«عبید زاکانی از شعرای ایران، چهار پسر داشت که به او که وضع نابسامان مالی داشت، کمک نمی کردند . روزی عبید تصمیمی گرفت و پسرانش را جداگانه خواست و به هر کدام گفت: من خمره طلائی پنهان کرده ام که در نظر دارم بعد از مرگم بتو برسد ! پسرها با شنیدن این سخن، رفتارشان با پدر عوض شد و همه روزه برای او آذوقه می آوردند .

عبید تا آخر عمر زندگی خوشی داشت . اما وقتی بعد از مردن عبید به محل خمره رفتند، دیدند که فقط کاغذی در خمره است که بر روی آن نوشته شده است:

خدا داند و من دانم و تو دانی      که فلوس هیچ ندارد عبید زاکانی<sup>(3)</sup>!

از نظر اسلام چنانچه والدین نیازمند و فرزندان متمکن باشند، واجب است که مخارج پدر و مادرشان را بدهند .

حقوق والدین بر فرزندان فقط مربوط به زمان حیات آنان نمی شود و باید بعد از رحلتشان نیز همواره بفکر آنان بوده و برای ایام برزخ مرتب آذوقه های معنوی از قبیل نماز قضاء، صدقات، کارهای خیر بنیت آنان و پاک کردن بدهکاریهای آنان فرستاد .

متأسفانه در فرهنگ ما طوری عمل می شود که واجبات فدای مستحبات می گردد . کسی که از دنیا می رود بجای اینکه واجبات او را که دستش از دنیا کوتاه شده ادا کنند و مخصوصاً حق الناس اگر براوست ادا کنند، بفکر غذا دادن و گاهی خودنمائی های ضرر آور می افتند . چندین روز بستگان عزادار میت سفره می اندازند و پولهایی که گاهی با عدم رضایت قلبی تهیه شده صرف امری که حتی استحباب آن ثابت نشده می نمایند .

گاهی مخارج آنچنان بالاست که تا مدتها زیر بار قرض می روند . حال آنکه در سنت اسلام وارد شده که تاسه روز مردم برای تعزیت و تسلیت به دیدن اقوام میت بروند و موقع غذا که می شود، همسایگان و فامیلها، برای بستگان درجه اول میت غذا ببرند .

و اگر بخواهند در حق میت خوبی کنند باید ابتدا بدهکاریهای مالی او را پاک کنند . سپس نمازها و روزها و حج هایی که بعهده داشته بطریقی ادا نمایند . سپس ارث را طبق شریعت اسلام تقسیم نمایند و اگر می خواهند پولی برای او صرف کنند خرج کارهای دائمی مثل چاپ کتب مفید، ساختن مدرسه و درمانگاه و بیمارستان و مسجد و حوزه علمیه و کتابخانه و ... نمایند .

امام پنجم علیه السلام : سرور و آقای نیکان در قیامت، شخصی است که بعد از رحلت پدر و مادرش، نیز به آنان نیکی کرده است - آنان را فراموش ننموده است - .

«شخصی به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: نذر کرده‌ام آستانه بهشت را ببوسم . حال چه کنم؟»

فرمود: پای مادر و پیشانی پدر را ببوس تا به نذرت عمل کرده باشی . و اگر از دنیا رفته‌اند، قبر آنان را ببوس .» (خانواده نمونه)

## دستورالعمل برخورد با والدین

فرزندان باید در مقابل والدین خود اینگونه عمل نمایند تا سعادتمند باشند:

با محبت به آنها نگاه کند .

صدایش را بر آنها بلند ننماید .

حرف آنها را در غیر واجب و حرام، بکار ببندد .

با مخالفت آنها به سفر غیر ضروری نرود .

در رفع احتیاجات آنها بکوشد .

---

1 . مفاتیح الجنان . 2 . داستانهای شگفت . 3 . خانواده نمونه .

4. ارزش پدر و مادر .

جلوتر از آنها در کوچه و خیابان گام بر ندارد .

برای آنها دعا کند و از خداوند سبحان آمرزش آنها را بخواهد .

تا زنده هستند آنها را از خود ناراضی نگرداند و بعد از رحلت آنها همیشه بیاد آنان بوده و برایشان دعا کرده و به نیت آنان کارهای خیر بجا آورد .

با عمل به این سفارشات می توان گفت که از نظر روانی نیز فرزندان این خانواده ها در سلامت و آرامش خوبی هستند .

## مسائل جوانان

جوانان اگر پاکدامنی بورزند اجر شهید دارند. تا چهل سالگی در ثبت اعمال بد به او سخت گیری نمی شود. دلش رقیق بوده وزود شکسته واشگش سرازیر می گردد وتوبه اش زودتر قبول می شود. علم را زود یاد می گیرد ووابستگی به دنیا کمتر است. پس باید جوانان از این امتیازات خوب استفاده نمایند.

\*\*\*

یکی از عوامل موفقیت انسان این است که در زندگی خود راست وصادق باشد. زیرا راستی جزو فطرت است ولی دورو بودن ودروغگو بودن بر خلاف فطرت است وانسانها از افراد دروغگو منزجر و متنفر می باشند. در روایت است هر که زبانش راست وپاک باشد اعمالش هم راست وپاک خواهد بود.

\*\*\*

گاهی افراد سؤال می کنند چرا طلاق زیاد شده؟ چرا آمار مجردها زیاد است؟ چرا اختلافات بین زن وشوهر فراوان است؟ باید گفت زیرا ما دستورات شفابخش قرآن واسلام را رها کرده ایم وبه سنتهای

غلط روی آورده ایم. اسلام معیار مردخواستگار را تقوا و اخلاق خوب می داند ولی ما خانه و شغل و مادیات. اسلام معیار عروس خانم را پاکدامنی، قناعت، شوهر دوستی و سادگی و مهریه پایین می داند ولی ما زیبایی، جهیزیه زیاد و مسائل دیگر بی ارزش می دانیم. در حالی که در اسلام چیزی بنام جهیزیه نیست بعضی از دامادها به دختر عیب می گیرند که چرا جهیزیه ات زیاد نبود یا فلان جنس گرانقیمت را نخریدی؟ واز همان ابتدای ازدواج بین خانواده ها دلگیری و ناراحتی پدید می آید اگرچه زیاد به روی خود نمی آورند. لذا شما جوانان سعی کنید از سنتهای زیبای اسلام تبعیت کنید

\*\*\*

یکی از مرضهای روح و روان خود کم بینی است که انسان خود را دست کم می بیند و دیگران را از خود قدرتمندتر و توانا تر بیندارد. در حالی که همه انسانها استعداد رسیدن به کمال را دارند و همه مساوی هستند مگر آنان بیشتر تقوا دارند. و هیچ کس بر دیگری برتری ندارد مگر بوسیله تقوا. پس کسی از دیگری کمتر و پایین تر نیست. علی ع می فرماید: این جهان عالم صغیر است و انسان عالم کبیر است. وقتی تاریخ را مطالعه می کنیم می بینیم که افرادی بودند که نقص عضو داشته اند ولی با پشتکار و اراده به درجات بالا رسیده و از افراد سالم جلوتر زده اند. کتابی چاپ شده که زندگی افرادی که کور بوده ولی دانشمند شده اند را آورده است. خانمی سراخ داریم که یک دستش در سانحه قطع شده ولی با پشتکار و اراده لیسانس زبان گرفته و با شغل معلمی خانواده ای را اداره می کند. ابابصیر شاگرد دانشمند امام صادق ع کور و نابینا بود. نابینایی است که با موتور از روستای خود به روستای دیگر می رود. افرادی بوده اند که دست نداشته ولی نقاش ماهر شده اند. یا با یک پا به کوهنوردی می روند. چند سال است تیم والیبال معلولان ایران قهرمان دنیا می شود و..

\*\*\*



یکی از گناهانی که آمرزیده نمی شود خودکشی است. در روایت است که عذاب چهارنفر در جهنم از همه بیشتر است. ابلیس. فرعون. کسی که خودکشی می کند و فرمانروای ستمگر. گناهان دیگر راهی برای توبه دارد ولی خودکشی ندارد. لذا افرادی که مشکلات آنها را محاصره کرده خدای نکرده این مسیر را انتخاب نکنند بلکه با استقامت و صبر و تدبیر و توکل بر خدا و توسل به اهل بیت به زندگی خود ادامه دهند

\*\*\*

در مورد ازدواج به ظاهر همسر آینده تان تنها اکتفا نکنید بلکه بدانید گاهی دختر یا پسری پیدا می شود که زیبایی خیره کننده دارد ولی چون تقوا ندارد بعداً مشکلاتی برای خود و شما ایجاد می کند. باید در کنار زیبایی ظاهری، زیبایی باطنی هم باشد

\*\*\*

کار خیر شما به والدینتان می رسد چه در زمان حیات و چه بعد از مردن. حضرت عیسی ع رد شد و دید مردی را عذاب می کنند. دفعه بعد دید از عذاب خبری نیست. علت را پرسید گفتند فرزندش کارهای خیری کرده لذا عذاب را از او برداشتیم. فرزند نماز خوب باقیات صالحات و صدقه جاریه است. و حضور شما در نماز جمعه باعث رحمت والدین شما می شود.

\*\*\*

جوان متعهد و متدین می تواند در مقابل حداقل ده نفر از کفار حربی مقابله بکند که ما نمونه این مسئله را در جنگ سی و سه روزه و در جنگ 22 روزه اخیر دیدیم. سربازان دشمن از نظر امکانات و تجهیزات و آموزشها و پشتوانه جهانی قابل مقایسه با جوانان مبارز حماس نبودند ولی دیدیم و جهانیان دیدند و انگشت حیرت به دهان گرفتند که همین جوانان چگونه پوزه دشمن و دماغ دشمن را بر خاک مالیدند

و آن را ذلیل کردند. پس همواره با خدا باشیم و از گناهان فاصله بگیریم و به نماز و دستورات الهی اهمیت بدهیم.

\*\*\*

جوانان توجه کنند که خرافات در اسلام جایگاهی ندارد. یکی از خرافات رایج در دنیا نحس بودن عدد سیزده است که قبل از انقلاب در ایران رواج داشت ولی بعد از انقلاب کم رنگ شده است. سابقه این کار به یونان قدیم باز می گردد که دوازده خدا داشتند که معتقد بودند مشکلات آنها را حل می کنند تا اینکه خدای سیزدهی پیدا شد و یکی از خدایان را کشت و برای مردم مشکل ایجاد کرد لذا مردم با او و عدد سیزده بد شدند و این عقیده به کشورهای دیگر منتقل شد. اما در اسلام هیچ روزی نحس نیست و پیامبر فرمود همه روزها مال خداست و با روزها دشمنی نکنید.

\*\*\*

مذهب در سلامت روح و روان انسان آنقدر مؤثر است که نمی توان برای آن جایگزینی پیدا کرد. اگرچه بعضی ها برای فرار از مذهب و جایگزینی آن، سراغ موسیقی و یا ورزش و یا جایگزینهای دیگر می روند. اما خود می دانند که از داخل تهی هستند و همیشه احساس نیاز و پوچی در آنها وجود دارد.

آیا میتوان حسّ خداجویی و مناجات با مربّی حقیقی انسانها را با ساعتی موسیقی و گیتار اشباع نمود؟ کدام نِتِ موسیقی میتواند جای نماز را بگیرد؟ کدام لذّت میتواند جای لذّت معنوی را بگیرد؟ آیا تاکنون با موسیقی کسی به کمالات رسیده است؟

\*\*\*

مرزهایی که اسلام برای زن و مرد مشخص کرده به نفع مرد وزن است. گاهی ما دختری را می بینیم که گول خورد و مدتی به پسری دوست شده حالا که ختم به ازدواج نشده پسر دست بر نمی دارد و باج می خواهد و می گوید اگر با من ازدواج نکنی آبرویت را می برم. و دختر باید تاوان رفتار غیر اخلاقی خود را بدهد و مدتها با ترس و اضطراب و گریه بگذراند که عاقبت چه میشود؟ و این ترجمان سخن علی ع است که یکساعت لذات نامشروع یک عمر پشیمانی در پی دارد.

\*\*\*

- جوانانی که در دفاع مقدس شهید شدند یکی از خصلت‌هایشان این بود که ارتباط عجیبی با سالار شهیدان داشتند. یکی از آنها در وصیتنامه می نویسد: خدایا هر موقع که واقعه کربلا را بیاد می آورم چشمانم پراز اشک میشود. بیاد رگهای پاره پاره حسین ع می افتم که زین العابدین بران بوسه می زند. بیاد رقیه می افتم که وقتی سر پدرش را می بیند جان می دهد. خدایا ما چنین رهبرانی داشتیم. چطور میشود که راه ایشان را فراموش کنیم و چطور میشود عاشق نباشیم؟ خدایا من عاشق کربلای حسینم. می خواهم در راه کربلا بشهادت برسم. کمکم کن. خدایا تورا طلب کردم تورا یافتم و شناختم. خدایا دوست دارم و بتو عشق می ورزم پس بعهدت وفا کن و مرا بسوی خود بخوان.

\*\*\*

برای اینکه افرادی که جزو نخبگان سیاسی هستند را بشناسیم که آیا در مسیر حق هستند یا باطل باید سخنان آنها را در فصول مختلف انقلاب بررسی کنیم. اگر همیشه یک حرف می زدند و تغییری در موضع گیری خود نداشته اند در مسیر درست هستند اما اگر در هر فصلی یک نوع موضع گیری کرده اند اینها باطل هستند. مثلاً آقا چندین جلد درباره ولایت فقیه نوشته ولی بعد از چند سال مخالف ولی فقیه شده. یا اول دشمن امریکا بوده اما بعداً از امریکا تعریف می کند. اول دوست انقلاب بوده حالا علیه نظام موضع گیری می کند. اینها باطل هستند و فقط از روی هوای نفس زندگی می کنند و اظهار نظر می نمایند.

\*\*\*

بعضی جوانان قدر اسلام را نمی دانند و گاهی مسائل اسلام را مسخره می کنند. خانمی می گفت که در جشن تولد یکی از اقوام شرکت کردم. چون زن مذهبی بودم وقتی وارد اطاق شدم نوار ترانه را خاموش کردند بعد یکی از دخترها با لحنی مسخره کننده گفت پس دعای کمیل هم بخوانیم! در حالی که همین دعای کمیل و دعاهاى دیگر درمان کننده بسیاری از بیماریهای روحی است. در روزهای گذشته خبر مسلمان شدن یکی از خوانندگان معروف رپ فرانسه در رسانه ها انعکاس وسیعی داشت.

مجله فرانسوی "قالا" که اهمیت زیادی به انتشار اخبار مربوط به چهره های سرشناس هنری و موسیقی می دهد، در شماره این هفته خود پس از تأیید خبر مسلمان شدن "دیامز"، به نقل از یکی از نزدیکان

این ستاره سرشناس نوشت: به نظر می رسد "دیامز" برای مشکلات روحی و عاطفی خود چیزی را در دین اسلام یافته که در هیچ یک از دیگر ادیان نیافته است

این مجله فرانسوی در ادامه نوشت: "میلانی جورجیادیز" معروف به "دیامز" در چند وقت اخیر و به ویژه پس از شهرت یافتن، دچار مشکلات روحی - روانی و عاطفی بسیار زیادی شده بود و از آن به شدت رنج می برد همین امر موجب شد گوشه گیر شده و کمتر در ملا عام ظاهر شود

دیامز "29 ساله که در سنین کودکی پدر و مادرش از هم جدا شدند، دوران کودکی سختی را " سپری کرد. وی در سن 15 سالگی به یک خودکشی ناموفق اقدام ورزید. اما پس از گرویدن به دین مبین اسلام گفت: برای درمان مشکلات روحی - روانی خود به پزشکان زیادی مراجعه کردم ولی هیچ یک از آنان نتوانست مرا درمان کند. راه حل درمان این بیماری را در این دین یافتم. چیزی که دنبالش بودم را در شهرت و ثروت نیافتم، به خدا روی آوردم و آن را نزد خدا یافتم

\*\*\*

یکی از موانع ازدواج که باعث آسیب جدی به جوانان مخصوصاً دختران میشود، شرایطی است که گاهی والدین قرار می دهند. مثلاً تا دختر دانشگاه نرفته ازدواج نکند! تا پسر استخدام نشود ازدواج نکند.

درحالی که این شرایط ضروری نیستند و از نظر اسلام هرچه ازدواج زودتر انجام شود به سلامت روحی و دینی جوانان بیشتر کمک می کند و تعخیر به این خاطر به صلاح نیست.

\*\*\*

جوانان و نوجوانان عزیز باید بدانند جمهوری اسلامی ایران ویژگیهای قابل توجهی در زمینه اقتصادی دارد که عبارتند از: 1 - وسعت قابل توجه جغرافیایی . 2 - جمعیت نسبتاً زیاد و جوان . 3 - موقعیت سوق الجیشی و ممتاز در منطقه . 4 - انرژی بالقوه اسلام و انقلاب . 5 - سابقه فرهنگ غنی ملی.

اینها عوامل مهم و پشتوانه های بالقوه برای هر نوع تحول در ایجاد خط مشی های صحیح و سالم در منطقه به شمار می روند. از سوی دیگر ایران باید در سال 1404 مقام اول اقتصادی و علمی منطقه را کسب کند پس باید تلاش چندبرابر کرد و از لحظات عمر خود در کسب علم و دانش و انواع اطلاعات مختلف و یادگیری حرفه های مختلف دریغ ننمائید و تنها بدنبال کار دولتی نباشید.

\*\*\*

یکی از علل مشکلات کشور ما هزینه های سرسام آور اسراف است. سالی 500 میلیارد تومان هزینه آدامس مردم است. سالی سه میلیارد تومان هزینه نوشابه است. بیشترین مصرف سرانه شکر و روغن و برق مال ایران است. کمترین سرانه مطالعه مال ایران است روزانه 18 دقیقه و در کشورهای توسعه یافته 70 برابر ما است.

یک سوم نان و یک پنجم آب در کشور ما هدر می رود. روزانه هنگام سوختگیری 200 هزار لیتر سوخت هدر می رود. که سالی 73 میلیون لیتر می شود. آنوقت از نظر کارمفید در ایران 6 تا 9 ساعت در هفته است و در دنیا 50 الی 70 ساعت در هفته است.

\*\*\*

جوانان اگر در ابتدای زندگی ارتباط معنوی با اهل بیت داته باشند مشکلاتشان مرتفع خواهد شد. مشکل ازدواج با پیروی از اهل بیت حل می شود و اینکه الان در این زمینه مشکل داریم چون از اهل بیت در این زمینه تبعیت نمی کنیم. همچنین افرادی که به زبان می گویند همه چیزمان فدای اهل بیت چرا آنهایی که متمکن هستند حاضر نیستند در راه اهل بیت خرج کنند مگر عده کمی. پس ما هم جزو خیرین باشیم.

\*\*\*

یکی از وظایف دوست آن است که نگذارد دوستش کاری را انجام دهد که به خطر افتد. مثلاً دوستش می خواهد کارهای خطرناک انجام دهد. باید با نصیحت و سفارش جلو او را بگیرد. نه اینکه او را تشویق کند و زمینه خطر را برای او فراهم کند. اگر می بیند دوستش می خواهد در جایی که خطرناک است و تابلوهای مختلفی نصب کرده اند که شنا در این محل ممنوع است، شنا کند باید هر طور شده مانع او بشوند و نگذارند که خدای ناکرده باشنا کردن، دچار مشکل شود و غرق شود و خانواده خود را عزادار نماید. اگر مانع نشوند و حتی او را تشویق کرده باشند در پیشگاه الهی مسئول خواهند بود.

\*\*\*

یکی از عوامل اختلافات بین مردم این است که فلان جوان علاقه مند به ازدواج با دختری است که خانواده اش مخالف هستند. که توصیه ما این است اگر جوان سالمی است و مشکل اخلاقی ندارد خانواده دختر اشکال تراشی نکنند زیرا گاهی با ممانعت خود موجب حوادث تلخی میشوند مثلاً فلان جوان در فلان شهر خودش را دار زده و یادداشتی گذاشته که چون فلان دختر را بمن ندادند من خودکشی کرده ام. از طرفی به جوانان توصیه می کنیم که در خواستگاری عزت خود را از دست

ندهند و خود را کوچک و حقیر نکنند. وقتی یکی از مسلمانان صدر اسلام خواستگاری رفت به پدر دختر گفت اگر دخترتان را بمن می دهید الحمد لله. اگر هم نمی دهید الله اکبر. زیرا ازدواج هدف نیست بلکه وسیله است.

\*\*\*

یکی از علل معضل ازدواج مانع تراشی اقوام دختر است. وقتی جوانی به خواستگاری می رود گاهی همه موافقند ولی برادرها مخالفند. یا دایی ها مخالفند و دیگر قوام. در حالی که از نظر اسلام فقط موافقت پدر دختر لازم است. بنابراین اقوام و فامیلها سعی کنند مانع ازدواج دختران جوان نشوند که اگر مانع شوند همه ضررهائی که پیش بیاید گناهش به گردن آنهاست.

\*\*\*

در میان مردم ضرب المثل هائی رواج دارد که از یکطرف مردم خیال می کنند عمل به اینها لازم است و گویا خدا فرموده از طرفی عمل به اینها گناه خلاف عقل و شرع است. مثلاً می گویند عیسی به دین خود موسی به دین خود! این خلاف قرآن و اسلام است که می فرماید همه شما نسبت به هم مسئولید و باید امر بمعروف و نهی از منکر کنید. یا می گویند خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت شو! این هم در اکثر جاها خلاف اسلام است. بنابراین ما نیازی به این ضرب المثل های خلاف عقل و شرع نداریم و ما باید بر مبنای عقل و قرآن عمل کنیم. البته در لرستان ضرب المثل هایی رایج است که واقعاً موافق عقل و قرآن است. که عمل به آنها مفید است. ولی تا قرآن و سنت داریم نیاز به اینگونه ضرب المثلها نیست

\*\*\*

هر کسی هر ادعائی کرد نپذیرید و بدانید که هر روز که می گذرد بر تعداد مدعیان دروغین افزوده می شود. در استانی شخصی ادعا کرده من خدا هستم! تعدادی از جوانان ساده دور او جمع شده و براو



سجده می کنند. یک نفر نپرسیده که اگر خدا هستی یک هفته نخواب! چند روز نفس نکش! یک مدت غذا نخور! حداقل یک معجزه ای نشان بده!

مسلمان باید زرنگ باشد و کلاه سرش نرود نه اینکه هر آدم کلاهبرداری پیدا شد بتواند سراو کلاه بگذارد.

۱.

\*\*\*

دسته ای از جوانان، جوانان عصبانی هستند.

اینان بر اثر شکست های درونی و بی اعتنایی های مردم به توقعات نادرستشان ، همواره ناراضی و خشمگین هستند و همه را بد و فاسد الاخلاق می دانند و اغلب با سرپیچی از آداب و رسوم اجتماعی یا جنگ و ستیز با مردم ، خاطر آشفته خود را آرام و تحقیرها و اهانت های دگران را تلافی می کنند. غافل از آن که با این قبیل اعمال ناپسند، نه تنها شخصیتی کسب نکرده و نقایص خود را جبران ننموده اند، بلکه یک قدم تازه ای در راه بدبختی خود برداشته و مشکل جدیدی بر مشکلات خویشان افزوده اند.

(بسیاری از کودکان طبیعی که در میان افراد فاسد و جنایتکار به دنیا می آیند و در چنان محیطی پرورش می یابند، نمی توانند بالاخره با محیط تطابق نمایند و بعدها یا زندان ها را پر می کنند و یا آزادانه به جنایت و دزدی و شرارت ادامه می دهند. اگر راهنمای دلسوزی بتواند روی اینها کار کند آنان که طینت پاک دارند می توانند هدایت شوند و زندگی سعادت مندی داشته باشند.

\*\*\*

از جمله راههای نجات از دست اعتیاد، دوری از افراد معتاد و افرادی که به هر صورت مواد مصرف می کنند حتی بصورت تفننی، است. یکی از جوانانی که در این شهرستان معتاد شده بود گفت یکی از افراد فامیل که معتاد بود مرا تشویق به مصرف کرد که با اولین مصرف گرفتار شدم. لذا همانطور که از مارکبری فرار می کنید از افراد آلوده به اعتیاد هم فرار کنید.

\*\*\*

بعضی از دختران و پسران موقعی که دوران بلوغ را طی می کنند و اندامشان از هر جهت رشد می کند و صورت یک مرد یا یک زن کامل را به خود می گیرند، دچار اشتباه می شوند. گمان می کنند که از هر جهت کامل شده اند و با زنان و مردان جامعه یکسان گشته اند. با خود می گویند: (مگر شخصیت ما با شخصیت بزرگسالان فرق دارد؟ آیا ما با زنان و مردان جامعه مساوی نیستیم؟ آیا نمی توانیم از هر جهت در ردیف آنان قرار گیریم؟ آیا نباید مانند بزرگسالان همه جا اظهار نظر کنیم و از تمام مزایای اجتماعی برخوردار باشیم؟)

گاهی این اندیشه ناصحیح آن چنان در فکرشان قوت می گیرد و دچار افراط و تندروی می شوند که بزرگسالان را مسخره می کنند و با تمام قوا می کوشند تا نظرات خام و ناسنجیده خود را بر آنان تحمیل نمایند و به قبولشان وادار کنند.

\*\*\*

اینان ظاهر خود را می بینند و از باطن خویش آگاه نیستند. اینان می بینند که قد و قامتشان به خوبی رشد کرده و اندامشان هم مانند اندام پدران و مادران بزرگ شده است. اینان حس می کنند که تمایل

جنسی در مزاجشان بیدار شده و می توانند انتخاب همسر کنند و فرزند بیاورند، ولی از این نکته اساسی غافل اند که از نظر دینی و علمی ، بلوغ جنسی غیر از بلوغ عقلی است و باید چندین سال از بلوغ جنسی فرزندان بشر بگذرد تا عقلشان به رشد نهایی و بلوغ کامل برسد.

(تنها رشد جنسی بدن کافی نیست . باید فکر و احساسات ما هم دارای رشد کامل و آمادگی شود. رشد فکری و احساساتی ما مدت ها بعد از رشد بدنی ما صورت می گیرد.)

علی علیه السلام فرموده است : بزرگی اندام و طول قامت برای کسی که روانش از عقل و فکر و تهی است ، فایده ای نخواهد داشت .

\*\*\*

:جوانانی که بترسند اگر ازدواج نکنند به حرام و معصیت می افتند ازدواج بر آنها واجب است و اگر به ازدواج اقدام نکنند گناهکار هستند. و مسئله فقر مالی نمی تواند بهانه برای ازدواج نکردن باشد که شخصی نزد پیامبر از مشکلات مالی شکوه کرد حضرت سه بار به او فرمود ازدواج کن تا مشکلات مالی تو برطرف شود.

\*\*\*

جوانان بدانند که طبق روایت جوانی بسیار با ارزش است لذا علی ع فرمود دو چیز است که تا انسان از دست ندهد متوجه ارزش آن نمی شود. جوانی و سلامتی.

و در روایت است که از سوالات مهم در قیامت این است که جوانی را در چه صرف کردی؟ آن جوانی که چند روز وقت می گذارد و به تهرانی رود تا ببیند استقلال و پیروزی مساوی می شوند یا نه؟ آیا می تواند در قیامت این سوال را که جوانی را در چه راهی صرف کردی جواب دهد؟

\*\*\*

خداوند به انسان جان می دهد تا با تلاش و مجاهدت به درجات بالای بندگی برسد. آنوقت دختر یا پسری بخاطر عشق مجازی به یک جوان، خودکشی می کند و کافر از دنیا می رود. مخصوصاً اگر دختر با پسری ازدواج کرده‌مینکه عقد خوانده می شود علاوه بر ایجاد محرمیت، دیگر نباید دختر به فکر گذشته خود یا تعلقاتی که به شخصی داشته باشد فقط باید شوهرداری کند. اگر چه در فرهنگ غرب که به کشور ما هم نفوذ کرده خیانت زن به شوهر امری سهل و آسان است ولی در اسلام گناهی نابخشودنی است.

\*\*\*

: رزمندگان جوان اسلام نشان دادند که با جهاد بانفس می توانند به قله های رفیع معنویت و معرفت دست یابند لذا امام امت آنها را تحسین می کردند و می فرمودند:

این مسئله ای که آن اشخاصی که در صدد تهذیب هستند، در صدد تزکیه نفس هستند. پنجاه سال زحمت می کشد، بعد از زحمت های فراوان پنجاه ساله به يك مقامی می رسند و این جوانها را خدای تبارك و تعالی آن طور در ظرف يك مدت بسیار کم ، متحول کرد به يك مقامی که آن هایی که پنجاه سال زحمت کشیده اند، نرسیده اند به این مقام ؛ نرسیده اند به آن جا که غیر از خدا اصلاً هیچی نخواهند، شهادت را این طور طالب باشند. این طور شهادت را در بگیرند. این يك مسئله مهمی است . ما همیشه باید در نظر داشته باشیم که این مسئله ، مسئله عادی نیست

\*\*\*

اگر جوانان یک مقایسه ای بکنند بین شخصیت علی اکبر ع با قهرمانان پوشالی غرب، متوجه میشوند که قابل مقایسه نیستند. علی اکبر ع شهادت طلب، شجاع و دلاور، پاک، راستگو، بخشنده

است ولی قهرمانان فیلمهای جنگی ورز می فقط در استودیو قهرمانند ولی در زندگی خود، افرادی از نظر اخلاقی دارای مشکل، ترسو، چاخان و فریکار هستند.

جوانان سلحشور ایرانی در دوران دفاع مقدس اگر از قهرمانان فیلمهای جنگی ورز می الگو میگرفتند هرگز پیروز نمی شدند ولی آنها از حماسه عاشورا درس گرفتند و پیروز و جاودانه شدند.

\*\*\*

کنترل زبان نقش مهمی در ایجاد دوستی و دوری از اختلاف و دشمنی دارد.

هر روز تمامی اعضای بدن در مقابل زبان تعظیم و کرنش می کنند و می گویند از تو می خواهیم مواظب باشی! زیرا اگر تو درست سخن بگوئی. ما هم سالم می مانیم و اگر تو ناروا سخن بگویی ما به دردسر می افتیم.

اگر بخواهیم با مردم ارتباط خوبی برقرار کنیم تلاش کنیم که کنترل زبان خود را در دست داشته باشیم. هر حرفی را نزنیم. هر سخنی را نگوئیم.

\*\*\*

\*\*\*

: اگر انسان پناهگاهی چون خدا داشته باشد، در هر مشکل وحادثه بدی با تکیه بر خدا و اینکه می داند خدا او را می بیند و کمکش می کند و با تلاش خود، از پس مصیبتها و بلاها بر می آید.

: یکی از مشکلاتی که برای بعضی از جوانان پیش می آید کارهای خودسرانه و خلاف قانون است که انجام می دهند. مثلاً دختری خلاف کرده و برادرانش تصمیم می گیرند خود، او را دادگاهی کرده و مجازات نمایند و این باعث از هم پاشیده شدن کانون خانواده ها می گردد. یا در کرمان باندی از چند نفر جوان گرفتند که افراد خلافکار را می گرفتند و استخاره می کردند اگر خوب می آمد او را می کشتند! و اگر بد می آمد او را بعد از اخطار آزاد می کردند! که این برخلاف اسلام و قرآن است. حدی حق ندارد دیگری را محاکمه و مجازات کند مگر اینکه پرونده قضائی تشکیل و بعد از رای قاضی توسط نیروی انتظامی مجازات شود. لذا باید جوانان مواظب باشند که خودسرانه اقدامی انجام ندهند که باعث خسارت دنیوی و اخروی گردد

\*\*\*

در مورد ازدواج دیگر دست دولت نیست بلکه خود مردم هستند که باید یک راه را انتخاب کنند یا راه اهل بیت و راه اسلام و قرآن. که در این راه ازدواج بسیار آسان و بدون هیچ مانعی است. از تشریفات خبری نیست. از سرویس طلا خبری نیست. از غذا دادن به چند هزار نفر خبری نیست. از غذای عروس و داماد که هزینه زیادی را بر خانواده ها تحمیل می کند خبری نیست.

راه دیگر راه فرعون ها و پادشاهان و شاهزاده ها و خان ها و پولدارهاست که ریخت و پاش و اسراف و تبذیر و چشم و هم چشمی و دنیا طلبی در آن وجود دارد که این راه

مانع ازدواج خانواده های کم درآمد می شود و اگر ازدواج هم کنند باید چندسال اقساط خرج ازدواج را بدهند.

مسئله مهم دیگر گاهی حوادث تلخی برای جوانان و نوجوانان پیش می آید و قتل و جنایت انجام می گیرند و وقتی این مسائل را ریشه یابی می کنیم می بینیم که ریشه همه این معضلات و حوادث تلخ، به بی نمازی مربوط است. اگر والدین به نماز فرزندان توجه داشته باشند و آنها را با نماز باریا و رند معمولاً از این حوادث مصونیت پیدا می کنند.

\*\*\*

مقام معظم رهبری فرموده اند: من دلم می خواهد که جوانها (در نماز جمعه) شرکت کنند، چون معتقدم که نماز جمعه مفید است. در طول هفته یک ساعت را صرف این کار کردن، زمان زیادی نیست. هم عبادت است، هم ذکر الله است، هم شنیدن حرفهای خوب است

\*\*\*

راه حل اعتیاد، این بیماری بزرگ قرن ما روی آوردن به خداوند است. با حضور در مساجد و خواندن نماز و درخواست کمک از خداوند می توانیم این مرض را درمان کنیم. والا همه راههایی که تاکنون برای ترک اعتیاد پیشنهاد شده راههای صددرد صد موفق نبوده و در بعضی از موارد موفق بوده و در اکثر موارد دچار شکست شده است. والدین به فرد معتاد دختر ندهند. والدین مراقب جوانان خودشان باشند مخصوصاً نسبت به دوستان فرزندان و نسبت به ساعاتی که دور از خانه هستند حساس باشند و سخت گیری کنند و آنها را به امان خدا رها نکنند. نسبت به نماز خواندن

فرزندان مسامحه ننمایند. که از نماز داروئی بهتر برای درمان انواع بیماری های روحی از جمله اعتیاد پیدا نمی شود.

\*\*\*

خداوند در قرآن کریم فرموده: ان جائکم فاسق بنبا فتبینوا ان تصیبوا قوما بجهاله فتصبحوا علی ما فعلتم نادمین

اگر فاسقی یعنی غیر مؤمنین برای شما خبری نقل کرد همینجوری قبول نکنید بلکه درباره خبر بررسی کنید مبدا مسئله ای پیش بیاید که باعث پشیمانی شود.

این آیه برای صحت و سقم اخباری که افراد می گویند معیار بسیار خوبی ارائه می دهد. گاهی افراد منافق یا ضد نظام یا دشمن مسئولین و روحانیت یک شایعه ای را نقل می کنند.. اولین نفری که این شایعه را پخش می کند حتما جزو منافقین است ولی بعد همین مطلب بوسیله گاهی افراد به ظاهر متدین گسترش پیدا می کند.

افرادی که این سخنان را برای همدیگر نقل می کنند چند گناه را مرتکب می شوند. یکی اینکه غیبت می کنند. دوم اینکه نقل شایعه می کنند که هر چه مسئولین تضعیف شوند باعث خوشنودی منافقین و دشمنان نظام خواهد شد. سوم اینکه تهمت می زنند. چهارم اینکه نقل دروغ می کنیم.

لذا مواظب باشیم که زحمت می کشیم و عبادت و اطاعت خدا را بجای آوریم ولی با نقل یک دروغ و تهمت اینها را از دست ندهیم که در حدیث قدسی است که غیبت کننده اگر بدون توبه از دنیا برود اولین فردی است که وارد جهنم می شود و اگر باتوبه از دنیا برود آخرین نفری است که وارد بهشت می شود. در روایت



است: پیامبر فرمود آدم تهمت زن را در قیامت بر تلی از آتش نگه می دارند. و علی ع  
فرمود بهتان زدن به مومن از آسمان عظیم تراست!

\*\*\*

یکی از سفارشات مهم علامه طباطبائی در هنگام رحلت، سفارش به مراقبت بود. ایشان  
مرتب می فرمود مراقبه. مراقبه.

اگر مراقبت نداشته باشید زود بدام می افتید. به دام گناه و معصیت. از خلوت با نامحرم  
پرهیزید. خلوت با نامحرم یعنی مرد وزن در مکانی باشند که دیگری نمی تواند آنجا  
وارد شود. مثلاً در خانه ای که درش بسته است. در اطاقی که درش بسته است. ولی اگر  
در اطاق مثلاً اداره ای زن و مردی مشغول کار اداری هستند و در باز است این خلوت  
با نامحرم نیست. در این مورد ابلیس قسم خورد که اگر این تنهائی با نامحرم اتفاق بیافتد  
من تلاش بسیاری می کنم که این دو آلوده شوند. بعد که آلوده شدند مسئله  
خود کشی پیش می آید. مسائل درگیری خانواده ها پیش می آید. این دونفر جایگاه  
معنوی خود را از دست می دهند. ملائکه از آنها فاصله گرفته و شیاطین نزدیکشان می  
شوند و همینجور آثار مخرب این گناه، سعادت این دونفر را تهدید می کند. لذا  
سفارش شده این دعا را زیاد بخوانید اللهم اغننا بحلالک عن حرامک و بطاعتک عن  
معصیتک. خدایا مرا بوسیله حلالیت از حرام بی نیاز کن بوسیله طاعتت از معصیت بی  
نیاز نما.

\*\*\*

یکی از کارهای زشت که بعضی از جوانان در عروسی ها انجام می دهند رقصیدن در کوچه و در مقابل چشمان رهگذران و افراد غریبه است. اگر مردی به بهانه عروسی رقصی کرد از چشم خدا می افتد! دیگر دعایش مستجاب نیست. حرمتش در نزد خدا و ملائکه از بین می رود. لذا باید مواظبت کنید و افرادی که اینکارها را می کنند نصیحت کنید.

\*\*\*

امام امت یکی از عوامل موفقیتشان در رهبری این بود که انجام تکلیف را هدف می دانستند. و پیروزی یا شکست برایشان هدف نبود. وقتی که انسان به این حالت برسد که باید این کار را بکند و اگر این کار را کرد خدا از او راضی است چه شکست بخورد و چه نخورد! در این صورت دچار اضطراب نمی شود. شما با مطالعه کافی در کنکور شرکت می کنید چه موفق بشوید و چه نشوید به تکلیف عمل کردید و خدا از شما راضی است و این بزرگترین پیروزی است. و این باعث آرامش است زیرا موفقیتها ظاهری برای ما ارزش است ولی ارزش در نزد خدا انجام تکلیف است. البته باید در هنگام ادای تکلیف یاد خدا را داشته باشیم و باید خداست که انجام هر کار مشکلی آسان می شود همانطور که پیامبر وقتی علی را به جنگ اجنه کافر فرستاد فرمود موقع جنگ اسامی خداوند را که علمش بتوداده شده بر زبان جاری کن تا پیروز شوی.

\*\*\*

بعضی ها دینداریشان مشروط است درحالی که باید بدون هیچ شرطی دیندار بوده  
و خدا را پرستیم و دستورات او را بجا آوریم. بنده خدائی مراجعه کرد و گفت من دوتا  
خواسته دارم اگر خدا اجابت کرد منم او را می پرستم. گویا نفهمیده است که  
خداوند از عبادات ما بی نیاز است. همچنین بعضی ها مسجد آمدنشان مشروط است.  
این طرز تفکر مربوط به افرادی است که دینشان و دینداریشان ظاهری است و حقیقی  
و واقعی نیست و این گونه طرز تفکر از نظر اسلام مردود است و باید مسلمان در همه  
ایام ولیالی به مسجد تردد کند و از اجتماع مسلمین به بهانه های مختلف دوری نکند  
که اگر از نماز جمعه دوری نماید بردش مهر زده شده و کم و کم به نفاق کشانده می  
شود. پس جوانان عزیز تلاش کنند از ابتدای زندگی تا آخر عمر هرگز از مسجد  
و نماز جمعه دوری نکنند و برای رفتن به نماز جمعه و جماعات هیچ شرطی قائل نشوند.

\*\*\*

یکی از خطراتی که مومنین را تهدید می کند از ناحیه منافقین است.. که باید از  
همان ابتدای جوانی مواظب باشید و از این افراد مریض فاصله بگیرید. فی قلوبهم  
مرض فزادهم الله مرضا {بقره 10}

خداوند در سوره بقره در وصف منافقین می فرماید دل اینها مریض است و خداوند  
هم بر مرض آنها می افزاید.

منافق کسی است که بر روی عقیده قلبی خود روپوش نهاده و بزبان جوری سخن  
می گوید و در دل طوری دیگر است قرآن دستور داده از این افراد بر حذر باشید  
هم العدو فاحذرهم

علامت منافقین زمان ما آنست وقتی در مجلس حزاللهی ها است به نفع نظام حرف می زند. وقتی هم در مجلس مخالفان نظام است علیه نظام صحبت می کند. و در دل هیچ اعتقادی به نظام و ارزشهای آن ندارد. گاهی بیست سال طول می کشد تا نفاق یکنفر معلوم شود و سران فتنه مصداق منافقین هستند. زیرا بدنبال سقوط نظام اسلامی می باشند.

\*\*\*

قرآن از ما سوال کرده آیا کسانی که عمل می کنند با کسانی که عمل نمی کنند برابرند؟ مگر خداوند عادل نیست پس چگونه ممکن است بین کسانی که نماز می خوانند با آنهایی که نمی خوانند فرقی نگذارد! حتما فرق است. کسی که در گرمای تابستان برای خدا روزه می گیرد با کسی که می خورد و اعتنائی به روزه ندارد یکی نیستند. کسیکه مرتب مسجد می آید با کسی که در عمرش برای نماز جماعت مسجد نیامده یا نماز جمعه نیامده مساوی نیستند. کسی که قسمتی از پولهایش را در راه خیر صرف می کند با کسی که پولها را در بانکها انبار کرده و حاضر نیست کار خیری انجام بدهد مساوی نیست. دختری که در تمام عمر حجاب و عفاف را رعایت کرده با کسی که اهمیتی به این مسئله نمی دهد برابر نیست.

\*\*\*

: باید جوانان در زندگی خود میانه روی را رعایت کنند مخصوصا در امور سیاسی. و اگر اینگونه باشند کار نادرستی از آنها معمولاً سر نمی زند ولی اگر افراطی باشند. تند باشند گاه یک کارهایی را می کنند که یقیناً خلاف اسلام و مخالف دستورات الهی است. لذا در مسائل مختلف مخصوصاً مسائل سیاسی تابع مراجع

و علماء ربانی باشیم و زیاده روی نکنیم که در این صورت نمی توانیم جزو حزب الله باشیم.

\*\*\*

یکی از راههای نجات آنست که اگر انحرافی از دوستانمان دیدیم با آنها قطع رابطه کنیم. وقتی امام صادق ع شنیدند که یکی از مریدانشان به خدمتکارش فحاشی می کند با او قطع رابطه کردند. لذا با افراد غیبت کننده یا ناسزاگو یا دارای مشکل اخلاقی معاشرت نکنید تا از آثار سوء در امان بمانید.

\*\*\*

چرا حضرت ابوالفضل ع به این مقام بالا رسید؟ از کجا حضرت عباس ع به این درجات دست پیدا کرد که بعد از 1300 سال عاشقانش هر سال از سال قبل بیشتر می شود؟ نامش در جهان با عظمت یاد می شود.

علت آن را امام صادق اینطور فرموده: عبد صالح بود. مطیع ولایت بود - هیچ سستی و کوتاهی در دفاع از ولایت نکرد - وفادار بود - دریاری امام همه گونه سختی را تحمل کرد - بالاترین مجاهدت را انجام داد

در دفاع مقدس جوانانی بودند که دارای فضائل اخلاقی بالائی بودند آنها هم به مقامات معنوی بالائی دست پیدا کردند. پس با شهوت رانی و لذات جسمی و دنیوی نمی توان جزو خوبان بود بلکه با تقوا و داشتن فضائل اخلاقی است که می توان جزو ابرار و خوبان بود.

\*\*\*

سال گذشته در گزارش کمیسیون اجتماعی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی ضمن هشدار نسبت به گسترش پدیده تنبلی در میان ایرانیان آمده بود: «نتایج تحقیق تطبیقی نشان می‌دهد که میزان تنبلی ایرانیان از متوسط جهانی بیشتر است و تنها کشورهای عربی و آفریقایی هستند که بیش از ایرانیان دچار تنبلی هستند.»

این گزارش «تنبلی اجتماعی» را یکی از مهمترین ویژگی‌های رفتاری ناپسند ایرانیان دانسته و افزوده است: «این مسأله به ویژه در عدم تمایل به درس خواندن در مدارس و دانشگاه‌ها و در کار اداری کارمندان و در میزان بالای تماشای تلویزیون در ایران به جای کتابخوانی و در تمایل زیاد به استخدام در دستگاه‌های دولتی و عدم تمایل برای کسب تخصص و مهارت و کارآفرینی و نیز در وجود تعطیلی فراوان سالانه و در پدیده‌ای به نام بین‌التعطیلین و در موارد فراوان دیگر به چشم می‌خورد...»

تحقیقات مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که مردان ایرانی روزانه به طور متوسط دو ساعت و 18 دقیقه و زنان 21 دقیقه به فعالیت‌های شغلی و کار مفید می‌پردازند. این در حالی است که در جهان پیشرفته با عنایت بیشتر به نقش راهبردی نیروی انسانی و اهتمام به کار و تولید، مفهوم فرهنگ کار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و برای نمونه متوسط ساعت کاری مفید در ژاپن بیش از 8 ساعت در روز می‌باشد

بنابراین باید همه اقشار بخصوص جوانان به درمان این بیماری تنبلی بپردازند تا بتوانیم عقب ماندگی راجبران نمائیم.

\*\*\*

یکی از سرگرمیهای مخرب موسیقی است. لذا بزرگان دین از موسیقی مذمت می کردند و با افراد نوازنده برخورد می نمودند. حضرت امیر دیدند که جوانی طنبور می زند. امام جلو او را گرفتند و طنبورش را شکستند و به او گفتند می دانی وقتی کسی طنبور می زند طنبور با صدایش چه می گوید؟ گفت نه. فرمود می گوید:

ستندم ستندم یا صاحبی     ستدخل جهنم یا ضاری!

ای صاحبم بزودی پشیمان می شود. وای زننده من بزودی وارد جهنم می گردی!

: بیش از هزار سال قبل ، پیامبر اسلام فرمودند:

سیاتی زمان علی امتی یا کلون شیئا اسمه بنج انا بری ء منهم وهم بریئون منی!

سَلِّمُوا عَلَی الْیَهُودِ وَالنَّصَارِی وَ لَا تَاکُلُوا عَلَی الْبَنَجِ!

زمانی بر امت من خواهد آمد که عده ای چیزی به نام بنگ {حشیش} می خورند! من از این افراد بیزارم و آنها هم از من دورند.

بر یهودی و مسیحی سلام بکنید ولی بر کسیکه بنگ می خورد سلام ننمائید! {مجله مبلغان}

همچنین فتاوی علمای شیعه بر حرمت استعمال و معامله مواد مخدر می باشد.

\*\*\*

یکی از آسیبهای خانواده اختلاط در مهمانیهاست

فرهنگ اسلامی، فرهنگ عدم اختلاط زن و مرد است. چنین زندگی‌ای با خوشبختی ادامه می‌یابد و می‌تواند به درستی و با رعایت موازین عقلی بچرخد و حرکت کند و به پیش برود. اما اختلاط نامحرمان برای حفظ عفت جامعه زیانبار و به خصوص برای خانواده از همه چیز بدتر است. این، بنیان خانواده را متزلزل می‌کند.

\*\*\*

خداوند در سوره نسا می‌فرماید که با کفار دوستی نکنید و آنها را دوست خود قرار ندهید. مصداق این آیه کسانی هستند که محبت امریکا و غرب را در دل دارند. یا جوانانی که به هنرپیشه خارجی یا فوتبالیست خارجی علاقه مند شده و عکسش را بر در و دیوار اطاقشان زده‌اند. وجود عکس کفار در منزل برکت را از خانه می‌برد. بجای عکس این افراد کافر و بی‌دین، عکس داشمندان و بزرگان ایران را بزنید.

\*\*\*

یکی از علامتهای فرهنگ غرب تشبه زن به مرد یا مرد به زن است. یعنی پسر آرایش زنانه کند یا لباس زنانه بپوشد یا دختر خود را مثل پسر کند و لباس پسرهارا بپوشد. اما در اسلام این کار زشت است لذا پیامبر فرمود خدا لعنت کند مردانی را که خود را شبیه زن کنند و زنانی را که خود را شبیه مرد کنند.

و خود پیامبر از این کار جلوگیری می‌کرد.



\*\*\*

یکی از بیماریهای خطرناک در دوران جوانی بیماری وسواس است. وسواس یعنی کاسه از آش داغتر بودن. اسلام می گوید نماز درست است ولی وسواسی می گوید باطل است. اسلام می گوید وضویت درست است ولی وسواسی می گوید باطل است. راه معالجه وسواس آنست که به رساله مرجع تقلید عمل کنیم نه رساله خودمان.

\*\*\*

از تاکیداتی که آیه الله بهجت به جوانان داشتند اینکه سیروسلوک و عرفان، همان نماز و انجام واجبات و ترک محرمات است.

وقتی از ایشان پرسیدند چرا بعضی امام زمان را زیارت می کنند ولی ما نمی توانیم؟ فرمودند ترک واجبات و ارتکاب محرمات حجاب و نقاب بین ما و حضرت است. وقتی از ایشان پرسیدند کسی که بخواهد در معنویات به مقامات عالی برسد چه کند؟ به نماز اول وقت و ترک محرمات و خواندن معراج الساعده و عمل به آن اشاره فرمودند.

\*\*\*

به بعضی از جوانان وقتی عروسی می کنند از مراسم عروسی خود فیلمبرداری می نمایند. متأسفانه افراد سودجو با ترندهایی فیلم اینگونه عروسی ها را گیر آورده و در شهرهای بزرگ بفروش می رسانند. از نظر شرعی چنانچه احتمال لو رفتن فیلم برود اشکال دارد و افرادی هم که این فیلمها را می خرند حق نگاه کردن ندارند. غیرت مرد اجازه اینجور کارها نمی دهد.

\*\*\*

حضرت فاطمه س، نوری است که جوانان مخصوصاً دوشیزگان میتوانند در پرتو این نور همیشه با ولایت باشند. کسیکه محبت زهرا و ولایت زهرا را دارد مورد توجه امام زمان قرار می گیرد که حضرتش در دیدار با یکی از علما وقتی عالم پرسید چه دعائی بترین دعا در قنوت است فرمود اللهم انی اسئلك بحق فاطمه واینها وبعلمها وبنیه وسرالمستودع فیها ان تصلى علی محمد و آل محمد وان تفعل بی ما انت اهلہ ولا تفعل بی ما انا اهلہ برحمتک یا ارحم الراحمین.

ومورد توجه همه امامان است. ومورد توجه خدا است که فرمودند خدا با بخاطر خوشحالی فاطمه خوشحال می شود وبا غضب او غضبناک می گردد پس اگر فاطمه را از خود راضی کردیم خدا را هم راضی نموده ایم.

\*\*\*

\*\*\*

یکی از خصلتهای خوب وپسندیده شکر گزاربودن از نعمتهای خداست که بعضی دارای این خصلت هستند وقتی از آنها حالشان را می پرسی می گویند الحمدلله مشکلی نداریم.ولی متاسفانه بعضی از افراد هرچقدر خدا به آنها نعمت می دهد اما مرتب نق می زنند واز بدهکاری وورشکستگی وگرانی و مشکلات حرف می زنند. که جوانان عزیز تلاش کنند جزو دسته دوم نباشند که خدا فرمود واما بنعمت ربک فحدث.

\*\*\*

یکی از مهارت‌های زندگی مهارت نه گفتن است. باید به همه پیشنهادهای خلاف نه گفت و این جرات را والدین و بزرگترها به فرزندان بیاموزند.

\*\*\*

یکی از علل انحراف در بینش سیاسی جوانان، گوش دادن به رسانه‌های بیگانه است. افرادی هستند که اخبار و اطلاعات رسانه‌های وابسته به استکبار را درست می‌دانند و گوش به حرف آنان می‌نمایند درحالی که بر کسی پوشیده نیست که بی‌بی‌سی رسانه انگلیسی است که چندین قرن استعمارگر بوده و الان هم همان خوی استکباری را دارد. چگونه می‌توان انتظار داشت به نفع مستضعفین و مظلومین سخن بگوید؟

\*\*\*

درمورد ورزش باید اعتدال را رعایت کرد. ورزش می‌تواند عامل سلامتی و نشاط افراد و جامعه باشد بشرط اینکه غریبی نباشد. چرا تیم ملی فوتبال به جام جهانی راه پیدا نکرد؟ شاید جوابهایی را که ظاهر مسئله را بیان می‌کند بگویند ولی من علت اصلی شکست را نبود فرهنگ بسیجی در ورزش کشور مخصوصاً فوتبال می‌دانم. اگر ورزشکاران ما بخواهند به میدانهای جهانی بروند فقط از راه بسیجی شدن است. داشتن خصلتهای بسیجی همچون صداقت، شجاعت، داشتن معنویت و نورانیت. لذا می‌بینیم عزیزانی که قهرمان می‌شوند معمولاً با توسل به اهل بیت و داشتن خصلتهای بسیجی است که موفق می‌شوند.

\*\*\*

: استفاده از وقت و هدر ندادن وقت با کوچه و خیابان گردی و نشستن پای فوتبال بیش از اندازه و برای ساعت‌های بیداری برنامه داشتن از عوامل موفقیت جوانان است.

\*\*\*

درباره نظر سنجی از جوانان تهران در مورد مسائل مختلف هفته قبل یکی از نکات مثبت جوانان ایرانی را گفتیم که 93 درصد جوانان به خدا معتقدند. در حالی که در ژاپن فقط 38 درصد به خدا معتقدند لذا آمار خود کشی بالایی دارند.

اما در بین 373 سارق دستگیر شده در شیراز غالبا بین 20 تا 30 سالگی قرار دارند.

در یکی از استانها 87 درصد سرقت ها توسط گروه سنی نوجوانان و جوانان صورت گرفته است.

در روسیه 80 درصد مجرمان و سارقین زیر 25 سال هستند که در امریکا 75 درصد مجرمین زیر 25 سال هستند.

در مصر 72 درصد دزدها نماز نمی خوانند و در تحقیق دیگر در مصر فقط دو درصد جوانان مجرم نماز می خوانند.

و این نشان می دهد که سن نوجوانی و جوانی از 15 سال تا 25 سال که انسان پخته می شود باید بیشتر مراقب باشد و از دوستان ناباب و مجالس گناه و امثال آن دوری نمایند و به معنویات بیشتر توجه کنند.

\*\*\*

\*\*\*

کار خیر شما به والدینتان می رسد چه در زمان حیات و چه بعد از مردن. حضرت عیسی ع رد شد و دید مردی را عذاب می کنند. دفعه بعد دید از عذاب خبری نیست. علت را پرسید گفتند فرزندش کارهای خیری کرده لذا عذاب را از او برداشتیم. فرزند نماز خوب باقیات صالحات و صدقه جاریه است. و حضور شما در نماز جمعه باعث رحمت والدین شما می شود.

\*\*\*

\*\*\*

اسماعیل نبی سیزده سال بیشتر نداشت ولی وقتی پدرش به او گفت که خدا دستور داده تورا قربانی کنم! گفت یا ابت افعل ما تو مر ستجدنی انشاءالله من الصابرين  
این عرفن و شناخت خدا و اطاعت از او باعث شد که خداوند نسل پیامبر اسلام را از او قرار داد و او از آزمون الهی پیروز بیرون آمد.

\*\*\*

خداوند در انسان استعداد های مختلفی قرار داده که متاسفانه اکثر افراد فقط از 15 درصد آن بهره می بریم و اگر از بیست درصد بهره ببرید نابغه خواهید بود و اگر از سی درصد بهره ببرید قهرمانان بزرگی خواهید بود.

\*\*\*

یکی از عوامل دیر ازدواج کردن ، ترس از مشکلات است. در حالی که در مقابله با مشکلات است که استعداد ها شکوفا می گردد و انسان مقاوم می شود. امام می فرمود اگر می خواهید مشکل نداشته باشید به قبرستان بروید. لذا باید این ترس را کنار گذاشت و به این سنت عمل کرد .

\*\*\*

در مورد نسبت‌های ناروایی است که در اثر بی‌مبالاتی در رفت و آمدها یا رفتارهای سبک و حرکات مشکوک و ارتباط با افراد ناباب به جوانان مخصوصاً دختران داده می‌شود. در ضرب‌المثل است که تا نباشد چیزکی مردم نگویند چیزها! غالباً زمینه تهمت را خود افراد فراهم می‌کنند. لذا علی‌ع‌فرمود هر که خود را در محل تهمت قرار دهد فقط خود را سرزنش نماید.

این اخباری که در روزنامه‌ها در مورد مثلاً کشته شدن دختر بدست پدر بر اثر شک. یا زنده بگور کردن دختر توسط پدر و امثال این اخبار است یک مقدارش به رعایت نکردن خود فرزند بر می‌گردد. پس از کارهایی که باعث سوء ظن می‌شود مانند تنها شدن با نامحرم، صحبت تلفنی با غریبه‌ها، نامه نویسی به نامحرمان، دیر به منزل آمدن، پوشیدن لباس‌های سبک و نامناسب. باید دوری نمود.

\*\*\*

در مورد ازدواج به ظاهر همسر آینده تان تنها اکتفا نکنید بلکه بدانید گاهی دختر یا پسری پیدا می‌شود که زیبایی خیره‌کننده دارد ولی چون تقوا ندارد بعداً مشکلاتی برای خود و شما ایجاد می‌کند. باید در کنار زیبایی ظاهری، زیبایی باطنی هم باشد.

\*\*\*

چون یکی از عوامل انحراف، مال حرام است لذا جوانان تلاش کنند از مال حرام فاصله بگیرند مثلاً کسی که از راه تقلب مدرک گرفته استخدامش مشکل دارد.

\*\*\*

چشم چرانی

**اگر زن و مرد بتوانند کنترل چشم خود را بطور صد در صد در اختیار داشته باشند، از بسیاری از گناهان و انحرافات مصون می‌مانند. لذا خداوند فرموده است:**

«به مردان مؤمن بگو که چشمان خود را بپوشانند و اندامهای خود را از حرام حفظ کنند که این برایشان پاکیزه‌تر است. و به زنان مؤمنه بگو که چشمهای خود را بپوشانند و اندامهای خود را از ناروا حفظ نمایند».(نور 31)

**در حدیث از پیامبر 6 است که فرمود:**

«لکل عضو من ابن آدم حظٌّ من الزنا فالعين زناه النظر»(فرشته زمینی)

«هر یک از اعضای فرزندان آدم حظ و بهره‌ای از زنا دارد که زنان دو چشم نگاه کردن است».

ز دست دیده و دل هر دو فریادهر آنچه دیده بیند دل کنه یاد

بسازم خنجری نیش ز فولادزنم بر دیده تا دل گردد آزاد

**رسول خدا 6 فرمود:**

«نگاه به نامحرم، تیری از تیرهای مسموم شیطان است».(فرشته زمینی)

**پیامبر 6 فرمود:**

«اگر از آسمان بیفتم و دو نیم شوم برایم بهتر است که به عورت شخصی نگاه کنم یا شخصی به عورت من نظر نماید!».

(فرشته زمینی)

«امام صادق(ع):اگر شخصی چشمش به زنی نامحرم بیافتد و از او چشم بردارد و به آسمان نظر

کند و یا چشم خود را ببندد، هنوز چشم برهم نزده که خداوند حورالعینی به او تزویج کند.»(فرشته زمینی)

\*\*\*

باتوجه به اینکه هر انسان سالمی دارای دو نیروی عظیم عقل و احساس است، در جوانان معمولاً احساسات در کمال قدرت و نیرو، و عقل در حال ضعف و ناتوانی است (بغیر از موارد استثنائی) لذا می‌بینی تصمیمات و کارهایشان گاهی نامعقول و نپخته است و مخصوصاً در حال عصبانیت کارهای ناروا و اعمال خطرناک انجام می‌دهند. اینجاست که جوان سعادتمند کسی است که باتوجه به ضعف عقل جوانی، خود را بشناسد و در کارهای مهم از نصیحت افراد عاقل و خیرخواه پیروی نماید و از برنامه‌های صحیح تربیتی و دینی تبعیت کند.

هر چقدر از عمر جوانی بیشتر می‌گذرد و فاصله جوان از دوره بحران بلوغ، افزایش می‌یابد، طوفان احساسات به همان نسبت فروکش می‌کند و بی‌نظمی‌های روانی تقلیل می‌یابد و جوان از نظر عقلی، پخته می‌شود و اخلاقش عادی می‌گردد. البته این تغییرات در افراد مختلف است. زیرا افراد فقیر و دارای زندگانی سخت، در حدود 18 سالگی به مرحله پختگی می‌رسند ولی افراد ثروتمند و مرفه، در 22 یا 23 سالگی هنوز مرد نشده‌اند! رشد عقلی تا 35 الی 40 ادامه دارد و رشد جسمی تا 26 سالگی به نهایت خود می‌رسد. ولی بلوغ جنسی و دایره شهوات در 32 سالگی به اوج خود می‌رسد. در این سن، هم بقدر کافی از شهوات سالهای جوانی در اوست و هم تجربه وسیع و فهم پخته‌ای در اختیار دارد. معمولاً سن جوانی سن تعیین کننده سعادت یا شقاوت اوست. یا راه خدا را بر می‌گزیند و یا راه شیطان را. در چهل سالگی اگر راه خدا را انتخاب کرده بود که ابلیس از او مایوس می‌شود و اگر تا آن موقع هنوز گرفتار نفس اماره بوده ابلیس بر پیشانی او بوسه می‌زند و می‌گوید تودیگر آدم بشو نیستی.



\*\*\*

یکی از خصلتهای خوب و پسندیده شکر گزار بودن از نعمتهای خداست که بعضی دارای این خصلت هستند وقتی از آنها حالشان را می پرسى می گویند الحمد لله مشکلی نداریم. ولی متأسفانه بعضی از افراد هرچقدر خدا به آنها نعمت می دهد اما مرتب نق می زنند و از بدهکاری و ورشکستگی و گرانی و مشکلات حرف می زنند.

که جوانان عزیز تلاش کنند جزو دسته دوم نباشند که خدا فرمود واما بنعمت ربك فحدث.

\*\*\*

کانونهای فساد

جشن ها و مهمانی های آلوده از مقدمات ارتباطات نامشروع است. مخصوصا در میان طبقات هنرمندان و ورزشکاران که به بهانه های موفقیت آنها در فلان بازی، مجالس مختلط برپا می شود و این افراد هم چون بنیه مذهبی شان ضعیف بوده و ارتباطشان با مسجد و نماز و معنویات کم است، زودتر بدام افراد منحرف می افتند. همانگونه در خبرها بود که چندین نفر از اعضای تیم ملی فوتبال و بعضی از هنرپیشگان مشهور و بعضی از هنرمندان سیما، در محافل فساد دستگیر شدند.

افرادی که می خواهند پاک زندگی کنند نباید به این مجالس بروند و باید پای خود را بر این محافل ببندند و شرکت در این کانونها را بر خود حرام نمایند تا از آثار مخرب آن و عواقب بعدیش دور بمانند.

\*\*\*

کانونهای فساد

جشن ها و مهمانی های آلوده از مقدمات ارتباطات نامشروع است. مخصوصا در میان طبقات هنرمندان و ورزشکاران که به بهانه های موفقیت آنها در فلان بازی، مجالس مختلط برپا می شود و این افراد هم چون بنیه مذهبی شان ضعیف بوده و ارتباطشان با مسجد و نماز و معنویات کم است، زودتر بدام افراد منحرف می افتند. همانگونه در خبرها بود که چندین نفر از اعضای تیم ملی فوتبال و بعضی از هنرپیشگان مشهور و بعضی از هنرمندان سیما، در محافل فساد دستگیر شدند.

افرادی که می خواهند پاک زندگی کنند نباید به این مجالس بروند و باید پای خود را بر این محافل ببندند و شرکت در این کانونها را بر خود حرام نمایند تا از آثار مخرب آن و عواقب بعدیش دور بمانند.

\*\*\*

ترک ازدواج

عده‌ای از افراد فقط بدنبال آزادی جنسی می‌باشند و ازدواج باعث مقید شدن آنان می‌گردد، لذا این عده بخاطر محدود نشدنشان از ازدواج خود داری می‌کنند، با اینکه برخلاف اکثر دختران و پسران ایرانی که بخاطر مشکلات اقتصادی نمی‌توانند ازدواج نمایند، عده مذکور از امکانات مادی بالا هم برخوردار می‌باشند ولی چون تابع تمدن غرب هستند و در غرب هم بسیاری از مردان و زنان بدون ازدواج زندگی می‌کنند و نیازهای جنسی خود را بدون ازدواج ارضا می‌نمایند، این افراد هم می‌خواهند از الگوهای منحرف خود تبعیت کرده لذا ازدواج نمی‌کنند و با ارتباطات نامشروع هم خود و هم دیگران را به انحراف می‌کشانند.

«پیامبر اسلام (ص): بدترین مردان شما، عزبانند (مجردان)!»

«امام محمد باقر (ع): دوست ندارم که دنیا و آنچه در دنیاست داشته باشم ولی یکشب بی همسر بخوابم.»

\*\*\*

زینت و آرایش زن

اگر چه خود آرایشی غریزه طبیعی زن و مرد است ولی این غریزه در زن بیشتر است و دوست دارد که زیبایی او مورد توجه قرار گیرد. آثار این غریزه را می‌توان در آراستن لباس، آرایش مو، انتخاب لباسهای نازک و رنگهای مهیج و غیره مشاهده نمود.

از نظر اسلام زینت و تجمل زن باید فقط برای شوهرش باشد. او در مقابل شوهرش می‌تواند زیباترین لباس و غلیظ‌ترین آرایش را بکار برد و هر دفعه از نوعی زینت و خودنمایی استفاده نماید. حتی 'می‌تواند خود را در مقابل او برهنه کند. برای شوهرش برقصد و... و در این راه محدودیتی وجود ندارد و اما آرایش و زینت برای غیر شوهر مخصوصاً در خارج از خانه، برای او حرام و ممنوع می‌باشد.

در حدیث نبوی است که در معراج وقتی پیغمبر 6 از جهنم دیدار کرد، افرادی را دید که معذبند از جمله فرمود:

«زنی را دیدم که گوشت بدن خود را می‌خورد. از جبرئیل در باره او سؤال کردم. فرمود: او در دنیا خود را برای دیگران آرایش می‌نموده است. زنی را دیدم که گوشت بدنش را می‌برد! فرمود: او زنی بود که خود را به مردان عرضه می‌کرد.» (فرشته زمینی)

همچنین در روایات از اینکه زن عطر زده از خانه خارج شود، منع شده است از جمله پیغمبر اکرم 6 فرمود:

«هر زنی که عطر بزند و از خانه خارج بشود، تا زمانی که برگردد در لعن ملائکه خواهد بود.» (فرشته زمینی)

\*\*\*

## تماس بدنی با نامحرم

کنار نامحرم نشستن مانند اینکه در تاکسی و امثال آن تماس بدنی ایجاد شود و یا دست دادن با نامحرم مقدمه ای برای وارد شدن به زنا و امثال آن می شود.

جلوگیری از لمس اندام نامحرم و دست دادن به یکدیگر یکی از راه های پیشگیری از آلوده شدن به منجلاّب شهوت رانی اجتناب از هرگونه لمس اندام نامحرم و دست دادن به یکدیگر است که در حرمت آن هیچ گونه اختلافی بین علمای اسلام نیست. ابی بصیر عن ابی عبد الله ( علیه السلام ) . قال قلت له هل يصافح الرجل المرأة ليست بذات محرم؟! فقال ( علیه السلام ) : لا الا من وراء الثوب(1)، ابی بصیر از امام صادق ( علیه السلام ) سؤال کرده اند که : آیا دست دادن مرد به زن نامحرم جایز است ، فرمود جایز نیست مگر از روی لباس. تردیدی نیست که در اثر لمس اندام نامحرم واتحاد حرارت بدن مرد وزن بیگانه ، زمینه برای روحیه شهوت رانی و روابط نامشروع فراهم می گردد

قال علی ( علیه السلام ): " ما المجاهد الشهيد فی سبیل الله بأعظم أجرا ممن قدر فحف. لكاد العفیف ان یکون ملکا من الملائكة. (2)، رزمنده ای که در راه خدا به شهادت برسد اجرش بیشتر از کسی که قدرت بر گناه پیدا کند و با عفت نفس از آن دوری کند نخواهد بود، عفیف و نزدیک است فرشته ای از فرشتگان شود. سعدی می گوید: اگر لذت ترک لذت بدانی \* دگر لذت نفس لذت نخوانی

سفرهای علوی کند مرغ روح \* گر از چنبر آز بازش رهانی تو این صورت خود چنان می پرستی \*

که تا زنده ای ره به معنی ندانی؟ هزاران در از خلق بر خود ببندی \* گرت باز باشد در آسمانی چنان

میروی ساکن و خواب در سر \* که می ترسم از کاروان بازمانی 7 - قال الصادق ( علیه السلام ): " خف الله کانک تراه وان لم تکن تراه فانه یراک " از خدا پروا کن گویا او را می بینی، و هر گاه به این مقام نیستی بی شک او تو را می بیند (3)

1. غررالحکم / 255. 2. نهج البلاغه سخن 482. 3. اختیار رجال کشی، شرح حال اسحاق بن عمار

\*\*\*

پایان

منابع:

زن وعدالت اجتماعی آیه الله هاشمی رفسنجانی

رسائل حجابیه رسول جعفریان

بحار الانوار علامه مجلسی

ارزش پدر و مادر اسماعیل گوهری

میزان الحکمة محمدی ری شهری

مکارم الاخلاق طبرسی

حلیۃ المتقین علامہ مجلسی

الگوهای تربیت محمد علی کریمی نیا

زنان مرد آفرین محمدی اشتیاردی

فرشته زمینی زهرا صرفی

خانواده نمونه محمد تقی صرفی پور

## خانواده در اسلام



محبتی صرفی پور



اسلام تشکیل خانواده را نشانه وجود خدای دانند.

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ

<sup>439</sup>يَتَفَكَّرُونَ

و از جمله نشانه های او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و میان شما الفت و رحمت برقرار ساخت تا نسل بشر را تداوم بخشد. به یقین در آنچه یاد شد، برای مردمی که می اندیشند نشانه هایی است بر این که تدبیر امور انسان ها در اختیار خداوند است.

توضیح:

اگر خدا همه انسان ها را مرد می آفرید یا همه رو زن می آفرید، بشر دچار مشکل بزرگ تنهایی می شد.

همچنین از جنس خود انسان برای او همسر خلق کرد یعنی اگر از جنس جن مثلاً همسر برای انسان خلق می کرد باز بشر دچار مشکل بزرگی می شد.

نکته دیگری که در ایه فرموده این است که تشکیل خانواده و ازدواج باعث آرامش زن و شوهر می شود.

و این عملاً برای همه زن و شوهر ها ثابت شده که بعد از ازدواج آرامش خاصی به انسان دست می دهد و و از اشفتهگی روحی و ناامیدی و .. نجات پیدا می کند.

بر عکس، استرس، گوشه گیری، اضطراب، انزوا طلبی، افسردگی، احساس بی ارزشی، عدم تعادل شخصیتی، روی آوردن به مشکلات جنسی و روابط نامشروع از عوامل عدم ازدواج است.

اگر سوال شود پس چرا بعضی از ازدواج ها بجای آرامش باعث نا آرامی روحی می شود؟



جواب می دهیم ازدواجی باعث آرامش است که درست انجام شود. و براساس معیارهای اسلامی مانند تقوا و ایمان خوش اخلاقی همسر صورت بگیرد ولی اگر معیارها، مادی و ظاهری شد مانند زیبایی و ثروت و قدرت و غیره و براین اساس ازدواج صورت گرفت باید منتظر متلاشی شدن این کانون خانواده بود.

اسلام الگوی ازدواج درست را به ما نشان داده است: ازدواج علی علیه السلام با فاطمه س.

با اینکه قبل از خواستگاری علی علیه السلام از فاطمه س، خواستگارهای پولدار برای فاطمه سلام الله علیها آمدند ولی رو برگرداند و قبول نکرد ولی وقتی علی علیه السلام آمد فاطمه رو برگرداند و جوابش مثبت بود. پیامبر ص از علی پرسید برا ازدواج چی داری؟ عرض کرد یک زره! پیلمبر ص ان را فروخت و شد پانصد درهم. و با ان اسباب ازدواج این دو نور الهی آماده شد.

و کانون خانواده علی علیه السلام و فاطمه سلام الله علیها مستحکم ترین و مبارک ترین کانون خانواده در طول تاریخ بشریت است.

نکته دیگری که از ایه میتوان فهمید این است که با ازدواج، خدا بین زن و شوهر مودت و محبت و عشق قرار می دهد.

زن و شوهری که قبل از ازدواج اگر از کنار هم رد می شدند هیچ احساسی بهم نداشتند وقتی باهم ازدواج می کنند گاهی انچنان عاشق هم می شوند که دوری از هم را نمی توانند به هیچ وجه تحمل کنند.

نکته اخر اینکه با تامل و تدبر در ازدواج انسان ها می تواند خدا را شناخت و ایمان را افزایش داد.

اسلام زن و شوهر را لباس هم می داند

. (هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ هُنَّ) (بقره، 187/2)

. آنان لباس شمایند و شما لباس آنانید

یعنی همانطور که لباس عیبهای انسان را می پوشاند و باعث زیبایی انسان می شود زن و شوهر نسبت

بههم باید اینگونه باشند نه اینکه عیبهای هم را فاش کنند و باعث زشتی هم شوند!

اسلام مرد را سرپرست خانواده می داند:

الرجال قوامون على النساء

یعنی مردها سرپرست خانم ها هستند.

توضیح:

چون عقلانیت مرد بر عواطفش غلبه دارد ولی در زن عواطف بر عقلانیت غلبه دارد لذا مرد باید کشتیان خانواده باشد تا بتواند آن را صحیح و سالم به مقصد برساند.

اما این به معنای این نیست که زن کلفت و نوکر مرد هست! خیر زن فقط باید نیازهای جنسی شوهر را تامین کند ولی در مورد کارهای خانه وظیفه ای ندارد و حتی می تواند در مقابل کارهای خانه از شوهر مزد دریافت کند!

لذا در زندگی بزرگان دین مشاهده می شود که به همسرانشان دستور نمی دادند که برای آنها کاری انجام دهند.

در زندگی امام آمده است:

امام هیچ وقت دستور انجام کاری را به همسرشان نمی دادند. خانم می گویند: امام وقتی یک دکمه پیراهنشان می افتاد، نمی گفتند خودت بدوز بلکه می گفتند بگویید بدوزند. یا احياناً اگر روز بعد دوخته نشده بود، نمی گفتند چرا ندوختید، می گفتند: کسی نبود بدوزد

در خاطره ای از همسر امام (ره) نقل شده است: امام (ره) طی این سال های طولانی زندگی مشترک، هرگز از من نخواستند یک فنجان چای به ایشان بدهم. آقا چای را خودشان آماده می کردند و به محض نوشیدن چای فنجان شان را می شستند

به کسی دستور نمی دادند: در نجف گاهی اتفاق می افتاد که امام (ره) روی پشت بام متوجه می شدند که چراغ آشپزخانه یا دستشویی روشن مانده؛ به خانم و دیگران که طبقه بالا بودند دستور نمی دادند که بروند چراغ را خاموش کنند

خود راه می افتادند و سه طبقه را در تاریکی پایین می آمدند و چراغ را خاموش می کردند و باز می گشتند.  
در زندگی بزرگان دیگر مانند علامه طباطبایی و شهید مطهری و دیگران نیز این چنین بوده است.

در زندگی شخص اول عالم بشریت، حضرت محمد ص روایت شده :  
پیامبر خداصل الله علیه واله در خانه کفش ولباس خود را وصله می کرد ، در را می گشود، شیر گوسفند و شتر را می دوشید ، همراه خادم خانه گندم آرد می کرد و اگر خدمت کار خسته می شد به او کمک می کرد و وسائل وضوی خویش را خود بر می داشت و می گذاشت ..

نکته دیگر اینکه مرد که سرپرست خانه است، مسئولیت سعادت خانواده را به عهده دارد.

او باید خانواده را دین دار بار بیاورد. نمازخوان تربیت کند. پاک و پاکدامن و عفیف بزرگ شوند.

قران خوان باشند. با ادب بار بیایند.

که فرمود: و امر اهلک بالصلوه و اصطبر علیها

فرزندان را در مسیر خوب هدایت کند.

سید احمد گفت وقتی دیپلم گرفتم امام مرا خواست و گفت اگر طلبه شوی باز ازت حمایت می کنم ولی اگر طلبه نمی شوی دیگر نمی توان به شما کمک کنم! و سید احمد روحانی شد.

پدر نباید فرزند را ازاد بگذارد که در هر مسیری خواست حرکت کند!

باید شبانه روز از او مراقبت کند تا انشاءالله فرزند هم به سعادت برسد.

هرکدام از افرادی که به درجات بالای خوبی رسیدند معمولاً بر اثر زحمات پدر و مادر بوده است. مگر در بعضی از افرادی که

یتیم بودند ولی با عنایت الهی و تلاشهای خودشان اوج گرفتند.

نکته دیگر اینکه مرد سرپرست است باید خانواده خود را تامین نماید.

نباید آنها را بدون خرجی رها کند کما اینکه تعدادی از زنها می گویند شوهران ما مارا رها کرده و اصلا معلوم نیست کجا هستند.

همچنین مرد باید از جهت جنسی نیز همسر خود را تامین کند. که مواردی بوده است که مرد در این امر بی توجهی کرده است و باعث شده زن ارتباطات نامشروع برقرار کند.

مرد باید بر خانواده خود نظارت کند. و نمی تواند زن خود را ازاد بگذارد که هرجایی خواست برود و هرکاری خواست بکند.

«به امام کاظم(ع) گفته شد: مردی به زنش می گوید که اختیار تو باخودت است! آیا این حرف صحیح است؟ امام فرمود: خیر این حرف باطل است. زیرا خدا این حق را برای مرد قرار داده است و کسی نمی تواند این حق را از مرد بگیرد.

سپس امام آیه «الرجال قوامون على النساء...» را تلاوت فرمودند.»

نکته دیگر اینکه مرد باید درآمد حلال به منزل بیاورد و اگر از درآمد حرام مانند رشوه و دزدی و غیره استفاده کند، باعث انحراف خانواده اش می شود که او مسئول این انحراف است.

امام حسین ع علت اینکه لشکر عمر سعد به سخنان ان حضرت اهمیت نمی دادند را در اینکه شکم های آنها از حرام پر شده می دانستند.

اری کسی که شکمش از حرام پرشود گوش به تذکرات پسر پیامبر نمی دهد حتی حاضر است سر امام زمان خود را قطع کند.

و در روایت است که گاهی اثار لقمه حرام تا چند نسل بعد باقی می ماند.

و در روایت است که اگر لقمه حرام در شکم آدمی باشد دعای انسان مستجاب نمی شود.

مرد باید در ازدواج فرزندان را تسریع کند و در اولین فرصت آنها ازدواج کنند.

جبرئیل به پیامبر گفت دختران مانده میوه هستند وقتی رسیدند باید چیده شوند والا خراب میشوند.

مرد باید دخترانش را به افراد نمازخوان و مومن بدهد و برای پسرانش همسران پاک دامن در نظر بگیرد.

در اسلام هیچ بنایی محبوبتر از او پایه ریزی نشده است

«قال رسول الله (ص): «ما بنی فی الاسلام بناء أحبّ إلى الله عزّوجلّ و أعزّ من التّرویج»<sup>440</sup>

توضیح حدیث مذکور:

خداوند حکیم که خالق انسان است ازدواج زن و شوهر مومن را دوست دارد و مجرد زندگی کردن انسان ها را بد می داند. لذا وقتی دختر و پسر مومنی باهم ازدواج می کنند خدا از آنها راضی می شود و بر آنها برکات خود را نازل می کند. و ثواب نماز و عبادت های آنها را نسبت به قبل از ازدواجشان، تا هفتاد برابر و بیشتر بالا می برد.

در روایت دیگری آمده است:

پیامبر ص فرمود: هیچ فائده ای بعد از نعمت اسلام برتر و مفیدتر از این برای مرد مسلمان نیست که او

همسری داشته باشد که هر وقت به او نگاه کند مسرور و شاداب گردد و هنگامی که به او دستور بدهد

اطاعت نماید، و هر وقتی که از نزدش برود حافظ جان خود و مال همسرش باشد<sup>441</sup>

اری خداوند حکیم دوست دارد بین زن و شوهر محبت و شادی و دوستی و علاقه باشد و از اختلاف

و و دشمنی باهم و از طلاق و جدایی بدش می آید.

خداوند خانه ای را که در آن عطر دل انگیز عروس بوزد دوست می دارد، و خانه ای را که در آن

سخن غم انگیز طلاق سرداده شود دشمن می دارد

دو رکعت نماز کسانی که تشکیل خانواده داده اند برتر از عبادت فرد مجردی است که شب و روز

نماز بخواند. چنانکه امام باقر (علیه السلام) فرموده است

الرکعتان یصلیهما رجل متزوج افضل من رجل اعزب یقوم ليله و یصوم نهاره»

یعنی از نظر اسلام تشکیل خانواده امر مقدسی است که فضیلت‌های فراوانی نصیب زن و شوهر می کند

از جمله :

ثواب نماز چند برابر میشه! و برای اعمال زناشویی ثواب عبادت می نویسند. و الکاد لعیاله کالمجاهد فی

سبیل الله است

هرگاه پیامبر متوجه می شد جوانی مجرد است می فرمود همین الان برو ازدواج کن.

اسلام برکت را در ازدواج می داند و گفته اگر زن و شوهر فقیر باشند خدا آنها را بی نیاز می کند.

زن در سایه ازدواج و جلب رضایت شوهر بهشتی می شود. جهاد المرء حسن التبعّل

خانمی به امام رضاع گفت می خواهم متبتله بشوم! یعنی مجرد زندگی کنم. امام فرمود اگر در مجرد فضیلتی بود فاطمه زهراء س ازدواج نمی کرد!

امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند: خانمی که خانه را گرم کند و مردی که به همسر و فرزندان خود خدمت نماید، ثواب هفت حج و عمره در نامه عمل او نوشته می شود  
یکساعت نشستن کنار همسر ثواب اعتکاف در مسجد پیامبر (ص) رو داره

شهید مطهری گفته انسان اگر به درجا بالای علمی هم برسد ولی ازدواج نکند ناقص است

علی علیه السلام می فرماید زن قلاده است بین چه قلاده ای به گردنت می اندازی

مرد باید نسبت به همسرش به خوبی برخورد کند

وعاشروهن بالمعروف

حضرت ابراهیم (ع) از بداخلاقی ساره به خدا شکایت کرد خدا فرمود زن مانند دنده، کج است اگر بخواهی راستش کنی می شکند! ولی اگر با او مدارا کنی میشه ازش بهره مند بشی



مرد باید به خوبی با همسرش برخورد کند و برای او در مناسبت ها هدیه بیاورد و او را به سفر ببرد و احترام او را همیشه حفظ کند.

زوجین بهم ابراز دوستی و محبت کنند. قول الرجل للمرأة انی احبک لا یذهب من قلبها ابدا<sup>(9)</sup>

-مرد در امور خانه با زنش همکاری کند که هم فایده دنیوی و هم اخروی دارد.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله: اگر مرد به زنش کمک کند پاداش پیامبرانی چون داود و یعقوب و عیسی را به او می دهند. و یکساعت کار در خانه مساوی عبادت فراوانی است.<sup>(2)</sup>

رسول اکرم صلی الله علیه و آله: یا علی: خِدْمَةُ الْعِيَالِ كَفَّارَةٌ لِلْكَبَائِرِ وَ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ، وَ مُهُورُ الْحُورِ الْعَيْنِ، وَ تَزِيدُ فِي الْحَسَنَاتِ وَ الدَّرَجَاتِ؛

یا علی: خدمت به خانواده، کفاره گناهان کبیره و خاموش کننده خشم خداوند و مهریه حورالعین و زیاد کننده حسنات و درجات است.

□ جامع احادیث الشیعه (بروجردی) ج 22، ص 306

خوب خرج کردن

پیامبر اعظم فرمود: از ما نیست کسی که از جهت مال و ثروت در وسعت باشد لیکن بر اهل و عیالش سختگیری کند.

و باز فرمود: عیال مرد اسیران او هستند. پس هر که خدا به او نعمتی داده باید مخارج اسیرانش را توسعه دهد والا ممکن است نعمتهایش گرفته شود..

امام کاظم (ع) فرمود: اسراف و سخت گیری در خرج نسبت به خانواده هردو مکروه هستند.

وامام رضا (ع) فرمود: سزاوار است مرد در مخارج اهل و عیالش توسعه دهد تا منتظر مرگش نباشند.<sup>(3)</sup>

نکته دیگر در مورد ایه (الرجال قوامون على النساء..) اینکه

نباید خانواده انسان را از خدا دور کند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ<sup>442</sup>

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال و اولادتان، شما را از یاد خدا مشغول نکند که هر که این گونه شود ضرر کرده است..

بعضی پدرها برای رفاه خانواده انقدر به دنیا طلبی مشغول می شوند که دیگر نه نماز اول وقت می خوانند نه نماز جمعه و جماعات می روند. نه به دعا و عبادت می رسند. فقط پول جمع کردن برای اینکه فرزندان در رفاه باشند!!!!!! این مسیر اشتباهی است که خدا به ما تذکر داده این راه رو نرویم.

باید درس همه برنامه ها و کارها خدا باشد و هر چیزی که انسان را از خدا دور کند، باید کنار رود.

اما ایه قرآن درباره چند همسری و تعدد زوجات

(امام خمینی (قدس سره)

یکی از مشایخ عظام ما [آیت الله شاه آبادی] دام ظلّه، می فرمود که در تعدد زوجات، که انسان گمان می کند ورود در دنیا و توجه به آن است، وقتی که انسان به آن مبتلا شد، می یابد که این یکی از «شاهکارهای بزرگی» است که انسان را در عین ورود در دنیا از دنیا خارج می کند و از آن منصرف می نماید

[2]

[شرح چهل حدیث، صفحه 589 (فصل در بیان آنکه حق تعالی با فقر و غنا و غیر این ها اصلاح حال مؤمنین فرماید]

طبق نظر اکثریت قاطع فقهاء شیعه، تعدد زوجات مستحب است، بلکه در کتب فقهی مخالفی در این زمینه نیست... به عنوان مثال فتوای مرحوم امام و آیت الله العظمی سیستانی را که همان فتوای آیت الله العظمی سید محمدکاظم یزدی رحمه الله است در ادامه می آورم:

(کتاب النکاح ، مسألة 2

:الاستحباب لا يزول بالواحدة، بل التعدد مستحب أيضاً، قال الله تعالى ✓

..فأنكحوا ما طاب لكم من النساء مثنى و ثلاث و رباع»، و الظاهر عدم اختصاص الاستحباب بالنكاح الدائم أو المنقطع»

ترجمه: استحباب نكاح به گرفتن يك زن ساقط نمی‌شود، بلکه #تعدد زوجات مستحب است. و ظاهر آن است که استحباب مختص به ..نكاح دائم یا منقطع نباشد

:آدرس مطلب

العروة الوثقى مع تعاليق الامام الخميني رحمه الله 7

(العروة الوثقى) مع تعليقه آيت الله العظمى سيستاني حفظه الله 7

**قرآن کریم زن وشوهر را لباس هم معرفی کرده است** یعنی همانگونه که لباس عیوب را می پوشاند و انسان را از سرما و گرما حفظ می نماید وزینت انسان است زوجین نسبت به هم باید این چنین باشند. لباس عیب را اصلاح می کند ، می پوشاند . اگر همسری عیب داشت ، فکر کنید ، چگونه اصلاح کنید ، آبروریزی نکنید!

البته تلاش برای برطرف کردن عیب بصورت سازنده نه سرزنش ، نه سرکوب ، نه عیبجویی ، نه عیبگویی . طرف خودش میداند این عیب را دارد ، شما هم میدانید . غفلت و سازش ، کار غلطی است . اینجا عیب را بگوئید ولی عیبجویی نکنید و مچ گیری اشتباه است . روایت داریم که عیب جویی خطاست اگر شما عیب برادرت را آشکار کنید خدا عیب تو را هم آشکار میکند

در آموزه های دینی ما تاکید شده خوبی ها را ببینید . حضرت علی (ع) فرمود : طوبی لمن شغله عیبه عن عیوب الناس . خوشا به حال کسی که عیب خودش او را از دیدن عیوب دیگران باز میدارد . ما باید بگوییم شما عیب ندارید گل بی خار هستید کدام یک از ما گل بی خار هستیم . قطعاً این طور نیست . خار خودتان را ببینید اگر شما خار خودتان را ببینید خار دیگران را نمی بینید .

در آموزه های دینی ما تاکید شده : شما بدی ها را بپوشانید و خوبی ها را ظاهر کنید . حضرت علی در باب مومن میفرماید : و کَتمَ سرّه و عیبه و أَجهرَ من الحُسن . عیبش را بپوشان و حسنش را ظاهر کن

در زندگی بزرگان ما این چنین بوده مثلاً حضرت امام جعفر با همسرشون خوب بودند که همیشه همسر وارد اطاق میشدند امام برایشون بلند میشدند.

یا شهید مطهری چقدر برا همسر احترام قائل بودند

یکی از دلایل منفی نگرستن و دیدن عیبه و ندیدن زیبایی ها، بر می گرده به نوع نگرش ما درباره همسر.

واقعاً همسر کیه؟ زن و شوهر شریک هم هستند یا زن خدمتکار مرد هست یا مرد کارگری است که باید پول به خانه بیاورد و همین!

از دیدگاه اسلام، زن به هیچ وجه خدمتکار مرد نیست بلکه هم تراز مرد هست و حتی می تواند با ایمان بیشتر و عمل صالح بهتر از مرد جلو بزند.

اگر این دیدگاه بر خانواده حاکم باشد در این صورت مرد به محض خطای زن، او را سرکوب و سرزنش نمی کند بلکه ندیده می گیرد.

خوشا به حال زن و شوهری که اهل عفو و بخشش باشند اینها مورد رضایت خداوند متعال قرار می گیرند.

توصیه اسلام این است که شوهر از خطاهای زن درگذره حتی اگر خطای بزرگی باشه و زن هم از خطاهای شوهر درگذره و ندید بگیره که این صفت اثار مهمی در زندگی می گذارد و باعث جلب رضایت الهی شده و زندگی مستحکم تر می شود.

### **گفتگوهای اعضای خانواده باهم باید محترمانه باشد**

زن و شوهر باید مراعات یکدیگر را کرده وبا ادبیات نرم با یکدیگر سخن بگویند و بهم پرخاش نکنند و حرمت هم را حفظ نمایند.

مردانی که عصبی هستند و زودرنج می باشند از زندگی لذتی نمی برند و همسر آنها از او در عذاب است!

همچنین زنانی که بداخلاق و زبان دراز و عصبی هستند کاری می کنند که شوهر از منزل فراری می شود.

### **اهمیت بخشش خطاهای دیگران چه همسر و چه افراد دیگر**

اکثر ما یاد گرفته ایم که با بخشیدن دیگران کار خوبی است. یاد گرفته ایم که بخشیدن کاری مقدس و معنوی است اما علت مهمتری نیز برای گذشت وجود دارد. اگر دیگران را نبخشیم زندگی بر ما سخت خواهد بود. فرض کنید که همسر تان کار اشتباهی که شما را عصبانی کرده انجام داده و شما به او می گوئید: من هرگز شما را به خاطر کارتان نمی بخشم.

چه کسی از این موضوع رنج می برد، شما یا همسر تان؟ شما دائم راه می روید، بی خواب می شوئید و این فکر شما را مشغول می کند.

بنابر این وقتی دیگران را نبخشیم در حقیقت این خود ما هستیم که رنج می‌بریم نه دیگران. کینه جویی و خصومت ما را بیمار می‌کند. خشم و خصومت به سیستم ایمنی بدن آسیب می‌رساند و موجب به هم خوردن نظم طبیعی ارگان‌های بدن می‌شود و احتمال حمله قلبی، سرطان، سردرد، زخم معده، اضطراب و ... و حتی بیماری قند را افزایش می‌دهد.

همه ما اشتباه و خطا می‌کنیم. باید خطاهای دیگران را ببخشیم و اجازه ندهیم ما را بیازارند. کینه توزی فقط ما را غمگین و افسرده می‌کند و حاصل دیگری ندارد. وقتی ما اشتباهی را می‌بخشیم احساس خوشایند به ما دست می‌دهد. بخشیدن دیگران موجب می‌شود که ما برخشم و رنجش خود غلبه کنیم و احساس خوشایند به دست آوریم.

بخشش برای ما راحتی و آرامش خاطر می‌آورد. بخشش ما را از تمام دشمنی‌ها و تنفرهایی که در ذهنمان داریم محافظت می‌کند و به جای خشم و تندخویی در وجود ما احساس آرامش و آسایش را جایگزین می‌کند.

انرژی ما با خشم، تنفر و رنجش تحلیل می‌رود. ما احساس می‌کنیم افسرده و بدبخت شده ایم و تا زمانی که با این احساسات منفی تحلیل می‌رویم نمی‌توانیم روی آرامش خاطر و شادکامی را ببینیم. وقتی ما کسی را می‌بخشیم به دلیل آرامش خاطر خودمان است. ما این کار را در حق دشمن خود انجام نمی‌دهیم بلکه در حق خودمان انجام می‌دهیم. ما این کار را می‌کنیم تا خود را از شر احساسات منفی خودمان نجات دهیم.

اغلب بیماری‌های جسمی به دلیل احساسات و افکار منفی ایجاد می‌شوند. بخشیدن دیگران بزرگترین مولد انرژی جهان است. بخشش سبب می‌شود که روح ما کسل نشود و بهایی برای خشم و غضب نپردازیم.

## مدارا عامل استحکام خانواده

### قفل ایمان چیست؟

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ قُفْلًا وَ قُفْلُ الْإِيمَانِ الرَّفْقُ

امام باقر علیه السلام فرمود: برای هر چیزی قفلی است (که آن را نگهدارد) و قفل ایمان نرمی و ملاطفت است. ( هر کس نرمی را از دست دهد و خشم و قهر و خشونت پیش گیرد، به اعمالی دست می زند که ایمانش از دست می رود)

اصول کافی- ج2، ص: 118

## نقش انصاف در خطاپوشی

کسی که با انصاف است اگر مخاطبش خطایی مرتکب شد ابتدا کارهای خوب او را بیاد می آورد بعد تصمیم می گیرد.

ولی افرادی که بی انصاف هستند در مواقع بروز خطای مخاطب خود بالکل همه خوبیهای او را فراموش می کنند و فقط اشتباه او را در نظر می گیرند. به درد دل مردی که از همسرش می نالد توجه کنید:

یکی از بی انصافی هایی که سرکار همسر کردند و واقعا دل منو شکستند این بود که مشاور به من گفتند برای همسر هدیه بخرید و من گفتم اینکار رو میکنم و بارها کردم

میدونید سرکار همسر چی گفت به مشاور؟

گفتند ایشان فقط تا حالا دو تا شاخه گل خشکیده برای من خریدند

اینو که گفت خیلی دلم شکست. پیش مشاور به سرکار همسر گفتم بی انصاف حداقل ده تا از اون گل سرخ هایی که خریدم الان تو تاخچه خونه خشک شده هاش تو گلدان هست و خودت نگه داشتی. پس چرا میگی دو تا فقط؟ آخه مشاورم گول بزیم فایده داره؟ (وقتی هم تو منزل بهش این رو گفتم توجیه کرد که من منظورم چیز دیگه بود

البته یکی از اخلاق های بد ایشان همینکه که اصلاً تشکر نمی کنند و هر وقت خرید هم بکنیم بیاد خونه ...تشکر که هیچ نمیکنه کلی ناراحته که چرا کم خریدیم یا فلان چیز رو نخریدیم و

حالا این شاخه گل ها رو که برای من دنیایی ارزش داشتند رو میگفت چون خسیس بودی میخریدی و چرا چیزهای گران نمیخریدی؟ در حالی که دوران نامزدی و اوایل ازدواج بود و منم وضع خوبی نداشتم و این شاخه گل ها رو تنوعی بدون مناسبت میخریدم

بماند که تولد ها و سالگرد ازدواج و روز زن و... هم هر سال چقدر هدیه خریدم اما با بی انصافی به مشاور گفت در طول زندگی فقط دو تا شاخه گل برام خریده و نه بیشتر

## قناع بودن و تاثیر مطلوب این صفت بر آرامش خانواده

یکی از صفاتی که تضمین کننده آرامش و سازگاری در زندگی اجتماعی است و فقدان آن آرامش را از زندگی می رباید، قناعت در افراد خانواده است.

.. قناعت از عوامل مهم برای همزیستی مسالمت آمیز و آرامش در زندگی، به حساب می آید

قناعت به معنای:



رضا دادن به سهم خویش <sup>2</sup>خشنودی به آن چه از روزی و معاش قسمت می‌شود،

در روایتی پیامبر(ص) اکرم، از جبرئیل سؤال کرد: «ما تفسیر القناعه؟ قال یقنع بما یصیب من الدنیا یقنع بالقلیل و یشکر الیسیر» تفسیر قناعت چیست؟ جبرئیل پاسخ داد: قناعت راضی بودن به همان مقداری است که از دنیا نصیب شخص می‌شود، به کم قانع است و از نعمت کم نیز سپاسگزاری می‌کند

آنچه از مجموعه تعاریف به دست می‌آید این است که فرد قانع در بعد شناختی، معتقد است هر چه از سوی خدا به او برسد، فضل اوست. در بعد عاطفی به همه محدودیت‌ها و مقدرات رضایت می‌دهد و در بعد رفتاری، بر وفق محدودیت‌ها عمل می‌کند و با آن کنار می‌آید. گستره قناعت وسیع است و شامل لباس، مسکن، خوردن، آشامیدن، خواب و... می‌شود

اهمیت قناعت در زندگی به حدی است که امام زین العابدین(ع) در پاسخ به فردی که از ایشان جویای برترین اعمال شده بود، فرمودند: برترین عمل این است که انسان به آنچه در دست او است، قانع باشد «...هو ان یقنع بالقوت

در روایتی مراد از حیات طیبیه را قناعت گفته اند می‌باشد

:در روایتی چنین آمده است

یک روز صبح علی(ع) به فاطمه(س) فرمود: آیا غذایی نزد تو هست تا از آن تناول کنیم؟ حضرت فاطمه (س) گفت: قسم به آن کسی که پدرم را به نبوت و تو را به وصایت و خلافت گرامی داشت، چیزی نزد من نیست تا آن را در اختیار تو بگذارم. دو روز است که آنچه داشته‌ایم، به رغم نیاز خود و حسن و حسینم به دیگران داده‌ایم. پس علی(ع) فرمود: ای فاطمه، چرا مرا از این قضیه آگاه نکردی تا غذایی برایتان تهیه کنم؟ حضرت فاطمه(س) گفت: ای ابا الحسن، من از خدای خود حیا دارم که تو را بر کاری تکلیف کنم که بر آن قادر نیستی

از این حدیث ارزشمند، به دست می‌آید که کتمان نیازها و بازگو نکردن آن در نزد همسر، به ویژه هنگامی که تأمین آن برای او ممکن نیست، از مصادیق بارز قناعت و موجب آرامش هر چه بیشتر زندگی مشترک خواهد بود

علاوه بر این، گاهی مناسب است که فرد با درک شریک زندگی خویش، نه تنها از او در خواستی نکند، بلکه سعی کند او را در اوج مشکلات معیشتی به صبر سفارشی و به توجه به عنایات خداوند متعال و توکل بر او ترغیب کند

مردی به حضور رسول خدا(ص) شرفیاب شد و عرض کرد: همسری دارم هر گاه وارد منزل می‌شوم به استقبال من می‌آید و چون خارج می‌شوم، بدرقه‌ام می‌کند. هر گاه مرا غمگین می‌بیند، می‌گوید: چرا ناراحتی؟ اگر برای روزی خود نگرانی، دیگری (خداوند) عهده‌دار آن **ان لله عمالاً و هذه من** «: است و اگر برای آخرت خود بیمناکی، خداوند دل مشغولی تو را بیشتر سازد. پس رسول خدا(ص) فرمودند به درستی که برای خدا کار گزارانی است و این زن از کارگزاران خدا است که برای او نیمی از پاداش **14 عماله لها نصف اجر الشهید**: شهید است

این همسر قانع نه تنها خود با مشکلات کنار آمده است و توقعی از همسر خویش ندارد، بلکه زمینه بروز هر گونه ناراحتی در زمینه معیشت را نیز از همسر خود دور می‌کند

برخی افراد از خود تهی با دیدن وضع زندگی دیگران زود برانگیخته می‌شوند و به چشم و هم چشمی رو می‌آورند

رسول اکرم(ص) در باره این پیامد فرموده‌اند: «من اتبع بصره ما فی ایدی الناس کثر همّه و لم یشف غیظه؛ هر کس چشم به دنبال آنچه در دست مردم است بدوزد، اندوهش فراوان گردد و سوز دلش درمان نپذیرد

### نقش زن در قناعت خانواده

زن با استفاده از جایگاه ویژه‌ای که از لحاظ احساسات و عواطف در خانواده دارد نیز می‌تواند بر روی الگوی مصرف و نظام اقتصادی خانواده تأثیر مستقیم داشته باشد.

اگر در خانواده‌ای مصرف و استفاده از کالاهای مصرفی توسط مادر خانواده مدیریت نشود اقتصاد خانواده دچار مشکل می‌شود.

یکی از آثار تهاجم فرهنگ غرب و سرمایه داری این است که خانواده ها را به مصرف بیشتر سوق دهند زیرا برخی نظام‌های سرمایه‌داری برای وابسته کردن اقتصاد کشورهای دیگر به خودشان با واردات بیشتر کالاهای مصرفی به کشورهای پرجمعیت به دنبال وابسته کردن این کشورها به خود هستند لذا از تبلیغات در این زمینه خیلی استفاده می کنند و روحیه قناعت را از خانواده ها می گیرند و آنها را به خرید بیشتر تشویق می نمایند لذا کسانی که کم درآمد هستند دچار مشکل می شوند و خرجشان به برجشان نمی رسد لذا دچار مشکلات روحی و اختلافات خانوادگی می شوند.

اسلام با فرهنگ مصرف گرایی مخالف است زیرا به اقتصاد کشور اسلامی و به اقتصاد خانواده اسلامی آسیب وارد می کند.

در این فرهنگ، با اینکه لوازم خانه سالم هستند ولی انسان را تشویق می کنند که آنها را کنار گذاشته و لوازم جدید بگیرند. و این فقط برای یکبار یا دوبار نیست بلکه هرگاه چیز جدیدی وارد بازار می شود انسان را وسوسه می کند که ان را تهیه کند درحالی که نیازی به ان ندارد.

**شخصی می گفت من سالی یکبار همه لوازم خانه را عوض می کنم!**

**چقدر وسایل سالم مانند یخچال و مبل و امثال ان را با اینکه سالم هستند کنار می گذارند و جدید انها را تهیه می کنند!**

**در حالی که در روایت است:**

همچنین درمورد کامپیوتر و ماشین و خود ساختمان و موبایل و غیره این روند ادامه پیدا می کند.

در اینجا است که زنان مسلمان باید با پیروی از سفارشات اسلام مبنی بر قناعت و صرفه جویی این تهاجم فرهنگی را خنثی کنند.

امیرالمومنین علی علیه السلام ❀

الْعَبْدُ حُرٌّ مَا قَنَعَ، الْخُرُّ عَبْدٌ مَا طَمَعَ ❀

بنده اگر قناعت کند، «آزاد» است، و بنده آزاد اگر طمع داشته باشد «برده» است ❀

غررالحکم: ج 1، ص 113 ■

## **آثار قناعت در زندگی**

مهم ترین نتایج ارزشمند قناعت، که در زندگی اجتماعی سایه می گسترد، عبارت است از

آسایش، راحتی و رضایتمندی 1.

هنگامی که فرد به آنچه در اختیار دارد، اکتفا می‌کند و در زندگی، خود را با در نظر داشتن امکانات موجود، اداره می‌کند، سختی بسیاری از امور همچون فعالیت‌های طاقت فرسا، نگرانی از کمبودها، اظهار نیاز به دیگران و... را از خود دور می‌سازد. از این رو، رسول خدا(ص) قناعت را عین راحتی دانسته و فرموده‌اند: «القناعة راحة؛ قناعت راحتی است»

کسانی که به آنچه دارند، راضی‌اند و خود را برای به دست آوردن آنچه ندارند، به زحمت نمی‌اندازند، یا در افسوس نداشتن آن به سر نمی‌برند، زندگی را با روحی آرام و به دور از دغدغه و نگرانی می‌گذرانند. در حدیثی از امیر مؤمنان(ع) آمده است: «الرضا ينفي الحزن؛ رضایت و قناعت اندوه را از بین می‌برد»

«در برخی از روایات، قناعت را گواراترین زندگی به شمار آورده است: «عن علی(ع): القناعة هنا العيش؛ گواراترین زندگی قناعت است»

فرد قانع، از همسر خود راضی، از امکاناتی که در اختیار دارد، راضی و از همه مهم‌تر از خدای خود راضی است. و بر اساس این رضایت، ضمن آنکه از باطنی آرام برخوردار است، اعضا و جوارح خود را نیز برای دسترسی به آنچه ندارد، به زحمت نمی‌اندازد. آیا حیات طیبه چیزی جز این است؟

## 2- عزت پیدا کردن

عزت و نفوذ ناپذیری اثر ارزشمند قناعت است. فردی که به آنچه دارد، قانع نیست، همواره در صدد است که کمبودهای مادی خود را بر طرف سازد و چون تأمین این نیازها در موارد زیادی مستلزم درخواست از دیگران است و از سوی دیگر، این کمبودها بی انتها می‌باشد، نیل به آنچه که فرد در اختیار ندارد، مستلزم ابراز نیاز مداوم به دیگران است. این همان چیزی است که عزت و نفوذ ناپذیری فرد را به شدت به خطر می‌اندازد. از این رو، در روایات بسیاری قناعت موجب عزت دانسته شده است. «عن امیرالمؤمنین(ع): من تجلبب الصبر در روایت دیگری حضرت می‌فرمایند: «القناعة 38». والقناعة عز و نبل؛ هر کس لباس صبر و قناعت بر تن کند، عزیز و با فضیلت می‌شود «تؤدی الى العز؛ قناعت به عزت منتهی می‌شود»

چه بسیار افرادی که با همه سرمایه‌ای که دارند، روحیه‌گدایی بر آنها حاکم است. فیض کاشانی از وجود پیامبر(ص) اکرم(ص) نقل می‌کند رهایی از اسارت نفس به قناعت وابسته است. 42. «که حضرت فرمود: «بی‌نیازی به فراوانی ثروت نیست، بلکه به روحیه بی‌نیازی است کسی که قناعت پیشه نسازد، به اسارت نفس گرفتار می‌شود و عزت خود را از دست می‌دهد. علی(ع) می‌فرماید: «الحريص عبد المطامع؛ 43. «حریص بنده هواهای نفسانی است»

## 3- تزکیه نفس

این صفت از مهم‌ترین عوامل خود سازی قلمداد می‌شود. صفت ناپسند حرص، که سرچشمه بسیاری از رذایل اخلاقی است، با قناعت درمان می‌شود. ریشه کن کردن حرص نقطه آغازی برای آراسته شدن به مکارم اخلاق خواهد بود. بر این اساس، امیر المؤمنین(ع) قناعت را عامل مقابله با حرص شمرده و فرموده‌اند: «انتقم من حرصك بالقنوع كما تنقم من عدوك بالقصاص؛ از حرص خود با قناعت انتقام بگیر 44. «همان گونه که از دشمن خود با قصاص انتقام می‌گیری»

در جایی دیگر، از قناعت به عنوان بیشترین یاری دهنده فرد در جهت اصلاح نفس یاد کرده‌اند: «اعون شیء علی صلاح النفس القناعة؛ 45». کمک کارترین عامل بر اصلاح نفس قناعت است

مسلم است فردی که توفیق خودسازی پیدا کرده و از نفس صالحی برخوردار گشته است، از توانایی ایجاد آرامش در جامعه و به حداقل رساندن تنش‌ها و ناسازگاری‌ها برخوردار خواهد بود.

راههای بدست آوردن قناعت

1- نگاه کردن در مسائل مادی به پایین تر از خود

یکی از عواملی که موجب می‌شود تا انسان‌ها از موقعیت اقتصادی در زندگی خود احساس رضایت کنند و با کمبودهای احتمالی به گونه‌ای مطلوب کنار بیایند، مقایسه موقعیت اقتصادی خود با کسانی است که به لحاظ ویژگی‌های مالی با مشکلاتی به مراتب بیشتر دست و پنجه نرم می‌کنند. این مقایسه، زمینه رضایت از موقعیت اقتصادی فعلی و اجتناب از بلند پروازی‌ها را فراهم می‌کند. البته معنای این سخن، دست برداشتن از تلاش و کوشش برای تأمین نیازمندی‌ها در زندگی نیست، بلکه جلوگیری از زیاده طلبی و تجمل گرایی است.

امام صادق ع فرمود: از نظر امکانات به کسی که پایین تر از تو است نگاه کن تا باعث شود به روزی مقدر از جانب خدا راضی باشی.

همچنین در روایات به رفت و آمد با فقرا سفارش شده است که باعث می‌شود خدا را بیشتر شکر کنی. ولی سفارش شده با ثروتمندان رفت و آمد نکنید

امام باقر(ع) فرمودند: «لا تجالس الاغنیاء فان العبد یجالسهم و هو یری ان الله علیه نعمه فما یقوم حتی یری ان لیس لله علیه نعمه» با ثروتمندان هم‌نشین مباش، چون هنگامی که بنده‌ای در کنار آنان می‌نشیند، خود را مشمول نعمت خداوند می‌داند. اما از کنار آنان «بر نمی‌خیزد تا این که می‌پندارد خداوند هیچ نعمتی به او نداده است

سیره بزرگان

سیره بزرگان ما بر مبنای قناعت بوده است و ما هم برای رسیدن به قله‌های موفقیت باید همان راه را برویم و مخصوصا خانمها در زندگی زناشویی حتما قناعت را شعار خود قرار دهند تا یاور خوبی برای همسر باشند و از اسیبهای حرص و طمع ورزی در امان بمانند.

امام علی علیه السلام فرموده‌اند: «ای انسان‌ها، اگر از دنیا به اندازه کفایت بخواهید کمترین اندازه شما را کفایت خواهد کرد و اگر بیش از آن بخواهید، همه آن چه در دنیا است نیز شما را کفایت نخواهد کرد

پس از بازگشت پیامبر اکرم(ص) از جنگ خیبر، همسران آن حضرت در خواست کردند گنجینه‌های «آل ابی الحقیق»، که به عنوان غنیمت به تصرف مسلمانان در آمده بود، تقدیم آنان گردد. رسول خدا(ص) فرمود: بر اساس دستور خدای متعال، این اموال باید میان همه مسلمانان تقسیم گردد. همسران به خاطر این سخن، از آن بزرگوار به خشم آمدند و مطالب ناپسندی را به زبان راندند. در این هنگام خدای متعال آیات 28 و 29 سوره احزاب را نازل فرمود و آنان را مخیر ساخت که یا دنیا و تجمل آن را بر همسری پیامبر ترجیح دهند و از آن حضرت جدا شوند و یا خدا، رسول و زندگی جاوید را بر بهره اندک دنیا برتری دهند و با قناعت و پرهیز از رفاه زدگی، به زندگی ساده خود

با رسول خدا(ص) ادامه دهند. «ای پیامبر، به همسرانت بگو: اگر شما زندگی دنیا و زرق و برق آن را می‌خواهید بیایید شما را با هدیه‌ای بهره‌مند سازم و شما را به سبک نیکویی رها سازم و اگر شما خدا، پیامبر و سرای آخرت را می‌خواهید خداوند برای نیکوکاران شما پاداش (بزرگی آماده ساخته است)». (احزاب، 28 و 29)

البته این برخورد موجب تنبه و آگاهی آنان شد و ابتدا امّ سلمه و به دنبال او سایر همسران عرضه داشتند: ما خدا و رسول را انتخاب می‌کنیم و با رسول خدا(ص) از در آشتی در آمدند.

در توره آمده: ای فرزند هر طور می‌خواهی بکن چون هر نوع عمل می‌کنی بهمان نحو هم پاداش می‌بینی هر کس به روزی کم خداوند راضی باشد خداوند هم عمل او را قبول می‌کند و هر کس به مال حلال کم قانع باشد خداوند رنج او را کم می‌کند و به کسب او برکت می‌دهد و آن شخص را از جزو بندگان فاجر خارج میکند.

### **رابطه بین اسراف با قناعت**

اگر کسی قانع بود اسراف هم نمی‌کند ولی اگر قناعت نداشت به گناه اسراف الوده می‌شود  
علی (ع) می‌فرماید: آنچه بیش از حد کفاف باشد اسراف است.

**رهبر عزیزمان فرمودند: خطاب اول ما به کسانی است که متمکنند و امکاناتی دارند و می‌توانند خرج کنند. به آنها عرض می‌کنیم که کمتر خرج کنید ملاحظه کنید و اسراف نکنید**

ساده زیستی چیز بسیار باارزشی است. ما اگر بخواهیم تجمل و اشرافیگری و اسراف و زیاده روی را - که واقعا بلای بزرگی است - از جامعه مان ریشه کن کنیم با حرف و گفتن نمی‌شود ... عمل ما بایستی موید و دلیل و شاهد بر حرفهای ما باشد.

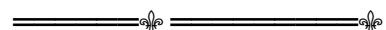
ما ملت ایران باید این جامه ی ناساز بی اندام زشت را از تنمان بیرون بیاوریم ما خیلی مصرف زده هستیم باید این را حلش کنیم. همه باید دست به دست هم بدهند و این قضیه را حل کنند. البته صدا و سیما هم بلاشک نقش دارد.

ما باید به صرفه جویی عادت کنیم . صرفه جویی یعنی آن چیزی را که قابل استفاده است و می توانیم از آن استفاده کنیم دور نریزیم . نسبت به امکانات با هوس رفتار نکنیم . دائما چیزهای ماندگار را نو کردن و چیزهای ضایع نشدنی را دور ریختن روش درستی نیست . به نظر من باید مسئولان کشور راه صرفه جویی و مقابله با اسراف را به مردم بیاموزند .

مصرف گرایی برای جامعه بلای بزرگی است . اسراف روزه روز شکاف های طبقاتی و شکاف بین فقیر و غنی را بیشتر و عمیقتر می کند . یکی از چیزهایی که لازم است مردم برای خود وظیفه بدانند اجتناب از اسراف است . دستگاه های مسئول بخش های مختلف دولتی بخصوص دستگاه های تبلیغاتی و فرهنگی - به ویژه صدا و سیما - باید وظیفه ی خود بدانند مردم را نه فقط به اسراف و مصرف گرایی و تجمل گرایی سوق ندهند بلکه در جهت عکس مردم را به سمت قناعت اکتفا و به اندازه ی لازم مصرف کردن و اجتناب از زیاده روی و اسراف دعوت کنند و سوق دهند . مصرف گرایی جامعه را از پای در میآورد . جامعه ای که مصرف آن از تولیدش بیشتر باشد در میدان های مختلف شکست خواهد خورد . ما باید عادت کنیم مصرف خود را تعدیل و کم کنیم و از زیادی ها بزنیم . (3)

صرفه جویی صحیح - همان که در اسلام به آن قناعت می گویند - به معنای نخوردن نیست . به معنای زیاده روی نکردن مال خدا را حرام نکردن و نعمت الهی را ضایع نکردن است . (4) موضوع قناعت را جدی بگیرید . منظورم از قناعت این نیست که دست به نعمت های الهی نزنید و از آنها بهره مند نشوید . مقصود این است که حد و اندازه نگه دارید زیاده روی و اسراف نکنید نعمت های الهی را ضایع ننمایید .) من آنها را به قناعت به صرفه جویی و به اسراف نکردن دعوت می کنم

اگر زن در مقابل شوهرش زیون دراز باشه ،پرخاشگری کنه  
.همون جمله ای اولی که میگه به احساس شوهرش لطمه میزنه  
اگر مردی تندخو شد،فریاد زد و زخم زبان زد و به همسرش گفت ببین زن همسایه چه زن خوبیه،تو هم هستی  
این یعنی مردی زنی را به رخ زن خودش می‌کشه  
.اینجاست که بدترین ضربه را به روح لطیف خانومش میزنه  
.چون این جمله به اندازه ای کوبندگی داره که همون لحظه اول عشق را به نفرت تبدیل میکنه  
باید مواظب رفتارها بود که خدای نکرده شیشه محبت بین زن و شوهر شکسته نشه و عشق و علاقه رشد پیدا کنه



مرد\_خونم\_باش #

آقایون میدونستید زنایی که در خونه پرخاش میکنن و داد میزنن کمبود محبت شدید از طرف همسرانشون دارن؟

آقایون میدونستید که آرامش را مرد به زن میبخشه  
...و همون آرامش را زن در خانه بین بچه هاش تقسیم میکنه و دوباره به خودتون بر میگردونه

آقایون آیا میدونستید صحبت در مورد احساسهای درونی بین زن و مرد،،کانال مشاوره ریحانه بهشتی،، باعث ایجاد ثبات و امید در  
..زندگی میشه

آقایون میدونستید یکی از نیازهای خانوم ها شنیدن تمجید و تعریف از سوی همسرشونه

آقایون میدونستید نوازشهای محبت آمیز مردانه از مسکن های قوی بهتر عمل میکنه؟؟

پس از خانومتون تشکر کنید،محبت کنید



....براتون عادی نشه،کار هاش،تمیز بودنش،محبتش و

## اعتكاف و خانواده

و عهدنا الى ابراهيم و اسماعيل ان طهرا بيتي للطائفين و العاكفين و الركع السجود(بقره125)

اعتكاف اميزه ای از چند عبادت است یکی روزه یکی مسجد. و نماز و دعا و ذکر و ...

اعتكاف معادل طواف كعبه و همتای ركوع و سجود است همان گونه كه در ایه 125 بقره آمده است.

پیامبر خدا فرمود هر يك روز اعتكاف باعث می شود كه بین او و جهنم سه خندق ایجاد شود كه فاصله ه خندق تا دیگری فاصله بین زمین و آسمان است.

از جمله اثار مهم اعتكاف:

1-تقویت اراده :. بر اثر عبادتهایی كه در این سه روز شخص معتكف انجام میدهد اراده او برای اطاعت از خداوند و مبارزه با نفس و شیطان تقویت می شود. همانگونه كه خدای متعال می فرماید . واستعينوا بالصبر و الصلوه.(بقره54)كه مراد از صبر یکی روزه است.

2-تواضع و فروتنی:معتكف در مقابل عظمت الهی خود را كوچك می بیند و تكبرش از بین می رود و فروتن می گردد.

3-كم شدن گناه:هرچه روح عبودیت در انسان قوی تر شود میل به گناه در او ضعیف تر می گردد و اعتكاف می تواند در این زمینه بسیار موثر باشد

4-برقراری ارتباط با دیگر مومنین دوست یابی ایمانی:خداوند دوست دارد بین مومنین برادری و اخوت باشد و اعتكاف به این امر كمك می كند.كه افراد با مومنین دیگری كه برای اعتكاف آمده اند آشنا می شود و چه بسا انسان دوست خبی را پیدا كند كه سالیان سال باهم رفیق باشند و كمك كار هم باشند.

5- فرد معتكف كه به تصفیه روح خود اقدام کرده نسبت به خانواده خود رافت و شفقت بیشتری پیدا می كند.محبتش به خانواده بیشتر می گردد. و احساس مسئولیت بیشتری نسبت به خانواده خود پیدا می كند. زیرا در قرآن ذكر شده كه بعد از ایمان به خدا ،احسان به والدین توصیه شده است. و فرد معتكف برای نیکی به والدین مصمم تر می گردد

همچنین کسانی كه روحیه عبودیت در آنها تقویت می شود برای خدمت به خانواده خود و خوش اخلاقی نسبت به خانواده مصمم تر می گردند.

خوش اخلاقی و احسان به والدین و محبت بیشتر به همسر و فرزندان از دستاوردهای يك اعتكاف درست می باشد.

وقتی معتكف سه روز در مسجد مهمان پروردگار عالمیان می گردد نتیجه این مهمانی سه روزه ،بندگی كردن بیشتر در مقابل خالق خود می باشد. و بندگی و عبودیت اشكال مختلفی دارد كه يكیش نماز است اما اشكال دیگر ان عمل به دستورات قرآن کریم است كه از جمله می فرماید: ان الله يامر بالعدل و الاحسن و ايتاء ذی القربى و ينهى عن الفحشا و المنرك و البغى

كه در این ایه خدا امر می كند به .احسان و نیکی به دیگران.عدالت ورزی و كمك به فامیل و نهی می كند از كارهای زشت و ظلم به يكديگر

6- ادم معتكف كه حاضر شده سه شبانه روز در مسجد بماند و به عبادت مشغول باشد دنبال مواد مخدر نمى رود. دنبال دزدى نمى رود. دنبال شرابخوارى نمى رود. دنبال مفاصد اخلاقى نمى رود. خانواده خود رو اذيت نمى كند. خرجى خانواده خود را قطع نمى كند. دعوا و نزاع نمى كند. باعث اخلاف در فاميل نمى شود.

امام خمينى و خانواده

امام صادق(ع) در اين زمينه مى فرمايد

... "مَنْ اتَّخَذَ امْرَأَةً فَلْيَكْرِمْهَا. هر كس زنى بگيرد، بايد او را احترام كند "

پيامبر فرمود جبرئيل انقدر باره حق زنان گفت كه خيال كردم حتى اف گفتن به همسر جايز نباشد.  
**حضرت امام درباره سبك زندگى اسلامى يك الگوى كامل هستند. چه در زمينه چگونگى برخورد با همسر. و چه در زمينه چگونگى برخورد با فرزندان. و در زمينه تربيت اسلامى خانواده. و در زمينه رعايت حقوق خانواده. و چه در زمينه ياد اورى جاىگاه مهم مادر.**

همسر شهيد محلاتى به نقل از همسر بزرگوار خود مى گويد:  
"... امروز حضرت امام در درس فرمودند كه طلبه هاى متأهل نبايد شب ها مطالعه كنند، بلكه شب ها را به رسيدن به امور منزل و رسيدگى به زن و فرزند گذرانده، سحرها را به مطالعه اختصاص دهند."

**همسر امام مى گويد:**

امام هميشه جاى بهتر را به من تعارف مى كردند

**تا من نمى آمدم سر سفره، خوردن غذا را شروع نمى كردند. به بچه ها هم مى گفتند، صبر كنيد تا خانم بيايد**

:یک روز من ایستاده بودم و دخترهایم نشسته بودند. ایشان ( امام ) با ناراحتی گفتند:

**چرا شما نشسته اید از جایتان بلند شوید.مادر شما جلوی شما ایستاده**

خانم فریده مصطفوی دختر حضرت امام می گوید: هیچ وقت ما ندیدیم ایشان به خانم بگویند فلان کار را برای من انجام بده یا حتی یک چای برای من بریزید. همیشه ما یا کارگر منزل را خطاب می کردند. اگر یک وقت هیچکس نبود، صدا می زدند

.خانم! بگویید یک چای برای من بیاورند

اگر کسی در منزل نبود قهراً خانم این کار را خودشان می کردند ولی ایشان چنین دستوری نمی دادند. همیشه خیلی به خانم احترام می گذاشتند و مقید بودند اظهار محبت و علاقه را جلوی ما (فرزندان علنی کنند). (پا به پای آفتاب، ج 1، ص 97)،(همسر حضرت امام

نقل از دختر امام: در تمام مسائل شخصی و خانوادگی نظر خانم محترم بود و ایشان هیچ گونه دخالتی در امور داخلی منزل نداشتند

اگر بگویم که در طول شصت سال زندگی، زودتر از خانم دستشان توی سفره نرفت، دروغ نگفته ام. اگر بگویم کوچک ترین توقعی از ایشان نداشتند، دروغ نگفته ام. حتی می توانم بگویم در طول شصت سال زندگی هیچ وقت یک لیوان آب هم از خانم نخواستند

**امام کاری را به خانم نمی دادند**

خانم فاطمه طباطبایی، عروس حضرت امام نقل می کند: امام کاری را به خانم نمی دادند، خانم می گویند وقتی یک دکمه پیراهنشان می افتاد می گفتند: می شود این را بدهید بدوزند. نمی گفتند:

خودت بدوز یا احیاناً اگر روز بعد دوخته نشده بود نمی گفتند: چرا ندوخته اید. می گفتند: کسی نبود  
بیايد بدوزد. تا آخر عمرشان هیچ وقت به خانم نگفتند یک لیوان آب بده  
)

### کمک به همسر در کار منزل و بچه داری

عروس حضرت امام(ره) خانم فاطمه طباطبایی نقل می کند که: خانم می گفتند: چون بچه هایشان  
شب تا صبح گریه می کردند و ایشان مجبور بودند تا صبح بیدار بمانند، امام شب را  
تقسیم کرده بودند. یعنی مثلاً دو ساعت ایشان بچه را ساکت می کردند و خانم می  
خوابیدند و بعد دو ساعت خودشان می خوابیدند و خانم بچه را نگه می داشتند. البته  
روزها که مشغول درس و بحث بودند، فرصتی برای نگهداری بچه ها نداشتند

**دختر حضرت امام خانم فریده مصطفوی نقل می کند: امام همیشه در کارهای منزل  
کمک می کردند و به ما نیز می گفتند: کمک از بهشت آمده است**

فرزندانشان تعریف می کنند که ایشان با آن ها بازی می کردند یعنی بعد از تمام شدن درس، ساعتی  
را به بازی با بچه ها می پرداختند و به این ترتیب به خانم در کار تربیت بچه ها کمک می کردند  
امام به پسر و نوه هایشان القا می کردند که از زنانشان انتظار کاری نداشته باشند و اگر کار کردند،  
محبت کرده اند. البته به دخترها نیز توصیه می کردند که کار کنند

### کمک در آشپزخانه

خانم دباغ نقل می کند: روزی بر حسب اتفاق تعداد میهمانان منزل امام زیاد شد، پس از صرف غذا  
ظرف ها را جمع کردم و به آشپزخانه بردم. با زهرا- دختر آقای اشراقی- آماده شدیم که ظرف ها را  
بشوئیم. اما دیدم که خود امام هم بلافاصله به آشپزخانه آمدند. از زهرا پرسیدم: "حاج آقا چرا به  
آشپزخانه آمده اند؟" و حق داشتم که تعجب کنم، زیرا وقت وضو نبود؛ اما امام آستین هایشان را بالا  
زدند و فرمودند: چون ظرف های امروز زیاد است آمده ام کمکتان کنم

بدنم شروع به لرزیدن کرد. خدایا چه می بینم! به زهرا گفتم تو را به خدا از امام خواهش کنی که

(ایشان تشریف ببرند. خود ما ظرف ها را می شوئیم. (همان، ص 173)

دختر حضرت امام خانم فریده مصطفوی نقل می کند: امام همیشه در کارهای منزل کمک می کردند و به ما نیز می گفتند: **کمک از بهشت آمده است**.  
مثلا خودشان چای می ریختند. حتی وقتی لیوان آبی می خواستند، به کسی دستور نمی دادند، بلکه خودشان به آشپزخانه می رفتند و لیوان را آب می کردند.

### **خودم باید کار کنم**

در جمع نشسته بودیم، می دیدیم که آقا دارند به طرف آشپزخانه می روند. از ایشان سوال می کردیم، می گفتند:

می روم آب بخورم

می گفتیم: "به ما بگویید تا برایتان آب بیاوریم." می گفتند: **مگر خودم نمی توانم این کار را انجام بدهم؟ بعد با خنده می گفتند: انسان باید خود کفا باشد.** (همان، ص 103)

همسر امام در پاسخ به این پرسش که امام چگونه همسری است و در طول سال های زندگی با شما چگونه رفتار کرده است، می گوید:

رفتار ایشان با من، بسیار خوب بوده است. من از ایشان، خیلی راضی هستم. همیشه احترام مرا داشته اند. هیچ وقت با تندی صحبت نمی کنند. اگر لباس و حتی چای بخواهند، می گویند: ممکن است، بگویی به من فلان لباس را بدهند! حتی گاهی خودشان چای خودشان را می ریزند

امام، محیط زندگی را و احترام به همسر و فرزندان را، بخشی از سلامت و سعادت جامعه آینده می دانند.

:پیام متن

امام خمینی رحمه الله با پیروی از آموزه های دینی، رفتاری احترام آمیز با همسر خویش داشت، در همه حال قدردان او بود و از امر و نهی کردن او پرهیز می کرد.

انسان نباید، برای خود امتیازی نسبت به همسر قائل شود، و بر این اساس باید رفتارش نسبت به 2. همسر احترام آمیز باشد

**امام در مورد انتخاب همسر برای فرزندان خود همواره بر خانواده تأکید فراوان داشته، می گفتند:**

**" خانواده ها باید هم مسلک باشند، سنخیت داشته باشند و مؤمن و متعهد باشند."**

البته به گفته فرزندان ایشان در ازدواج آنان، رضایت دختر یا پسر شرط بود و در صورتی که دختر ایشان علی رغم تأیید صلاحیت داماد، خواستگاری وی را رد می کرد، امام نیز رد می کردند. اکنون که با چگونگی انتخاب همسر از منظر امام آگاه شدیم، چند نکته ضروری را که از پیامدهای انتخاب و ازدواج است، فهرست وار مطرح می کنیم. یکی از مسائل مهم پس از خواستگاری، برپایی مراسم عقد و عروسی و دیگر مسائل مربوط به آن است.

فرزند امام در این باره می گوید: **" در مراسم ازدواج فرزندان، هم عقد می گرفتند و هم عروسی. البته خیلی مختصر و معمولی. نسبت به نوه هایشان چون بعد از انقلاب بود، خیلی ساده برگزار می کردند."**

با توجه به این که اسلام دینی همه جانبه بوده، هرگز به مسائل، نگرش یک سویه ندارد، دستورها و تعالیم اسلامی همواره به گونه ای متعادل و مطابق با فطرت و عقل بشری وضع شده است و همان گونه که مکتب ما برای مسائل اخروی و معنوی اهمیت فراوانی قایل است؛ امور دنیوی را هم در صورتی که ضایع کننده آخرت نباشد، مورد نظر قرار داده، شادکامی و سعادت دنیوی و اخروی را با هم عجین کرده است.

سیره عملی امام درباره جشن ازدواج فرزندان، با موازین دینی مطابقت کامل داشت. نکته قابل توجه این است که هم از تحجّر و مقدس مآبی، و هم از تجملات و اسراف، پرهیز کرده و این امر الهی را به بهترین صورت انجام داده اند. اقتضای زمان و توجه به مشکلات اقتصادی جامعه از دور اندیشی ها و واقع نگری های این بزرگمرد الهی است که همواره برای نسل های امروز و فردا به عنوان الگویی کامل خواهد بود. در تهیه جهیزیه نیز امام همواره تعادل و شأن را در نظر می گرفتند.

**خانواده، بنیانی آسمانی**

اکنون که گام نخست در تشکیل خانواده، مورد بررسی قرار گرفت، به سیره عملی امام درباره افراد خانواده می پردازیم و به عنوان مقدمه، بخشی از سخنان آسمانی این مرد الهی را در باره اهمیت خانواده از نظر گذراننده، سپس به برخوردهای شخصی و جزئی او می پردازیم، تا از سفره هدایتش توشه ای بگیریم.

همسر شهید محلاتی به نقل از همسر بزرگوار خود می گوید:

**"... امروز حضرت امام در درس فرمودند که طلبه های متأهل نباید شب ها مطالعه کنند، بلکه شب ها را به رسیدن به امور منزل و رسیدگی به زن و فرزند گذرانده، سحرها را به مطالعه اختصاص دهند."**

توجه فراوان امام به حقوق زن و فرزند در این نکته اخلاقی کاملاً هویداست. قداست خانواده از دیدگاه ایشان در جای جای زندگی خانوادگی و نصایح ایشان به دیگران بسیار قابل تحسین است. امام در وصیت نامه خود به یادگار خویش می نویسد:

**"... حقوق بسیار مادرها را نه می توان شمرد و نه می توان به حق ادا کرد. یک شب مادر نسبت به فرزندش از سال ها عمر پدر متعهد، ارزنده تر است."**  
و نیز در جای دیگر می فرماید:

**"و به احمد، پسر، وصیت می کنم که با ارحام و اقربای خود خصوصاً خواهران و برادر و خواهرزادگان با مهر و محبت و صلح و صفا و ایثار و مراعات رفتار کند و به همه فرزندانم وصیت می کنم که باهم یکدل و یک جهت باشند."**

## حقوق و وظایف همسران

### برخی از حقوق و وظایف زن و شوهر عبارتند از:

1. زنی که عقد دائمی شده نباید بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود، و باید خود را برای هر لذتی که او می‌خواهد تسلیم نماید و بدون عذر شرعی از نزدیکی کردن او جلوگیری نکند. و اگر در اینها از شوهر اطاعت کند، تهیه غذا و لباس و منزل او و لوازم دیگری که در کُتب ذکر شده بر شوهر واجب است، و اگر تهیه نکند چه توانایی داشته باشد، یا نداشته باشد مدیون زن است.<sup>290</sup>
2. اگر زن در کارهایی که در مسأله پیش گفته شد اطاعت شوهر را نکند گناهکار است، و حق غذا و لباس و منزل و هم‌خوابی ندارد، ولی مَهر او از بین نمی‌رود.<sup>291</sup>
3. مرد حق ندارد زن خود را به خدمت خانه مجبور کند.<sup>292</sup>
4. مخارج سفر زن اگر بیشتر از مخارج وطن باشد با شوهر نیست، ولی اگر شوهر مایل باشد که زن را سفر ببرد باید خرج سفر او را بدهد.<sup>293</sup>
5. زنی که از شوهر اطاعت می‌کند اگر مطالبه خرجی کند و شوهر ندهد می‌تواند جهت الزام شوهر بر پرداخت نفقه به حاکم شرع و اگر ممکن نباشد به عدول مؤمنین، و اگر آن هم ممکن نباشد به قُسّاق مؤمنین مراجعه نماید، و چنانچه الزام شوهر بر دادن نفقه ممکن نباشد می‌تواند در هر روز به اندازه خرجی آن روز بدون اجازه از مال او بردارد، و اگر ممکن نیست چنانچه ناچار



- باشد که معاش خود را تهیه کند، در موقعی که مشغول تهیه معاش است اطاعت شوهر بر او واجب نیست. 294
6. مرد نمی‌تواند زن دائمی خود را به طوری ترك کند که نه مثل زن شوهردار باشد نه مثل زن بی‌شوهر، لکن واجب نیست هر چهار شب يك شب نزد او بماند. 295
7. شوهر نمی‌تواند بیش از چهار ماه، نزدیکی با عیال دائمی خود را ترك کند. 296
8. مرد باید نسبت به کارهایی که همسرش از روی ناآگاهی انجام داده است، گذشت داشته باشد و با او تشرویی نکند. 297
9. اگر زن به واسطه گرفتن روزه مستحبی حق شوهرش از بین برود، و همچنین اگر شوهر او را از گرفتن روزه مستحبی باز دارد، بنابر احتیاط واجب باید خودداری کند. 298
10. نذر زن بی‌اجازه شوهرش باطل است، [ولی] اگر زن با اجازه شوهر نذر کند شوهرش نمی‌تواند نذر او را به هم بزند، یا او را از عمل کردن به نذر باز دارد. 299
11. اگر شوهر از قسم خوردن زن جلوگیری نماید، قسم او صحیح نیست. 300
12. اگر زن بدون اجازه شوهر قسم بخورد، قسم او بعید نیست صحیح نباشد، لکن نباید احتیاط را ترك کند. 301
13. اگر زن در عقد با مرد شرط کند که او را از شهری بیرون نبرد و مرد هم قبول کند، نباید زن را از آن شهر بیرون ببرد. 302

## استفتائات

### آرایش زن و رضایت همسر

آرایش کردن زن، خود را برای غیر همسر در بعضی مجالس زنانه مثل عروسی یا مهمانی زنانه و ... چه حکمی دارد؟ و در صورتی که مورد رضایت همسر نباشد چه حکمی دارد؟

باسمه تعالی؛ در صورتی که نامحرم او را نبیند اشکال ندارد، ولی سعی شود تا توافق بین زن و شوهر حاصل شود. 303

### لباس زن و رضایت همسر

اگر جهت شرکت در يك مهمانی خاصی زن بخواهد لباس مخصوصی را بپوشد، ولی همسر وی راضی نباشد و نپوشیدن آن لباس نیز موجب هتك آن زن نباشد، و در صورت استفاده زن از آن

لباس چه بسا موجب ناراحتی خانوادگی و ایجاد اختلاف شود، از نظر شرعی این پوشیدن چه حکمی دارد و آیا جایز هست یا خیر؟  
باسمه تعالی؛ اگر پوشیدن لباسی موجب اختلاف و مفسده باشد، باید از پوشیدن آن اجتناب شود. و شوهر هم نباید از لباسی که متعارف است آقران<sup>304</sup> همسر او می پوشند جلوگیری کند.<sup>305</sup>

## توطّن زن

آیا زن در توطّن<sup>306</sup> یا مسافرت تابع مرد است؟ در چه شرایطی و تا چه حدی؟  
باسمه تعالی؛ میزان قصد خود زن است.<sup>307</sup>

## حدود اطاعت از شوهر

حدود اطاعت از شوهر تا چه حدی است؟  
باسمه تعالی؛ در مطلق استمتاع<sup>308</sup> و خروج زن از منزل باید اطاعت از شوهر باشد.<sup>309</sup>

## ترك حقوق و وظائف همسران

### أ. نشوز زن

نشوز زن یا رعایت نکردن حقوق شوهر عبارت است از بیرون رفتن زن از اطاعت شوهر در اموری که بر زن واجب است و آنها عبارتند از:

1. تمکین نکردن خویش برای شوهر در کامیابی و امور جنسی.
  2. از بین نبردن آنچه مایه تنفر و ضد کامیابی و لذت بردن امور جنسی است.
  3. ترك پاکیزگی و آرایش خود در صورتی که شوهر خواستار آن باشد.
  4. بیرون رفتن از خانه بدون اجازه شوهر و غیر اینها.
- ولی ترك اطاعت از شوهر در مواردی که بر زن واجب نیست، باعث نشوز وی نمی شود. بنابراین اگر زن از خدمات خانه و خواسته های شوهر که مربوط به کامیابی در امور جنسی نمی شود مانند جارو کردن، خیاطی، آشپزی یا جز آن حتی آبدادن و پهن کردن رختخواب خودداری کند، نشوز وی شمرده نمی شود.<sup>310</sup>

## یادسپاری

اگر زن بدون اجازه شوهر سفری برود که بر او واجب نباشد، باید نماز را تمام بخواند. ولی اگر مثل سفر حج واجب باشد، باید نماز را شکسته بخواند. 311

## استفتائات

### حکم اطاعت نکردن زن از شوهر

اگر زنی در زندگی اولاً اطاعت از شوهر نکرد؛ ثانیاً برای شوهرش ارزش قائل نبود؛ ثالثاً اسرار زندگی را در همه جا فاش نمود؛ رابعاً در زندگی مرتب دروغ گفت تکلیف مرد از نظر شرعی با چنین زنی چیست؟

باسمه تعالی؛ باید او را امر به معروف و نهی از منکر نمایید. 312

### مقید نبودن زن به مسائل شرعی

چندین سال است که ازدواج کرده‌ام، خودم خیلی دنبال مسائل دینی و شرعی هستم و مقلد امام می‌باشم، ولی متأسفانه همسرم زیاد به مسائل دینی اهمیت نمی‌دهد و بعضی اوقات پس از خیلی سر و صدا يك دفعه نماز می‌خواند و چند دفعه نمی‌خواند و این امر مرا زیاد رنج می‌دهد، در اینجا وظیفه من چیست؟

1. آیا خوردن غذایی که او درست می‌کند از نظر شرعی جایز است؟

2. آیا در این مورد، در روز قیامت، من مسؤول نیستم؟

3. آیا در اثر بی‌توجهی او به دین، باید او را طلاق داد؟

باسمه تعالی؛ اگر منکر خدا یا رسول یا یکی از ضروریات دین نیست پاك است و باید او را امر به معروف کنید، و اگر مؤثر نباشد شما معذور هستید و لازم نیست طلاق دهید و اختیار طلاق در دست خود شماست. 313

### ب. نُشوز مرد

نُشوز مرد با رعایت نکردن حقوق زن عبارت است از:

ستم و آزار به زن و انجام ندادن حقوق واجبی که زن بر عهده شوهر دارد، مانند پرداخت هزینه‌های زن از سوی شوهر. 314

## یادسپاری

برای آگاهی از راههای درمان نشوز زن و مرد به کتاب تحریر الوسیل، ج 2، ص 305 - 307 و یا به ترجمه آن مراجعه کنید.

## ج. احکام طلاق

آیا به یاد می‌آوریم لحظات شیرین و مقدس ازدواج را؟ همان زمانی که اشك شوق مادر همچون شبنم برگونه‌هایش جاری می‌شد، و با زبانی لرزان به دخترش می‌گفت: «دخترم به آرزوی خود رسیدم و شکر خدا که عروسی تو را دیدم». همان وقتی که پدر، آغوش پُر مهر و محبت خود را باز می‌کرد و پسرش را در آغوش می‌فشرد و به او می‌گفت: «پسرم بر تو مبارك باد، سالیانی است که در انتظار چنین روزی بودم». همان لحظاتی که خواهر و برادر با لبخندی شیرین و با شور و هیجانی سرشار از شوق و شادی می‌گفتند: «پیوندتان مبارك باد».

آن هنگامی که خردسالان با شاخه‌ای از گل شادی، احساسات پاك خود را ابراز می‌کردند و با شیرین زبانی می‌گفتند: «عروسی تان مبارك باد».

آن زمانی که خویشان و نزدیکان با دستانی گرم و صمیمی و با بوسه‌هایی پُر از مهر و صفا خداحافظی می‌کردند و می‌گفتند: «ان شاء الله» به پای یکدیگر پیر شوید».

آری، آیا به یاد می‌آوریم لحظات شیرین و مقدس ازدواج را؟

آیا مگر آن قند و شاخه نبات، بجز پیامی شیرین پیام دیگری داشتند؟ مگر آن چراغهای رنگی، بجز نور شادی نور دیگری می‌پاشیدند؟

مگر آن لباسهای سفید، بجز خبر انس و الفت و آشتی خبر دیگری می‌دادند؟

مگر آن شب، بجز سرود زیبایی و جاودانگی سرود دیگری می‌نواختند؟ اینك پس از آن همه،

چگونه می‌توان نظاره گر از هم گسستن آن پیوند زیبا و مقدس بود؟

چگونه می‌توان به جای آن اشك شوق، اشك غم و اندوه را بر چهره مادر دید؟

چگونه می‌توان به جای آن آغوش پُر مهر و محبت پدر، آغوشی سرد و بی‌روح را احساس کرد؟

به کدام قیمتی می‌توان لبخند شیرین خواهر و برادر را با چهره‌ای غم گرفته و اندوهناك معاوضه نمود؟

به کدام بهایی می‌توان گُل شادیِ خردسالان را در پاییز جدایی، پژمرده دید؟ کدام طاقت و توانی است که حاضر است به جای صدای دلنشین «بابا» و «مامان» فرزندان، گریه تنهایی آنان را بشنود؟ آیا مگر دوست نداریم که فضای خانه بوی عشق و محبت و ایثار دهد، و بوسه‌های شیرین بر گونه‌های حریرگون کودکان بنشیند و عطر دل‌انگیز آن به مشام رسد؟ آیا سزاوار است که کودکان معصوم، بی‌پناه شوند و فدای «غرو» پدر و «لجاعت» مادر گردند؟ آیا مگر «طلاق» مبعوضترین کار حلال در پیشگاه خداوند نیست؟ باری، از این رو بود که قلم نگارنده، توان آن نداشت که از «طلاق» سخنی گوید و یا احکام آن را روی صفحه کاغذ به رشته تحریر کشد. امید است که با «گذشت» پدران و «پیشقدمی» مادران، دوباره نور شادی و سُور را به خانه و خانواده آورد، و بیش از این قلب شکستنی و نازنین فرزندان را آزرده نکرد. حقوق فرزندان و وظایف پدر و مادر

### **برخی از حقوق فرزندان که بر عهده پدر و مادر است عبارتند از:**

#### **أ. غسل ولادت، گفتن اذان و اقامه، کامکشایی**

در صورتی که برای نوزاد زیان نداشته باشد، مستحب است هنگام تولد، او را غسل دهند؛ و در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه را بگویند؛ و کام او را با آب فرات و تربت حضرت سیدالشهدا(ع) بکشایند. 315

#### **ب. نامگذاری**

نامگذاری نوزاد با نامهای خوب، مستحب و از حقوق فرزند بر پدر است. و بهترین نامها هر نامی است که بندگی خدا - جلّ شأنه - را در برداشته باشد؛ مانند عبدالله، عبدالرحیم، عبدالرحمن و مانند آنها. و پس از آن، نامهای پیامبران و امامان(علیهم السلام) است که بهترین آنها نام «محمد» است، بلکه اگر دارای چهار فرزند است کراهت دارد نام یکی از آنان «محمد» نباشد. و همچنین مکروه است اگر نام او «محمد» است کنیه او را «ابوالقاسم» بگذارد. 316  
پیامبر خدا(ص) می‌فرماید:

ای علی! حق فرزند بر پدر این است که نام زیبا برای او انتخاب و ادب و اخلاقش را نیکو کند و کار شایسته‌ای برای وی برگزیند. 317

امام رضا از پدرانش (علیهم السلام) نقل می‌کند که پیامبر خدا 6 فرمودند:  
هرگاه نام فرزند خود را مجد گذاشتید، به او احترام بگذارید و برایش جا باز کنید و با وی ترشروی  
نکنید. 318

(سکونی می‌گوید: بر امام صادق (ع) وارد شدم در حالی که غمگین و اندوهناک بودم. حضرت به من فرمودند: سکونی چرا غمگینی؟ عرض کردم: دختری نصیم شده است ... حضرت فرمودند: او را چه نام نهاده‌ای؟ عرض کردم: «فاطمه». حضرت فرمودند:)

آه! آه! ... اکنون که او را «فاطمه» نام نهاده‌ای دشنامش مده، نفرینش مکن و او را کتک مزن. 319  
امام باقر از پدرانش (علیهم السلام) نقل می‌فرمایند:

پیامبر خدا (ص) نامهای زشت و نازیباي مردان و شهرها را تغییر می‌دادند] و به جای آنها نامهای زیبا و نیکو را برمی‌گزیدند]. 320

## ج. ختنه کردن

1. ختنه کردن پسر واجب است. و اگر تا پس از بلوغ تأخیر بیفتد بر پسر واجب است که خودش را ختنه کند حتی اگر کافر ختنه نشده‌ای مسلمان شود واجب است که ختنه شود اگر چه سالخورده باشد، و تا زمان بلوغ بر ولیّ پسر واجب نیست که او را ختنه کند. پس چنانچه پسر بدون ختنه بالغ شد بر خودش ختنه کردن واجب است، اگر چه احوط آن است که ولیّ اش وی را ختنه کند. 321

2. ختنه شدن ذاتاً واجب است و شرط صحت در طواف حج یا عمره است چه آن دو واجب باشند یا مستحب. ولی بنا بر اقوا شرط صحت نماز نیست چه رسد به سایر عبادات. 322  
3. اگر کسی بچه‌ای را ختنه کند و ضرری به آن بچه برسد یا بمیرد، چنانچه بیشتر از معمول بریده باشد ضامن است، و اگر بیشتر از معمول نبریده باشد ضامن نیست. 323

## د. ولیمه و مهمانی

ولیمه دادن هنگام تولد بچه مستحب است و این یکی از پنج موردی است که ولیمه دادن در آنها سنت و مستحب است، همان‌گونه که یکی از آن موارد در هنگام ختنه کردن است. و معتبر

نیست که ولیمه در همان روز اول تولد داده شود، بلکه تأخیر آن تا چند روز نیز اشکالی ندارد. و ظاهر این است که چنانچه ختنه در روز هفتم و یا پیش از آن صورت گیرد و در روز ختنه به نیت ولیمه تولد و ختنه، ولیمه داده شود، هر دو کار مستحب انجام شده است. 324

## ه . عقیقه کردن

1. از مستحباتی که بر آن تأکید شده، عقیقه و قربانی کردن برای نوزاد پسر و دختر است. و مستحب است برای نوزاد پسر، حیوان نر و برای نوزاد دختر، حیوان ماده عقیقه شود. و مستحب است که عقیقه را در روز هفتم انجام دهند. و چنانچه از روز هفتم به تأخیر بیفتد - چه با عذر و چه بدون عذر - عقیقه ساقط نمی‌شود. بلکه اگر برای فرزند عقیقه ندادند و او بالغ شد، مستحب است که فرزند برای خودش عقیقه دهد، و چنانچه در زمان حیات نیز عقیقه ندهد، مستحب است پس از مرگ وی برایش عقیقه دهند. و عقیقه باید یکی از چهارپایان سه‌گانه باشد؛ گوسفند (میش یا بز)، گاو و شتر. و صدقه دادن پول عقیقه به جای آن کافی نیست و جای آن را نمی‌گیرد ... و مستحب است پا و ران عقیقه را به مامای بچه اختصاص دهند، و بهتر این است که ربع آن را به وی اختصاص دهند. و چنانچه آن ربعی از عقیقه را که پا و ران عقیقه در آن است به ماما بدهند، بعید نیست که هر دو کار مستحب را انجام داده باشند. و در صورتی که ماما نباشد سهم او را به مادر می‌دهند تا آن را صدقه بدهد. 325

2. در عقیقه مخیر هستند بین اینکه آن را به صورت گوشت خام یا پخته شده تقسیم کنند، و یا اینکه آن را بپزند و عده‌ای از مؤمنان - دست کم ده نفر - را دعوت کنند. و اگر بیشتر از ده نفر باشند بهتر است، و مهمانان از آن بخورند و برای نوزاد دعا کنند. و اشکالی ندارد که عقیقه مطابق آنچه متعارف است پخته شود، و گاهی گفته می‌شود بهتر آن است که با آب و نمک پخته شود، ولی بهتر بودن این کار معلوم نیست. 326

امام صادق (ع) می‌فرماید:

[سلامتی] هر فرزندی در گرو عقیقه است. 327

## و . شیر دادن

1. برای شیر دادن بچه بهتر از هر کس مادر اوست ... 328.

2. نهایت شیر دادن دو سال کامل است. و جایز است تا سه ماه کمتر از این مدت، آن را کاهش داد، یعنی در بیست و یک ماهگی کودک را از شیر گرفت، ولی در صورت امکان و عدم ضرورت، کمتر از این مدت جایز نیست. 329

## نکته

اُمّ اسحاق می‌گوید: مشغول شیر دادن یکی از دو پسر من بودم. امام صادق (ع) به من فرمودند: ای اُمّ اسحاق! او را از یک پستان شیر نده، بلکه از هر دو پستان شیر بده، زیرا یکی از آن دو پستان غذا و دیگری آب است. 330

## ز. نگهداری و تعلیم و تربیت (حضانت)

1. مادر برای نگهداری و تربیت فرزند و آنچه مربوط به این دو می‌شود، مانند مصلحت نگهداری او در ایام شیرخوارگی یعنی دو سال سزاوارتر است، در صورتی که مادر آزاد، مسلمان و عاقل باشد، خواه فرزند پسر باشد یا دختر، خواه مادر - خودش - وی را شیر داده باشد یا دیگری. پس جایز نیست پدر در این مدت، فرزند را از مادر جدا کند و بگیرد اگر چه - بنا بر احتیاط - مادر، او را از شیر گرفته باشد. و هنگامی که مدت شیرخوارگی پایان یافت، پدر نسبت به پسر، و مادر نسبت به دختر سزاوارتر است تا اینکه دختر به 7 سالگی برسد که در این صورت پدر برای نگهداری و تربیت دختر شایسته‌تر است. و چنانچه مادر پیش از 7 سالگی دختر به وسیله فسخ یا طلاق از پدر جدا شود، تا زمانی که با دیگری ازدواج نکرده است حقش از بین نمی‌رود. بنابراین اگر مادر ازدواج کند حق نگهداری و تربیت وی از پسر و دختر ساقط می‌شود و برای پدر باقی می‌ماند. و در صورتی که مادر از شوهر دوم جدا شود، بعید نیست که دوباره حق حضانت مادر برگردد. و آحوط در این مورد مصالحه و توافق از راه مسالمت‌آمیز است. 331
2. اگر پدر پس از انتقال حضانت به او یا پیش از آن بمیرد، مادر برای حضانت فرزند - چه پسر و چه دختر - هر چند با دیگری ازدواج کرده باشد از وصی پدر و همچنین سایر خویشان پدر حتی پدر پدر و مادر پدر - تا چه رسد به دیگران - سزاوارتر است. همان‌گونه که اگر مادر در زمانی که مسؤول حضانت فرزند است بمیرد، پدر از دیگران سزاوارتر است ... 332
3. برای ولیّ جایز است بچه را به شخص درستکاری دهد که صنعت یا خواندن یا خط و نوشتن یا حساب و علوم عربی و غیر اینها از علومی را که برای دین و دنیا او سودمند است به او



بیاموزد. و بر ولیّ لازم است بچه را از فساد اخلاقی حفظ کند، تا چه رسد از چیزی که برای عقاید او زیان داشته باشد. 333

4. واجب است بر ولیّ که کودکانش را از هر چیزی که برای آنان و یا دیگران زیان دارد، و همچنین از هر چیزی که یقین دارد شارع مقدس به خاطر فساد در آن، نبودش را در اجتماع خواسته است مانند غیبت باز دارد. 334

5. جلوگیری بچه از مسّ خط قرآن واجب نیست، ولی اگر مسّ نمودن او بی‌احترامی به قرآن باشد، باید او را از این کار باز دارند. 335

6. کودکان به ده سالگی که می‌رسند در بستر خواب از یکدیگر جدا شوند، و در روایتی وارد شده است که این کار در شش سالگی انجام گیرد. 336

## **یادسپاری**

اگر بچه نابالغ چیزی پیدا کند، ولیّ او باید اعلان نماید. 337.

## **استفتا**

### **تنبيه فرزند**

آیا جایز است پدر و مادر، فرزندشان را بدون دلیل و از روی عصبانیت و بی‌حوصلگی کتک بزنند یا حق الناس بر گردنشان است؟

باسمه تعالی؛ جایز نیست، ولی برای تأدیب در حد متعارف که موجب سرخی و سیاهی و کبودی نشود جایز است.

اگر خاله، دایی، عمو، عمه، خواهر و برادر چنین کاری را انجام دهند، آن وقت چه صورتی دارد؟  
باسمه تعالی؛ جایز نیست. 338

## **نکته**

دیه سیلی زدن به گونه‌ای که صورت سیاه شود، ولی مجروح یا شکسته نشود 6 دینار 339؛ و اگر سبز (کبود) شود اما سیاه نگردد 3 دینار؛ و اگر سرخ شود 1/5 دینار است. و دیه کتک زدن به جاهای دیگر بدن نصف دیه‌های پیشین است. پس چنانچه بدن سیاه شود 3 دینار؛ و اگر سبز

(کبود) گردد 1/5 دینار؛ و در صورتی که سرخ شود 34 (سه چهارم) دینار است. و در این دیه بین مرد و زن و کوچک و بزرگ تفاوتی نیست ... 340.

### ح. احکام صغیر و فرزندان خُردسال

1. صغیر کسی است که به حد بلوغ نرسیده و از نظر شرع (در تصرفات مالی) محجور و ممنوع است؛ یعنی تصرفات صغیر در اموال خودش به وسیله فروختن، صلح کردن، هدیه کردن، قرض دادن، اجازه دادن، ودیعه دادن، عاریه دادن و جز آن نافذ نیست، مگر در موارد استثنایی مانند وصیت طبق آنچه گفته خواهد شد، و فروش چیزهای کم ارزش و غیر مهم، به همان گونه‌ای که گذشت اگر چه صغیر در نهایت تمیز و رشد بوده و تصرفش نیز در نهایت منفعت و صلاح باشد. بلکه در صحت تصرفاتش اجازه دادن ولیّ او در گذشته و یا آینده نزد مشهور فقها فایده‌ای ندارد و اقوا نیز همین است.

2. در برطرف شدن حَجَر و ممنوعیت از بچه رسیدن به بلوغ کافی نیست؛ بلکه باید با بلوغ، رشد هم پیدا کرده و نیز سفاهت به معنایی که خواهیم گفت نداشته باشد<sup>341</sup>.

3. ولایت تصرف در مال کودک و توجه به مصالح و شؤون او بر عهده پدر و جدّ پدری کودک، و در صورت نبودن آنان، برعهده قَیم تعیین شده از سوی پدر و یا جدّ پدری است. و قَیم کسی است که یکی از پدر و یا جدّ پدری کودک وصیت کند که آن‌کس ناظر بر امور کودک باشد. و در صورت نبودن قَیم، حاکم شرع، و در صورت نبودن حاکم شرع، افراد باایمانی که بنا بر احتیاط دارای عدالت نیز هستند بر کودک ولایت دارند. پس مادر و جدّ مادری و برادر تا چه رسد به سایر نزدیکان، بر کودک ولایت ندارند<sup>342</sup>.

4. فروختن زمینهای بچه در صورت نیاز و به مقتضای مصلحت، برای ولیّ او جایز است. پس چنانچه فروشنده، پدر و جدّ بچه باشد، برای حاکم جایز است که آن معامله را تثبیت کند، اگر چه برای خود حاکم ثابت نباشد که این معامله طبق مصلحت بوده است. ولی چنانچه فروشنده غیر از پدر و جدّ باشد مانند وصی، احتیاطاً حاکم نباید آن معامله را تثبیت کند، مگر اینکه مصلحت آن برایش ثابت باشد، اگر چه اقرب<sup>343</sup> این است در صورتی که وثاقت<sup>344</sup> وصی برایش ثابت باشد تثبیت آن برای حاکم جایز است<sup>345</sup>.

5. مضاربه با مال کودک و سرمایه‌گذاری با آن به شرطی که عامل و طرف مضاربه شخصی ثقه و امین<sup>346</sup> باشد، برای ولیّ جایز است. پس اگر ولیّ، مال کودک را به غیر چنین شخصی بدهد [و تلف شود] ضامن خواهد بود.<sup>347</sup>

6. ولیّ باید با میانه‌روی - نه زیاده‌روی و سخت‌گیری - برای بچه‌هزینه کند. و باید عادت بچه‌ونظایر او را در نظر بگیرد. از این رو باید خوراك و پوشاكی که مناسب با شأن بچه است، برای او فراهم کند. 348

7. برای ولیّ یتیم جایز است به طور جداگانه خوراك و پوشاك او را از مالش بدهد. و جایز است او را با خانواده خودش در نظر بگیرد و مانند یکی از آنان بشمرد. پس مصارف خوردنی و آشامیدنی را سرانه تقسیم می‌کند و مصارف پوشیدنی را جداگانه به شمار می‌آورد، و همچنین است برای یتیمانی که متعددند. بنابراین برای مُتَوَلّی جایز است هزینه آنان را جداگانه و یا با مخلوط کردن مصارف خوردنی و آشامیدنی - نه پوشیدنی - در نظر بگیرد. 349

## استفتا

### حفظ اموال فرزند

فرزندانی که قبل از بلوغ شاگردی می‌کنند و مزدشان بیش از خرجشان است، آیا پدرانشان باید مقدار بیشتر را حفظ کنند و بعد از بلوغ تحویلشان دهند یا نه؟  
باسمه تعالی؛ واجب است حفظ و رد در حال بلوغ. 350

### چهار. حقوق پدر و مادر و وظایف فرزندان

و وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا.  
آدمی را سفارش کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند. 351  
برخی از حقوق پدر و مادر و وظایف فرزند عبارتند از:

### حدود اطاعت از پدر و مادر

01 . اطاعت پدر و مادر تا چه حد بر فرزند لازم است، و آیا اجداد و جدّات هم حکم پدر و مادر را دارند؟

باسمه تعالی؛ در اموری که انجام آن موجب ناراحتی آنهاست، از حیث شفقت پدر و مادری اطاعت شود و فرقی بین پدر و مادر و اجداد نیست. 352

### ولایت پدر

- 02 . ولایت مرد در خانواده از نظر شرع مقدس چه چیزهایی است؟
- باسمه تعالی؛ ولایت پدر بر اولادش می‌باشد تا حد بلوغ و رشد، و در ازدواج دختر باکره، اجازه پدر معتبر است. 353
3. سفری که اسباب اذیت پدر و مادر باشد حرام است، و انسان باید در آن سفر نماز را تمام بخواند و روزه را هم بگیرد. 354
4. روزه مستحبی اولاد اگر اسباب اذیت پدر و مادر یا جد شود جایز نیست، بلکه اگر اسباب اذیت آنان نشود، ولی او را از گرفتن روزه مستحبی جلوگیری کنند، احتیاط واجب آن است که روزه نگیرد. 355
5. اگر پسر بدون اجازه پدر روزه مستحبی بگیرد و در بین روز پدر، او را نهی کند، باید افطار نماید. 356
6. اگر فرزند بدون اجازه پدر قسم بخورد، قسم او بعید نیست صحیح باشد، لکن نباید احتیاط را ترك کنند. 357
7. اگر پدر از قسم خوردن فرزند جلوگیری کند، قسم او صحیح نیست. 358
8. هرگاه فرزندی نذری کند - اگر چه بدون اجازه پدر هم باشد - باید به آن نذر عمل نماید. 359
9. بنابر احتیاط هنگامی که پدر در کنار همسرش است، فرزند نباید بر پدر وارد شود، مگر اینکه اجازه بگیرد. 360

### **لزوم احترام به پدر و مادر**

- 010 . این جانب پدری دارم که خوش اخلاق نیست و مغرور و خودپرور می‌باشد، در حق خانواده خود ظلم روا می‌دارد و من از وقتی که به تکلیف رسیده‌ام در حال مبارزه با پدرم هستم، اگر جوابش را همان موقع در حضور دیگران بدهم که کار نادرست و ناشایست انجام داده‌ام، و اگر تنها با پدرم صحبت نمایم حرفم را قبول نمی‌کند و می‌گوید در مقابل پدرت درشتی نکن، خلاصه نمی‌دانم چه کنم؟ آیا شما صلاح می‌دانید که من این صحبتها را بنمایم یا نه؟
- باسمه تعالی؛ حفظ احترام والدین و مراعات ادب در صحبت با آنان لازم است، و در موارد لزوم امر به معروف و نهی از منکر، اگر مایوس از تأثیر باشید تکلیف ساقط است. 361

### **انجام مستحبات و آزرده نشدن پدر و مادر**

011 . آیا برای فرزند (دختر یا پسر) در انجام مستحبات و شرکت در مراسم و شعائر اسلامی رضایت والدین شرط است؟

باسمه تعالی؛ رضایت والدین در امور مذکور لازم نیست، ولی نباید موجب اذیت آنها شوند. 362

### **پاسدار شدن دختران**

012 . دختری هستم که علاقه دارم به خاطر خدمت به انقلاب در سپاه پاسداران وارد شوم ولی پدرم موافقت نمی‌کند. خواهش‌مندم حکم شرعی را بیان فرمایید؟

باسمه تعالی؛ پاسدار شدن خواهران هم با مراعات وظایف شرعیه مانع ندارد، ولی شما مراعات رضایت پدرتان را بکنید. 363

### **رفتن دختران به مسجد**

013 . دختر جوانی هستم که همسایه مسجد می‌باشم، با توجه به مسأله 894 رساله و با توجه به رهنمودهایی که در مورد حفظ مساجد فرموده‌اید، خواهش‌مند است بفرمایید که تا چه حد، رفتن يك دختر به مسجد جایز است؟

باسمه تعالی؛ حدی ندارد و با رضایت ولیّ خود عمل کنید. 364

### **ارتباط با پدر و مادر مخالف اسلام و انقلاب**

014 . اگر پدر یا مادر نسبت به اسلام و مقدسات آن مخالف باشند، ارتباط فرزند با آنها باید چگونه باشد؟

باسمه تعالی؛ قطع رَجِم 365 نکنند و با احترام در ارشاد و راهنمایی آنان کوشش نمایند. 366

015 . فرزند پدری هستم که هیچ‌گونه اعتقادی به خدا و پیغمبر و معاد ندارد و مسلماً نماز هم نمی‌خواند، بلکه در مواردی توهین به آستان قدس خدا و پیامبر می‌کند و با انقلاب فوق‌العاده بد است. اخلاق خانوادگی او - به خاطر اینکه مادرم و خواهرم و برادرانم همه معتقد به مبانی مذهبی هستند - فوق‌العاده تند و به دور از عواطف پدری است. من تا آنجا که توانستم با محبت و رفتار ملایم با پدرم صحبت کرده و او را از روشی که در مقابل خدا و پیامبر و در مقابل خانواده پیش گرفته است، نهی کرده‌ام، اما محبت و طبع ملایم هم در او کارگر نیست و اکنون وضع خانواده آشفته و هر روز دعوا و ناسزاگویی از طرف پدرم در خانواده شدیدتر شده و من هم با

پدرم دعوا کرده و از او قهر نموده‌ام. البته متذکر می‌شوم که من ازدواج کرده و در منزل همسرم زندگی می‌کنم و شوهرم گفته است که راضی نیستم دیگر به خانه پدر و مادرت بروی. حال از امام عزیز می‌خواهم تکلیف این جانب را نسبت به پدرم که کافر به همه چیز است روشن کند؟

باسمه تعالی؛ از قطع رحم اجتناب کنید و حتی المقدور در هدایت او کوشش نمایید. 367

016 . آیا انسان می‌تواند از نظر شرعی با خویشاوندانی که بی‌تقوا و بی‌نماز و ضدانقلابند از قبیل پدر، مادر، خواهر و غیره قطع رحم نماید؟

باسمه تعالی؛ قطع رحم جایز نیست، ولی باید آنها را با مراعات موازین، امر به معروف و نهی از منکر نمایید. 368

017 . اگر ارحام انسان مرتکب فسق علنی شوند به طوری که معاشرت با آنها انسان را نیز در معرض گناه قرار دهد، آیا باز هم معاشرت با آنان واجب است؟

باسمه تعالی؛ باید سعی کند در گناه واقع نشود، بلکه آنان را ارشاد نماید. 369

## نکته

امام باقر(ع) می‌فرمایند که پیامبر خدا 6 فرمودند:

خیری که بسیار زود ثواب داده می‌شود صله رحم است. 370

## پاورقی :

290. توضیح المسائل، م 2412.
291. توضیح المسائل، م 2413.
292. توضیح المسائل، م 2414.
293. توضیح المسائل، م 2415.
294. توضیح المسائل، م 2416.
295. توضیح المسائل، م 2417.
296. توضیح المسائل، م 2418.
297. تحریر الوسیل، ج 2، ص 303، پیش از مسأله 1.
298. توضیح المسائل، م 1740.

299. توضیح المسائل، م 2644 و 2645.
300. توضیح المسائل، م 2672.
301. توضیح المسائل، م 2673.
302. توضیح المسائل، م 2451.
303. دفتر امام خمینی: بخش استفتا.
304. نزدیکان و خویشان و کسانی که در ردیف او هستند.
305. دفتر امام خمینی: بخش استفتا.
306. انتخاب وطن.
307. استفتا.
308. بهره‌مندی‌های جنسی.
309. دفتر امام خمینی: بخش استفتا.
310. تحریر الوسیل، ج 2، ص 305، پس از مسأله 1.
- 311- مچن توضیح المسائل، پس از مسأله یببی.
312. استفتات، ج 1، ص 486، س 14.
313. استفتات، ج 1، ص 486، س 15.
314. تحریر الوسیل، ج 2، ص 306، م 2.
315. تحریر الوسیل، ج 2، ص 310، م 2.
316. تحریر الوسیل، ج 2، ص 310، م 2.
317. وسائل الشیع، ج 15، ص 123.
318. بحار الانوار، ج 104، ص 128 / عیون اخبار الرضا (ع).
319. فروع کافی، ج 6، ص 48.
320. وسائل الشیع، ج 15، ص 124.
321. تحریر الوسیل، ج 2، ص 310، م 4.
322. تحریر الوسیل، ج 2، ص 310، م 5.
323. توضیح المسائل، م 2204.
324. تحریر الوسیل، ج 2، ص 310، م 3.
325. تحریر الوسیل، ج 2، ص 311، م 9.
326. تحریر الوسیل، ج 2، ص 311، م 10.

327. وسائل الشیّع، ج 15، ص 144.
328. توضیح المسائل، م 2487.
329. تحریر الوسیل، ج 2، ص 312، م 15.
330. وسائل الشیّع، ج 15، ص 176.
331. تحریر الوسیل، ج 2، ص 312، م 16.
332. تحریر الوسیل، ج 2، ص 313، م 17.
333. تحریر الوسیل، ج 2، ص 14، م 11.
334. العرو الوثقی، ج 1، ص 742، م 36.
335. توضیح المسائل، م 318.
336. العرو الوثقی، ج 2، ص 805، م 44.
337. توضیح المسائل، م 2571.
338. دفتر امام خمینی: بخش استفتا.
339. هر دینار يك مثقال طلا و هر مثقال طلا هجده نخود است.
340. تحریر الوسیل، ج 2، ص 595، م 4.
341. تحریر الوسیل، ج 2، ص 13، م 4.
342. تحریر الوسیل، ج 2، ص 13، م 5.
343. نزدیكتر به واقعیت این است.
344. مورد اطمینان و اعتماد بودن.
345. تحریر الوسیل، ج 2، ص 14، م 9.
346. مورد اعتماد و درستکار بودن.
347. تحریر الوسیل، ج 2، ص 14، م 10.
348. تحریر الوسیل، ج 2، ص 15، م 15.
349. تحریر الوسیل، ج 2، ص 14، م 12.
350. توضیح المسائل، بخش استفتائات، ص 433، س 92.
351. سوره احقاف (46): آیه 15.
352. توضیح المسائل، بخش استفتائات، ص 432، س 85.
353. دفتر امام خمینی: بخش استفتا.
354. توضیح المسائل، م 1295.



355. توضیح المسائل، م 1741.
356. توضیح المسائل، م 1742.
357. توضیح المسائل، م 2673.
358. توضیح المسائل، م 2672.
359. توضیح المسائل، م 2646.
360. العرؤ الوثقی، ج 2، ص 805، م 43.
361. استفتاآت، ج 1، ص 488، س 20.
362. استفتا.
363. استفتاآت، ج 1، ص 503، س 37.
364. استفتاآت، ج 1، ص 275، س 470.
365. قطع ارتباط خانوادگی و خویشاوندی.
366. استفتا.
367. استفتاآت، ج 1، ص 489، س 21.
368. استفتاآت، ج 1، ص 488، س 18.
369. استفتاآت، ج 1، ص 488، س 19.
370. وسائل الشیع، ج 15، ص 245.

## اخلاق در خانواده



محمد تقی صرفی پور



مقدمه

سپاس بیکران خداوند حکیم و صلوات فراوان بر سرور انبیاء حضرت محمد مصطفی و اهل بیت طاهرینش

یکی از مهمترین هدایای رسول اکرم (ص) برای بشریت، اخلاق محمدی بوده است. پیامبر برای تزکیه مردم از بدیها مبعوث شد. مردم از حسادت و تکبر و بخل و کینه و دیگر بدیها پاک شوند یکی از ماموریتهای رسول خدا (ص) بوده است.

اگر کسی اخلاقش خوب باشد زندگی خوبی خواهد داشت. دوستان زیادی پیدا خواهد کرد. با حرف و برخوردش کسی را ناراحت نخواهد کرد. بلکه باعث خوشحالی اطرافیان و خانواده خود خواهد شد. و این خوش اخلاقی در پیشگاه الهی ثواب عبادت دارد.

یکی از موارد مهم خوش اخلاقی، مربوط به خانواده است. مرد که سرپرست خانواده است باید در خانه خوش اخلاق باشد تا خانواده با نشاط و شادی به وظایف خود عمل کنند.

همچنین زن در خانواده باید خوش اخلاق باشد. با شوهرش و با فرزندانش خوب برخورد کند. در این صورت استحکام خانواده حفظ میشود.

در این کتاب به ابعاد مختلف خوش اخلاقی در خانواده پرداخته شده است.

پاییز 1402. کرمانشاه

## اخلاق در خانواده

### و عاشروهن بالمعروف

رسول خدا فرمود بهترین شما مردان، انهایی هستند که با خانواده خود با مهربانی برخورد کنند.<sup>۴۴۳</sup>

مهربانی با فرزندان باعث رسیدن آنها به کمال می شود و ظلم و اذیت و آزار فرزندان باعث میشود آنها در زندگی خود افرادی شکست خورده شوند و گاه به افرادی ظالم تبدیل می گردند.

---

<sup>443</sup> این روایت از رسول خدا (ص) است که فرمود: "خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِنِسَائِكُمْ وَ بَنَاتِكُمْ"؛ [1] بهترین شما، کسی است که نسبت به همسران و دخترانش نیکو رفتارتر باشد. (مسندک. ج 14، ص 255)

کافی است در باره زندگی شخصیت های موفق و همچنین افراد ناموفق مانند افراد معتاد، دزد، قاتل و تروریست تحقیق کنیم انوقت در می یابیم که افراد موفق در خانواده های خوبی بزرگ شده اند. و مورد محبت و مهربانی اعضای خانواده قرار داشتند و لی افراد ناموفق و کسانی که به جامعه آسیب می زنند معمولاً در خانواده های بد و ناهنجار و نامهربان با فرزندان، تربیت شده اند.

ناسزا گفتن به فرزندان ، آنها را تحقیر کردن و .. در اسلام ممنوع است .

**رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:** کودکان را دوست بدارید و آنان را مورد لطف و مهر و محبت قرار دهید و هرگاه با آنها وعده دادید وفا کنید چون آنها شما را روزی دهنده می دانند. (محبه البیضاء 3/433)

**رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:** هنگامی که پدر به فرزند نگاه کند و او را خوشحال کند مثل اینست که بنده ای را آزاد کرده است سؤال شد حتی اگر ۳۶۰ بار نگاه کند؟ فرمود: الله اکبر. «کنایه از اینکه بله، خدا بزرگتر از اینهاست». (بحار 74/80)

پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود:

**فرزندان خود را بسیار ببوسید زیرا برای شما در هر بوسیدن درجه ای است<sup>۴۴۴</sup>**

**امام کاظم علیه السلام پسرش را می بوسید**

مفضل بن عمر گوید: دخلت علی ابی الحسن موسی بن جعفر - علیه السلام - و علی ابنه فی حجره و هو یقبله و یمص لسانه و یضعه علی عاتقه و یضمه الیه و یقول بأبی أنت ما أظیب ریحک و أظهر

بر امام موسی کاظم (علیه السلام) وارد شدم. دیدم که آن حضرت فرزند خود علی (بن موسی الرضا) را در دامن خود نشانده و او را می بوسد و زبانش را می مکد. و گاه برشانه اش می گذارد و گاه او را در آغوش می گیرد و می گوید: پدرم فدای تو باد! چه بوی خوشی داری و چه اخلاق پاکیزه ای و چه روشن و آشکار است فضل و دانشت.

علاقه امام رضا علیه السلام به پسرش امام جواد علیه السلام

یحیی صنعانی روایت می کند

در مکه نزد امام رضا علیه السلام رفتم. امام داشت برای فرزندش، امام جواد علیه السلام، موز پوست می کند و در دهانش می گذاشت.

«به او عرض کردم: فدایت شوم، آیا این فرزند همان مولود مبارک است؟»

امام رضا علیه السلام پاسخ داد: «آری یحیی، این همان مولودی است که پربرکت تر از او برای شیعیان ما به دنیا نیامده است»

خاطره ای از گذشت و مهربانی:

محمد رضا دو تا دوست داشت که با هم خیلی مهربان و صمیمی بودند آنها را به خانه می آورد و میگفتند و میخندیدند و میشنیدند و خیلی با هم اخت بودند توی حیاط میرفتند و با هم در زیر سایه درخت مو میشستند و انگور میخوردند.

یکروز همانطور که با هم توی حیاط بودند محمد صدا زد خاله بیا پایین پرسیدم محمد جان چرا پهلوی دوستان به من خاله میگویی گفت: سیس، سیس، صدایت را بلند نکن گفتم محمد جان من مدتی

است که از تو میپرسم و تو پاسخم را نمیدهی؟ من که نمیگویم دوستانت را نیاور من که آنها را میشناسم.

گفت این دو تا مادر ندارند، یکی از اینها پدرش معتاد بوده و مادرش سالم است متارکه کرده اند دیگری هم مادرش به هنگام تولدش سرزا رفته است و اینها به من میگویند تو همیشه سرو وضع مرتبی داری چون یک مادر این چنینی داری برای همین من هم دلم نیامده که حقیقت را بگویم گفته ام که تو خاله من هستی که آرزوی بچه دار شدن را داشته ای و مادر من مرا از همدان نزد تو فرستاده تا بزرگم کنی!<sup>۴۴۶</sup>

اگر چه اکثر شوهرها خوبند مانند پیامبران و امامان و علما و اولیا. ولی

مردانی هستند بددهن و عصبی مزاج... که در مدت زندگی با زن هاشون انهارا با زبان و غیره اذیت می کنند.

باید از داستان سعد بن معاذ عبرت بگیرند

سعد بن معاذ مرد بسیار خوبی بود که در جنگ خیبر زخمی و سپس شهید شد و پیامبر (ص) شخصا او را دفن نمود و در مراسم تشییع به احترامش با پای پیاده آمد و احترام زیادی به وی نمود تا جایی که مادر سعد بن معاذ گفت: گوارا باد بر تو بهشت. که پیامبر (ص) در پاسخ وی گفت: چه حرفی بود که زدی همین الان قبر او را فشار داد چون در منزل با زن و بچه اش بد اخلاق بوده است

\*\*\*



یا از داستان ایه الله حسن زاده املی درس بگیرند.

آیة الله حسن زاده املی فرمود: من به آقای سید محمد حسن آقای الهی برادر بزرگتر مرحوم علامه طباطبائی که در عرفان و سیر و سلوک از شاگردان مرحوم سید علی قاضی بودم مکرر عرض می کردم: وقتی خدمت آقا (علامه قاضی) می رسید. از جانب من از ایشان خواهش کنید که مرا هم در تشرّف به خدمت حضرت بقیة الله (عج) شریک خود نمایند و برای من نیز اجازه ملاقات بگیرید (چون می دانستم این دو بزرگوار به این سعادت عظیم می رسند)

روزی در شهر آمل بعد از ظهر خواستم استراحتی داشته باشم، بچه ها داد و فریاد کردند و مانع استراحتم شدند. من عصبانی شده، با آنها تندی نمودم و پرخاش کردم ولی بعد، از آن حرکات خودم پشیمان شدم از این که بچه ها را ناراحت کردم وجدانم ناراحت بود، عصر رفتم بازار و مقدار شیرینی و میوه خریده به منزل آوردم که شاید بدینوسیله دل بچه ها را به دست آورم، با این حال وجدانم آرام نمی گرفت آشفته خاطر بودم

بالاخره تصمیم گرفتم سفری به شهر تبریز کرده با مرحوم سید محمد حسن الهی ملاقات کنم، رفتم تبریز، وقتی به خدمت ایشان رسیدم پیش از این که علّت مسافرتم را بگویم، گفتم: عرض مرا به خدمت استاد (سید علی قاضی) رساندی؟

فرمود: من راجع به این موضوع نامه ای به شما نوشتم و چون آدرس شما را نداشتم به خدمت آقای اخوی (سید محمد حسین طباطبائی) فرستادم که به شما برساند، و در آن نامه یادآور شدم که وقتی پیام شما را به آقا عرض کردم آقا تأملی کرده سپس با ناراحتی فرمودند

ایشان چگونه می خواهند این راه را طی نمایند با آن اخلاقی که نسبت به عائله و کودکان انجام و با «  
». آنها دعوا کردند، با آن اخلاق تند چگونه می شود به این رتبه و مقام رسید

آری در این راه نا همواریها، دست اندازها، پیچ و خمها و خطرهای زیادی هست که سالک باید هوشیارانه مواظب و مراقب خود باشد و تمام اعضاء و جوارح خود را همیشه کنترل نماید. (داستانهایی از اخلاق اسلامی

نویسنده : علی میرخلف زاده

\*\*\*\*

شیخ رجبعلی خیاط (ره):

تمام نور معنوی و فیوضاتی که انسان از عبادات و زیارات کسب می کند با نیشی که بوسیله #زبان به دیگران می زند ، نابود می شود

**کتک زدن همسر و فرزند ممنوع!..**

...خدا فرموده و عاشروهن بالمعروف با خوبی با همسرانتان برخورد کنید

اسلام اجازه نداده شوهر، زنش را کتک بزند یا پدر فرزندان را کتک بزند! اسلام میگه زن گل است باید با لطافت و محبت باش برخورد کرد و هر کتکی که مرد به زن بزند در همین دنیا دچار گرفتاری ها و مشکلات شده و بعد مردن مرد هم در عالم برزخ خداوند او را چند برابر عذاب می کند. متأسفانه ما هر روز شاهد این هستیم که شوهرانی هستند که زنان خود را کتک می زنند! یا پدرانی که فرزندان خود را گاه تا حد مرگ ، می زنند

خانمی مطلقه می گفت شوهرم انقدر با من با خشونت برخورد می کرد که وقتی میخواست خانه بیاید !همینکه دستگیره در را می چرخاند لرزه به تنم می افتاد

رسول خدا(ص) فرمود: بدترین مردم، فرد سختگیر بر خانواده است. شخصی پرسید: مراد از سختگیری بر خانواده چیست؟ فرمود: هرگاه مرد وارد خانه شد همسرش بترسد و فرزندش بهراسد و بگریزد و هرگاه از خانه بیرون رفت همسرش شاد شود.

آخرین وصیتهای رسول خدا سفارش به مهربانی با همسر بوده است

### حفصه ظرف اش را شکست!

در روایت است که: روزی بدن مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله را تب گرفت و آن روز نوبت قرار داشتن آن حضرت نزد حفصه بود. عایشه قدحی از آش جو به کنیزکی داد و برای آن حضرت فرستاد. کنیزک هنگامی که قدح را به خانه حفصه آورد حفصه پرسید چیست؟ کنیزک گفت: آش جوی است که عایشه برای پیامبر صلی الله علیه و آله فرستاده است. حفصه به شدت برآشفته و گفت عایشه به حق من تجاوز کرده است مگر پختن آش جو از من بر نمی آید؟ یا محبت من نسبت به پیامبر کمتر از اوست؟ سپس قدح را از کنیزک گرفته، بر زمین زد به طوری که قدح شکست و آش بر زمین ریخت. پیامبر صلی الله علیه و آله پاره ای از قدح را که اندکی از آش جو در آن بود برداشت و تناول فرمود و به دنبال کنیزک آمد و گفت: ای کنیز! اگر عایشه پرسید پیامبر از این آش خورد بگو آری و آنچه از حفصه دیدی و شنیدی به او مگو که سبب نزاع شود و کدورتی میان آن دو پدید آید که من دوست ندارم غبار ملالی به خاطر کسی بنشیند. و بعد از این حادثه بود که آیه شریفه «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ»<sup>۴۴۷</sup> یقیناً تو بر بلندای سجایای اخلاقی. «عظیمی قرار داری».

نازل شد<sup>۴۴۸</sup>

<sup>۴۴۷</sup> قلم (68): 4.

<sup>۴۴۸</sup> منهج الصادقین: 9/ 371.

با اینکه اسلام سفارش کرده با همسرانتان مهربان باشید ولی هستند مردانی که همسر خود را اذیت می کنند و...

مردان یا زنانی هستند که بخاطر تربیت نادرست و یا بی ایمانی همسر خود را آزار می دهند مانند بعضی همسران رسول خدا که چقدر حضرت را اذیت کردند و یا همسر امام حسن مجتبی و همسر امام جواد که امامان ما را شهید کردند.

### نامهربانی بعضی زنان!

بعضی زنها شوهران عالم خود را خیلی اذیت می کنند!

یکی از علما نقل می کرد که در اندرونی خانه «آیت الله سید احمد خوانساری» مشغول صحبت کردن بودیم که همسرشان وارد اتاق شد و بخاطر اینکه بلند صحبت کرده ایم، دو دستی چنان محکم بر سر آقا کوبید که عمامه شان افتاد. «آیت الله خوانساری» عمامه را برداشتند و مرتب کردند و چیزی نگفتند. خانم بیرون رفت و آقا بحث را ادامه دادند...

### عالمی وقتی خانه می رفت همسرش کتکش می زد...

مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطاء از بزرگ ترین فقیهان عالم تشیع بوده است، در حدی که علمای بزرگ شیعه از قول او نقل کرده اند که فرموده بود: اگر تمام کتاب های فقهی شیعه را در رودخانه بریزند و به دریا برود و شیعه دیگر یک ورق فقه دستش نباشد، من از اول تا آخر فقه شیعه را در سینه ام دارم، همه را بیرون می دهم تا دوباره بنویسند. مرجع هم شده بود.

اهل علم و اصحاب سرّش فهمیدند که همسرش در خانه بداخلاقی می کند ولی خیلی هم خبر از داستان نداشتند. اینقدر در مقام جست و جو برآمدند تا به این نتیجه رسیدند که این مرد بزرگ الهی، این فقیه عالیقدر گاهی که به داخل خانه می رود، همسرش حسابی او را کتک می زند.

یک روز چهار پنج نفر جمع شدند و خدمتش آمدند و گفتند: آقا ما داستانی شنیده ایم از خودتان باید پیرسیم. آیا همسر شما گاهی شما را می زند؟! فرمود: بله، عرب است، قدرتمند هم هست، قوی البنیه هم

هست، گاهی که عصبانی می‌شود، حسابی مرا می‌زند. من هم زورم به او نمی‌رسد. گفتند: او را طلاق بدهید. گفت: نمی‌دهم. گفتند: اجازه بدهید ما زنانمان را بفرستیم ادبش کنند. گفت: این کار را هم اجازه نمی‌دهم. گفتند: چرا؟ گفت: این زن در این خانه برای من از اعظم نعمت‌های خداست چون وقتی بیرون می‌آیم و در صحن امیرالمومنین می‌ایستم و تمام صحن، پشت سر من نماز می‌خوانند، مردم در برابر من تعظیم می‌کنند. گاهی در برابر این مقاماتی که خدا به من داده، یک ذره هوا مرا برمی‌دارد. همان وقت می‌آیم در خانه کتک می‌خورم، هوایم بیرون می‌رود! این چوب الهی است، این باید باشد!

### کتک زدن شوهر!

یک نفر از روحانیونی که سید و مسن بود و برای تبلیغ در ماه مبارک رمضان به شهرستان می‌آمد گفته بود همسر مرا کتک می‌زند. گاهی از خانه بیرون می‌کند...

همچنین سربازی به ما مراجعه کرد و گفت زنم مرا کتک می‌زند و..

جانبازی می‌گفت با خانمی ازدواج کردم ولی بعد یکسال مهریه را اجرا گذاشت و مقدار زیادی از اموال مرا باخود برد

بعضی مردها عصبی هستند و تند خوا و زنان و فرزندان آنان همیشه از این تندخوئی در عذابند! اگر اینها خود را اصلاح نکنند شب اول قبر نکیر و منکر خدمت آنها می‌رسند!

### حضرت امام و همسر داری

معمولا علمای بزرگوار ما با همسرانشان خیلی خوب رفتار می‌کردند و می‌کنند که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

همسر امام می گوید:

امام همیشه جای بهتر را به من تعارف می کردند

تا من نمی آمدم سر سفره، خوردن غذا را شروع نمی کردند. به بچه ها هم می گفتند، صبر کنید تا خانم بیاید

:یک روز من ایستاده بودم و دخترهایم نشسته بودند. ایشان ( امام ) با ناراحتی گفتند:

چرا شما نشسته اید از جایتان بلند شوید. مادر شما جلوی شما ایستاده

خانم فریده مصطفوی دختر حضرت امام می گوید: هیچ وقت ما ندیدیم ایشان به خانم

بگویند فلان کار را برای من انجام بده یا حتی یک چای برای من بریزید. همیشه ما یا

:کارگر منزل را خطاب می کردند. اگر یک وقت هیچکس نبود، صدا می زدند

.خانم ! بگویند یک چای برای من بیاورند

اگر کسی در منزل نبود قهراً خانم این کار را خودشان می کردند ولی ایشان چنین

دستوری نمی دادند. همیشه خیلی به خانم احترام می گذاشتند و مقید بودند اظهار محبت و

علاقه را جلوی ما فرزندان علنی کنند. پا به پای آفتاب، ج 1، ص 97،(همسر حضرت امام)

نقل از دختر امام:در تمام مسائل شخصی و خانوادگی نظر خانم محترم بود و ایشان هیچ

گونه دخالتی در امور داخلی منزل نداشتند

اگر بگویم که در طول شصت سال زندگی، زودتر از خانم دستشان توی سفره نرفت، دروغ

نگفته ام. اگر بگویم کوچک ترین توقعی از ایشان نداشتند، دروغ نگفته ام. حتی می توانم

بگویم در طول شصت سال زندگی هیچ وقت یک لیوان آب هم از خانم نخواستند

### امام کاری را به خانم نمی دادند

خانم فاطمه طباطبایی، عروس حضرت امام نقل می کند: امام کاری را به خانم نمی دادند، خانم می گویند وقتی یک دکمه پیراهنشان می افتاد می گفتند: می شود این را بدهید بدوزند. نمی گفتند: خودت بدوز یا احیاناً اگر روز بعد دوخته نشده بود نمی گفتند: چرا ندوخته اید. می گفتند: کسی نبود بیايد بدوزد. تا آخر عمرشان هیچ وقت به خانم نگفتند. یک لیوان آب بده

### کمک به همسر در کار منزل و بچه داری

عروس حضرت امام(ره) خانم فاطمه طباطبایی نقل می کند که: خانم می گفتند: چون بچه هایشان شب تا صبح گریه می کردند و ایشان مجبور بودند تا صبح بیدار بمانند، امام شب را تقسیم کرده بودند. یعنی مثلاً دو ساعت ایشان بچه را ساکت می کردند و خانم می خوابیدند و بعد دو ساعت خودشان می خوابیدند و خانم بچه را نگه می داشتند. البته روزها که مشغول درس و بحث بودند، فرصتی برای نگهداری بچه ها نداشتند

فرزندانشان تعریف می کنند که ایشان با آن ها بازی می کردند یعنی بعد از تمام شدن درس، ساعتی را به بازی با بچه ها می پرداختند و به این ترتیب به خانم در کار تربیت بچه ها کمک می کردند.

امام به پسر و نوه هایشان القا می کردند که از زنانشان انتظار کاری نداشته باشند و اگر کار کردند، محبت کرده اند. البته به دخترها نیز توصیه می کردند که کار کنند.

### کمک در آشپزخانه

خانم دباغ نقل می کند: روزی بر حسب اتفاق تعداد میهمانان منزل امام زیاد شد، پس از صرف غذا ظرف ها را جمع کردم و به آشپزخانه بردم. با زهرا- دختر آقای اشراقی- آماده

شدیم که ظرف ها را بشوئیم. اما دیدم که خود امام هم بلافاصله به آشپزخانه آمدند. از زهرا پرسیدم: "حاج آقا چرا به آشپزخانه آمده اند؟" و حق داشتم که تعجب کنم، زیرا وقت وضو نبود؛ اما امام آستین هایشان را بالا زدند و فرمودند: چون ظرف های امروز زیاد است آمده ام کمکتان کنم

بدنم شروع به لرزیدن کرد. خدایا چه می بینم! به زهرا گفتم تو را به خدا از امام خواهش کنید که ایشان تشریف ببرند. خود ما ظرف ها را می شوئیم. (همان، ص 173)  
دختر حضرت امام خانم فریده مصطفوی نقل می کند: امام همیشه در کارهای منزل کمک می کردند و به ما نیز می گفتند: کمک از بهشت آمده است  
مثلا خودشان چای می ریختند. حتی وقتی لیوان آبی می خواستند، به کسی دستور نمی دادند، بلکه خودشان به آشپزخانه می رفتند و لیوان را آب می کردند

### خودم باید کار کنم

در جمع نشسته بودیم، می دیدیم که آقا دارند به طرف آشپزخانه می روند. از ایشان سوال می کردیم، می گفتند  
می روم آب بخورم  
می گفتیم: "به ما بگویید تا برایتان آب بیاوریم." می گفتند: مگر خودم نمی توانم این کار را انجام بدهم؟ بعد با خنده می گفتند: انسان باید خودکفا باشد. (همان، ص 103)  
همسر امام در پاسخ به این پرسش که امام چگونه همسری است و در طول سال های زندگی با شما چگونه رفتار کرده است، می گوید

رفتار ایشان با من، بسیار خوب بوده است. من از ایشان، خیلی راضی هستم. همیشه احترام مرا داشته اند. هیچ وقت با تندی صحبت نمی کنند. اگر لباس و حتی چای بخواهند، می گویند: ممکن است، بگویی به من فلان لباس را بدهند! حتی گاهی خودشان چای خودشان را می ریزند



امام، محیط زندگی را و احترام به همسر و فرزندان را، بخشی از سلامت و سعادت جامعه  
آینده می دانند.

## نامه امام به همسرش

امام خمینی در سال 1312 عازم سفر حج شد و در بین راه نامه عاشقانه ای برای همسرش نوشته است که تصویر  
دیگری از بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران را مقابل چشم مخاطب قرار می دهد. متن کامل این نامه را در ادامه می  
خوانید:

زمان: فروردین 1312 / ذی القعدة 1351.

مکان: لبنان، بیروت.

مخاطب: ثقفی، خدیجه (1).

تصدقت شوم؛ الهی قربانت بروم، در این مدت که مبتلای به جدایی از آن نور چشم عزیز و قوت قلبم گردیدم متذکر شما  
هستم و صورت زیبایت در آئینه قلبم منقوش است. عزیزم امیدوارم خداوند شما را بسلامت و خوش در پناه خودش  
حفظ کند. [حال] من با هر شدتی باشد می گذرد ولی بحمدالله تا کنون هر چه پیش آمد خوش بوده و الآن در شهر زیبای  
بیروت هستم؛ (2) حقیقتاً جای شما خالی است فقط برای تماشای شهر و دریا خیلی منظره خوش دارد. صد حیف که  
محبوب عزیزم همراه نیست که این منظره عالی به دل بچسبد.

در هر حال امشب شب دوم است که منتظر کشتی هستیم، از قرار معلوم و معروف یک کشتی فردا حرکت می کند ولی  
ماها که قدری دیر رسیدیم، باید منتظر کشتی دیگر باشیم. عجلتاً تکلیف معلوم نیست امید است خداوند به عزت اجداد  
طاهرینم که همه حجاج را موفق کند به اتمام عمل، از این حیث قدری نگران هستیم ولی از حیث مزاج بحمدالله به  
سلامت، بلکه مزاجم بحمدالله مستقیم تر و بهتر است. خیلی سفر خوبی است جای شما خیلی خیلی خالیست. دلم برای  
پسرت (3) قدری تنگ شده است. امید است هر دو (4) به سلامت و سعادت در تحت مراقبت آن عزیز و محافظت  
خدای متعال باشند اگر به آقا (5) و خانمها (6) کاغذی نوشتید سلام مرا برسانید. من از قبل همه نایب الزیاره هستم.  
به خانم شمس آفاق (7) سلام برسانید و به توسط ایشان به آقای دکتر (8) سلام برسانید. به خاور سلطان و ربابه سلطان  
سلام برسانید.

صفحه مقابل را به آقای شیخ عبدالحسین بگویند برسانند.

ایام عمر و عزت مستدام. تصدقت، قربانت؛ روح الله.

عکس جوف در حال دلتنگی از حرکت نکردن. (9).

- (1) - ملقب به قدس ایران، همسر امام خمینی.
- (2) - برای عزیمت با کشتی به عربستان برای انجام اعمال حج.
- (3) - آقای سید مصطفی خمینی که در آن زمان سه ساله بوده است.
- (4) - اشاره به آقا مصطفی و فرزند دیگرشان که در آن زمان هنوز به دنیا نیامده بود و چند روز پس از نگارش این نامه در زمانی که امام در سفر حج بودند، متولد گردید و او را «علی» نام گذاردند. وی در کودکی بر اثر بیماری درگذشت.
- (5) - آقای میرزا محمد ثقفی، پدر همسر امام خمینی.
- (6) - مادر و مادر بزرگ همسر امام خمینی که در آن زمان در قید حیات بوده اند.
- (7) - شمس آفاق ثقفی، خواهر همسر امام خمینی.
- (8) - آقای دکتر علوی.
- (9) - اشاره به نبودن کشتی جهت عزیمت به جدّه.

## سرما نخورد

خداوند یک فرزند به ما داده بود. از حاج احمد آقا اجازه گرفتیم جهت خواندن اذان و اقامه در گوش او به خدمت امام برسیم. دی ماه سال 62، ساعت ده صبح وارد منزل حضرت امام شدیم و بچه را بغل امام گذاشتیم. آقا پتو را کنار زدند و گفتند که: توی این سرما، عجله داشتید مگر؟ بچه را آوردید سرما بخورد؟ گفتم: آقا جان مسیر نزدیک است. فرمودند: خیلی خوب. سپس فرمودند: اسمش؟ گفتم: آقا جان اسمش را حسین گذاشته ایم. نام حسین که آمد امام سرشان را کمی پایین گرفتند و دیدم اشک در چشمانشان پر شد. اذان و اقامه را خواندند و فرمودند: ببرید، اما مواظب باشید که سرما نخورد.<sup>۴۴۹</sup>

## چرا او را معالجه نمی کنند؟

پس از آنکه در اردیبهشت ماه سال 1359 سعادتی به ما روی کرد و حضرت امام پس از بیماری طولانی، به جماران آمدند و در منزل ما اقامت فرمودند، ما هم به منزلی در کنار خانه امام که اجاره کرده بودیم نقل مکان کردیم. فرزند کوچک من به نام فاطمه در آن موقع حدوداً سه سال داشت و مدت زیادی به بیماری چشم مبتلا بود.

یک روز فاطمه با بچه ها در بیت امام مشغول بازی بود، ناگهان شنید که بچه ها می گویند امام آمد و همه بچه ها به طرف امام رفتند که ایشان را ببینند. فاطمه که در اثر درد نمی توانست چشمهایش را باز کند، هرچه خواست به طرف امام برود و امام را ببیند، نتوانست. امام متوجه او شدند و نزدیک رفتند و او را مورد محبت خود قرار دادند و پرسیدند این بچه کیست؟ بعد از اینکه معرفی شد، امام فرمودند: چرا این بچه را معالجه نمی کنند؟ گفته شد که پزشکان بسیاری او را دیده اند و معاینه کرده اند، لکن فایده ای نداشته است. امام که نسبت به این بچه تحت تأثیر عواطف قرار گرفته بودند، فرمودند: این بچه را به خارج ببرند، شاید معالجه شود و هرچه خرج دارد من قبول می کنم. این گفته امام موجب شد که او را به خارج بردیم تا معالجه شود و به این ترتیب، دخترم سلامت از دست رفته خود را باز یافت.<sup>450</sup>

**فرزند علامه طباطبایی** «نجمه السادات طباطبایی» همسر شهید قدوسی می گوید: «همه خصوصیات اخلاقی پدرم، خود به خود در محیط خانوادگی ما نیز تأثیر داشت. ایشان اگر چه وقت زیادی نداشتند، ولی با این حال برنامه هایشان را طوری تنظیم می کردند که روزی یک ساعت، بعد از ظهرها، در کنار اعضای خانواده باشند. در این مواقع به قدری مهربان و صمیمی بودند که آدم باورش نمی شد ایشان فردی با آن همه کار و مشغله هستند. رفتارشان با مادرم بسیار احترام آمیز و دوستانه بود. همیشه طوری رفتار می کردند که گویی مشتاق دیدار مادرم هستند. ما هرگز بگو و مگو و اختلافی بین آن دو ندیدیم. به قدری نسبت به هم مهربان و فداکار و باگذشت بودند که ما گمان می کردیم اینها هرگز با هم اختلافی ندارند. آنها واقعاً مانند دو دوست با هم بودند. پدرم همیشه از گذشت و تحمل مادرم تمجید می کرد و می گفت که این زن، یازده سال و نیم در «نجف» تحمل هر سختی را کرده است، 8 بچه اش را پس از تولد از دست داده و در همه این مدت من مشغول درس خواندن بودم و خوبیها را به مادرم

نسبت می دادند. خودشان می گفتند که از اول ازدواج همیشه با هم یک رنگ و یک دل بودیم. و با بچه ها بسیار صمیمی بودند. گاهی ساعات بسیار از وقت گرانبهای خود را صرف شنیدن حرفهای ما یا آموختن نقاشی به ما و سرمشق دادن برای تکالیفمان می کردند

در خانه اصلاً مایل نبودند کارهای شخصیشان را کس دیگری انجام دهد و بر سر آوردن رختخواب همیشه مسابقه بود، پدرم سعی می کردند زودتر از همه این کار را انجام دهند و مادرم هم سعی می کرد پیش دستی کند. حتی این اواخر که بیمار بودند و من به خانه شان می رفتم با آن حالت بیمار برای ریختن چای از جای خود برمی خواستند و اگر من می گفتم: «چرا به من نگفتید که برایتان چای بیاورم؟» می گفتند: «نه، تو مهمانی، سید هم هستی و من نباید به تو دستور بدهم.» وقتی مادرم مریض می شد، اصلاً اجازه نمی داد از بستر بلند شود و کاری انجام دهد. مادر من حدود 17 سال پیش فوت کرده است، پیش از فوت حدود 27 روز در بستر بیماری بود و در این مدت پدرم از کنار بستر ایشان لحظه ای بلند نشدند. تمام کارهایشان را تعطیل کردند و به مراقبت از مادرم پرداختند. بسیار وفادار و عاطفی بودند، تا سه چهار سال پس از فوت مادرم، پدرم علامه طباطبایی هر روز سر قبر او می رفتند و بعد از آن هم که فرصت کمتری داشتند، به طور مرتب، دو روز در هفته، یعنی دوشنبه ها و پنج شنبه ها، بر سر مزار مادرم می رفتند و ممکن نبود این برنامه را ترک کنند. می گفتند: «بنده خدا بایستی حق شناس باشد. اگر آدم حق مردم را نتواند ادا کند حق خدا را هم نمی تواند ادا کند.»

**همسر شهید مطهری :** در مدت 26 سالی که با شهید مطهری زندگی کردم ، همیشه با یک حالت تواضع و آرامش با من رفتار می کردند باصدای متین وچهره خندان ، به طوری که من با ارادت و عشق خاصی کار می کردم و علاقه شدید ایشان به من و محبتهایی که می کردند ، مرا در انجام کارهای منزل رغبت و شوق عجیبی می بخشید .

من بسیار کم سن و سال بودم که به منزل ایشان آمدم . ولی با همه آن صغر سن ، هیچ وقت یادم نمی آید که از ایشان ناراحتی و رنجی دیدم باشم . بسیار مهربان و باگذشت بودند و به آسایش و راحتی من

و بچه ها اهمیت می دادند آن قدر با من صمیمی و نزدیک بودند که رنج و ناراحتی مرا نمی توانستند تحمل کنند .

یادم هست یک بار برای دیدن دخترم به اصفهان رفته بودم که بعد از چند روز با یکی از دوستانم به تهران برگشتم .

نزدیکی های سحر بود که به خانه رسیدم . وقتی وارد خانه شدم ، دیدم همه بچه ها خواب اند ولی آقا بیدار است . چای حاضر کرده بودند ، میوه و شیرینی چیده بودند و منتظر من بودند .

دوستم از دیدن این منظره بسیار تعجب کرد و گفت : [ همه روحانیان این قدر خوب اند ؟ ]

بعد از سلام و علیک ، وقتی آقا دیدند بچه ها هنوز خواب اند ، با تأثر به من گفتند :

می ترسم یک وقت من نباشم و شما از سفر بیایید و کسی نباشد که به استقبالتان بیاید .

یک وقت هم من و ایشان به سفر کربلا رفته بودیم . وقتی به خانه برگشتیم دو سه تا از بچه ها خواب بودند . ایشان ناراحت شدند و با بچه ها دعوا کردند که :

چرا وقتی مادرتان از سفر کربلا برگشته ، همه شما به استقبالش نیامدید ؟ !<sup>۴۵۱</sup>

**همسر شهید حاج محمد ابراهیم همت:** زندگی ما طول چندانی نداشت اما عرض بی انتهایی داشت .

ابراهیم بودنش خیلی کم بود؛ اما خیلی با کیفیت بود

هیچ وقت نشد زنگ در خانه را بزند و در برایش باز شود. قبل از اینکه دستش به زنگ برسد، در را برایش باز می کردم. می خندید. خنده ای که همه مشکلات و غم و غصه اش پشتش بود؛ اما خودنمایی نمی کرد.

تا بود نود و نه درصد کارهای خانه با او بود.

آن قدر غرق محبتم می کرد که یادم می رفت از مشکلات جبهه اش بپرسم. تا از راه می رسید حق

نداشتم دست به سیاه و سفید بزنم. اگر می خواستم دست بزنم، گاهی تشرم می زد

خودش شیر بچه ها را آماده می کرد، جای شان را عوض می کرد. با من لباس ها را می شست و می برد

پهن شان می کرد و خودش جمع شان می کرد. خودش سفره را پهن می کرد و خودش جمع می کرد

«می گفتم: «تو آنجا خیلی سختی می کشی، چرا باید به جای من هم سختی بکشی؟

» می گفت: «تو بیش از آنها به گردنم حق داری. من باید حق تو و این طفل های معصوم را ادا کنم

» می گفتم: «ناسلامتی من زن خانه تو هستم و باید وظیفه ام را عمل کنم

می گفت: «من زودتر از جنگ تمام می شوم ژیللا. ولی مطمئن باش اگر ماندنی بودم به تو نشان می دادم

» تمام این روزهایت را چطور بلد بودم جبران کنم<sup>۴۵۲</sup>

**اما نامهربانیها با همسر!**

**پادشاه زنانش را آتش زد!**

شاه عباس دوم روزی در حرمخانه باده زیادی خورده و به سه نفر از بانوان دستور داد که آنها هم بنوشند. آنها پوزش خواستند و گفتند که به زودی به حج خواهند رفت. شاه سه بار دیگر پافشاری کرد و

---

کتاب به مجنون گفتم زنده بمان؛ کتاب همت. نوشته فرهاد خضری. نوبت چاپ: نوزدهم، ۱۳۹۲<sup>452</sup>

به آنها گفت که باده بنوشند: بانوان به همین سخن پوزش خواستند. شاه بی درنگ فرمان داد هر سه را بستند و آتش بسیاری افروخته آنها را در آتش سوختند.

شاه عباس دوم بار دیگری در پی زیاده روی در نوشیدن باده، به یکی از بانوان حرم گفت که او هم باده بنوشد و آن بانو از نوشیدن باده خودداری کرد. شاه خشمگین برخاست و به بزرگ خواجه سرایان گفت که او را نیز مانند آن سه بانوی دیگر در آتش انداخته بسوزانند. آغاباشی می خواست فرمان شاه را به انجام رساند اما در برابر گریه و زاری و درخواست های آن بانو، دلش به رحم آمد و پیش خود گفت که شاه این بانو را دوست دارد فردا که به هوش بیاید او را خواهد بخشید.

از این روی، آن بانو را نکشت. بامداد که شاه از خواب برخاست از آغاباشی پرسید که فرمان را انجام دادی؟ پاسخ شنید که فرمان شاهانه را به تعویق انداختم تا شاید پادشاه اندیشه خود را دگرگون سازد. شاه بی درنگ فرمان داد آغاباشی را در آتش انداخته سوزانیدند و آن بانو را بخشید.

### عذاب شوهر بخاطر مسخره کردن همسر

شیخ رجبعلی گفت در عالم برزخ دیدم که مردی را عذاب می کردند چون دائم اسم همسرش سکینه را خانم سکو می گفت و زنش را ناراحت می نمود!<sup>۴۵۳</sup>

من شوهرم دست بزن داره نه یه سیلی نه با اینکه لاغره از لحاظ جسده ولی چنان قدرت دستی داره که نمیتونید تصور کنید کاش فقط دست بزن بود با کمر بند هم میزنه سر موضوعاتی که خیلی پیش پا افتادست

به خدا زنی که محکوم به خیانت هست هم اینطور نمیزنن دو باری که منو با کمر بند زد تمام پشت بازوهای کبود شد شاید گفتنش جایز نباشه ولی درهر دو زمان کمر بند باسن من به طور مستقیم برخورد میکرد به هیچ کس نمیتونم بگم هر کی که پرسید گفتم تصادف کردم

چنان با لغت به پاهایم میکوبه که سیاه کبود میشه 'اینارو گفتم که به اینجا برسم کجای قران کجای اسلام به مرد اجازه اینکاره میده 'شوهر من به خدا خیلی اعتقاد داره تو خونه ما اول خدا بعد نون سفره بعدم خود سفره خیلی منزلت داره اگه احياناً موقع پهن کردن سفره به طور تصادفی پای من گوشه ای از سفره رو لمس کنه این جمله رو می شنوم) بی شعور احمق پاتو از رو برکت خدا بردار

به نظر شما من به عنوان یه موجود زنده به عنوان یه زن برکت یه خونه هستم یا یه شیعه به اسم سفره ( 'منم به حرمت نون سفره اعتقاد دارم 'چرا هرچی تو رسانه و شبکه های اجتماعی میگن فقط به زن هاست ؟ چرا حرمت یه زن رو به مرد یادآوری نمیکنن؟

چرا مردها متوجه نیستن که برکتی که بعد از ازدواج به زندگیشان وارد میشه به خاطر وجود زناشون؟

خانم دیگری میگه

شوهر من هم دست بزن داره هم به من خیانت کرده هم بهم پول نمیده هم حق دخالت تو هیچ کاریرو بهم نمیده حتی وقتی که خونه هستش حرفاشو به پسر میگو که من بشنوم پسر 2 سالشه حتی حرف زدن بلد نیست به اون میگه لباسم کجاست. ولی به من نمیگو. خیلی راحت تحقیر میکنه میگه



برو. من نمیدونم خدا چرا جوابه این ادمارو نمیده حتی خوانوادش میگن تو لج نکن تو رو خدا برام دعا  
!کنید که ب سزای اعمالش برسه

دیگری می گه

منم بارها و بارها از شوهرم کمر بند خوردم. سر هر موضوعی سه چهارتا سیلی ابدار بهم میزنه. میزنه تو  
!گوشم. کتک سیری بهم میزنه همیشه

:این یکی میگه

سلام عزیزم شما هم مثل منی ما 3 ماهه که عقد کردیم اما تو این سه ماه خیلی کتکم میزنه با  
کمر بند. حتی یه هفته پیش طوری با لگد زد تو کمرم که خونریزی کردم. یا موهام میگره میکشه خیلی  
درد میگره حتی سرم رو چند بار به دیوار زده خونواده من خبر ندارن. اما مادر شوهرم میدونه هر چی  
هم بهش میگه دست از این کارات بردار بدتر لج میکنه. کمکم کنید دوران نامزدی که بهترین دوران  
!است واسه من شده جهنم

شهره میگه: سلام منم شوهرم خیلی بد اخلاقه اولش خوب بود ولی بعد خانوادش میگفتن زن ذیلی  
!اونم الان دیگه کتک میزنه تازه من سر کار هم میرم تمامه حقوقم رو هم میگیره. کمکم کنید

نامردی نوشته: به نظر من مرد حق داره زنش و بزنه تنبیه کنه تحقیر کنه شکنجه اش بده زندانی کنه و  
زن هیچ حقی نداره که زر اضافه بزنه اگر مرد حق داره جلوش وایسه من با زنم همه کار میکنم  
حبسش میکنم برده اش میکنم اگه به امرم گوش نده بلائی به سرش میارم که به دست پام میفته. زن  
من حق نداره جلو من و خانواده م سرشو بالا بگیره. من حتی زنم فلک و اسپنک م میکنم خیلی حال  
!میده

!سارا میگه: من الان هشت ماهمه و همین یک ساعت پیش شوهرم کتکم زد

\*\*\*\*\*

### خوش زبانی زوجین عامل استحکام خانواده

زن و شوهر که باید سالیان سال باهم زندگی کنند باید نسبت به هم خوش زبان باشند. هیچوقت به هم نیش و کنایه نزنند. هم رو مسخره نکنند. عیب و ایراد از هم نگیرند. ولو ظاهری هم شده بهم اظهار محبت کنند. در این صورت زندگی شیرین خواهد بود

اما اگر زن یا شوهر بد زبان باشند! زندگی تلخ خواهد بود

و اون آرامشی که خداوند در سوره روم فرمود که بر اثر ازدواج بدست می آید، با زن بد زبان یا شوهر بد زبان حاصل نمی شود

\*\*\*\*\*

### مردهای بد زبان

!زنهایی که از بد دهنی شوهر می نالند هم فراوانند

یکی از مشکلات خانواده ها این است که مرد خانواده ادم بد زبان است. مردهایی که تربیت درست نشدند و زبانشان تلخ است. وقتی از چیزی ناراحت می شوند فحش و ناسزا می گویند. در اینجا به چند مورد از شکوه زنان از شوهران بد زبانشان اشاره میشود

\*\*\*\*

شوهر بددهن و پرخاشگرم را چگونه تغییر دهم؟

جام جم سرا: خانمی هستم، ۳۰ ساله. ۱۲ سال است ازدواج کرده‌ام. همسرم بسیار خودخواه و بددهن است. از هر راهی سعی کرده‌ام او را متوجه اشتباهش کنم بی‌فایده بوده و همیشه مرا مقصر می‌داند؛ از طرفی برای بچه‌هایم که شاهد بحث‌های مکرر ما هستند، نگرانم لطفا راهنمایی‌ام کنید

\*\*\*\*

دیگری میگه:

گاهی دیگر از مرز فحش دادن ساده میگذره

سلام دوستان.، یک و سال و چند ماهه ازدواج کردیم و هر بار دعوا مون میشه ، حرفه ای خیلی زشتی به من میزنه و گاهی دیگر از مرز فحش دادن ساده میگذره ! با خودم فکر میکنم مگه میشه آدم به ناموس خودش فحشهای ناموسی بده ... نمیدونم ... ناراحتم ... توی اتاق نشستم ... دلم پر از غمه و ... شکسته ... تازه هم خودش هم خانواده اش تحصیلکرده های فوق و دکترا هستن ... اما شعور

\*\*\*\*

خانمی میگه:

سلام خسته نباشید،لطفا راهنمایی کنین همسرم موقع عصبانیت و مخصوصا دعوا خیلی بد دهنی میکنه فحش میده حتی به خانواده من و مادرم و خواهرهام بدترین و رکیک ترین حرف هارو میزنه که شرمم میشه بگم. چهار ساله باهاش زندگی میکنم بهش میگم حالم بهم میخوره از این همه بد

حرف زدن اما رعایت نمیکنه اصلا.و میدونه من بدم میاد تو دعوا خودشو قشنگ خالی میکنه با این حرفا که منو حرص بده.نمیدونم چکار کنم خسته شدم ازین رفتار

جواب:صبوری و سکوت در مقابل فحاشی سیره اهل بیت علیهم السلام که پاداش فراوانی داره

\*\*\*\*\*

خانمی هستم ۲۴ ساله همسر ۲۶

(دو ساله ازدواج کردیم و یک فرزند ۶ ماهه داریم)پسر

زندگی خوبی داریم خدا رو شکر ، مشکل من اینه وقتی همسر خسته هست بهانه گیر میشود و من هم خیلی آرام جوابشون رو میدم ولی عصبانی میشوند و گاهی داد میزنند

البته چند ساعت بعد که استراحت کنند یا بخوابند خوب میشن و چند بار هم بابت عصبانیت شون از من عذرخواهی کرده اند

لطفا راهنمایی کنید من چه وظیفه ای دارم و چطور برخورد کنم؟جواب:باید زن جواب نده و دهن به دهن نکنه و جلوش نایسته و بحث نکنه و سکوت کنه و فضای خانه رو آرام بذارید اگرچه مرد غیر منطقی عمل کنه ولی اگر جواب بده بدتر میشه چون مرد یا خسته است یا مشکلی داشته و زن باید سنگ صبور باشی

سلام خسته نباشید. شما رو به خدا استاد این بار کمک کنید.. خانمی 38 ساله هستم و با آقامون 10

سال فاصله سنی دارم و 2 فرزند دارم. هر دو کارمند و تحصیل کرده و شاغل هستیم. بنا به دلایل

مختلف میدونم انتخابم غلط بوده ولی به خاطر بچه ها و آینده شون تحمل می کنم. همسرم کارهای خوب هم داره ولی خیلی کینه ای هست و فقط نظرات خودش رو هرچند غلط باشه قبول میکنه. هر کاری که به نظرتون می رسه سرم من آورده. 8 ماهه خونه پدرم نمیاد چون سر چند چیز به من گیر بیخود داده بود و حتی روم دست بلند کرد پدرم بعد از 14 سال باهاش صحبت کرد و این بهش برخورد و از اون موقع خونه بابام نمیاد و من واقعا ناراحتم و پیش فامیل سرافکندم کرده. تو این 14 سال پدرم هیچی رو به روش نیوورده و همیشه به این خاطر رابطه شون خوب بوده ولی از موقعی که پدرم کمی نصیحت دوستانه کرده قطع ارتباط کرده. من هم مقابله به مثل کردم و به خونه پدر شوهرم نرفتم ولی تاثیری نداشت. بعد تصمیم گرفتم به خونه پدر شوهرم برم شاید اونهم عوض بشه. ولی باز هم تاثیری نداشت. الان هم خودمو به بی خیالی زدم. اهل صحبت و مشاوره هم نیست واقعا دچار افسردگی شدم. اصلا دوست ندارم کسی از فامیل مشکلات منو بدونه ولی به شوهرم اصلا مهم نیست. لطفا راه حل بدین. جواب: اول اینکه مرد اگر لج کنه باید در مقابلش لج نکنی. بلکه باید حلم و بردباری کنی. و مشکل شما ارتباط شما با شوهرت هست نه خانواده شما. احتمالا در مقابل شوهر غز می زنید یا فوراً تمکین نمی کنید و جلوش می ایستید. ولی اگر هرد لج کنید کار بدتر میشود

\*\*\*\*

## مهربانی با همسر جزو اخلاق محمدی است

از موارد مهم مهربانی در خانواده، مهربانی زن و شوهر نسبت به هم بویژه مهربانی شوهر نسبت به همسر خود می باشد. خداوند در سوره روم فرموده یکی از آیات الهی و معجزات خلقت این است که خداوند از جنس شما همسر افرید تا در کنارش آرامش داشته باشید و بین شما محبت قرار داد

اگر زن و شوهر بخواهند از زندگی لذت ببرند چاره ای نیست که باید همیشه باهم مهربان باشند. لذا زن و شوهر هایی هستند که انچنان باهم مهربان بوده اند که حتی در سن پیری بهم عشق می ورزیدند. و وقتی یکی از دنیا رفته، دیگری هم به فاصله کمی حتی دیده شده یکساعت بعد، از دنیا رفته است

و طاقت دوری از همسر مرحوم خود را نداشته است. خداوند امر و سفارش به این نوع محبت کرده و ان را تایید نموده و عشق مقدس همین عشق است عشق زن و شوهر بهم. که نمونه ان محبت بین علی و زهرا سلام الله علیهما است. که خداوند در قران در سوره الرحمان از آن اینگونه تعبیر فرموده است

مرج البحرين يلتقيان... دو دریا بهم پیوستند... یخرج منهما لولو والمرجان.... از این دو دریا

جواهراتی (حسن و حسین و زینب و ام کلثوم) بیرون آمد.... عجب تعبیری خداوند مهربان از ازدواج علی و زهرا سلام الله علیهما فرمود....

اگرچه محبت در بین بسیاری از زن و شوهرها وجود دارد ولی متأسفانه تعداد زیادی هم خانواده هایی هستند که همیشه در ان جنگ و دعوا و ضرب و جرح و ناراحتی است و اکثراً زنها مورد ظلم شوهر... قرار می گیرند و گاهی هم بر عکس شوهر مورد ظلم زنش قرار می گیرد

داستان حضور پیامبر در حجره حفصه ....

پیامبر خدا در حجره حفصه بودند و تب و لرز داشتند. عایشه اشی برای حضرت فرستاد ولی حفصه ظرف اش را شکست..پیامبر دید کمی اش روی تکه ای از ظرف مانده. ان را خوردند و به اورنده اش فرمودند به عایشه بپو پیامبر اش را خوردند.

فرزندان .... می گفتند پدرمان مادرمان را اذیت می کند.....

مداح مشهور دست زنش رو شکسته بود!..

..یه روز دیدم نماز گزاری زانوی غم به بغل گرفته..معلوم شد با زنش سر جوراب دعوا کرد و زنش رو خانه پدرش فرستاده...

یا در نماز جمعه اقای با دوتا بچه کوچک آمده بود با زنش دعواش شده بود چند تا سیلی بش زده بود اونم قهر رفته بود...

.اگر کنترل خشم داشته باشیم زندگی با دعوا تلخ نمیشود.پیامبر هیچوقت تو خانواده عصبانی نمی شدند...\*\*\*\*

مرد تو خونه به همسرش کمک کند:

امام صادق علیه السلام فرموده اند

«کان امیرالمومنین علیه السلام یحتطب و یسقی و یکنس و کانت فاطمة تطحن و تعجن و تخبز»

امیرالمومنین علیه السلام در خانه به کارهای مشکل می پرداخت هیزم جمع آوری می کرد، آب به منزل می آورد و جارو و نظافت منزل را بعهده داشت و فاطمه زهرا سلام الله علیها گندم را با آسیاب دستی آرد می کرد و خمیر می کرد و نان می پخت

بحار ج 43 ص 151 / به نقل از رساله امام سجاد علیه السلام، شرح نراقی

حضرت امام می رفت آشپزخانه و می فرمود کمک از بهشت آمده

مرد کارهای شخصی خود را خود انجام دهد و مرتب به خانواده اش دستور ندهد!



درباره حضرت امام می گفتند هیچ وقت از همسرش و فرزنداناش چیزی درخواست نمی کرد. سید احمد می گفت ما ارزو می کردیم امام به ما مثلا بگوید برایم یک لیوان آب بیاورید ولی امام خود می رفت و آب می آورد.

در زمان رسولخدا(صلی الله علیه و آله) شخصی وضع مالیش سخت شد و همسرش به او گفت ای کاش نزد رسولخدا(صلی الله علیه و آله) می رفتی و از او چیزی طلب می کردی آن مرد نزد رسولخدا(صلی الله علیه و آله) آمد وقتی که حضرت او را دیدند قبل از اینکه او صحبتی کند حضرت فرمود: هر کس از ما سؤال کند به او عطا می کنیم و هر کس از ما نخواهد خدا او را بی نیاز می کند. آن مرد با خود گفت رسولخدا(صلی الله علیه و آله) غیر مرا قصد نکرده پس بهانه برگشت و جریان را به زنش گفت. زنش گفت: رسولخدا(صلی الله علیه و آله) هم بشر است او از کجا خبر دارد ما گرسنه هستیم. برو و او را از وضع زندگی ما آگاه کن آن مرد پیش رسولخدا(صلی الله علیه و آله) رفت و پیامبر همان جمله را فرمودند و تا سه بار این رفت و برگشت پیش آمد تا اینکه آن مرد عزم خود را جزم کرد تا سخن پیامبر را بکار ببندد پس رفت و یک تبری عاریه کرد و بالای کوهی رفت و هیزم تهیه کرد و فروخت و به جای آن آرد گرفت و آن شب غذا تهیه کردند و فردا هیزم بیشتری تهیه کرد و فروخت و روز به روز وضعش بهتر شده پس تبری خرید و بعد دو شتر بارکش و سپس غلام خرید و توانگر شد آنگاه نزد پیامبر آمد و شرح حالش را گفت رسولخدا فرمود من که به تو گفتم هر کس از ما نخواهد می دهیم و هر کس نخواهد خدا او را بی نیاز می کند

آیست آبرو که نباید بجوی باز

از تشنگی بمیر و نبر آبروی خویش

دست طمع که پیش کسان می کنی دراز

پل بسته ای که بگذری از آبروی خویش

در خانه کارهای شخصی خود را خود انجام دهید مثلاً نگوید برایم آب بیاورید! خودتان بروید آب بیاورید.

اگر سر سفره نشسته اید نگوید اون پارچ آب را به من بدهید! خودتان بلند شوید و آن را بیاورید.

در بین همکارانتان که هستید باز چیزی و درخواستی از آنها نکنید. قرض نکنید مگر اینکه مجبور شوید. تا می توانید وام درخواست نکنید تا بعد نیاز به درخواست ضمانت و امثال آن پیدا کنید.

دستور دادن و درخواست کردن برای کارهای شخصی، انسان را تحقیر می کند.

□ آیت الله حق شناس میفرمود:

در زمانی که بنده درس طلبگی می خواندم، به استادم گفتم: دایی بنده میلارد است، ولی هیچ [?] توجهی به بنده ندارد!

استاد گفت: این صحبت تو نشانه این است که محبت دنیا در قلب تو رسوخ کرده است، هر چه [?] زودتر باید این محبت را از قلب خودت خارج کنی.

دایی کدام است؟! باید خدا و امام زمان (ع) رزق تو را بدهند. [?]

چند سالی که من در کلاس اخلاق شرکت کردم، یک روز شیخ رضا علما پیش من آمد و □ □ گفت: من پیش دایی شما رفته ام و برای شما یک ماهیانه تعیین کرده ام.

بنده وقتی این حرف ایشان را شنیدم، خیلی ناراحت شدم و گفتم: شما با اجازه چه کسی چنین □ کاری کردی؟! روز قیامت در حضور پیغمبر (ص) گریبان تو را خواهم گرفت!

گفت: باباجان! من به شما احسان کرده ام. □ □

گفتم: خیر، این کار شما احسان در حق من نبوده است! و اگر بخواهی که من از سر تقصیر تو □ بگذرم، باید بروی و به دایی بنده بگویی که اگر تو پول می خواهی، به من مراجعه کن!

البته بنده در آن زمان هیچ پولی نداشتم، ولی با توجه به مقام مقدس امام زمان (ع) این حرف را می □ زدم.

ببینید مطالب اخلاقی چه تأثیری می کند! من همان کسی بودم که از دایی خودم توقع مالی داشتم.<sup>۴۵۴</sup> □

امام سجاد علیه السلام در دعای مکارم الاخلاق می فرمایند:

وَلَا تَفْتِنْنِي بِالْأَسْتِعَانَةِ

برخیزم، و در بیچارگی به پیشگاه تو بنالم، و مرا به کمک خواستن از

بَغَيْرِكَ إِذَا اضْطَرَرْتُ، وَلَا بِالْخُضُوعِ لِسُؤَالِ غَيْرِكَ إِذَا

غیر خود چون مضطر شوم، و به فروتنی برای مسئلت از غیر خود چون

اِفْتَقَرْتُ، وَلَا بِالْتَّضَرُّعِ إِلَى مَنْ دُونِكَ إِذَا رَهَبْتُ، فَاسْتَحِقَّ

ندار شوم، و به زاری کردن به درگاه غیر خود چون بترسم گرفتار مکن، که به آن خاطر

بِذَلِكَ خِذْلَانُكَ وَمَنْعُكَ وَاعْرَاضُكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

.سزاوار خواری و منع از رحمت و بی‌اعتنایی از جانب تو شوم، ای مهربانترین مهربانان

عصبانیت خود را کنترل نمائید

که اگر هر فردی به هر دلیلی به ما حرف های ناراحت کننده زد، یا عملی انجام داد که ما عصبانی

شدیم باید خشم خود را فرو بخوریم و در مقابل عکس العملی نشان ندهیم.

## پیامبری که کوه خورد!

از امام رضا علیه السلام روایت شده که:

خدای عزّوجلّ به پیامبری از پیامبرانش وحی فرمود: چون صبح کردی نخستین چیزی را که با آن رو

به رو شدی بخور صبح که شد آن پیامبر به راه افتاد و با کوه سیاه بزرگی رو به رو شد. ایستاد و گفت:

پروردگارم عزّوجلّ مرا فرموده است که این را بخورم و متحیر ماندم، ولی به خود آمدم و گفتم:

پروردگارم، جلّ جلاله، مرا به کاری که توانش را ندارم فرمان نمی دهد. لذا به طرف کوه رفت تا آن

را بخورد. هر چه به آن نزدیک می شد، کوه کوچکتر می گشت و وقتی به آن رسید کوه را لقمه ای

یافت و آن را خورد و دید خوشمزه ترین چیزی است که تا کنون خورده است.

بعد به او گفتند این کوه مثال خشم و عصبانیت است که اولش سخته ولی اگر کنترلش کنی شیرین

خواهد بود.

بسیاری از دعوایها و اختلافات از عدم کنترل عصبانیت است. لذا قرآن و اهل بیت به ما توصیه کرده اند

حتما عصبانیت خوتون رو کنترل کنید. گاهی بر اثر عدم کنترل عصبانیت افرادی بوده اند که مادر

خود یا پدر خود یا رفیق خود یا همسر خود را کشته اند! گاهی باعث شده اند یک طایفه اواره شهرها

باشوند.

بهترین راه کنترل عصبانیت این است که انسان صلوات بفرستد و وضو بگیرد و در حال عصبانیت هیچ

سخنی نگوید. هیچ تصمیمی نگیرد. از نظر شرعی تصمیمات ادم عصبانی اعتباری ندارد. قسمش یا

نذرش اعتبار ندارد.

مومن باید خوش اخلاق باشد و تا می تواند عصبانی نشود.

ایه الله حسن زاده نامه نوشت برای دیدار امام زمان. اما چند روز بعد عصبانی شد و با خانواده اش

بد اخلاقی کرد. جواب نامه آقای قاضی امد که: ایشان چگونه می خواهند این راه را طی نمایند با آن

اخلاقی که نسبت به عائله و کودکان انجام و با آنها دعوا کردند، با آن اخلاق تند چگونه می شود به

این رتبه و مقام رسید.»

هر کسی به امام کاظم علیه السلام بدی می کرد حضرت براش هدیه می فرستاد..

ما هم این روش را امتحان کنیم. اگر کسی به ما بدی کرد بجای تلافی کردن، بش خوبی کنیم. بش

هدیه بدهیم. بعد اثر معجزه اسایش را که دوستی و جلب محبت طرف است می بینیم.

مشکلات خود را به کسی نگوئید

ادم نباید مشکلات خود را به دیگران حتی رفیقش بگوید. چون اثرش این است که ادم شکست خورده ای به نظر می رسیم!

مفضل بن قیس در اثر گرفتاری مالی نزد امام صادق (علیه السلام) آمد و از وضع زندگی خود لب به شکایت گشود و به امام عرض کرد مبلغی بدهکارم. نمی دانم چگونه بدهی خود را ادا کنم و برای هزینه زندگی درآمدم ندارم و ... امام دستور دادند کیسه حاوی چهارصد دینار طلا برای او آوردند و بعد فرمود: هرگز برای مردم گرفتاری خود را بازگو مکن زیرا نخستین اثرش این است که وانمود می شود تو در صحنه زندگی شکست خورده ای .

علی (علیه السلام) می فرماید:

((رضی بالذل من کشف ضره لغیره))

راضی شده به ذلت کسی که گرفتارش را برای غیر ظاهر کند.

این پنج چیز را با مردم مطرح نکنید!

رازهایتان

گناهان و خطاهایتان

**زندگی خصوصی**

**درآمدها**

آیا دوست دارید دیگران درباره درآمدهایتان پرس و جو کنند؟ نه

نقاط ضعفتان!



#### 4- بیماری خود را مخفی نمایید!

بعضی ها عادت بدی دارند وقتی پیش یه نفر می نشینند شروع می کنند مرض های خودشون رو گفتن. که بله من دیابت دارم! من قلبم مشکل داره! من کلکسیون بیماری ها هستم من... این باعث میشود احترام انسان نزد دیگران کم شود.

پیامبر خدا فرمود:

أَرْبَعٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ: كِتْمَانُ الْفَاقَةِ، وَ كِتْمَانُ الصَّدَقَةِ، وَ كِتْمَانُ الْمُصِيبَةِ، وَ كِتْمَانُ الْوَجَعِ.  
:چهار چیز از گنج های بهشت است: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:  
پنهان داشتن ناداری، پنهان داشتن صدقه، پنهان داشتن مصیبت و پنهان داشتن درد.<sup>۴۵۵</sup>

اگر مثلا دل درد داریم لازم نیست به کسی بگیم حتی به والدین یا همسر. چون اونها هم نگران میشوند. فقط به پزشک و پرستار گوییم.

گاهی پیش بعضی دوستان که می رویم می بینیم وقتی تعریف می کند می گوید مثلا تا بحال چند تا عمل داشته ام و چندبار بیهوشم کردند! ارتروز دارم و درد میکشم! و... اینجور حرف زدن باعث میشود ادم کم ارزش شود.

#### کمک به دیگران را مخفیانه انجام دهید

به ما سفارش شده که اگر می خواهیم به نیازمندی کمک کنیم ان را مخفیانه انجام دهیم چون اینجوری دارای چند تا فایده است.

یکی اینکه آبروی طرف حفظ میشود. و دچار خجالت و شرمندگی نمی گردد. یکی اینکه باعث ریاکاری و اشکال در قصد اخلاص ما نمیشود. یکی اینکه باعث ناراحتی دیگران نمیشود! مثلاً اگر به همسرمان بگوییم مبلغی پول به مادرمان یا خواهرمان کمک کرده ایم احتمال دارد باعث ناراحتی همسرمان بشود و شاید هم باعث دعوا بشود که ما خودمان نیاز داریم چرا رفتی کمک کردی!

أَرْبَعٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ : كِتْمَانُ الْفَاقَةِ ، وَ كِتْمَانُ الصَّدَقَةِ ، وَ كِتْمَانُ الْمُصِيبَةِ ، وَ كِتْمَانُ الْوَجَعِ

:چهار چیز از گنج های بهشت است : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:

پنهان داشتن ناداری، پنهان داشتن صدقه، پنهان داشتن مصیبت و پنهان داشتن درد.<sup>۴۵۶</sup>

نقل است وقتی فقیری نزد میرزای شیرازی می رفت او کنار فقیر می نشست و پول را در جیب فقیر می گذاشت که گاه خود فقیر متوجه نمی شد!

در روایت است طوری صدقه بدهید که اگر با دست راست صدقه می دهید دست چپ نفهمد!

## بخشنده و سخاوتمند باشید

ادم خوبه سخاوت داشته باشد. بخیل و خسیس نباشد.

ادمای سخاوتمند پیش مردم احترام دارند و ادمای خسیس و بخیل برعکس حتی گاهی خانواده اش  
ارزوی مرگش را دارند!

سوره هل اتی در پی بخشندگی اهل بیت نازل شد

همچنین در پی بخشش انگشتر علی علیه السلام در حال رکوع، خداوند در سوره مائده ایه ولایت را  
نازل کرد.

در روایت است که حاتم طائی که در جاهلیت زندگی می کرد و خیلی بخشنده بود در قیامت چون  
کافر بوده جهنم میره ولی خدا به اتش میگه بترسونش ولی نسوزونش

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: <sup>۴۵۷</sup>

---

<sup>457</sup> کافی (ط-الاسلامیه) ج 4، ص 40، ح 9 - بحار الأنوار (ط-بیروت) ج 70، ص 308، ح 37  
السَّخِيُّ قَرِيبٌ مِنَ اللَّهِ ، قَرِيبٌ مِنَ النَّاسِ ، قَرِيبٌ

«سقاوتمند به خدا، مردم و بهشت نزدیک است

پیامبر (ص) فرمود: سقاوتمند به خدا و بهشت و مردم نزدیک است و از آتش دور می باشد و  
بخیل از خدا و مردم و بهشت دور بوده و به جهنم نزدیک است و جاهل بخشنده بهتراست نزد خدا از  
عابد بخیل.<sup>۴۵۸</sup>

مرد نباید خسیس باشد و به خانواده اش سخت بگیرد.

خانمی می گفت من رو به کمیته امداد معرفی کنید. گفتم شوهر داری؟ گفت بله و بازاری هست ولی  
پول برای درمان من نمی دهد.

یا دختر خانمی می گفت با اینکه پدرم پول زیادی در بانک دارد ولی برای رفع مشکلات خانواده  
خرج نمی کند.

و هزاران مورد از خانم هایی که از خساست شوهرانشان شکایت دارند.

اسلام توصیه کرده باندازه درآمدی که داری خرج کن چه برا خانواده چه در راه خیر. و هشدار داده  
که انهایی که ثروت را ذخیره می کنند همین ثروت برایشان عذاب می شود.

اهل عفو و گذشت باشید

کسی که از خطا و اشتباهات دیگران می گذرد ادم بزرگی است.

### چرا خندیدی؟

شخصی اعرابی به مسجد آمد، و گفت:

یا رسول الله در قیامت چه کسی به حساب مردم رسیدگی می کند؟

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود، الله عزوجل (تبارک و تعالی جل جلاله ربی)

اعرابی خندید!

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: چرا خندیدی؟

گفت: برای این که

«کریم زمانی که به قدرت برسد می بخشد»<sup>۴۵۹</sup>

بخشنده اگر به قدرت برسد می بخشد!

ادمی که اهل عفو و گذشت هست عزیز میشود.

عَلَيْكُمْ بِالْعَفْوِ؛ فَإِنَّ الْعَفْوَ لَا: حقیقتی که در کلام پیامبر خدا (ص) این گونه منعکس شده است

بر شما باد گذشت؛ زیرا که گذشت جز بر عزّت <sup>[460]</sup> یزیدُ العبدِ إِلَّا عِزًّا، فَتَعَاَفَوْا يَعْزِّكُمْ اللهُ

بنده نمی افزاید. پس از یکدیگر گذشت کنید تا خداوند شما را عزّت بخشد

امام سجاد(ع) فرمود: اگر مردی به تو از راست بدی کرد و از طرف چپ غدر خواسته به تو روی

آورد تو از

او قبول نموده و او را عفو نما.

اخلاق محمدی آخوند خراسانی

<sup>459</sup> مجموعه ورام: 9/1، الجزء الأول؛ «قال أعرابي يا رسول الله من يحاسب الخلق يوم القيامة قال: الله عز و جل ! قال: نجونا و رب الكعبة قال و كيف ذاك يا أعرابي قال لأن الكريم إذا قدر عفا».

<sup>460</sup> الكافي، ج 2، ص 108، ح 5؛ منتخب میزان الحکمة، ج 2، ص 698، ح 4326.

یک شخص سخنرانی بود و به خاطر اختلاف سلیقه ای که با آخوند خراسانی داشت، در منبر به ایشان توهین می کرد. این فرد مشکل مالی پیدا کرد و قصد داشت منزل خود را به فروش رساند. خریدار گفت به یک شرط منزل شما را می خرم که آخوند خراسانی آن را تایید کند. این شخص هم چون چاره ای نداشت با شرمندگی نزد آخوند خراسانی رفت و گفت که پای قولنامه را امضا کنند. آخوند خراسانی به ایشان گفتند: "چرا منزل خود را می فروشید؟" آن شخص گفت که من گرفتاری پیدا کرده ام و به پول احتیاج دارم. آخوند خراسانی مقداری پول به او داد و گفت که خانه خود را بفروش و با این پول مشکل خود را حل کن.

مرد خانه باید اهل گذشت باشد و از اشتباهات همسرش و فرزندانش بگذرد تا زندگی شیرین باشد.  
نشاط رشد دهند.

اگر می خواهید فرزندانان از نظر روحی سالم باشند، باید در خانه «سخت گیری» و «بهانه جویی» نکنید، از «منفی نگری» بپرهیزید، «سعه صدر» داشته باشید و در رابطه با همسر و فرزندانان از خود، گذشت و نرمی نشان دهید. نگذارید سخنان تند و نیش دار و کردار بد، صفا و دوستی و محبت را از میان ببرد و زمینه را برای رشد دیگر اختلاف ها، کدورت ها و نابسامانی ها فراهم سازد. یادمان باشد همه اتفاق هایی که پیش چشم فرزندانمان در محیط خانه رخ می دهد، در رفتارشان بازتاب می یابد و فراموش نکنیم که قرار است، ما با همسرمان سال های سال زندگی کنیم، پس بخشش، بزرگ منشی و سعه صدر را در رفتار و کردارمان رعایت کنیم تا کم کم در مراحل بعدی از اشتباه های همسرمان نیز کاسته شود.

حتما در زندگی زنشویی موارد زیادی پیش می آید که نظرات زن و مرد باهم جور در نمی آید و باهم مخالف است. یا اینکه مرد کاری می کند که زن با آن مخالف است یا برعکس زن کاری می کند که

مرد با ان مخالف است و این منجر به ناراحتی از هم می شود. عشق و علاقه جای خود را به تنفر و ناراحتی از هم می دهد.

چه در مسائل جزئی و چه در مسائل مهم

موردی داشتیم که زن و شوهر برای طلاق باهم توافق کرده بودند وقتی با انها صحبت کردم دیدم که سر یک مساله خیلی کوچک از هم ناراحت شده اند و منجر به تصمیم به طلاق شده که با کمی صحبت با انها، از طلاق منصرف شدند.

در حالی که باید در این موارد مرد خشم و ناراحتی خود را کنترل کند و با برخوردی پخته مساله را حل نماید.

حضرت علی (ع) مدارا با همسر را در همه حال تأکید نموده است

«با زنان در همه حال مدارا کنید ، خوش زبان و نرمخو باشید ، و در تمام امور نیکی نمایید »

